اطلاعات

چهارشنبه یکم شهریور ۱۳۹۱ ـ ۴ شوال ۱۴۳۳ ـ ۲۲ آگوست ۲۰۱۲ ـ شماره ۲۵۳۹۰ ـ ۲۰ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – ۲۰۰ تومان

موافقت رهبر معظم انقلاب با عفو و تخفیف مجازات شماری از محکومان

* باقیمانده محکومیت حبس تمامی محکومان جرائم غیرعمدی به استثنای موارد مذکور در مواد ۷۱۸ و ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی بخشیده شد
* باقیمانده محکومیت حبس زنانی که سرپرستی فرزندانشان را عهده‌دار هستند، بخشیده شد

صفحه ۲

روسیه: سازمان ملل تنها تصمیم‌گیرنده درباره سوریه است

* فرانسه: بدون کناره‌گیری بشار اسد، راه حل سیاسی در سوریه وجود ندارد
* اوباما: استفاده سوریه از سلاح‌های شیمیایی خط قرمز آمریکاست
* انفجار یک بمب قوی در شهر «غازی آنتپ» ترکیه ۹ کشته و ۶۴ زخمی به جا گذاشت

صفحه ۱۶

رونمایی رئیس جمهوری از ۶ دستاورد دفاعی

رئیس جمهوری: پیشرفت صنایع دفاعی ایران برای کشورگشایی نیست

* ملت ما فرهنگی است و زندگی‌اش سرتاسر هنرورزانه است
* می‌توانیم در یک برنامه دهساله در صنعت هوایی به کشور مرجع تبدیل شویم
* سردار وحیدی وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح: توانسته‌ایم در صنعت دفاعی ۱۴۳۶ محصول ارائه دهیم که ۱۹۲ محصول آن در سال گذشته بوده است
* بهره برداری از جنگنده‌های ساخت وزارت دفاع نسل جدید پرنده‌ها، پهپادها و زیر دریایی‌ها از برنامه‌های آتی این وزارتخانه است
* موشک ارتقا یافته نسل چهارم فاتح ۱۱۰، موتور دریایی بنیان ۴، آزمایشگاه پرنده آرمیتا، خودرو تاکتیکی ارس خمپاره انداز وفا و سامانه جهت‌یاب و شنود دیروز رونمایی شد

رئیس‌جمهوری با تأکید بر این نکته که جمهوری اسلامی ایران پیشرفت صنایع دفاعی را برای کشورگشایی و تسلط بر سایر کشورها نمی‌خواهد، تصریح کرد: صنعت دفاعی این سرزمین تلاش دارد خود را برای دفاع از کیان انسانی و آزادگی انسان‌ها مجهز کند.

به گزارش ایسنا، محمود احمدی‌نژاد پس از رونمایی از شش دستاورد صنایع دفاعی کشور در پاسخ به این سؤال که چرا به صنایع دفاعی اهمیت می‌دهیم و چرا باید بخش عمده‌ای از توان کشور صرف بخش دفاعی شود، افزود: خدا انسان را برای عزت، سربلندی و زندگی سعادتمند آفریده است، نه این‌که با بداخلاقی و جنگ و ستیز در ذلت زندگی کند. در مقابل شیاطین هستند که می‌خواهند انسان را به ذلت بکشند و برای همین هدف هم با پیامبران مقابله کردند تا نگذارند پیام آنان به مردم برسد و بتوانند زمینه زورگویی و سلطه شیاطین را بر ملت‌ها استمرار ببخشند. ما می‌خواهیم از حقیقت انسانی در برابر این هجوم شیطانی دفاع کنیم تا فضایی برای کمال انسان‌ها و عدالت در جامعه فراهم شود.

احمدی‌نژاد با تاکید بر نقش ایران در این تقابل گفت: در این دفاع

بقیه در صفحه ۲

آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی:

برگزاری اجلاس سران غیرمتعهدها نشانه ثبات سیاسی ایران است

* در شرایط خاص کنونی و تحولات منطقه و القاء انزوای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی توسط آمریکا، برگزاری اجلاس غیرمتعهدها در تهران از نظر سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است
* سفیر پاکستان: پاکستان در سطح عالی در این نشست شرکت می‌کند
* وزیر صنعت، معدن و تجارت: برگزاری اجلاس جنبش عدم تعهد نشانگر اقتدار ایران است
* معاون اول قوه قضائیه: فلسفه جنبش عدم تعهد ایستادگی در برابر آمریکا و صهیونیسم است

فعالیت‌های قرآنی و برپایی نمایشگاه‌ها باعث می‌شود فضای کشور، قرآنی و معنوی شود.

به گزارش مرکز روابط عمومی، اطلاع رسانی و امور بین‌الملل وزارت ارشاد، آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی در دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مشهد مقدس با بیان مطلب فوق افزود: در سال‌های اخیر توجه به برنامه‌های قرآنی افزایش یافته است و این عنایت و رویکرد به قرآن، باعث خیر و برکت برای کشور می‌شود.

وی در ادامه اظهار داشت: کسب آگاهی و معرفت نسبت به تعالیم قرآنی برای بهره‌مندی از زندگی و جامعه‌ای سالم و قرآنی، امری لازم و ضروری است.

آیت‌الله‌العظمی موسوی اردبیلی اشاعه و ترویج آموزه‌های قرآنی را از مهم‌ترین وظایف مسئولان و رسانه‌ها در جامعه دانست و برپایی نمایشگاه‌ها و مسابقات قرآنی را که ازسوی وزارت ارشاد برگزار می‌شود

بقیه در صفحه ۲

سخنگوی اقتصادی دولت خبر داد

ذخیره کافی کالاهای اساسی در کشور

* بخش قابل توجهی از کالاهای اساسی به مبادی گمرکی وارد شده است
* کمیته تنظیم بازار ارز با مسئولیت بانک مرکزی برای بررسی تحولات این بازار تشکیل شده است
* رئیس کل گمرک ایران: ۱۲ میلیون تن کالا در چهار ماهه گذشته از گمرک ترخیص شده است

صفحه ۴

تشکیل قرارگاه دفاع بیولوژیک برای مقابله با تهدیدهای زیستی

* سردار غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیر عامل کشور: با تشکیل این قرارگاه، تهدیدهای حوزه زیستی و بیولوژیک که حوزه انسان، دام، گیاه، آب، غذا و محیط را در بر می‌گیرد، بر طرف می‌شود
* تهدیدهای دشمن علیه زیرساخت‌های انرژی هسته‌ای کاملاً ناکارآمد شده و توان مقاومت ما در این حوزه افزایش یافته است

صفحه ۱۳

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان...

ابوالقاسم ـ قاسم زاده

سوریه از آغاز بحران تاکنون

در ستون «محک» از آغاز بحران سوریه، مقالاتی در اختیار خوانندگان قرار گرفت تا ضمن ارائه اطلاعات، مسیر تحولات این بحران آنگونه که ادامه دارد تحریر گردد. محور اصلی در این نوشته‌ها رد یا دفاع از شخص و یا شخصیت خاصی نبوده و نیست. بلکه اصل بر شناخت ماهیت این بحران در یک کشور مسلمان است که در تقابل دو طرف از یک‌سو دولت کنونی سوریه به ریاست جمهوری بشار اسد و از سوی دیگر مخالفان او و در چتر حمایتی آمریکا، اسرائیل و مثلث کشورهای همراه آنها ترکیه، قطر و عربستان سعودی قرار گرفته‌اند.

میدان جنگ را تقابل این دو طرف مدیریت و اداره می کنند. در کنار استراتژی جنگ، سه کشور ایران، روسیه و چین با شناخت از ماهیت بحران سوریه که براساس استراتژی «تغییر رژیم» از سوی دولت «اوباما» در خاورمیانه می‌چرخد، قرار گرفته‌اند که مواضع اصلی این سه کشور، پایان دادن به جنگ و کشتار و حل مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک این بحران است.

یک‌سال و نیم از جنگ در سوریه گذشته است و هنوز نه مخالفین و نه دولت بشار اسد، هیچکدام در شکست کامل طرف مقابل موفق نشده‌اند. امروز همه مجامع بین‌المللی دریافته‌اند که مانع اصلی آتش‌بس و حل دیپلماتیک بحران، دولت آمریکا است. در این مدت یک‌سال و نیم از جنگ، کشتار هزاران تن از شهروندان سوریه و تخریب و ویرانی بسیار در این کشور، تا اینجای کار نتیجه سیاست‌های آمریکا و همراهان او ترکیه، قطر و عربستان بوده است. در یک ماه گذشته موج حملات مخالفین در شهرهای حلب، حمص، دمشق و چندین شهر دیگر از سوی ارتش سوریه پس زده شد و باز تا اینجای کار سیاست تسلیح مخالفین از سوی غرب و پرداخت میلیون‌ها دلار به مخالفین از سوی قطر و عربستان و حمایت اطلاعاتی و آموزشی ترکیه، انگلستان و اسرائیل هیچ نتیجه قابل ملاحظه‌ای نداده است. بسیاری از مجامع سیاسی در غرب و در سطح کشورهای منطقه معتقدند بن‌بست بحران سوریه پیچیده‌تر شده است و استراتژی تقابل نظامی و جنگ به دیوار سخت دفاعی ارتش سوریه می‌خورد و محصولی به جز کشتار ندارد. وزیر خارجه روسیه دیروز گفت، شواهد روشنی در دست است که غرب (آمریکا) سلاح‌های غربی در اختیار مخالفین قرار می‌دهد و آتش جنگ را روز به روز شعله‌ورتر می‌سازد. بعد از این گفته وزیرخارجه روسیه، «اوباما» رئیس جمهور آمریکا برای اینکه از قافله جنگ سیاسی ـ تبلیغاتی عقب نماند به دولت بشار اسد هشدار داد که اطلاعاتی را به‌دست آورده است که «سلاح‌های شیمیایی» توسط دولت سوریه جابه‌جا می‌شود. رئیس جمهور آمریکا گفت: اگر این داده‌ها صحت داشته باشد و جابه‌جایی سلاح‌های شیمیایی توسط دولت بشار اسد صورت گرفته باشد. مواضع دولت آمریکا از این مرحله به بعد تغییر خواهد کرد. اگرچه تاکنون آمریکا دخالت مستقیم نظامی در بحران سوریه را در دستور کار قرار نداده است!

در هفته‌های گذشته، پس از شکست تهاجم نظامی مخالفین، خبر از اجرای «منطقه پرواز ممنوع» از سوی آمریکا (ناتو) علیه سوریه در صدر اخبار قرار گرفت تا آنجا که اجرای این طرح را ژنرال‌های ارتش آمریکا خطرناک و هزینه‌ساز خواندند. وزیرخارجه دولت «اوباما»، خانم کلینتون مجبور شد در ترکیه به صورت علنی بگوید، هنوز هیچ طرحی برای اجرای «منطقه پرواز ممنوع» علیه سوریه در دستور کار دولت آمریکا قرار ندارد.

واقعیت بحران سوریه تا اینجای کار آشفتگی شدید هم در صحنه جنگ و هم در میدان سیاست است. در این آشفتگی، مأموریت نظامیان سازمان ملل «صلحبانان» در سوریه پایان گرفته است و مجموع سیصد و چند نفر از افسران سازمان ملل خاک سوریه را ترک کرده‌اند و تنها دفتر کوچکی با چند نفر مسئول از سوی سازمان ملل در دمشق باقی مانده است. در حالی که بار دیگر دبیرکل سازمان ملل (بانکی مون) به آقای «اخضر ابراهیمی» سیاستمدار صاحب‌نام الجزیری مأموریت داده است تا به جای «کوفی عنان» قرار گیرد و مأموریت برقراری «آتش‌بس» در سوریه را به انجام برساند.

آقای اخضر ابراهیمی بعد از پذیرفتن مسئولیت جدید از سوی سازمان ملل در یک مصاحبه مطبوعاتی ـ تلویزیونی گفت «مأموریت من برقراری آتش‌بس و شروع مذاکره دو طرف درگیر است. من از جنگ نمی‌توانم سخن بگویم، مأموریت من تنها برقراری آتش بس و صلح است.» او ابراز تمایل کرده است تا از کشورهای مصر، عربستان، ایران، قطر و ترکیه دیدار و از مقامات این کشورها برای برقراری آتش‌بس در سوریه تقاضای کمک کند. آقای اخضر ابراهیمی با وزراء خارجه آمریکا، روسیه و چین نیز دیدار خواهد کرد و با مسئولین کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان (اتحادیه اروپا) دیدار و گفتگو خواهد داشت. چندان امیدواری به موفقیت مأموریت آقای ابراهیمی نمی‌رود، اگرچه بسیاری از کشورها قول همکاری با او را داده‌اند.

بحران سوریه تا اینجای کار هم مشکل منطقه‌ای و هم معضل بین‌المللی شده است. در ترکیه، احزاب مخالف دولت اردوغان به صورت علنی به میدان آمده‌اند و سیاست کنونی دولت را نقد و آن را خلاف مصالح ملی ترکیه می‌خوانند. برخی از تحلیلگران سیاسی نوشته‌اند دولت «اردوغان» در ترکیه همان اشتباهی را مرتکب شده است که ۳۰ سال قبل دولت پاکستان انجام داد. دولت پاکستان ۳۰ سال قبل دست در دست آمریکا گذاشت و سازمان اطلاعاتی آمریکا با همکاری مخفی و گسترده با سازمان اطلاعاتی ـ امنیتی پاکستان طالبان را در افغانستان حاکم و از جریان تروریستی طالبان ـ القاعده حمایت کرد. سرانجام بعد از ۳۰ سال دولت پاکستان امروز دریافته است که همکاری با آمریکا در افغانستان اشتباه بوده و اکنون بخش وسیعی از بحران افغانستان بر سر دولت پاکستان فرود آمده است در حالی که دولت آمریکا نیز استقلال ملی دولت پاکستان را به صورت مستمر مورد تهدید و تجاوز قرار می‌دهد. در داخل پاکستان نیز گروه‌های مسلح طالبان و القاعده بزرگترین مشکل امنیتی این کشور شده‌اند. احزاب مخالف دولت اردوغان در ترکیه، طرح خاورمیانه جدید از سوی آمریکا را مبهم و خطرناک ارزیابی می کنند. آنها سیاست آمریکا ـ اسرائیل در سوریه را در نهایت تجزیه این کشور به سه بخش یا منطقه می‌شمارند. منطقه علوی‌ها در حاشیه بخش مدیترانه‌ایی سوریه، منطقه سنی‌نشین در بخش‌های منطقه حلب و ادامه آن تا مرزهای اردن و عراق و بخش یا منطقه کردنشین‌ها را به صورت دولتی خودمختار و مستقل در حاشیه و کناره مرزهای ترکیه ترسیم می کنند. تشکیل منطقه‌ایی به صورت دولت خودمختار کرد در کناره مرزهای ترکیه که از حمایت بخش و دولت خودمختار کردهای عراق نیز برخوردار خواهد شد و سیاست اسرائیل در تجزیه سوریه و کلید زدن بحران جدید بنام «کردستان آزاد» را جستجو می کند. این سیاست شعله‌های آتش جنگ‌های قومی، مذهبی و فرقه‌ای را در شعاع وسیعی از منطقه دامن خواهد زد. مطبوعات و مجامع سیاسی ترکیه مخالفت‌های خود را با سیاست‌های غلط دولت اردوغان درباره سوریه آشکار و علنی کرده‌اند و عواقب خطرناک آن را هشدار می‌دهند.

دیروز دولت اردوغان اعلام کرد که ظرفیت ترکیه برای پذیرش آوارگان از سوریه به انتها رسیده است و بیش از یکصد هزار سوری در اردوگاه‌ها هر روز با مشکلات جدیدی مواجه‌اند و دولت ترکیه دیگر قادر به پذیرش آوارگان جدید نمی‌باشد. بخشی از بحران سوریه تا اینجای کار مشکلات سیاسی است که بر سر دولت اردوغان ریخته است و آمریکائی‌ها وعده می‌دهند اما عمل نمی کنند و هزینه و فایده سیاست خارجی دولت اردوغان به شدت مورد نقد مردم و احزاب ترکیه قرار گرفته است.

اما آمریکا، دولت «اوباما» همه تلاش خود را به کار گرفت تا دولت بشار اسد را در فاصله زمانی کوتاهی سرنگون سازد. این تلاش تاکنون نتیجه نداده است. درحالی‌که «اوباما» در سال انتخابات ریاست جمهوری آمریکا طرح «تغییر رژیم» در سوریه را به نام برقراری «دمکراسی» طالب بود تا از آن برای پیروزی در انتخابات سود ببرد. اکنون سه ماه بیشتر تا انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا باقی نمانده است. در داخل آمریکا سیاست «اوباما» در سوریه را حزب رقیب او «جمهوریخواهان» شکست خورده می‌خوانند. سیاست‌های او درباره رژیم اسرائیل را نقد می کنند و بخشی از صهیونیست‌های صاحب نفوذ در آمریکا به مخالفت با «اوباما» و سیاست‌های خاورمیانه‌ای او برخاسته‌اند. فاصله زمانی تا شروع انتخابات ریاست‌جمهوری برای «اوباما» روز به روز تنگ‌تر می‌شود، به خصوص که بحران مالی و بیکاری در آمریکا همچنان مشکل عمده باقی مانده است و هیچ‌یک از دو حزب و نامزدهای ریاست‌جمهوری، دمکرات (اوباما) و جمهوریخواه (رامنی) برای حل بحران اقتصادی و اجتماعی در داخل کشور راه‌حل روشن و قاطع ندارند. انتخاب ورود به جنگ جدید در خاورمیانه بازی خطرناکی خوانده می‌شود که مرگ سیاسی حاصل آن خواهد بود.

از سوی دیگر روسیه و چین لحظه به لحظه شرایط بحرانی کنونی را رصد می کنند و تا اینجای کار مانع بزرگ برای سیاست‌های جنگی و استراتژی «تغییر رژیم» دولت اوباما شده‌اند.

بحران سوریه وارد مرحله جدیدی شده است. سعودی‌ها از سلفی‌ها و القاعده سوریه همچنان حمایت می‌کنند و قطر از بخش‌های از گروه اخوان مسلمین و ترکیه روز به روز خود را وامانده‌تر در این آشفته‌بازار می‌بیند.

مردم سوریه حتی آنها که از بشار اسد دل خوشی ندارند از سعودی‌ها و سلفی‌گری و موج ترورها در کشور خود و از قطری‌ها به لحاظ حمایت از آن بخش از اخوانی‌ها که به تحجر و تعصب‌های فرقه‌ای مشهورند، نفرت دارند. ویرانی کشور خود را ناشی از سیاست جنگ‌طلبانه آمریکا، دلارهای نفتی قطری‌ها و سعودی‌ها و منفعت‌طلبی دولت ترکیه می‌دانند. واقعیت در درون سوریه و مردم آن، وحشت از آینده کشور، احتمال تجزیه آن، هرج و مرج و انتقام‌جویی بعد از سقوط دولت بشار اسد است. تشکل‌ها و افراد مخالف دولت بشار اسد هنوز از یک انسجام و وحدت برخوردار نیستند و با یکدیگر سر جنگ دارند و یکدیگر را خائن و مزور می‌نامند.

مردم سوریه چشم به موج بحرانی همراه با وحشت و هراس از آینده دارند.

بحران سوریه تا اینجای کار یک واقعیت تلخ و آشکار را نشان می‌دهد و آن مسلمان‌کشی، ویرانی و آوارگی خانواده‌ها در یک کشور اسلامی از سوی آمریکا و اسرائیل است.

موافقت رهبر معظم انقلاب با عفو و تخفیف مجازات شماری از محکومان

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب بنا به درخواست آیت الله آملی لاریجانی رئیس قوه قضاییه به مناسبت عید سعید فطر با عفو و تخفیف مجازات شماری از محکومان محاکم عمومی، انقلاب، سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان قضایی نیروهای مسلح سراسر کشور موافقت کردند.متن نامه آیت‌الله آملی لاریجانی و پاسخ مقام معظم رهبری به این شرح است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

محضر مبارک حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ادام الله ظله الوارف

رهبر معظم انقلاب اسلامی

با اهدای سلام و تحیات

احتراماً، ضمن عرض تبریک فرارسیدن عید سعید فطر، در اجرای بند ۱۱ از اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بدین وسیله شرایط و ضوابط عفو به محضر مبارک تقدیم می‌شود تا در صورت تصویب مقام عالی، محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب، سازمان تعزیرات حکومتی و سازمان قضایی نیروهای مسلح که به شرح آتی واجد شرایط استفاده از عفو یا تخفیف تشخیص داده می‌شوند، مشمول عفو یا تخفیف مجازات واقع و از رأفت اسلامی بهره‌مند شوند.

الف ـ محکومان به حبس که در زندان بسر می‌برند، مشروط بر اینکه دارای سابقه محکومیت کیفری مشمول ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی نباشند:

۱ـباقیمانده محکومیت محکومان به حبس تا یکسال.

۲ـیک دوم محکومیت محکومان به حبس بیش از یکسال تا پنج سال.

۳ـیک سوم محکومیت محکومان به حبس بیش از پنج سال تا پانزده سال.

۴ـباقیمانده محکومیت محکومان به حبس بیش از ۱۵ سال درصورتی که حداقل ۱۰ سال تحمل حبس کرده باشند.

۵ـباقیمانده‌محکومیت‌حبس تمامی محکومان جرائم غیرعمدی، به استثنای موارد مذکور در مواد ۷۱۸ و ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی.

۶ـباقیمانده محکومیت حبس زنانی که به حکم قانون سرپرستی فرزندانشان را عهده‌دار هستند.

۷ـباقیمانده محکومیت حبس محکومان بیمار صعب‌العلاج یا مبتلایان به بیماری‌های مسری غیرقابل علاج که مراتب بیماری آنان مورد تأیید کمیسیون پزشکی قانونی قرار گرفته باشد.

بدیهی است اقدامات دادگاه در جهت اجرای ماده ۲۹۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مانع اعمال این عفو نیست.

۸ـباقیمانده محکومیت حبس و جزای نقدی محکومان زیر ۱۸ سال تمام و ذکور بالای ۶۵ سال تمام و اناث بالای ۵۰ سال تمام به استناد اسناد سجلی و در مورد اتباع بیگانه فاقد اسناد معتبر به تأیید پزشکی قانونی مراکز استان‌ها به شرط آن‌که یک سوم مجازات را تحمل کرده باشند.

ب ـ محکومان به جزای نقدی که به لحاظ عجز از پرداخت جزای نقدی در زندان بسر می‌برند:

۱ـباقیمانده محکومیت جزای نقدی تا پانصد میلیون ریال.

۲ـچهار پنجم محکومیت جزای نقدی از پانصد میلیون و یک ریال تا یک میلیارد ریال.

ج ـ محکومیت محکومان به حبس تا شش ماه با رعایت شق ۳ بند «د» که محکومیت آنان قطعی شده هر چند تاکنون شروع به اجرا نشده باشد.

د ـ شرایط استفاده از عفو:

۱ـ عدم برخورداری از عفو در محکومیت‌های قبلی.

۲ـ عدم ارتکاب جرم جدید در ایام تحمل حبس یا در زمان مرخصی اعطایی.

۳ـ نداشتن شاکی خصوصی یا جلب رضایت وی یا جبران ضرر و زیان مدعی خصوصی و زیان دیده (اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی) تا تاریخ ۲۹/اسفند/۱۳۹۱.

هـ ـ مرتکبین جرائم ذیل از شمول این عفو مستثنی هستند:

۱ـسرقت مسلحانه یا مقرون به آزار یا سارقینی که میزان محکومیت حبس آنان بیش از پنج سال باشد یا دارای سابقه محکومیت مشابه هستند.

۲ـقاچاق مسلحانه یا عمده مواد مخدر؛(منظور از قاچاق عمده مواد مخدر، جرایم بندهای ۴ ماده ۴، ۶ ماده ۵ و ۶ ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر و الحاق موادی به آن است.)

۳ـقاچاق اسلحه و مهمات.

۴ـاقدام علیه امنیت داخلی و خارجی.

۵ـآدم‌ربایی.

۶ـ تجاوز به عنف.

۷ـدایر کردن مرکز فساد و فحشاء.

۸ـاختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری.

۹ـجعل اسکناس و ضرب سکه تقلبی.

والامر الیکم والسلام علیکم و رحمهٔ‌الله و برکاته

صادق لاریجانی

۲۲/مرداد/۹۱

بسم الله الرّحمن الرّحیم

با سلام و تحیت و تبریک، با پیشنهاد جنابعالی مندرج در این اوراق موافقت می‌شود.

والسلام علیکم و رحمهٔ‌الله

سید علی خامنه‌ای

۲۸/مرداد ماه/۱۳۹۱

آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی:

برگزاری اجلاس سران غیرمتعهدها نشانه ثبات سیاسی ایران است

بقیه از صفحه اول

در اعتلای فرهنگ قرآنی و تحقق جامعه قرآنی که از آرمان‌های امام راحل بود، گامی مهم و اساسی برشمرد.

رئیس دانشگاه مفید همچنین برگزاری اجلاس جنبش عدم تعهد در تهران را در شرایط کنونی بسیار حائز اهمیت توصیف کرد و یادآور شد: در شرایط خاص کنونی و با توجه به تحولات منطقه و نیز اعمال تحریم‌ها علیه کشورمان و نیز القای انزوای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی توسط آمریکا و سران استکبار، برگزاری اجلاس در تهران از نظر سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است و نشان‌دهنده ثبات سیاسی و استحکام نظام اسلامی در سطح جهان است و تصویری واقعی از ایران به جهانیان ارائه می‌کند.در این دیدار دکتر سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گزارشی از فعالیت‌های قرآنی، تشکیل معاونت قرآن و عترت در وزارت ارشاد، حضور مؤثر رئیس جمهور در سفر اخیر به عربستان و شرکت در نشست فوق‌العاده کنفرانس کشورهای اسلامی، تثبیت جمعه آخر ماه مبارک رمضان در تقویم کشورهای اسلامی به‌عنوان روز قدس و حمایت از فلسطین با تلاش وزارت ارشاد و دیگر اقدامات فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از جمله گرامیداشت علما و مفاخر ارائه کرد.

گزارش مرکز آمار از افزایش شدید نرخ مواد غذایی و مسکن

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی با اشاره به گزارش مرکز آمار به کمیسیون درباره نرخ تورم گفت: بر اساس این گزارش در تیرماه شاخص گروه اصلی خوراکی‌ها نسبت به ماه مشابه سال قبل ۴۴/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد و نرخ تورم دوازده ماهه این گروه ۳۵/۴ درصد است.

علی محمد احمدی در گفتگو با مهر، با بیان این مطلب، افزود: طبق این آمار، در گروه عمده خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات، بیشترین افزایش ماهانه مربوط است به گروه نان و غلات با ۱۰/۲ درصد، گروه شیر و پنیر و تخم‌مرغ با ۸ درصد، گروه میوه و خشکبار با ۷/۵ درصد و گروه گوشت قرمز و سفید و فرآورده‌های آنان با ۶/۵ درصد.

نماینده مردم دهلران در مجلس با بیان این‌که بر اساس گزارش مرکز آمار همچنین شاخص گروه عمده کالاهای غیرخوراکی و خدمات در تیر ماه ۹۱ به رقم ۳۹۸/۵ رسید که ۲/۵ درصد نسبت به ماه قبل افزایش نشان می‌دهد، ادامه داد: بیشترین سهم از این افزایش به ترتیب به گروه مسکن و آب و برق و گاز و سایر سوخت‌ها با ۴۷/۷ درصد، گروه بهداشت و درمان با ۱۴/۵ درصد و گروه کالاها و خدمات متفرقه با ۱۴/۳ درصد تعلق دارد.وی نرخ تورم در دو بخش موادغذایی و مسکن را غیرطبیعی خواند و ادامه داد: افزایش نرخ تورم در دو شاخص مواد غذایی و مسکن در افزایش نرخ تورم کل بسیار تأثیرگذار است.عضو کمیسیون برنامه و بودجه، رشد صعودی قیمت مصالح ساختمانی را مورد اشاره قرار داد و گفت: توجیه مسئولان برای افزایش قیمت گوشت و مرغ، افزایش جهانی قیمت نهاده‌های این محصولات بود، اما مصالح ساختمانی کاملاً ساخت داخل هستند و کشور ما از صادرکنندگان مصالح ساختمانی است که افزایش قیمت در این بخش نمایانگر قصور مسئولان در کنترل بازار است.احمدی با بیان این‌که اگر قانون هدفمندی یارانه‌ها به درستی اجرا می‌شد، شاهد چنین افزایش قیمت‌هایی نبودیم، تصریح کرد: بخش مهمی از افزایش تورم در کشور مربوط به اجرای نادرست قانون هدفمندی یارانه‌ها بود و مسئولان در اجرای این قانون از تولید حمایت یارانه این بخش را پرداخت نکردند و در تنظیم بازار کوتاهی کردند.وی ادامه داد: این قصور باعث شد در فاز اول، تورم ناشی از هدفمندی به بازار تحمیل شود و در فاز دوم اثراتش را بر بخش‌های مختلف تحمیل کند اگر در ابتدای اجرای این قانون، سهم تولید را مشخص می‌کردیم شاید دچار این مشکلات نمی‌شدیم.عضو کمیسیون برنامه و بودجه درباره احتمال ادامه افزایش صعودی نرخ تورم در کشور گفت: اقتصاد ما قابل کنترل است و می‌توان شوک تورمی وارد آمده به بخش‌های تولیدی را کنترل کرد، اما اگر روند کنونی ادامه یابد نرخ تورم هم به همین سرعت افزایش می‌یابد.

رونمایی رئیس جمهوری از ۶ دستاورد دفاعی

بقیه از صفحه اول

سرنوشت‌ساز و تاریخی نقش ایران ممتاز است. این یک توفیق و شکر خداست نه یک تعصب. اگر بنا باشد یک ملت آن حرکت آخر و رسیدن به قله‌ها را به طور کامل پشتیبانی کند، غیر از ملت ایران نیست و این ماموریت بزرگ نیاز به توانمندی‌های متنوع دارد.

وی افزود: ملت ما متمدن است که هفت هزار سال تاریخ دارد. ایرانیان از همان ابتدا هم متمدن بودند و هیچ وقت غارنشینی و قبیله‌گرایی و جنگ و گریز و عصر حجر را در ایران نمی‌بینید، آثار کشف شده در ایران نشان از معماری و شهرسازی باشکوه و عالمانه دارد. وی در ادامه تصریح کرد: ملت ایران همواره در برابر حق پذیرش داشته است و از خود تعصب نشان نداده است. نمونه آن پذیرش اسلام است. حق‌طلبی فطری ایرانیان و علم‌طلبی و عدالت‌جویی آنها از قرن‌ها قبل معروف بوده است، حتی در انقلاب اسلامی هم عدالت‌طلبی و مهرورزی بود که انقلاب را به پیروزی رساند. ملت ما فرهنگی و زندگی‌اش سرتاسر هنرورزانه است.

رئیس جمهوری در ادامه با اشاره به موفقیت کاروان اعزامی ایران به مسابقات المپیک لندن گفت: ملت ما سرشار از استعدادهای گوناگون است و در عرصه المپیک شاهد بروز این استعدادها بودیم، به گونه‌ای که در تعداد رشد مدال‌ها نسبت به المپیک قبلی کشور ما اول شد. اعتقاد من این است که ملت ما باید نقش آفرینی ممتاز در تحقق هدف انسان از خلقت انجام دهد. برخی که فکر می کنند این سخنان باعث می‌شود رابطه ما با سایر کشورها به هم بخورد، نسبت به ملت‌های دیگر شناخت ندارند. عموم ملت‌ها وقتی از دستاوردهای ملت ما می‌شنوند، انرژی و روحیه می گیرند و در این دستاوردها راهی برای نجات و امیدواری خود پیدا می کنند، به‌خصوص که در دوره اخیر وقتی ایستادگی ملت ما را در برابر جبهه استکبار می‌بینند، از آن الگو می گیرند و احساس غرور می کنند.

احمدی‌نژاد تأکید کرد: ماموریت ما صیانت از کرامت انسانی و زمینه‌سازی برای عدالت در جهان است و ما هر گام که به پیش می‌رویم، یک گام به سمت پیشرفت انسانیت و انسان برداشته‌ایم.

وی با بیان این که پیشرفت صنایع دفاعی را برای کشورگشایی و تسلط بر سایر کشورها نمی‌خواهیم گفت: این کار برای دفاع از خودمان و کیان انسانیت است. دفاع از کیان انسانیت به مفهوم تهاجم نیست، بلکه بازدارندگی هدف ماست.

رئیس جمهوری یادآور شد: صنایع دفاعی باید خود را نوسازی کند و در عرصه‌های علمی و فناوری اثرگذار بر محیط بین‌الملل باشد.

احمدی‌نژاد در بخش دیگری از سخنان خود با بیان این‌که امروز دیگر نبردها نفر به نفر نیست، گفت: امروز نبرد در مراکز اصلی تحقیقاتی و علمی است و فقط با فشار یک دکمه می توانند یک هدف را در چند هزار کیلومتر آن طرف‌تر بزنند.

امروز کشورهای قدرتمند از بالاترین فناوری‌ها برای توسعه سلطه‌گری خود استفاده می کنند و اگر می‌خواهیم از انسانیت دفاع کنیم، باید فناوری‌های صنایع دفاعی خود را در بالاترین سطح داشته باشیم و پیشرفته‌ترین علوم را کسب کنیم و البته صنایع دیگر باید در این زمینه به صنایع دفاعی کمک برسانند و ما شاهد هم‌افزایی در این بخش باشیم.

وی همچنین خاطر نشان کرد: البته باید صنایع دفاعی پیشگام سایر صنایع باشد و سایر صنایع را به دنبال خود بکشند، اتفاقی که در برخی کشورهای بزرگ افتاده است؛ چرا که بخش خصوصی در برخی از صنایع توان ورود و سرمایه گذاری ندارند، مانند صنعت هوایی به خصوص در شرایط فعلی که با انسان‌های پستی روبرو هستیم که تا اتفاقی می‌افتد از دادن هواپیما به ما خودداری می کنند. باور من این است که ما می توانیم طی یک برنامه دهساله در صنعت هوایی به یک کشور مرجع تبدیل شویم و تجربه نشان داده است که جوانان ما از چنین توانایی برخوردار هستند.

رئیس جمهوری تأکید کرد: ملت ایران و صنعت دفاعی ایران از یک حقیقت و ارزش بالای انسانی دفاع می کند و تلاش‌هایش مقدس و ارزشمند است. باید به جایی برسیم که توانمندی دفاعی ما همه مستکبران را به عقب براند و امیدوارم حرکت رو به جلو ملت ما در عرصه‌های گوناگون موجب خودباوری و ایجاد امید در ملت‌ها و محو اندیشه سلطه‌جویانه شود.وی پس از رونمایی از شش دستاورد صنایع دفاعی کشور از نمایشگاهی که به مناسبت روز صنایع دفاعی ترتیب داده شده بود هم دیدن کرد.

پیش از سخنان رئیس جمهوری از شماری از برگزیدگان صنایع دفاع تقدیر به عمل آمد.

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هم اظهار داشت: شالوده صنعت دفاعی ایران بومی شده است و این نشان می‌دهد که ما همه ظرفیت‌ها را در این حوزه به مشارکت گرفته ایم.

به گزارش مهر، سردار سرتیپ پاسدار احمد وحیدی در آئین گرامیداشت روز صنعت دفاعی که در محل نمایشگاه‌های هوایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح برگزار شد، با اشاره به کارکردهای حوزه دفاعی گفت: استقلال‌طلبی یکی از مهمترین کارکردهای حوزه دفاعی است؛ چراکه بدون استقلال نمی توان به پیشرفت‌های قابل قبولی در حوزه دفاعی دست یافت، همچنین اگر استقلال نظامی نباشد حرف زدن از سایر استقلال‌ها بی فایده است.وحیدی بازدارندگی را دومین کارکرد حوزه دفاعی ارزیابی کرد و ادامه داد: در کارکرد بازدارندگی نیاز به نوآوری داریم.

وزیر دفاع با بیان این‌که باید از توسعه و فناوری‌های پیشرفته در صنعت دفاعی به نحو مطلوب استفاده کرد، افزود: بدون درک تحولات نمی‌توانیم به صنعت پویا دست یابیم. البته صنعت دفاعی کشور وجود محرومیت‌ها در بازار تجاری توانسته است به عنوان یکی از کم نظیرترین کشورهای دنیا شناخته شود به طوریکه توانسته‌ایم در صنعت دفاعی ۱۴۳۶ محصول را ارائه دهیم.

همچنین در داخل توانسته‌ایم با بومی‌سازی، اقتصادی سازی هم انجام دهیم. از این رو معتقدم انقلاب نوینی در عرصه نظامی پیدا شده است.

وی همچنین به موضعگیری یکی از مسئولان نظامی رژیم صهیونیستی درباره قدرت نظامی ایران اشاره و خاطر نشان کرد: یکی از مسئولان نظامی رژیم اشغالگر صهیونیستی در مواضعی اعلام کرد اگر به ایران حمله کنیم بلایی سرمان می آید که مثل آن بلا را تاکنون ندیده‌ایم، این قدرتی که ما در حوزه دفاعی به آن دست یافته‌ایم، به‌خاطر درک و حرکت صحیح در مسیر تحولات است.

وحیدی بااشاره‌به‌دستاوردهای جدیدوزارت دفاع که با حضور رئیس جمهوری رونمایی شد، افزود: خوشبختانه در روز صنعت دفاعی توانستیم محصولاتی را که یکسال به صورت دقیق روی آن کار کردیم، ارائه کنیم.این عضو کابینه گفت: در یک‌سال گذشته توانسته‌ایم ۱۹۲ محصول را ارائه دهیم که در این مراسم از تعدادی از این محصولات رونمایی شد.وی حرکت و پویایی در صنعت دفاعی را نماد حرکت توفنده و معجزه آسا اعلام کرد و گفت: بدون شک دستیابی به این صنعت دفاعی برگرفته از گفتمان انقلاب و روحیه خودباوری ملت است.

وحیدی همچنین با اشاره به برنامه‌ها و اقدام‌های آینده وزارتخانه متبوعش اظهار داشت: از جنگنده‌های ساخت وزارت دفاع تا پایان سال بهره‌برداری می‌شود. همچنین بنا داریم از نسل‌های جدید پرنده‌ها استفاده کنیم.

وزیر دفاع افزود: پهپادهای جدید هم در دستور کار قرار گرفته اند ضمن آن‌که در تلاشیم در سال آینده از زیردریایی‌های جدید هم استفاده کنیم.این عضو کابینه این دستاوردها را ناشی از خون پاک شهیدان دانست و تصریح کرد: امیدواریم همین مسیر را با قدرت ادامه دهیم تا بتوانیم دین خود را به انقلاب ادا کنیم.

معرفی ۶ دستاورد جدید دفاعی

ارتقای نسل چهارم موشک فاتح ۱۱۰، موتور دریایی بنیان ۴، آزمایشگاه پرنده آرمیتا، خودروی تاکتیکی ارس، خمپاره انداز وفا و سامانه جهت یاب و شنود شاهد، شش دستاورد پیشرفته وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است که دیروز، همزمان با روز ملی صنعت دفاعی با حضور دکتر محمود احمدی نژاد رونمایی شد.

موشک فاتح ۱۱۰

موشک فاتح ۱۱۰ از دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین موشک‌های بالستیک زمین به زمین با سوخت جامد مرکب است که طی دهه اخیر نقشی موثر در ارتقای توان دفاعی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران داشته است که با توجه به نیازمندی‌های نیروهای مسلح و به‌خصوص موضوع پر اهمیت دقت اصابت، نسل‌های مختلف از این موشک با ویژگیهای خاص طراحی و به تولید انبوه رسیده است.

پس از آزمایش موفق نسل چهارم، ارتقای این نسل از موشک فاتح ۱۱۰ به دست توانمند متخصصان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح طراحی و ساخته شده که نسبت به نسل‌های قبل دارای قابلیت‌های زیر است.

قدرت نقطه زنی در هر شرایط آب و هوایی با استفاده از جدیدترین فناوری سیستم‌های ناوبری، افزایش طول عمر موشک، افزایش زمان استقرار موشک مسلح برروی سکوی پرتاب و جهت شلیک به موقع به سوی اهداف دشمن، کاهش زمان تست‌های قبل از پرتاب و حین پرتاب و کاهش زمان ترک موضع پرتاب و عدم نیاز به بازدیدهای دوره‌ای کوتاه مدت.

موتور دریایی بنیان ۴

موتور دریایی بنیان ۴ در تداوم اقدامات راهبردی سازمان صنایع دریایی وزارت دفاع و متخصصان مجرب و کار آزموده صنایع دریایی وزارت دفاع برای تکمیل زنجیره توانمندیهای طراحی و ساخت شناورها با قابلیت‌ها و توانمندی‌های جدید ساخته شده و با ۱۶ سیلندر و با قدرت اسمی پنج هزار اسب بخار و ۱۸ تن وزن روی شناورهای بزرگ نظامی نصب می‌شود.

تولید بومی این موتور گامی بلند در خود کفایی تولید موتورهای دریایی به شمار می‌رود و در ارتقای توان عملیاتی نیروی دریایی راهبردی جمهوری اسلامی ایران و توسعه صنایع دریایی این کشور نقش بسزایی دارد.

آزمایشگاه پرنده آرمیتا

پروژه سکوی تست‌های پروازی یا همان آزمایشگاه پرنده آرمیتا با هدف آزمایش سامانه‌های هوایی در شرایط واقعی پرواز با استفاده از هواپیماهای در اختیار آغاز شد و در گام اول با انجام محاسبات طراحی کابین یک هواپیمابر روی دم هواپیما نصب شد.

نصب انواع موتورهای هواپیمابر روی این سکو و انجام تست‌های عملکرد موتور در شرایط واقعی پرواز که امکان انجام آنها در آزمایشگاه‌های زمینی امکان پذیر نیست از دستاوردهای این پروژه است.

همچنین نصب بخش یا تمامی بدنه هواپیمای جت آموزشی روی این سکو و انجام بخشی از آزمایش‌های آیرودینامیک و ورودی موتورها در حالت موتور روشن و خاموش از دیگر نتایجی است که در طراحی آزمایشگاه پرنده آرمیتا حاصل شده است.

خودرو تاکتیکی ارس

این خودرو تاکتیکی ۳/۴ تن فرماندهی، با توان ۱۳۳ اسب بخار با دو کابین یکپارچه به عنوان خودرو حامل فرماندهان، خودرو هجومی، خودرو پشت خاکریز قابلیت استفاده در مناطق عملیاتی، صعب العبور و شهری را دارد.

خمپاره انداز وفا

سامانه خمپاره انداز بردبلند وفا خمپاره اندازی است که در برد توپخانه‌های معمولی اجرای آتش می‌کند و از عالی‌ترین سطح خمپاره اندازها در دنیا به شمار می‌رود.افزایش قدرت سرجنگی به میزان ۲ تا ۳ برابر خمپاره‌های معمول، عمر بالای مهمات نسبت به گلوله‌های موشکی، پراکندگی کمتر نسبت به گلوله‌های موشکی، قابلیت حمل به صورت خود کششی و نواخت تیر ۵ تا ۸ گلوله در دقیقه از مشخصات و ویژگی‌های این سامانه است.

سامانه جهت یاب و شنود شاهد

این سامانه پویش سیگنالی و جهت یابی در باندهای VHF و UHF مدلاسیون‌های مختلف را در فاصله زمان بسیار کم انجام می‌دهد.

سامانه شاهد قادر است سیگنال‌های ثابت، آنالوگ و جهت فوقانی را تشخیص داده و مورد پردازش قرار دهد و امکان شنود چندین کانال را به طور همزمان دارد.

روی خط اجلاس سران

اجلاس تهران، جنبش غیرمتعهدها را تقویت می کند

سخنگوی شانزدهمین اجلاس غیرمتعهدها، گفت: برگزاری این دور اجلاس در تهران، با توجه به نگاه ایران به مسایل بین‌المللی در تقویت جنبش غیرمتعهدها اثر گذار است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، محمدرضا فرقانی، افزود: ایران سردمدار مبارزه با یکجانبه‌گرایی و پرچمدار مخالفت با بی‌عدالتی و تبعیض در جهان است و به طور قطع با برگزاری این اجلاس در تهران شاهد برکات فراوانی خواهیم بود.

مدیرکل امور بین‌الملل دفتر رئیس جمهوری، گفت: در این دوره از اجلاس زمزمه ایجاد تغییر در ساختار، تشکیلات، اهداف و حتی نام جنبش غیرمتعهدها به گوش می‌رسد.فرقانی به سابقه تشکیل این جنبش و فعالیت‌هایش در ۵۱ سال گذشته اشاره کرد و افزود: به علت ساختار نامناسب، این جنبش در تحقق اهدافش موفق نبوده است، اما در سال‌های اخیر این جنبش به سبب نظرات رهبران عضو آن فعال‌تر شده است و امیدواری‌ها درباره تحقق اهداف تشکیل این جنبش رو به فزونی است.سخنگوی شانزدهمین اجلاس غیرمتعهدها گفت: با توجه به شرایط کنونی خاورمیانه و بحران‌های اقتصادی آمریکا و اروپا می‌طلبد که این جنبش سازمان یافته‌تر و با اهداف نوین و با نگرش جدید به جهان برگزار شود.

جنبش عدم تعهد و ایستادگی برابر آمریکا و صهیونیسم

معاون اول قوه قضائیه، اظهار داشت: اگر جنبش عدم تعهد در مقابل آمریکا و صهیونیسم ایستادگی نکند از فلسفه خود دور شده است و برگزاری این اجلاس در جمهوری اسلامی ایران بر اراده کشورها برای موضع گیری صریح در مقابل غربی‌ها می‌افزاید.

سید ابراهیم رئیسی، معاون اول قوه قضائیه در گفت‌وگو با مهر درباره اهمیت برگزاری اجلاس عدم تعهد در تهران گفت: اساس تشکیل جنبش عدم تعهد ایستادگی در مقابل قدرت‌هایی چون آمریکا و شوروی بود.

وی در ادامه افزود: عدم تعهد بیش از ۱۰۰ کشور به غرب و شرق و استقلال خواهی و استقلال‌طلبی از مستکبران اساس تشکیل این گروه بود و انتظار مردم از این کشورها حفظ این اصل و ایستادگی در برابر صهیونیست و نظام سلطه است.

کمک مجلس به دولت در اجلاس غیرمتعهدها

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس با بیان این‌که مجلس از هیچ کمکی به دولت در اجلاس عدم تعهد دریغ نخواهد کرد، گفت: مجلس آمادگی خود را برای کمک به دولت در برگزاری این اجلاس اعلام کرده است.

منصور حقیقت‌پور، نماینده مردم اردبیل و نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفتگو با فارس، با اشاره به برگزاری اجلاس جنبش عدم تعهد در تهران، گفت: میزبانی ایران برای اجلاس جنبش عدم تعهد یک فرصت بزرگ برای کشور است که باید از همه ظرفیت‌ها برای استفاده از این فرصت استفاده شود.

وی افزود: دولت در تلاش است اجلاس عدم تعهد را به شایستگی برگزار کند و مجلس شورای اسلامی از این تلاش دولت، تقدیر می کند.

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس با تاکید بر این‌که انتظار این است که دولت از همه ظرفیت‌های کشور برای برگزاری اجلاس عدم تعهد استفاده کند، تأکید کرد: مجلس و دولت در تحقق اهداف انقلاب اسلامی و میزبانی درخور شأن ایران در اجلاس عدم تعهد، متحد و هم‌نظر هستند.

نماینده مردم اردستان در خانه ملت، گفت: برگزاری اجلاس عدم تعهد در تهران بیانگر اهمیت نقش ایران به عنوان متعادل‌کننده نظام بین‌الملل در سطح منطقه بوده و موجب ایجاد ثبات در منطقه است.

احمد بخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با فارس، با اشاره به برگزاری اجلاس عدم تعهد در تهران، گفت: برگزاری اجلاس عدم تعهد در تهران از یک سو اقتدار جمهوری اسلامی ایران را به نمایش گذاشته و از سوی دیگر نشان‌دهنده وجود انسجام و ثبات در داخل کشور است.

نماینده اردستان در مجلس، افزود: از سوی دیگر برگزاری این اجلاس در تهران خط بطلانی بر ادعاهای غرب در ارتباط با انزوای ایران در نظام بین‌الملل است که مدعی هستند جامعه جهانی علیه فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان موضع گیری می‌کند.

بخشایش اظهار داشت: جنبش عدم تعهد در سال ۱۹۵۲ و توسط رهبران کشورهای مصر، اندونزی و یوگسلاوی پایه‌گذاری شد که وابستگی نداشتن به هر یک از دو بلوک شرق و غرب، اساس و مبنای کار این جنبش را تشکیل می‌داد.

اجلاس تهران، نشانه تعامل گسترده

سفیر پاکستان گفت: برگزاری نشست عدم تعهد در تهران نشان می‌دهد که ایران روابط زیادی با کشورهای مختلف دارد و تعاملات خوبی نیز با آنها برقرار کرده است.

خالد عزیز بابر، سفیر پاکستان در ایران در گفتگو با فارس، درباره برگزاری نشست عدم تعهد در ایران که قرار است ۵ تا ۱۰ شهریور ماه در تهران برگزار شود، با بیان این‌که حدود ۱۲۰ کشور در این جنبش عضو هستند، یادآور شد: پاکستان در سطح عالی در این نشست شرکت خواهد کرد چرا که برای ما جنبش عدم تعهد اهمیت بالایی دارد.

وی درباره برگزاری این نشست در تهران و ادعای مقام‌های غربی مبنی بر منزوی شدن کشورمان در سطح بین‌المللی، یادآور شد: این نشست نشان می‌دهد که ایران روابط زیادی با کشورهای مختلف دارد و تعاملات خوبی نیز با آنها برقرار کرده است.

سفیر پاکستان در مورد میزان تأثیرگذاری این جنبش در معادلات بین‌المللی، اظهار داشت: جنبش عدم تعهد یک سازمان بسیار بزرگ و مهم است و از نظر سیاسی و اقتصادی تصمیماتی که در این نشست گرفته می‌شود و همچنین اسنادی که در آن امضا می‌شود دارای اهمیت فراوانی است.

بابر ادامه داد: تصمیمات این جنبش می‌تواند نقش بسزایی در نظام بین‌المللی داشته و نقشی فراتر از یک جنبش را بازی کند.

وی به برگزاری اجلاس سران در تهران اشاره کرد و افزود: ملاقات‌های زیادی در این اجلاس صورت می‌گیرد که در آن مسائل مختلف بررسی می‌شود و چنین موضوعی جنبش عدم تعهد را دارای اهمیت زیادی می‌کند.

سفیر پاکستان در ایران در پاسخ به این سؤال که چرا جنبش عدم تعهد نتوانسته نظیر سایر سازمان‌ها مانند اوپک نقش‌آفرین باشد، گفت: اوپک مخصوص نفت است و به آن محدود و خلاصه می‌شود اما جنبش غیرمتعهدها فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای دارد. در این جنبش موضوعات بسیار گسترده منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار گرفته و سند نهایی آن که بسیار مهم است از سوی ۱۲۰ کشور تنظیم می‌شود.

بابر ادامه داد: زمانی که در مورد یک موضوع خاص حرف می‌زنیم با زمانی که در مورد موضوعات مختلف سخن می‌گوییم تفاوت زیادی باید قائل شویم، چرا که در این مورد وضع تغییر می‌کند.

وی در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به این سؤال که جنبش عدم تعهد در فضای دو قطبی شکل گرفت و امروز با فروپاشی نظام شوروی چه کار ویژه‌ای در نظام بین‌الملل دارد، گفت: این جنبش اساسا تبادل نظر و آرا میان کشورهای مختلف را دنبال می‌کند و هنوز هم اهمیت خود را حفظ کرده است. البته باید اهداف به صورت روزآمد تنظیم شود و با توجه به تحولات جهانی پیش رود.سفیر پاکستان درباره این‌که آیا در این نشست اوضاع سوریه نیز بررسی خواهد شد یا خیر، گفت: این موضوع مربوط به اعضا خواهد بود، زمانی که کارشناسان گرد هم آمده، موضوعاتی که مایلند را مطرح می‌کنند.

بابر درباره این‌که آیا پاکستان مایل است که موضوع سوریه در نشست عدم تعهد تهران بررسی شود یا خیر، گفت: نظر پاکستان غیر جانبدارانه است. ما معتقدیم که امت اسلامی باید متحد باشد و از درگیری‌ها بپرهیزد.

وی راه حل سوریه را گفتگو، مداخله نکردن خارجی و زمین گذاشتن اسلحه خواند.

* اجلاس غیرمتعهدها و اقتدار ایران

وزیر صنعت، معدن و تجارت با بیان این‌که برگزاری اجلاس جنبش عدم تعهد نشانگر اقتدار ایران است، درباره ترس صهیونیست‌ها از این اجلاس، گفت: آنها قاعدتاً از رهبری حرکت‌های جهانی توسط جمهوری اسلامی نگران هستند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، مهدی غضنفری، وزیر صنعت، معدن و تجارت درباره اهمیت اجلاس جهانی تهران و ترس صهیونیست‌ها از این اجلاس اظهار داشت: رژیم صهیونیستی و آمریکا ادعا می‌کردند که جمهوری اسلامی دچار انزوا شده و هر حرکت ضد ایرانی را نیز بین‌المللی ذکر می‌کردند.

غضنفری ادامه داد: یکی از اهداف برگزاری اجلاس جنبش عدم تعهد در تهران بیان این نکته است که نظام جمهوری اسلامی یک نظام مقتدر در منطقه و جهان و مورد توجه همه کشورهای اسلامی است.

این وزیر دولت دهم با اشاره به یکی دیگر از اهداف اجلاس جهانی تهران، گفت: برپایی این اجلاس نشانگر نظم نوینی است که جمهوری اسلامی از آن دفاع می‌کند و به دنبال نظمی است که در آن نظام‌های سلطه‌گر همه کاره دنیا نباشند، لذا چنین رویکردی مورد توجه کشورهایی است که گوشی برای شنیدن دارند و از سلطه استکبار خسته شده‌اند.

شرکت بان کی مون در اجلاس عدم تعهد

دبیر کل سازمان ملل متحد برای شرکت در اجلاس عدم تعهد راهی تهران خواهد شد.

به گزارش فارس، «بان کی مون» دبیر کل سازمان ملل متحد برای شرکت در اجلاس عدم تعهد راهی تهران خواهد شد.

المیرا نور قاضی اف، مسؤول هماهنگ کننده دفتر سازمان ملل در تهران در گفت‌وگو با فارس با اعلام این مطلب گفت: برنامه‌ریزی‌های لازم و تدارک برای سفر آقای بان کی مون به ایران در حال انجام است.

اسامی سران شرکت کننده در اجلاس تهران

شانزدهمین اجلاس سران جنبش غیرمتعهدها در تاریخ نهم و دهم شهریورماه در سالن اجلاس سران کنفرانس اسلامی با سخنرانی مقام معظم رهبری برگزار می‌شود و طبق گفته سخنگوی این اجلاس ۴۱ کشور تاکنون اعلام کرده‌اند که در سطح عالی در این اجلاس حضور پیداکنند.

به گزارش ایسنا، سخنگوی شانزدهمین اجلاس سران غیرمتعهدها تاکنون اسامی سران کشورهایی را که در جریان برگزاری شانزدهمین اجلاس سران غیرمتعهدها به تهران سفر می‌کنند به صورت رسمی اعلام نکرد و در توجیه این رفتار، به مشی کشورهای غربی در اعمال فشار به سران این کشورها در بازنگری نسبت به سفر به تهران اشاره کرد، موضوعی که اخیرا در مورد سفر بان کی مون به تهران کم و بیش شاهد آن بودیم.

با وجود تمهیدات اندیشیده شده و تلاش غرب برای منصرف کردن مهمانان اجلاس تهران که باهدف منزوی کردن ایران صورت می‌گیرد، گزارش پیش‌رو، نام برخی از کشورهایی را که در حد سران در این اجلاس شرکت می‌کنند، منتشر کرده است.

بر اساس این گزارش سران تعدادی از کشورهای منطقه که در این اجلاس حضور پیدا می‌کنند عبارتند از امیر کویت، رئیس‌جمهوری پاکستان، امیر قطر، رئیس‌جمهوری ترکمنستان، رئیس‌جمهوری تاجیکستان، پادشاه عمان، رئیس‌جمهوری افغانستان، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین (محمود عباس)، نخست‌وزیر هند، رئیس‌جمهوری عراق، رئیس مجلس لیبی، رئیس‌جمهوری مصر و....

بر اساس این گزارش شنیده شده که برخی از کشورهای آمریکای لاتین چون کوبا، ونزوئلا و اکوادور، بولیوی و... هم در این اجلاس در سطح سران شرکت می‌کنند.

یکی از کشورهای عضو این جنبش که بیشتر توجهات را در عرصه جهانی به خاطر تحولاتی که در آن در حال رخ دادن است، به خود جلب کرده سوریه است که برای شرکت در این اجلاس از بشار اسد، رئیس‌جمهوری این کشور دعوت به عمل آمد، گرچه اعلام شده است که حضور وی در اجلاس تهران بستگی به شرایطی دارد که در کشورش حاکم است، البته عده‌ای از تحلیلگران معتقدند که این اجلاس تریبون مناسبی است برای بشار اسد که بتواند مواضع کشورش را در حضور نمایندگان بیش از ۱۲۰ کشور اعلام کند.

با توجه به سفر هفته گذشته رئیس‌جمهوری به عربستان هم این انتظار وجود دارد که این کشور هم در سطح مناسب در این اجلاس شرکت کند.

همچنین خبرهایی به گوش می‌رسد که اردن و امارات در سطح عالی در این اجلاس حضور داشته باشند.

از سران دو کشور ترکیه و روسیه هم برای حضور در این اجلاس به عنوان میهمانان ویژه دعوت به عمل آمده که به نظر می‌رسد روسیه در سطح وزیر خارجه شرکت کند، گرچه سطح شرکت ترکیه در این اجلاس به صورت قطعی مشخص نشده است.

شرکت عمان در سطح ریاست مجلس در اجلاس عدم تعهد

سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسقط گفت: هیأت ۲۷ نفره عمان در اجلاس عدم تعهد در سطح ریاست مجلس، نماینده ویژه سلطان قابوس و وزیر امور خارجه عمان خواهد بود.

حسین نوش آبادی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در عمان در گفتگو با مهر با بیان این که ۲۰ نفر از مدیران کل در حوزه‌های بین‌المللی، سیاسی و موضوعات مربوط به اجلاس بین‌المللی و کمیته‌های ذیربط در اجلاس حضور خواهند یافت، اظهار داشت: یک تیم ویژه خبری از شبکه‌های مختلف تلویزیونی نیز حضور خواهند داشت و همچنین مجموعه‌ای از مدیران تشریفات دفتر سلطان، مجلس و وزارت خارجه نیز حاضر خواهند بود.

نوش آبادی تأکید کرد: وزیر امو خارجه عمان برای شرکت در اجلاس وزرای خارجه هفت شهریور ماه به تهران سفر می‌کند و تیم نماینده سلطان قابوس و رئیس مجلس نیز برای شرکت در اجلاس سران وارد تهران خواهند شد.

سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسقط با بیان این که اجلاس عدم تعهد نقطه عطفی برای مسائل منطقه‌ای است، تصریح کرد: اجلاس عدم تعهد برای جمهوری اسلامی ایران نیز فرصت مناسبی برای تبیین دیدگاه‌ها و ارائه نقطه نظرات در مسائل بین‌المللی است.

وی با اشاره به تقویت جنبش غیرمتعهدها ادامه داد: به نظر می‌رسد جنبش غیر متعهدها در سال‌های اخیر از هدف‌های بنیانگذاران فاصله گرفته و نیازمند است که از سوی سران توجه بیشتری نسبت به این جنبش در جهت آزاداندیشی و حفظ منافع کشورهای غیر متعهد در جهت ساختارشکنی در مقابل اروپای شرق و غرب که از اهداف اولیه جنبش بوده است، صورت گیرد.



امام علی علیه‌السلام:

رأسُ الإحسانِ ألإحسانُ إلیَ المُؤمنینَ

اصل احسان، نیکی به مؤمنان است.

کوتاه فرهنگی

بیست و سومین پاتوق هنری خانه عکاسان ایران امروز برگزار می‌شود

بیست و سومین پاتوق هنری خانه عکاسان با محوریت نقد و بررسی و داوری آثار اعضای این پاتوق امروز اول شهریور برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی خانه عکاسان، در این نشست افشین بختیار، علی آذرنیا کماری، احمد نصیرپور و رسول اولیازاده عکس‌هایی را که در تور عکس‌های «فیروزآباد» توسط اعضا گرفته شد را ارزیابی می کنند.

این نشست به روال برنامه‌های قبل با مدیریت حمزه اولیازاده از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در گالری شماره ۲ خانه عکاسان ایران در حوزه هنری برگزار می‌شود. ورود به این برنامه برای علاقه‌مندان آزاد است.

اعلام زمانبندی برنامه‌های هفتمین جشنواره طنز مکتوب

جدول زمانبندی برنامه‌های هفتمین جشنواره سراسری طنز مکتوب در روزهای ۲۵ و ۲۶ شهریور از سوی روابط عمومی این جشنواره تشریح شد.

به گزارش روابط عمومی هفتمین جشنواره طنز حوزه هنری، برنامه‌های این جشنواره در روزهای ۲۵ و ۲۶ شهریور در دو نوبت صبح و عصر برگزار خواهد شد.

بر اساس این گزارش در دو روز برپایی جشنواره، صبح‌ها از ساعت ۹ تا ۱۲ کارگاه‌های آموزشی طنز در سالن شماره ۲ تالار اندیشه حوزه هنری واقع در خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ برگزار خواهد شد.

در دو روز برگزاری این جشنواره چهار کارگاه آموزشی طنز پردازی با سر فصل‌های مرتبط با موضوعات جشنواره و با حضور استادان شناخته شده این رشته بر پا می‌شود.

مراسم افتتاحیه هفتمین جشنواره سراسری طنز مکتوب بعدازظهر نخستین روز، یعنی شنبه ۲۵ شهریور راس ساعت ۱۷ در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار می‌شود.

برگزاری مراسم اختتامیه جشنواره هم بعدازظهر روز دوم، یکشنبه ۲۶ شهریور خواهد بود و در پایان همین مراسم برگزیدگان هفتمین جشنواره طنز مکتوب معرفی شده و جوایز خود را دریافت خواهند کرد.

«تیک تاک» طالبی در موزه هنرهای معاصر تهران

فیلم «تیک تاک» به کارگردانی محمد علی طالبی امروز چهارشنبه اول شهریور ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه در سالن سینماتک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش در می‌آید.

بنا به گزارش روابط عمومی موزه هنرهای معاصر تهران، در ادامه برنامه نمایش فیلم در بخش «مروری بر آثار محمد علی طالبی(سینمای کودک)»، فیلم «تیک تاک» محصول سال ۱۳۷۳ به مدت ۶۵ دقیقه در سالن سینما تک موزه هنرهای معاصر تهران به نمایش در می‌آید.

انتشار ۳۰ داستان کوتاه نوجوان در دو مجموعه

دو مجموعه کتاب با ۳۰ داستان کوتاه نوجوان توسط انتشارات «سوره مهر» منتشر می‌شود.

زهرا حیدری نویسنده و دبیر پروژه ادبی «قصه‌های جور وا جور» در این زمینه گفت: کار روی انتشار مجموعه داستان‌های پروژه ادبی «قصه‌های جورواجور» از دو سال پیش آغاز شده است و قرار است به همت دفتر ادبیات کودک و نوجوان داستان‌های کوتاه در قالب مجموعه داستان و از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شود.

دبیر پروژه ادبی «قصه‌های جور وا جور» ویژه گروه سنی نوجوان با اعلام این‌که نخستین مجموعه داستان کوتاه این پروژه با عنوان «خیابانی که حوصله‌اش سر رفت» زیر چاپ است، گفت: دومین مجموعه داستان کوتاه این طرح نیز به زودی آماده می‌شود.

راهیابی دو نقاش ایرانی به پنجمین دوسالانه بین‌المللی پکن

تارا بهبهانی و شیما فریدنی دو نقاش ایرانی هستند که آثارشان در پنجمین دوسالانه بین‌المللی پکن پذیرفته شده است.

به گزارش فارس، پنجمین دوسالانه بین‌المللی پکن با شعار «آینده و واقعیت» ۲۸ سپتامبر (هفتم مهر) در چین برگزار می‌شود و شیما فریدنی به همراه تارا بهبهانی دو هنرمند نقاش ایرانی هستند که آثارشان در این دوره از دوسالانه پذیرفته شده و به عنوان نمایندگان هنر ایران در این دوسالانه حضور دارند.شیما فریدنی اثری با عنوان «آینه» در این دوره از دوسالانه پکن ارائه کرده که با نگرشی زنانه نسبت به زندگی خلق کرده است. فریدنی متولد ۱۳۶۱ و دانش‌آموخته کارشناسی نقاشی از دانشکده هنر و معماری است.تارا بهبهانی دیگر هنرمند ایرانی، دانش آموخته رشته پژوهش هنر است که اثری با عنوان «تولید انبوه» برای نمایش در این دوسالانه ارائه کرد و توانست نظر هیأت داوران را برای ورود به این دوسالانه جلب کند.

در پنجمین دوره دوسالانه بین‌المللی پکن با شعار «آینده و واقعیت» آثار منتخب بیش از ۶۰۰ هنرمند مطرح از سراسر دنیا به نمایش گذاشته می‌شود.

برپایی نمایشگاه عکاسی تبلیغاتی در گالری «ماه‌مهر»

گالری ماه‌مهر در اولین هفته پس از ماه مبارک رمضان به استقبال نمایشگاه گروهی عکاسی تبلیغاتی می‌رود.

به گزارش فارس، در این نمایشگاه عکس‌هایی از جعفر ادریسی، شادی باقری راد، علی‌اصغر جمشیدی، بهنام خزائی،حجت زارعی، نگار شمس، علی شیرازی، آزاده عرب خواری،ستاره مشهدی زاده و نسیم یوسفی روی دیوار می‌رود.

این نمایشگاه سوم شهریوردر گالری ماه مهر گشایش می‌یابد و علاقه‌مندان تا ۱۳ شهریور می‌توانند از این آثار دیدن کنند.

گالری ماه مهر در بلوار آفریقا، خیابان نیلوفر، شماره ۷ قرار دارد.

نمایشگاه‌های نگارخانه «بهمن» در نیمه اول شهریور

نگارخانه‌های فرهنگسرای بهمن در روزهای نیمه اول شهریور نمایشگاه‌های متنوعی را میزبانی می کند.

به گزارش روابط عمومی فرهنگسرای بهمن، نمایشگاه نگارگری روی «اسکراچ برد» آثار سحر عیسوی و نمایشگاه خوشنویسی آثار حکیمه سلیمی از جمله این نمایشگاههاست.

نمایشگاه آثار سحر عیسوی از ۱ شهریور در نگارخانه فرهنگسرای بهمن برپا می‌شودو تا ۱۲ شهریور نیز ادامه خواهد داشت.

این نمایشگاه با هدف معرفی هنرمندان جوان و آشنایی با این هنر، شامل ۳۰ اثر در ابعاد مختلف برگزار می‌شود. سحر عیسوی فارغ التحصیل رشته نگارگری است.

همچنین نمایشگاه خوشنویسی آثار حکیمه سلیمی از اول شهریور آغاز و تا ۱۱ شهریور برگزار می‌شود.

این نمایشگاه شامل ۶۰ اثر با موضوعات آیات قرانی و اشعار مذهبی است.

علاقمندان برای بازدید از این نمایشگاه‌ها می توانند همه روزه به جز ایام تعطیل از ساعت ۹ تا ۱۹ به نگارخانه‌های فرهنگسرای بهمن مراجعه کنند.

تمدید مهلت اولین جشنواره عکس «رژان»

مهلت دریافت آثار نخستین جشنواره بین‌المللی عکس «رژان» با توجه به استقبال عکاسان، تا پایان روز سه‌شنبه ـ هفتم شهریور ـ امسال تمدید شد.

به گزارش مهر، نخستین جشنواره بین‌المللی عکس رژان با موضوع «گرما» در دو بخش اصلی و ویژه برگزار می‌شود.

شهیدالعلم، سیف الله صمدیان، کیانوش عیاری، ساعد نیک‌ذات و مهدی مقیم‌نژاد نخستین جشنواره بین‌المللی عکس رژان را داوری خواهند کرد.

نمایشگاه آثار برگزیده این جشنواره بین‌المللی ۲۴ شهریور در نگارخانه‌های بهار و تابستان خانه هنرمندان ایران افتتاح می‌شود.

علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را روی سایت جشنواره به نشانی www.rojanephf.com بارگذاری کنند.

کمیته بررسی و طرح مرمت مساجد استان تهران تشکیل شد

مدیرکل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان تهران از تشکیل کمیته بررسی و طرح مرمت مساجد استان تهران خبر داد.

محمدحسین فراهانی دیروز به ایرنا گفت: این کمیته با هدف شناسایی و بررسی وضعیت تمامی مساجد استان تهران و برای بررسی برخی از مساجد که به صورت ویژه نیاز به مرمت دارند، تشکیل شده است.

فراهانی با بیان این که تاکنون ۳۰ مسجد در استان تهران مرمت و بازسازی شده‌اند، گفت: مسجد و مدرسه سپهسالار، مسجد آیت‌الله ثقفی، مسجد فیلسوف الدوله، مسجد جامع ورامین از جمله مساجدی هستند که مرمت شده‌اند.

اساس شرح خدمات ارائه شده بخشی از بنای مساجد از جمله کاشیکاری‌ها؛ تزیینات را مرمت می‌کند.

۱۶ خادم فرهنگ رضوی در جشنواره امام رضا(ع) تجلیل می‌شوند

دبیر جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) گفت: از ۱۶ خادم فرهنگ رضوی در داخل و خارج کشور در شب میلاد امام رضا(ع) تجلیل می‌شود.

به گزارش فارس، به نقل از روابط عمومی دهمین جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع)، سیدجواد جعفری دبیر این جشنواره گفت: هشت خادم فرهنگ رضوی از داخل کشور و هشت خادم فرهنگ رضوی از خارج کشور تقدیر می‌شوند.

وی افزود: این ۱۶ خادم فرهنگ رضوی از داخل و خارج کشور از کسانی که در زمینه‌های علمی، فرهنگی و هنری و اجرایی در زمینه فرهنگ رضوی فعالیت‌های ویژه‌ای داشته‌اند، انتخاب می‌شوند.

براساس این گزارش، اختتامیه هفتمین جشنواره فرهنگی و هنری امام رضا(ع) در شب میلاد ثامن‌الحجج(ع) برابر با ۷آبان در مشهد مقدس برگزار می‌شود.

دهمین جشنواره امام رضا (ع) در چهار بخش ملی، بین الملل، عمومی و هفته های فرهنگی برگزار خواهد شد.

بخش ملی برنامه‌های پژوهشی، فرهنگی، هنری، سینمایی، کودک و نوجوان، مطبوعاتی و دیجیتالی، دانشگاهی این جشنواره را در بر می گیرد. بخش بین الملل این جشنواره نیز با همت رایزنی های فرهنگی در ۴۶ کشور دنیا و ۷۵ نقطه از جهان برپا می شود.

بخش هفته های فرهنگ رضوی در طول سال برنامه هایی را در استان های کهکیلویه و بویر احمد، سمنان، اردبیل، کردستان، البرز، فارس، همدان، مازندران، قزوین، کرمان برگزار می کند، بخش عمومی در این جشنواره شامل برنامه‌هایی چون بزرگداشت «امامزادگان»، نمایشگاه «کاروان آفتاب»، جشن های «میلاد رضوی» می شود.

مرمت ۴۰ نسخه خطی، روزنامه و کتاب چاپی در کتابخانه مجلس



بیش از ۴۰ نسخه خطی، روزنامه و کتاب چاپی نفیس و قدیمی در بخش مرمت کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مرمت و به بخش‌های مختلف کتابخانه تحویل داده شد.

به گزارش مهر، حسینعلی جعفریان، مدیر بخش مرمت کتابخانه مجلس شورای اسلامی درباره نسخ نفیسی که به تازگی در این واحد مرمت و به مخزن اضافه شده است، گفت: تعدادی از نسخ خطی تازه خریداری شده به واحد ما ارجاع شد تا کار پاکسازی و ضدعفونی آنها را انجام دهیم که در این راستا آثاری که نیاز به مرمت هم داشتند، مرمت شدند.

وی ادامه داد: از آنجا که آثار موجوددر مخزن‌های کتابخانه مجلس همگی پاکسازی و ضدعفونی شده هستند، وقتی آثار جدیدی به دستمان می‌رسد،باید آنها را ضدعفونی و پاکسازی کنیم. در تیرماه امسال هم بیش از ۱۵ جلد آثار نفیس از نسخه‌های خطی به دستمان رسید که توسط نیروهای تحصیل‌کرده و متخصص در رشته مرمت آثار تاریخی پاکسازی و مرمت شدند.

مدیر بخش مرمت کتابخانه مجلس با اشاره به اینکه این آثار به تازگی خریداری شده بودند، بیان کرد: همچنین تعدادی از آثار نفیس و کهن از نسخه‌های خطی و هنری مخزن کتابخانه به دستمان رسیده است که کار مرمت آنها نیز انجام می‌گیرد.

جعفریان اضافه کرد: مرمت چهار مجلد روزنامه قدیمی مربوط به بخش نشریات کتابخانه و همچنین ۲۲ جلد کتاب چاپی نفیس نیز جزو دیگر کارهایی است که در بخش مرمت کتابخانه مجلس انجام شد. همچنین از آثار تازه خریداری شده نیز همچنان تعدادی اثر در دست مرمت است.وی در پایان گفت: نسخه‌های خطی غالباً به دلیل شرایط نگهداری نامناسب و نحوه استفاده نامطلوب از آن در زمان‌های گذشته دچار آسیب‌دیدگی‌های فیزیکی هستند که مرمت و بازسازی این بخش‌ها زمان و حوصله بالایی را می‌طلبد.

اسامی فیلم‌های منتخب ویدیویی جشنواره فیلم مقاومت اعلام شد

عناوین فیلم‌های منتخب سینمایی ویدیویی جشنواره مقاومت و دفاع مقدس اعلام شد.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از روابط عمومی جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت و دفاع مقدس، اخبار امروز این جشنواره به شرح زیر است:

عناوین فیلم‌های منتخب سینمایی ویدیویی جشنواره فیلم مقاومت و دفاع مقدس و کارگردانان آن‌ها به ترتیب زیر است:

گنگ خوابدیده (علی عطشانی)، دوچرخه سازنابینا – دست‌ها نگاه می‌کنند (ابراهیم شیبانی)، یوما (صادق پروین‌آشتیانی)، ترم زمستانی (رضا بهشتی)، عصر بارانی–سکوت مادرانه (مرجان اشرفی‌زاده)، پگاه و پیکر (کاوه سجادی حسینی)، شهربانو (علی محمد قاسمی)، آبی‌عمیق (حسن لفافیان)، دراعماق خطوط (محمد صادق بکتاشیان)، لانه‌های سوخته (شهرام مسلحی)، مدیون (محمدجواد کاسه‌ساز)، پلاک ۷ کوچه پاییز (شهرام شاه‌حسینی)، ژنرال (علی شاه‌حاتمی)، سرباز یک خانواده (مجید مظفری)، روزی که مینا گم شد (امیر شهاب رضویان)، سماء در آتش (فریدالدین نیک‌جو)، آوان (آرش سجادی‌حسینی)، همسنگار (احسان عبدی‌پور)، لحظه گمشده (سعید ابراهیمی‌فر)، بهمنشیر (حمیدرضا لوافی).

بر پایه این خبر، ۲۰ فیلم از میان ۸۱ فیلم سینمایی ویدیویی رسیده به دبیرخانه جشنواره توسط هیأتی متشکل از مهرداد خوشبخت، عبدالله باکیده، علی دهکردی، مهدی فیوضی و سیدمحمدرضا میرمحمد انتخاب شده است.

معرفی هیات انتخاب بخش بین‌الملل

دبیر جشنواره فیلم مقاومت، امیر اسفندیاری، مهدی همایونفر، علیرضا شجاع‌نوری، نقی‌نعمتی و محمد حمیدی‌مقدم را به عنوان اعضای هیات انتخاب بخش بین‌الملل جشنواره فیلم مقاومت و دفاع مقدس معرفی کرد.

این هیات قرار است آثار رسیده به بخش بین‌الملل جشنواره را برای حضور در مرحله مسابقه انتخاب نماید. بیش از ۴۰۰ عنوان فیلم به بخش‌های مختلف بین‌الملل رسیده است.

بنابراین گزارش، فیلم‌هایی که با موضوع «قربانیان سلاح‌های کشتار جمعی (شیمیایی، میکروبیو هسته‌ای)»، «مقابله با تروریسم و صهیونیسم»، «مقاومت و بیداری اسلامی»، «حقوق بشر»، «جنبش وال‌استریت» و «۹۹ درصدی» در قالب سینمایی، مستند و داستانی از اول ژانویه ۲۰۱۰ در ایران و کشورهای مختلف تولید شده باشند می‌توانستند در این بخش شرکت کنند.

پرستویی: ستاد کمک‌رسانی سینماگران به زلزله‌زدگان همچنان فعال است

پرویز پرستویی اعتماد مردم به سینماگران را قابل تقدیر دانست و عنوان کرد: ستاد کمک‌رسانی سینماگران به زلزله‌زدگان همچنان فعال است و مردم می‌توانند مبالغ مدنظر خود را به حساب‌های اعلام شده واریز کنند.

پرویز پرستویی یکی از سه عضو ستاد کمک‌رسانی سینماگران به زلزله‌زدگان در ارتباط با جمع‌آوری این کمک‌ها به خبرنگار مهر گفت: همانطور که پیش از این اعلام شد طی دو روز در سینما آزادی مبلغ ۱۶۱ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان جمع آوری شده و این در حالی است که برخی سکه، چک و یا دلار هدیه کردند.وی افزود: حتی برخی کمک‌های غیرنقدی داشتند که به همت دوستان در انبار سینما آزادی جمع آوری شده‌است. به طوری‌که هم اکنون این انبار پر شده است. در نظر داریم مستقیما این کمک‌ها را به دست مردم زلزله‌زده برسانیم. اما در این ارتباط عجله‌ای نداریم و می‌خواهیم به صورت برنامه‌ریزی شده حرکت کنیم.پرستویی ادامه داد: در همین ارتباط جلسه‌ای را برگزار خواهیم کرد تا با مشورت دوستان برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشیم. البته قرار است کمک‌های دیگری هم داشته باشیم. شماره حساب‌ها نیز از چند روز پیش روی سایت‌های خبری قرار گرفته‌است. از روز گذشته ما تماس‌هایی داشتیم که مردم کمک‌های خود را حتی در روزهای تعطیل به صورت کارت به کارت پرداخت کردند.

این بازیگر سینما عنوان کرد:البته ما قطعا جزئیات هزینه این مبالغ را تا آخرین ریال به اطلاع مردم خواهیم رساند. در حال حاضر دولت کارهایی را در این مناطق انجام می‌دهد. به طور نمونه وزیر مسکن به این منطقه رفته و کلنگ احداث را زده است. به همین دلیل ما در نظر داریم با این مبالغ آنچه مورد نیاز و ضرورت این هموطنان قرار دارد را تهیه کنیم.

وی افزود: قطعا تا چند روز آینده سفری به این مناطق خواهیم داشت تا از نزدیک در جریان احتیاجات مردم قرار بگیریم. تاریخ سفر نیز به‌زودی اعلام خواهد شد. از دوستانی که به این مناطق سفر کرده‌اند شنیده‌ایم که این هموطنان در حال حاضر نیازی به لحاظ تغذیه و آذوقه ندارند و حتی بخشی از این قبیل کمک‌ها به تبریز بازگشته است.

پرستویی تاکید کرد: منطقه زلزله‌زده سردسیر است و قطعا وقتی هوا کمی تغییر کند دیگر آنها نمی‌توانند در این چادرها که محل اسکانشان است گرم شوند. فکر می‌کنم لباس، پتو و وسایل گرمایشی برای آنها نیاز است. البته بخشی از کمک‌های غیرنقدی که شامل پوشاک نیز می‌شود در دو کامیون به لطف و همت رویا تیموریان طی چند روز گذشته به دست این هموطنان رسیده است.وی ادامه داد: ما نیز قطعا کمک‌های غیرنقدی مردم که در انبار سینما آزادی پر شده‌است را به همراه خود خواهیم برد. تعدادی از دوستان نیز برای پرداخت مبالغ چشمگیر دیگری قول‌هایی داده‌اند اما ما بیشتر در نظر داریم کاری انجام دهیم که ماندگار باشد.



پرستویی همچنین درباره استقبال مردم از دعوت سینماگران برای جمع آوری کمک‌های مردمی گفت: مردم عزیز ما طی دو روز اعلام شده برای دیدن ما نیامده بودند؛ آنها فقط برای کمک با دل و جان آمدند. این اعتماد آنها برای ما جای خوشحالی دارد. سرمایه‌های ما این مردم هستند که باعث می‌شوند ما در نگاهمان و کارهای‌مان خطا نکنیم.

ترمیم نقاشی دیواری سازمان تبلیغات اسلامی



به‌همت اداره روابط عمومی سازمان تبلیغات اسلامی و به مناسبت روز جهانی قدس از نقاشی دیواری سازمان تبلیغات اسلامی در ضلع جنوب شرقی میدان فلسطین رونمایی شد.

به گزارش مهر، هویدا بیک‌علی؛ طراح و نقاش که در حال حاضردر اداره روابط عمومی سازمان فعال است در معرفی این طرح، تصریح کرد: این نقاشی دیواری به ابعاد ۹۶ متر مربع در سال ۱۳۶۷ توسط استاد ایرج اسکندری خلق شد.

هویدا بیک علی درادامه افزود: مضمون این نقاشی درباره مقاومت و مبارزه مردم ایران در دوران هشت سال دفاع مقدس و نقش روحانیت در آن زمان و حمایت مردم ایران از دیگر مسلمانان در مقابل امپریالیسم و حمایت از بیت‌المقدس و تمام اماکن متبرکه مسلمانان است.

این هنرمند درمورد چگونگی ترمیم این نقاشی گفت: ترمیم این نقاشی دو هفته زمان برد،البته این نقاشی دیواری به دو قسمت تقسیم می‌شد و قسمت دوم آن کاملاً از بین رفته بود که مجدداً با رجوع به اصل طرح قسمت دوم این نقاشی طراحی شد.

برگزاری مسابقه فرهنگی-هنری «سی‌مرغ» در موزه ملک

همزمان با چهارمین جشنواره ماه هشتم درده کرامت، مؤسسه کتابخانه و موزه ملی ملک با هدف معرفی بیشتر فرهنگ ایرانی –اسلامی مسابقهٔ«سی مرغ» را برگزار می‌کند.

موضوع« پرندگان در هنرو ادب ایرانی» برای هنرمندان، هنرجویان، پژوهشگران و فعالان فرهنگی – هنری علاقه‌مند به شرکت دراین مسابقه در نظر گرفته شده است.علاقه‌مندان تا ۲۲ شهریور می‌توانند برای ثبت نام در این مسابقه اقدام کنند. برای آگاهی بیشتر از شیوهٔ برگزاری مسابقه جلساتی در نیمه دوم شهریور برگزار خواهد شد.

بخش اول مسابقه با برگزاری نشست‌های علمی از یکشنبه ۲۶ شهریور با حضور استادان صاحب نظر برگزار می‌شود تا شرکت کنندگان با ابعاد مختلف موضوع و منابع آشنا شوند و در بخش دوم مسابقه، طرح و ایده‌های شرکت‌کنندگان به هیأت علمی ارائه می‌شود.که شرکت کنندگان پس از مراحل نظری چند روز فرصت می‌یابند تا آثار پیشنهادی خود را اعم از نوشته، عکس، اثرهنری، فیلم، نمایش، سفرنامه، وبلاگ نوشت و... در محل کتابخانه و موزه ملک تهیه و تولید کنند.

پس از داوری، آثار تولید شده توسط هیات داوران به سه برگزیده مسابقه جوایز نقدی در مراسم پایانی جشنواره ماه هشتم در ۶ مهر/۹۱ اهداء خواهد شد. مهندس سید محمد بهشتی، دکتر سیدعبدالمجید شریف‌زاده، رامین مرآتی، احمد صدری و سیدمجتبی حسینی هیأت علمی این مسابقه را تشکیل می‌دهند.

علاقه‌مندان می‌توانند برای ثبت نام از ۱۲ تا ۲۲ شهریور با شماره‌های ۶۶۷۲۶۶۵۳ و ۶۶۷۲۶۶۱۳ و ۶۶۷۵۱۲۹۱ تماس حاصل کنند.

نمایش دو فیلم ایرانی در جشنواره کمبریج انگلیس

فیلم‌های سینمایی «یه حبه قند» و «سیب و سلما» از تولیدات حوزه هنری در سی و یکمین جشنواره فیلم کمبریج انگلستان روی پرده می‌روند.

به گزارش فارس، فیلم‌های سینمایی «یه حبه قند» به کارگردانی سیدرضا میرکریمی و «سیب و سلما» به کارگردانی حبیب‌الله بهمنی در سی و یکمین جشنواره کمبریج اکران می‌شوند.

به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری، فیلم سینمایی «سیب و سلما» قبلاً در جشنواره فیلم دینی کازان روی پرده رفته بود. داستان این فیلم درباره طلبه جوانی است که سیبی را می‌خورد و پس از خوردن سیب به دنبال مالک اصلی آن و طلب رضایت از او است.هادی دیباجی، سوگل قلاتیان، بهروز بقایی و... بازیگران این فیلم هستند.

فیلم تحسین شده «یه حبه قند» به تازگی در جشنواره‌های گرانادای اسپانیا و لوکانیای ایتالیا روی پرده رفته است.داستان این فیلم درباره خانواده‌ای است که در آستانه ازدواج دخترشان با مشکلی روبرو می‌شوند.نگار جواهریان، رضا کیانیان، سعید پورصمیمی، فرهاد اصلانی و... بازیگران این فیلم هستند.

اولین دوره این جشنواره در سال ۱۹۷۷ میلادی برگزار شده است. امسال سی و یکمین دوره این جشنواره ۲۳ شهریور تا دوم مهرماه در شهر کمبریج انگلستان برگزار می‌شود.

حضور دو داور آمریکایی در جشنواره ایرانی فیلمسازان مستقل

حضور دو فیلم ساز آمریکایی به عنوان داور در جشنواره فیلمسازان مستقل (افق نو) قطعی شد.

به گزارش فارس با پایان یافتن مهلت ارسال آثار به نخستین جشنواره بین‌المللی فیلمسازان مستقل «افق نو»، آثار نمایندگان ۷۲ کشور در دبیرخانه جشنواره ثبت شد. بیشترین آثار ارسال شده به جشنواره از کشورهای امریکا، انگلیس و اسپانیاست.

۹۸۰ اثر از هفتاد و دو کشور دنیا برای شرکت در جشنواره «افق نو» ارسال شده که در مرحله انتخاب آثار برای نمایش و شرکت در بخش مسابقه است.

بر اساس گزارش روابط عمومی جشنواره، تا امروز نیز حضور دو فیلم ساز آمریکایی به عنوان داور قطعی شده است؛ «اسکات فرانک» و «دارنل استفان سامرز». فرانک فیلم‌سازی است که هم‌اکنون ساخت فیلمی با موضوع سقوط هواپیمای ایرباس مسافربری ایرانی به دست ناو وینسنس آمریکایی را در دست دارد. سامرز هم که خود از سربازان کهنه کار جنگ ویتنام است، علاوه بر فیلم سازی، از فعالان سیاسی و اجتماعی اروپا و امریکا به شمار می آید.

جشنواره فیلم «افق نو» از ۱۲ تا ۱۶ شهریوردر تهران برگزار می‌شود. تمامی آثار با بهره‌گیری از ابزارها و امکانات فضای مجازی از تاریخ اول خرداد تا ۲۰ مرداد به دبیرخانه ارسال شده است. داوری این آثار همچنان ادامه دارد و در روزهای آینده نام فیلم‌های منتخب برای نمایش منتشر می‌شود.

جشنواره «افق نو» در ۹ بخش اجرا می‌شود؛ جنبش جهانی اشغال، بیداری اسلامی، مقاومت در برابر اشغالگران، جنبش‌های ضد جنگ، بحران‌های اقتصادی در غرب، نقش لابی‌های صهیونیستی در بحران‌های سیاسی و اقتصادی غرب، اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی، جهان بدون تروریسم و سلاح هسته‌ای و جهانی به سوی عدالت پایدار.

جدای از نمایش آثاری در این ۹ بخش، همزمان با برپایی جشنواره، کنفرانس‌ها و نشست‌های خبری نیز با حضور اندیشمندان و صاحب‌نظران عرصه‌های سیاسی و اقتصادی با هدف کنکاش و گفت‌وگوی بیشتر برگزار می‌شود.

در میان فیلم‌های منتخب علاوه بر آثار مستند، آثار داستانی نیز در قالب فیلم‌های کوتاه و نیمه‌بلند وجود دارد. تمامی فیلم‌های منتخب در جشنواره از سال ۲۰۱۰ به بعد تولید شده است. بیشترین آثار ارسال شده به جشنواره از کشورهای امریکا، انگلیس و اسپانیاست. از همین رو بیش از ۹۰ درصد آثار علاوه بر هماهنگی با محتوای جشنواره، با جدیدترین وسایل و ابزار روز دنیا تولید شده است. آمریکا با بیش از ۲۵۰ اثر (۲۵ درصد کل آثار) گوی سبقت را از دیگر کشورها ربوده است.

تجلیل از مجید انتظامی در چهارمین جشنواره موسیقی مقاومت



مجید انتظامی؛ آهنگساز پیشکسوت کشورمان و سازنده موسیقی فیلم‌های دفاع مقدسی در چهارمین جشنواره موسیقی مقاومت تجلیل می‌شود.

به گزارش فارس، مجید انتظامی سازنده موسیقی فیلم‌های آژانس شیشه‌ای، دوئل، بوی پیراهن یوسف، روز واقعه، از کرخه تا راین و... با موضوع دفاع مقدس بوده است.

وی همچنین ساخت و اجرای سمفونی‌های «ایثار»، «انقلاب اسلامی»، «مقاومت»، «خرمشهر»، «این فصل را با من بخوان»، «کارون» و «صلح» را در کارنامه خود دارد.

در این دوره از جشنواره موسیقی مقاومت ۱۰ هنرمند از جمله دو آهنگساز، دو شاعر، سه نفر از اعضای برتر گروه‌های ارکستر به همراه یک مداح و دو نفر دیگر تجلیل خواهند شد.

جشنواره موسیقی مقاومت ۲۷ شهریور با تجدید میثاق با امام خمینی(ره) در تهران و همچنین زیارت مزار شهدای کرمانشاه در تپه شهدای این شهر، رسما آغاز به کار خواهد کرد.

تهران در نخستین روز این دوره از جشنواره ۲۷ شهریورماه پس از اذان مغرب و عشاء در تالار وحدت میزبان موسیقی مقاومت خواهد شد و روزهای ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ شهریور، این جشنواره در کرمانشاه ادامه خواهد یافت و در نخستین روز مهر، تهران میزبان مراسم اختتامیه جشنواره می‌شود.

معرفی کتاب

کجاوه



مجموعه داستانی «کجاوه» با حال و هوای زندگی مردم ترکمن صحرا با نویسندگی یوسف قوچق منتشر شد.

به گزارش سوره مهر، «کجاوه» مانند بیش‌تر آثار این نویسنده، ترکیبی از واقعیت‌ها و افسانه‌های قوم ترکمن است و خواننده را با حال و هوای زندگی این قوم ساکن در شمال ایران آشنا می‌کند.

این مجموعه شامل چهار داستان با نام «کجاوه»، «دوتار»، «نی‌سواران» و «چاپار» است که در همگی آن‌ها حال و هوای زندگی مردمان ترکمن صحرا و واقعیت‌های زندگی‌شان به خوبی دیده می‌شود.

در بخشی از داستان «کجاوه» که عنوان این مجموعه هم هست آمده: «گوشهای مرگن جز ناله‌های شتر و ناله‌های خودش، چیز دیگری نمی‌شنید. همهمه‌ی دیگری بین جمعیت پیچید. همه با تعجب به هم نگاه می‌کردند. گریه‌های مرگن و رفتارش، قبول نکردن روسری و... اینها هیچ کدام از رسوم عروسی نبود...».

سوره مهر این مجموعه را در ۵۰ صفحه، قطع رقعی و در تیراژ ۲۵۰۰ جلد و با قیمت ۲۷۰۰ تومان منتشر کرده است.

اجرای دو نمایش جدید در مجموعه تماشاخانه ایرانشهر

مجموعه تماشاخانه ایرانشهر در روزهای نخست شهریور با اجرای دو نمایش «کلمه؛ سکوت؛ کلمه» به کارگردانی مائده طهماسبی و «آنتیگونه» کار همایون غنی‌زاده میزبان علاقه‌مندان به هنرهای نمایشی خواهد بود.

به گزارش ایرنا از مجموعه تماشاخانه ایرانشهر؛ اجرای نمایش «کلمه؛ سکوت؛ کلمه» نوشته دیوید آیوز به کارگردانی مائده طهماسبی با بازی فرهاد آئیش، مریم سعادت، رامین ناصر نصیر، فرشته صدر عرفایی، سعید چنگیزیان، سینا رازانی، شبنم فرشادجو از یکم شهریور در سالن استاد سمندریان اجرا می‌شود.همچنین نمایش «آنتیگونه» با بازی آتیلا پسیانی، ایوا پوستا، رایمو پاس، آگو اندرسون، الینار رینولد و آندروس واریک از سوم شهریور در سالن شماره یک این مجموعه آغاز می‌شود.ساعت اجرای نمایش «کلمه؛ سکوت؛ کلمه» ۲۰ و «آنتیگونه» ساعت ۲۰ و ۳۰دقیقه خواهد بود.براساس این گزارش؛ اجرای نمایش‌های «سی و سه درصد نیل سایمون» به کارگردانی افسانه ماهیان روز یکشنبه (۲۹ مرداد) و «شب روی سنگ فرش خیس» به کارگردانی هادی مرزبان روز جمعه (۲۷مرداد) در مجموعه تماشاخانه ایرانشهر به پایان می‌رسد.

پیش‌بینی بازدید ۳ میلیون نفر از نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال

رئیس مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال اعلام کرد با ایجاد بخش‌های متنوع و جذاب در نظر گرفته شده برای ششمین نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال پیش‌بینی می‌شود که ۳ میلیون نفر از این نمایشگاه بازدید کنند.

به گزارش روابط عمومی مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال، حسن علیزاده رئیس این مرکز با اعلام مطلب مذکور از برگزاری جشنواره مذکور از مهر امسال خبر داد و گفت: نقشه ششمین نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال به تفکیک بخش‌ها هم اکنون آماده شده و ظرف روزهای آینده روی پرتال جامع www.saramad.ir قرار داده خواهد شد.

وی خاطرنشان کرد: همچنین بعد از برگزاری اجلاس سران جنبش عدم تعهد، نمایشگاه سیار رسانه‌های دیجیتال هم راه‌اندازی خواهد شد که در مکان‌های پررفت و آمد و پربازدید ایجاد خواهد شد.علیزاده اضافه کرد: همچنین سه روز پس از افتتاح نمایشگاه رسانه‌های دیجیتال، نمایشگاه مجازی رسانه‌های دیجیتال هم آغاز به کار خواهد کرد.وی با بیان اینکه ثبت‌نام از موسسات برای حضور در این نمایشگاه تا سوم شهریور ادامه خواهد داشت، گفت: زمان تحویل نرم‌افزارها برای شرکت در بخش جشنواره ششم رسانه‌های دیجیتال، تا ۱۵ شهریور خواهد بود.

امام صادق علیه‌السلام کیست (۲)

سیدرضا اکرمی



بسم‌الله الرحمن الرحیم

۱ـ مطالعه تاریخ و مطالعه زندگی هر امامی، ویژگی‌های خود را دارد و درس‌های سازنده و آموزنده آن مقتضایت آن دوران را بازگو می‌نماید و این تفاوت است که زندگی آنان را متفاوت نشان می‌دهد. در قرن اول هجرت، چهار امام شیعیان درگیر «تثبیت اسلام» بودند و می‌کوشیدند با درایت و برنامه‌ریزی اسلام نوپا و مسلمانان نوظهور را حفظ کنند و در برابر طاغوت‌های آن دوران چون «معاویه و یزید، عبدالمک و هشام» در قالب تقیه و تحمل حداکثر جفا، آن نهال را حفظ نمایند و ریشه‌های آن نهال را در اعماق دلها، رسوخ و نفوذ دهند، تا اصل محفوظ بماند، زیرا معاویه و بنی مروان با اصل اسلام در تعارض بودند و معاویه و یزید و پدربزرگشان «ابوسفیان» اندیشه «براندازی» دین اسلام و بازگشت به جاهلیت را داشتند، مطالعه نظرات معاویه به «مغیره بن شعبه» و اظهارات یزید پس از به شهادت رساندن امام حسین علیه‌السلام، گواه روشن بر این ادعا است، خودکامگی «عبدالملک» که وقتی خبر خلیفه شدن را شنید به قرآن گفت، خداحافظ، آن هم در مسجد پیامبر، و می‌گفت «لا یامرنی احد بتقوی الله الا ضربت عنقه» هرکس مرا به تقوای خدایی، فرمان دهد، گردن وی را قطع می‌کنم، و در اعتراض به نوشیدن شراب، می‌گفت، خون هم می‌آشامم، در چنین حال و هوایی، امام چهارم توان انجام چه کاری جز «حفظ اسلام و چند نفر مسلمان راستین» داشت، امامی که مسئولیت هدایت و حفاظت را در هنگامه خون و شهادت و اسارت، دریافت نمود و نوشته‌اند که چون بعد از وفات رسول خدا، ارتداد مردم، تکرار شد، امام چهارم کوشید به‌تدریج، سه چهار نفر را توسعه دهد و به صد نفری برساند که معارف اسلام را بشنوند و تدریس کنند و عملیاتی سازند.

۲ـ درآستانه قرن دوم و حذف قهرمانان کفر و شرک چون معاویه و عبدالملک، امام باقر علیه السلام، شاگردان صد نفری پدر را به پانصد نفر، رشد داد و بر کم و کیف اصحاب خود افزود و با تأسیس حوزه علمیه، بردانش و آگاهی یاران خود افزود و کار فرهنگی و فکری را دستور کار خود قرار داد و بستر کار، پس از چراغ سبزهای عمربن عبدالعزیز و آزادی بیان و قلم، فراهم شد، امام به دسته بندی علوم اسلامی چون «تفسیر، تطبیق، تحلیل، تعلیل، تدوین» پرداخت و «تبویب فقه» را دستور کار خویش و اصحاب خود قرار داد و شد «باقرالعلوم» با همه برداشتها از این عنوان، که ابتدا باید «دپوی» علوم را فراهم نمود و سپس دسته بندی شده، اسلام را معرفی نمود. و برای هر رشته‌ای، فرد یا افراد برجسته‌ای را معرفی کرد، پهلوانان و قهرمانان فقاهت و کلام و تفسیر و مناظره و تاریخ و تطبیق را، آموزش داد و پروراند، و به مأموریت فرستاد، کرسی تدریس را با تطبیق همراه ساخت و زمان و مکان را دو عنصر مهم در اجتهاد، معرفی نمود، از امام در مورد خروج قربانی از منی می‌پرسند، امام جواز خروج قربانی از منی را اعلام می‌دارد و در اشکال و ایراد به حضرت که جدت رسول خدا خروج قربانی را ممنوع اعلام داشت، می‌فرماید زمان حضرت سائل و فقیر در منی حضور داشت و بدین جهت خروج قربانی ممنوع بود، اکنون حاجی و قربانی بسیار است و داوطلب پذیرش اندک است، برای جلوگیری از ضایعات انبوه، و جلوگیری از اسراف «مال البیت» خروج قربانی مجاز است.

۳ـ امام باقر علیه السلام به صورت حوزه علمیه سیار در جمع عده‌ای به سفر حج می‌رود و «لجنه علمی» به وجود می‌آورد و در حقیقت آیه ارزشمند «و ما کان المؤمنون لینفروا کافه، فلولا نفر من کل فرقه طایفه منهم، توبه آیه ۱۲۱» را عملیاتی می‌نماید و با حضور در سفر بین‌الملل دنیای اسلام، همگان را متوجه «امیرالحاج» بودن در بخش فرهنگی و سیاسی می‌کند. اقبال مردم به حضرت ولو در قالب سؤالات مناسک حج، نشانگر توجه فطری مردم به «اهل بیت» است و معلوم می‌دارد که «مرجعیت علمی» برای «آل محمد» است که در قرن نخست و پس از وفات پیامبر اسلام توسط جاه‌طلبان و قدرت پرستان مورد بی‌مهری قرار گرفت. بررسی روایات فقهی حج و این که تا زمان امام باقر علیه‌السلام «مناسک حج» به صورت مدون وجود نداشت و امام سجاد علیه السلام که در سفر حج حضور می‌یافت، حالت فردی داشت و اینک گویا «رنسانسی» در مدینه النبی به وجود آمده و امام باقر علیه السلام و شاگردان پانصد نفری حضرت می‌خواهند مردم را متوجه «تحولات» بنمایند. از این جا معلوم می‌شود توجه دادن امام باقر به فرزندش در مورد اصحاب و شاگردان حوزوی خود، که «اوصیک با صحابی خیرا» چه جایگاهی دارد و تعهد امام ششم به پدر، آن گونه شاگردانت را مراقبت علمی نمایم که هر فردی در شهر خود بتواند، مرجع علمی شود و نیازهای آنان را پاسخگو باشد.

کوتاه آموزشی

تعطیلی پنج شنبه‌های مدارس موجب کاهش جرم می‌شود

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، آخرین وضعیت سند تحول آموزش و پرورش را تشریح کرد و در مورد تعطیلی مدارس در روزهای پنج‌شنبه گفت: بر اساس بررسی‌ها و نظرسنجی‌ها دانش‌آموزان، معلمان و والدین دانش‌آموزان بیشترین موافقت را با تعطیلی پنج‌شنبه‌ها داشتند.

به گزارش فارس، محمدرضا مخبر دزفولی ادامه داد: با توجه به این تعطیلی فرصتی پیش می‌آید تا دانش‌آموزان بتوانند در کنار والدین خود باشند و همچنین فرصتی برای بازسازی معلمان باشد.

مخبر دزفولی با بیان این که بر اساس مقایسه‌هایی که با کشورهای مختلف انجام شده، میانگین دوره آموزشی در هفته بین ۴,۵ تا ۵ روز است، افزود: مراجع مهم انتظامی و امنیتی بر اساس گزارشی که از تعطیلی آزمایشی پنج‌شنبه‌ها در سال گذشته انجام داده است، اعلام کردند که مخالفتی با تعطیلی پنج‌شنبه‌ها ندارند و این طرح مثبتی خواهد بود.

او ادامه داد: در گزارش نیروی انتظامی آمده است که معمولا تعطیلات باعث کاهش جرم می‌شود که تعطیلی پنج‌شنبه‌ها برای مدارس نیز خارج از این موضوع نیست.

برگزاری آزمون اعزام فرهنگیان به مدارس خارج از کشور در جمعه

توزیع کارت آزمون متقاضیان اعزام به مدارس خارج از کشور تا پنجشنبه ۲ شهریور ادامه دارد و آزمون ساعت ۹ صبح جمعه ۳ شهریور در مراکز استان‌ها برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، عبدالامیر عرفی رئیس مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش با اعلام این خبر افزود: داوطلبان شرکت در آزمون اعزام به مدارس خارج از کشور می‌توانند با مراجعه به سایت http://ezam-aee.medu.ir/ و ارائه کد پرسنلی و کد ملی، کارت شرکت در آزمون را دریافت کنند.

او با بیان این که در این آزمون ۹۴۰۰ نفر از فرهنگیان ثبت نام کرده اند، افزود: اسامی پذیرفته شدگان دو برابر ظرفیت اعزام فرهنگیان به مدارس خارج از کشور، حداکثر دو هفته بعد از برگزاری آزمون به مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور وزارت آموزش و پرورش اعلام خواهد شد و این مرکز نیز با برگزاری مصاحبه‌های حضوری و گزینش، اقدام به معرفی پذیرفته شدگان نهایی خواهد کرد.

راه اندازی ۱۸ دانشگاه تک جنسیتی جدید در کشور

مدیر کل دفتر آموزش‌های آزاد غیردولتی غیرانتفاعی اعلام کرد که ۱۸ دانشگاه تک جنسیتی جدید در حال راه اندازی در کشور هستند.

غلامعلی نادری به مهر گفت: موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی صدرا که در تهران مستقر بود، تفکیک و به دو دانشگاه دختران و پسران تقسیم شد.

او ادامه داد: با این تفکیک، دانشگاه دختران صدرا به «آل طاها» تغییر نام پیدا کرد و دانشگاه پسران با همان نام صدرا باقی ماند.

او اضافه کرد: همچنین موسسه «شکوه شرق» در زاهدان ویژه پسران راه اندازی شد.

به گفته نادری، شش موسسه دیگر از جمله یک موسسه خواهران در تبریز، یک موسسه پسران در کرج، یک موسسه دختران در قم و سه موسسه خواهران در شهرهای مشهد، ارومیه و زنجان راه اندازی خواهند شد.

نادری همچنین به ۱۱ موسسه تک جنسیتی دیگر اشاره کرد که درخواستشان برای راه اندازی در حال بررسی است.

بازنگری ۲۷۰ رشته دانشگاهی در دستور کار وزارت علوم

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی آموزش عالی وزارت علوم گفت: بازنگری ۲۷۰ رشته دانشگاهی در دستور کار کمیته‌های برنامه‌ریزی شورای برنامه‌ریزی وزارت علوم قرار دارد که بیشترین آنها مربوط به گروه علوم انسانی است.

به گزارش ایسنا، سعید قدیمی افزود: از این تعداد، بازنگری ۳۰ رشته دانشگاهی توسط کمیته‌های مربوط تایید شده است و تا پایان مهر امسال در دستور کار شورا قرار می گیرد و در صورت تصویب نهایی به دانشگاه‌ها ابلاغ می‌شود.

قدیمی با بیان این که در حال حاضر ۷۰ کمیته برنامه‌ریزی درسی در وزارت علوم فعال است که نزدیک به ۲۰ کمیته آن در حوزه‌های علوم انسانی فعال هستند، اضافه کرد: این کمیته‌ها طی ارتباط با شورای تحول علوم انسانی، ماموریت‌های ابلاغی را دنبال می‌کنند.

به گفته این مسئول، براساس ضوابط موجود، سرفصل‌های درسی دانشگاه‌ها که بیش از پنج سال از تصویب آنها گذشته باشند، باید بازنگری شود.

ذخیره کافی کالاهای اساسی در کشور

سخنگوی اقتصادی دولت از ورود بخش قابل توجهی از کالاهای اساسی به مبادی گمرکی کشور خبر داد و گفت: از آنجایی که بخش دیگری از این اقلام نیز بزودی وارد کشور می‌شود، دغدغه‌ای برای تأمین کالاهای اساسی نخواهیم داشت. «سید شمس‌الدین حسینی» در گفت‌وگو با ایرنا، افزود: از وزارت صنعت، معدن و تجارت هم خواسته شده است تا دوره ذخیره کالاهای اساسی را افزایش دهد.

وی اظهار داشت: براساس گزارش‌های دریافتی از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت هم اکنون در حوزه تأمین کالاهای اساسی از محل خرید تولیدات داخلی و خرید از خارج به ذخیره مطمئن کالاهای اساسی رسیده‌ایم.

نامبرده ادامه داد: اقدامات انجام شده در مورد تأمین ارز کالاهای اساسی در شرایط کنونی به خوبی به نتیجه رسیده که این کار صرفاً با همکاری بانک مرکزی، سازمان توسعه تجارت و فعالان عرصه اقتصادی بخش‌های دولتی و خصوصی انجام شده است.

وی درباره تعیین نرخ مرجع ارز گفت: براساس قانون سیاست‌های پولی و ارزی، بانک مرکزی فقط مرجع اعلام و تعیین نرخ مرجع ارز است.

وزیر اقتصاد اظهار داشت: این مسأله که موضوع ارز و سیاست‌های آن بر روی سایر بخش‌های اقتصادی کشور تأثیرگذار باشد، امری طبیعی است.

وی تصریح کرد: ارز یکی از مقوله‌هایی است که همواره و بویژه در شرایط کنونی اقتصاد ایران در مناسبات اقتصادی بسیار تأثیرگذار است. به همین منظور کمیته تنظیم بازار ارز با مسئولیت بانک مرکزی و با حضور سازمان‌های مرتبط از جمله سازمان توسعه تجارت و گمرک تشکیل شده تا تحولات بازار ارزی کشور را بررسی کنند.

حسینی با اشاره به همکاری مجلس شورای اسلامی و دولت برای نظارت و کنترل بیشتر بازار ارز اظهار داشت: کارگروه ساماندهی بازار ارز با مدیریت بانک مرکزی متشکل از نمایندگان مجلس و دولت تشکیل شده است که براساس تصمیمات اتخاذ شده در این کارگروه، مقرر شد تا ارز مورد نیاز کالاهای اساسی براساس نرخ ارز مرجع بانک مرکزی تأمین شود.

وی افزود: در کنار این تصمیمات قرار است برای ایجاد بازار رقابتی و شفاف ارز، معاملات گواهی ارزی در بورس راه‌اندازی شود که به همین منظور سازمان بورس به مجموعه اعضا کمیته تنظیم بازار ارز پیوسته است.

رئیس کل گمرک ایران

سخنگوی اقتصادی دولت

همچنین رئیس کل گمرک ایران از ترخیص ۱۲ میلیون تن کالا از گمرکات کشور در چهار ماهه ابتدای سال جاری خبر داد و گفت: دپوی ۹۶ هزار تن کالا کمتر از یک درصد از حجم کالاهای ترخیصی از گمرکات کشور است.

عباس معمارنژاد در پاسخ به پرسشی درباره اخبار منتشره درباره دپوی ۹۶ هزار تن کالا در گمرکات کشور، افزود: این میزان کالای رسوبی نسبت به حجم واردات در چهارماهه ابتدای سال‌جاری رقم‌بسیار اندکی است.

وی درباره دلایل دپوی این کالاها اظهار داشت: بسیاری از گمرکات کشور در منطقه ویژه و اقتصادی واقع شده و تابع قوانین این مناطق هستند.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی با بیان آنکه، بزرگترین گمرکات کشور همانند شهید رجایی، بوشهر و بندر امام خمینی در مناطق ویژه اقتصادی قرار دارند، تصریح کرد: این امر سبب شده است تا این گمرکات تابع قوانین خارج از سرزمین اصلی باشند.

وی تصریح کرد: تا زمانی که کالایی به گمرکات کشور اظهار نشود، این سازمان اطلاعی از ورود آنها ندارد، ضمن آنکه هر کالای وارداتی معلوم نیست که وارد کشور شود.

رئیس کل گمرک ایران تأکید کرد: کالاهایی که وارد مناطق ویژه اقتصادی می‌شوند، خارج از قلمرو گمرکی هستند و تا زمانی که اظهار نشوند، گمرک نمی تواند در خصوص آنها اقداماتی انجام دهد.

وی درباره واردات کالاهای اساسی در چهارماهه ابتدای سال جاری اظهار داشت: در این مدت واردات کالاهای مربوط به نهاده‌های دامی نظیر جو، ذرت و کنجاله نسبت به دوره مشابه قبل ۵۰ درصد رشد داشته است.

به گفته معمارنژاد، همچنین واردات کالاهای اساسی گندم، قند و شکر و همچنین سایر موارد در چهار ماهه ابتدای سال جاری نسبت به مدت مشابه قبل به شدت افزایش یافته و جای نگرانی برای تأمین این کالاها وجود ندارد.

۱۰۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی ایران در ۱۰۰ سال گذشته

بررسی‌های یک تحقیق کارشناسی نشان می‌دهد که درآمد نفت ایران در ۱۰۰ سال گذشته معادل بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار بوده است.

به گزارش ایسنا، تولید نفت ایران بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۹۰، معادل ۶۸/۷۷ میلیارد بشکه بوده است که بر این اساس بیش از ۱۰۷۹ میلیارد دلار عاید کشور شده است.

طبق آمار، مجموع تولید نفت ایران بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۳۲ معادل ۲/۳ میلیارد بشکه بود که با فروش هر بشکه ۲۳ سنت، درآمد ۵۰۰ میلیون دلاری را در ۴۰ سال برای کشور در پی داشته است.

در طول ۱۷ سال بعد درآمدهای نفتی ایران ۱۰۰ درصد افزایش یافت. بین سال‌های ۱۳۳۳ تا ۱۳۵۰ بالغ بر ۱۱/۵ میلیارد بشکه نفت خام تولید شد که با افزایش قیمت نفت به ۱/۴ دلار برای هر بشکه ۱۴/۵ میلیارد دلار برای ایران ارز آوری داشت.

با افزایش قیمت نفت، درآمدهای ایران رشد چشمگیری داشت به طوری که با رسیدن نفت به ۸/۸ دلار، درآمد ایران فقط در هفت سال (۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷) را به ۱۱۶/۵ میلیارد دلار رسید. البته افزایش درآمد ارزی کشور فقط ناشی از قیمت نفت نبود، بلکه افزایش تولید نفت خام هم در این زمینه تاثیر داشت. به طوری که در بین سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۷ حدود ۱۴/۲ میلیارد بشکه نفت خام تولید شد.

به این ترتیب از سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۵۷ یعنی سال‌های پیش از انقلاب (۶۷ سال) کل درآمد ایران حاصل از نفت حدود ۱۳۲ میلیارد دلار بوده است.

البته تولید نفت با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی کاهش محسوسی داشت، اما به دلیل فروش هر بشکه نفت خام به ۲۵ دلار، این امر باعث نشد که درآمدهای نفتی کاهش یابد. از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ در مجموع ۹/۷ میلیارد بشکه نفت خام برداشت شد که ۱۵۰ میلیارد دلار برای کشور ارز آوری داشت.

در طول ۱۰ سال بعد اگر چه تولید نفت خام از ۹/۷ میلیارد به ۱۳/۹ میلیارد رسید، اما با سقوط قیمت نفت خام به ۱۶ دلار کاهش درآمدها نفتی را در پی داشت. در بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ فقط ۱۵۰ میلیارد دلار نصیب کشور شد.

درطول پنج سال بعد هر بشکه نفت خام ۲۹ دلار معاوضه شد. در این مدت (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) معادل ۷ میلیارد بشکه نفت خام از ذخایر کشور برداشت شد که حاصل آن واریز ۱۳۰ میلیارد دلار به خزانه کشور بود.

بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ به لطف افزایش قیمت نفت بیشترین درآمد نفتی برای کشور محقق شد. در این سال‌ها ۱۰/۲ میلیارد بشکه با متوسط قیمت ۸۷ دلار به فروش رفت که نتیجه آن کسب ۵۱۱ میلیارد دلار بود.

پیش‌بینی افزایش قیمت نفت در ۶ ماهه دوم سال

از سوی دیگر نماینده ایران در اوپک با تاکید بر اینکه بازگشایی درب مخازن استراتژیک نفت آمریکا در بلندمدت منجر به کاهش بهای نفت نخواهد شد، سه عامل اصلی افزایش بهای جهانی طلای سیاه را تشریح کرد و گفت: پیش‌بینی می‌شود پاییز و زمستان نفت گران‌تر شود.

سیدمحمد علی خطیبی در گفتگو با مهر درباره تصمیم اخیر ایالات متحده آمریکا برای بازگشایی درب ذخایر استراتژیک نفت به منظور کاهش بهای جهانی طلای سیاه، گفت: هنوز آمریکایی‌ها تصمیم قطعی در این خصوص نگرفته‌اند.

وی بااعلام اینکه آژانس بین‌المللی انرژی هم تصمیم آمریکا برای بازگشایی درب مخازن استراتژیک نفت خام را اقدامی غیر ضروری ذکر کرده است، تصریح کرد: قطعا این اقدام در بلند مدت منجر به کاهش بهای جهانی نفت خام نخواهد شد.

این مقام مسئول با اعلام اینکه بازگشایی درب مخازن راهبردی آمریکا شاید در کوتاه مدت منجر به کاهش بهای نفت شود، اظهار داشت: اما کاهش سطح ذخایر نفت منجر به آسیب پذیر شدن حجم ذخایر طلای سیاه این کشور خواهد شد. در بلندمدت هم آمریکا برای تکمیل ذخایر نفت خام خود مجبور به واردات بیشتر نفت خواهد شد و بر این اساس این اقدام منجر به افزایش تقاضا و در نهایت افزایش قیمت نفت خام می‌شود.

وی در خصوص واکنش احتمالی اعضای اوپک به این اقدام آمریکا، بیان کرد: هنوز آمریکا این تصمیم را عملیاتی نکرده است که اوپک به آن واکنش نشان دهد.

نامبرده در ادامه در پاسخ به سوال دیگر مهر مبنی بر دلایل افزایش قیمت جهانی نفت خام، توضیح داد: مهمترین عامل گران شدن بهای طلای سیاه به ویژه در تابستان سالجاری نگرانی مصرف کنندگان بزرگ نفت از نحوه عرضه این کالا است.

وی از تغییر و تحولات ژئوپولیتیکی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه به عنوان یکی دیگر از دلایل افزایش بهای نفت یاد کرد و افزود: افت تولید نفت در منطقه دریای شمال به دلیل مسائل فنی هم از دیگر دلایل افزایش قیمت نفت خام در بازار جهانی است.

خطیبی با یادآوری اینکه به تدریج با ورود به فصل پاییز و زمستان، بازار خود را برای افزایش تقاضاهای فصلی آماده می کند، گفت: افزایش تقاضای فصلی همزمان با کاهش دمای هوا در نیمکره شمالی در پاییز و زمستان به تقویت قیمت نفت خام کمک می کند.

به گزارش مهر، در هفته‌های گذشته به طور سنتی و همچون تابستان سال ۲۰۱۱ میلادی با به پایان رسیدن تعمیرات فصلی پالایشگاه‌های جهان، تقاضا برای خرید نفت خام افزایش یافته است که این عامل منجر به گرانی قیمت طلای سیاه شده است.

با این وجود کاهش ذخایر استراتژیک بنزین و نفت خام آمریکا هم در افزایش بهای نفت خام بی تاثیر نبوده است، به طوری که گزارش‌های رسمی حاکی از آن است که در یک هفته گذشته ذخایر نفت آمریکا به ۳۶۶ میلیون بشکه و ذخایر بنزین این کشور به ۲۰۳ میلیون بشکه کاهش یافته است.

میدان نفت و گاز ایران در خزر مشترک نیست

خبر دیگری حاکیست مدیرعامل شرکت نفت خزر از توقف پردازش اطلاعات اکتشاف نفت و گاز ایران در دریای خزر توسط شرکت‌های خارجی خبر داد و اعلام کرد: میدان تازه اکتشاف شده نفت و گاز ایران در دریای خزر مشترک نیست.

علی اصولی در گفتگو با مهر با بیان اینکه در حال حاضر زیرساخت‌ها برای حفاری دومین حلقه چاه اکتشافی و توصیفی توسط سکوی نیمه شناور امیرکبیر در آب‌های عمیق دریای خزر آماده شده است، گفت: به زودی حفاری دومین چاه توصیفی آغاز می‌شود.

وی با اعلام اینکه در حال حاضر نیازی به انجام عملیات لرزه نگاری دو بعدی و سه بعدی در دریای خزر وجود ندارد، تصریح کرد: با توجه به تکمیل اطلاعات اکتشافی حاصل از انجام عملیات لرزه نگاری، حفاری چاه‌های جدید در دستور کار قرار گرفته است.

این مقام مسئول در پاسخ به این سوال مهر که آیا اطلاعات حاصل از فعالیت‌های اکتشافی ایران برای پردازش به خارج از کشور ارسال می‌شود، تاکید کرد: در شرایط فعلی تمامی مراحل تفسیر و پردازش اطلاعات اکتشافی در داخل کشور انجام می‌شود. چه آنکه نوسان اختلاف پردازش اطلاعات اکتشافی نفت و گاز ایران در دریای خزر در داخل در مقایسه با خارج کشور کمتر از ۵ درصد است.

وی همچنین در خصوص ادعای برخی از رسانه‌های خارجی مبنی بر مشترک بودن میدان تازه اکتشاف شده نفت و گاز ایران (سردار جنگل) در دریای خزر، اعلام کرد: مشترک بودن این میدان نفت و گاز مفهومی ندارد. زیرا تمامی فعالیت‌های اکتشافی شرکت ملی نفت توسط سکوی نیمه‌شناور امیرکبیر در آبهای حاکمیتی ایران در دریای خزر بوده است.

به گفته نامبرده، در حال حاضر نهاد ریاست جمهوری پیگیر مسائل مرزی و حقوقی ایران در دریای خزر است.

به گزارش مهر، پس از حفاری اولین چاه اکتشافی و کشف ذخایر جدید نفت خام و گاز طبیعی، به زودی دومین حلقه چاه توصیفی در دریای خزر توسط سکوی نیمه شناور امیرکبیر حفاری می‌شود.

مدیرعامل شرکت نفت خزر پیشتر با اعلام اینکه در حال حاضر مقدمات و بسترسازی برای حفاری دومین حلقه چاه توصیفی در دریای خزر در حال انجام است، تصریح کرده بود: برای حفاری دومین حلقه چاه باید یکسری مواد و کالا تامین شود که تاکنون تمامی مواد مورد نیاز برای حفاری دومین حلقه چاه توصیفی به طور کامل تامین شده است.

اصولی در ادامه در خصوص جزئیات حجم ذخایر و کیفیت نفت خام کشف شده در دریای خزر، گفته است: بر اساس مطالعات انجام گرفته و با حفاری چاه اول اکتشافی، حجم ذخایر نفت خام درجای کشف شده حدود ۲ میلیارد بشکه برآورد می‌شود.

وی با یادآوری اینکه با احتساب ضریب بازیافت ۲۵ درصد، امکان برداشت حداقل ۵۰۰ میلیون بشکه از این نفت وجود دارد، تاکید کرد: با حفاری چاه دوم اکتشافی و توصیفی اطلاعات جامع تری از وضع مخزن هیدروکربوری کشف شده بدست می‌آید.

به گفته این عضو هیأت مدیره شرکت نفت خزر، نفت کشف شده در خزر دارای کمترین میزان گوگرد و نمک است به طوری که در زمره نفت‌های بسیار مرغوب نفت جهان قرار گرفته است.

سالن اجلاس سران امروز تحویل ریاست جمهوری می‌شود

وزیر راه و شهرسازی از تکمیل پروژه احداث مرکز همایش‌های بین‌المللی خبرداد و گفت: قسمت اصلی این مرکز امروز تحویل نهاد ریاست جمهوری می‌شود.

به گزارش مهر، علی نیکزاد با بیان اینکه ساخت مرکز همایش‌های بین‌المللی تهران بحث آبرو و عزت کشورمان بود، اظهار داشت: با تلاش شبانه روزی کارکنان وزارت راه‌و شهرسازی، این مرکز در موعد مقرر آماده بهره‌برداری شد که بنا داریم امروز، قسمت مرکزی آن را که همان سالن اجلاس است، تحویل نهاد ریاست جمهوری دهیم.

وی سپس به پروژه ساخت مصلی بزرگ امام خمینی (ره) اشاره و تصریح کرد: با وجودی که مراسم شب‌های قدر در این مجموعه برگزار شد و فضا برای برگزاری نماز عید سعید فطر آماده شده بود، بنا به دلایلی چنین امری محقق نشد اما ما به تعهد خود در این زمینه عمل کردیم.

در همین زمینه مدیرعامل سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی هم گفت: سالن اصلی اجلاس سران غیرمتعهدها ۱۰ روز پیش آماده و تحویل داده شده است و در حال حاضر در حال تست تمامی قسمت‌ها هستیم. محمدجعفر علیزاده در گفت‌وگو با فارس افزود: طرح آماده سازی مرکز همایش‌های بین‌المللی تهران برای اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین پروژه‌های سازمان مجری ساختمان‌ها و تأسیسات دولتی و عمومی است.

علیزاده افزود: طراحی و بهبود فضاهای قبلی متناسب با استانداردهای روز دنیا با استفاده از مصالح و تولیدات داخلی انجام شده است و به جز معدودی از مصالح همه اقلام مورد نیاز از داخل کشور تأمین شده است که هزینه‌های پروژه را نسبت به برآوردهای اولیه کاهش داد.

وی اضافه کرد: زمان پایان پروژه اجلاس سران کشورهای غیرمتعهدها اواخر مرداد تعیین شده بود، اما موفق شدیم سالن اصلی اجلاس را در ۲۲ مرداد تکمیل و تحویل دهیم.

وی تأکید کرد: با توجه به تحویل سالن اصلی اجلاس در حال حاضر در حال تست تمامی قسمت‌ها هستیم.

تجارت ۴۰ میلیارد دلاری ایران با اعضای جنبش غیرمتعهد

در حالی که قرار است تا چند روز دیگر نشست کشورهای عضو جنبش غیرمتعهد در تهران برگزار شود که آمارها نشان می‌دهد حجم تجارت سالانه ایران با اعضای این جنبش به بیش از ۴۰ میلیارد دلار می‌رسد.

به گزارش ایسنا، جنبش غیرمتعهد که در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰ شمسی) و در اوج جنگ سرد و فضای دوقطبی بین غرب و شرق با هدف وحدت میان کشورهایی که نه در اردوگاه کمونیسم و نه در اردوگاه سرمایه‌داری قرار داشتند، تشکیل شد، هم‌اکنون دارای ۱۲۰ عضو است. همچنین ۲۰ کشور هم به عنوان اعضای ناظر در این جنبش حضور دارند.

در سال ۱۹۶۱ نخستین اجلاس سران غیر متعهد با حضور مارشال تیتو رهبر یوگسلاوی، قوام نکرومه رهبر غنا، جمال عبدالناصر رئیس‌جمهوری مصر، جواهر لعل نهرو نخست‌وزیر هند، و احمد سوکارنو رهبر استقلال اندونزی، در شهر بلگراد در کشور یوگسلاوی برگزار شد، این سازمان موجودیت خود را اعلام کرد.

۱۲۰ کشور جهان که تقریبا بیش از دو سوم اعضای سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهند، عضو جنبش غیرمتعهد هستند. سران کشورهای عضو جنبش هر سه سال یک بار در اجلاسی با همین نام گرد هم می‌آیند.

تاکنون ۱۵ نشست اعضای جنبش غیرمتعهد در کشورهای مختلف جهان برگزار شده و قرار است تا چند روز دیگر شانزدهمین نشست این جنبش در تهران برپا شود. ایران که به دلیل عضویت در پیمان نظامی مرکزی سنتو، عضویتی در این جنبش نداشت، در سال ۱۹۷۹ پس از پیروزی انقلاب اسلامی به جنبش غیرمتعهد پیوست. همچنین ایران بعد از پیوستن به جنبش در اجلاس سران ۱۹۷۹ درهاوانا و از آن به بعد در همه نشست‌های مختلف این جنبش حضور داشته است.

لغو برگزاری هفتمین اجلاس سران در بغداد به دلیل تجاوز نظامی عراق به ایران و انتقال این اجلاس به دهلی نو از مهمترین رویدادهای جنبش به حساب می‌آید. شانزدهمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد قرار است در روزهای ۹ و ۱۰ شهریور ۱۳۹۱ (۳۰ و ۳۱ آگوست ۲۰۱۲) برای نخستین بار در تهران برگزار شود.

علاوه بر کشورها، سازمان‌های مهم بین‌المللی مانند اتحادیه آفریقا، سازمان کشورهای مشترک‌المنافع، اتحادیه عرب، سازمان همکاری اسلامی، شورای جهانی صلح و سازمان ملل متحد هم در جنبش غیرمتعهد حضور دارند.

اما آمار گمرک ایران نشان می‌دهد که ایران در سال ۱۳۹۰ حجم تجارت غیرنفتی (صادرات و واردات) بالغ بر ۴۳ میلیارد دلاری با اعضای جنبش غیرمتعهد داشته است. پارسال ایران بیش از ۱۹/۷ میلیارد دلار کالا به کشورهای عضو جنبش صادر کرد، در حالی که معادل ۲۴/۱ میلیارد دلار از این کشورها واردات داشت. همچنین آمار نشان می‌دهد که ایران در سال قبل با حدود ۱۰۰ کشور عضو جنبش غیرمتعهد تبادل تجاری داشته است.

عراق، امارات، هند، افغانستان، اندونزی، پاکستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، سوریه و فیلیپین بزرگترین بازارهای صادراتی ایران در بین اعضای جنبش محسوب می‌شوند. در عین حال امارات، هند، مالزی، عمان، تایلند، پاکستان، اندونزی، عربستان، ازبکستان و ترکمنستان هم اصلی‌ترین مبادی ورود کالا به ایران در بین اعضای جنبش غیرمتعهد هستند.

براساس آمار گمرک، کل حجم تجارت غیرنفتی ایران پارسال حدود ۱۰۵ میلیارد دلار بود. به این ترتیب سهم تجارت ایران با کشورهای عضو جنبش غیرمتعهد از کل تجارتش در سال گذشته به حدود ۴۰ درصد رسید.

جالب اینجاست که در بین اعضای ناظر جنبش غیرمتعهد نام کشورهای مطرحی مانند چین، روسیه، برزیل، قزاقستان، آرژانتین، مکزیک، هلند، صربستان و اوکراین هم به چشم می‌خورد که در صورت احتساب آمار مربوط به آنها، حجم تجارت ایران با کشورهای غیرمتعهد بسیار بیشتر هم می‌شود.

به نظر می‌رسد با توجه به ظرفیت بالای جنبش غیرمتعهد، ایران می‌تواند از فرصت برگزاری نشست این جنبش در تهران استفاده کرده و ضمن افزایش حجم تبادلات تجاری خود با کشورهای این جنبش، همکاری‌های اقتصادی و صنعتی خود را با این کشورها افزایش دهد.

جزئیات ساخت اولین پالایشگاه ملی گاز ایران

مدیرعامل شرکت نفت مناطق مرکزی با تشریح آخرین وضع ساخت اولین پالایشگاه ملی گاز ایران، پیش‌بینی کرد بزودی توافقنامه توسعه میادین گازی هالگان و سپید باغون با قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا به امضاء برسد.

مهدی فکور در گفت‌وگو با مهر درباره جزئیات ساخت اولین پالایشگاه ملی گاز ایران، گفت: با دستور وزیر نفت، ساخت نخستین پالایشگاه ملی گاز ایران به شرکت نفت مناطق مرکزی واگذار شده است.

وی با اعلام اینکه قرار است لیسانس و دانش فنی ساخت این پالایشگاه گازی با مشارکت پژوهشگاه صنعت نفت و معاونت پژوهش و فناوری وزارت نفت تدوین شود، تصریح کرد: همچنین عملیات ساخت و راه اندازی این واحد پالایشگاهی به قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا واگذار شده است.

این عضو هیات مدیره شرکت ملی نفت با تاکید بر اینکه خوراک این پالایشگاه ملی با توسعه میادین تازه اکتشاف شده گازی استان فارس همچون هالگان، سفید باغون، سفید زاخور، دی و چند میدان تازه کشف شده گازی تامین خواهد شد، اظهار داشت: ظرفیت ابتدایی این پالایشگاه ملی گاز حدود ۲۰ میلیون متر مکعب برآورد می‌شود.

وی با یادآوری اینکه در حال حاضر مطالعات امکان سنجی و جانمایی ساخت این پالایشگاه در حال انجام است، بیان کرد: با توجه به وجود میادین دیگری همچون شمسی و گردان در این منطقه، مطالعاتی برای افزایش ظرفیت پالایش گاز این واحد پالایشگاهی در دستور کار قرار گرفته است. این مقام مسئول حجم سرمایه‌گذاری طراحی، ساخت، نصب و راه‌اندازی این پالایشگاه گاز را حدود یک میلیارد دلار ذکر کرد و افزود: این حجم سرمایه گذاری برای توسعه بخش بالادستی میادین و ساخت پالایشگاه اختصاص می‌یابد.

وی با بیان اینکه امکان افزایش ظرفیت فرآورش این پالایشگاه تا مرز ۴۰ میلیون متر مکعب در روز وجود دارد، گفت: با تکمیل مطالعات، امکان تعیین حجم نهایی فرآورش این پالایشگاه گازی وجود دارد.

مدیرعامل شرکت نفت مناطق مرکزی تاکید کرد: پیش بینی می‌شود به‌زودی توافقنامه توسعه میادین گازی هالگان و سپیدباغون با قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا به امضا برسد.

به گفته وی، حجم گاز درجای میدان‌هالگان، ۴/۶۳ تریلیون فوت مکعب و حجم گاز درجای میدان سپیدباغون حدود ۲/۳۷ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است که بر این اساس، حجم گاز درجای دو میدان حداقل ۷ تریلیون فوت مکعب است.

فکور در خصوص ضریب بازیافت این دو میدان تازه اکتشاف شده گازی، توضیح داد: ضریب بازیافت در میدان‌هالگان ۶۴/۴ درصد و در سپیدباغون، ۵۲/۵ درصد است و به این ترتیب، ذخیره اولیه دو میدان گازی، بیش از ۴ تریلیون فوت مکعب خواهد بود.

وی میادین سپید باغون و هالگان را میادین پرفشار گاز معرفی کرد و تاکید کرد: در مجموع برای تولید روزانه ۱۷ میلیون متر مکعب از این دو میدان برنامه ریزی شده است که ۱۲/۵ میلیون مترمکعب از میدان‌هالگان و ۴/۵ میلیون مترمکعب از میدان سپید باغون تولید می‌شود.

فعالیت جدیدی در گسل تبریز مشاهده نمی‌شود

زمین لرزه اهر و ورزقان بر اثر عملکرد گسل گوشه داغی بوده و فعالیت جدیدی در گسل تبریز در این ارتباط مشاهده نمی‌شود.

به گزارش ایرنا به نقل از سازمان زمین‌شناسی، جلیل قلمقاش معاون سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور افزود: بررسی داده‌های دستگاهی زمین‌لرزه اخیر حاکی است؛ هیچ کدام از پس لرزه‌ها مربوط به گسل تبریز نیست و مردم شهرهای منطقه و تبریز می توانند با آرامش زندگی کنند.

وی گفت: زمین لرزه اهر و ورزقان (آذربایجان شرقی) بر اثر عملکرد گسل گوشه داغی به وقوع پیوست و بهترین راهکار برای جلوگیری از تلفات در مناطق مذکور، مقاوم‌سازی سازه‌ها است.

به گزارش ایرنا، پس از گذشت چند روز از وقوع زمین‌لرزه ۲۱ مرداد در مناطق اهر و ورزقان واقع در استان آذربایجان شرقی، نگرانی از وقوع مجدد زمین لرزه به ویژه ساکنان منطقه را در بر گرفت.

شهر تبریز هم بر روی گسلی با همین عنوان واقع شده و نزدیکی گسل گوشه داغی به عنوان عامل بروز زمین‌لرزه‌های اخیر موجب شده تا همگان تصور کنند زمین لرزه ورزقان ـ اهر تاثیری در فعالیت گسل تبریز داشته و باعث وقوع زمین لرزه بزرگتری خواهد شد.

نامبرده گفت: دو زمین لرزه به بزرگی ۶ و ۶/۲ درجه در مقیاس ریشتر بعدازظهر شنبه ۲۱ مرداد شهرستان‌های اهر و ورزقان را لرزاند به نحوی که این زمین لرزه‌ها در شهرهای اطراف از جمله شهرهای تبریز و هریس هم احساس شد.

وی یادآور شد: به طور معمول براثر شکست و جابجایی لایه‌های زمین، امواج زمین لرزه تولید و در پوسته زمین منتشر می‌شود و انتشار امواج زمین‌لرزه در پوسته زمین موجب حرکات شدید و تخریب سازه‌های ناپایدار می‌شود.

به گفته قلمقاش، زمین لرزه اخیر بر اثر فعالیت گسل گوشه داغی در جنوب شهرهای اهر و ورزقان رخ داده و این گسل با امتداد شرقی ـ غربی و طول تقریبی ۱۵ تا ۲۰ کیلومتر در کوه‌های گوشه داغی قرار دارد.

وی افزود: در بررسی‌های میدانی مشخص شد ۱۲ روستا ۱۰۰ درصد تخریب شده‌اند و اکثر سازه‌های ویران شده از نوع خشت و گلی بوده که در برابر زلزله ۶ ریشتری به طور کامل خراب شده‌اند.

معاون سازمان زمین‌شناسی تصریح کرد: در این زمین لرزه سازه‌هایی که تا اندازه‌ای اصول ایمنی و ساخت و ساز استاندارد در آنها رعایت شده با تخریب و تلفات کمتری مواجه شده‌اند.

وی درباره احتمال تاثیرگذاری گسل گوشه داغی بر روی گسل تبریز به عنوان یک گسل خطرزا گفت: این گسل تقریبا به موازات گسل تبریز و در ۶۰ کیلومتری شمال آن قرار دارد.

این مقام مسئول افزود: بررسی داده‌های دستگاهی و لرزه‌ای نشان می‌دهد که هیچ یک از کانون پس لرزه‌های اخیر بر روی گسل تبریز قرار نمی‌گیرد و این امر به خوبی نشان می‌دهد در این روزها تمامی زمین لرزه‌های اصلی و پس لرزه‌های ثبت شده مربوط به فعالیت گسل گوشه‌داغی بوده و به گسل تبریز ارتباطی ندارد.

وی یادآور شد: در گسل تبریز رخداد جدیدی اتفاق نیفتاده و ساز و کار این گسل همانند گذشته است و فعالیت گسل گوشه داغی تاثیری بر آن نداشته است.

قلمقاش با اشاره به برخی اظهارات مبنی بر تاثیر فعالیت گسل گوشه داغی روی گسل تبریز گفت: امکان شناسایی زمان دقیق بروز هیچ زمین لرزه‌ای وجود ندارد و نمی‌توان گفت که در چه زمانی در آینده زمین لرزه جدیدی رخ خواهد داد.

وی تصریح کرد: از نظر تئوری امکان تاثیر زمین‌لرزه یک گسل برروی فعالیت گسل دیگر وجود دارد؛ اما موضوع مهم این است که زمان تاثیر آن و زمین لرزه جدید قابل پیش‌بینی نیست.

به گفته نامبرده مهم‌ترین مساله این است که در زمان حاضر امکان پیش‌بینی زمان دقیق رخداد زمین‌لرزه نه فقط در ایران، بلکه در هیچ جای دنیا وجود ندارد؛ بنابر این هر چند گسل تبریز یک گسل فعال است، اما امکان تعیین زمان فعالیت آن وجود ندارد.

وی افزود: بایستی در برنامه‌های استان امکانات لازم برای مطالعه بیشتر گسل تبریز پیش بینی شود و شبکه لرزه‌نگاری استان آذربایجان شرقی و کشور توسعه یابد تا امکان دستیابی به داده‌های قابل اطمینان بیشتری فراهم شود.

بهره‌برداری از قطعه ۴ آزادراه تهران ـ شمال، مهر

مدیر عامل شرکت ساخت با بیان اینکه قطعه ۴ آزادراه تهران‌شمال تا ۱۵ مهر امسال به بهره‌برداری می‌رسد، از خروج بنیاد مستضعفان از قطعات ۲ و ۳ این آزادراه و مراحل نهایی مذاکره با دو شرکت خصوصی داخلی برای ساخت این قطعات خبر داد.

سید احمد صادقی در گفت‌وگو با فارس درباره بهره‌برداری از قطعه ۴ آزادراه تهران‌شمال اظهار داشت: در این مسیر آزادراهی ۶۰۰ دستگاه انواع ادوات جاده‌سازی در حال فعالیت هستند.

وی ادامه داد: اگر همانطور که وزارت راه و شهرسازی به بنیاد مستضعفان برای تکمیل این مسیر آزادراهی فشار می‌آورد، در دوران قبل هم بر این امر اصرار ورزیده بود، این مسیر آزادراهی هم‌اکنون تکمیل شده و هر چهار قطعه آن به بهره‌برداری رسیده بود.

معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه علی‌رغم وعده مدیرعامل آزادراه تهران – شمال، بهره‌برداری از قطعه چهار این آزادراه کمی دیرتر از اول شهریور انجام می‌شود، تصریح کرد: این قطعه حداکثر تا ۱۵ مهر به بهره‌برداری خواهد رسید.

صادقی با بیان اینکه در حال تکمیل لایه نهایی آسفالت این مسیر آزادراهی در قطعه چهار هستیم، تصریح کرد: البته تکمیل نهایی این قطعه مسیر بسته به آب و هوای منطقه دارد؛ اگر آب و هوا مساعد باشد، پروژه در همان مهر و در موعد مقرر به اتمام خواهد رسید، اما اگر بارندگی وجود داشته باشد، عملیات اجرایی به کندی انجام شده و این امر موجب می‌شود بهره‌برداری از قطعه چهار آزادراه تهران ـ شمال باز به تأخیر بیفتد.

معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه بنیاد مستضعفان به عنوان شریک وزارت راه و شهرسازی در این پروژه سرمایه‌گذار است، خاطرنشان کرد: قطعاً سرمایه گذار خود مایل است پروژه را زودتر تکمیل کرده و به بهره‌برداری برساند تا از محل اخذ عوارض، بازگشت سرمایه آغاز شود.

مدیر عامل شرکت ساخت و توسعه زیر بناهای حمل و نقل یادآور شد: قطعاً دیرتر تمام شدن قطعات یک و چهار آزادراه تهران ـ شمال که در دست بنیاد مستضعفان است، موجب به خطر افتادن منافع آنها می‌شود، بنابراین آنها برای اتمام پروژه‌های خود تلاش می‌کنند.

بنابراین گزارش وزیر راه و شهرسازی و مدیر عامل آزادراه تهران و شمال، بارها از بهره‌برداری قطعه چهار این آزادراه در ابتدای شهریور خبر داده بودند.

معاون وزیر راه و شهرسازی در خصوص عملیات اجرایی قطعات ۲ و ۳ این آزادراه و واگذاری احداث آنها به کنسرسیوم داخلی تصریح کرد: این دو قطعه دیگر در اختیار بنیاد نخواهد بود، در این باره با دو شرکت خصوصی ایرانی در حال مذاکره هستیم که این مذاکرات در مراحل پایانی است.

تعیین تکلیف قیمت تخم مرغ و شیر خام در جلسه امروز

سرپرست معاونت توسعه بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت از تعیین تکلیف وضع قیمت تخم مرغ و شیر خام در دو جلسه جداگانه امروز با حضور متولیان تولید، بخش خصوصی و سایر دستگاه‌های ذیربط خبر داد.

حسن رادمرد به ایرنا گفت: درباره وضع قیمت تخم مرغ وزارت جهاد کشاورزی معتقد است که برای جلوگیری از کشتار مرغ تخم‌گذار و گله‌های مولد لازم است نرخ تخم مرغ افزایش یابد.

وی بابیان این که وزارت صنعت، معدن و تجارت به دنبال کنترل بر روی بازار تخم مرغ است، افزود: در کارگروه تخم مرغ که با حضور اعضای وزارت جهاد کشاورزی، انجمن تولیدکنندگان مرغ تخم گذار (میهن) و سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان برگزار می‌شود، درباره قیمت تخم مرغ تصمیم گیری خواهد شد.

سرپرست معاونت توسعه بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت تصریح کرد: در این جلسه موضوعاتی چون افزایش قیمت، برنامه‌های آینده در حمایت از تولید تخم مرغ و درخواست تولیدکنندگان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

به گزارش ایرنا، هم اکنون هر شانه تخم مرغ حدود ۶۵۰۰ تا ۷۰۰۰ تومان به فروش می‌رسد.

وی درباره قیمت شیر گفت: شیر خام هم یکی از مباحث چالشی است که امروز درباره آن تصمیمات مورد نیاز گرفته می‌شود. وی با اشاره به این که برخی تولیدکنندگان از تفاهم خود با وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره نرخ تعیین شده شیر خام عدول کرده‌اند، گفت: آنها معتقدند که تولید شیر خام پایین است و به نسبت، نرخ دستمزدها و هزینه‌های تمام شده بالاست.

پیش‌بینی ۳۷۵ میلیون جابجایی در سفرهای تابستان

رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، حجم سفرهای تابستانی را تا ۳۷۵ میلیون جابجایی پیش‌بینی کرد و گفت: از ابتدای طرح تابستانی در حمل و نقل عمومی جاده‌ای، ۱۰۲ میلیون جابجایی داشتیم که حدود ۴ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد نشان می‌دهد.

شهریار افندی زاده در گفت‌وگو با مهر در مورد آمار سفرها در تعطیلات عید فطر، اظهار داشت: دور اول سفرهای تابستانی از اول تیر و دور دوم هم از ۲۷ مرداد آغاز شد به خصوص در روزهای پنج‌شنبه و شنبه گذشته بیشترین حجم تردد در طول تابستان به ثبت رسیده است.

رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای با اشاره به ۵ محور اصلی در جاده‌های کشور بیان کرد: آزادراه تهران ـ کرج، کرج ـ قزوین، تهران ـ قم، ساری ـ قائم شهر، و مرودشت ـ شیراز بیشترین تردد را در این چند روز داشته‌اند.

وی با بیان اینکه استان تهران و البرز بیشترین تردد را در میان دیگر محورها داشته‌اند، گفت: سیستان و بلوچستان، ایلام و خراسان هم در این مدت کمترین حجم جابجایی‌ها را به خود اختصاص دادند.

افندی‌زاده نسبت تردد وسایل نقلیه سبک را ۸۲ درصد و وسایل نقلیه سنگین را ۱۸ درصد اعلام کرد و افزود: از ابتدای طرح تابستانی در حمل و نقل عمومی جاده ای، ۱۰۲ میلیون جابجایی داشتیم که حدود ۴ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد نشان می‌دهد.

وی با بیان اینکه روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه در این هفته بیشترین تردد حمل و نقل جاده‌ای عمومی را داشتیم، گفت: پیش‌بینی می‌شود که تاپایان طرح تابستانی و به خصوص در تعطیلی تهران در زمان اجلاس سران ۱۴۵ تا ۱۵۰ میلیون جابجایی در حمل و نقل عمومی داشته باشیم که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵ تا ۱۰ درصد رشد خواهد داشت.

معاون وزیر راه و شهرسازی پیش بینی آمار حمل و نقل عمومی و خصوصی را تا پایان طرح تابستانی بین ۳۶۰ تا ۳۷۵ میلیون جابجایی ذکر کرد و گفت: در تعطیلات کوتاه مدت، حجم بالایی از ترافیک مربوط به مسیرهای کوتاه می‌شود که همین زمان کوتاه هم دلیل افزایش سرعت در جابجایی‌ها است.

افندی زاده تصریح کرد: سرعت بالا و خواب آلودگی از دلایل مهم تصادف در جاده‌های کشور است که منجر به واژگونی خودرو می‌شود همچنین انحراف به چپ هم جزو بیشترین عوامل افزایش تصادفات جاده‌ای است.

رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای بیشترین سهم جابجایی‌ها را در این مدت با ۵۵ درصد مربوط به اتوبوس‌ها دانست و افزود: مینی بوس با ۳۲ درصد و سواری با ۱۳ درصد در رتبه‌های بعدی تردد قرار دارند که امسال ۷ درصد رشد را نسبت به سال گذشته نشان می‌دهد.

وی اظهار داشت: براساس آمار دستگاه‌های تردد شمار، میزان مسافتی که وسایل نقلیه در این مدت طی کرده‌اند بیش از ۲۰ درصد رشد داشته است. همچنین استان‌های مازندران، تهران و البرز در سه روز گذشته بیشترین تردد را ثبت کرده‌اند.

بررسی امکان سرمایه گذاری در پروژه‌های اقتصادی کشورهای اسلامی

در نشست مشترک سفرای کشورهای اسلامی با رئیس و اعضای هیأت عامل صندوق توسعه ملی، بر امکان سرمایه گذاری این صندوق در پروژه‌های اقتصادی مناسب کشورهای اسلامی تاکید شد.

به گزارش مهر، محمدرضا فرزین رئیس هیأت عامل صندوق توسعه ملی در این نشست با اشاره به فلسفه شکل گیری این صندوق بر اساس رهنمودهای مقام معظم رهبری و تلاش و تعامل دولت و مجلس گفت: هدف اصلی از تاسیس صندوق توسعه ملی به عنوان یک صندوق ثروت، کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف و حفظ سهم نفت برای نسل‌های آینده بوده است.

وی افزود: هدف صندوق توسعه ملی صرفاً سرمایه‌گذاری در ایران نیست و در پی انجام فعالیت‌های اقتصادی در خارج از کشور از جمله کشورهای اسلامی است و فرصت‌های مناسب سرمایه‌گذاری در بازارهای سرمایه خارجی در حال شناسایی است.

نامبرده خاطرنشان کرد: در حال حاضر ضمانت اجرایی پروژه‌های اقتصادی توسط سرمایه‌گذاران ایرانی به عنوان مجری طرح‌ها در خارج از کشور در حال پیگیری است.

رئیس هیأت عامل صندوق توسعه ملی افزود: یکی از اولویت‌های اصلی صندوق سرمایه‌گذاری در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی است تا نفت خام به صورت فرآورده باارزش افزوده بالاتر صادر شود، به همین دلیل سرمایه‌گذاری در پتروشیمی و پالایشگاه‌ها حائز اهمیت است.

همچنین سرمایه‌گذاری در بخش نیروگاه‌های برق، صنعت و معدن و حمل و نقل از دیگر اولویت‌های صندوق است.

فرزین اظهار امیدواری کرد با یک تعامل سازنده، زمینه توسعه مناسبات اقتصادی بین صندوق توسعه ملی جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اسلامی بیش از پیش فراهم شود.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۹۷/۰۴ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۱۶/۵۵ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۶۴۱/۷ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۷۹۶۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۷۹۸۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۳۹۸۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۰۰۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۱۵۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۸۱۲۶۰ تومان
هر گرم نقره خام	۲۰۸۵ تومان
دلار آمریکا (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۲۲۶ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر رسمی)	۲۱۳۵ تومان
یورو (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۵۱۴ تومان
یورو (نرخ غیر رسمی)	۲۶۵۶ تومان
پوند انگلستان (نرخ مرجع بانک مرکزی)	۱۹۲۷ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر رسمی)	۳۳۶۰ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

دلائل افزایش قیمت ارز در بازار

رئیس اتحادیه کشوری طلا و جواهر با اشاره به حذف ارز مسافرتی برای اغلب سفرهای خارجی و کاهش گروه‌های کالاهای دریافت‌کننده ارز دولتی گفت: افزایش تقاضا ناشی از این دو پدیده در بازار موجب جهش قیمت ارز به بیش از ۲۱۰۰ تومان شد. محمد کشتی‌آرای در گفتگو با فارس با اشاره به محدودیت ارز مسافرتی، اظهار داشت: قطع ارز مسافرتی یکی از عوامل اصلی جهش یک پله‌ای قیمت ارز از ۱۹۵۰ به ۲۱۵۰ تومان است.

وی افزود: هم‌اکنون تعداد گروه‌های کالایی دریافت‌کننده ارز دولتی کاهش یافته و ارز دولتی فقط به ۵ گروه کالایی پرداخت می‌شود و گروه‌های دیگر برای تامین نیاز خود باید به بازار مراجعه کنند، اما میزان ارز در بازار محدود است و جهش قیمت به بیش از ۲۱۰۰ تومان طبیعی است.

ارایه تسهیلات بانکی به هموطنان زلزله زده آذربایجان‌شرقی

مدیرعامل بانک تجارت گفت: بانک تجارت ۲۵ میلیارد ریال کمک مالی در قالب تسهیلات قرض الحسنه و ۵ میلیارد ریال به‌صورت بلاعوض به ۱۰۰۰ خانوار آسیب دیده از زلزله اخیر در استان آذربایجان شرقی اعطا می کند.

به گزارش روابط عمومی بانک تجارت، محمد رضا رنجبر فلاح اظهار داشت: این بانک، ۵۰۰ فقره تسهیلات قرض الحسنه ۵۰ میلیون ریالی برای جبران آسیب‌های ناشی از زلزله به هموطنان زلزله زده در استان آذربایجان شرقی اعطا خواهد کرد که مدت باز پرداخت این تسهیلات پنج ساله و زمان آغاز بازپرداخت اقساط این تسهیلات دو سال پس از دریافت آن خواهد بود.

وی در ادامه بیان داشت: همچنین ۵۰۰ فقره کمک هزینه ۱۰ میلیون ریالی تهیه لوازم ضروری منزل به‌صورت بلاعوض در اختیار خانوارهای آسیب دیده از زلزله قرار خواهد گرفت.

آغاز عرضه اوراق مشارکت نیروگاه‌های برقابی از امروز

دور جدید فروش اوراق مشارکت طرح‌های سد و نیروگاه‌های برق‌آبی از امروز آغاز شد مهندس رضازاده مدیرعامل شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران افزود: بخش قابل ملاحظه‌ای از این اوراق برای تکمیل طرح بزرگ سد و نیروگاه برق‌آبی سیمره عرضه می‌شود.

وی خاطرنشان ساخت: در این مرحله قرار است از امروز ۲۹۵۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت از طریق بانک سپه در سراسر کشور عرضه شود.

۷ طرح بزرگ معدنی آماده افتتاح شد

رئیس هیات عامل سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران از آماده شدن هفت طرح بزرگ در بخش معدن و صنایع معدنی برای افتتاح رسمی، خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، فریدون احمدی تصریح کرد: این طرح‌ها در بخش‌های نیروگاهی، کک‌سازی، سنگ آهن، لیچینگ مس، مولیبدن و آهن اسفنجی و پالایشی است که در حال حاضر مراحل تولید آزمایشی را پشت سر گذاشته‌اند و به زودی به طور رسمی افتتاح می‌شوند.

افزایش هزینه انبارداری فولاد، به زودی

مدیر کل بازرسی ویژه سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان با بیان این که هزینه انبارداری فولاد به زودی از سوی این سازمان افزایش می یابد، گفت: این اقدام به منظور جلوگیری از احتکار این کالا در انبارهای تولیدکنندگان صورت می گیرد. محمدحسین مولاخواه در گفت‌وگو با خبرنگار مهر گفت: به لحاظ موجودی ذخائر کالایی سیمان خاکستری، فولاد خام، کاغذ، روغن‌نباتی خام نسبت به مدت مشابه ماه گذشته ۵۰ درصد افزایش یافته و موجودی مرغ هم در انبارها از وضع قابل قبولی برخوردار است.

نحوه دریافت مالیات ارزش‌افزوده از خریدار و فروشنده ملک و خودرو

بنگاه‌های معاملات املاک و خودرو موظف هستند، از خریدار و فروشنده ۵ درصد به عنوان مالیات بر ارزش افزوده دریافت کنند.

برجعلی‌لو معاون‌مدیرکل مالیات بر ارزش افزوده در گفت‌وگو با فارس، در مورد دریافت کمیسیون بنگاه‌ها و مالیات ارزش افزوده از مشتریان گفت: با توجه به اینکه بنگاه‌های معاملات املاک، نمایشگاه‌های خودرو، رستوران‌داران و هتلداران از پارسال در دوره چهارم فراخوان شده‌اند، موظف هستند ۵ درصد به عنوان مالیات ارزش افزوده از مصرف کننده نهایی دریافت کنند.

وی افزود: با توجه به اینکه بنگاه‌های معاملات املاک کد رهگیری دارند، مالیات آنها از طریق این کد رهگیری دریافت می‌شود.

نامبرده تاکید کرد: بنگاه‌های املاک چه کد رهگیری داشته باشند و یا نداشته باشند، باید طبق قانون به عنوان مشمولان فراخوان مرحله چهارم، ۵ درصد نرخ مالیات ارزش افزوده برای سال جاری را از خریدار و فروشنده دریافت کنند و در پایان هر سه ماه به سازمان امور مالیاتی اظهار و پرداخت کنند.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا بنگاه‌ها باید از مبلغ کمیسیون خود که اصطلاحاً حق بنگاهی نامیده می‌شود، ۵ درصد را پرداخت کنند، یا اینکه علاوه بر آن، ۵ درصد دیگر مازاد از مصرف کننده دریافت کنند، گفت: چون مالیات ارزش افزوده به مصرف کننده نهایی یعنی مشتری نهایی تعلق می گیرد، بنابراین باید این ۵ درصد مالیات از خریدار و فروشنده نهایی دریافت شود.

برجعلی‌لو در مورد اینکه آیا دریافت ۵ درصد مالیات از خریدار و فروشنده خانه باعث افزایش ۱۰ درصدی قیمت کمیسیون می‌شود، گفت: بله در واقع چون مصرف کننده نهایی این مالیات را می‌پردازد، دو مالیات ۵ درصدی از طرفین گرفته می‌شود.

وی افزود: مالیات بر ارزش افزوده در مورد نمایشگاه‌های ماشین و همچنین رستوران‌داران هم این گونه است، البته باید ۵ درصد مالیات دریافت شده در ذیل مبایعه‌نامه و یا فاکتور فروش قید شود و در پایان هر سه ماه به سازمان امور مالیاتی اظهار و پرداخت شود.

این مقام مسئول در مورد وظیفه مالیاتی بنگاه‌ها گفت: خود بنگاه‌ها در پایان سال مالیات عملکرد یا همان مالیات بر درآمد سالانه می‌پردازند که از درآمد سالانه آنها کسر می‌شود، اما ۵ درصد مالیات بر ارزش افزوده باید از مشتری، یعنی خریدار و فروشنده خانه یا ملک یا موجر و مستاجر دریافت شود.

نگاهی به چند و چون رانندگی زنان ایرانی

بخش نخست

رانندگی زنان را باور کنید

* محمد رضایی – مربی آموزش رانندگی: تخلفات رانندگی مردان خیلی بیشتر است تند رفتن هنر نیست، درست راندن هنر است که در میان خانم‌ها درصد بالاتری دارد

* مردان، نه تنها آرامش و تفکر منطقی چند جانبه ـ به هنگام رانندگی را از زنان نیاموخته اند بلکه با ایجاد یک میدان رقابت ناسالم، زنان را وادار به تقلید از شیوه‌های خشن رانندگی خودشان کرده‌اند!

* بعضی مردان می‌خواهند ثابت کنند که خیابان، هنوز عرصه‌ای مردانه برای رانندگان نترس است و زنان بهتر است پشت ماشین‌های لباسشویی و ظرفشویی بنشینند و از گاز برای آشپزی استفاده کنند، نه رانندگی!

* یک زن ایرانی به اعتماد به نفس و شجاعت زیادی نیاز دارد تا بتواند زیر نگاه‌های سنگین و متلک‌های آبدار، پشت فرمان خودرو بنشیند و کم کم تجربه کسب کند، تا راننده خوبی از کار در بیاید

«زن است دیگر!»

این جمله در میان اغلب رانندگان مرد، خیلی کاربرد دارد؛ در واقع کافی است راننده خودرو بغل دستی آنها یک زن باشد تا کوچک‌ترین خطای او را با این جمله مورد تمسخر قرار بدهند. اما هیچ کس در مقابل خلاف‌های سنگین و اشتباهات فاحش رانندگی آقایان نمی‌گوید «مرد است دیگر»!

بسیاری از رانندگان مرد به محض این که بفهمند راننده خودروی کناریشان، خانم است، سعی می‌کنند از جزئیات کارش سر در بیاورند و از راهنما زدن گرفته تا ترمز کردن، از او ایراد بگیرند. کافی است آن خانم واقعاً اشتباه کند، آن وقت است که این آقایان حتماً باید بپیچند جلوی او و تا بگویند کجای کارش اشتباه بوده است! خودشان چند خلاف خطرناک انجام می‌دهند تا به آن خانم بفهمانند بد رانندگی می‌کند. آنها می‌خواهند ثابت کنند خیابان، هنوز عرصه‌ای مردانه است، جایی برای رانندگان خطرساز و نترس. زنها بهتر است پشت ماشین لباسشویی و ظرفشویی بنشینند و از گاز برای آشپزی استفاده کنند، نه رانندگی! متاسفانه این طرز فکر، حتی در میان مردان تحصیلکرده و امروزی هم دیده می‌شود.

رفتار رانندگان مرد، ملاک انتخاب محل زندگی!

خاطرات تمامی خانم‌های راننده، پر است از شرح برخوردهای نامناسب آقایان با آنها. مریم رجبی، ۲۳ ساله، می‌گوید: بی‌اغراق می‌توانم بگویم اکثریت قریب به اتفاق مردان راننده، وقتی یک خانم با خودرواش از کنارشان عبور کند، برمی گردند و او را نگاه می‌کنند (البته می‌گویند اصولا ایران، تنها کشوری است که در آن، وقتی خودرویی از خودروی دیگر سبقت می‌گیرد، تمامی سرنشینان هر دوی آنها بر می‌گردند و همدیگر را نگاه می‌کنند!). بعد می‌پیچند جلویش تا یک وقت خدای ناکرده او سبقت نگیرد. من بارها در تاکسی با مردانی که از زن‌های راننده بد می‌گفتند، جرو بحث کرده‌ام. چنان آتشین هم دفاع می‌کنم که اغلب حرفشان را پس می‌گیرند!

ماندانا صالحی، از اولین روزهایی که پشت فرمان خودرو می‌نشست، تعریف می‌کند: یک هفته هم نبود که رانندگی می‌کردم. یک روز در مسیری می‌خواستم دور دو فرمان بزنم. راننده مردی که از مقابل می‌آمد، کاملاً توقف کرد، یک لحظه چشمم به او افتاد که با حرکت دست سعی داشت به من بگوید آرام و خونسرد باشم و عجله نکنم. یک جنتلمن واقعی بود. با خودم فکر کردم خوشا به حال خانمش که اتفاقاً در کنار او نشسته بود. آن روز اصلاً هول نشدم و به راحتی دور زدم، اما دیگر هرگز با چنین رفتاری برخورد نکردم!

نادیا، حتی از نوع رفتار مردان راننده، به عنوان یک عامل مهم برای انتخاب محل زندگی یاد می‌کند: طرف‌های یوسف آباد، همیشه با آرامش بیشتری رانندگی می‌کنم. متوجه شده ام که مردهای آن محله، به خانم‌های راننده با دید تحقیرآمیز نگاه نمی‌کنند و حق ما را محترم می‌شمارند. اما رانندگی در بعضی جاها واقعا استرس زاست و دوست ندارم در چنان محله‌هایی زندگی کنم!

از سوی دیگر، رانندگان مرد هم درددل‌هایی دارند. داوود می‌گوید: خیلی وقت‌ها خانم راننده‌ای به من نزدیک می‌شود و می‌خواهد نشان دهد که سر راه او قرار گرفته‌ام!

دوستش ادامه می‌دهد: برخی خانم‌ها موقع رانندگی از آینه خودرو برای آرایش استفاده می‌کنند و همزمان، با تلفن همراهشان هم پیامک می‌دهند، واقعاً نمی‌دانم چه طور این کار را انجام می‌دهند!

مرد جوان دیگری توصیه می‌کند: اگر زن راننده‌ای دیدید، راه را به او بدهید. آنها همیشه حق دارند و این به نفع خودتان هم هست!

جنجال‌های زنانه رانندگی

پشت رل نشستن زنان در ایران، قدمت کمتری به نسبت مردان دارد. ناگفته پیداست که کمبود تجربه در نسل‌های پیشین زنان، می‌تواند اعتماد به نفس تاریخی رانندگان زن را کاهش دهد.

طی چند دهه اخیر، حضور زنان در جامعه پررنگ‌تر شده است، اما تثبیت آنها به عنوان نیرویی قدرتمند، در هیچ یک از عرصه‌های اجتماعی، راحت به دست نیامده است، شاید از این رو که ایران همچنان می‌تواند کشوری مردسالار به حساب بیاید که هنوز فعالیت‌های زنانش در جایگاه‌هایی که تا چندی پیش مردانه شمرده می‌شدند، از حمایت و همراهی مردان برخوردار نیست.

همزمان با فعالیت ماشین دودی، کالسکه بخار یا اتومبیل در محدوده سال‌های ۱۲۸۳ شمسی وارد شهر تهران شد. این خودرو متعلق به مظفرالدین شاه قاجار بود که توسط یک راننده فرانسوی هدایت می‌شد. اما اولین آیین نامه رانندگی ایران، در زمان «وستد اهل» سوئدی که در سال ۱۲۹۱ ریاست نظمیه را به عهده داشت، تهیه وتنظیم شد.

اولین راننده زن در ایران، نزدیک به سه دهه بعد، در سال ۱۳۱۹ موفق به اخذ گواهینامه شد و سر و صدای زیادی در مطبوعات آن زمان به راه انداخت. حتی هنوز هم هر چند وقت یک بار، مدل تازه‌ای از رانندگان زن با تیترهای جنجالی در رسانه‌ها معرفی می‌شود: اولین زن راننده تاکسی، بانوی راننده بیابان، اولین زن اتوبوسران، زنی که جرثقیل می‌راند، اولین زن راننده مترو در دوبی و...!

فروش نشریاتی که از این تیترها برای جلب توجه مخاطبانشان استفاده می‌کنند، نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی زنان در چنین عرصه‌هایی، هنوز سوژه‌ای قابل توجه و تازه است.

شاید بهتر باشد به جای آن که از ممنوعیت رانندگی زنان در عربستان، آن هم در هزاره سوم، تعجب کنیم و آن را نشانه‌ای از تحجر مردم و دولتمردان آن کشور به حساب بیاوریم، به رفتارهای خودمان هم نگاهی بیندازیم و ببینیم که یک زن ایرانی به چه میزانی از اعتماد به نفس و شجاعت نیاز دارد، تا بتواند زیر نگاه‌های سنگین و متلک‌های آبدار، پشت رل بنشیند و کم کم تجربه کسب کند، تا راننده خوبی از کار در بیاید.

خودرو، ابزار مردانه!

«ریدرز دایجست»، پرفروش‌ترین نشریه خانوادگی دنیا، از خوانندگان خود پرسیده است که چرا رانندگی خانم‌ها به نظر اکثر مردان، عجیب یا دست‌کم غیرمتعارف به نظر می‌رسد؟ خیلی‌ها از ملیت‌های مختلف، پاسخ داده‌اند. بعضی‌ها معتقدند این پرسش درستی نیست، زیرا پیشاپیش، «اعتقاد به غیرمتعارف رانندگی کردن زنان» در آن تایید شده است. در این میان، پاسخ بعضی از روانشناسان و جامعه شناسان و حتی متخصصان اندام‌های حرکتی انسان، قابل توجه است؛ مثلا نظریه کارشناسان «ارگونومی» که دانش طراحی ابزار کار، به شیوه‌ای است که با مشخصات انسان، حداکثر تطابق را داشته باشد و استفاده از آنها را راحت‌تر کند. آنها می‌گویند: شیوه رانندگی زنان، متفاوت و کمی خارج از عرف‌های شناخته شده برای رانندگی پایه دو است و دلیل اساسی آن می‌تواند این باشد که اساساً خودروهای سواری بر اساس اندام‌های مردان و قدرت عضلات و فاصله چشمان آنها با یکدیگر ساخته شده است تا برای رانندگی زنان. طبیعی است ابزاری که متناسب با فیزیک بدنی مردان طراحی شده است، برای جنس دیگر مشکل آفرینی کند.

با این همه، بر اساس نتایج آخرین تحقیقات در مورد نحوه رانندگی مردان و زنان، زنان میانسال، منظم‌ترین و بهترین رانندگان در جاده‌ها و در کل زنان نسبت به مردان، رانندگان بهتری هستند.

مردان جوان به ویژه آنهایی که با ماشین‌های مدل بالا رانندگی می‌کنند، در حین رانندگی بسیار بی‌پروا و بی‌احتیاط هستند. هنگام رانندگی با عصبانیت، زنان کمتر از مردان بوق می‌زنند. آنان در مقایسه با مردان کمتر از ترافیک فرار می‌کنند، به چراغ راهنما توجه بیشتری دارند و کمتر به ماشین‌های اطراف توجه می‌کنند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند رانندگی مردان ریسک بیشتری دارد. آنها به نسبت بیشتری با سرعت بالا یا نزدیک به اتومبیل‌های دیگر می‌رانند و کمتر از کمربند ایمنی استفاده می‌کنند. مردان همچنین در دور زدن بی‌احتیاط ترند و برای پارک خودرو، زمان کمتری مصرف می‌کنند.

شاید به نظر برسد مردان حرفه‌ای‌تر می‌رانند، اما معنی‌اش این نیست که آنان رانندگان بهتری هستند.

اغلب تصادف‌های رانندگی که مردان سبب سازشان می‌شوند، نتیجه رفتارهای پرخطر آنان است.

اولین راننده خودرو بنزینی در دنیا

شاید برای شما هم جالب باشد که داستان نخستین خودروی بنزینی دنیا و نخستین راننده آن را بدانید. وقتی «کارل بنز» که به اعتقاد خیلی‌ها، مخترع اولین نسل از خودروهای امروزی است، واگن موتوری ابتکاری اش را امتحان می‌کرد، باعث تولید صداهای گوشخراش و بوی ناخوشایندی می‌شد که به اعتراض همسایه‌ها می‌انجامید. آنان مدام از او می‌خواستند کارش را متوقف کند، تا جایی که مجبور شد یک اجازه نامه رسمی از مقامات بالا دریافت کند که نشان بدهد حق راندن اتومبیل ابداعی‌اش را دارد. این اجازه نامه، شکلی ابتدایی از گواهینامه‌های رانندگی بود که از اوایل قرن بیستم کم‌کم در بسیاری از کشورها متداول شد. در سال ۱۹۱۰ میلادی در آلمان، همه رانندگان موظف شدند گواهینامه‌های رانندگی خود را به همراه داشته باشند.

در آگوست ۱۸۸۸، «برتا بنز» که همسر کارل بنز بود، به همراه دو پسرش، یوگن و ریچارد، حدود ۸۰ کیلومتر رانندگی کرد تا به ملاقات مادرش برود. این مسافرت نسبتا طولانی، قرار بود با قطار انجام شود اما «یوگن» ۱۵ ساله پیشنهاد داد به جای آن، با خودرو بنز بروند.

«برتا» هم ماشین را که شوهرش برای فروش آماده کرده بود، برداشت، یادداشتی برای «کارل» روی میز آشپزخانه گذاشت و برو که رفتی! این زن، اولین کسی بود که با یک خودرو مجهز به موتور احتراق داخلی بنزینی، اقدام به رانندگی کرد، در واقع اولین راننده به معنای امروزی در جهان!

نسل تازه سهل انگار!

اینجا یکی از کلاس‌های آموزش رانندگی در تهران است. عده‌ای دختر و پسر جوان، در آن شرکت کرده اند، به امید آن که خیلی زود گواهینامه‌هایشان را بگیرند.

توجه به شوخی‌های آنان با مربی که کار تعلیم آیین نامه را بر عهده دارد، از پیوستن قریب‌الوقوع نسلی تازه و سهل انگار به خیل عظیم رانندگان، خبر می‌دهد. یکی از پسران با ژستی مردانه می‌گوید: این خانم‌ها اعصاب آدم را به هم می‌ریزند، انگار وقتی راهنمای سمت راست را می‌زنند، حتماً باید بپیچند به راست! دیگری با خنده در نقد دوربین‌های پلیس می‌گوید: چه معنی دارد از ماشین آدم عکس می‌گیرند؟ بالاخره خانواده نشسته، زن و بچه توی ماشین هست!

مربی که در عین حال، کارشناس راهنمایی و رانندگی است، تمامی تلاش خود را به کار می‌گیرد تا این جوانان سرخوش و بی‌خیال را با مخاطرات جدی جاده آشنا کند. او دلخراش‌ترین صحنه‌های تصادف را به بدترین وجهی توصیف می‌کند، شاید که کارگر بیفتد و کمی ترس در دل راننده‌های نترس آینده ایجاد کند: راننده بیچاره چنان به گاردریل خورده بود که سرش قطع شده بود. فردا در روشنایی روز هرچه گشتند سر را پیدا نکردند. بعد معلوم شد صبح زود، غلتک آسفالت از روی سر رد شده است و آن را له کرده است!

اما با وجود چنان شاگردانی، خاطرات مربی هم گاهی طنزآمیز می‌شود: راننده کامیون، زده بود هفت نفر را کشته بود. جنازه‌ها را کنار جاده ردیف کرده بودند. رانندگان گذری سهل‌انگار هم به جای آن که حواسشان به رانندگی خودشان باشد، به صحنه تصادف نگاه می‌کردند. یکیشان، همان طور که نگاه می‌کرد، زد به یک عابر پیاده و او را پرتاب کرد آن طرف. بعد پیاده شد و توی سر خودش زد و شروع کرد به گریه و زاری. راننده کامیون دلش سوخت، آمد جلو و به او گفت گریه نکن، آن بنده خدا را هم بگذار کنار این هفت نفر و برو. من که آب از سرم گذشته است!

محمد رضایی، مربی تعلیم رانندگی در شهر، اصلا قبول ندارد که مردان رانندگان بهتری هستند. او که کارآموزان زن و مرد زیادی را تعلیم داده است، می‌گوید: تخلفات مردان خیلی بیشتر است.

تند رفتن هنر نیست، درست راندن هنر است که در میان خانم‌ها درصد بالاتری دارد، از همه مهم‌تر این که آمار تصادف‌های منجر به خسارات مالی و جانی، در بین خانم‌ها کمتر است.

بعضی‌ها عقیده دارند پایین‌تر بودن درصد تصادف‌های خطرناک در میان خانم‌ها به دلیل رانندگی ناشیانه، کند و اعصاب خردکن آنهاست.

آقای رضایی در پاسخ به این ادعا می‌گوید: این اعتقاد مردانی است که خلاف می‌کنند و بد می‌رانند. آمار واقعی در دست ماست که هر روز با آن سرو کار داریم.

او درباره مردانی که برای رانندگان زن، مزاحمت ایجاد می‌کنند نیز حرف‌هایی دارد: وقتی یک خانم با استرس پشت فرمان خودرو می‌نشیند، مردان هم اذیتش می‌کنند. متاسفانه این ایرادی فرهنگی است که باید برای رفع آن، فرهنگ سازی بشود. حتی پیش آمده که با حضور خود من، جلوی هنرجویم پیچیده‌اند و ما افتاده‌ایم توی جوی آب! بعد هم معلوم شده که طرف، آشنا بوده و خواسته شوخی کند، در حالی که رانندگی به هیچ وجه شوخی بردار نیست.

اخبار ناخوشایند آینده

روان‌شناسان برای نخستین بار در تاریخ ۱۰۰ ساله ارزیابی بهرهٔ هوشی آدمی (تست IQ) دریافته‌اند که امتیازات زنان از مردان بیشتر شده است. در طول قرن گذشته، زنان در تست IQ حدود ۵ امتیاز از مردان عقب بودند که روان‌شناسان این اختلاف امتیاز را به تفاوت‌های ژنتیکی نسبت می‌دادند. با وجود این، اختلاف امتیاز زنان و مردان در سال‌های اخیر کمتر شده و بالاخره در تازه‌ترین پژوهش که زنانی از آمریکا، کانادا، نیوزیلند، آرژانتین و کشورهای غرب اروپا را مورد آزمایش قرار داده بود، از نظر بهره هوشی زنان از مردان جلو زده اند.

به گفته کارشناسان، دلیل این امر شاید پیچیده‌تر شدن زندگی زنان در دنیای امروز باشد، چراکه اکثر زنان همزمان درگیر مسئولیت‌های خانوادگی و کاری هستند.

دلیل دیگر شاید این باشد که هوش خانم‌ها نسبت به هوش آقایان ظرفیت بالاتری دارد، ولی خانم‌ها تا به حال این را نمی‌دانسته اند!

روانشناسان می‌گویند تاثیر کامل مدرنیزه بر زنان در حال آشکار شدن است و چون جهان روز به روز پیچیده‌تر می‌شود، مغز انسان ناچار است خود را با این روند تطبیق دهد. زنان هم همپای مردان، خود را با فناوری‌های روز پیش می‌برند و در بالا بردن توانایی‌های شان می‌کوشند. این مطالعات نشان می‌دهد که دیگر نمی‌توان با تکیه بر اختلافات جنسیتی، تفاوت‌های رفتاری زنان و مردان را توجیه کرد. هردو جنس، درحال شناخت هرچه بیشتر از طرز فکر و خصوصیات یکدیگر هستند و این تعامل، می‌تواند در نهایت به یادگیری توانایی‌های طرف مقابل و تشابه رفتاری آنان – به عنوان مثال در رانندگی – بینجامد.

بنابراین، اخبار خوبی در راه نیست. اگرچه در حال حاضر، مردان ممکن است بیشتر دچار سوانح رانندگی بشوند اما شکاف میان اوضاع آنان و زنان هر روز کمتر می‌شود. امروزه، زنان بیشتری رانندگی می‌کنند(و بیشتر از گذشته رانندگی می‌کنند). متاسفانه زیاد شدن تعداد رانندگان زن، به معنی افزایش آمار رانندگی هیجان‌آمیز و مخاطره‌انگیز، افزایش سرعت و بالا رفتن آمار تصادفات دلخراش رانندگی در میان آنان نیز هست.

در واقع به نظر می‌رسد که برخی از مردان، نه تنها آرامش و تفکر منطقی چند جانبه هنگام رانندگی را از زنان نیاموخته‌اند، بلکه با ایجاد یک میدان رقابت ناسالم، زنان را وادار به تقلید از شیوه‌های خشن رانندگی خودشان کرده‌اند!

ارمغان زمان فشمی

جدول ۲۱۷۸۲

افقی:

۱ـ فیلمی از مصطفی کیایی در جشنواره فیلم فجر به بازیگری مهدی هاشمی ـ شهر تاریخی ترکیه

۲ـ دورویی ـ مرض ـ غلاف شمشیر

۳ـ بها بازار ـ از عناصر نمک ـ پرده دَر

۴ـ شاعر انقلابی آلمانی در قرن نوزدهم ـ گل سرخ ـ یکی از واحدهای ذخیره‌سازی اطلاعات در رایانه

۵ـ امر آوردن ـ لقب امام نهم شیعیان (ع) ـ علامت و نشان تجاری ـ چاشنی گوجه‌ای

۶ـ خوک وحشی ـ کاشف الکل ـ یک خط شعر

۷ـ از تقسیمات طولانی زمان ـ لباس ضدآب ـ یار «عذرا»

۸ـ تهمتن و تنومند ـ تنگ چشمی ـ تنیسور مشهور اسپانیایی با نام «رافائل»

۹ـ لهجه ـ محاسب درآمدهای مالیاتی ـ مادر آذری

۱۰ـ پاسخ مثبت ـ خانه بزرگ ـ از القاب امام زمان (عج)

۱۱ـ فریاد چوپان ـ سرچشمه مهر و محبت ـ پزشکان ـ مشت توخالی

۱۲ـ خوراک روزانه معیّن ـ بنابراین ـ نامی دخترانه

۱۳ـ منسوب به ایتالیای باستان ـ بی‌مانند ـ گاز

۱۴ـ شاگرد مغازه ـ گروه محافظ مسلح ـ خرقه

۱۵ـ دریافتن و فهمیدن ـ کشور اسلام آباد

عمودی:

۱ـ ضربه‌ای در فوتبال ـ ستون بدن

۲ـ حائل بین اتاق‌ها ـ شاعر و عارف ایرانی، حجة‌الحق ـ نوک مثلث

۳ـ ارابه ـ شکایت ـ نیکوکاری و بخشندگی

۴ـ نام شاهی سلجوقی ـ غوزه پنبه ـ مبارک و خجسته

۵ـ بافت اینترنتی ـ معادل فارسی «هود» ـ مرکز مازندران

۶ـ زبان به چیزی مالیدن ـ در مقابل ـ میت ـ تکرار اولین حرف

۷ـ غمخوار ـ چهره و عارض ـ توسعه و گسترش

۸ـ نشانه و ردپا ـ صداقت است و موجب رضای خدا ـ قاصد

۹ـ باغی در شیراز ـ لباس خانم‌ها ـ مهارتی در فوتبال

۱۰ـ سازچوپان ـ مسابقه ـ منحصراً، تنها ـ نظرات

۱۱ـ بیماری سگ و گربه ـ جانشینی ـ حمله

۱۲ـ عتیقه ـ گشاده ـ ... نظر تو بر نگردد، برگشتن روزگار سهل است

۱۳ـ واحد پول میانمار (برمه) ـ درختی از تیره گل سرخیان ـ جهان باقی

۱۴ـ گاومیش تبتی ـ از مصالح ساختمانی ـ استخوان ساعد

۱۵ـ نیز ـ تیم آبی‌پوش فوتبال پایتخت به مربیگری امیر قلعه‌نوعی

طراح: غلامحسین باغبان

توضیح ضروری درباره جدول دیروز

در جدول کلمات متقاطع دیروز (۳۱ مردادماه ۱۳۹۱)، به دلیل اشتباه فنی در صفحه‌بندی، متأسفانه جدول و شرح متن آن همخوانی نداشت و به جدول‌های جداگانه‌ای مربوط بود که ضمن پوزش از خوانندگان گرامی، به این وسیله تصحیح می‌شود.

حل جدول ۲۱۷۸۱

جدول شرح در متن شماره ۳۰۹۰

طراح: غلامحسین باغبان

بنیانگذار و رهبر کشور بنگلادش

برداشتن قسمت کوچکی از بافت زنده برای تشخیص بیماری

معدن

منسوب به فصل اول

از افتخارات کشتی آزاد کشورمان، مدیر فنی تیم‌های ملی ایران

حل جدول شماره ۳۰۸۹

تشیع و ایران‌زمین

پروفسور هانری کربن
ترجمه دکتر انشاءالله رحمتی
بخش دهم و پایانی

این اشارات، ما را به معنای مسائلی که باید دست در دست هم بر آنها غلبه بیابیم، رهنمون می‌شوند. در بالا به یک نوع خلاف‌آمد عادت [یا پارادوکس] که نشان دهندهٔ موقعیت ظاهری تشیع، پس از همان دوران پیروزی‌اش با تأسیس حکومت صفویه در سدهٔ ۱۰ق/۱٦م است، اشارتی رفت. مصنفات قوی **سیدحیدر آملی** (سدهٔ ۸ق/۱٤م)، مصنفات **ملاصدرا** و شاگردانش (سدهٔ ۱۱ق/۱۷م) که بر محور تعالیم ائمه طاهرین متمرکز شده‌اند، باید شیعه دوازده امامی را در راه غلبه یافتن بر پارادوکس خاص خودش یاری کنند، بدین صورت که این مذهب را به دلالت [یا فحوای] امروزین پیامش و از این طریق به پیکار معنوی‌اش، متوجه و متفطن سازند.

برای حسن ختام، مطلب جالب توجهی را یادآور می‌شوم. اگرچه حدود بیست سال پیش به ندرت به یک جوان روشنفکر ایرانی برمی‌خوردیم که بتوان با او درباره فلسفه ملاصدرا گفتگو کرد، ولی امروز دیگر چنین چیزی امر نادری نیست. یقیناً این امر هرگز قضیه‌ای نیست که به حسب آمار و ارقام بتوان درباره‌اش نظر داد، بلکه چیزی در شرف [تکوین و] تولد است؛ چیزی است که نگارنده در کتاب حاضر می‌کوشد تا سهم ناچیزی در آن داشته باشد. البته نیک می‌دانم که هر چند هستند بسیاری از ایرانیان ـ خواه جوان و خواه مسن‌تر ـ که تعالیم رفیع اساتیدی را که تنی چند از ایشان، در این اثر مورد بحث قرار گرفته است، با تمام وجود درک می‌کنند، ولی دیگرانی نیز هم از میان جوانها و هم از میان مسن‌ترها هستند که در برابر ذکر اسامی و افکاری که صفحات این کتاب مشحون از آنهاست، به حسب عادت موضع می‌گیرند؛ برخی موضع انکار در پیش می‌گیرند که بهانه‌اش جهل است و برخی دیگر موضع استنکاف که غالباً [نشانه] اقرار به حسرت گذشته [نوستالژی] است.[۲۲]

امید است که کتاب حاضر لااقل به آنان شهامت بدهد تا این حسرت گذشته را در دل احساس کنند؛ بدین صورت که مجاب شوند که دلیلی برای تسلیم شدن در برابر این اسطوره «معنای تاریخ» وجود ندارد؛ این اسطوره قادر نیست چیزی را که گذشته‌اش می‌نامند، در زمان حال به اندیشه درآورد؛ زیرا اسیر این پندار واهی است که آن گذشته را پشت سر گذاشته است.

در بالا تعلیم ائمه(ع) را یادآور شدم که بر طبق آن معنای باطنی است که معنای تاریخی حقیقی وحی‌ها [یا شرایع] الهی است؛ زیرا این معنای باطنی، معنایی است که تا قیام قیامت، پیوسته در انسان باطنی «جریان دارد». معنای باطنی در اینجا معنای تاریخی است، زیرا این معنا تاریخ جان آدمی است و در زمان حاضر نیز به یمن خود این تاریخ به همان صورت محفوظ است.

به همین روی، چیزی که از آن به «فرادهش» [یا سنت] تعبیر می‌شود، با فرا ـ نهادن[۲۳] [یا انتقال دادن] امر صیانت شده، هر بار از نو [چیزی را] برمی‌انگیزد؛ اما آن چیز نه [از قماش] ایدئولوژیهای نوین باب روز، بلکه [از جنس] شاهدان [و نشانه‌های] نوین است. یقیناً این تلقی با تلقی متعارف که امر تاریخی و امر گذشته [یا تاریخ و گذشته] را هم هویت می‌داند، متفاوت است.

ولی آیا در این [شیوه‌ای که گذشته را] «در زمان حال» می‌فهمد، در قیاس با چیزی که عموماً روش تاریخی نویَنش می‌خوانند، صداقت و دقت کمتری وجود دارد؟ زیرا وقتی با استمداد وافر از باستان‌شناسی، علم اقتصاد و جامعه‌شناسی، سعی می‌کنند تا گذشته توده‌های بی‌نام و نشان را «موضوع حقیقی تاریخ» معرفی کنند، آیا در همهٔ این موارد نیز همچنان و همواره جز این است که آینه پیش‌فرض‌های ما، میل و نفرتهای ما صورتی را که در صفحه‌اش مکشوف می‌داریم... در عینیت کامل، بر ما «در زمان حال» عرضه می‌دارد؟

تشبیه [گویایی] هست که می‌تواند مقبول خاطر اهل نظر قرار بگیرد و در اینجا تکرارش می‌کنم؛ زیرا در اثنای تأملاتی خودجوش در برابر آبکندهای خشکیده‌ای که چونان شیارهایی چند بر صفحه فلات بلند ایران نقش شده‌اند، در ذهن ما سر زد. غالباً به همراه همان دوستان خاطرهٔ روزی پیش‌بینی‌ناپذیر را در ذهن مجسم می‌کردیم که دیگر باره آب روان لبالب در آن آبکندها جاری شود؛ ولی در آن موقع، از خود می‌پرسیدیم که آیندهٔ جریان آب روان کجاست، خواه نهری از این دنیا باشد و خواه یک «رود خروشان از عالم معنا»؟

آیا [فرجام و] آیندهٔ جریان آب روان در مصب آن است و در آنجا در کام اقیانوس فرو می‌رود؟ آیا در ریگزارهای تفتیده است و در دل آنها ناپدید می‌شود؟ یا نه، آیندهٔ این جریان، در سرچشمه آن است؟ آیا نباید گفت سرچشمه‌اش، چیزی جز آینده‌اش نیست؟ زیرا وقتی سخن از امور جان در میان است، گذشته و آینده دیگر اوصاف امور ظاهری نیست. گذشته و آینده اوصاف خود جان است. خود ماییم که زنده یا مرده‌ایم و در قبال حیات و ممات این امور مسئول. سرّ تأویل روحانی ائمه طاهرین(ع) دقیقاً همین است.

برای مثال، ملاصدرا از کسانی است که نیک دریافتند که ما فقط و فقط به قدر محبت [و ولای خویش]، از معرفت نصیب می‌بریم و معرفت ما صورت ظاهَر محبت ماست. و نیز همه آنچه را که بی‌اعتنایان «گذشته»‌اش می‌خوانند، خود به قدر محبت ما [و به یمن این محبت] همچنان «آینده» خواهد ماند؛ محبت ما، خودش سرچشمهٔ [زایندهٔ] آینده است؛ زیرا آینده را حیات می‌بخشد. فقط باید شجاعت دل زدن به دریای محبت را داشت.

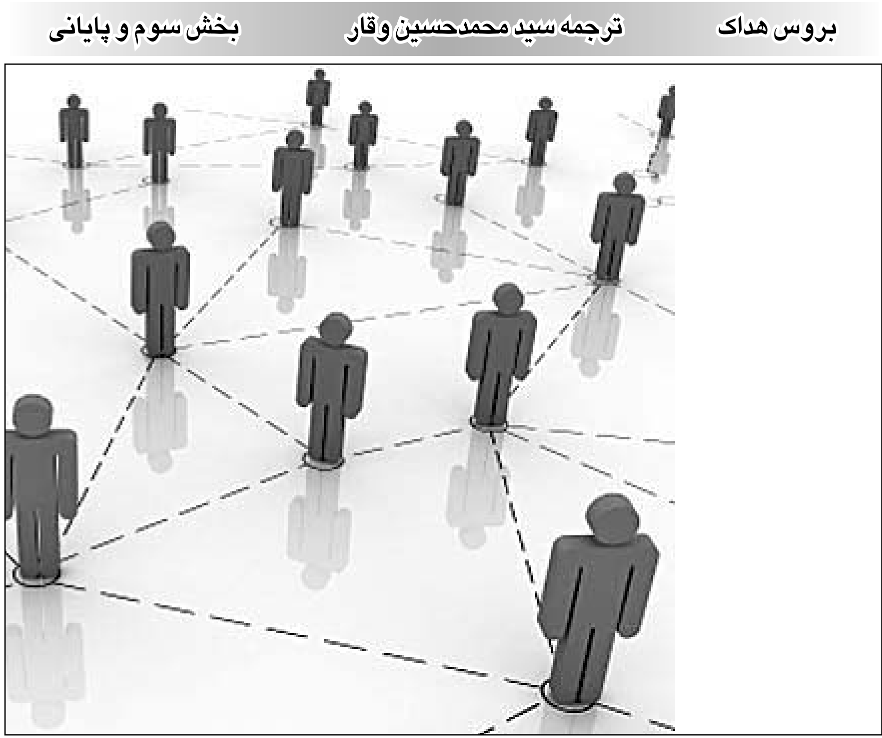
پی‌نوشتها:

۲۲ـ گروهی همانند آن رجل اردنی، این تعالیم را یکسره انکار می‌کنند، زیرا چیزی از آنها نمی‌دانند، اما گروه دیگر به آنها واقف‌اند و چون آنها را متعلق به گذشته می‌دانند، بهره‌شان از آنها در حد حسرت گذشته است و بنابراین به تحقیقی که نگاه امروزی به آنها داشته باشد، بی‌اعتنایند.

۲۳ـ trans - mettant. باید به معنای ریشه‌ای tradition، انتقال دادن، یا همان «فرادهش» عنایت داشت.

اندیشه سیاسی معاصر

بروس هداک — **ترجمه سید محمدحسین وقار** — **بخش سوم و پایانی**



نبودِ عدالت فرافرهنگی، توزیع مسائل و مزایا را به نتیجه غیرقابلِ پیش‌بینی بحث و برخورد سیاسی میان گروههایی وا می‌گذارد که جایگاههای متفاوتی دارند. تشکیلات برای به حاشیه راندن صداهای ناهموار و ناسازگار، امکاناتی رسمی و غیررسمی در اختیار دارند. در هر نظریه دستوری، قدرت همچنان موضوعی مطرح است. و همه ما می‌پذیریم که به صورت برابر توزیع نخواهد شد. در این شرایط، ضروری است که تصمیمات توزیعی بر چیزی بیش از اعتقادات خام استوار باشند. چیزی را که می‌توان اصلی منصفانه و قابل حصول شمرد، همچنان موضوعی مورد تنازع باقی خواهد ماند؛ اما این فرض که هر چنین اصلی می‌تواند تنها ارزشهای یک گروه مشخص را منعکس سازد، به تضعیف دورنمای توزیعی می‌انجامد که عقلاً می‌توان آن را برای همه طرفهای ذینفع قابل قبول دانست. نکته مورد نظر این نیست که ما به‌سادگی می‌توانیم استقلال یا بی‌طرفی مطلق را برقرار نماییم، بلکه آن است که دست برداشتن از هر اصل توزیعی فرافرهنگی به مثابه آرمانی تنظیمی، به منافع گروههایی که در بدترین وضعیت قرار دارند، خسارت وارد می‌سازد.

اینها تغییرات امروزین در مضامین دیرپاست. مباحثهٔ افلاطون با فیثاغورث دقیقاً درباره جایگاه قضاوت اصولی بود. به یک شکل، محاجه فیثاغورث که «انسان مقیاس همه چیز است»، به اشکال مختلف به مثابه موضعی جایگزین، در صورت کنار گذاشتن همه اصول، ارائه شده است؛ اما به‌رغم شک‌اندیشی‌مان در قبال اصول خاص، با وظیفه دشوار قضاوت در موقعیتی بغرنج بر جای ماندیم. ما خود را بر سر دوراهی سختی می‌یابیم: ما شکنندگی اصول را درک می‌کنیم، اما در تلاشمان برای حفظ یک زندگی آبرومند اجتماعی و سیاسی، آشکارا نمی‌توانیم بدون آنها امور خود را بگذرانیم.

فمینیسم امروزین این گرفتاری را به‌خوبی نشان می‌دهد. در این مورد نمی‌توان تردیدی به خود راه داد که جریان اصلی اندیشه سیاسی تا حدود زیادی از منظری مذکر نوشته شده است؛ مثلاً تعهد به آزادی و برابری شهروندان، ذهنیتی تعمیم‌گر را منعکس می‌سازد که تنوع را در موارد خاص مردود می‌سازد. توجه به تجربه واقعی زنان بینشی به دست می‌دهد که در گفتمان عمومی غالب از نظرها پنهان مانده است. **کارول گیلیگان** در مطالعه‌ای ابتکاری، استدلال دستوری را با روان‌شناسی تلفیق نمود تا به‌تفصیل نشان دهد که زنان به شیوه‌ای متمایز به موضوعات می‌پردازند. فمینیست‌ها می‌توانند از زبان «اختلاف» برای روشن ساختن مقیاس ارزشی خاص و مبتنی بر جنسیت استفاده کنند. با تشویق فرهنگ تصمیم‌سازی اجماعی و فراگیر، می‌توان همکاری و نه برخورد را برای زنان «طبیعی» دانست. حسن این رهیافت روشن است. می‌شود نشان داد که به‌رغم وجود قوانین لیبرالیستیِ شامل اصل برابری فرصتها، هدف رویه‌های اجرایی درِ نهادها، مستثنا ساختن زنان است. و اصرار لیبرالیسم بر تمایز میان حوزه‌های عمومی و خصوصی، چاره‌جویی برای ارزشهای اجتماعی و نهادی را از طریق ابزارهای تقنینی متعارف عمیقاً دشوار می‌سازد.

اما تلقی نقش زنان همچنان مورد اعتراض و همساخته‌ای اجتماعی است. می‌توانیم با هشیاری از غلبه ذکور سنت‌گرا در اختصاص نقشها برحذر باشیم، بدون آنکه زنان را از تار درهم‌تنیده روابط پیچیده اجتماعی کنار بگذاریم. اینکه چگونه «نفْسها» شکل گرفته و تحدید می‌شوند، همچنان مورد اختلاف و از نظر تاریخی و فرهنگیِ دستخوش تغییر است. اگر نتایج احتمالی برای زنان ذاتاً نامحتوم باشد، نیاز به توسل به اصول رسمی در موارد سخت، اجتناب ناپذیر می‌گردد. پندارهای فاعلیت و استقلال مطمئناً باید با شرایط خاص جنسیتی همساز گردند؛ اما اجماع سیاسی و فرهنگی، هرگز ضمانتی کافی

آشکارا لازم است که از منظری جهانی بیندیشیم. این فکر که نمی‌توانیم اقتصاد ملی را بدون استناد به یک چارچوب جهانی درک نماییم، تقریباً در سراسر عالم پذیرفته شده است. امروزه محدودیتهای تحمیلی بر نخبگان، انحرافی است

برای برخورد منطقی با زنان به دست نمی‌دهد. این دقیقاً اتکا به «عقل سلیم» و سیاست متعارف بوده که محرومیت تاریخی زنان را از زندگی عمومی توجیه نموده است. اعطای حق رأی به زنان تا حدودی در تغییر اولویتها در بحث عمومی مؤثر است. این فرض که سیاست مردم‌سالار همواره به نتایج دستوری قابل دفاعی منتهی می‌گردد، ساده‌لوحانه است. نکته تناقض‌آمیز آنکه سخت‌ترین منتقدان سیاست لیبرالیستی، خودْ اجتناب‌ناپذیری سبکیِ از نظریه‌پردازی دستوری را تقویت می‌کنند که معمولاً با لیبرالیسم مرتبط است!

نظریه سیاسی چندفرهنگ‌گرایی با دشواریهای مشابهی درگیر است. یک شهر امروزین نمونه کوچکی از سیاست جهانی است. ما کثرت‌گرایی را موضوعی عادی تلقی می‌کنیم، ضمن آنکه می‌دانیم که هزینه سیاسی رفع اختلافات فرهنگی توانفرساست؛ ولی ما همه چیز را تحمل نمی‌کنیم. اینکه در کجا خط را ترسیم می‌کنیم، موضوع عدالت است. مفاهیم مورد استناد ما، احتمالاً بسیار مضیق‌تر از مفاهیمی است که در قانون نظریه سیاسی آمده است؛ اما منطق استدلال ما را به مواضعی باز می‌گرداند که در شرایط فرهنگی و تاریخیِ بسیار متفاوتی طرح شده بود.

به‌رغم همه مسائلی که هنگام تلاش برای توصیف مباحث دستوری با آنها برمی‌خوریم، همه ما در مشارکتهای عملی‌مان، آن را در جایی به کار می‌بریم. فلسفه سیاسی سنتی میان حکومت و دولت، به مثابه کانون ذیربط موضوعات مؤثر بر کل جامعه، تمیز قائل است؛ اما دیگر نمی‌توان بر این فرض ماند که دولت از همان نوع برتری نهادی منسوب به آن در نظریه سنتی برخوردار است. بَا پراکنده شدن حوزه‌های قدرت، چالش در برابر مباحث سیاسی مؤثر و نیز متقاعدسازی شهروندان، دشوارتر و شاق‌ترَ می‌گردد. ممکن است نهادها و نقشهای سیاسی رسمی بخشی از اقتدار خود را از دست بدهند. یکی از پاسخهای شهروندان ممکن است جستجو برای راههای بدیل بیان دغدغه‌های دستوری باشد. به نظر می‌رسد جنبش‌های تک‌موضوعی که به مثابه مکاتب فراگیر پدیدار گشته‌اند، از منافع شهروندان بسیار دور باشند.

روش دیگر آن است که ماهیت تغییریافتهٔ دولت را فرصتی برای تأکید و بسیج سیاسی در عرصهٔ گسترده‌ای از نهادها تلقی کنیم. فکر «جامعه مدنی» از دهه ۱۹۹۰، از اهمیتی تازه برخوردار گشته و به ایضاح شبکه‌های نهادی مستقلی می‌پردازد که تأثیر بسیار مستقیمی بر شهروندان دارد و گزینه‌های رسمی نخبگان سیاسی را محدود می‌سازد. مطمئناً این سبک سیاسی بسیار دشواری است که پیش‌فرضش، توزیع علَم و منابع در کانونهای تخصصی در سراسر جامعه است. از جمله **دیوید هلد** در حمایت از همسازی نظریه سیاسیِ مردم‌سالارانهَ با مطالبات گوناگون نظام جهانی به بحثَ می‌پردازد و افراد و گروهها را قادر می‌سازد که مواضع خود را بر زبان آورند و نخبگان را در جبهه‌های گسترده‌تری پاسخگو سازند. در این طرح، سیاست حرفه‌ای یا محل کار، خلأ ایجاد شده بر اثر سیاست متعارف مبتنی بر سلسَله مراتب حکومتی را پُر می‌سازد. مهم آن است که سیاستی که این گونه تصور می‌شود، دیدگاهی جهان‌وطن داشته باشد و اتکای متقابل دولتها، فرهنگها و اقتصادها را منعکس کند.

چرخ نظریه در دایره‌های کاملی می‌چرخد.

پیش‌بینی‌های قابل اعتماد مبنی بر آنکه «پروژه روشنگری» مسیر خود را پیموده و در عصر پسامدرن که یک دوره کامل فلسفه سیاسی خاتمه یافته، هر طرح توجیه‌آمیزی تکراری است، شکستی است در واقعیت تلخ نیاز به هماهنگی طرحهای همکاری میان بیگانگانِ دور از هم در عرصه گیتی. ممکن است مکاتب سیاسیِ سنتی چندان اجبارآمیز به نظر نرسند، و حتی گاهی امکان دارد به زحمت با اوضاع و احوال زندگی مردم ارتباط بیابند؛ اما قیاس اجبار و رضایت همچنان باقی می‌ماند. ما هنوز مجبوریم بکوشیم که شرایط معقول همکاری اجتماعی را شکل دهیم، اگرچه ممکن است منابع نظری ما در چارچوب امروزین آن گسترش یابد.

نارضایتی از وضع دنیا همراه با برخورداری مطلق از امکانات فراوان باقی می‌ماند. فلسفه‌های زندگی عمومی افشا شده، اما تا حدود زیادی از منظر ضدمواضعی بوده که در طول ۳۰۰ سال گذشته شکل گرفته است؛ مثلاً بیانیهٔ کمونیستی برای برخی خوانندگان امروزی قطعاً مانند کتابی منسوخ به نظر می‌رسد. با این همه، **هارْت و نگری** از آن همچون سرمشقی برای تحلیل امپراتوریها به مَثابه پدیده‌ای در دنیای معاصر بهره جسته‌اند. در اینجا شرح وظایف شگفت‌انگیز است. برای ما نظریه‌پردازان و شهروندان، افشای این دست مطالب ضروری است. در مقابل اصوات ناموزون نظریات متقابل، باید بکوشیم میان آنها فرق قائل شویم. اگر مکاتب متکی بر دولت به نظر برخی از ناظرانْ مبتذل بیاید، آشکارا لازم است که از منظری جهانی بیندیشیم. جهانی‌سازی بازار، شواهدی را فراهم می‌آورد که خود **مارکس** را به تعجب وا نمی‌دارد، اگرچه مقیاس و سرعت ارتباطات بدون تردید ابعادی را اضافه می‌کند که هیچ‌گاه در سال ۱۸٤۸ مورد انتظار نبود. این فکر که نمی‌توانیم اقتصاد ملی را بدون استناد به یک چارچوب سرمایه‌داری جهانی درک نماییم، تقریباً در سراسر عالم پذیرفته شده است. امروزه محدودیتهای تحمیلی بر نخبگان سیاسی به قدر محدودیتهای تحمیلی بر مارکس انحرافی‌اند، اگرچه ممکن است اتکای متقابل سرمایه‌داری را به شکلی متفاوت تحلیل کنیم. اینها تا حدود زیادی انواع متفاوتی از همان مضامین آشنا و نه آغاز جدید خوبی در سرزمینهایِ ناشناخته هستند.

موقعیت جهانی مسلماً نظریهٔ سیاسی را با کشمکشی جدید روبرو می‌سازد. بسیج سیاسی در ورای مرزها به نحو بارزی دشوار است. در دنیایی که به طرز سرگیجه‌آوری مترابط است، حتی قوی‌ترین منافعْ مزیتهای محدودی دارند. بررسی تجربیِ ارتباط متقابل، چه بسا به ما در تمرکز بر تفکراتمان کمکَ کند؛ اما اوضاع و احوال دنیا به ما نخواهد گفت چه باید بکنیم. به‌رغم درک ضرورتی که زندگی ما را تحدید می‌نماید، به سوی استدلال دستوری پس رانده می‌شویم.

از منظر تاریخی، می‌توانیم فلسفه و نظریه سیاسی را همچون تلاشهایی برای شکل‌دهی تجربه‌مان بر مبنای استدلال دستوری تلقی نماییم. همه ما چیزهای زیادی داریم که در معرض خطر هستند. فرصتهای زندگی بر وثاقت برخی نظریات استوارند. همه ما بر نظریات‌مان اصرار می‌ورزیم، اما در جایگاه طرفهای ذینفع، مایلیم طرحهای مورد علاقه خود را دارای مطلوبیت آرمانی معرفی کنیم. بنابراین استدلال دستوری از انواع دیدگاههایی که معمولاً با آنها برخورد می‌کنیم، «تأثیر پذیرفته است»؛ اما این وضعیتی اجتناب‌ناپذیر باقی می‌ماند. به یک معنی، از این فکر نتیجه می‌گیریم که ممکن است اوضاع برای ما بهتر یا بدتر شود. نمی‌توانیم این فکر را بدون تضعیف خود به مثابه منتقدان رها کنیم؛ ولی ما نیز دلایل موجهی برای تردید دِر مورد اعتبار مجموعه کاملی از بحثهایی داریم که معمولاً مطرح می‌شود.

پیش‌فرض استدلال دستوری دو ادعای متمایز است: یکی این نکته منطقی استَ که تفکر متضمن پیش‌فرضهایی است که می‌توان آنها را بنیانی دانست. اینها نسبتاً ثابت و انتزاعی و همساز با انواع جنبش‌های استدلالی‌اند؛ اما برابر دانستن «شالوده‌ها» با ارزشها، گمراه‌کننده است. همه ما می‌توانیم ضرورت ارزشها را درک نماییم؛ اما اگر خودِ تفکر را تصادفی بدانیم، آن را به مثابه تعهد، غیرقابل درکَ می‌سازیم. پیش‌فرض تفکر سخت آن است که حرکتهای استدلالی بعدی ما خودسرانه نخواهد بود.

ادعای دوم آن است که تفکر سخت درباره موضوعات اخلاقی یا سیاسی ممکن است به ایضاح گرفتاریهای ما بینجامد، حتی اگر به توان عقل عملی برای تغییر وضعیت اساسی‌مان شک داشته باشیم. ما به درون شرایطی «پرتاب شده‌ایم» که مستلزم پاسخی نظری است. به‌رغم تحفظاتی که در قبال منابع عقلی‌مان داریم، هنوز باید به برخی موقعیت‌ها سخت فکر کنیم. هیچ چیز رمزآلودی در این مشارکت وجود ندارد. همهٔ ما گاه و بیگاه به انجام آن می‌پردازیم، صرف نظر از آنکه احساس کنیم تا چه حد نامجهز هستیم. نقش حداقلی نظریه عبارت است از شکل دادن به چیزی که در این شرایط اتفاق خواهد افتاد.

هیچ‌کس در عمل مخالف پیشامد معضلات دستوری نیست. البته در نظریهٔ معاصر، وسوسه‌ای برای ایضاح معماهایی وجود دارد که گویی عدم توافق ما در باب موضوعات دستوری را می‌توان حد لازم برای قدرت استدلال عقلی‌مان بدانیم. می‌توانیم شیوه‌های بهتر و بدترِ شکل‌دهیِ معماهای دستوری را در ذهن تصور نماییمَ. وقتی واقعاً در مخمصه‌ای گرفتاریم و برای ایجاد توازن میان مطالبات متنازع می‌کوشیم، بعید است برابر دانستن همه گزینه‌ها با ترجیحات شخصی، مصدر کمکی باشد.

در اینجا نکته مورد نظر، جدی گرفتن تلقی فاعل گرفتار، و نه پسروی به سوی دیدگاهی گسسته‌تر است. فکری که مطرح است، این نیست که نظریه می‌تواند معمای فاعل را حل کند، بلکه این است که می‌توان معما را به صورتی شکل داد که جدی بودن چیزهای در معرض خطر را منتقل سازد. ارائه نمونه، طبیعی نیست. راههای مختلف تحدید چارچوب تصمیم‌گیری و انتخاب، موجب حذف برخی راهبردهای استدلالیِ غیرمفید یا تکراری می‌گردد؛ اما پیشنهادی مبنی بر اینکهَ بتوانیم گزینه‌هایی را از اصول اولیه استنتاج نماییم، وجود ندارد.

در اینجا اصول مورد بحث به‌ناچار «ضعیف» و شامل مجموعه‌ای از شیوه‌های بسیار متفاوت زندگی است. و اگر آنها را «بنیانی» توصیف نماییم، باید بدانیم که این بنیان ضعیف‌تر از آن است که جزئیات نهادی سنگین را تحمل نماید. با این همه، اصول ضعیف ممکن است آنقدر قوی باشد که برای ما کار دستوری انجام دهد. **رالز** دیدگاهی شگفت‌انگیز را درباره مطلب مستتر در پاراگراف آخر مقدمه کتاب جیبی لیبرالیسم سیاسی به اجمال بیان می‌نماید. او کار خود را در قالب «منتهای خشونت و تخریب فزاینده» قرن بیستم قرار می‌دهد که «در خباثت دیوانه‌وار هولوکاست به اوج خود می‌رسد»، و از خود می‌پرسد: «آیا روابط سیاسی باید تنها تحت حکومت قدرت و اجبار باشد؟» اینجا شاید تنها جایی باشد که بیهودگی سیاستِ فکورانه به واضح‌ترین شکل نشان داده شده است. توجَه داشته باشید که رالز نگران آن نیست که سیاست این اندازه به خطا رفته است؛ بیشتر نگرانی او این احتمال است که مبادا «جامعه‌ای در حد معقولی عادلانه که قدرت را در خدمت اهداف خود قرارداده»، تنزل نماید.

این بحث، ما را به قلب موضوعی هدایت می‌کند که بر اندیشه سیاسی غالب بوده است. از یک سو، ما در این اندیشه‌ایم که «مردم عموماً به اخلاقیات بی‌توجهند، اگر نگوییم در حد درمان‌ناپذیری بدبین و خودمحورند»! رالز به پیروی از **کانت** می‌پرسد: اگر این چنین است، آیا «زندگی بر روی زمین برای انسانها ارزشی دارد»؟ روشن نیست که چه برداشتی باید از این سؤال داشته باشیم. ما انسانها بر روی زمین تلنبار شده‌ایم، به درون وضعیت‌هایی «پرتاب شده‌ایم» که اغلب بسیار خطرناک و تهدیدآمیزند؛ اما رالز بسیار قوی است. به گفته او: «باید از این فرض آغاز کنیم که جامعه‌ای در حد معقولی عادل، شدنی است، و برای آنکه شدنی باشد، باید انسانها دارای سرشتی اخلاق‌مدار باشند که البته چنین طبیعتی کامل نیست؛ اما طبیعتی است که می‌تواند مفهوم سیاست معقول حق و عدالت را جهت تأیید جامعه‌ای هدایت شده با آرمانها و اصولش درک کرده، بدانها عمل کند و بر آن اساس تحرک کافی داشته باشد.» در اینجا باید بر قدرت جمله تمرکز کنیم. رالز می‌گوید که ما باید این تعهداتَ را ایجاد نماییم، نه اینکه بگوییم خوب است آنها را ایجاد کنیم. بدون این تعهدات، نمی‌توانیم تفکر دستوری را آغاز نماییم و قبلاً برایمان مسلم شده که تفکر دستوری اجتناب‌ناپذیر است.

البته موضع رالز یک موضع از جمله مواضع بسیار است؛ اما او قدرتمندانه ضرورت استناد به مفاهیم گسترده درباره چیزی را ایضاح می‌نماید که برای انسانها قبل از ادامه بررسی موضوعات مشخص‌تر، شدنی است. وی بر این موضوع تأکید دارد. مطابق فرض او، جامعه یک نظام همکاری اجتماعی است که در یک دوره کامل گسترده شده است. همچنین به گمان او، فاعلان درگیر در این طرح همکاری اجتماعی از خود و روابطشان با دیگران آگاهَند، اگرچه ممکن است آن مشارکت را به همه اَشکال تعجب‌آور ابراز دارند؛ اما صرف نظر از نحوه نگرش فاعلان به خود، باید فرض کنیم که آنها «از توان درک عدالت و توان درک خیر» برخوردارند. باید فرض خود را بر این اصل قرار دهیم که همه انسانها از «دو قدرت اخلاقی» برخوردارند. البته انسانها همیشه خود را این گونه تصور نمی‌کنند. ممکن است گمان کنند که عروسکهای خیمه‌شب‌بازی یا محصول روابط مالی تحدیدشده‌ای هستند. ممکن است این روابط آنها را آرام و جنبه‌هایی از زندگیشان را کمابیش قابل درک سازد؛ اما این حقیقت را پنهان می‌کنند که در شرایط عدم‌حتمیت، و در حالی که نگران حفظ همکاری اجتماعی در شرایط حداقلی قابل دوامند، «بار مسئولیت قضاوت» را بر دوش می‌گشند. برای درک فکر و عملشان، باید مشارکت آنها را به زبان دیگری تفسیر کنیم. نقطه افتراق ما با آنها در استناد به نمادگرایی سازندهٔ دنیای اجتماعی است. سرخوردگی ما اساساً چیزَها را برای ما تغییر می‌دهد. آنها گمان می‌کنند که اراده خدا را انجام می‌دهند و ما فکر می‌کنیم آنها بهترین کار ممکن را برای خودشان در شرایط معین انجام می‌دهند. می‌توانیم در قبال نحوه تلقی تجربهٔ اجتماعی در قالبهای متفاوت، دیدگاهی تسامح‌آمیز اتخاذ نماییم؛ اما نمی‌توانیم از فرضیات فرااخلاقی درباره «مسئولیت قضاوت» و «شرایط عدالت» اجتناب کنیم.

تاریخ اندیشه سیاسی تا حدود زیادی مجموعه پاسخهایی به این معضلات اساسی است. حتی اگر تصادفی بودن ارزشها و نهادها را مسلم بدانیم، باز هم گرفتار مسأله تبیین معنای انتخابهای دشوار در قالبهایی هستیم که در آنها تصمیمات الزام‌آور باید اتخاذ شود. ما اغلب می‌توانیم بپذیریم که دلایلی که در یک فرهنگ اجبارآمیز تلقی می‌شوند، می‌توانند تأثیر کمی در خارج آن فرِهنگها داشته باشند؛ اما فرهنگها قائم به ذات نیستند. دقیقاً هنگامی که شرح وظایف مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد، به اَشکال اساسی‌تر توجیه استناد می‌شود. در این موارد، باید دلایل انتخابَمان را در ورای ارزشهایی بیان داریم که از قضا بدانها معتقدیم. ما نباید پیشاپیش فرض کنیم که معضلات حاد اخلاقی و نظری همیشه قابل حل‌اند، و اینکه هرگاه از ما توجیه عمومی ترجیحاتمان را بخواهند، باید به عقل عملی متوسل شویم.

رالز: جامعه عادل، شدنی است و برای آنکه شدنی باشد، باید انسانها دارای سرشتی اخلاق‌مدار باشند تا بتوانند مفهوم سیاست معقولِ حق و عدالت را جهت تأیید جامعه‌ای هدایت شده با آرمانها و اصولش درک کنند و بدانها عمل نمایند

در ادامه، نظریه‌پردازان این سؤال متعارف را می‌پرسند که: «ما چه چیزی به یکدیگر مدیونیم؟» اما چندان معلوم نیست که این سؤال خطاب به چه کسی پرسیده شده است. با تصریح آنکه چه چیزی باید از نظر سیاسی مرتبط خوانده شود، اختلاف‌نظر موجب پیچیدگی نظریهٔ اصلی لیبرالیستی در مورد شهروندی می‌گردد. جنسیت و فرهنگ را منشوری به حساب می‌آورند که اصول جهانی را عمیقاً بغرنج می‌سازد؛ اما هنوز هم باید معیارها را برای تحقق خیر عمومی تصریح نمود. هنگامی که گروهها تحریف ضمنی موجود در گفتمان سلطه‌جویانه را به نقد می‌کشند، باید ادعای خود را در صحنه عمومی به اثبات برسانند. نظریه دستوری باید به این اتهام پاسخ گوید که ما، به معنای عمیق کلمه، نمی‌توانیم یکدیگر را درک کنیم. اگر آن اتهام را درست بدانیم، این خطر واقعی وجود دارد که قدرت، به مثابه معیار توزیعی مشروع، جایگزین حق گردد. در سیاستی آبرومندانه، نَظریه دستوری اجتناب‌ناپذیر است؛ اما در اصول اساسی بیش از هر زمان دیگر، مناقشه‌انگیز است.

انجام فلسفه سیاسی لزوماً یک مشارکت آزمایشی است. حدود سختی برای چیزی که می‌توانیم فرض و بر آن نظارت کنیم، وجود دارد. چیزی که باقی می‌ماند، بار مسئولیت دستوری است که نمی‌توان از آن رها شد. چگونگیِ اعمال این مسئولیت در گذشته، تفکر و عمل ما را عمیقاً شکلَ می‌دهد. ما به‌ناچار مخلوقاتی تاریخی هستیم. شرح وظایف تغییر می‌کند، اما نه در ورای ادراک‌مان. این کاری ناتمام است که در صورت آگاهی کامل از یک سنت غنی عملی، به بهترین شکل به انجام می‌رسد.

تاریخ و تجربه

در گفتگوی با دکتر عنایت‌الله رضا
ع- ورهرام
۵

یادم می‌آید بعد از سیزده سال دوری از برادر، در اولین نامه خود بیت سوم از این غزل حافظ را برای من نوشته بودند:

ما بی‌غمانِ مست دل از دست داده‌ایم
همراز عشق و هم‌نفس جام باده‌ایم
بر ما بسی کمان ملامت کشیده‌اند
تا کار[۷] خود ز ابروی جانان گشاده‌ایم
ای گل، تو دوش داغ صبوحی کشیده‌ای
ما آن شقایقیم که با داغ زاده‌ایم
پیر مغان ز توبهٔ ما گر ملول شد
گو باده صاف کن که به عذر ایستاده‌ایم
کار از تو می‌رود، مددی ای دلیل راه
کانصاف می‌دهیم و ز راه اوفتاده‌ایم
چون لاله می مبین و قدح در میان کار
این داغ بین که بر دل خونین نهاده‌ایم
گفتی که: حافظ، این همه رنگ و خیال چیست؟
نقش غلط مبین که همان لوح ساده‌ایم

این شعر، واقعاً وصف‌الحال بود که در خاطرم مانده است. بعد از اینکه به شوروی بازگشتم، دوباره این رابطه قطع شد. بعد، از طریقی ما رابطه غیرمستقیم ایجاد کردیم. یک‌بار هم بنده یادم می‌آید در ژنو کنفرانسی بود که بنده تلفنی از مسکو با ایشان در ژنو ارتباط برقرار کردم. در آن‌سالها جوّ حاکم طوری بود که واقعاً می‌ترسیدم نامه بنویسم؛ چراکه هزار جور درباره آدم فکر می‌کردند و اصل بر عدم اعتماد بود نه اعتماد! تفکر حاکم این بود که همه جاسوس هستند مگر اینکه خلافش اثبات شود! برای اینکه بنده بتوانم از شوروی بیرون بیایم، ایشان کمک‌هایی کردند.

در آن سالها دستگاه حاکم بر ایران به هیچ وجه موافق ورود من به ایران نبود و بنده محکوم به اعدام بودم و اگر به ایران می‌آمدم، حکم اجرا می‌شد. بالاخره تنها راه حل این شد که به فرانسه بروم. من مقداری زبان فرانسه می‌دانستم و با خانواده به فرانسه رفتیم. در پاریس برادرم به دیدن ما آمدند و چند روزی با همدیگر بودیم تا اینکه بعد از مدتی ایشان رئیس دانشگاه شدند و لطف کردند برای برگشت ما به ایران اقدام کردند. اول به خانواده بنده اجازه ورود به ایران دادند و این برایم خیلی سخت بود؛ زیرا از آغاز مهاجرت و انقطاع، همواره با خانم و بچه‌ها بودم و در شرایطی که در کشوری نسبتاً آزاد (فرانسه) بودیم (نسبتاً را به این‌دلیل می‌گویم که زندگی در فرانسه نسبت به شوروی آزادتر بود)، یکباره این ارتباط قطع شد و درنتیجه، برای بنده مفارقت و شکسته شدن این ارتباط خانوادگی خیلی دشوار بود.

برادرم محبت کردند و با تلاش ایشان، توانستم بعد از ۲۳ سال مهاجرت اجباری به ایران برگردم. در آن سالها با توجه به نظام حاکم بر ایران، بنده نمی‌توانستم در هر محیطی کار کنم؛ طوری که برادرم مانع کار بنده در دانشگاه شدند و برای اینکه در آنجا از نظر مأموران امنیتی در مصونیت باشم، به من کار در کتابخانه پهلوی را توصیه کردند. این بود که به رغم اینکه شرایط کار در کتابخانه پهلوی برای بنده از نظر حقوق و مزایا بسیار نازل بود، آن را پذیرا شدم و خودشان بنده را گذاشتند در کتابخانه پهلوی. بعضی‌ها کتابخانه پهلوی را با کتابخانه سلطنتی اشتباه می‌کنند. کتابخانه پهلوی کتابخانه دربار نبود، بلکه رئیس کتابخانه پهلوی که هیأت امنا آن را تعیین کرده بود، معاون امور فرهنگی دربار بود، همین و بس. مدتی در کتابخانه پهلوی کارکردم و ایشان هم بعد از مدتی از ایران به سازمان یونسکو در فرانسه رفتند تا اینکه کم کم، بعد از مدتی این وضع بهبود پیدا کرد و بنده توانستم در دانشگاه تدریس کنم.

جناب‌عالی در سه دهه (از سال ۱۳٤۸ تا سال ۱۳۷۲) بیش از ۲۰ عنوان کتاب (اعم از ترجمه، تألیف، گردآوری، تدوین و غیره[۸]) و ۵۰ عنوان مقاله در داخل کشور به چاپ رسانیده‌اید و بالغ بر دو دهه متوالی در شوروی، چین و فرانسه زندگی کرده‌اید. درباره وضعیت چاپ و مشکلات نویسندگان و مترجمان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران توضیح بفرمایید.

ـ والله بنده هیچ اطلاعی از چاپ و انتشارات نداشتم و به طور کلی با این ماجراها بیگانه بودم و شناخت معقولی نداشتم تا اینکه آقای **شفا** ـ رئیس کتابخانه پهلوی ـ بخشی از کار تألیف کتاب «جهان ایرانشناسی» را که کتاب معروفی است، به من واگذار کردند و بخش شوروی آن را که در حدود دو هزار صفحه بود، بنده نوشتم. بعد خود ایشان این کتاب را چاپ کردند و دیگر بنده نمی‌دانم. بعدها در صدد برآمدم که کتاب «کمونیسم و دموکراسی» را که نوشته بودم، به چاپ برسانم. در آن سالها در زمینه چاپ و نشر کتاب، نمی‌دانستم که باید به ناشران مراجعه کنم و بعدها هم گرفتار این مشکل شدم، این بود که این کتاب را با هزینه خودم چاپ کردم و در حدود سی و چند هزار تومان (به قیمت آن زمان) ضرر کردم و همه شمارگان کتاب را از بنده یکجا خریدند (فروش قطعی کتاب). در سال ۱۳۵۷ (قبل از انقلاب)؛ یعنی بعد از هفت سال کتاب تجدید چاپ شد و چاپ سومش را هم دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ رساند. در سال ۱۳٦۰ آقای رضا **علمی** (انتشارات علمی) امتیاز کتاب را از بنده خریدند و آن را تجدید چاپ کردند و دیگر خبر ندارم. موقعی که این کتاب را نوشتم، قصدم این بود که مردم آن را بخوانند. این اولین تألیفم بود و بعد از آن، بامسائل مربوط به چاپ آشنایی پیدا کردم.

در کتابخانه با مرحوم دکتر بهرام **فره‌وشی** دوست شدم. مرحوم فره‌وشی بعدها رئیس انتشارات دانشگاه تهران شد و ما تا آخر با یکدیگر دوست بودیم. در کتابخانه درباره کتاب «طبقه جدید»، نوشته **میلوان جیلاس** با یکدیگر زیاد صحبت می‌کردیم. حتی امروز هم این کتاب خیلی وصف‌الحال است. میلوان جیلاس بعد از **تیتو**، نفر دوم در یوگسلاوی بود. او رئیس پارلمان یوگسلاوی بود و در زمان اوج قدرت کمونیسم، از نظام روی برگرداند و با وجود آنکه از سران نظام و خیلی هم معتبر بود و به رغم تلاش بسیاری که برای راضی نگه‌داشتن وی کردند، او نپذیرفت و راه خود را رفت. جیلاس مرد آرمان خودش و فردی متفکر بود. وی در کتاب «طبقه جدید» شرح داده که چگونه از درون‌جامعه انقلابی شوروی یک طبقه حاکم، مالک و استثمارگر پدید می‌آید که همه چیز را متعلق به خود می‌داند. کتاب خیلی عالمانه بود و بنده خیلی به این کتاب علاقه داشتم و همین امر، مشوق من در برگردان این کتاب شد.

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۷) در برخی از نسخه‌ها به جای واژهٔ «کار» واژهٔ «راز» نوشته شده است.
۸) برای اطلاع خوانندگان، تعدادی از آثار ایشان در ذیل نوشته شده است (تأ: تألیف؛ تر: ترجمه):
۱ ـ تأ: کمونیسم و دموکراسی، انتشارات علمی، ۱۳۵۳
۲ ـ تأ: مارکسیسم و ماجرای بیگانگی انسان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵٤
۳ـ تأ: آب و فن آبیاری در ایران باستان، وزارت آب و برق سابق که بعدها به نام وزارت نیرو تغییر نام یافت (به مناسبت جشن‌های شاهنشاهی)
٤ـ تأ: کمونیسم اروپایی (این کتاب در سال ۱۹۸۰م/۱۳۵۹ ـ ۱۳۵۸ به زبان عربی ترجمه و در بیروت منتشر شد)، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۵
۵ ـ تأ: آذربایجان و آران (آلبانیای قفقاز)؛ بعدها به زبان ارمنی برگردان شده و خلاصه‌اش به زبان آلمانی برگردان شده و در سال ۱۹۹۳م/۱۳۷۲ـ ۱۳۷۱ به زبان روسی ترجمه و در ایروان به چاپ رسید، انتشارات ایران زمین، ۱۳٦۰
٦ ـ تأ: ایران و ترکان در روزگار ساسانیان (دو بار تجدید چاپ شده)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳٦۵
۷ ـ تر: پتروسکی، اورارتو، بنیاد فرهنگ، ۱۳٤۸
۸ ـ تر: لوکونین، تمدن ایران ساسانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰
۹ ـ تر: میلوان جیلاس، طبقه جدید (تحلیلی از تحول جامعه کمونیست)، پنج بار تجدید چاپ شده، انتشارات دانشگاه‌تهران، ۱۳۵۲
۱۰ ـ تر: آوتورخانوف، اسرار مرگ استالین ـ احتمالاً دو بار تجدید چاپ شده ـ، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۲
۱۱ـ تر: سولژنیتسین، به زمامداران شوروی (احتمالاً پنج بار تجدید چاپ شده)، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵٤
۱۲ـ تر: نیکلای بردیایف، منابع کمونیسم روسی و مفهوم آن، انتشارات ایران زمین
۱۳ـ تر: نیکتا خروشچف، سالهای حاکمیت به ضمیمه متن کامل گزارش خروشچف در جلسه سری کنگره بیستم اتحاد شوروی، انتشارات علمی، ۱۳٦۲
۱٤ـ تر: میلوان جیلاس، گفتگو با استالین، انتشارات علمی، ۱۳٦۳
۱۵ـ تر: سیزده روزی که کرملین را لرزاند (انقلاب مجارستان)، ۱۳٦۳
۱٦ـ تر: خاطرات بوریس باژانف (رئیس دبیرخانه دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی)، نشر گفتار، ۱۳٦٤
۱۷ـ تر: آرلف، تاریخ سری جنایتهای استالین، کتاب‌سرا، ۱۳٦٦
۱۸ـ تر: پیگولوسکایا، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان (برگزیده بهترین ترجمه سال و دو بار تجدید چاپ شده)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳٦۷
۱۹ ـ تر: پیگولوسکایا، اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های ٦ ـ ٤ میلادی ـ این کتاب برنده جایزه شده ـ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۲
۲۰ ـ تر: خاطرات پرنس یوسف‌اف قاتل راسپوتین، کتاب‌سرا
۳) سه تا از این کتابها برنده جایزه شده و تعدادی از این کتابها درباره سیاست کمونیسم در کشورهای شرقی (که امروز سقوط کرده) و تعدادی نیز مربوط به تاریخ گذشته و ایران باستان است.

معرفی کتاب و نشریه

تاریخ اندیشه سیاسی

از عهد باستان تا امروز
بروس هداک
محمدحسین وقار
انتشارات اطلاعات
چاپ اول: ۱۳۹۱
٤۳٦ ص ـ ۷۵۰۰ تومان

فهرست مطالب کتاب حاضر افزون بر رویدادنگاری تاریخ اندیشه سیاسی که به اجمال حدود دوهزار و پانصد سال را در بر می‌گیرد، شامل یازده فصل زیر می‌شود:

۱. مقدمه
۲. طبیعت و میثاق
۳. قانون
٤. شهر زمینی
۵ . دولت
٦. حقوق
۷. روشنگری
۸ . انقلاب
۹. عصر باورشناسی‌ها (شامل مباحثی چون لیبرالیسم، محافظه کاری، ملی گرایی، سوسیالیسم، کمونیسم و فاشیسم)
۱۰. لیبرال‌دمکراسی
۱۱. سیاست جهانی

فهرستهای سه‌گانه (شامل: کتابها، نامها و جایها)

بیائید این گونه قرآن بخوانیم

(آداب باطنی قرآن)
مؤلف: علی‌اصغر ملک احمدی
ناشر: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مشهد
چاپ دوم: ۱۳۹۰
۲۳۲ ص ـ ۲۰۰۰ تومان

قرآن کتابی است که نور مبین است، از عالم نور آمده و رسالت اصلی آن مبارزه با ظلمت‌ها و خروج جامعه بشری از ظلمت به سوی نور مطلق است. قرآن نسخه کامل مدیریت انسان از فرش تا عرش رهایی و کمال است. راه انسان به این اقیانوس معراج هدایت، تلاوت آن می‌باشد و تلاوت قرآن، آداب ظاهری و باطنی دارد که جز با مراعات آن امکان نیل به حقایق قرآن وجود ندارد. کتاب حاضر دستورالعمل جامعی است برای تبیین این آداب، و در پی پاسخ دادن به این سؤال است: با وجود این همه تعاریفی که از قرآن شده و لذاتی که از قرائت آن ذکر شده است، چرا عده بی‌شماری این لذات و تجلیات را درک نمی‌کنند؟

در بخشی از این کتاب آمده است: «کسی که می‌خواهد حقیقت و روح قرآن در جانش بنشیند و کلام پروردگار را درک کند، باید درون خود را از آلودگی‌ها و گناهان پاک کند و حجابی را که به واسطه معاصی بین او و پروردگار حائل گردیده، از بین ببرد و این بدین جهت می‌باشد که کلام خداوند نور است و کسی که می‌خواهد این نور در قلبش بتابد، باید درون خود را صیقل بدهد... »

حجاب و مدیریت احساس

مؤلف: عبدالحمید واسطی
ناشر: موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام
چاپ دوم: ۱۳۹۰
۹۵ ص ـ ۱۲۰۰ تومان

حجاب و پوشش سبب تقویت مدیریت احساس می‌شود و مهارت تصمیم‌گیریهای پایدار و مؤثر انسان را ارتقا می‌دهد و در دیگران نیز از ایجاد و بحران و عدم تعادل احساسی جلوگیری می‌کند و تصمیم‌گیریهای آنان را نیز ارتقا می‌بخشد و در نتیجه کل جامعه را به سوی تعادل و ثبات در تشخیص و تصمیم حرکت می‌دهد. حجاب و پوشش در بعد فردی و درونی همچنین سبب تقویت تمرکزهای فکری و روحی و بازگشت مؤثرتر انسان به خود و درون خود می‌شود و رابطه فرد با خداوند را ملموس‌تر و شفافتر می‌کند. نوشتار حاضر با ارائه چهارمحور، سعی در اثبات این مدعا دارد. این کتاب در چهارمحور زیرسامان یافته است. معنی زندگی، هویت تصمیم و تصمیم‌گیری شبکه‌ای، هویت مدیریت احساس و نقش آن در کیفیت زندگی، هویت حجاب و نقش آن در مدیریت احساس.

پرورش خلاقیت در سازمان

با نگاهی به متون اسلامی
نویسنده: حسین پرکان
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
چاپ اول: ۱۳۹۱
٤٤٤ ص ـ ۷۱۰۰ تومان

امروزه بیش از هر زمان دیگر آشکارا روشن شده است که رشد و توسعه سازمانها و در پی آن جوامع، در گرو استفاده صحیح از نیروی انسانی است.

بروز و ظهور خلاقیتهای نیروی انسانی و بهره‌برداری مناسب نیازمند پرورش صحیح آن است، اما اینکه چگونه می‌توان خلاقیت را درست پرورش داد، سؤالی است که این کتاب می‌کوشد با بهره‌گیری از یافته‌های علوم انسانی و متون اسلامی آن را تبیین کند.

روشی که در این پژوهش اتخاذ شده، روش اکتشافی است؛ بدین معنا که سعی شده با استفاده از مفهوم خلاقیت و ابعاد مرتبط به آن به سراغ متون اسلامی رفته و براساس آن دیدگاه اسلامی متناظر بر مفهوم خلاقیت و روش پرورشی آن استخراج و تحلیل گردد.

در این راستا، تلاش شده تا مبانی خلاقیت، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی عرضه شود که با ارائه مبانی از این منظر، تأثیر آن بر دیگر ابعاد خلاقیت روشن خواهد شد.

همچنین در این کتاب عوامل دیگری که در مقوله فرهنگ به طور عام و در فرهنگ سازمانی به طور خاص، در پرورش خلاقیت تأثیرگذار است، مورد توجه قرار گرفته است.

درسنامه مبانی معرفت‌شناسی
تئوریهای سازمان و مدیریت

مولف: ابوالفضل گائینی
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
چاپ اول: ۱۳۹۱
۱۹۳ ص ـ ۲۹۰۰ تومان

مولف در کتاب حاضر با رویکرد آموزش مبانی معرفت‌شناسی در دانش مدیریت سعی می‌کند جایگاه علم مدیریت در بین معارف بشری را بازشناسی و تبیین کند و معرفت‌شناسی مدیریت اسلامی را به عنوان پیش فرض مهم برای ورود به دانش مدیریت اسلامی در نظر گرفته و آبشخورهای معرفتی‌ای را که این دانش از آن تغذیه می‌نماید، می‌شناساند تا هم توجیهی معقول برای چنین دانشی فراهم آید و هم مبادی و لوازم منطقی برای ورود به این دانش شناسایی گردد.

این اثر توانسته است به این نکته تأکید ورزد که علم مدیریت همچون تمامی شاخه‌های علوم انسانی متاثر از مبادی و مبانی خاص معرفتی است و تحت تأثیر آن مبانی، روش و منابع نیز معین می‌گردد.

در حال حاضر منبع و روش هر دو محکوم نوعی معرفت شناسی حس گرایانه شده، به گونه‌ای که باعث گردیده از دیگر روش‌ها و منابع معرفتی آگاهانه عدول نماید.

آنچه معرفت‌شناسی دینی در اختیار می‌گذارد، علاوه بر تأیید برخی کاربرد روشها و منابع معرفتی دیگر، با شکستن نگرش انحصارگرایانه آنها، روش‌ها و منابع دیگری فراروی امر پژوهش قرار می‌دهد. استفاده از عقل، قلب و وحی، بدیل‌های دیگر است که معرفت شناسی دینی ارائه می‌دهد و مدیریت اسلامی با تأثیرپذیر از این نوع معرفت‌شناسی، بسطی دیگر در موضوعات و روشهای خود پیدا می‌کند.

اخبار کوتاه شهرستان

امر به معروف و نهی از منکر، موجب نشاط جامعه اسلامی می‌شود

کاکی ـ خبرنگار اطلاعات: امر به معروف و نهی از منکر رمز پایداری و برپایی دستورات الهی موجب شور و نشاط جامعه اسلامی است و انجام امر به معروف و نهی از منکر باعث می‌شود بی‌تفاوتی از میان مردم برداشته شود و همه در برابر یکدیگر خود را مسئول بدانند.

سرهنگ مراد کاظمی دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر دشتی در استان بوشهر با اعلام این مطلب، افزود: وظیفه تک‌تک ما است که امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهیم و در اشاعه معروفات کوشا باشیم زیرا سلامت جامعه در اجرای فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر است و باید با حساسیت خاص به این دو فریضه نگاه و به آن عمل کرد.

فرمانده سپاه دشتی یادآور شد: ما باید بسترسازی کنیم تا فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه نهادینه شود زیرا عمل به آن زمینه قدرت صالحان، برتری و رشد جامعه، افزایش امنیت و دلگرمی مومنان و برخورداری از رحمت الهی و مایوس شدن دشمنان خواهد شد و ما وظیفه داریم این فریضه بزرگ الهی را انجام دهیم.

تقویت و تجهیز کتابخانه‌های روستایی مساجد رباط کریم

بخش گلستان ـ خبرنگار اطلاعات: کارشناس تشکل‌های دینی اداره تبلیغات اسلامی رباط کریم گفت: کتابخانه‌های روستایی مساجد رباط کریم به همت اداره تبلیغات اسلامی این شهرستان تقویت و تجهیز شدند و در این زمینه ۱۳٤ جلد کتاب به هر مسجد اهدا شد.

حجت‌الاسلام محفوظ هدایتی گفت: این تعداد کتاب به خاطر تجهیز کتابخانه‌های حوزه دین و از سوی اداره کل تبلیغات اسلامی استان تهران برای این اداره در نظر گرفته شده بود.

فعالیت مرکز کنترل ترافیک مراغه

مراغه ـ خبرنگار اطلاعات: مرکز کنترل ترافیک شهر مراغه فعال شد.

شهردار مراغه گفت: با راه‌اندازی این مرکز تخلفات رانندگان مراغه به صورت الکترونیکی از طریق دوربین‌های موجود در میادین ثبت می‌شود و قبض جریمه و عکس خودرو در حال تخلف به نشانی مالکان ارسال خواهد شد.

نادر ابراهیمی اعلام کرد: در شهر مراغه شش میدان به دوربین کنترل ترافیک مجهز است و به زودی سه تقاطع پرتردد نیز به این نوع دوربین مجهز خواهد شد.

وی همچنین از رفع هشت نقطه حادثه‌خیز در شهر مراغه خبر داد و گفت: در اجرای این طرح‌ها ۹ میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریال هزینه شده است.

کمک ۱۵۰ میلیارد ریالی مردم استان زنجان به کمیته امداد

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل کمیته امداد امام‌خمینی (ره) استان زنجان از جمع‌آوری ۱۵۰ میلیارد ریال کمک‌های مردمی سال گذشته در استان خبر داد. بهرام ولی‌زاده در جمع بانوان مسئول هیأت‌های مذهبی استان افزود: در حال حاضر ٤۳ هزار مددجو به‌صورت دائمی و ۷۰۰۰ نفر نیز به‌صورت موردی از خدمات کمیته امداد استان استفاده می‌کنند.

وی به استفاده ۵۰ هزار نفر از قشرهای آسیب‌پذیر از خدمات این نهاد در طول سال اشاره کرد و گفت: ۵۰۰۰ دانش‌آموز و دانشجو زیر چتر حمایتی کمیته امداد استان زنجان قرار دارند.

ولی‌زاده شمار ایتام زیر پوشش کمیته امداد استان را ۲۶۰۰ نفر اعلام کرد و افزود: به منظور حمایت از این عده یتیم ۷۰۰۰ حامی با این نهاد همکاری دارند. مدیرکل کمیته امداد استان زنجان مجموع بودجه پارسال این نهاد را ۶۰۰ میلیارد ریال اعلام کرد و گفت: از این میزان سهم کمک‌های مردمی ۱۵۰ میلیارد ریال بود.

بیمه خانه‌های گرگان در مقابل حوادث

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: شهرداری گرگان تمام واحدهای مسکونی شهر را در مقابل حوادث غیرمترقبه بیمه می‌کند.

ابراهیم کریمی، شهردار گرگان با اعلام این خبر افزود: این شهرداری در نظر دارد واحدهای مسکونی شهر را به همراه اثاثیه و لوازم منزل ساکنین در مقابل حوادث برای مدت یک‌سال بیمه کند.

وی افزود: ۷۰ هزار واحد مسکونی شهر به همراه اثاثیه و لوازم منزل در مقابل حوادثی همچون آتش‌سوزی، انفجار، صاعقه، زلزله، برف و باران، ترکیدگی لوله‌های آب ناشی از سرما، یخبندان، کولاک، توفان، گردباد، ریزش، رانش و فروکش کردن زمین به مدت یک‌سال بیمه می‌شود.

کریمی ادامه داد: پس از اعلام خسارت توسط بیمه‌گذار و تایید سازمان آتش‌نشانی در مدت ۲۰ روز مراکز بیمه موظفند خسارت مربوط را پرداخت کنند.

ایجاد ۶۰۰۰ هکتار باغ انار در حاشیه رودخانه سمیره کوهدشت

کوهدشت ـ خبرنگار اطلاعات: ۶۰۰۰ هکتار باغ انار به طول ۵۵ کیلومتر در مسیر رودخانه سمیره عرصه‌یابی شده است و طرح آن آماده اجرا است.

مدیر جهاد کشاورزی کوهدشت لرستان در گفتگو با اطلاعات با اعلام این مطلب افزود: پیش‌بینی‌های لازم برای ایجاد صنایع تبدیلی و جانبی آن به عمل‌آمده است و در آینده نزدیک به اجرا گذاشته خواهد شد.

مهندس مرتضی ملکی همچنین به تشریح بخش‌هایی از سیمای کشاورز این شهرستان از توابع غرب استان لرستان پرداخت و گفت: براساس آمارها در این شهرستان ۱۹۱ هزار و ۵۷۲ هکتار اراضی قابل کشت وجود دارد که از این میزان ۱۹ هزار و ۲۹۷ هکتار آن اراضی آبی و ۱۷۲ هزار و ۲۵۷ هکتارآن دیم و ۳۲۰۰ هکتارآن را باغ‌ها تشکیل می‌دهند.

وی افزود: آمار یاد شده ۲۵ درصد اراضی قابل کشت استان است.

وی با اشاره به بحث خشکسالی در این منطقه گفت: کوهدشت در سالیان گذشته عنوان «انبار غله استان لرستان» را با خود به یدک می‌کشید و هم اکنون وارد دومین دهه خشکسالی خود شده و برداشت گندم و جو در اراضی دیم آن به پایین‌تر از ۱۵۰۰ کیلوگرم در هکتار یعنی ۱۳۰۰ کیلوگرم پایین‌تر از میانگین مورد انتظار رسیده است.

وی افزود: پدیده خشکسالی، جمعیت دامی کوهدشت را که ۶۵۰ هزار واحد دامی دارد با چالش جدی مواجه کرده است و امسال ناگزیر باید شاهد حذف ۱۵ تا ۲۰ درصد از جمعیت دامی و کاهش تولیدات این بخش باشیم

او یادآور شد: در سال‌های قبل بین ٤۰ تا ۵۰ تن در سطح شهرستان کوهدشت و بخش‌های تابعه آن عسل تولید می‌شد که کندوهای عسل بر اثر خشکسالی و ریزگردهای عربی تقریباً از بین رفته‌اند و امسال ۷۱/۵ میلیارد تومان خسارت ناشی از کاهش تولیدات زراعی در محصولات دیم را شاهد خواهیم بود.

او با بیان این مطلب که در تشکیلات آبرفتی و سفره‌های آب زیرزمینی به نقطه بحران رسیده‌ایم وضع به گونه‌ای است که برخی از کشاورزان دیگر توان حفر مجدد چاه جایگزین خود را ندارند، از سدمعشوره به عنوان نسخهٔ درمانی دراز مدت این پدیده می‌توان یاد کرد که در کوتاه مدت نمی‌تواند جوابگوی خسارت سالانه کشاورزان و دامداران منطقه شود و باید سریعاً فکری به حال تامین آب دشت‌ها و بخش‌های این شهرستان کرد.

وی در ادامه به برخی از برنامه‌های جهاد کشاورزی کوهدشت اشاره کرد و گفت: طرح ساماندهی و توانمندسازی شرکت خدمات فنی مشاوره‌ای در زیر بخش‌های کشاورزی که بالغ بر ۱۳ شرکت با ۱۳۰ دانش آموخته تخصصی، طرح تکریم ارباب رجوع و بهره‌گیری از نظرات مردم، استفاده از دیدگاه‌های دهیاران، شورای اسلامی شهر و روستا در برگزاری جلسات آموزشی و انتقال یافته‌ها در بحث حفاظت از منابع طبیعی و واحدهای تولیدی در جمله طرح‌های در دست اجرا است مهندس ملکی در ادامه گفت: ۲۰ میلیارد تومان طرح‌های ارائه شده در زمینه توسعه زیر بخش کشاورزی آماد شده است که از این میزان، ۱۵ میلیارد و ۲۳۰ میلیون تومان طرح مصوب و وارد صندوق شعب عامل بانک کشاورزی شده است و طرح‌های نقدینگی در حساب سرمایه در گردش به بهره‌برداری رسیده نیز ۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان است که به عنوان اعتبارات سرمایه در گردش به استان لرستان معرفی شده است و نیز طرح های آب و خاک با تسهیلات ۸۵ درصد بلاعوض و ۱۵ درصد تسهیلات اجرایی آبیاری تحت فشار و همچنین طرح‌های آبرسانی به باغ ها با ۷۰ درصد بلاعوض و ۳۰ درصد تسهیلات آبرسانی در حوزه آبخیز در حال اجرا است.

او همچنین از اجرای طرح کشت درختان مثمر و غیرمثمر در پایین دست مزارع شیب‌دار خبرداد و در این باره گفت: هدف از این طرح استفاده از پساب مزارع در حال آبیاری است

مدیرجهاد کشاورزی کوهدشت گفت: سیمای سوخته منطقه در بحث خشکسالی به سازمان جهاد کشاورزی استان لرستان و وزارت جهاد کشاورزی منعکس شده است و امیدواریم با تخصیص یک اعتبار ویژه به شهرستان کوهدشت با تقسیط وام‌های سر رسید و بخشش جرائم دیرکردها در تمام شعب عامل بتوان در این مسیر سخت خشکسالی، همراهی مطمئن و همیشگی برای کشاورزان بود تا آنان همچنان امیدوار به تولید باشند.

افزایش ۵۰ درصدی پذیرش دانشجویان دختر در دانشگاه کاشان

کاشان ـ خبرنگاراطلاعات: رئیس دانشگاه کاشان، از افزایش ۵۰ درصدی پذیرش دانشجویان دختر در این دانشگاه در رشته‌های مختلف خبر داد.

دکتر عباس کتابی، شمار پذیرش دانشجویان دختر این دانشگاه در سال گذشته را ٤۰۰ دانشجو ذکر کرد و افزود: امسال ۶۰۰ دانشجو در این دانشگاه و مجموعه پردیس خواهران به تحصیل مشغول خواهند شد.

وی، به راه اندازی مجموعه پردیس خواهران در این دانشگاه اشاره کرد و اظهار داشت: در این مجموعه به صورت مستقل، ۲۰۰ دانشجوی دختر در شش رشته کارشناسی و سه رشته کارشناسی ارشد پذیرش می‌شوند.

او اضافه کرد: در مجموع امسال، ۱۷۵۰ دانشجوی جدید دختر و پسر در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در این دانشگاه پذیرفته می‌شوند. کتابی افزود: ۸۰۰ نفر از این دانشجویان در دوره کارشناسی، ۸۰۰ نفر نیز در دوره کارشناسی ارشد و ۱۵۰ دانشجو هم در دوره دکترای این دانشگاه مهرامسال در این دانشگاه مشغول به تحصیل می‌شوند.در حال حاضر حدود ۷۵۰۰ دانشجو در دانشگاه کاشان مشغول به تحصیل هستند.

کسب رتبه ۱۸

او از کسب رتبه هجدهم این دانشگاه از بین ۱۰۰ دانشگاه کشور خبر داد.

دکتر کتابی، با اشاره به اینکه، این رتبه بندی از سوی موسسه ISC اعلام شده است، افزود: این دانشگاه از بین دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری توانست با کسب امتیاز ۱۲/۷۱ به این جایگاه برسد.وی، فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، کارآفرینی و خدمات ارتباط با صنعت را از جمله دلایل کسب این رتبه دانشگاه دانست و اظهار داشت: این دانشگاه پارسال با دو پله صعود، رشد قابل توجهی نسبت به رتبه بندی سال قبل از آن داشته است.کتابی، با اشاره به سند چشم انداز دانشگاه کاشان که این دانشگاه باید در جایگاه ۵ دانشگاه برتر کشور قرار گیرد، اضافه کرد: با ارتقای سطح علمی و آموزشی و همکاری مجموعه کارکنان دانشگاه براساس تدوین برنامه‌های عملیاتی این سند چشم انداز، می‌توان به این موفقیت دست یافت.وی، توسعه رشته‌های تحصیلات تکمیلی و ظرفیت پذیرش دانشجو را از جمله برنامه‌های این دانشگاه در راستای ارتقای سطح علمی ذکر کرد و افزود: رشته‌های دکترای این دانشگاه از ۱۰ رشته مهر پارسال، به ۲۷ رشته برای مهر سال ۹۱ توسعه یافته است.

رئیس دانشگاه کاشان، به پذیرش ۱۰۰۰ دانشجو در دوره کارشناسی ارشد در مهر امسال اشاره کرد و اظهار داشت: این شمار ظرفیت پذیرش دانشجو در مقایسه با سال قبل رشد خوبی داشته است.

او، توسعه فضاهای کالبدی را از دیگر برنامه‌های دانشگاه کاشان برای ارتقای سطح علمی برشمرد و یادآورشد: در این دانشگاه حدود ۵۰ هزار مترمربع فضای آموزشی، کمک آموزشی و پژوهشی در حال ساخت است.

کمک‌رسانی هلال‌احمر قم به مناطق زلزله‌زده

قم ـ خبرنگار اطلاعات: تمام انبارهای امدادی استان قم در راستای رفع نیازهای مردم مناطق زلزله‌زده به حالت آماده‌باش است و پنج دستگاه آمبولانس به همراه دو دستگاه خودرو امدادی به مناطق زلزله‌زده آذربایجان شرقی اعزام شدند.خلیل‌الله سائلی، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان قم با بیان مطلب بالا در همایش داوطلبان اسوه‌های رحمت افزود: اگر قبل از رخ دادن این حوادث به فکر مقاوم‌سازی ساختمان‌ها باشیم، این مقدار دچار خسارت و بحران نمی‌شدیم.

سائلی با تاکید بر اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط بنیاد مسکن امام خمینی (ره) فعالیت‌های خوبی صورت گرفته است، گفت: با این وجود نباید با زلزله ۶/۲ ریشتری شاهد کشته شدن و مجروح شدن مردم و ویرانی مناطق باشیم.

وی اضافه کرد: پس از دریافت خبر وقوع این حادثه در استان آذربایجان شرقی، جمعیت هلال‌احمر استان قم با تشکیل جلسه شورای معاونین به منظور کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان به حالت آماده‌باش درآمد و آمادگی خود را برای جمع‌آوری، ارسال کمک‌ها و تیم‌های ویژه امدادی اعلام کرد.

مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر استان قم ادامه داد: تمام انبارهای امدادی استان در راستای رفع نیازهای مردم مناطق زلزله‌زده به حالت آماده‌باش درآمده است و پنج دستگاه آمبولانس به همراه دو دستگاه خودرو امدادی به این مناطق اعزام کرده‌ایم.

او از اعزام دستگاه‌های زنده‌یاب و سگ‌های تجسس به این مناطق خبر داد و گفت: بعد از اعلام نیاز سازمان امداد و نجات هلال‌احمر کشور پنج دستگاه کامیون و تریلر حامل اقلام امدادی از جمله ٤٤ هزار و ۲۰۰ بسته مواد غذایی به مناطق زلزله‌زده ارسال شد.

وی اضافه کرد: همچنین اقلام و لوازم بهداشتی موردنیاز آسیب‌دیدگان از جمله ۲۳ هزار و ۹۶۷ قالب صابون و ۵۰۰۰ بسته پودر رختشویی برای استفاده زلزله‌زدگان آذربایجان شرقی فرستاده شد.

اختصاص ۲۰ میلیارد ریال اعتبار برای توسعه زیرساخت‌های شهری زرنه و ایوان

ایوانغرب ـ خبرنگار اطلاعات: شورای اداری شهرستان ایوان با حضور مهندش اعلایی استاندار ایلام تشکیل جلسه داد.

در این نشست امام جمعه ایوان بر لزوم کارآفرینی و سرمایه‌گذاری در سطح جامعه تأکید کرد.وی همچنین با اشاره به پتانسیل‌های امامزاده سیدعبدالله(ع) شهر ایوان، گفت: این امامزاده در صورت اختصاص اعتبار و کمک مسئولان به صورت یک مجموعه زیارتی گردشگری درخواهد آمد. در ادامه بیگلریان فرماندار ایوان با اشاره به طرح‌های ماندگار این شهرستان گفت: اعتبارات پروژه تونل قلاجه با ۱۱۳۱ متر پیشرفت آنگونه که باید تأمین نمی‌شود.به گفته وی پروژه انتقال آب از چشمه‌های سیاهگل به ایوان نیز هنوز لوله‌گذاری نشده است و از طرفی کارگاه پروژه سد کنگیر به طور جدی کار نمی‌کند.فرماندار ایوان افزود: با توجه به مشکل کمبود آب آشامیدنی در شهر ایوان، از سوی آب و فاضلاب منطقه یک حلقه چاه با آبدهی ۳۱لیتر در ثانیه وارد شبکه شد.بیگلریان با اشاره به زیرساخت‌های شهری اعلام کرد: برای آب و فاضلاب یک میلیارد تومان و برای زیرساخت‌های شهر زرنه و ایوان یک میلیارد تومان دیگر اعتبار اختصاص یافته است.در ادامه استاندار ایلام با اشاره به مسائل و مشکلات شهر ایوان خواستار تلاش مسئولان برای رفع آن‌ها شد.

وی همچنین برای تکمیل مسجد بخش زرنه مبلغ ۵میلیون تومان اختصاص داد و با اهدای لوح تقدیر از خبرنگاران روزنامه اطلاعات، کیهان، قدس و جمهوری اسلامی قدردانی کرد.استاندار ایلام در دو نشست جداگانه با معتمدین و اعضای شورای دانش‌آموزی ایوان گفت‌وگو کرد و با هیأت همراه با دو خانواده شهید و یک خانواده مددجوی کمیته امداد دیدار کرد و در جریان مسائل و مشکلات آنان قرار گرفت.

کشف ۹۵ قلم شیء تاریخی در شهرستان انار

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: ۹۵ قلم شیء عتیقه در بازرسی از یک دستگاه خودرو سواری در شهرستان انار در استان کرمان کشف و ضبط شد.

مدیر روابط عمومی اداره‌کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان با اعلام این خبر، گفت: این اشیاء شامل مجسمه انسان، قندان، گلاب‌پاش، شمعدان، جام، کاسه، سرمه‌دان، ۶۰ سنگ قیمتی قدیمی و ۱۵ سکه متعلق به دوره‌های قاجار و پهلوی است. محمد مهدی افضلی افزود: در این ارتباط دو نفر دستگیر شدند که به گفته آنان اشیا را از استان‌های مرکزی به استان کرمان حمل می‌کردند. به گفته وی قدمت دقیق و ارزش مالی این آثار پس از تحویل آنها به میراث فرهنگی با نظر کارشناسان اعلام خواهد شد. افضلی با اشاره به جایگاه آثار تاریخی استان کرمان در کشور یادآور شد: بسیاری از سودجویان و قاچاقچیان، آثار تاریخی خود را پس از انتقال به کرمان به نام آثار تاریخی استان کرمان به فروش می‌رسانند. وی تاکیدکرد: در حال حاضر محوطه‌های باستانی استان کرمان به صورت ٢٤ ساعته و محسوس و غیرمحسوس مراقبت می‌شود. او با اشاره به این‌که خرید و فروش و نگهداری هرگونه شیء تاریخی جرم است، افزود: مردم باید به این موضوع دقت داشته باشند. افضلی همچنین هشدار داد برخی از سودجویان با برقراری ارتباط تلفنی و با ارسال پیامک خود را روستایی معرفی کرده و با ادعای پیدا کردن یک شیء عتیقه نسبت به فروش آثار تقلبی اقدام می‌کنند.

ساخت کارخانه آب شیرین کن در ۳ شهر استان بوشهر

بندر بوشهر ـ خبرنگار اطلاعات: برای تامین نیاز آب استان بوشهر، مناقصه ساخت کارخانه‌های آب شیرین کن به ظرفیت ۳٤ هزار متر مکعب در کنگان، بوشهر و جزیره خارگ برگزار شد.

محسن درفشان مدیرعامل آب و فاضلاب استان بوشهر با اعلام این مطلب، افزود: ظرفیت آب شیرین کن بوشهر ۲۰ هزار متر مکعب، کنگان ۹۰۰۰ متر مکعب و جزیره خارگ ۵۰۰۰ متر مکعب در شبانه‌روز است. وی اضافه کرد: با ساخت این کارخانه‌ها به منابع تامین پایدار آب در درون استان از محل تصفیه و شیرین سازی آب دریا دسترسی پیدا می‌کنیم. او یادآور شد: همچنین ساخت این آب شیرین کن‌ها زمینه اشتغال و ورود بخش خصوصی در قالب اصل ٤٤ قانون اساسی با حجم سرمایه گذاری حدود ٤۰۰ میلیارد ریال را در این استان فراهم می‌کند. وی اضافه کرد: آب تولید شده از این کارخانه‌ها هیچ گونه افزایش قیمتی برای مردم استان نخواهد داشت و هزینه‌های خرید تضمینی آب توسط وزارت نیرو پرداخت می‌شود. وی یادآور شد: با توجه به این که در استان بوشهر منابع آب پایدار وجود ندارد، ساخت این آب شیرین کن‌ها به عنوان منابع پایدار در جبران کمبود آب استان تاثیر بسزایی دارند.

اخبار کوتاه شهرستان

برگزاری جشن گلریزان در رودبار

لوشان ـ خبرنگار اطلاعات: جشن گلریزان برای آزادی محکومان نیازمند مالی جرائم غیرعمد با حضور نیکوکاران روزه‌دار، مهندس موذن فرماندار، مسئولان ادارات و نهادها و حجت‌الاسلام داودی امام جمعه رودبار برگزار شد.

در این مراسم امام جمعه رودبار گفت: در دین مبین اسلام دوستی و همنوع‌دوستی و نسبت به رفع مشکلات و گرفتاری‌های مسلمانان و همنوعان یک اصل و روش نیکو و سنت پسندیده است و از جانب ائمه معصومین(ع) تاکید و سفارش بسیار شده است.

در ادامه رئیس دادگستری رودبار در زمینه کمک به زندانیان جرائم غیرعمد و افراد گرفتار مطالبی ارائه کرد و در ادامه توسط خیران نیکونام و روزه‌دار مبلغ ۳۳ میلیون تومان وجه نقد جمع‌آوری شد و در اختیار ستاد دیه شهرستان رودبار قرار گرفت.

سد گیوی در ماه‌های آینده آبگیری می‌شود

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: سد گیوی در ماه‌های آینده آبگیری می‌شود.

سیدحسن صابری استاندار اردبیل در بازدید از پروژه‌های عمرانی در حال اجرا در شهرستان کوثر، گفت: از پیمانکاران و مجریان پروژه‌ها خواستیم در سرعت‌بخشی به اجرای پروژه اهتمام جدی داشته باشند.

او در ادامه سخنانش از تکمیل پروژه‌های مهر خبر داد و گفت: به صورت مستمر تکمیل پروژه‌های مهر ماندگار استان اردبیل را که رقم آن‌ها به حدود ۱۰۰ مورد رسیده است، تا مرداد سال آینده این پروژه‌ها تکمیل و آماده بهره‌برداری شود.

مشکلات معیشتی خبرنگاران باید مورد توجه مسئولان قرار گیرد

رشتخوار ـ خبرنگار اطلاعات: امام جمعه رشتخوار با تأکید بر حل مشکلات معیشتی خبرنگاران در جامعه اسلامی گفت: این مشکلات نباید مانع قلم زدن خوب خبرنگاران در جامعه شود.

حجت‌الاسلام مهدی بهره‌مند با اشاره به علاقه خبرنگاران به کار به واسطه اعتقاد و ایمان به اسلام و نظام اسلامی گفت: مسئولان برای رفع مشکلات خبرنگاران آستین بالا زنند.

وی گفت: سرزنده بودن و گویایی هر شهر به خبرنگاران آن بستگی دارد و کاری ماندگار است که در راستای خدمت به خلق خدا و برای خدا باشد.

وی با تأکید بر شرایط روز جامعه اسلامی اظهار داشت: امروز تمام مسئولان و خبرنگاران باید در راستای دفاع از نظام و اسلام گام بردارند.

او وظیفه خبرنگاران را هوشیاری و دقت در خنثی کردن اهداف استکبار در ضربه زدن به نظام و انقلاب اعلام کرد و گفت: امروز استکبار و صهیونیست با شیطنت قصد متوقف کردن بیداری اسلامی در منطقه را دارند.

افزایش دبی قنات «گود آسیا»ی سبزوار

سبزوار ـ خبرنگار اطلاعات: میزان آب‌دهی قنات «گود آسیا» در سبزوار پس از لایروبی و مرمت ۴ برابر شده و دبی آب از ۴۵لیتر در ثانیه به ۱۹۰لیتر رسیده است.

محمد جواد ایزدیان مدیر جهاد کشاورزی سبزوار در این باره گفت: حدود ۲۵درصد از اراضی کشاورزی این شهرستان با آب قنات‌ها آبیاری می‌شود و این شهرستان دارای ۸۳۵ رشته قنات دایر است که برای نگهداری آن‌ها سالانه معادل ۵ میلیارد ریال اعتبار نیاز داریم.

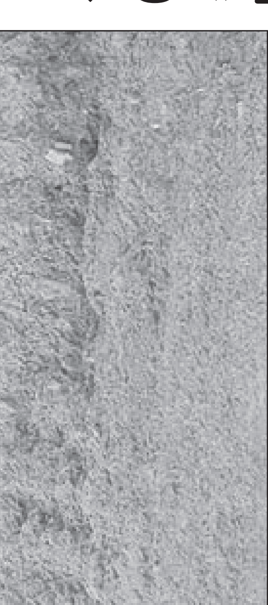
آبرسانی به ۱۱ روستای مانه و سملقان

مانه و سملقان ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۱ روستای منطقه کالیمانی مانه و سملقان تا پایان امسال از آب آشامیدنی بهداشتی برخوردار می‌شوند.

فرماندار مانه و سملقان در خراسان‌شمالی با اعلام این مطلب، گفت: با اعتبار ۷۰۰میلیون تومان تا پایان امسال، ۱۱ روستای منطقه از آب آشامیدنی بهداشتی بهره‌مند می‌شوند.

سیدمحمدرضا هاشمی گفت: تمام مسئولان برای برطرف کردن مشکلات مردم تلاش می‌کنند و عزم جدی دولت در مناطق محروم در تمام زمینه‌ها محرومیت‌زدایی است.

افزایش جمعیت و رشد بیکاری در استان اصفهان

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: استان اصفهان با دارا بودن و ثبت ۶/۵ درصد جمعیت خود به عنوان سالمند بالای ۶۵ سال در حال پیرشدن است و تا سال ۱۴۰۰ با افزایش سالمندان روبرو هستیم.

معاون برنامه‌ریزی استانداری اصفهان با بیان این مطلب افزود: براساس سرشماری نفوس و مسکن سال گذشته جمعیت استان بالغ بر ۴ میلیون و ۸۷۹ هزار نفر است و ۶/۵ درصد جمعیت کشور به استان اصفهان اختصاص دارد.

مهندس همدانیان با اشاره به اینکه ۴ میلیون و ۱۶۸ هزار نفر از جمعیت استان شهرنشین و فقط ۷۱۰ هزار نفر در روستاها ساکن هستند، افزود: متوسط رشد جمعیت استان بنابر آمارگیری انجام شده نسبت به سال ۸۵ با ۱/۳۷ درصد کاهش روبرو بوده است و این در حالی است که رشد منفی روستاهای استان نسبت به آمارگیری پیشین ۱/۳ درصد محاسبه شده است.

وی با بیان اینکه ۳۷۰ هزار نفر ازجمعیت استان به صورت تک نفری زندگی می‌کنند یادآور شد: براساس آمارگیری پارسال در هر خانوار ۳/۴ نفر زندگی می‌کردند که رتبه نهم کشوری در این بخش به استان اصفهان اختصاص دارد.

او با اشاره به اینکه در استان اصفهان به ازای هر ۱۰۳ مرد ۱۰۰ زن وجود دارد، گفت: ضریب نفوذ اینترنت بین شهروندان از شش سال سن به بالا ۲۱/۵ درصد است که رتبه سوم بعد از تهران و سمنان در کشور را دارا هستیم.

همدانیان از پرداخت ماهانه ۲۴۰ میلیارد تومان یارانه در استان خبر داد و اضافه کرد: این رقم بیش از اعتبارات کل عمرانی استان در سال گذشته است و جمع این رقم در سال ۳۰۰۰ میلیارد تومان است.

معاون برنامه‌ریزی استانداری اصفهان با تأکید بر اینکه امسال درآمد مالیاتی استان و ۲۰۶۰ میلیارد تومان است که نسبت به سال گذشته ۶۱ درصد رشد دارد. ادامه داد: معوقات مالیاتی در کشور و ۷۵۰۰ میلیارد تومان است که ۱۰ درصد این رقم اختصاص به استان اصفهان دارد.به گفته او، بودجه عمرانی استان در سال ۹۱، ۳۰۵ میلیارد تومان است که توانستیم در قالب ۳۰۰۰پروژه در کمیته برنامه‌ریزی شهرستان موافقت‌نامه بگیریم که ۱۳۸ میلیارد تومان اعتبار ویژه برای ۴۰ پروژه ملی استان اختصاص یافته که ۵۰ درصد این رقم به حوزه آب و راه تخصیص یافته است.

وی افزود: در سه ماه نخست امسال نرخ بیکاری در استان ۱۴ درصد بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲ درصد افزایش داشته است.

همدانیان از ۳۰۰۰ میلیارد تومان معوقات بانکی در استان خبر داد و گفت: این رقم به سال‌های ۸۳ تاکنون اختصاص دارد که اگر این بدهی به حوزه تولید بازگردد تحولی بزرگ را شاهد خواهیم بود.

شمار اتباع خارجی

دکتر قاسمی مدیر کل دفتر آمار و اطلاعات استانداری اصفهان نیز شمار اتباع خارجی در استان را ۱۸۰ هزار نفر اعلام کرد و افزود: ۹۴ درصد از این عده اتباع کشور افغانستان هستند که ۹۰ هزار شغل در استان به آنان اختصاص دارد.

استفاده از تسهیلات توسعه کشاورزی منوط به نصب کنتورهای هوشمند است

مشهد ـ خبرنگاراطلاعات: استاندار خراسان رضوی گفت: ارائه تسهیلات توسعه کشاورزی از این پس مستلزم نصب کنتورهای هوشمند بر روی چاه آب کشاورزی خواهد بود.

محمود صلاحی استاندار خراسان رضوی با اعلام این مطلب در جلسه کارگروه حفاظت از منابع آب استان، این تصمیم کارگروه را در راستای حفاظت از منابع و جلوگیری از اضافه برداشت از ذخایر آب‌های زیرزمینی اعلام کرد و گفت: زمان فعال شدن این کنتورها با نظر کمیته توزیع عادلانه آب شهرستان‌ها اعلام خواهد شد.

وی از فرماندار و نمایندگان کشاورزان، جهادکشاورزی و آب منطقه‌ای به عنوان اعضای کمیته‌های شهرستانی یاد کرد و با تاکید بر لزوم تسریع در توجیه مروجان جهاد کشاورزی در مورد اهمیت نصب کنتورهای هوشمند، اظهار داشت: تجربه موفق نصب این کنتورها در دشت‌های مشهد و مه ولات در سایر دشت‌های استان نیز باید تکرار شود.

به گفته وی، نصب این کنتورها گامی در جهت مدیریت منابع آب از سوی کشاورزان و حرکت آنها به سمت انتخاب اقتصادی محصولاتشان محسوب می‌شود.استاندار خراسان رضوی میزان اضافه برداشت سالانه از آب‌های زیرزمینی استان را یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون مترمکعب اعلام کرد و افزود: آنچه که باعث وقوع این مشکل می‌شود، غیر علمی بودن نحوه استفاده از آب و ناآشنایی نسبت به ارزش آب بین مصرف‌کنندگان بخش‌های خانگی، صنعتی و کشاورزی استان است.

وی ۸۹ درصد از مصرف آب استان را مربوط به بخش کشاورزی دانست و یادآور شد: تغییر این میزان که در سال‌های گذشته ۹۱ درصد بوده است ناشی از افزایش سهم مصارف صنعتی، افزایش سهم مصارف خانگی به خاطر رشد شمار مشترکان و نیز مکانیزاسیون آبیاری در بخشی از اراضی کشاورزی استان بوده است.

۱۲دشت بحرانی

محمدحسین جعفری مدیرعامل آب منطقه‌ای خراسان رضوی نیز در این جلسه با ارائه گزارشی از وضع منابع آب استان گفت: از مجموع ۳۷ دشت خراسان رضوی، ۲۲ دشت به لحاظ آبی جزو دشت‌های ممنوعه و ۱۲ دشت در وضع بحرانی به سر می‌برند.وی میزان بارندگی استان در سال آبی جاری را ۲۳۷ میلی‌متر اعلام کرد و گفت: این میزان در سال گذشته ۱۵۵ میلی متر و در میانگین چهل ساله ۲۲۹ میلی متر بوده است.او از خراسان رضوی به عنوان استان رکورددار در حجم کسری مخازن آب زیرزمینی یاد کرد و افزود: این میزان در استان یک میلیارد و ۱۷۰ میلیون متر مکعب برآورد شده است.جعفری با اشاره به کاهش ۴۰ درصدی آبدهی چشمه‌های استان گفت: قنوات استان در دوره دوازده ساله خشکسالی با کسری ۶۸ درصدی ذخایر آب مواجه شده‌اند.وی همچنین با اشاره به روند نزولی حفر چاه‌های مجاز در استان از سال ۷۰ تاکنون گفت: در حال حاضر این میزان عملا به سمت صفر میل کرده است.

تشریح مصوبات شورای فرهنگ عمومی قرچک

قرچک ـ خبرنگار اطلاعات: جلسه شورای فرهنگ عمومی بخش قرچک با حضور جمعی از مسئولان فرهنگی، امام جمعه، بخشدار و شهردار در مسجد جامع قرچک برگزار شد.سرپرست اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان ورامین و دبیر شورای فرهنگ عمومی بخش قرچک در پایان این جلسه در گفت‌وگو با اطلاعات مصوبات این جلسه را تشریح کرد.

جعفر کاظمی گفت: بر اساس یکی از مصوبات این جلسه مقرر شد کارگروهی تخصصی متشکل از کارشناسان اداره صنعت، معدن و تجارت، اتحادیه اصناف و جهاد کشاورزی ورامین ملاک‌های ارزیابی واحدهای تولیدی و صنفی را تعیین و تعریف کنند تا بر اساس آن تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران نمونه بخش قرچک شناخته و معرفی شوند.وی افزود: همچنین مقرر شد یک کارگروه تحقیق برای آسیب‌شناسی تولید و معرفی فروشندگانی که بیشتر تلاششان، فروش و عرضه کالاهای ایرانی است، فعالیت خود را آغاز کنند و نیز شهردار قرچک موظف شد که از تبلیغ کالاهای خارجی در سطح شهر ممانعت کند و تبلیغات کالاهای ایرانی در سطح شهر مورد حمایت قرار بگیرد.

او گفت: بر اساس مصوبه‌ای دیگر در این شورا، مقرر شده است که نمایشگاه‌های محلی از تولید بومی و کالاهای ایرانی، آثار فرهنگی ـ هنری و صنایع‌دستی برپا شود و فرصتی برای عرضه آثار هنری معلولان و زندانیان نیز باشد.

وی با اشاره به این نکته که قرار است از این پس در تمام آیین‌ها و همایش‌های محلی هدایایی از جنس کالاهای ایرانی عرضه شود، گفت: اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ورامین نیز موظف است ملاک‌های ارزیابی و شاخص‌های انتخاب فرهیختگان و نخبگان بخش قرچک را تعریف و اعلام کند.او همچنین خبر از برپایی گردهمایی فارغ‌التحصیلان بیکار بخش قرچک داد و یادآور شد که اداره کار و امور اجتماعی شهرستان ورامین این افراد را معرفی می‌کند.

کاظمی گفت: قرار است دفتر نمایندگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی در بخش قرچک فعال شود و در خانه‌های فرهنگ محله‌های شهر قرچک که زیر نظر شهرداری اداره می‌شوند، رشته‌های متنوع هنری نیز ایجاد شود.

اهدای ۱۰ میلیارد ریال بن کارت به مددجویان بهزیستی استان کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: ۱۰ میلیارد ریال بن کارت رمضان به ۹۱ هزار و ۷۴۴ مددجوی بهزیستی استان کرمان اهدا می‌شود.مدیرکل بهزیستی استان کرمان گفت: براساس دستورالعمل ابلاغی به خانواده‌های یک نفره بن کارت ۳۰۰ هزار ریالی، خانواده‌های دو و سه نفره بن کارت ۵۰۰ هزار ریالی و به خانواده‌های چهار نفره و بیشتر بن کارت ۷۰۰ هزار ریالی تحویل می‌شود.به گفته وی این بن کارت از محل اعتبارات اعطایی نهاد ریاست جمهوری تامین شده است و مددجویان می‌توانند برای دریافت آن به ادارات بهزیستی محل سکونت خود مراجعه کنند.

عباسی با اعلام این که فروشگاه‌های زنجیره‌ای رفاه طرف قرارداد بن کارت‌های رمضان هستند، افزود: در شهرهایی که فروشگاه رفاه شعبه ندارد مددجویان می‌توانند از فروشگاه‌های طرف قرارداد رفاه خرید کنند.وی یادآور شد: بن کارت رمضان برای نخستین بار به مددجویان کرمان تحویل می‌شود.

چه بی‌صدا می‌سوزند جنگل‌ها!

کوهدشت ـ خبرنگار اطلاعات: چندی پیش بخش‌هایی از جنگل‌ها و مراتع غرب کوهدشت واقع در استان لرستان ۳ شبانه‌روز در میان شعله‌های آتش سوخت که رهاورد آن، نابودی ۱۵۰ هکتار مرتع و جنگل بود و علت آن نیز سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی عده‌ای سودجو اعلام شد.

بر اثر وقوع این حادثه دود بلند ناشی از آتش گرفتن جنگل‌های بکر کوهستان شیرکش که در فاصله بین منطقه «دالاب» تا «شماش» کوهدشت قرار دارد، آسمان را فرا گرفت.

پس از اعلام گزارش‌های مردمی، نیروهای منابع طبیعی کوهدشت به محل حادثه اعزام شدند اما به دلیل گستره دامنه آتش‌سوزی و سخت‌گذر بودن منطقه، آنان توانستند فقط از پیشروی آتش جلوگیری کنند و پس از ساعاتی به دلیل سقوط درختان سوخته، دوباره شعله‌های آتش دامنگیر درختان پایین‌دست منطقه و آتش‌سوزی مهیب دیگری را سبب شد.

ماموران منابع طبیعی کوهدشت با کمک نیروهای مردمی توانستند پس از ساعت‌ها تلاش این آتش‌سوزی‌ها را به طور کامل مهار کنند.

معاون فرماندار کوهدشت درباره علت وقوع این آتش‌سوزی اعلام کرد: بر اساس گزارش‌های مردمی، چند نفر که به منظور کندن عسل از درختان کوهستان شیرکش به آن منطقه رفته بودند، برای تاراندن زنبورها، در محل آتش افروختند.

ابراهیمی افزود: با توجه به وزش باد در منطقه، آتش افروخته، آغازگر این حادثه بوده است، البته این گزارشی است که مردم منطقه در اختیار ما قرار داده‌اند اما علت اصلی آتش‌سوزی همچنان در دست بررسی است.

کوهستان شیرکش جزو منطقه بزرگ جنگلی «کشماهور» کوهدشت دارای پوشش جنگلی وسیعی است و درختان بسیاری در دره‌های آن روییده و از سینه کوه‌های آن بالا رفته و زیبایی خاصی به منطقه بخشیده است. این کوهستان جنگلی چند سالی است که محل تفرج و بازدید گردشگران و مردم است که تعطیلات خود را کنار درختان بلندش سپری می‌کنند. اما اینک فقط تلی از خاکستر برجا مانده است.

در چند سال اخیر، این چندمین آتش‌سوزی وسیعی است که در جنگل‌های غرب کوهدشت رخ می‌دهد.

مصطفی رضایی عضو انجمن یاران سبز کوهدشت گفت: چرا در لرستان نباید یک بالگرد برای این گونه مواقع وجود داشته باشد؟ وی با اشاره به انتقال بالگرد از استان کرمانشاه برای مهار این آتش‌سوزی افزود: تا زمان رسیدن بالگرد، بسیاری از درختان نابود شدند.

این فعال محیط‌زیست با اشاره به این که مردم کوهدشت در فصل بهار از استراحتگاه‌های این جنگل‌ها استفاده می‌کنند، پرسید: چرا عده کمی از مردم کوهدشت در مهار آتش‌سوزی شرکت کردند؟

بارگیری جکت فاز ۱۳ میدان گازی پارس جنوبی

بندربوشهر ـ خبرنگار اطلاعات: جکت ۱۳A یکی از چهار جکت (پایه سکو) فاز ۱۳ میدان گازی پارس جنوبی برای انتقال به محل نصب از کارخانه فراساحل بوشهر بارگیری شد.

مدیر این کارخانه گفت: این جکت نخستین جکت فاز ۱۳ است که با وزن ۱۷۲۰ تن در این شرکت ساخته شده است. محمد لیراوی با اشاره به این که هر چهار جکت فاز ۱۳ در این کارخانه ساخته می‌شود، افزود: عملیات ساخت این جکت از اسفند ۹۰ آغاز شد و طبق برنامه زمانبندی در مدت ۶ ماه به پایان رسید. وی اظهار داشت: این جکت پس از بارگیری در مدت یک هفته مهاربندی و در مدت ۲ روز به محل نصب منتقل شد. لیراوی بیان کرد: تمام مراحل طراحی، ساخت و کنترل کیفیت توسط متخصصان داخلی و ۹۰ درصد کار توسط نیروهای بومی استان بوشهر انجام شده و از هیچ کمک خارجی در طراحی و ساخت آن استفاده نشده است.

او گفت: پس از بارگیری این جکت، عملیات بارگیری جکت نخست فاز ۲۲ پارس جنوبی نیز انجام خواهد شد و پس از آن هم هر ۱۵ روز یک جکت از این شرکت به محل نصب در فازهای پارس جنوبی بارگیری و منتقل می‌شود.

اخبار کوتاه حوادث

دستگیری سارقان منازل در بهبهان

بهبهان ـ خبرنگار اطلاعات: سارقان منازل بهبهان معروف به فیوج توسط مأموران انتظامی دستگیر شدند و به ۱۵ فقره سرقت از خانه‌ها اعتراف کردند.این افراد در سایر شهرهای استان فارس سرقت‌های بسیاری انجام داده‌اند که در این رابطه تحقیقات از این سارقان حرفه‌ای ادامه دارد.

مسافر زن، ۵۰ کیلوگرم تریاک داشت

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: زن جوانی که در پوشش مسافر، مواد مخدر را از اصفهان به تهران جابجا می کرد، در ایست بازرسی دلیجان شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ حمزه امین‌نژاد فرمانده انتظامی دلیجان با بیان این مطلب افزود: ماموران انتظامی هنگام کنترل و بازرسی از یک دستگاه اتوبوس به زنی حدود ۲۴ ساله مشکوک شدند و در بازرسی از وسایل او ۵۰ کیلوگرم تریاک کشف کردند.امین‌نژاد همچنین از کشف یک محموله کالای قاچاق شامل ۵۲۸ جفت کفش به ارزش ۱۲۰ میلیون ریال از یک اتوبوس مسافری خبرداد.

کشف ۴۸ کیلوگرم حشیش

* فردی که قصد داشت یک محموله مواد مخدر را از زاهدان به استان مرکزی و تهران منتقل کند، با اقدام‌های اطلاعاتی پلیس مبارزه با مواد مخدر فرماندهی انتظامی استان مرکزی با بیان این مطلب افزود: در بازرسی از خودرو این فرد ۴۸ کیلوگرم حشیش کشف و متهم با تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شد.حسنی در ادامه سخنانش از کشف ۲/۵ کیلوگرم تریاک از یک تاکسی پژو خبر داد و گفت: ماموران انتظامی در راستای برخورد با توزیع‌کنندگان مواد مخدر و ارتقای امنیت اجتماعی، هنگام کنترل خودروهای عبوری محور قم ـ اراک به خودرو مذکور مشکوک شدند و با کشف مواد مخدر از آن،راننده خودرو را دستگیر و همراه مواد مخدر کشف شده تحویل مراجع قضایی دادند.

رد پیشنهاد رشوه تبعه افغانی

* ماموران انتظامی ساوه با رد رشوه یک تبعه افغانی قاچاقچی، وی را تحویل قانون دادند.سرهنگ دستور سرپرست بازرسی فرماندهی انتظامی استان مرکزی با بیان این مطلب افزود: دو نفر از ماموران انتظامی ساوه هنگام ورود به اردوگاه اتباع افاغنه به فردی که هیچگونه مدارک هویتی به همراه نداشت،مشکوک شدند و در بازرسی از وی یک کیلو و ۷۲ گرم مواد مخدر از نوع شیشه کشف کردند.وی ادامه داد: متهم ۱۲۰ هزار تومان رشوه به ماموران پیشنهاد کرد که ماموران با رد آن، مراتب را صورتجلسه کردند و پرونده را تحویل پاسگاه طراز ناهید ساوه دادند.

بازگشت به زندگی مصدوم حادثه برق‌گرفتگی

اصفهان – خبرنگار اطلاعات: مرد پنجاه و سه ساله اهوازی که بر اثر برق‌گرفتگی هوشیاری خود را از دست داده بود، با احیای یک ساعت و ۴۰ دقیقه‌ای کارشناسان فوریت‌های پزشکی اصفهان از مرگ حتمی نجات یافت و زندگی دوباره‌ای را کسب کرد. به گزارش روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان اصفهان با دریافت خبر وقوع حادثه برق‌گرفتگی برای این مرد که میهمان یکی از خویشاوندانش در خمینی‌شهر بود، کارشناسان امدادگر بربالین مصدوم که با ایست کامل قلبی جان خود را از دست داده بود، حاضرشدند و عملیات CPR روی وی انجام دادند. این مصدوم پس از یک ساعت و ۴۰ دقیقه تلاش مستمر کارشناسان ۱۱۵، علائم حیاتی خود را بازیافت و به زندگی دوباره بازگشت.

دستگیری ۲ شکارچی متخلف در دو دانگه ساری

ساری – خبرنگار اطلاعات: مأموران اجرایی سر محیط بانی محمودآباد دو دانگه، دو شکارچی را که اقدام به شکار غیر مجاز یک رأس شوکای نر بودند، دستگیر کردند. از دستگیرشدگان دو قبضه سلاح شکاری کشف و ضبط شد و پرونده آنان برای بررسی و صدورحکم قضایی به دادگاه ساری فرستاده شد.

کشف یک تن تریاک در هرمزگان

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: مأموران انتظامی هرمزگان در هفته گذشته یک تن و ۵۶ کیلوگرم تریاک در این استان کشف کردند.

سردار رضا محمدی یگانه فرمانده انتظامی هرمزگان با اعلام خبر بالا افزود: این کشفیات توسط مأموران پلیس مبارزه با مواد مخدر هرمزگان و همکاری دیگر یگان‌های انتظامی و در راستای طرح ارتقای امنیت اجتماعی و مبارزه با موادمخدر انجام شده است.وی ادامه داد: در این رابطه ۹ دستگاه خودرو توقیف و همچنین ۱۴ نفر از عوامل و عناصر توزیع و حمل مواد مخدر دستگیر شدند.فرمانده انتظامی هرمزگان افزود: موادمخدر کشف شده به پلیس مبارزه با مواد مخدر استان منتقل و متهمان پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

صدور روادید برای سرمایه‌گذاران خارجی در گیلان

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار گیلان از امکان صدور روادید برای حضور سرمایه‌گذاران خارجی از طریق زمینی دریایی و هوایی در این استان خبر داد.

مهندس سعادتی با اشاره به برگزاری همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری در گیلان افزود: سایت‌های همایش مذکور برای ارتباط با سرمایه‌گذاران در سراسر دنیا ایجاد شده است.

وی گفت: کمیته‌های استقبال و اسکان تبلیغات و اطلاع‌رسانی حفاظت و امنیت مراسم اصلی و فرعی، حمل و نقل امور بین‌الملل و نمایشگاه با نظارت شورای راهبری نمایشگاه بین‌المللی سرمایه‌گذاری در گیلان تشکیل شده است.

او با بیان این که دبیرخانه همایش سرمایه‌گذاران بین‌المللی گیلان تشکیل شده است افزود: مسئول مستندسازی این همایش تعیین شده است و مدیر اجرایی همایش نیز امور را پیگیری می‌کند.

او سپس به برگزاری نمایشگاه تخصصی توانمندی‌های استان در کنار همایش سرمایه‌گذاری بین‌المللی گیلان اشاره کرد و گفت: گروه‌های ویژه برای ارائه طرح‌ها به سرمایه‌گذاران تمرکز پیدا می‌کنند و مذاکرات را انجام می‌دهند.

استاندار گیلان گفت: سرمایه‌گذاران در همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری گیلان از توانمندی‌های صنعتی گردشگری کشاورزی و بنادر استان دیدن خواهند کرد.

وی اظهار داشت: رایزنی با وزیر امورخارجه برای ارتباط با سفارتخانه‌های کشورهای مختلف در ایران آغاز شده است.

او تاریخ رسمی برگزاری همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری گیلان را ۲۰ و ۲۱ آبان امسال اعلام کرد و افزود: حضور ۱۱۰ سرمایه‌گذار تاکنون در همایش قطعی شده است.

استاندار گیلان شعار این همایش را «تقویت رقابت‌پذیری خلق ثروت و رفاه و عدالت اجتماعی» اعلام کرد و افزود: همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری گیلان از معیارهای ارزیابی مدیران در استان است.

خبرنگاران نیروهای ارزشمند انقلاب هستند

الیگودرز ـ خبرنگار اطلاعات: نحوه برگزاری برخی از مجالس ختم و نیز جشن‌های عروسی به یکی از ناهنجارهای جامعه تبدیل شده است.

امام جمعه الیگودرز در جمع مسئولان و خبرنگاران این شهرستان با مطرح کردن این مطلب، گفت: خبرنگاران باید این گونه مسائل را مطرح کنند و اجازه ندهند هر ناهنجاری تبدیل به یک هنجار و فرهنگ عمومی بشود.حجت‌الاسلام رضا حقیان که در آیین ویژه قدردانی از خبرنگاران حضور یافته بود، یادآور شد که خبرنگاران باید نسبت به این گونه مسائل عنایت ویژه‌ای داشته باشند.

وی همچنین به منابع سرشار و پتانسیل موجود در الیگودرز اشاره کرد و گفت: خبرنگاران می‌توانند با معرفی و تهیه گزارش از این سرمایه‌ها و منابع خدادادی در سطح کشور، سرمایه‌گذاران را به این شهرستان جذب و به اقتصاد الیگودرز کمک کنند.

در این مراسم همچنین فرماندار الیگودرز از تلاش‌های خبرنگاران این شهرستان در عرصه اطلاع‌رسانی تشکر کرد و افزود: خبرنگاران از نیروهای ارزشمند انقلاب هستند که در تمام عرصه‌ها به نظام مقدس جمهوری اسلامی خدمت می‌کنند.

وفایی مقدم با اشاره به رسالت ویژه خبرنگاران گفت: دشمن با تمام وجود و به هر شکلی و در هر زمینه‌ای به فکر ضربه زدن به نظام است که خبرنگاران در این زمینه می‌توانند حربه‌های دشمنان را خنثی کنند.

محمدی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی الیگودرز هم با اشاره به تلاش‌ها و زحمت‌های خبرنگاران در این شهرستان گفت: خوشبختانه مطبوعات و خبرنگاران استان لرستان در خط ولایت و پشتوانه نظام هستند.

تجهیز مراکز خدمات جهاد کشاورزی کاشان

کاشان – خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره ترویج مدیریت جهادکشاورزی کاشان از اختصاص یک میلیارد ریال برای تجهیز و بازسازی مراکز خدمات جهاد کشاورزی این شهرستان خبر داد.

غلامعلی خیرخواه گفت: این میزان اعتبار از محل اعتبارات تملک دارایی، سرمایه‌ای و استانی در سال گذشته برای تجهیز و بازسازی مراکز خدمات جهاد کشاورزی جوشقان قالی، قمصر، نیاسر، مشهد اردهال و برزک کاشان اختصاص داده شده است.

وی با اشاره به اینکه در حال حاضر هشت شرکت فنی و مشاوره‌ای کشاورزی در کاشان فعالیت دارند، افزود: در این شرکت‌ها ۶۴ کارشناس و کارشناس ارشد رشته‌های کشاورزی در روستاها و بخش‌ها در امر خدمات‌رسانی به کشاورزان و تولیدکنندگان فعالیت دارند.وی گفت: همه خدمات فنی و مشاوره‌ای این شرکت‌ها براساس تعرفه‌های ابلاغی سازمان نظام مهندسی کشور است.

خیرخواه از فعالیت سه شرکت تعاونی تولید روستایی در کاشان خبر داد و افزود: کشاورزان این شهرستان با عضویت در سه شرکت تعاونی، تولید روستایی گلستان سده، شرکت تعاونی تولید روستایی کوثر برزک و شرکت تعاونی تولیدی مشکات از خدمات مهندسان کشاورزی در این شرکت‌ها بهره‌مند می‌شوند.او انتخاب کشاورزان نمونه در بخش‌های مختلف را برای تشویق و ترغیب کشاورزان به ادامه فعالیت در بخش کشاورزی حائز اهمیت دانست و گفت: در سال زراعی جاری تعداد ۱۵ تولیدکننده نمونه بخش کشاورزی کاشان انتخاب و معرفی شدند. وی، مدیر نمونه در بخش استحصال روان‌آب‌ها با ساخت استخرهای ذخیره آب قنوات و مجری باغ مکانیزه با کاشت محصولات با راندمان و ارگانیک را در بخش‌های مختلف از جمله تولیدکنندگان نمونه بخش کشاورزی شهرستان برشمرد.او با اشاره ۴۵۵۰ نفر روز آموزش توسط اداره ترویج جهادکشاورزی کاشان متذکر شد: کارشناسان اداره ترویج جهادکشاورزی کاشان با برنامه‌ریزی و هماهنگی با ادارات جهادکشاورزی و مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی می‌توانند یافته‌های علمی و تحقیقاتی را جهت افزایش بهره‌وری از منابع آب و خاک به تولیدکنندگان بخش کشاورزی انتقال دهند.

خط ارتباطی اطلاعات بامردم

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

از خوانندگان محترم شهرستانی تقاضا دارد در پیام های خود، نام شهرستان مربوطه را ذکر کنند

بقیه از صفحه ۱۳

اضافه‌کاری محسوب شود

کارکنان ادارات دولتی و غیردولتی در ماه مبارک رمضان ساعت ۹ صبح کار خود را آغاز می‌کنند، اما پرسنل بیمارستان‌های خصوصی مجبورند از ساعت ۷ به محل کار خود بروند. پیشنهاد می‌کنم یا ساعت کاری آنان کم شود و یا به ازای این دو ساعت نیز اضافه‌کار دریافت کنند.

از کارکنان بیمارستان‌های خصوصی

نارضایتی از عملکرد آموزشگاه‌های رانندگی

برخی از مربیان آموزشگاه‌های رانندگی بی‌دلیل متقاضیان دریافت گواهینامه را چند بار رد می‌کنند تا مجبور شوند برای آموزش پول بیشتری به آموزشگاه بپردازند، حال آنکه شرایط لازم را برای دریافت گواهینامه دارند. ضروری است برکار آنان نظارت بیشتری صورت گیرد.

از متقاضیان دریافت گواهینامه

سنوات خدمتی‌ام در تعیین مستمری لحاظ شود

از سال ۵۲ تا ۶۵ با پرداخت حق بیمه در شرکت زامیاد کار می‌کردم که به دلیل مشکلات جنگ تحمیلی و کمبود مواد اولیه و کاهش تولید زامیاد، اجباراً بازخرید شدم و مدتی بعد در کتابخانه کامبوزیای زاهدان به فعالیت پرداختم که در این مدت نیز پرداخت حق بیمه‌ام ادامه داشت. تا این که در سال ۷۵ با توجه به دستورالعمل دولت مبنی بر شرکتی شدن کارکنان ادارات دولتی، وضعیت استخدامی من در اداره ارشاد زاهدان به صورت شرکتی درآمد که تا سال ۸۴ ادامه یافت و سپس با استمرار پرداخت حق بیمه که در مجموعه به حدود ۳۷ سال رسید، در سال ۸۸ بازنشسته شدم. اما متأسفانه تامین اجتماعی زاهدان فقط سوابق بیمه‌ای ۳ سال آخر مرا پذیرفته است.

تقاضایم این است که با توجه به سال‌هایی که حق بیمه پرداخته‌ام، سنوات خدمتم در تعیین میزان مستمری دریافتی‌ام، مورد توجه و محاسبه قرار گیرد.

زاهدان ـ ندیمی

دشمن منتظر پاسخ کوبنده باشد

دشمن بداند اگرچه ایران طرفدار جنگ نیست، اما به محض آن که علیه کشورمان وارد جنگ شود، پاسخ فوری و کوبنده‌ای خواهد گرفت. کما این که به محض حمله ارتش رژیم بعث عراق به ایران، پاسخ دندان‌شکنی به صدامیان داده شد که در نهایت به شکست خفت‌بار آنان انجامید.

یک هموطن

افزایش قیمت‌ها به نفع دشمنان است

در شرایطی که به دلیل تحریم‌های اقتصادی مشکلاتی برای مردم به وجود آمده است، دولت به جای آن که اجناس را ارزان کند تا چرخ اقتصاد سریعتر بچرخد و ملت بیشتر در رفاه باشند، در افزایش قیمت حامل‌های انرژی مانند بنزین و همچنین آب و برق و سایر خدمات دولتی، متأسفانه پیشدم شده است که به نظر من دولت محترم هرچه بر چنین سیاست‌هایی اصرار ورزد، موجب نارضایتی بیشتر مردم می‌شود که ممکن است بیش از تحریم‌ها به نفع آمریکا و انگلستان و اسرائیل باشد.

از کسبه بازار تهران

هشدار که به سرنوشت جمعیتی هند دچار نشویم!

خانم وزیر بهداشت و درمان که از ضرورت افزایش جمعیت کشور سخن می گوید، به عنوان یک مقام مسئول بهتر است شرایط پاسخگویی به نیازهای این افزایش جمعیت را هم به عنوان یک کارشناس عالیرتبه بیان دارد و از جمله بگوید که بیش از ۲برابر شدن جمعیت آنهم در سرزمین خشک و کم‌آبی مانند ایران، به فراهم ساختن چه زیرساخت‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی نیاز دارد؟ ضمن آن که توسعه فضای مجازی و ابررایانه‌ها در جهان امروز، فضای کسب و کار در آینده را محدودتر خواهد کرد که اگر برای این موضوع و سایر مسائل مرتبط با افزایش جمعیت از حالا چاره‌اندیشی نشود، سرنوشتی مانند کشور هند در انتظارمان خواهد بود!

بندرانزلی ـ میرنقیب

دولت به یاری مددجویان مستضعف بشتابد

با توجه به افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، مستمری پرداختی به مددجویان کمیته امداد امام خمینی(ره) افزایش قابل توجهی نیافته و مزایای گذشته آنان هم قطع شده است.

دولت محترم و عدالت‌محور آیا کسانی را از مددجویان کمیته امداد و بهزیستی مستضعف‌تر سراغ دارد که فکری به حال امرار معاش آنان نمی‌کند؟

از مددجویان منطقه ۱۷ تهران

اتوبوس‌ها در ایستگاه‌ها توقف کنند

اتوبوس‌های میدان امام حسن مجتبی(ع) ـ خیابان سعدی‌جنوبی در ایستگاه‌های بزرگراه شهید محلاتی کمتر توقف می‌کنند و یا اصلاً توقف ندارند.

شرکت واحد اتوبوسرانی به رانندگان تذکر دهد در ایستگاه‌های یاد شده نیز مسافران را سوار کنند.

سیدعلی مهدوی

اطعام نیازمندان بر سر سفره افطاری

چه خوب است روزه‌دارانی که در ماه مبارک رمضان سفره افطاری پهن می‌کنند، در صورت توان، خانواده‌های نیازمند و ایتام را هم سر سفره‌هایشان بنشانند تا از این کار خیر ثواب ببرند.

مشهد ـ زینب هاشمی

اقدام راهنمایی و رانندگی ترافیک را تشدید می‌کند

هر روز بسیاری از شهروندان ناچارند از مسیر بزرگراه شهیدحقانی عازم بزرگراه شهید مدرس و سپس میدان هفتم‌تیر شوند. اما مأموران راهنمایی و رانندگی بعدازظهرها خروجی بزرگراه مدرس را باز و بسته می‌کنند که این کارشان نه تنها موجب کاهش ترافیک نمی‌شود، بلکه آن را تشدید هم می‌کند.

صفوی

۲ شغل مشابه با ۲ نوع بازنشستگی!

شغل پانچیست‌ها سخت و زیان‌آور شناخته شده است و در نتیجه با ۲۰ سال سابقه کار بازنشسته می‌شوند، اما تایپیست‌ها که همان کار را انجام می‌دهند، برای بازنشستگی باید ۳۰ سال سابقه کار داشته باشند، که سازمان تأمین اجتماعی باید در صدد رفع این تبعیض برآید.

علیزاده

با مسافران کمتری حرکت کنند

جا دارد رانندگان شرکت واحد با مسافران کمتری از مبداء حرکت کنند تا مسافران بین راهی هم جایی برای نشستن بر صندلی‌ها داشته باشند.

نگار قاصدآبادی

اَمُرداد بهتر است از مُرداد!

مدتی است روزنامه اطلاعات به جای «اَمُرداد»، مرداد می‌نویسد، از آنجا که اَمُرداد به معنای «بدون مرگ» است، دلیل جایگزینی آن با مُرداد چیست؟

یزد ـ علی‌اصغر رضا شاطری

خط ارتباطی: گاهی، وقتی «امرداد» پس از اعداد قرار می‌گرفت، خواننده را به اشتباه می‌انداخت و به عنوان مثال تیتر «متقاضیان یارانه تا ۵ مرداد فرصت ثبت‌نام دارند» با واژه امرداد چنین خوانده می‌شد «متقاضیان یارانه تا ۵ امرداد فرصت ثبت‌نام دارند!»

به اقتصاد هم مانند فوتبال اهمیت بدهند

بانک مرکزی هر روز سیاست جدیدی را در مورد نرخ ارز اعلام می‌کند که تردید و دودلی کارشناسان این سازمان و آزمون و خطاهای مکرر آنان، موجب استمرار کاهش ارزش پول ملی شده است، چه ایرادی دارد بانک مرکزی برای تثبیت سیاستگذاری‌ها و تدوین برنامه‌های منسجم برای کنترل قیمت‌ها، غرور را کنار بگذارد و از کارشناسان طراز اول اقتصادی جهان، دعوت به همکاری کند؟ یعنی اقتصاد کشورمان از تیم‌های فوتبال ملی و باشگاهی کمتر ارزش دارد که از کارشناسان و متخصصان نام‌آور جهان باید محروم بماند؟

یک هموطن

اختصاص وام ۱۰ میلیون تومانی به ازدواج جوانان

پرداخت وام‌های ۱۰ میلیون تومانی با نرخ ۴ درصد اقدام خوبی است که از سوی بانک‌ها قرار است اجرا شود، به شرطی که مصارف آن دقیقاً مشخص شود که اگر این وام به ازدواج جوانان اختصاص یابد، آثار مثبتی به همراه می‌آورد.

تلفن به خط ارتباطی

کارت پایان خدمت اینجانب علی قاسمی فرزند حسن به شماره شناسنامه ۱۵۹۰۳۴۶۸۸۲ متولد ۱۳۵۹ صادره از هشترود مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. (هشترود)

شناسنامه مالکیت سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۶ رنگ نوک‌مدادی خاکستری متالیک به شماره پلاک ایران ۵۶-۸۳۶ب۲۱ شماره موتور ۱۲۴۸۶۰۳۹۶۱۹ شماره شاسی ۵۰۳۱۳۷۴۲ متعلق به اینجانب «محمد خنده‌روی شهرستانی» مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی سند سواری پراید مدل ۹۰ شماره پلاک ۹۵۷ج۷۶ ایران ۲۸ شماره شاسی F۱۴۱۲۲۹۰۷۵۳۹۹۸ شماره بدنه ۴۰۴۹۹۶۶ به مالکیت محمدرضا علیئی مفقود از درجه اعتبار ساقط است. «سامن»

* نوبت دوم * کارت پایان خدمت دوره ضرورت به شماره ۱۴۵۹۱۲۶۰ متعلق به اینجانب «ابراهیم خوشکار کلاچائی» نام پدر: محمود ـ به شماره شناسنامه ۲۷۲۷ متولد ۱۳۴۹ ـ خُمام رشت کدملی ۵-۹۰۵۴۱۹-۵۱۸ ـ جمعی تیپ زرهی زنجان ـ لشکر ۱۶ قزوین ـ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۷۹ رنگ بژ به شماره شهربانی ۳۸۵ب۲۳ ایران ۲۳ و شماره موتور ۱۲۴۸۹۲۳۴۸۸۷ و شماره شاسی ۴۶۲۱۸۰ مفقود فاقد اعتبار است.

کارت پایان خدمت اینجانب مهدی حسینی بهار به شماره شناسنامه ۱۶۷۹ فرزند محمدرضا صادره از نیروی انتظامی خراسان‌جنوبی نهبندان به تاریخ صدور ۸۰/۱۲/۱۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی نوبت اول کارت پایان خدمت بنام اینجانب فریدون شهبازی فرزند علی‌حیدر متولد ۱۳۶۳ شماره شناسنامه ۱۶ شماره ملی ۶-۹۸۷۲۷۹-۳۳۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. صحنه ـ سمیعیان

سند وانت شخصی تویوتا قرمز مدل ۱۹۷۶ ظرفیت یک و نیم تن شماره شهربانی ۳۹۴۴۲ ساری شماره موتور ۱۶۳۶۷۷۵ شماره شاسی ۱۱۰۸۲۳ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت پایان خدمت عثمان محمدی فرزند سیف‌اله متولد ۱۳۵۷ به ش‌ش ۱۰۱۱ صادره از مریوان مفقود و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی موتورسیکلت نامی مدل ۸۵ رنگ مشکی به شماره پلاک ۵۱۸۱۳ تهران ۳۷ و موتور ۱۲۵۰۰۲۹۱ شاسی ۸۴۰۰۸۴۷ به نام مرتضی زین‌العابدینی کاشی مفقود و فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت اتومبیل پراید مدل ۷۹ به شماره انتظامی ۳۵م۴۸۸ ـ ایران ۵۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت پایان خدمت مهدی زائر کاظمین فرزند حسین متولد ۱۳۶۶ ش‌ش ۹۷۲۷ صادره از کاشان مفقود و فاقد اعتبار است.

کارت معافیت خدمت آقای علیرضا ساوجی بیدگلی فرزند محمدآقا متولد ۱۳۵۱ ش‌ش ۷۹۲۵ صادره از آران و بیدگل مفقود و فاقد اعتبار است.

گواهی می‌شود کارت معافیت به نام عبدالله کاکه‌مم فرزند زین‌العابدین متولد ۱۳۵۰ ش‌ش ۱۹۶ ش کارت ۶۰۷۴۵۰ م ک مفقود و اعتبار ندارد. اشنویه ـ محمدنژاد

گواهی می‌شود کارت معافیت به نام جلال رشیدی فرزند رشید متولد ۵۷ به ش‌ش ۵۰۲۳ و کدملی ۲۹۵۹۶۱۴۰۰۳ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد. اشنویه ـ محمدنژاد

کارت معافیت پزشکی اینجانب صمد فعله‌کری به شماره شناسنامه ۲۸ فرزند احمدعلی به شماره کارت ۱۲۴۰۴۲۹۹ صادره از نیروی انتظامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند سواری پیکان تیپ ۱۶۰۰ رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۷۹ به شماره موتور ۱۱۱۲۷۹۲۵۵۳۲ و شماره شاسی ۷۹۴۳۰۷۲۹ و پلاک ۷۳-۱۵۶ج۶۷ مالک علی‌محمد باقریه مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. لارستان

سند کمپانی خاور مدل ۶۲ به شماره موتور ۱۰/۰۶۹۴۹۴ و شماره شاسی ۹۳۸۹۹۱-۱۴ به شماره شهربانی ۸۲۶ع۲۳ ایران ۱۹ به نام کوکعلی محمدیان مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (اسلام‌آباد غرب)

اینجانب ضیاء داری‌پور مالک خودرو ش‌شاسی NAAS19KE3AK000828 ش‌موتور L20A-569494 به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران‌خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکانشهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

فقدان اسناد مالکیت خودرو اینجانب منیر رضایی سعیدآباد مالک خودرو پیکان ۱۶۰۰ شماره انتظامی ۶۸۲ق۴۱ ایران ۴۴ مدل ۱۳۷۵ شماره بدنه ۷۵۵۱۳۶۳۰ شماره موتور ۱۱۲۷۵۱۴۱۳۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

فقدان اسناد مالکیت خودرو اینجانب محمد جعفر اسکندری سنا مالک خودرو پژو آردی ۱۶۰۰ شماره انتظامی ۸۵۳ب۴۲ ایران ۱۱ مدل ۱۳۸۰ شماره بدنه ۸۰۷۰۲۱۸۷ شماره موتور ۲۲۳۲۸۰۰۲۲۹۱ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

نوبت سوم مدرک فارغ‌التحصیلی موقت اینجانب امیر تیموری فرزند عیسی به ش‌ش ۳۷۴ صادره از نقده در مقطع کارشناسی رشته مهندسی عمران صادره از واحد دانشگاهی آزاد ارومیه با شماره ۲۳۷/۵/۴۶۷۶/فدآ ـ ۱/۶/۸۷ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه به نشانی خیابان دانشکده دانشگاه آزاد ارومیه ارسال نماید. ارومیه ـ امیر تیموری

چون آقای محمدعلی باقری زفره‌ئی مالک کامیون بنز کمپرسی ال.پی.کا ۸۰۸/۳۲ مدل ۱۳۵۶ به شماره انتظامی ۶۶۵ع۲۷ ایران ۲۳ با شماره شاسی ۳۷۴۰۸۰۱۴۲۹۰۹۴۰ و شماره موتور ۱۰۰۴۱۲۹۹ به علت فقدان سند تقاضای صدور سند المثنی نموده است. لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودروی مذکور وجود دارد در ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران‌خودرو دیزل واقع در تهران، خیابان آزادی، کوچه شهید حبیب‌زادگان، پلاک ۱ مراجعه نمایند. (شهرکرد)

سند کمپانی خودرو پیکان دولوکس به ش‌ش ۱۹۴م۵۹ تهران ۱۱ و شماره شاسی ۷۹۴۸۴۵۲۰ و شماره موتور ۱۱۱۲۷۹۸۰۳۵۴ به نام ابوعلی فتاحی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

بناب برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۸۹ به شماره‌های پلاک ۶۶-۸۵۷ب۸۶ و موتور ۱۲۴۸۹۱۳۳۳۸۱ و شاسی NAAM01CAXAE2۱۳۴۱۰ به نام حمید یزدانی مفقود و فاقد اعتبار است.

پلاک موتورسیکلت سفر به شماره شهربانی ۷۷۵۲۲ تهران ۲۲ به نام اکبر علی‌پور شور باخلو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. حسینی ـ آباده

سند فروش خودرو پژو پارس مدل ۸۴ به شماره شهربانی ۷۷۸ن۹۳ ایران ۶۶ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۰۷۵۱۵۴ متعلق به آقای رضا برهانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت پایان خدمت به شماره م‌پ ۷۸۶۹۶۹ به نام: کیوان افضلی نام پدر: شمس‌اله ش‌ش: ۹۶۰۶ م‌ص: کرند غرب ت‌ت: ۱۳۵۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت پایان خدمت به شماره ۴۶۱۲۹۷۰ به نام: علیشاه حیدری نام پدر: علی‌میرزا ش‌ش: ۵۶۳ م‌ص: اسلام‌آباد غرب ت‌ت: ۱۳۴۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب محمد سیف‌زاده مالک خودرو پیکان سواری ۱۶۰۰ به شماره شاسی ۸۰۴۹۴۰۹۴ و شماره موتور ۱۱۱۲۸۰۸۵۴۸۰ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران‌خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکانشهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. (اردبیل)

۱ـ شناسنامه و تسلسل اسناد وانت پیکان مدل ۶۲ به شماره انتظامی ۴۷۸ب۱۳ ایران ۷۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

۲ـ تسلسل اسناد وانت پیکان مدل ۵۹ به شماره انتظامی ۷۸۲م۲۶ ایران ۵۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

۳ـ تسلسل اسناد وانت پیکان مدل ۶۴ به شماره انتظامی ۹۳۱م۲۴ ایران ۵۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

۴ـ تسلسل اسناد وانت پیکان مدل ۶۳ به شماره انتظامی ۴۲۱۹۳ رشت ـ ۱۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

۵ـ سند کمپانی و تسلسل اسناد وانت پیکان مدل ۶۳ به شماره انتظامی ۴۳۸م۳۲ ایران ۵۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

۶ـ تسلسل اسناد وانت نیسان مدل ۵۸ به شماره انتظامی ۲۴۹ع۳۳ ایران ۶۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

«مفقودی نوبت دوم» کارت پایان خدمت غلامرضا برجیان فرزند اسماعیل با ش‌ش ۱۴۴۹۲ و کد ملی ۰۳۸۲۰۷۴۹۷۱ متولد ۱۳۵۱، صادره از قم مفقود گردیده و از اعتبار ساقط است. «قم»

برگه کمپانی سواری پیکان به شماره شهربانی ۲۴۶ص۲۴ ـ ایران ۲۴ شماره موتور ۱۱۱۲۷۷۷۹۵۴۰ شماره شاسی ۷۷۴۸۱۴۵۸ به نام امین‌الله بروغنی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت معافیت از خدمت به شماره ۱۲۴۵۱۳۲۰۰ به نام آقای محمدجواد منوچهری فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۳۸۰، صادره از باختران، متولد ۱۳۴۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز پژو پارس مدل ۹۰ به شماره انتظامی ایران ۸۹-۴۹۲ج۱۲ به شماره موتور ۱۲۴۹۰۰۹۱۰۸۹ به شماره شاسی NAAN21CA2BK۴۵۹۱۴۳ متعلق به اینجانب محمد محامدی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. بوئین‌زهرا

برگ سبز سواری پراید مدل ۱۳۸۹ به شماره انتظامی ۵۵-۸۱۳هـ۲۹ و شماره موتور ۳۳۳۲۴۹۹ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۱۴۴۷۶۹ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (تبریز)

کارت پایان خدمت علی‌اکبر ابراهیم‌زاده کیاسری فرزند احمد متولد ۱۳۵۲ ش‌ش ۷۰۴ صادره از ساری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (س)

فقدان اسناد مالکیت خودرو اینجانب فریبرز بیرامی مالک خودرو پیکان ۱۸۰۰ شماره انتظامی ۱۸۳ب۵۷ ایران ۲۹ مدل ۱۳۷۲ شماره بدنه ۷۲۱۳۵۵۲۶ شماره موتور ۱۲۳۱۷۲۰۳۴۸۲ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

فقدان اسناد مالکیت خودرو اینجانب کیومرث حیدری مالک خودرو پیکان ساده‌کار شماره انتظامی ۳۷۹س۵۲ ایران ۱۹ مدل ۱۳۶۶ شماره بدنه ۲۰۴۸۶۲۶۶ شماره موتور ۰۱۱۲۶۶۰۴۶۲۷ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد ـ دو عدد پلاک مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

کارت معافیت اینجانب اسمائیل اسدی فرزند خیرالله به شماره شناسنامه ۱۸۲ صادره از گچساران متولد ۱۳۵۰ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

کارت معافیت آقای صادق خدرویسی فرزند یداله به ش.ش ۵۰۱ صادره از سرپل ذهاب مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت دوم کارت پایان خدمت اینجانب فرامرز ناظمی صادره از بویراحمد متولد ۵۴ به شماره کارت ۲۷۱۶۰۴۲ مفقود از اعتبار ساقط است.

برگه کمپانی پژو آردی، به شماره شهربانی ۵۷۳هـ۲۴ ـ ایران ۷۸ شماره موتور ۱۱۷۸۴۰۲۱۰۶۶ شماره شاسی ۱۳۶۲۳۰۹۲ به نام علی‌اکبر بیداروند مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگه کمپانی وانت پیکان به شماره شهربانی ۱۲۲ب۵۲ ـ ایران ۵۷ شماره موتور ۱۱۵۱۷۸۰۷۵۲۰ شماره شاسی ۷۸۹۲۷۰۸۹ به نام داود ایرانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پیکان به شماره انتظامی ۳۱۸ب۴۴ ایران ۷۱ و شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۳۵۶۴۸ و شماره شاسی ۱۸۸۱۵۳۷۶۴۱ به نام معصومه فخریان قهفرخی مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

نوبت دوم جواز حمل اسلحه ساچمه‌زنی کالیبر ۱۲ به شماره سلاح ۱۱۰۳۲۱۷۰ مدل تمپر کوسه ـ تک‌لول ساخت روسیه بنام محمدعلی حسینی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی پژو ۴۰۵ مدل ۸۶ شماره پلاک ۴۵-۱۲۱ب۳۷ و موتور ۱۲۴۸۶۱۳۰۴۱۶ و شاسی ۴۰۴۳۶۵۸۹ مهدی احمدی مفقود از اعتبار ساقط است.

مفقودی کارت هوشمند کامیون کمپرسی بنز ۱۹۲۱ رنگ سبز مدل ۱۹۷۳ شماره پلاک ۱۹۴۶۹ ـ شیراز شماره موتور ۱۰۰۰۲۷۹۱ شماره شاسی ۱۰۹۱۱۸۱۶ به نام محمدجواد رشیدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۱۷-۵۶۶س۷۷ و شماره موتور ۳۱۹۲۲۶۲ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ارومیه ـ محمد اکبری یوالاری

کارت هوشمند بشماره ۱۴۲۱۳۰۴ مربوط به ماشین کامیون بنز باری بشماره شهربانی ۲۳۸ع۵۷ ـ ایران ۱۱ گم شده از درجه اعتبار ساقط است. (بوکان ـ قربانی)

اصل سند کمپانی مادر خودرو کامیون کشنده ولوو ان ۱۰ مدل ۱۳۵۶ به شماره انتظامی ۶۲۴ع۳۸ ایران ۹۱ موتور ۰۱۸۳۲۳ شاسی ۰۹۰۸۸۰ بنام فراهم نصیرپور یزن‌آباد مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. اردبیل

آگهی گمشده کارت فعالیت راننده حرفه‌ای (کارت رانندگی هوشمند) به شماره کارت ۱۱۳۶۷۱۹ ـ تاریخ صدور ۸۹/۹/۱ کد ملی ۱۶۹۸۹۷۸۵۷ ـ شماره گواهینامه ۸۷۱۰۰۷۳۱۱۶ بنام فرهاد خلیلی بکلو مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (گوگان)

سند موتورسیکلت هوندا به شماره موتور A۱۳۵۴۴۴ و شماره شاسی P۱A۸۳۰۰۷۹۴ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

نوبت دوم کارت پایان خدمت بنام امید حیدری ارجلو فرزند مصطفی به ش.ش ۱۱۹ متولد ۶۳/۱/۱۸ صادره از گچساران مفقود از درجه اعتبار ساقط است.

برگ کمپانی وانت پیکان به شماره شهربانی ۵۷۹ل۶۳ ـ ایران ۶۶ شماره موتور ۱۱۵۱۷۷۰۵۴۷۷ شماره شاسی ۷۷۹۰۶۰۵۸ به نام حسین عابدین‌نسب مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

نوبت دوم کارت پایان خدمت به شماره ۶۰۳۷۷۵۲ بنام امین ملازاده خیبصی فرزند علی به شماره شناسنامه ۸ صادره از شهداد متولد سال ۱۳۶۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

نوبت اول کارت پایان خدمت اینجانب محمد شاهسوارانی فرزند محمدحسن شماره شناسنامه ۶۷۶ صادره از اراک متولد ۴۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. اراک

نوبت اول اصل کارت پایان خدمت نظام وظیفه به شماره ۶۸۴۲۹۱۷ بنام آیدین جمالی فرزند مالک ش.ش ۱۷۰۳ متولد ۱۳۶۱ صادره اردبیل مفقود از درجه اعتبار ساقط است. اردبیل

سند کمپانی سواری پیکان مدل ۸۳ به شماره پلاک: ۸۴۵ب۶۳ ـ ایران ۳۱ به شماره شاسی: ۸۳۴۱۰۶۷۸ و شماره موتور: ۱۱۲۸۳۰۱۷۷۴۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (خرم‌آباد)

کارت معافیت از خدمت وظیفه عمومی متعلق به آقای محمد قاسمی فرزند ابول به شماره شناسنامه ۱۱۵۶ و تاریخ تولد ۱۳۶۳ ساکن شهرستان جم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت معافیت صادره سال ۱۳۸۹ ـ از بهبهان بنام اینجانب امین صالحی‌زاده فرزند قلندر به شماره شناسنامه ۴۲۴۰۱۸۳۹۹۵ متولد ۱۳۶۹ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت خودرو پژو ۴۰۵ جی‌ال‌ایکس آی رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۸۷ شماره شهربانی ۱۳۶ ب ۱۱ ایران ۲۹ شماره موتور ۱۲۴۸۷۱۰۰۴۰۷ بنام آقای عبدالرضا درویشی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اینجانب اسحق ولی اوغلی مالک خودرو ش‌شاسی NAAM11CA1AE0۲۵۵۳۴ ش‌موتور ۱۲۴۸۹۱۲۰۹۹۷ بعلت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران‌خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکان‌شهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

سند کمپانی خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۸۴ به شماره شهربانی ۷۵۲هـ۷۳ ایران ۴۴ و شماره شاسی ۱۴۲۵۶۳۵۰ متعلق به خانم فاطمه نظری حقیقی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

فقدان اسناد مالکیت اینجانب علی کرمی مالک خودرو پیکان سواری دولوکس شماره انتظامی ۶۴۷ب۶۸ ایران ۱۹ مدل ۱۳۶۷ شماره بدنه ۲۱۴۹۴۰۸۱ شماره موتور ۱۱۲۶۷۰۳۴۱۵ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

فقدان اسناد مالکیت اینجانب امیر کیوان کاوه‌یی مالک خودرو پژو پارس شماره انتظامی ۴۵۱ل۶۷ ایران ۱۵ مدل ۱۳۹۰ شماره بدنه ۱۲۴۵۵۶۶۷ شماره موتور ۱۲۴۹۰۰۵۵۸۶۰ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

کارت معافیت از خدمت نظام وظیفه علیرضا هاشمی فرزند غلامرضا ش‌ش ۱۸۴ تاریخ تولد ۱۳۶۱/۳/۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. خمین

کارت معافیت آقای شیرعلی مولائی آرپنائی به شماره ۳۵۹۹۱۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت معافیت کفالت شماره سریال م‌ک ۱۶۳۲۶۶۰ بنام رمضان زمانپور فرزند عباسقلی شماره شناسنامه ۷۴۹ صادره ایذه متولد ۱۳۵۸ کلاسه ۱۷۰۴ مورخه ۸۰/۶/۱ در ۸۶/۲/۴ مفقودگردیده و فاقد اعتبار است.

برگ کمپانی مربوط به پراید به شماره انتظامی ۴۶۲هـ۱۶ ایران ۱۳ و شماره موتور ۰۴۴۳۰۰۰۰ و شماره بدنه S۱۴۴۲۲۷۴۱۱۷۲۲۳ به نام سیده لیلا موسوی قهفرخی مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

کارت پایان خدمت اینجانب یزدان امجدیان فرزند کیومرث به شماره شناسنامه ۳۱۲ و کدملی ۳۳۵۹۹۴۷۵۰۹ متولد ۱۳۶۶ صادره از هنگ مرزی سومار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ کمپانی خودرو و مینی‌بوس بنز مدل ۵۶ به رنگ قرمز و سفید روغنی به شماره انتظامی ۱۹ـ۱۶۲ع۷۱ و شماره موتور ۰۰۳۸۵۷۸ و شماره شاسی ۰۱۲۴۹۴۰ به نام سجاد اجاقی فرزند حسن مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت پایان خدمت اینجانب مسعود علیزاده سنگری فرزند کریم ش‌ش ۱۳۴۲ صادره رشت تاریخ تولد ۱۳۵۶ ـ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۷ شماره شهربانی ایران ۶۲-۴۶۷ج۷۸ شماره موتور ۱۲۴۸۷۰۰۶۴۹۰ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (س)

بناب اصل سند کمپانی کامیون کشنده ولوو اف ۱۲ به شماره‌های پلاک ۱۵-۸۳۵ع۷۳ و موتور ۱۰۹۷۷۳ بنام اکبر حسامی مفقود و فاقد اعتبار است.

کارت پایان خدمت به نام علیرضا اصغری ینگجه به شماره شناسنامه ۷۹۷ صادره از مشگین‌شهر مفقود و اعتبار ندارد. فرزند عباس

برگ کمپانی (سند فروش وسیله نقلیه) پراید ال ایکس مدل ۱۳۷۷ رنگ سبز یشمی متالیک شماره موتور ۰۰۷۹۱۵۲ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۷۷۵۶۰۷۷۸ شماره شهربانی ۴۶۳ج۴۹ ایران ۱۹ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت دوم کارت پایان خدمت حسن بختیاری ش.ش ۵۵۰۱ فرزند محرم صادره از تهران مفقود اعتبار ندارد.

فقدان اسناد مالکیت خودرو اینجانب محمد کاویی سرچقا مالک خودرو پیکان ۱۶۰۰ شماره انتظامی ۶۶۸ص۱۵ ایران ۴۱ مدل ۱۳۸۳ شماره بدنه ۸۳۴۳۱۹۴۰ شماره موتور ۱۱۲۸۳۰۵۰۴۱۷ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران‌خودرو واقع در پیکان‌شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

نوبت دوم کارت پایان خدمت دورهٔ ضرورت میثم صبوری زیده‌سرائی، فرزند اسماعیل به شماره شناسنامه ۲۲۰۰، محل صدور: صومعه‌سرا تاریخ تولد: ۱۳۶۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (ساوه)

برگ سبز کامیونت ون نیسان مدل ۸۴ رنگ آبی به شماره شهربانی ۴۹۳ق۳۳ ایران ۷۳ و شماره شاسی D۸۵۷۹۷ و شماره موتور ۲۹۱۷۷۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. حسینی ـ آباده

برگ کمپانی سواری پیکان تیپ دولوکس مدل ۷۷ به رنگ سفید روغنی به شماره انتظامی ۷۸-۵۹۳ق۱۴ و شماره موتور ۱۱۱۲۷۷۵۴۶۴۹ و شماره شاسی ۷۷۴۵۶۸۴۲ به نام محمدرضا معصومی فرزند محمدحسن مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس آی مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۴۸۱ ج ۹۴ ایران ۹۶ و به شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۰۶۷۶۱ و به شماره شاسی ۸۳۰۴۸۳۳۳ متعلق به مهدی بابامحمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت پایان خدمت یوسف عباسی فرزند ابراهیم ش.ش ۵۹۱۵ متولد ۱۳۳۸ صادره اسلام‌آباد غرب مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (اسلام‌آباد غرب)

پلاک موتورسیکلت توریست به شماره شهربانی ۹۸۹۸ یزد ـ ۱۹ بنام محمد صادق امیدوارپناه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. حسینی ـ آباده

پلاک موتورسیکلت بادران گستر به شماره شهربانی ۹۸۳۱۷ اصفهان ۱۴ بنام مرادعلی طالبی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. حسینی ـ آباده

نوبت اول کارت معافیت داود حیدری فرزند حسین به ش‌ش ۴۲۶۲ تاریخ تولد ۱۳۶۶/۱۰/۱۷ صادره از آباده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. حسینی ـ آباده

(نوبت اول) کارت معافیت خدمت وظیفه عمومی قاسمعلی اسکندری فرزند صفرعلی به شماره شناسنامه ۱۲۷۹ متولد ۱۳۴۲ و شماره کارت ۱۱۷۹۴۸۹۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند خودرو و برگ فروش خودرو وانت به شماره پلاک: ۶۱ـ۹۴۳ط۱۸ و شماره موتور: ۵۶۲۱۳۳ و شماره شاسی: NAZPL140TBN۲۶۸۵۳۹ به مالکیت کاکه براحمدی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

نوبت دوم کارت معافیت خدمت مهدی گندمکار، فرزند، محمد متولد: ۱۳۶۱، شماره شناسنامه: ۲۷۴۱۶، صادره از تهران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (ساوه)

آگهی مفقودی نوبت اول کارت معافیت کفالت به شماره ۲۳۳۰۱۲ بنام اینجانب قنبرعلی میرزائی ذوله فرزند محمد شریف شماره شناسنامه ۴۴۶ محل صدور صحنه متولد ۱۳۴۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. صحنه ـ سمیعیان

سند کمپانی موتور سیکلت توسکا مدل ۸۶ رنگ سربی به ش شهربانی ۵۴۶۷۲ تهران ۳۸ و ش شاسی ۱۲۵T۸۶۱۰۸۷۱ و ش موتور ۵۱۱۹ بنام محمد طوسی‌نیا مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. حسینی ـ آباده

اصل سند فروش کمپانی مادر خودرو کامیون باری چوبی ولوو ان ۱۰ مدل ۱۳۵۶ به شماره انتظامی ۹۴۱ع۱۵ ایران ۹۱ موتور ۰۱۷۶۷۴ شاسی ۰۸۷۷۰۱ بنام خانعلی فکری‌زاده اقبلاغ مفقود از درجه اعتبار ساقط است. اردبیل

۱ فقره دفترچه مهمات مربوط به سلاح شکاری دولول به شماره ۱۰۴۵۷۳۵ با شماره سریال ۹۹۹۶۶۵ بنام آقای اردشیر حیدری فرزند کریم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت ملی به شماره ۵-۳۵۷۹۶۲۹۴۵ بنام شهرام توکلی فرزند احمد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی کامیون کشنده وایت مدل ۱۹۷۴ به شماره انتظامی ۸۲۵ع۹۱ ایران ۳۳ به شماره موتور ۱۰۴۷۳۳۶۵ و شماره شاسی ۸۳۹۰۰۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت ام وی ام مدل ۱۳۸۸ به شماره شهربانی ایران ۶۲ـ۳۴۲ج۷۲ موتور MVM372FG۹۰۱۱۲۹۶ مفقود و اعتبار ندارد. (س)

(نوبت اول) کارت معافیت وظیفه عمومی اینجانب ایمان جوزی فرزند علی به ش‌ش ۵۰۴۷ ت‌ت ۱۳۵۰ صادره از دهلران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (دهلران)

برگ سبز خودرو و سواری ریو مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۱۷-۷۹۷ب۹۶ و شماره موتور ۱۰۵۴۷۵۸ و شماره شاسی NAS۶۱۰۰۲۲۸۱۱۵۶۳۲۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ارومیه ـ حسین بهمنش

سند کمپانی موتورسیکلت به شماره انتظامی ۴۴۴۵۸ اصفهان ۱۴ و شماره موتور ۷۱۷۴۸۰۲۱ و شماره تنه ۸۷۰۵۴۳۱ به نام فیروز صادقی هفشجانی مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

آگهی مفقودی نوبت اول کارت پایان خدمت بنام اینجانب مرتضی ویسی هالانی فرزند علی‌شیر متولد ۱۳۶۳ شماره شناسنامه ۳ کدملی ۶-۹۷۷۷۶۱-۴۹۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. صحنه ـ سمیعیان

نوبت سوم کارت پایان خدمت محمدرضا اهالی آباده فرزند مرتضی به ش ش ۲۲۳ متولد ۶۲/۱۰/۷ اعزامی ۸۶/۱۲/۱ ترخیصی ۸۸/۵/۱ از آ ز رم مقدماتی ولی‌عصر آباده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. حسینی ـ آباده

برگ وضعیت و تعدادی از ریز اسناد خودرو سواری رنو مدل ۶۳ رنگ سفید به شماره شهربانی ۳۹۴ق۲۵ ایران ۷۳ و ش موتور ۹۰۱۳۷۴۶ و ش شاسی ۹۱۰۲۷۲ بنام محمدرضا اسمعیلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. حسینی ـ آباده

آگهی مفقودی برگ سبز و سند خودرو سواری پژو پارس به شماره شهربانی ۲۲۹س۲۷ ایران ۵۴ و شماره موتور ۱۲۴۸۵۰۴۲۴۰۲ و شماره شاسی ۱۹۳۵۱۸۴۸ متعلق به امیر زمانی زینلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. یزد

کارت پایان خدمت اینجانب امین ایرانی راوری متولد ۱۳۵۷ به شماره شناسنامه ۴۷۹ و نام پدر علی صادره از کرمان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

نوبت سوم پروانه تاسیس آزمایشگاه به شماره ۲۳/۷/۸۸۳/پ بنام دکتر منوچهر براتی واقع در بخش ۵ شهر گچساران خیابان بلادیان تاریخ اعتبار ۱۳۹۱/۴/۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی سند کمپانی کامیون کمپرسی بنز مدل ۱۳۵۳ به رنگ زیتونی روغنی و به شماره شهربانی ۵۴-۷۱۵ع۵۷ و شماره موتور ۱۰۰۰۴۰۹۴ و شماره شاسی ۱۰۹۴۳۰۰۹ بنام محمدکاظم اربابی‌فر مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. یزد

اخبار کوتاه شهرستان

برگزاری نمایشگاه رمضان در شهرهای اراک، ساوه و خمین

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: نمایشگاه رمضان کمیته امداد امام خمینی (ره) با ۹۵ غرفه از تولیدات خانواده‌های مددجو در شهرهای اراک، ساوه و خمین به طور همزمان برگزار شد.مهندس محسن ولینی مدیرکل کمیته امداد امام خمینی(ره) استان مرکزی با بیان مطلب بالا افزود: در این نمایشگاه صنایع دستی و مواد غذایی با ۱۰ درصد تخفیف به خریداران عرضه می‌شود.وی با اشاره به برگزاری برنامه‌های متنوع در قالب مسابقات فرهنگی، نمایش عروسکی، تئاتر، تعزیه، سخنرانی و مسابقه پیامکی ویژه بازدیدکنندگان در حاشیه این نمایشگاه، افزود: در این نمایشگاه سه غرفه مخصوص طرح اکرام ایتام، یک غرفه برای بیماران سرطانی و صعب‌العلاج و یک غرفه نیز برای آزادی زندانیان در نظر گرفته شده است.محمود ایوزی مدیر کمیته امداد امام خمینی(ره) اراک نیز گفت: در غرفه اکرام ایتام، ٦۳ حامی حمایت ۷۵ نفر از ایتام را عهده‌دار شده‌اند.او ادامه داد: در ماه مبارک رمضان در شهرستان اراک ۲٤۹ نفر حامی، حمایت ۲۹۳ نفر از ایتام را متقبل شده‌اند.

اجرای ویژه‌برنامه ورزش‌های باستانی در بوستان ملت مشهد

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: با حضور ۱۰۰۰ شهروند مشهدی، ویژه برنامه ورزش‌های زورخانه‌ای و باستانی در بوستان ملت این شهر برگزار شد.در این مراسم، گروه ورزش باستانی و هنرهای زورخانه‌ای وکیل‌آباد با انجام حرکات ورزشی و هنری خود به اجرای نمایش‌های مختلف پرداختند.در ماه مبارک رمضان همچنین مسابقات جام رمضان نیز در هفت رشته ورزشی و همایش‌های تفریحی و ورزشی برگزار شد.

ساخت کارخانه تولید کود آلی در رشتخوار

رشتخوار ـ خبرنگار اطلاعات: عملیات ساخت کارخانه تولید کود آلی با اعتبار یک میلیارد ریال در رشتخوار آغاز شد.

محمد رستمی مدیر جهاد کشاورزی رشتخوار با اعلام این مطلب، گفت: به مناسبت هفته دولت، ۷ طرح بزرگ بخش کشاورزی در این شهرستان به بهره‌برداری خواهد رسید.وی اظهار داشت: اعتبار صرف‌شده در طرح‌های آماده بهره‌برداری جهاد کشاورزی در هفته دولت، حدود ۱۸۰ میلیارد ریال است.وی افزود: این طرح‌ها شامل لوله‌گذاری موتور پمپ‌های کشاورزی، مرمت و احیای قنوات، ساخت استخرهای دومنظوره و اجرای طرح‌های آبیاری تحت فشار، لوله‌گذاری انتقال آب و کلنگ‌زنی واحد تولید کود آلی است.مدیر جهاد کشاورزی رشتخوار، خانوارهای بهره‌مند از اجرای این طرح‌ها را حدود ۱۰۰۰ خانوار اعلام کرد و گفت: با بهره‌برداری از این پروژه‌ها اشتغال پایدار برای مردم این شهرستان ایجاد می‌شود.

۹۰۰ فرصت شغلی امسال در رشتخوار ایجاد می‌شود

* فرماندار رشتخوار گفت: امسال با تسهیلات توسعه کشاورزی ۹۰۰ فرصت شغلی در این شهرستان ایجاد می‌شود.هاشم جنگی به ابعاد مختلف مقوله اشتغال اشاره کرد و گفت: اشتغال از جمله موارد مهم در جامعه بوده که در رشتخوار نیازمند توجه ویژه است.وی افزود: اگر بتوانیم مشکل اشتغال را حل کنیم، بسیاری از معضلات ما حل می‌شود و با برطرف‌کردن این مشکلات می‌توان بسیاری از موانع موجود در جامعه را از سر راه برداشت. فرماندار رشتخوار، به واگذاری سهمیه‌های مختلف اشتغال به ادارات و نهادهای دولتی اشاره کرد و افزود: زمینه‌های اشتغال در این شهرستان فراهم شده است و باید اعضای کارگروه اشتغال با برنامه‌ریزی دقیق، تمام وظایف خود را در این زمینه انجام دهند.

۱۸ مرداد؛ اوج مصرف برق در گیلان

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: امسال با شروع فصل گرما بیشترین اوج برق مصرفی در گیلان، ۱۸ مرداد و به میزان ۱۱۷۸ مگاوات بوده است.مدیرعامل توزیع برق منطقه‌ای گیلان با اعلام این مطلب افزود: پارسال بیشترین پیک بار برق مصرفی در استان ۱۲۰۰ مگاوات مربوط به روز دهم مرداد به ثبت رسیده است.جمشید طالبی علت کاهش مصرف برق در تابستان امسال را اقدام‌های پیشگیرانه این شرکت برای مصرف بهینه، همکاری مردم و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها بیان کرد.وی با اشاره به لزوم توجه بیشتر مردم به ساعات پیک مصرف در فصل گرما یادآور شد: ساعات اوج مصرف ۱۱ تا ۱۵ و ۱۸ تا ۲٤ تا پایان شهریور است.وی گفت: گیلان چهارمین شرکت بزرگ توزیع برق در کشور است که هم‌اکنون بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار مشترک دارد که برق این شمار مشترک از طریق ۲٦ هزار کیلومتر شبکه توزیع و ۱۵ هزار پست تأمین می‌شود و سالانه به‌طور متوسط ۵۰ هزار مشترک نیز به مشترکان این استان اضافه می‌شود.

تکمیل راه اصلی قوچان ـ بام ـ اسفراین تا پایان سال ۹۱

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل راه و شهرسازی خراسان‌رضوی از اجرای قطعات باقیمانده راه اصلی قوچان ـ بام ـ اسفراین طبق مصوبه هیات دولت تا پایان سال ۹۳ خبر داد.

مهندس محمدرضا قاسمی گفت: از جمله مصوبات چهارمین سفر استانی هیات دولت به خراسان رضوی، اجرای قطعات باقیمانده محورهای اصلی قوچان ـ بام ـ اسفراین و مشهد ـ سرخس در سال‌های ۹۱ تا ۹۳ بود که امید است با تامین اعتبار و اجرای این پروژه، ضمن رشد میانگین شبکه راه‌های استان، ایمنی تردد و سرعت ترانزیت در محورهای استان نیز افزایش یابد.

وی به شروع عملیات اجرایی باند دوم سبزوار ـ قوچان تا سال ۹۳ اشاره کرد و گفت: این پروژه که از مهمترین پروژه‌های عمرانی خراسان رضوی به شمار می‌رود با هدف کاهش مسیر ترانزیتی مرکز به شمال شرق، افزایش سطح ایمنی محورها و کاهش بار ترافیکی محورهای منتهی به مشهد از چندی پیش آغاز شده است و امیدواریم برای خدمت‌رسانی بهتر به مردم استان شرایط لازم برای تکمیل این پروژه هرچه سریعتر مهیا شود.

او تکمیل پروژه تعریض بزرگراه مشهد ـ گلبهار تا پایان سال ۹۲ را از دیگر مصوبات این سفر برشمرد و افزود: این محور به دلیل قرار گرفتن در مسیر ترانزیتی مشهد ـ قوچان ـ باجگیران و مشهد ـ قوچان ـ درگز ـ لطف‌آباد، برقراری ارتباط بین مشهد و شهر جدید گلبهار و مسیر اصلی ارتباط بین مشهد و استان‌های شمالی کشور و دسترسی زائران امام‌رضا(ع) دارای اهمیت فراوانی است و تکمیل به موقع این پروژه حمایت همه‌جانبه دستگاه‌های مرتبط را می‌طلبد.

قاسمی تکمیل کنارگذرهای تربت جام و فریمان و باند دوم تربت جام ـ فریمان را از دیگر مصوبات هیات دولت در استان برشمرد.

وی گفت: این پروژه‌ها که در مسیر بزرگراه شریانی ترانزیتی مشهد ـ سنگ بست ـ فریمان ـ تربت جام ـ تایباد ـ دوغارون قرار دارد، به دلیل حساسیت بالا و اهمیت استراتژیک این بزرگراه باید مورد توجه بیش از پیش قرار بگیرد و تخصیص به موقع اعتبارات، اصلی‌ترین نیاز تکمیل این پروژه‌ها است.

نخستین شهردار شهر جدید پرند کار خود را آغاز کرد

بخش گلستان – خبرنگار اطلاعات: فرماندار رباط کریم گفت: براساس آخرین آمارگیری نفوس و مسکن درسال ۹۰ بیش از ٦۰ هزار نفر در شهر جدید پرند ساکن هستند که ۳۲ هزار نفر جمعیت ثابت و بقیه به صورت شناور در این شهر زندگی می‌کنند.

بیژن سلیمانپور درآیین تاسیس شهرداری و معارفه نخستین شهردار شهر جدید پرند که در سالن اجتماعات دانشگاه پیام‌نور این شهر برگزار شد افزود: با احتساب جمعیت ۷۰۰ هزار نفری برای پرند و اجرای پروژه مسکن ۱۰۰ هزار نفری مهر در این شهر و کاستی‌های موجود، شهرپرند نیازمند توجه بیشتری از سوی مسئولان است تا شرایط زندگی بهتر برای شهروندان مهیا شود.

وی در ادامه از استاندار تهران و معاونان استانداری خواست با توجه به شرایط موجود پرند هرچه زودتر دستور لازم را دربارهٔ تصویب چارت تشکیلاتی شهرداری بدهند.

فرماندار رباط‌کریم همچنین خواستار استقرار ادارات خدمت‌رسان بعد از شهرداری در شهر جدید پرند شد و گفت: شهروندان پرند درحال حاضر نیاز به خدمات فراوان دارند که با استقرار ادارات خدمت رسان و پیگیری بخشداری پرند این مهم انجام خواهد شد.

در این مراسم نخستین شهردار شهر جدید پرند همزمان با برگزاری آیین تاسیس شهرداری در این شهر با حضور استاندار تهران معرفی شد.

در این مراسم مدیرعامل شهرجدید پرند نیز گفت: از ۷۳۳٦ هکتار فاز موجود در پرند ٤٤۷ هکتار تحویل شهرداری این شهر می‌شود.

سعید صابونی، با بیان اینکه شهر جدید پرند اولین و از بزرگترین شهرهای جدید کشور است، گفت: امروز ۳ فاز از فاز پرند به شهرداری واگذار می‌شود.

وی از افتتاح مسجد جامع این شهر در فاز ۲ تا پایان آبان خبرداد و گفت: این مسجد در زمینی به مساحت ٦۸۰۰ مترمربع ساخته شده است.

مدیرعامل شهر پرند اشاره‌ای هم به مسکن مهر ۱۰۰ هزار واحدی پرندکرد و گفت: ۷۵ هزار واحد به مرحله پایان سفت‌کاری و ۳۵ هزار واحد به مرحله نازک‌کاری رسیده که ۱۲ هزار واحد آن افتتاح شده است و ۸۰۰۰ واحد دیگر در نوبت افتتاح قراردارد.

وی با بیان این‌که ۱۵ هزار واحد دیگر هم منتظر دستگاه‌های خدمت رسان است اظهار داشت: در مسکن مهر ۱۰ مسجد در فازهای ۳ تا ٦ درحال ساخت و ۱٤ مدرسه ساخته شده تحویل سازمان نوسازی مدارس شده است. وی از دو شیفته شدن مدارس در سال جدید تحصیلی به‌علت کمبود مدارس خبرداد و گفت: مترو پرند آماده ریل‌گذاری است و پل‌های آزاد راه تهران – ساوه و جاده رباط‌کریم – ساوه هم تا آخر شهریور و مهر به پایان می‌رسد.

در ادامهٔ این مراسم همچنین امام جمعه پرند با بیان این‌که درحال حاضر ۷ تا ۸۰۰۰ نفر در یک مجتمع که جز مسکن‌مهراست، ساکن هستند، گفت: جمعیت۳۲ هزار نفری پرند مربوط به فازهای اولیه این شهر است.

حجت‌الاسلام محمد خدیری اظهار داشت: سال ۸۸ قول استقرار شهرداری از استاندار تهران گرفته شد با وجودی که این موضوع دیر شد اما بالاخره این نعمت نصیب مردم شد.

وی با بیان این‌که شهرداری درحال حاضر با درجه ۳ شروع به کارکرده است خواستار قوت بخشیدن به این نهاد از سوی مسؤلان بخصوص استانداری تهران شد و گفت: انبوه حضور مردم و شهروندان ولایی و انقلابی به حمایت‌های مادی و معنوی و کمک نیاز دارند و توجهات در همین جا تمام نشود.

خدیری خطاب به نخستین شهردار پرند گفت: باید بدانید که در تاریخ این شهر نوشته خواهد شدکه نخستین شهردار چگونه آمد و چه کار کرد؟ بنابر این شهردار باید در همکاری و تماس مستقیم با استانداری تا انتخابات شوراها شهر را به درجه‌ای مطلوب برساند.

امام جمعه پرند با تبریک به «همتی» شهردار پرند و تشکر از زحمات مدیریت صابونی مدیرعامل پرند، خواستار انتقال به تمام معنای فازهای مورد نظر از سوی شرکت عمران پرند به شهرداری شد.

ایجاد سکوی کتاب در ورودی‌های شهر تفت

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: سکوهای کتاب برای نخستین بار در استان یزد در مبادی ورودی و خروجی شهر تفت ایجاد می‌شود.

ابوالقاسم دهقان، فرماندار تفت با بیان این مطلب در جلسه مشترک انجمن کتابخانه‌های عمومی و کمیته سند نهضت مطالعه مفید شهرستان افزود: کتاب و کتابخوانی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است و باید دقت کرد هر کتابی در دست مراجعه کننده قرار نگیرد.

وی گفت: با راه‌اندازی ایستگاه‌های کتاب در تفرجگاه‌های مختلف تفت به دلیل اینکه منطقه‌ای ییلاقی است و از شهرستان‌های پررفت و آمد استان یزد محسوب می‌شود می‌توان کتاب را به راحتی در دسترس مردم قرار داد.

هادی قاسمی، رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی تفت هم با ارائه گزارشی از عملکرد کتابخانه‌های شهرستان افزود: تفت از نظر سرانه فضای مطالعه مقام نخست استان را دارد ولی آمار عضویت و امانت در کتابخانه‌های شهرستان راضی‌کننده نیست.

وی گفت: آمار عضویت پایین باعث می‌شود درجه فرهنگی کتابخانه کاهش یابد و به دنبال آن سهمیه منابع ارسالی به آن کتابخانه نیز با کاهش روبرو شود.قاسمی با اشاره به راه‌اندازی «سامانه یکپارچه مدیریت کتابخانه‌های عمومی» در شهرستان گفت: اعضای کتابخانه‌ها از این پس می‌توانند از طریق این سامانه و به صورت آنلاین به اطلاعات تمام کتاب‌های کتابخانه‌ها در سطح کشور دسترسی داشته باشند و کتاب موردنظر خود را جستجو کنند.

وی به اجرای طرح «کتاب من» در همه کتابخانه‌های استان یزد اشاره کرد و افزود: اعضا می‌توانند کتاب‌های مورد نیاز خود را که در کتابخانه موجود نیست، از طریق این سامانه سفارش دهند تا کتاب موردنظر خریداری شود و به صورت رایگان در اختیارشان قرار گیرد.

دانشکده معماری بوشهر دهه فجر به بهره‌برداری می‌رسد

بندر بوشهر ـ خبرنگار اطلاعات: دانشکده هنر و معماری بوشهر که از سال ۸۵ عملیات اجرایی آن آغاز شده است، در دهه فجر امسال به بهره‌برداری می‌رسد.محمدحسین جهانبخش استاندار بوشهر در بازدید از مراحل ساخت دانشکده معماری و مصلای جدید بوشهر با اعلام این مطلب، افزود: این دانشکده با اعتبار ۷۰ میلیارد ریال ساخته شده که زمینه آموزش علاقه‌مندان به رشته‌های معماری و هنر را فراهم خواهد کرد.

وی اضافه کرد: طراحی این دانشکده براساس معماری سنتی بوشهر است و می‌تواند با ترویج معماری قدیم بوشهر اعتبار ویژه‌ای برای این سبک معماری در کشور کسب کند.

وی در بازدید از مراحل ساخت مصلای جدید بوشهر نیز گفت: مصلی یکی از طرح‌های با اهمیت مرکز استان به شمار می‌رود که عملیات اجرایی آن آغاز شده و برای مرحله نخست این طرح ۳٦ میلیارد ریال اختصاص یافته است.مدیرکل راه و شهرسازی بوشهر نیز گفت: دانشکده معماری با ۷۰۰۰ مترمربع زیربنا هم اکنون ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

علیرضا صفایی افزود: این سازه در تاسیسات و تزیینات براساس طرح‌های سنتی ساخته می‌شود و گنجایش ۷۰۰۰ دانشجو را دارد.

وی در مورد مصلای جدید بوشهر هم گفت: مرحله نخست این مصلی در مدت ۳٦ ماه اجرا شده است و مراحل دوم و سوم نیز پس از آن آغاز می‌شود.

فعالیت ۵ کتابخانه عمومی در دهلران

دهلران– خبرنگار اطلاعات: پنج کتابخانه عمومی در شهرستان دهلران فعال هستند.

بهزاد علیزاده رئیس انجمن کتابخانه‌های عمومی دهلران در نشست شورای اداری سند نهضت مطالعه مفید گفت: کتابخانه‌های عمومی دهلران دارای ۷۲ هزار جلد کتاب با موضوع‌های مختلف علمی– اجتماعی، سیاسی، آموزشی، فرهنگی، هنری و ورزشی هستند. به گفته وی این کتابخانه‌ها با ۷۰۰۰ عضو فعال، ماهانه ٦۰۰۰ مراجعه کننده دارند.او اعلام کرد: در راستای دستیابی به سند چشم‌انداز توسعه و مطالعه مفید، چهار کتابخانه عمومی دیگر در روستاهای دشت عباس، عین خوش، ذوالفقار و وحدت ساخته می‌شود.

علیزاده یکی از عمده‌ترین مشکلات کتابخانه‌های شهر دهلران را کمبود فضا دانست و گفت: امسال ۳ میلیارد ریال برای تکمیل مجتمع فرهنگی هنری دهلران اختصاص یافت.

در ادامه فرماندار دهلران از شوراهای اسلامی وشهرداری‌ها خواست به منظور کمک به بهسازی و نوسازی کتابخانه‌ها نسبت به پرداخت به موقع نیم‌درصد کتابخانه‌ها اقدام کنند.

حجت الاسلام موسوی امام جمعه دهلران نیز گفت: برای ارتقای سطح مطالعه در شهرستان باید از ظرفیت‌های موجود مانند نماز جمعه، مدارس و دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش، طرح صالحین سپاه و برگزاری نمایشگاه‌ها استفاده شود.وی یادآور شد: مطالعه موجب رشد و تعالی– فرهنگی جامعه می‌شود و سد محکمی در برابر تهاجم و شبیخون فرهنگی دشمنان انقلاب اسلامی خواهد بود.

برگزاری مسابقه مجازی کارمانیا در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: مسابقه ملی، علمی مجازی کارمانیا امسال توسط بنیاد ملی نخبگان استان کرمان برگزار می‌شود.

مسئول امور نخبگان بنیاد نخبگان استان کرمان با اعلام این خبر گفت: این طرح مبتنی بر تحلیل، طراحی، پیاده‌سازی، مدیریت و به روز رسانی یک سامانه جامع نرم‌افزاری است. حسین ایرانمنش هدف این طرح را ارائه روش کارآمد برای ایجاد انگیزه و استعدادیابی در سطوح علمی کشور، تعامل بیشتر با نخبگان برای رفع نیازهای علمی کشور و مشارکت نخبگان در پرورش استعدادهای جوان اعلام کرد. به گفته وی با استفاده از این سامانه امکان تعامل علمی با سطوح مختلف نخبگان به منظور استعدادیابی در سطح پایه و همچنین ارائه راهکار در پروژه‌های کاربردی در سطح پیشرفته ایجاد می‌شود.

ایرانمنش اعلام کرد: این مسابقه سطوح مختلفی دارد و شرکت‌کنندگان باید ابتدا مراحل اولیه را طی کنند.

وی یادآور شد جوایز تحصیلی بنیاد ملی نخبگان به افراد نخبه از جمله دارندگان نشان طلای کشوری المپیادهای علمی دانش آموزی ، برگزیدگان مسابقات قرآنی کشور و دانش‌آموختگان برتر دانشگاه‌ها اختصاص می‌یابد.

شالیکاران گیلان برای فروش محصول خود عجله نکنند

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس سازمان جهاد کشاورزی گیلان از کشاورزان خواست از هجوم برای فروش برنج خود پرهیز کنند.

وی افزود: این عجله کشاورزان موجب غیرمنطقی شدن قیمت برنج داخلی می‌شود.

اردشیر روحی همچنین از برداشت ٦۰ درصد خوشه‌های برنج در اراضی شالیزاری استان خبر داد و گفت: امسال سال زراعی خوبی بود و امیدواریم بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار تن شلتوک از اراضی شالیزاری گیلان برداشت شود.

او گفت: در بیش از ۸۰ هزار هکتار از اراضی شالیزاری گیلان برداشت به صورت مکانیزه انجام می‌شود.

وی دربارهٔ افت قیمت برنج داخلی گفت: در زمان برداشت، عرضه برنج زیاد است و این در حالی است که شاهد تقاضای معمولی هستیم و با پرهیز کشاورزان از هجوم برای فروش برنج، قیمت این محصول به قیمت واقعی خود برمی‌گردد.

وی اضافه کرد: برنج خارجی به هیچ وجه از نظر کیفیت به پای برنج داخلی نمی‌رسد و فقط با فروش تدریجی برنج داخلی می‌توان اثرات کاهش قیمت فصلی برنج را از بین برد.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی (نوبت دوم)
شرکت تعاونی مسکن بیمارستان دکتر شریعتی

به آگاهی اعضای محترم شرکت تعاونی مذکور می‌رساند که جلسه مجمع عمومی عادی (نوبت اول) شرکت تعاونی به دلیل عدم حصول حد نصاب قانونی رسمیت پیدا نکرد. لذا بدین‌وسیله از کلیه اعضای محترم یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی (نوبت دوم) که راس ساعت ۱٤ روز چهارشنبه مورخ ۹۱/٦/۱۵ در محل آمفی تاتر شهید پیرویان واقع در بیمارستان دکتر شریعتی تهران برگزار می‌گردد، حضور بهم‌رسانید. اضافه می‌شود، مجمع عمومی نوبت دوم با حضور هر تعداد شرکت کننده رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه در آن برای کلیه اعضاء اعم از غائب و مخالف نافذ و معتبر است.

دستور جلسه:
۱ ـ گزارش هیات مدیره
۲ ـ انتخاب هیات مدیره جدید و بازرسان

رئیس هیات مدیره شرکت‌تعاونی مسکن بیمارستان شریعتی

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده
شرکت پالایش سبز (سهامی خاص)
ثبت شده به شماره ۱۲۰٦۰۵

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت پالایش سبز دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت مورخ ۹۱/۰٦/۱۳ ساعت ۱٦ که در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد حضور بهم رساند.

دستورجلسه: تغییر اقامتگاه شرکت و اصلاح اساسنامه شرکت در آن خصوص

هیئت مدیره

آگهی مزایده

این شرکت در نظر دارد اقلام مشروحه ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مزایده ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ۹۱/٦/۱ به محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران خیابان انقلاب چهارراه کالج شماره ۷۲۷ دفتر معاونت مالی و اداری مراجعه فرمایند.

گروه‌اول:
ضایعات فلزی:ضایعات آلومینیوم ـ انواع درب یخچال فوم شده ـ انواع کابین فوم شده ـ آهن محوطه ـ کناره ورق روغنی در ابعاد مختلف ـ گالوانیزه ذوبی سفید ـ گالوانیزه دم‌دار ـ تسمه و دور رول ـ خرده مس ـ گالوانیزه چاقوئی ـ لفاف درب و کابین یخچال ـ پیچ و مهره بوش و پین

گروه‌دوم:
ضایعات پلاستیک: ضایعات کریستال (هایمپکت) ـ مواد خاکی ABS ـ مواد خاکی هیپس

گروه‌سوم:
ضایعات متفرقه : پالت چوبی ـ اتو پرس بخار ـ ماشین لباسشوئی صنعتی ـ زنجیر نقاله ـ روغنهای برگشتی ایزوسیانات ـ روغنهای برگشتی پلی اویل ـ بشکه ۲۲۰ لیتری ـ ترموستات ـ بشکه پلاستیکی ۱۰۰ لیتری ـ ضایعات فوم اسفنجی ـ کمپرسور سوخته ـ جعبه تقسیم برق یخچال ـ موتور سیکلت ضایعاتی ـ سمباده ـ تسمه پلاستیکی ـ پانل پشت پلاستیکی مقوائی ـ پلاستیک‌های ضایعاتی ـ آهن‌ربا ـ درب لباسشوئی ـ لیفتراک ۳ تن تی‌سی ـ لیفتراک ۳ تن یال.

شرکت کارخانجات تولیدی بهمن (سهامی عام)

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت بیلدیزانتگره ایرانیان (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۳۲٦۵۰۸ (درحال تصفیه)

شرکت مذکور به موجب آگهی روزنامه رسمی تغییرات به شماره ۱٤۷۵۲/ت ۹۱/۳۲ مورخ ۹۱/٤/۱۹ در شماره ۱۹٦۲۸ منحل اعلام گردید. لذا در اجرای مقررات ماده ۲۲۵ قانون تجارت بدینوسیله از بستانکاران شرکت دعوت می‌شود که در مهلت قانونی به مدیرتصفیه شرکت به نشانی تهران، خیابان شریعتی خیابان ملک پلاک ۳۲ طبقه اول واحد ٦ خانم فاطمه صادقی مراجعه نمایند. این آگهی در ۳ نوبت به فاصله یک ماه در روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات درج می‌گردد.

شرکت بین‌المللی تبدیل گاز به مایع نارکنگان
(سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۵٦٦٦٦ ـ تهران
شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۹٤۰۰۳
آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه مورخ ۱۳۹۱/۰٦/۱۵

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت و یا نمایندگان قانونی آنان دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه این شرکت که راس ساعت ۱٦ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰٦/۱۵ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران، خیابان دکتر شریعتی، خیابان داود گل نبی، میدان کتابی شماره ۱، طبقه دوم، واحد ۸ تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانند.

دستورجلسه:
ـ استماع گزارش هیأت مدیره برای عملکرد منتهی به ۱۳۹۱/۰۳/۳۱.
ـ استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی برای عملکرد منتهی به ۱۳۹۱/۰۳/۳۱.
ـ بررسی و تصویب صورت‌های مالی شامل ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به ۱۳۹۱/۰۳/۳۱ شرکت.
ـ انتخاب اعضای جدید هیأت مدیره و تعیین حق‌الزحمه آنان.
ـ تعیین بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل برای دوره مالی منتهی به ۱۳۹۲/۰۳/۳۱ و تعیین حق‌الزحمه آنان.
ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت
ـ سایر موارد در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالانه.

هیأت مدیره
شرکت بین‌المللی تبدیل گاز به مایع نارکنگان(سهامی خاص)

آگهی دعوت از بستانکاران
شرکت فرآورده‌های سیمانی آژند پرسین (سهامی خاص)
در حال تصفیه به شماره ثبت ۳۹۰۳۹۵ (نوبت اول)

پیرو آگهی انحلال مندرج در روزنامه رسمی به شماره ۱۹٦۳٦ مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۱۲ در اجرای ماده ۲۲۵ قانون تجارت بدینوسیله از کلیه بستانکاران شرکت فرآورده‌های سیمانی آژند پرسین (سهامی خاص) دعوت می‌شود با دردست داشتن مدارک مستند، حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ درج اولین آگهی به آدرس تهران، بلوار آفریقا، خیابان ناهید غربی، پلاک ۲۰، طبقه پنجم مراجعه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مدت مذکور هیچ گونه ادعایی پذیرفته نخواهد شد.

مدیرتصفیه ـ حاجی رضا ابوالفتحی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده
شرکت دانه‌داران (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۲٤٦۵ (نوبت اول)

بدینوسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان قانونی شرکت فوق‌الذکر دعوت به عمل می‌آید تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده در روز شنبه مورخ ۱۳۹۱/٦/۱۱ راس ساعت ۸ صبح در محل قانونی شرکت واقع در خیابان توحید پلاک ٤٦ حضور بهم رسانند.

دستورجلسه: با توجه به فوت احدی از عضو هیئت مدیره انتخاب و جایگزین عضو هیئت مدیره برای باقی‌مانده مدت تصدی

هیئت مدیره

شرکت سهامی خاص سامان بارز
ثبت شده به شماره ۱٦۱٤۵۰
اداره ثبت شرکتهای تهران
آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده صاحبان سهام

بدینوسیله از کلیه صاحبان محترم سهام شرکت سهامی خاص سامان بارز و یا وکلاء و نمایندگان قانونی ایشان دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۱/٦/۱۵ در محل اصلی شرکت واقع در تهران خیابان سهروردی شمالی،خیابان هویزه غربی، نبش خیابان یوسفی پلاک ۲۵ طبقه چهارم واحد ۱۵ تشکیل خواهد گردید حضور بهم‌رسانند.

دستورجلسه عبارت است از:
۱ ـ انتخاب اعضاء هیات مدیره
۲ ـ سایر موارد

هیات مدیره
شرکت سهامی خاص سامان بارز

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت سوم)
شرکت تعاونی مسکن بیمارستان دکتر شریعتی

به آگاهی اعضای محترم شرکت تعاونی مذکور می‌رساند که جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده (نوبت دوم) شرکت تعاونی به دلیل عدم حصول حدنصاب قانونی رسمیت پیدا نکرد. لذا بدینوسیله از کلیه اعضاء یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت سوم که راس ساعت ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۹۱/٦/۱۵ در محل سالن آمفی تئاتر شهید پیرویان واقع در خیابان کارگر شمالی،سه راه جلال‌آل احمد مرکز آموزشی، پژوهشی و درمانی دکتر شریعتی برگزار می‌شود حضور بهم‌رسانند.
اضافه می‌شود مجمع عمومی نوبت سوم با حضور هر تعداد شرکت کننده رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه در آن برای کلیه اعضاء اعم از غایب و مخالف نافذ و معتبر است.

دستورجلسه:
۱ ـ طرح و تصویب اساسنامه جدید شرکت تعاونی
۲ ـ تمدید مدت فعالیت شرکت تعاونی مسکن

رئیس هیات مدیره شرکت تعاونی

آگهی دعوت سهامداران شرکت کشت و صنعت ملارد (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۵٦٦٤۱
جهت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده

بدینوسیله از کلیه سهامداران دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که در ساعت ۱۷ مورخ شنبه ۱۳۹۱/٦/۱۸ در آدرس تهران ـ بزرگراه همت ـ خیابان سردار جنگل چهار راه میرزا بابایی ـ بهشت۲ ـ پلاک ۱ (نبش بانک پاسارگاد) تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند:

دستور جلسه: ۱ـ افزایش سرمایه شرکت

هیئت مدیره
شرکت کشت و صنعت ملارد (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت شیمی منبع خاورمیانه (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۱۲۵٦۵۷

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسهٔ مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده شرکت که در ساعت ۱۳ روز یکشنبه مورخ ۹۱/٦/۱۲ در محل دفتر تهران شرکت ، واقع در خیابان قائم‌مقام فراهانی پلاک ۱٤۰ طبقه سوم تشکیل می‌گردد، حضور بهم‌رسانند.

دستورجلسه: انتخاب اعضاء هیئت مدیره

هیئت مدیره

آگهی دعوت از بستانکاران
شرکت صنایع و معادن صادرات پارسیم (سهامی خاص)
در حال تصفیه به شماره ثبت ۲٤۸٤۷۱ (نوبت اول)

پیرو آگهی انحلال شماره ت ۳۲ مورخ ۱۳۹۱/۰۵/۱۸ در اجرای ماده ۲۲۵ قانون تجارت بدینوسیله از کلیه بستانکاران شرکت صنایع و معادن صادرات پارسیم(سهامی خاص) دعوت می‌شود با دردست داشتن مدارک مستند، حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ درج اولین آگهی به آدرس تهران، بلوار آفریقا، خیابان ناهید غربی، پلاک ۲۰، طبقه پنجم مراجعه نمایند. بدیهی است پس از انقضای مدت مذکور هیچ گونه ادعایی پذیرفته نخواهد شد.

مدیر تصفیه ـ حاجی رضا ابوالفتحی

آگهی تغییرات شرکت تولید کنسانتره شهد مهاباد (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۳۰۸ و شناسه ملی ۱۰۸٦۱۵۸۸۳٤۷

به استناد صورتجلسات مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده و هیات مدیره مورخه ۱۳۹۱/۵/۱ شرکت تولید کنسانتره شهد مهاباد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ گردید.
۱ـ آقای مهدی دیده‌خانی به سمت بازرس اصلی و آقای علی شیرگیر به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند.
۲ـ آقای امیر دانشور به سمت رئیس هیات مدیره و آقای حیدرقلی دانشور به سمت نایب رئیس هیات مدیره و خانم یاس دانشور به سمت عضو هیات مدیره و آقای آرمان زندی میاندوآب از خارج به سمت مدیرعامل تا مورخه ۱۳۹۲/۱/۸ انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار تعهدآور شرکت با امضای منفرد آقای امیر دانشور (رئیس هیات مدیره) همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد و اسناد عادی و نامه‌های اداری به امضای آقای آرمان‌زندی میاندوآب (مدیرعامل) همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

یوسف توحیدیان
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک مهاباد

آگهی مزایده

شرکت ملی ساختمان قصد دارد املاک زیر را از طریق برگزاری مزایده کتبی به فروش رساند.

ردیف	پلاک ثبتی	نوع ملک	قطعه	متراژ	قیمت پایه هر متر مربع / ریال	آدرس
۱	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	۳۰	۲۷۷	۲,۲۷۱,٤۰۰,۰۰۰	شهرستان قزوین مینودر طلائیه جنب پمپ گاز
۲	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	۳۱	۳۰۹.۵	۲,۵۳۷,۹۰۰,۰۰۰	
۳	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	۳۲	۲۹٤.۱۸	۲,٤۱۲,۲۷٦,۰۰۰	
٤	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	۳۳	۲۹٦.۱۵	۲,۵۱۷,۲۷۵,۰۰۰	
۵	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	۳٤	۳۳۲.۰۵	۲,۸۲۲,٤۲۵,۰۰۰	
٦	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	۳۵	۱۷٤.۰۵	۱,۵٦٦,٤۵۰,۰۰۰	
۷	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	۳٦	۱۹۰.٤۹	۱,٦۷٦,۳۱۲,۰۰۰	
۸	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	۳۷	۱۷٤.۰۵	۱,۵٦٦,٤۵۰,۰۰۰	
۹	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	۳۸	۱۹۰.٤۹	۱,٦۷٦,۳۱۲,۰۰۰	
۱۰	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	۳۹	۱۷٤.۰۵	۱,۵٦٦,٤۵۰,۰۰۰	
۱۱	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	٤۰	۱۹۰.٤۹	۱,٦۷٦,۳۱۲,۰۰۰	
۱۲	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	٤۱	۱۷٤.۰۵	۱,۵٦٦,٤۵۰,۰۰۰	
۱۳	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	٤۲	۱۹۰.٤۹	۱,٦۷٦,۳۱۲,۰۰۰	
۱٤	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	٤۳	۱۷٤.۰۵	۱,۷۲۳,۰۹۵,۰۰۰	
۱۵	۱٤۰۹/۲۸۲/۹٤	زمین مسکونی	٤٤	۱۹۰.٤۹	۱,٦۷٦,۳۱۲,۰۰۰	
۱٦	۱۷۲/۱۰۰٤۱	واحد تجاری (مغازه)	٤۹	۱۷.۷	٤۵۰,۰۰۰,۰۰۰	کرج – کیانمهر – خیابان ولیعصر بعد از میدان ولیعصر مجتمع یاس طبقه همکف
۱۷	۱۷٤/۱۰۰٤۳	واحد تجاری (مغازه)	۳۱	۳۷.۷	٦۵۰,۰۰۰,۰۰۰	

متقاضیان محترم می‌توانند جهت بازدید و اطلاع از شرایط شرکت در مزایده از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ۱۰ روز از ساعت ۹–۱۷ به آدرس تهران شهرک قدس خ ایران زمین ـ خ گلستان پ۷ شرکت ملی ساختمان مراجعه فرمایند. جهت اطلاعات بیشتر میتوانید با شماره تلفن تماس ۸۸۰۸٦۰۵۱ داخلی ۵۲۲ حاصل نمایند.

آگهی مزایده

شرکت ملی ساختمان قصد دارد موارد زیر را از طریق برگزاری مزایده کتبی به فروش رساند.

(پروژه تونل آبرسانی کاکارضا خرم آباد) ـ آدرس: خرم آباد کیلومتر ۳۰ جاده خرم آباد ـ الشتر کارگاه کاکارضا شرکت ملی ساختمان		
۱ـ ضایعات فلزی و آهن آلات حدود ۵تن ۲ـ کابل‌های برق مختلف حدود ۳۰۰۰متر ۳ـ لوله‌های پلی‌اتیلن ۳ و ٤ حدود ۳۰۰۰متر ٤ـ لاستیک فرسوده ٦۰حلقه	۵ـ میلگرد ضایعاتی حدود ۲۰تن ٦ـ لوله‌های مانیسمان حدود ۳۰۰متر ۷ـ سوله فلزی مستعمل ٤عدد ۸ـ لوازم اداری و خانگی مستعمل یک گروه	
پروژه سد و شبکه آبیاری گلابر آدرس: زنجان ـ سه راهی بیجار ـ جاده بیجار ـ بطرف روستای جوقین بطرف روستای گلابر کارگاه سد گلابر تلفن ۳۸٤۳٤۳۹۰ـ۰۲٤۲		
۱ـ سیلوی سیمان ۵۰۰تنی مستعمل	۲ـ تانکر مستعمل دو عدد	۳ـ تانکر مستعمل دو عدد
(پروژه آزادراه زنجان ـ تبریز) آدرس «آزادراه زنجان ـ تبریز ۱۰ کیلومتر مانده به سه راهی هشترود ـ جنب روستای تار قلی ـ کارگاه شرکت ملی ساختمان		
۱ـ سپری گارد ریل نو حدود ۵٤تن		
(پروژه آزادراه تهران ـ شمال) آدرس: کیلومتر ۲۰ جاده چالوس مرزن آباد ـ پل ذغال کارگاه شرکت ملی ساختمان تلفن ۲۷۳٤٦۷۱ـ۰۱۹۲		
۱ـ ضایعات آهن آلات حدود ۳۰تن		
(پروژه انبار مرکزی) تهران ـ بازار آهن شاد آباد خ۱۷ شهریور خ شهدای بسیج، پلاک ۱۹ تلفن ٦٦۸۱۷۹٤٦		
۱ـ پژو سواری ٤۰۵ دو دستگاه	۲ـ وانت نیسان اوراقی یک دستگاه	۳ـ لوازم اداری و کامپیوتر
(پروژه فولاد کاوه جنوب) آدرس: بندرعباس نرسیده به اسکله شهید رجایی ـ منطقه ویژه صنایع معدنی و فلزی خلیج‌فارس تلفن ۵۵٦۲۲۱۰ – ۰۷٦۱		
۱ـ یک دستگاه بچینگ پارس لیپهر با دو عدد سیلو یکصد تنی و یک دستگاه باسکول ٦۰تنی		

متقاضیان محترم می‌توانند جهت بازدید و اطلاع از شرایط شرکت در مزایده از تاریخ انتشار آگهی به مدت ۷ روز کاری از ساعت ۹–۱۷ به آدرس‌های فوق مراجعه فرمایند. جهت اطلاعات بیشتر می‌توانید با شماره تلفن ۸۸۰۸٦۰۵۱ داخلی ۵۲۲ تماس حاصل نمایید.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی
شرکت تعاونی مسکن کارکنان سازمان حج و زیارت (نوبت اول)

بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم شرکت تعاونی مسکن کارکنان حج و زیارت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی (نوبت اول) که راس ساعت ۱۵ روز یکشنبه مورخ ۹۱/۰٦/۱۹ در محل آمفی تئاتر سازمان تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.
در صورتیکه حضور در مجمع میسر نباشد می‌توانند اعمال رای از سوی خود را به نماینده تام‌الاختیار خود واگذار نمایند.

دستورجلسه:
۱ ـ استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس
۲ ـ بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص صورتهای مالی سال ۹۰
۳ ـ گزارش آخرین وضعیت پروژه رضوان
٤ ـ انتخاب بازرس

هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت تعاونی دامپزشکان امین (نوبت اوّل)
شماره ثبت ۱۵۳۰۱۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که راس ساعت ۱٦ روز پنجشنبه ۹۱/٦/۲۳ در محل دفتر شرکت برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستورجلسه:
۱ ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس
۲ ـ بررسی و تصویب صورتهای مالی، تراز، حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۰/۱۲/۲۹
۳ ـ تعیین و تصویب خط‌مشی و برنامه‌ها و بودجه سال ۹۱
٤ ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره
۵ ـ انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت بازرسی
٦ ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۷ ـ انجام حسابرسی سالیانه ۸٤ لغایت ۹۰ توسط حسابرس رسمی دادگستری

هیئت مدیره
شرکت تعاونی دامپزشکان امین

مدافعان کرخه

*بخش اول

* سرتیپ دوم بازنشسته سید مجتبی تهامی

***یگان‌های لشکر ۲۱ حمزه، در صبح روز بیست و سوم مهر ۱۳۵۹ با عبور از کرخه و عبور از خط پدافندی تیپ ۲ در سرپل غرب کرخه به مواضع نیروهای عراقی در منطقه سه‌راهی سرخه تک کردند. در این عملیات تلفات و ضایعات زیادی به دشمن وارد شد**

***با نظارت مستقیم شهید فلاحی، فرمانده نیروی زمینی و همکاری مسئولان استان خوزستان و لشکر۹۲، برای جلوگیری از پیشروی نیروهای عراقی به سوی اهواز، طرح سد و موانع آبی در حدفاصل نیروهای خودی و دشمن، با استفاده از آب انشعاب‌های رودخانه کرخه در منطقه و روستای کوهه واقع در غرب اهواز با موفقیت اجرا شد**

ذکر فداکاری‌ها و رشادت‌های رزمندگان ارتش اسلام، به‌ویژه آنان که در روزهای آغازین تجاوز ناجوانمردانه ارتش بعث عراق، دلاورانه در مقابل آنان ایستادگی کردند و با نثار خون خود، راه دشمن را سد و آنها را وادار به اتخاذ مواضع پدافندی در زمین‌های نامناسب کردند، همیشه شنیدنی و خواندنی است. یکی از فرماندهان دلیری که بر این کار همت می‌گمارد امیر سرتیپ دوم بازنشسته سیدمجتبی تهامی است که در زمان آغاز جنگ تحمیلی فرماندهی گردان ۲۸۳ سوار زرهی لشکر ۹۲ زرهی اهواز را بر عهده داشته است.

به گزارش هیات معارف جنگ سپهبد شهید صیاد شیرازی وی می‌گوید:

سد کامل پیشروی یگان‌های ارتش عراق درغرب رودخانه کرخه در جسر نادری، به سوی خطوط مواصلاتی اهواز، شهرهای دزفول و اندیمشک، پایگاه‌ها، آمادگاه‌ها و تأسیسات حیاتی منطقه شمال استان خوزستان، با یاری و هدایت خداوند و عملیات مشترک راهکنشی [تاکتیکی] و تخصصی مسئولانه، قاطعانه و هدفمند یگان‌های زمینی و هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و در شرایط بحرانی شدید و مقطع زمانی عصر روز چهارم تا صبح روز نهم مهر ۱۳۵۹ حاصل شد. گردان ۲۸۳ سوار زرهی در شرایط بحرانی عصر روز چهارم مهر ۱۳۵۹ به‌عنوان تنهایگان خط مقدم نبرد با استقرار در سواحل شرقی رودخانه و پل کرخه و خط الرأس‌های نظامی ارتفاعات کمانه بزرگ با توکل به ذات اقدس خداوند قادر متعال و بهره‌گیری از تجربه‌های گذشته و استفاده از عوارض حساس منطقه و مانع طبیعی رودخانه کرخه، تصمیم به پدافند قاطع در جسر نادری گرفت. رزمندگان شجاع و ایثارگر گردان با برخورداری از پشتیبانی‌های بی‌دریغ آتش گردان ۳۲۰ توپخانه کمک مستقیم تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی و دو آتشبار ۱۷۵مم و کاتیوشا که قبل از ظهر روزهای پنجم و ششم مهر ۱۳۵۹ به منطقه وارد شدند و پس از توجیه حضوری، در تقویت آتش گردان ۳۲۰ قرار گرفتند و نیز با پشتیبانی‌های نزدیک هوایی خلبانان شجاع نیروی هوایی ارتش که روزانه در چندین نوبت، یگان‌های آرایش یافته ارتش عراق را در ساحل غربی رودخانه کرخه و در حد فاصل پاسگاه جسرنادری تا سه‌راهی سرخه، زیر بمباران‌های سنگین و دقیق خود قرار می‌دادند، تک‌های هماهنگ شده و پی‌درپی یگان‌های عراقی را در روزهای پنجم، ششم و هفتم مهر ۱۳۵۹، برای عبور از رودخانه کرخه، درهم شکستند.

انهدام پی‌درپی تانک‌ها و ادوات زرهی دشمن و تحمیل تلفات و ضایعات سنگین به یگان‌های متجاوز عراق توسط موشک‌اندازهای تاو، تانک‌ها و سایر رزمندگان گردان در خط مقدم نبرد و نیز آتش‌های پرحجم توپخانه‌های موجود و بمباران‌های سنگین شکاری بمب‌افکن‌های تیزپرواز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در قالب عملیات مشترک، یگان‌های دشمن را وادار به عقب‌نشینی به منطقه سه‌راهی سرخه کرده و زمین‌گیر ساخت. یگان‌های عراقی بر اثر تحمل تلفات و ضایعات سنگین، روحیه و انگیزه خود را برای اجرای تک‌های بعدی در آن منطقه از دست دادند. پس از ملاقات غیرمنتظره این جانب در ساعات پایانی (ساعاتی از شب گذشته بود) روز چهارم مهر در پادگان تخلیه شده پای پل کرخه با مرحوم سرهنگ شهبازی فرمانده تیپ ۲ زرهی دزفول، سرگرد محمدجعفر لهراسبی فرمانده گردان ۲۵۶ تانک و ستوان‌یکم ختایی‌زاده یکی دیگر از افسران آن گردان، از آنان دعوت کردم شب را در گردان ۲۸۳ سپری کنند که مورد قبول واقع شد. از صبح روز پنجم مهرماه با توجه به شرایط بحرانی منطقه و پیشنهاد من، مرحوم شهبازی به حضور خود در گردان ادامه داد و افسر ناظر مقدم هوایی نیز در قبل از ظهر روز پنجم مهر به گردان وارد شد و برای اجرای پشتیبانی‌های نزدیک هوایی در گروه فرماندهی و دیدگاه گردان استقرار یافت. حضور مرحوم شهبازی و افسر ناظر مقدم هوایی در گروه فرماندهی گردان، نقشی تعیین‌کننده و حیاتی در تبادل‌نظر و حصول هماهنگی‌های دقیق بین گردان ۲۸۳ در خط‌مقدم نبرد بایگان‌های توپخانه و شکاری بمب‌افکن‌های نیروی هوایی برای سد کامل پیشروی ارتش متجاوز عراق در جسر نادری ایفا کرد و شرایط لازم را برای اجرای پاتک شجاعانه و موفقیت‌آمیز یگان‌های تیپ ۲ زرهی در صبح روز نهم مهر ۱۳۵۹ و تصرف سرپل و تحکیم آن در غرب رودخانه کرخه فراهم ساخت.

***تک لشکر ۲۱ حمزه**

یگان‌های لشکر ۲۱ حمزه، در صبح روز بیست و سوم مهر ۱۳۵۹ با عبور از کرخه و عبور از خط پدافندی تیپ ۲ در سرپل غرب کرخه به مواضع نیروهای عراقی در منطقه سه‌راهی سرخه تک کردند. در این عملیات تلفات و ضایعات زیادی به دشمن وارد شد و یگان‌های لشکر ۲۱ حمزه نیز متحمل تلفات و خسارات سنگینی شدند و سرانجام برای تقویت مواضع پدافندی یگان‌های خودی، در خط سرپل و ارتفاعات کمانه بزرگ استقرار یافتند.

مأموریت جدید واگذاری عملیات به گردان۲۸۳ از سوی لشکر ۹۲ زرهی، پوشش سواحل شرقی رودخانه کارون، از روستای بریچه در جنوب اهواز تا جنوب روستای اسماعیلیه و مسئولیت فرماندهی جبهه شرق کارون بود که به نام جبهه فارسیات شهرت داشت. در این عملیات نیروهای پاسگاه ژاندارمری روستای شمریه، واقع در ساحل غربی رودخانه کارون، به فرماندهی ستوان‌یار دست‌فروش در کنترل عملیاتی گردان قرار گرفتند و با گروه‌های تفنگدار گروهان‌های رزمی گردان، تقویت شدند و در چندین سنگر دیدبانی و رزمی جداگانه در سراسر ساحل غربی کارون، در عرض منطقه واگذاری به گردان استقرار یافتند.

چندین فروند قایق جمینی از نیروی دریایی و دو فروند قایق سنگین از گردان مهندسی لشکر ۹۲ زرهی هم برای جابه‌جایی نیروهای گردان در طول رودخانه و سواحل شرقی و غربی آن و تدارک آنها به گردان مأمور شدند. یک گردان توپخانه ۱۵۵مم از گروه ۱۱ مراغه و یک گردان توپخانه ۱۰۵مم با دو آتشبار تیر و نیز یک آتشبار توپخانه ۱۳۰مم، مأموریت کمک مستقیم و تقویت آتش جبهه شرق کارون را عهده‌دار بودند.

در غرب رودخانه کارون هم، پیشروی نیروهای متجاوزعراقی به سوی اهواز توسط یگان‌های تیپ یک لشکر ۹۲ زرهی سد شده و خط‌مقدم نبرد، در منطقه دب حردان و جنوب غربی کارخانه لوله‌سازی نورد، در حدود ۱۲ کیلومتری جنوب غربی اهواز واقع شده بود.

با نظارت مستقیم شهید فلاحی، فرمانده نیروی زمینی و همکاری مسئولان استان خوزستان و لشکر۹۲، برای جلوگیری از پیشروی نیروهای عراقی به سوی اهواز، طرح سد و موانع آبی در حدفاصل نیروهای خودی و دشمن، با استفاده از آب انشعاب‌های رودخانه کرخه در منطقه و روستای کوهه واقع در غرب اهواز با موفقیت اجرا شده و مناطق زیادی در جناحین جاده اهواز به خرمشهر و سواحل غربی رودخانه کارون را آب فراگرفته و رفته‌رفته وسعت آب‌گرفتگی در حال افزایش بود.

قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب، عملیات نصر را با هدف آزادسازی منطقه عمومی هویزه و پادگان حمید از اشغال نیروهای متجاوز عراق طرح‌ریزی کرده بود. به موجب این طرح لشکر ۱۶ زرهی، مأموریت داشت با تیپ یک قزوین و تیپ ۳همدان و تیپ ۲ لشکر ۹۲زرهی و یک گردان از سپاه پاسداران و یک گروهان از نیروهای جنگ‌های نامنظم شهید چمران در منطقه عمومی هویزه اقدام به تک کرده و از سمت شمال‌غرب برای آزادسازی پادگان حمید پیشروی کند و لشکر ۹۲ زرهی هم مأموریت داشت با تیپ یک زرهی در جبهه نورد- دب حردان واقع درجنوب غربی اهواز تک کرده و با گردان ۲۸۳ سوار زرهی و گردان ۲۹۱ تانک لشکر ۷۷ هم که از کنترل عملیاتی لشکر ۲۱ حمزه در جسرنادری خارج شده و به منطقه اهواز نقل مکان کرده و در کنترل عملیاتی لشکر ۹۲ زرهی قرار گرفته بود، در شرق روستای صفحه ۲ واقع در جنوب اهواز با عبور از رودخانه کارون تک دیگری را از سمت شرق به مواضع نیروهای عراقی در منطقه پادگان حمید اجرا و بایگان‌های لشکر ۱۶ زرهی الحاق کند.

لشکرهای ۱۶ و ۹۲ زرهی براساس مأموریت‌های محوله عملیات نصر را طرح‌ریزی کردند. محل استقرار پل شناور پی.ام.پی توسط گروهان پل گردان مهندسی لشکر ۹۲ زرهی بر روی رودخانه کارون در شرق روستای صفحه ۲ پیش‌بینی شده بود. روستای صفحه۲ در غرب کارون و شرق پادگان تازه تأسیس حمید و در حدود ۴۰ کیلومتری جنوب اهواز واقع شده است.

کارهای ساخت‌وساز پادگان حمید تا قبل از حمله عراق به علت این که در اختیار پیمانکاران قرار داشت، به‌طور کامل انجام نشده بود و به‌طور دائم یگانی در آن مستقر نبود.

همان‌گونه که گفته شد، طرح سد و موانع آبی در حال اجرا و منطقه وسیعی در حدفاصل منطقه عملیات عبور، از رودخانه کرخه گردان‌های ۲۸۳ و ۲۹۱ و خط پدافندی یگان‌های تیپ ۱ لشکر ۹۲ در جنوب غربی اهواز را آب فراگرفته و ارتباط زمینی در غرب رودخانه کارون، بین یگان‌های عبورکننده از رودخانه در محل صفحه ۲ ویگان‌های جبهه نورد- دب حردان در جنوب غربی اهواز قطع شده بود. بنابراین چنانچه پل شناور توسط هواپیماهای عراقی در طول عملیات بمباران و منهدم می‌شد تا تعویض قطعات پل، برای چند ساعت یگان‌های عبورکننده از کارون با از دست دادن خطوط ارتباطی و تدارکاتی زمینی خود دچار بحران و در منطقه‌ای محصور می‌شدند که مانع عظیم طبیعی کارون را در پشت‌سر داشت. از جناح راست ارتباط آنها بایگان‌های تیپ یک لشکر ۹۲ قطع بود، در مقابل با پاتک‌های پی‌درپی یگان‌های عراقی مستقر در شرق منطقه پادگان حمید مواجه بودند و در جناح چپ هم در معرض خطر محاصره شدن توسط احتیاط‌های منطقه‌ای عراق قرار می‌گرفتند و این امر در شرایطی ویژه خطر جدی محاصره کامل آنها را در غرب کارون، توسط نیروهای تقویتی و احتیاط ارتش عراق در پی داشت.

در جلسه جداگانه و ویژه دیگری با حضور دسته موشک‌انداز تاو که در زمره عده‌های تحت کنترل و هدایت مستقیم گردان قرار داشت، مقایسه‌ای نسبی بین برد مفید توپ تانک‌های سبک اسکورپیون موجود در گردان با برد مفید توپ تانک‌های تی ٦٢ عراقی موجود در منطقه انجام گرفت و خطرات و آسیب‌پذیری‌های موجود برای گردان در طول عملیات برآورد و تشریح شد.

با توجه به اینکه موشک‌اندازهای تاو از نظر برد و دقت هدف‌گیری بهترین جنگ‌افزارهای ضدزره موجود در گردان بودند و نیروهای عراقی مستقر در شرق جاده اهواز- خرمشهر هم تا رودخانه کارون در حدود ۵/۵ کیلومتر فاصله داشتند، تصمیم گرفته شد دسته موشک‌انداز تاو گردان، با برخورداری از حمایت نیروهای تأمینی گردان در غرب کارون، اولین یگان عبورکننده از رودخانه باشد و با پیشروی سریع و استقرار در پشت کانال‌های آبی مرتفعی که قبل از شروع عملیات توسط گشتی‌های شناسایی و رزمی اعزامی گردان و پاسگاه ژاندارمری شمریه شناسایی شده و مورد استفاده آبیاری اراضی زراعی غرب کارون و عمود بر سمت پیشروی گردان بودند، سپر ضدزره و دفاعی مستحکمی را در برابریگان‌های دشمن برای پیشروی سایریگان‌های گردان تشکیل دهند. گروهان پل پی.ام.پی لشکر ۹۲ یک روز قبل از آغاز عملیات نصر به منطقه تحت مسئولیت گردان ۲۸۳ وارد شد و نیروهای گروه‌های تفنگدار گروهان‌های رزمی گردان که از آبان‌ماه در غرب کارون استقرار یافته بودند و با نیروهای پاسگاه ژاندارمری شمریه مأموریت‌های تأمینی و شناسایی را به‌طور مشترک اجرا می‌کردند، از آغاز تاریکی شب ١٤ دی با استقرار در مواضع مناسب، در غرب روستای صفحه ۲ و جناحین آن، تأمین گروهان پل گردان مهندسی لشکر ۹۲ را در محل ساحل‌سازی و روانه کردن پل شناور و نیز تأمین منطقه عملیات عبور از رودخانه یگان‌های گردان را برقرار کرده بودند.

عصر روز ١٤ دی ۱۳۵۹ (اوایل شب) به اتفاق مرحوم سرهنگ کاشفی فرمانده گردان ۲۹۱ تانک به قرارگاه عملیاتی لشکر ۹۲ زرهی واقع در محل صنایع چوب اهواز در جاده شوشتر احضار شدیم و پس از انجام آخرین هماهنگی‌ها و توجیه در شعبه عملیات رکن سوم لشکر ۹۲ با حضور سرهنگ حسینی، افسر رکن سوم قرارگاه مقدم نزاجا، در جنوب و تبادل‌نظر با نامبرده و رئیس رکن سوم لشکر در مورد لحظه‌های بحرانی ویژه‌ای که عملیات عبور از رودخانه برای گردان‌های ۲۸۳ و ۲۹۱ در بر داشت و تأکید بر لزوم انجام پیش‌بینی‌های لازم توسط لشکر ۹۲ و قرارگاه مقدم نزاجا برای کمک به رفع بحران‌های احتمالی، با دریافت دستور عملیاتی از رکن سوم لشکر، قرارگاه عملیاتی لشکر ۹۲ را به مقصد محل استقراریگان‌های خود ترک کردیم. برابر تدبیر لشکر ۹۲ تقدم اجرای عملیات عبور از رودخانه با گردان ۲۸۳ سوار زرهی بود. زمان اجرای عملیات نصر بامداد روز ۱۵ دی ۱۳۵۹ تعیین شده بود و عملیات عبور تعجیلی گردان ۲۸۳ از رودخانه نیز در زمان مقرر آغاز شد. دسته موشک‌انداز تاو با توجه به مأموریت ویژه‌ای که به آن محول شده بود، اولینیگانی بود که از رودخانه عبور کرد.

در شرایطی که سایریگان‌های گردان در حال عبور از رودخانه بودند، چهار دستگاه جیپ حامل تفنگ ۱۰٦مم از نیروهای سپاه پاسداران که تحت‌نظر برادر اسدی در شرق کارون و در روستای فارسیات مستقر بودند، با خدمه مربوطه در محل دهانه شرقی پل در کنترل عملیاتی گردان قرار گرفتند.

همان‌گونه که تشریح شد، محل نصب پل گردان مهندسی لشکر ۹۲ زرهی در شرق روستای صفحه ۲ و در فاصله ٦ تا ۷ کیلومتری شرق ایستگاه راه‌آهن و پادگان حمید بود و در دید کامل دیدبان‌های توپخانه‌های عراقی که بر فراز منبع آب و ساختمان‌های پنج طبقه پادگان مستقر بودند، قرار داشت.

گردان در حین عبور از کارون و گرفتن سرپل زیر آتش شدید و تیر مستقیم تانک‌های عراقی که در شرق ایستگاه راه‌آهن حمید و جاده اهواز به خرمشهر استقرار داشتند و نیز آتش سنگین و پرحجم توپخانه‌های دشمن قرار قرار گرفته بود، لیکن با عبور تعجیلی از رودخانه کارون و تک به مواضعیگان‌های عراقی در سایه ایثار و ازخودگذشتگی رزمندگان حماسه‌آفرین خود و با کمک آتش‌های پرحجم توپخانه‌های مستقر در شرق کارون، سر پلی به عمق چهار کیلومتر را با موفقیت تصرف کرد و با پاتک‌های پی در پییگان‌های زرهی عراق که از پشتیبانی‌های پرحجم آتش توپخانه و هواپیماهای جنگنده عراقی برخوردار بودند، به مقابله پرداخت.

تدبیر گردان در نحوه استقرار دسته موشک‌انداز تاو و آرایش گروهان‌های رزمی در خط سرپل به یاری خداوند با واقعیت‌ها و ضروریات صحنه نبرد، انطباق کامل پیدا کرد و سبب افزایش کارایی توان رزمی گردان و اثربخشی آن برای خنثی‌سازی واکنش‌های دشمن و تثبیت مواضع گردان شد.

همان‌گونه که گردان پیش‌بینی کرده بود، پس از عبوریگان‌ها از رودخانه کارون و تک سریع آنها به سمت مواضع نیروهای عراقی در منطقه غرب کارون و شرق پادگان حمید، حمله هواپیماهای عراقی به منطقه گردان و بمباران سواحل رودخانه با هدف قطع ارتباط گردان با شرق کارون آغاز شد.

پس از چند نوبت پرواز و بمباران، سرانجام در عصر اولین روز تک گردان، دو فروند از هواپیماهای عراقی، پل شناور روانه شده توسط گردان مهندسی لشکر ۹۲زرهی را بمباران و قطعاتی از آن را منهدم کردند. یک فروند از دو فروند هواپیماهای مهاجم عراقی مورد اصابت یک فروند از موشک‌های سهند ۳ گردان قرار گرفت و در حوالی جنوب روستای اسماعیلیه در شرق کارون سقوط کرد.

هدف‌گیری هواپیمای عراقی و شلیک موشک به وسیله یک قبضه موشک‌انداز سهند۳ مستقر در گروه فرماندهی گردان انجام گرفت. تیرانداز و کمک تیرانداز قبضه سهند۳ تحت نظارت مستقیم سرکار ستوان نوربخش، فرمانده دسته سهند۳ گردان قرار داشتند. سرکار ستوان نوربخش و درجه‌دار وظیفه تیرانداز سهند۳، هر دو نفر از نیروهای به خدمت فرا خوانده شده احتیاط ٥٦ بودند. تا تعویض قطعات پل حدوداً پنج ساعت ارتباط گردان با شرق کارون قطع شد. در اثر انهدام پل شناور، آغاز عملیات عبور از رودخانه گردان ۲۹۱ تانک نیز تا خاتمه تعمیرات پل و تاریکی شب به تعویق افتاد. دقایقی بعد از هدف‌گیری و شلیک موشک سهند۳ گردان به طرف هواپیمای دشمن، برادر اسدی با ارسال پیامی از بیسیم اظهار داشت خلبان هواپیمای عراقی که سالم با چتر نجات به بیرون پریده بود، در شرق کارون دستگیر شده است.

در روز اول عملیات، تعدادی از کارکنان گردان بر اثر آتش شدید دشمن مجروح شدند در این میان برجک تانک زنده‌یاد، گروهبان یکم محمد آژیر درجه‌دار شجاعی که از لشکر ۸۸ زرهی زاهدان به گردان مأمور شده بود و در سمت توپچی تانک اسکورپیون انجام وظیفه می‌کرد، در ظهر روز اول تک و پیشروی گردان، مورد اصابت موشک مالیوتکای نیروهای عراقی قرار گرفت و سرش از تنش جدا شد و به فیض شهادت نایل آمد.

ادامه دارد



■ نوشته: دان راویو – یوسی ملمن ■ ترجمه: مرتضی میرمطهری ۱۲

داگان به ویژه با چهار رئیس سازمان اطلاعاتی مرکزی آمریکا(سیا) که همتایان آمریکایی او بودند در طول هشت سال خدمتش در موساد، روابط گرمی پیدا کرد. این چهار نفر عبارت بودند از: «جورج تنت»[17]، «پورتر گاس»[18]، «مایکل هایدن»[19] و «لئون پانتا»[20].

برای تحکیم رویکرد جمع‌آوری آخرین اطلاعات امنیتی موجود و سپس اقدام براساس آنها، موساد با واحد تکنولوژی «امان» و کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل، گروهی تشکیل داد. آنها فهرستی از تمام اجزایی که برای ساختن بمب اتمی توسط ایران موردنیاز بود، جمع‌آوری کردند.

کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل می‌توانست از تجربیاتش که در جریان برنامه اتمی اسرائیل بدست آورده بود، بهره گیرد. پروژه‌ای محرمانه که مقامات اسرائیلی همیشه از صحبت کردن درباره آن امتناع داشتند. آنها فهرستی تهیه کردند که شامل ۲۵ هزار مورد بود و از یک پیچ کوچک تا موتور موشک را در بر می‌گرفت: گستره‌ای شگفت‌انگیز شامل فلزات تخصصی، فیبرهای ذغالی[21]، شیر فلکه، سیم‌ها، کامپیوترهای پرسرعت، تابلوهای فرمان و بسیاری چیزهای دیگر. شبکه‌های خرید ایرانی که در پنج قاره، در تلاشی سازمان یافته که تحت نظر و هدایت رؤسای برنامه اتمی ایران صورت می‌گرفت، می‌کوشیدند هرچه را که برای برنامه هسته‌ای ایران لازم است، بدست آورند. به عنوان اولین اقدام، داگان همتایانش را در دیگر سازمانها قانع کرد که طرقی قانونی در کشورهای متبوع خود پیدا کنند تا جلوی ارسال کالاها را به ایران بگیرند.

او با سیا[22]، ام.آی ـ ۶[23]، «بی.ان.د»[24] آلمان و «دی.جی.اس.ای»[25] فرانسه و چند سازمان امنیتی دیگر که متوجه خطر شده بودند و پروژه اتمی ایران را زیرنظر داشتند، مشکلی نداشت.

حتی بزودی سازمانهای امنیتی نسبتاً کوچکتر کشورهایی مانند لهستان به این ائتلاف غیررسمی سازمانهای امنیتی ملحق شدند. اقدامات مشترک شامل جلوگیری از حمل کالاها یا توقیف آنها بود. براساس اطلاعاتی که موساد در اختیار می‌گذاشت، سیا و «ام.آی ـ ۶» هویت تعدادی از شبکه‌های خرید ایرانی را افشا کردند. محموله‌هایی که قرار بود از کشورهایی مانند تانزانیا، ایتالیا، بلژیک، اسپانیا، اوکراین، جمهوری آذربایجان یا ترکمنستان، به مقصد ایران فرستاده شود، توسط اروپاییان یا مقامات سایر دولت‌ها مصادره می‌شد.

موساد روابطش را با سازمانهای اطلاعاتی کشورهای کمونیستی سابق اروپای شرقی تحکیم کرد، زیرا کشورهای مزبور در کشورهای خاورمیانه آشنایان متفاوتی داشتند که در مقایسه با ارتباطات موسسات امنیتی غربی، غالباً مفیدتر بودند. وقتی که یک بازرگان یا مسافر دیگری از کشورهای بلوک شوروی سابق در ایران بود، مقامات ایرانی در مقایسه با کسانی که از غرب آمده بودند، به آنها کمتر مشکوک می‌شدند. اسرائیل می‌توانست برخی اطلاعاتی را که به تدریج توسط افرادی که از ایران دیدار کرده و در خفا جاسوس اسرائیل بودند، جمع‌آوری شده بود، در اختیار دیگران بگذارد.

ادامه دارد

17-George Tenet
18-Porter Goss
19-Michael Hyden
20-Leon panetta
21-Carbon Fiber
22-CIA
23-MI6
24-BND
25-DGSE

جنبش عدم تعهد از نمای نزدیک

■ نوشته: محمد شیخان

■ بخش اول

* اشاره:

جنبش عدم تعهد متشکل از ۱۲۰ کشور است و علائق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای در حال توسعه را در سطح جهانی نمایندگی می‌کند.

در آوریل ۱۹۵۴ گروهی از کشورهای آسیایی در پایتخت سریلانکا (کلمبو) اجتماع کرده و درباره همکاری با یکدیگر و با کشورهای تازه استقلال یافته آسیایی و آفریقایی به توافق رسیدند و اولین تلاش در راستای همبستگی و همکاری و دستیابی به مواضع مشترک صورت گرفت.

در ادامه، به تفصیل در ارتباط با جنبش عدم تعهد، از تاریخچه تا دغدغه‌های پیش روی این اجلاس بحث شده است. در نهایت با توجه به مطالب مطرح شده، ضمن ارائه تعریف دقیقی از جنبش عدم تعهد با اشاره به مضامین سند تهران، به جمع‌بندی در این باره پرداخته می‌شود.

سند تهران، سندی بین‌المللی، انقلابی، تحول گرا، آینده‌نگر و مترقیانه محسوب می‌شود که مبنایی برای تنظیم برنامه عمل جنبش عدم تعهد است.

***

مقدمه:

جنبش عدم تعهد برپایه اصول احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشورهای عضو، عدم تجاوز، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، برابری و امتیازات متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز در دهه ۱۹۵۰ شکل گرفت. این تشکل به عنوان یک تشکل مهم بین‌المللی، یکی از مجموعه‌های تأثیرگذار بر روند تحولات جهان است. این جنبش به مثابه نشانه‌ای از پایان دوران استعمار، اعلام مخالفت با پذیرش سلطه قدرت‌های بزرگ و تریبونی آزاد برای اعلام نظرات و مواضع کشورهای جهان سوم و در حال توسعه بود و عضویت در آن به منزله دستیابی به استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌آمد.

طبق رویه جنبش عدم تعهد، در فاصله میان دو نشست سران عدم تعهد، یک اجلاس وزرا برگزار می‌شود که طی آن تصمیمات مهم نشست سران بررسی و روزآمد می‌شود و متناسب با شرایط جدید، اسناد و تصمیمات قبلی اصلاح می‌شود یا تصمیمات و اسناد جدیدی به تصویب می‌رسد.

در مقام اهمیت اجلاس وزرا باید گفت که بعد از نشست سران، اجلاس وزرای خارجه که در اصل میان دو اجلاس سران برگزار می‌شود، از بیشترین اهمیت در میان سایر نشستهای عدم تعهد، حتی سایر نشست‌های وزرا برخوردار است، چرا که بیشتر امور مربوط به آماده سازی اسناد و مذاکرات مربوط به اجلاس سران در اجلاس وزرا انجام می‌شود و مذاکرات آن معمولاً مفصل‌تر و پیچیده‌تر است.

برگزاری اجلاس در تهران به دلیل شرایط خاص جنبش عدم تعهد و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در دیپلماسی و روابط خارجی کشور برخوردار است. براین اساس، برنامه‌ریزی مناسب در تمامی زمینه‌ها با در نظر گرفتن مکان مناسب و نظارت برروند آن صورت گرفته است.

این اجلاس از آنجا اهمیت می‌یابد که جمهوری اسلامی ایران در نشست سران، آمادگی خود را برای میزبانی شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در سال ۲۰۱۲ اعلام کرده است. در ادامه و پس از مطالعه تاریخچه‌ای کوتاه و اصول اولیه جنبش، به مرور ساختار جنبش عدم تعهد و دیگر مباحث مرتبط با آن پرداخته می‌شود.

۲ـ مروری بر تاریخچه اجلاس

در آوریل ۱۹۵۴ گروهی از کشورهای آسیایی در پایتخت سریلانکا (کلمبو) اجتماع کرده و درباره همکاری با یکدیگر و با کشورهای تازه استقلال یافته آسیایی و آفریقایی به توافق رسیدند و اولین تلاش در راستای همبستگی و همکاری و دستیابی به مواضع مشترک صورت گرفت. یک سال بعد در سال ۱۹۵۵ نخستین اجلاس مشترک کشورهای آسیایی و آفریقایی در شهر باندونگ اندونزی تشکیل شد.

در کنفرانس باندونگ که بر اساس توافق‌های کنفرانس کلمبو برپا شد، صلح جهانی، تشریک مساعی کشورها، استعمار مستقیم و غیرمستقیم و آثار و خطرات ناشی از عدم رعایت آن، احترام به عقاید یکدیگر و حفظ روابط دوستانه و ترویج و توسعه، طبق اصول ذیل مورد تاکید قرار گرفت:

۱– احترام به اهداف و اصول منشور سازمان ملل متحد و تعهدات بین‌المللی

۲– احترام به حقوق اساسی انسان‌ها

۳– احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها

۴– خودداری از تجاوز یا تهدید به تجاوز یا توسل به زور

۵– به رسمیت شناختن برابری تمامی نژادها و تمامی ملت‌ها

۶– خودداری از مداخله در امور داخل کشورها و احترام به حق ملت‌ها در دفاع فردی یا جمعی

در سپتامبر ۱۹۶۱ اولین اجلاس کشورهای موسوم به جنبش عدم تعهد به منظور بررسی و تبادل نظر پیرامون برقراری صلح و امنیت بین‌المللی، همکاری‌های بین‌المللی، بهبود وضعیت اقتصادی در بلگراد برگزار شد.

از این سال به بعد، عضویت در جنبش عدم تعهد، اعلام مخالفت و عدم پذیرش سلطه قدرت‌های بزرگ، دستیابی به استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، نفی استعمار و استعمارگری و تعدیل کننده نظام جهان تلقی شد. ایران به دلیل عضویت در پیمان نظامی بغداد (پیمان سنتو) نتوانست به عضویت جنبش غیرمتعهدها درآید و با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه در سال ۱۹۷۹ و انحلال پیمان سنتو، جمهوری اسلامی ایران در سپتامبر ۱۹۷۹ همزمان با برگزاری ششمین اجلاس سران غیرمتعهدها رسماً به عضویت این جنبش درآمد.

با فروپاشی نظام دوقطبی، پایان جنگ سرد و یک قطبی– چندقطبی شدن جهان و تحولات نوین در عرصه بین‌المللی، جنبش عدم تعهد نیز با وضعیت نوینی مواجه شد. جنبش عدم تعهد همسو با تحولات بین‌المللی و نیاز اعضا به مقابله با پدیده‌های نوظهور، تدابیر لازم و تلاش‌های هدفمندی را در جهت حفظ اصول و اهداف اولیه بنیانگذاران بکار بسته است.

۳ـ ساختار جنبش عدم تعهد:

جنبش عدم تعهد دارای سازمان و تشکیلات مخصوصی نیست. شاید علت اصلی آن این بود که بنیانگذاران جنبش چون خود علیه دسته‌بندی و بلوک‌سازی به پا خاسته بودند، نمی‌خواستند به جنبش خود شکل یک گروه و سازمان مشخصی را بدهند. با این وجود در طول زمان، جنبش غیرمتعهدها خود به خود شکل گرفت و کم و بیش دارای سازمان و ارگانی شد که گرچه با قالب‌های سنتی اتحادیه‌ها و سازمان‌ها منطبق نیست، ولی می‌توان آن را یک گروه مخصوص به خود توصیف کرد.

کشورهایی با رژیم‌های سیاسی متفاوت، با سیستم‌های اقتصادی ناهمگون و با وسعت، قدرت و مناطق جغرافیایی مختلف در این جنبش گردهم آمدند که تنها عامل پیوندشان، اصل همزیستی مسالمت‌آمیز بود. اولین شرط این همزیستی، عدم شرکت اعضا در دسته‌بندی‌های سیاسی و خودداری از دادن پایگاههای نظامی به بلوک‌های شرق و غرب تعیین شد؛ هرچند به تدریج این شرایط نیز در عمل رعایت نشد و برخی کشورهای عضو به گروه غرب یا شرق تمایل داشتند و در هر فرصتی، تلاش می‌کردند به نفع آنها اقدام کنند، درحالی که خود را همچنان غیرمتعهد می‌خواندند.

جنبش عدم تعهد در دوره پس از جنگ سرد با چالش‌های گوناگونی مواجه بود و حتی برخی فلسفه وجودی آن را زیر سؤال برده و معدودی از کشورهای عضو از آن کناره گرفتند، اما کشورهای فعال جنبش، آن را همچنان زنده نگاه داشته و برای تقویت آن تلاش کردند. در حال حاضر ۱۲۰ کشور از آسیا، آمریکای لاتین و اروپا در جنبش عدم تعهد عضویت دارند.

بنیانگذاران جنبش عدم تعهد و جانشینان بعدی آنها براین باور بودند که با توجه به تنوع جغرافیایی و ایدئولوژیکی کشورهای عضو، در صورت ایجاد ساختارهای رسمی همچون اساسنامه و دبیرخانه داخلی، احتمالاً این جنبش از هم فروخواهد پاشید، زیرا یک سازمان فراملی متشکل از کشورهایی با ایدئولوژی‌ها و اهداف مختلف، هرگز قادر به ایجاد ساختاری اداری و منطقی برای اجرای سیاست‌هایی که مورد توافق کشورهای عضو باشد، نخواهد بود.

به همین سبب، نوع منحصر به فردی از ساختار اداری در این جنبش شکل گرفت. براین اساس، ساختار اداری جنبش عدم تعهد مانند سایر سازمان‌های معمول، چندان دارای سلسله مراتب منطقی و حساب شده نیست و تمامی کشورهای عضو، فارغ از اندازه و اهمیت خود، از این فرصت برخوردارند تا در تصمیم سازی و سیاست گذاری‌های جهانی نقش ایفا کنند. دراین چارچوب، اجلاس سران، مناسبتی است که در بالاترین سطح تشکیل جلسه می‌دهد و کشور میزبان ریاست جنبش و مسئولیت‌های مربوطه را از کشور میزبان قبلی برای مدت سه سال تا اجلاس بعدی برعهده می‌گیرد. به این ترتیب ساختار اداری جنبش نیز در مدت ریاست کشور میزبان به این کشور سپرده می‌شود که این وظیفه نیز معمولاً بر عهده وزارت خارجه آن کشور قرار می‌گیرد. علاوه بر این، از آنجا که سران کشورهای عضو جنبش عدم تعهد به طور منظم در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با یکدیگر دیدار می‌کنند و بیشتر کارهای خود را در آنجا انجام می‌دهند، نماینده دائم کشور رئیس جنبش، به عنوان وزیر امور عدم تعهد عمل می‌کند.

به منظور تسهیل مسئولیت‌های ریاست جنبش، تعدادی ساختار با هدف ارتقای هماهنگی میان کشورهای عضو به وجود آمده است که شامل گروه‌های کاری، گروه‌های تماس، کمیته‌های ویژه و سایر کمیته‌های عدم تعهد می‌شود.

جنبش عدم تعهد در قالب اجلاس‌های مختلف فعالیت‌های خود را هماهنگ می‌کند و انجام می‌دهد و فاقد دبیرخانه دائمی است. این جلسات عبارتند از:

۱ـ۳ اجلاس سران

مهمترین رکن جنبش، اجلاس سران است که هر سه سال یک بار در پایتخت یکی از کشورهای عضو برگزار می‌شود.

رئیس کشوری که اجلاس در آن برگزار می‌شود، به مدت سه سال ریاست جنبش را برعهده خواهد داشت. ریاست جنبش، مقامی مشابه دبیرکل در سازمان‌های بین‌المللی است.

۲ـ۳ اجلاس وزرای امور خارجه

اجلاس وزرای امور خارجه نیز هر سه سال یکبار، در فاصله دو اجلاس و در پایتخت یکی از کشورهای عضو برگزار می‌شود.

۳ـ۳ اجلاس‌های تخصصی

اجلاس وزرای جمعیت، کشاورزی، بهداری، ورزش، اطلاعات (فرهنگ و ارشاد) و اتحادیه خبرگزاری‌های کشورهای غیرمتعهد از جمله اجلاس تخصصی غیرمتعهدهاست.

۴ـ۳ کمیته متدولوژی

شکل گیری نظام نوین جهانی و تحولات سریع در حوزه علم و فناوری موجب شد که جنبش عدم تعهد برای رویارویی و همسویی با این پدیده‌ها و تحولات و پای بندی به اصول و اهداف خود و تدوین متدولوژی نوین جنبش در اجلاس نیکوزیا (۱۹۸۸) کمیته متدولوژی جنبش عدم تعهد را تاسیس کند. این کمیته مسئول بررسی و اتخاذ روش‌های مناسب و نوین ارتقای نقش جنبش در تحولات بین‌المللی است. پس از مروری بر ساختار چهار وجهی جنبش عدم تعهد، در قسمت بعد به مطالعه نقش جمهوری اسلامی ایران در جنبش عدم تعهد پرداخته شده است.

۴ـ جمهوری اسلامی ایران و جنبش عدم تعهد

ایران به دلیل پیوستن رژیم پهلوی به پیمان نظامی بغداد نتوانست در نخستین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد (بلگراد ۱۹۶۱) حضور یابد و از آن تاریخ به بعد نیز مسئله عضویت ایران در این جنبش مطرح نشد.

در سال ۱۳۵۷، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ششمین نشست سران جنبش عدم تعهد درهاوانا، ایران به عضویت این سازمان درآمد. جمهوری اسلامی ایران براساس آموزه‌های اصلی معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره)، یعنی دکترین نه شرقی نه غربی که به اندیشه عدم تعهد نزدیک است، ترجیح می‌دهد این جنبش با حفظ استقلال عملی و پویایی موضع گیری، به بازنگری در متن معادلات جهانی مبادرت ورزد. این امر، فصل مشترک مواضع و سخنرانی‌های مسئولان ایران در نشست‌های متعدد سران و وزیران خارجه کشورمان از سال ۱۳۵۷ تاکنون بوده است.

شاید بتوان گفت جنبش عدم تعهد یکی از مفیدترین سازمان‌های بین‌المللی است که ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت آن درآمده است.

ادامه دارد



* بنیانگذاران جنبش غیر متعهدها از راست به چپ: تیتو (رئیس جمهوری یوگسلاوی)، سوکارنو (رئیس جمهوری اندونزی)، عبدالناصر (رئیس جمهوری مصر)، نکرومه (رئیس جمهوری غنا) و نهرو (نخست وزیر هندوستان)

*** جنبش عدم تعهد به مثابه نشانه‌ای از پایان دوران استعمار، اعلام مخالفت با پذیرش سلطه قدرت‌های بزرگ و تریبونی آزاد برای اعلام نظرات و مواضع کشورهای جهان سوم و در حال توسعه بود و عضویت در آن به منزله دستیابی به استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌آمد**

نگرانی زلزله‌زدگان از بارندگی و فرا رسیدن سرمای زودرس

ابوالحسن فقیه رئیس جمعیت هلال احمر دیروز در نشستی خبری با اشاره به این که بارندگی و سرمایه زودرس نگرانی اصلی زلزله‌زدگان آذربایجان شرقی است تاکید کرد: ما همواره در مواقع بحران و حوادث طبیعی آمادگی پذیرش کمک‌های بین‌المللی را داریم اما در این مورد اعلام کردیم نیازی به کمک‌های اولیه مانند چادر و مواد غذایی نیست اما کمک‌های بعدی را می‌پذیریم.

او با بیان این که براساس آمار بنیاد مسکن، ۲۷٦ روستا بین ۲۰ تا ۱۰۰ درصد تخریب شده‌اند، افزود: براساس آمارهای موجود ٤٦ روستا هم به صورت صددرصدی تخریب شده است.

فقیه ادامه داد: بیش از ۱۰۰۰ پس لرزه به ثبت رسیده و آخرین پس لرزه در ساعت ۹:۱۸ صبح سه‌شنبه به قدرت ۳،٦ ریشتر رخ داد که این تعداد پس لرزه تاکنون بی‌نظیر بوده است.

به گفته او امدادگران هلال احمر به ۲٦۰۷ آسیب‌دیده امدادرسانی کرده و از این ۷۷۱ نفر را از زیر آوار بیرون کشیده‌اند.

رئیس جمعیت هلال احمر با بیان این که پس از اتمام عملیات جست‌جو و نجات، اسکان و تغذیه اضطراری از ساعت اولیه یکشنبه یعنی روز بعد از زلزله در دستور کار قرار گرفت افزود: برای ساماندهی این مرحله ۱۱٦۰ امدادگر از ۱۱ استان به منطقه اعزام شدند.

فقیه با بیان این که تاکنون ۲۵ هزار و ٦۲۸ تخته چادر میان زلزله‌زدگان توزیع شده است ادامه داد: براساس پروتکل‌های جهانی، هلال‌احمر در مناطق روستایی برای هر خانواده یک چادر و در مناطق شهری اردوگاه اسکان اضطراری ایجاد کرده و ٦٦ هزار ست اقلام زیستی هم توزیع شده است. او با بیان این که براساس دستورالعمل‌ها تامین سرویس بهداشتی و حمام بر عهده جمعیت هلال احمر نبوده و نیست تاکید کرد: با این حال به دلیل نیاز مبرم مردم، جمعیت هلال احمر نسبت به تامین و ارسال سرویس‌های بهداشتی اقدام کرد اما از آنجا که این مساله بر عهده ما نبوده و نیست، طی فراخوانی توانستیم ۱۲٦٤ چشمه سرویس بهداشتی به منطقه اعزام کنیم.

کمک‌های مردمی

او درباره شماره حساب کمک‌های مردمی که از روز اول به نام جمعیت هلال احمر اعلام شد توضیح داد: مردم تاکنون ٦ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان به شماره حساب جمعیت هلال احمر واریز کرده‌اند.

وی با بیان این که جمعیت هلال احمر برای دریافت کمک‌های مردم در دو مرحله در عید فطر و روز قدس کمک‌های صندوقی برپا کرده بود ادامه داد: در روز قدس و عید فطر مردم یک میلیارد و ۳۷۵ میلیون تومان برای زلزله‌زدگان پرداخت کردند و کمک‌های غیرنقدی مردم به ۵۰۰ تن رسید.

فقیه همچنین تاکید کرد: از آنجا که تامین مسکن بر عهده بنیاد مسکن است، جمعیت هلال احمر در نظر دارد کمک‌های مردمی را در تامین وسایل زندگی مردم صرف کند چرا که در ارائه کمک‌های اولیه جمعیت هلال احمر و در موضوع اسکان بنیاد مسکن مسئول است اما در تامین وسایل زندگی دستگاهی متولی نیست و با توجه به وضع ضعیف اقتصادی مردم منطقه امکان تهیه وسایل زندگی توسط خود آنان وجود ندارد.

سرمای زودرس

رئیس جمعیت هلال احمر با اشاره به این که بارندگی و سرما در منطقه زلزله‌زده ادامه داد: توزیع روکش‌های پلاستیکی برای چادرها و والر برای گرم کردن آنها در دستور کار قرار گرفته است.




به گفته او، پنج تیم سیار پزشکی به منطقه اعزام شده‌اند که شامل ۱۲ پزشک، ۱۲ پرستار و شماری ماما و کارشناس بهداشت محیط هستند.

فقیه همچنین توضیح داد: ٤۵ کشور برای کمک به مردم زلزله‌زده آذربایجان شرقی اعلام آمادگی کرده‌اند و تاکنون ترکیه، آلمان، پاکستان، نخجوان، سوئیس، قطر و چین کمک‌های خود را ارسال کرده‌اند.

او ادامه داد: در ٤۳ روستا آهک‌پاشی، سمپاشی و میکروب‌زدایی انجام شده است.

رئیس جمعیت هلال احمر در باره سوء استفاده‌هایی که در مورد کمک‌های جمعیت هلال احمر صورت گرفته و در بازار سیاه شهرها دپو یا فروخته می‌شود ادامه داد: در مواقع بحران همیشه عده‌ای سودجو چنین کارهایی می‌کنند ولی در این منطقه فقط در روزهای اول این اتفاق افتاد که بعد این مشکل برطرف شد.

وی مقاوم نبودن و خشت و گلی بودن بیشتر ساختمان‌ها را علت اصلی تخریب گسترده در این منطقه اعلام کرد.

فقیه همچنین درباره مدیریت بحران اظهار داشت: متاسفانه، در این گونه مواقع افراد غیر مسئول دخالت‌های نابجا می‌کنند که این موضوع منجر به موازی کاری و در مواقعی هرج و مرج می‌شود همچنین مردم در ارائه کمک‌های خود به صورت حضوری توزیع متناسب را رعایت نکردند و به همین دلیل در برخی مواقع روستاهایی که در سر راه بودند کمک‌های بیشتری دریافت کردند.

رئیس جمعیت هلال احمر درباره وعده‌هایی که مبنی بر بازسازی این مناطق از روز بعد از عیدفطر و در دو ماه داده شده است تاکید کرد: اولین اقدام برای بازسازی آواربرداری است که از چند روز پیش آغاز شده است اما در خصوص کافی بودن دو ماه زمان برای بازسازی کامل اطلاعی و تخصصی ندارم.

اهدای یک میلیارد ریال کمک‌های نقدی کارکنان ارتش

از سوی دیگر، همزمان با عید سعیدفطر و به منظور کمک به امر بازسازی مناطق زلزله‌زده استان آذربایجان شرقی، کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران مبلغ یک میلیارد ریال کمک نقدی به مردم آسیب‌دیده از زلزله اهدا کردند.

به گزارش روابط عمومی نیروی زمینی ارتش، این مبلغ اهدایی توسط حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدعلی آل‌هاشم، رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش در دیدار با آیت‌الله شبستری، نماینده ولی فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز تقدیم شد.

در این دیدار حجت‌الاسلام آل‌هاشم با ارائه گزارشی از فعالیت‌های امدادرسانی یگان‌های مختلف ارتش به مردم مناطق زلزله‌زده استان آذربایجان شرقی افزود: یگان‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران در کنار سپاه پاسداران، بسیج مردمی و سایر نیروهای نظامی و انتظامی از همان نخستین دقایق سانحه در مناطق زلزله‌زده استان حضور پیدا کرد و در انجام آواربرداری و امدادرسانی به مردم نقش مهمی بر عهده داشت.

او با اشاره به امدادرسانی به موقع هوانیروز در ارسال کمک‌های اولیه و دارو به روستاهای سخت گذر افزود: حضور یگان‌های مخابراتی لشکر ۲۱ حمزه سیدالشهدا(ع) آذربایجان در منطقه و برقراری ارتباط بی سیم مناطق اهر، ورزقان و هریس با تبریز، امدادرسانی مناسب تیم‌های پزشکی و پرستاری نیروی زمینی ارتش، استقرار تانکرهای آب آشامیدنی و دستگاه‌های مجهز بخت نان (تکنوپخت)، اعزام وسایل و تجهیزات سنگین ازجمله لودر و بولدوزر تسط یگان‌های مهندسی لشکر ۲۱، ارسال کمک‌های نقدی و غیرنقدی کارکنان غیور ارتش از جمله اهدای مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال توسط آزادگان سرافراز نیروی هوایی ارتش بخشی از فعالیت‌های ارتش در کمک‌رسانی به مردم زلزله‌زده استان آذربایجان شرقی به شمار می‌رود.

تسهیلات بازسازی مناطق زلزله‌زده افزایش می‌یابد

همچنین میربهلول حسینی عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: در صرت تصویب هیات دولت، تسهیلات اختصاص یافته برای بازسازی واحدهای مسکونی مناطق زلزله‌زده استان آذربایجان شرقی افزایش می‌یابد.

او دیروز به ایرنا گفت: پیشنهاد مطرح شده افزایش ۱۵ تا ۲۰ میلیون ریالی به تسهیلات ۱۲۵ میلیون ریالی اختصاص یافته است. وی با اشاره به این که وام ۱۲۵ میلیون ریالی برای مقاوم‌سازی واحدهای روستایی مصوبه جدیدی نیست؛ افزود: با توجه به افزایش قیمت مصالح و اضطراری بودن موضوع بازسازی واحدهای مسکونی مناطق زلزله‌زده، افزایش سقف تسهیلات به این مناطق ضروری است.

برگزاری جشن گلریزان

استاندار آذربایجان شرقی از برگزاری جشن گلریزان برای بازسازی مناطق زلزله‌زده شهرستان‌های اهر؛ هریس و ورزقان خبر داد.

احمد علیرضابیگی در دیدار با سرپرست کمیته امداد امام خمینی(ره)؛ هدف از برگزاری این جشن را جمع‌آوری کمک‌های نیکوکاران به زلزله‌زدگان اعلام کرد و گفت: در این همایش که پنجشنبه هفته آینده برگزار می‌شود؛ کمک‌های نیکوکاران کشور برای بازسازی مناطق زلزله‌زده جمع‌آوری خواهد شد. وی با قدردانی از تلاش‌های کمیته امداد امام خمینی(ره) در ارسال کمک‌های مردمی به مناطق زلزله‌زده و زیر پوشش قرار دادن افراد نیازمند این مناطق؛ تاکید کرد: این کمیته می‌تواند در ساخت مسکن و سایر امکانات مورد نیاز برای محرومان مناطق زلزله‌زده از جمله مسجد، مدرسه؛ مرکز درمانی و جلب کمک‌های نیکوکاران نقش بسزایی داشته باشد.

علیرضابیگی با بیان این که مسکن دایمی مطالبه اصلی مردم آسیب‌دیده از زلزله‌است؛ افزود: دولت پیش‌بینی‌های لازم را از جهت تسهیلات مالی در این خصوص انجام داده است و در مرحله نخست تلاش می‌کنیم قبل از فرا رسیدن فصل سرما؛ زلزله‌زدگان را از چادر به یک سرپناه مطمئن انتقال دهیم. استاندار آذربایجان شرقی با بیان این که مردم؛ بنیاد مسکن و شرکت‌های فنی و مهندسی اضلاع مثلث بازسازی مناطق زلزله‌زده هستند؛ اظهار داشت: ما به این حادثه به چشم یک فرصت نگاه می‌کنیم و همان طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند این حادثه می‌تواند سکوی پرش برای عمران و آبادانی این مناطق باشد.

وی رضایت خاطر رهبری از امدادرسانی به زلزله‌زدگان را بسیار با ارزش خواند و افزود: حضور معظم له در مناطق زلزله‌زده توطئه دشمنان را برای تفرقه‌افکنی بین ملت ایران ناکام گذاشت و ثابت کرد همه ایران یکپارچه است.

بازسازی مدارس آسیب‌دیده

مدیرکل نوسازی؛ توسعه و تجهیز مدارس استان آذربایجان شرقی گفت: مدارس آسیب‌دیده تا اول مهر برای تحصیل دانش‌آموزان مناطق زلزله‌زده این استان آماده می‌شود.

به گزارش ایرنا علی آذرنژاد افزود: برای بازسازی این مدارس؛ ۳۰ میلیارد تومان اعتبار برآورد شده است و برخی از این مدارس پیش‌تر در لیست مدارس تخریبی قرار داشتند که نیازمند بازسازی و مقاوم‌سازی بودند.

مرتضی رئیسی معاون عمرانی وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور نیز گفت: در زلزله اخیر استان آذربایجان شرقی ٤۰ درصد مدارس این مناطق بین ۲ تا ۱۰ درصد آسیب دید.

آسیب‌دیدگی همه مراکز بهداشتی ورزقان

سرپرست شبکه بهداشت و درمان شهرستان ورزقان گفت: همه مراکز بهداشتی ـ درمانی و خانه‌های بهداشت روستایی این شهرستان بر اثر زلزله آسیب جدی دیده‌اند.

محمد میرزاپور در گفت و گو با ایرنا افزود: پس از وقوع زلزله، ۸۰ تیم بهداشتی با ۱۲۷ نفر بهورز برای ارائه خدمات به روستائیان زلزله‌زده اعزام شدند.

وی گفت: همچنین ۱۹ تیم پزشکی شامل پزشک؛ ماما؛ پرستار؛ کارشناس بهداشت محیط و بهداشت روان از نخستین روز حادثه در درمانگاه‌ها و روستاها مشغول ارائه خدمات هستند.

میرزاپور تاکید کرد: در کنار تیم‌های بهداشتی و درمانی ۱۱ تیم بهداشت‌روان‌نیزبه‌منظورحمایت‌های روحی و روانی از زلزله‌زدگان در روزهای آتی در روستاهای شهرستان مستقر می‌شوند.

وی افزود: تاکنون ٦٦ هزار و ۲۵ متر مربع محیط در ورزقان توسط کارشناسان شبکه بهداشت سمپاشی شده است و همچنین ۱۷۸۵ نفر به صورت گروهی و ۱۷۹۸ نفر به صورت چهره به چهره آموزش بهداشتی دیده‌اند.

کمک یک میلیارد ریالی فوتبالیست‌ها

بازیکنان باشگاه صبای قم ضمن ابراز همدردی با بازماندگان زلزله آذربایجان درصدی از مبلغ قرارداد خود را به ارزش یک میلیارد ریال را به زلزله‌زدگان آذربایجان شرقی اهدا کردند. به گزارش خبرنگار اطلاعات در قم، دکتر خلیل‌الله سائلی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان قم با بیان این مطلب و ضمن عرض تسلیت به بازماندگان زلزله آذربایجان شرقی گفت: از آنجا که بازیکنان، کادر فنی و مسئولان باشگاه صبای قم در سال گذشته به عضویت افتخاری جمعیت هلال احمر استان در آمدند، با روحیه و منش ورزشکاری خود به دستگیری از آسیب‌دیدگان زلزله شتافتند.

وی با اشاره به برپایی پایگاه‌های ثابت و سیار جمعیت هلال احمر استان در سطح شهر تاکید کرد: همزمان با راهپیمایی روز قدس، جمعیت هلال احمر با حضور ٦۰ نیروی داوطلب و با برپایی ۳۰ پایگاه توانست مبلغ ۳۱۰ میلیون ریال کمک‌های نقدی مردم استان را جمع‌آوری کند.

سائلی یادآور شد: علاوه بر کمک‌های نقدی، کمک‌های غیرنقدی شامل ۳۰ تن اقلام، شامل آب معدنی، برنج، روغن، البسه، پتو، انواع کنسرو و سایر موارد جمع‌آوری شد.

کمک نقدی نمایندگان مجلس

جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از یک تا ۱۰ روز حقوق خود را برای کمک به زلزله‌زدگان شهرهای اهر، هریس و ورزقان اختصاص دادند.

به گزارش ایلنا، نمایندگان مجلس کمک‌های نقدی خود را به حساب ستاد بحران استان آذربایجان شرقی واریز کردند.

ثبت ۱٤۱۰ زمین لرزه وپس لرزه در حوالی اهر و ورزقان

مرکز لرزه‌نگاری کشوری موسسه ژئو فیزیک دانشگاه تهران اعلام کرد در ۱۰روز گذشته ۱٤۱۰ زمین لرزه حوالی اهر و ورزقان در استان آذربایجان شرقی را لرزاند.

به گزارش مرکز لرزه‌نگاری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، شبکه‌های لرزه‌نگاری این مرکز از ساعت ۱٦ شنبه ۲۱ مرداد تا ساعت ۹ صبح دیروز ۱٤۱۰ زمین لرزه وپس لرزه را در این منطقه ثبت کردند.

در این مدت ۱۰۱۲ زمین لرزه به بزرگی کمتر از ۲/۵ در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) در این منطقه به وقوع پیوست. ۳٦۵ زمین لرزه به بزرگی بین ۲/۵ تا ٤، ۲۹ زمین لرزه به بزرگی بیش از ٤ و کمتر از ٦ و دو زمین لرزه نیز به بزرگی بیش از ۵ و ٦ در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) در این منطقه رخ داده است.

این مرکز اعلام کرد بزرگترین پس لرزه بابزرگی ۵/۳ در مقیاس امواج درونی زمین (ریشتر) ساعت ۱۸ و ۳۲ دقیقه ۲٤ مرداد در حوالی ورزقان بوقوع پیوست. زمین لرزه ٦/۲ ریشتری ۲۱ مرداد شهرستان‌های اهر، ورزقان و هریس در استان آذربایجان شرقی را لرزاند که براثر آن صدها تن از هموطنان کشته و زخمی شدند.

تشکری هاشمی: دولت و مجلس به فکر چاره برای زلزله احتمالی تهران باشند

«تا قبل از این‌که تهران به علت زلزله، به خاطره سپرده شود، باید به فکر چاره بود و امیدواریم دولت و نمایندگان در این زمینه اهتمام داشته باشند.»

به گزارش تهران سما، این مطلب را سید جعفر تشکری هاشمی معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران اعلام کرد و افزود: مثلاً منطقه ۱۰ تهران از بافت‌های ریزدانه و متراکم شکل گرفته است که ٤۵۰ هکتار آن را بافت فرسوده تشکیل می‌دهد که وضع ۲۵۰ هکتار از آن نگران‌کننده است.

او درباره کمک‌های شهرداری تهران به مناطق زلزله زده هم گفت: علاوه بر تیم امدادرسانی مترو ۱۰۰۰ بسته اسباب‌بازی برای کودکان این مناطق ارسال شد.

او با بیان این که توسعه مسیرهای دوچرخه‌سواری در تهران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، افزود: در توسعه این مسیرها اتصال بین مرکز اصلی جاذب سفر و توزیع سفر از جمله ایستگاه‌ها و پایانه‌های حمل و نقل عمومی، مراکز آموزشی، مراکز خرید و مجموعه‌های تاریخی، تفریحی و گردشگری در اولویت قرار دارند. معاون شهردار تهران انجام خط کشی در معابر اصلی و فرعی منطقه و اتمام عملیات خط کشی تا پایان شهریور را ضروری دانست و ادامه داد: در معابر شریانی درجه دو به بالا به دلیل تردد زیاد باید از رنگ گرم استفاده شود و خط کشی با رنگ سرد صرفاً در معابر فرعی و دسترسی‌های محلی بلامانع است. این مقام مسئول در شهرداری تهران با تاکید بر موضوع ارتقای فرهنگ ترافیک، افزود: پارک آموزش ترافیک مکان مناسبی برای انتقال بخشی از آموزه‌های ترافیکی و مفاهیم مربوط به عبور و مرور است و موضوع آموزش مسائل ترافیکی در این پارک‌ها می‌بایست با جدیت و به دقت مورد توجه قرار گیرد.

۵ دانشگاه علوم پزشکی ایران در فهرست دانشگاه‌های برتر دنیا

با پیوستن دانشگاه علوم پزشکی تبریز تعداد دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در فهرست دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی برتر جهان به ۵ دانشگاه افزایش یافت.

به گزارش فارس، با پیوستن دانشگاه علوم پزشکی تبریز برای نخستین بار در فهرست دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی یک درصد برتر جهان، تعداد دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور در این فهرست به پنج دانشگاه افزایش یافت. مصطفی قانعی، معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت با اعلام این خبر گفت: پنج دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی تهران، شهید بهشتی، شیراز، اصفهان و تبریز در میان فهرست چهار هزار دانشگاه و مؤسسه تحقیقاتی یک درصد برتر جهان قرار گرفتند.

وی افزود: در نظام رتبه بندی ESI، اطلاعات مربوط به دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی آورده شده است که بر مبنای آستانه‌های تعیین شده جزو دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی یک درصد برتر جهان قرار می‌گیرند و شرط ورود یک مؤسسه علمی به این نظام رتبه‌بندی تعداد ارجاع به مقالات اصیل و مروری منتشر شده در پایگاه داده اطلاعات علمی Web of science برابر یا بیش از آستانه‌های تعیین شده است.

معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت با اشاره به نظام رتبه بندی ESI در گرایش پزشکی بالینی گفت: بررسی رتبه دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی کشور در گرایش پزشکی بالینی در سال ۲۰۱۲ بر اساس تعداد مقالات نشان داد که نسبت به تاریخ مشابه در سال قبل، دانشگاه علوم پزشکی تهران با ۸۰ رتبه بهبود در جایگاه ۲٤٦، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی با ۷۰۱ رتبه بهبود در جایگاه ۵۲۷، دانشگاه علوم پزشکی شیراز با ٦۵ رتبه بهبود در جایگاه ۵۷۲، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با ۱۵٤ رتبه بهبود در جایگاه ۸۸٤ قرار دارند و دانشگاه علوم پزشکی تبریز در ابتدای ژوئیه ۲۰۱۲ با رتبه ۱۰۰۱ برای نخستین بار در فهرست دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی یک درصد برتر جهان قرار گرفته است. قانعی افزود: در این بررسی در مجموع ۷۰۰ هزار دانشگاه و مرکز تحقیقاتی بررسی و از آن میان چهار هزار مورد به عنوان دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی یک درصد برتر جهان شناسایی و معرفی می‌شوند.

تشکیل قرارگاه دفاع بیولوژیک برای مقابله با تهدیدهای زیستی

رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور از تشکیل قرارگاه دفاع بیولوژیک جهت مقابله با تهدیدات زیستی خبر داد و گفت: با تشکیل این قرارگاه، تهدیدات حوزه زیستی، بیولوژیک که حوزه انسان، دام، گیاه، آب و غذا و محیط را در بر می‌گیرد، مهار می‌شود.

به گزارش سازمان پدافند غیرعامل، سردار غلامرضا جلالی در تشریح برنامه‌های این سازمان، اظهار داشت: از مهم‌ترین برنامه‌های این سازمان فعال‌سازی قرارگاه دفاع زیستی است که با مصوبه دبیرخانه کمیته پدافند غیرعامل تشکیل شده و از حدود یک ماه پیش این قرارگاه فعال شده است.

رئیس سازمان پدافند غیرعامل همچنین از مکلف شدن دستگاه‌های ذیربط برای همکاری با این قرارگاه خبر داد.

وی از دیگر اقدام‌های این سازمان را تصویب رشته کارشناسی ارشد دفاع سایبری دانست و گفت: با هماهنگی وزارت علوم و فناوری از مهرماه امسال در دانشگاه مالک اشتر و امام حسین(ع) پذیرای دانشجویان در رشته کارشناسی ارشد دفاع سایبری خواهیم بود و جذب در دوره‌های اول و دوم این دانشگاه‌ها از کارکنان دستگاه‌های اجرایی صورت خواهد گرفت.

جلالی در خصوص همکاری سازمان پدافند غیرعامل با سازمان‌ها و وزارت خانه‌های دیگر گفت: طبق آیین‌نامه‌ای که توسط مقام معظم رهبری تأیید و به تصویب دولت رسیده است در تمامی دستگاه‌های اجرایی، رئیس دستگاه اجرایی مسئول پدافند غیرعامل دستگاه مربوطه بوده و یکی از معاونان آن دستگاه اجرایی به عنوان مسئول کمیته پدافند غیرعامل منصوب می‌شود.

جلالی ضمن برشمردن همکاری‌های مؤثر بین سازمان پدافند غیرعامل و سازمان انرژی هسته‌ای و تلاش‌های صورت گرفته در راستای کاهش آسیب‌پذیری زیرساخت‌های هسته‌ای گفت: مامعتقدیم که تهدیدات دشمن کاملاً ناکارآمد شده و توان مقاومت ما در این حوزه افزایش پیدا کرده است.

رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور درباره رابطه این سازمان با دولت و شخص رئیس جمهور گفت: رابطه ما با دولت بسیار رابطه خوبی است و خوشبختانه دولت و رئیس جمهور و وزرا اهتمام بسیار خوبی به موضوعات پدافند غیر عامل دارند.

بررسی وضع سربازی مشمولان ایرانی مقیم دوبی

سرویس خبر: جوانان ایرانی مقیم دوبی، مسایل و مشکلات مربوط به خدمت سربازی، انواع معافیت و چگونگی خرید خدمت خود را در نشستی با حضور معاون امور مشمولان سازمان وظیفه عمومی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مطرح کردند.

سرهنگ محمدرضا اکبر حلوایی معاون امور مشمولان نظام وظیفه در این نشست که در کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در دوبی برگزار شد، گفت: بر اساس قانون، افرادی که تا قبل از سال ۱۳۸۳ (پایان ۱۳۸۲) از کشور خارج شده و مقیم خارج به حساب می‌آیند، می‌توانند با پرداخت ۱۰ میلیون تومان از خدمت سربازی معاف شوند، اما در داخل کشور خرید خدمت سربازی نداریم.

وی افزود: کسانی که تا مهر ۱۳۸۵ (پایان شهریور) به خارج از کشور رفتند و اکنون در حال تحصیل در یکی از دانشگاه‌های مورد تایید وزارت علوم هستند، می‌توانند سالی دو بار به کشور مراجعت کنند که مدت آن حداکثر سه ماه خواهد بود.

حلوایی هدف از سفر خود به دوبی را آشنایی با مشکلات هموطنان مقیم و حل مشکلات آنان در زمینه وضع نظام وظیفه در محل اقامت آنان ذکر کرد و افزود: سازمان نظام وظیفه عمومی تعامل مطلوبی با وزارت امور خارجه دارد و با تشکیل یک کمیته، هر دو یا سه هفته یک بار درباره وضع ایرانیان مقیم خارج جلسه دارد و مسایل و مشکلات آنان را پیگیری می‌کند.

وی با بیان این که هر نوع تصمیم‌گیری جدید در قانون نظام وظیفه عمومی برای مشمولان خارج کشور از طریق نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج به اطلاع خواهد رسید، گفت: در زمان حاضر مطابق قانون فعلی، شرایط انواع معافیت‌های پزشکی، کفالت یا تحصیلی در سایت اطلاع‌رسانی پلیس درج شده است.

حلوایی اضافه کرد: هموطنان مقیم خارج کشور همچنین می‌توانند سؤالات خود را از طریق سایت پلیس ارسال و پاسخ را دریافت کنند.

کلاهبردار ٤۳ میلیارد ریالی در مهاباد دستگیر شد

مهاباد: رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی آذربایجان غربی گفت: با تلاش ماموران پلیس آگاهی مهاباد یک کلاهبردار ٤۳ میلیارد ریالی در این شهرستان دستگیر شد. سرهنگ رسول النقی پور افزود: بااجرای طرح کنترل مجرمان تحت تعقیب در سطح استان این فرد که به علت انجام کلاهبرداری‌های متعدد تحت تعقیب بود، در یکی از محلات مهاباد شناسایی و بازداشت شد. سرهنگ النقی‌پور افزود: برداشت از حساب با جعل امضای اشخاص، دادن وعده به افراد برای اخذ وام‌های کلان، وعده صادرات کالای غیرمجاز و نیز فروش زمین به غیر از شگردهای این متهم در انجام کلاهبرداری‌هایش بود. وی گفت: متهم در بازجویی‌های فنی ماموران پلیس آگاهی انتظامی مهاباد به پنج فقره کلاهبرداری از طریق شگردهای مختلف به ارزش ٤۳ میلیارد ریال اعتراف کرد.

خرس، قرقبان ذخیره گاه جنگلی را مجروح کرد

شهرکرد: یک خرس به قرقبان ذخیره‌گاه جنگلی شمس‌آباد دو راهان در شهرستان بروجن حمله‌ور شد و او را مصدوم کرد.

مدیر روابط عمومی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری چهار محال و بختیاری در این باره گفت: «جبار سلیمان‌زاده» مامور حفاظتی منطقه هنگام انجام وظیفه با خرس خاکستری مواجه شده بود.

غلامرضا بابایی ادامه داد: این مصدوم با همکاری مسئولان اداره کل منابع طبیعی چهار محال و بختیاری به بیمارستان بروجن منتقل شد و تحت مراقبت و مداوا قرار گرفت.

وی اضافه کرد: این قرقبان در مسیر شناخته شده رفت و آمد خرس‌های منطقه قرار گرفته و با این حیوان درگیر شده بود.

بارش باران، مسافران تابستانی آستارا را غافلگیر کرد

سرویس شهرستانها ـ با ورود یک جبهه هوای بارش‌زا از شمال غرب کشور؛ بارش باران که از یکشنبه در شهر استارا آغاز شده و تا پایان دیروز همچنان ادامه داشت، علاوه بر تلطیف هوا مسافران تابستانی را غافلگیر کرد.

به گزارش ایرنا، از اواخر دوشنبه؛ بارش باران در شهر آستارا شدت گرفت و موجب طغیان رودخانه‌ها و آبگرفتگی مناطق شهری و روستایی غرب استان گیلان شد.

بارش رحمت الهی باران در چند روز تعطیل این هفته که با کاهش دما و ورود مسافران تابستانی همراه بود؛ موجب سرگردانی عده‌ای از مسافرانی شد که قصد داشتند اوقات خود را در این روزها در هوای آزاد و در سواحل آستارا سپری کنند. همچنین بارش شدید باران پس از چند ماه موجب جاری شدن آب در رودخانه‌های محلی شد. علاوه بر این؛ بارش باران در شهرستان آستارا موجب آبگرفتگی معابر عمومی شهر آستارا شده و باعث کندی تردد در جاده‌های غرب گیلان شد. رئیس اداره هواشناسی آستارا اعلام کرد: در دو روز اخیر بیش از ۸۷ میلیمتر در این شهرستان باران باریده است.

فردین فرتوت‌نیا؛ دمای دیروز هوای آستارا را ۲۳ درجه سانتیگراد اعلام کرد و گفت: دمای هوا در این شهرستان ۸ درجه نسبت به روزهای پیش کاهش یافته است. وی میزان رطوبت هوا در شهرستان آستارا را نیز با ۳۵ درصد افزایش نسبت به اول هفته جاری؛ ۹۷ درصد اعلام کرد.

او با اشاره به مواج بودن دریای خزر در هفته جاری افزود: بارش باران در مناطق غربی گیلان به طور متناوب تا روز شنبه ادامه خواهد داشت.

وی اضافه کرد: با ادامه فعالیت این جبهه بارش‌زا در منطقه؛ بارش باران امروز و فردا در غرب گیلان شدت بیشتری گرفته و موجب کاهش دمای هوا خواهد شد.

اخبار کوتاه

ستاد کل نیروهای مسلح:

صنعت دفاعی کشور موجب اعتماد به نفس ملی و هراس دشمنان است

ستاد کل نیروهای مسلح در بیانیه‌ای با گرامیداشت ۳۱ مردادماه روز صنعت دفاعی، پویایی، پیشتازی و جهانی بودن را از شاخص‌های برجسته صنعت دفاعی کشور دانست.

به گزارش اداره ارتباطات و اطلاع‌رسانی ستاد کل نیروهای مسلح در بخشی از این بیانیه آمده است: با گذشت ۳۳ سال از استقرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، عرصه صنعت دفاعی کشور، علاوه بر قطع روابط نظامی با آمریکا و غرب برغم قرار گرفتن در شرایط ظالمانه تحریم و سلسله خصومت‌های بی‌پایان و مستمر جبهه استکبار و نظام سلطه علیه انقلاب و ملت ایران، به یکی از عرصه‌های رشد و تعالی و دست یابی میهن اسلامی به پیشرفت‌های شگرف و خیره‌کننده تبدیل شده است.

این بیانیه می‌افزاید: دستاوردهای بزرگ و توانمندیهای کشور در حوزه‌های مختلف از جمله موشکی، تسلیحاتی، مهمات، خودروهای زرهی و تاکتیکی، الکترونیک، هوایی، دریایی، مخابرات، ناوبری و نرم‌افزاری که متناسب با استانداردهای نوین جهانی حاصل شده است جمهوری اسلامی ایران را به قدرت برتر و بلامنازع منطقه‌ای تبدیل ساخته است.

وزیر کشور: دولت به توسعه و عمران شهری توجه ویژه دارد

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: وزیر کشور ایجاد تحول در بحث عبور و مرور را نقطه عطفی در عمران شهری و روستایی دانست و گفت: مباحث زیرساختی و توسعه و عمران شهری همواره مورد توجه دولت خدمتگزار بوده است.

مصطفی محمدنجار در آیین بهره‌برداری از تقاطع غیرهمسطح بهشت همدان افزود: تسریع در ایجاد معابر و تسهیل در تردد و عبور و مرور از راهبردهای اساسی دولت در بخش‌های عمرانی است به طوری که امروزه تردد شهری و روستایی در تمام کشور تسهیل شده است.

وزیر کشور افزود: در دولت نهم و دهم نسبت به توسعه و عمران شهری؛ ایجاد فضای سبز؛ ارتقای وضع حمل و نقل شهری و بحث ایجاد فضاهای ورزشی اهتمام ویژه‌ای شده است و امروز شاهد تغییر چهره شهرها و روستاهای کشور هستیم.

او ادامه داد: افتتاح چهار تقاطع غیرهمسطح در مدت کمتر از ۱/۵ سال در شهر همدان نشان از اهتمام ویژه دولت به مسائل عمرانی و آبادانی کشور است.

نجار ضمن موافقت با ایجاد قطار شهری در همدان گفت: به منظور ایجاد این مهم اقدامات برای تسهیل در روند اجرای این پروژه انجام می‌شود.

وزیر کشور در ادامه ضمن قدردانی از خدمات ارزشمند کرم رضا پیریایی استاندار سابق همدان در خصوص استاندار جدید گفت: علی محمد آزاد از ابتدای دولت نهم تاکنون توانسته است در راستای عمران و آبادانی استان‌های ایلام و سیستان و بلوچستان گام‌های موثری بردارد و امروز با کوله‌باری از تجربیات آماده انجام وظیفه در استان همدان است.

اخبار حوادث

دستگیری ۵۰۰ معتاد پر خطر و خرده فروش مواد مخدر در تهران

سرویس حوادث: رئیس پلیس پیشگیری تهران با اشاره به اجرای طرح برخورد با معتادان پر خطر و خرده فروشان مواد مخدر، از دستگیری ۵۰۰ تن از این افراد در محدوده بازار تهران خبر داد.

سرهنگ محسن خانچرلی با بیان این که بنا به درخواست شهروندان تهرانی در خصوص برخورد با معتادان پرخطر و خرده‌فروشان مواد مخدر ماموران انتظامی سر کلانتری هفتم با همکاری ماموران مبارزه با مواد مخدر تهران بزرگ اقدام به اجرای طرح مذکور کرده و معتادان و فروشندگان مواد مخدر را جمع آوری کردند، افزود: این معتادان پر خطر با پرسه زنی در محدوده‌های بازار تهران سبب ایجاد نا امنی و همچنین آلودگی‌های خطرناک در محدوده فوق شده بودند که ۵۰۰ نفر از آنها از سوی ماموران شناسایی و در یک عملیات هماهنگ دستگیر شدند و از آنان مقادیری مواد مخدر سنتی و صنعتی کشف شد.

وی افزود: با هماهنگی‌های انجام شده در این باره با مقام‌های قضایی مقرر شد افراد دستگیر شده برای بازپروری و ترک اعتیاد به مراکز و کمپ‌های مجاز ترک اعتیاد منتقل شوند.

خانچرلی گفت: این طرح در روزهای آتی نیز ادامه دارد و شهروندان می‌توانند موارد مشکوک و مشهود را از طریق تلفن مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ و کلانتری‌های محل به پلیس گزارش دهند.

نشست زمین دربزرگراه محلاتی ٦ خودرو را بلعید



سرویس حوادث: ترکیدگی شاه لوله اصلی آب سبب سقوط شش دستگاه خودرو سواری به درون گودال ایجاد شده در بزرگراه شهید محلاتی شد.

رخداد این حادثه ساعت ۱٦ دقیقه بامداد دیروز به آتش نشانی اعلام شد و ماموران نیروی نجات ۹ به محل حادثه در بزرگراه شهید محلاتی، بین خیابان قوامی و خیابان عارف اعزام شدند.

اکبر اکبری افسر آماده منطقه گفت: به علت ترکیدگی شاه لوله اصلی آب و شسته شدن خاک زیر آسفالت خیابان، گودالی به وسعت ۱۲۰ مترمربع و عمق ۲ متر به وجود آمده بود که شش خودرو سواری پارک شده به درون آن سقوط کرده و درون گل و لای داخل گودال مدفون شده بودند.

وی در ادامه افزود: آتش نشانان با استفاده از تجهیزات کامل انفرادی به وسیله سه دستگاه جرثقیل سنگین توانستند بعد از عملیاتی طاقت فرسا، خودروها را از داخل گودال خارج کنند.

اکبری اضافه کرد: پارسال نیز در همین محل حادثه مشابهی به دلیل فرسودگی و ترکیدگی شاه لوله اصلی آب اتفاق افتاده بود.

نجات زائران ایرانی از آتش سوزی هتلی در عراق

عراق: بیش از ٤۰ زائر ایرانی که در یکی از هتل‌های شهر نجف اشرف در محاصره آتش قرار گرفته بودند، نجات یافتند.

«علی تویج» مسئول واحد اطلاع رسانی آتش نشانی نجف اشرف در این باره گفت: در این آتش سوزی به هیچ یک از زائران ایرانی آسیبی وارد نشد.

وی گفت: هنوز علت دقیق آتش سوزی مشخص نیست، اما احتمال می‌رود به علت اختلال در موتور مولد برق رخ داده باشد.

۲۲نفر در سواحل مازندران قربانی آب‌های خروشان خزر شدند

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: اجساد غرق شده سید علی بهروش عضو شورای اسلامی شهر ساری و دو فرزندش که روزعید فطر در منطقه گهر باران غرق شدند، پیدا شد. مرحوم بهروش، معلم ورزش مدارس ساری و عضو شورای اسلامی شهر در دوره‌های اول تا سوم ساری بود. به دنبال اعلام غرق شدن این افراد در دریا تیم های جستجو برای یافتن اجساد بهروش و دو فرزندش وارد عمل شدند و با یافتن پیکر سید بنیامین بهروش، عصر دوشنبه این عملیات پایان یافت.

جانشین رئیس ستاد طرح دریا در مازندران نیز گفت: ۲۲ نفر طی ٤۸ ساعت در آب‌های ساحلی مازندران در دریای خزر غرق شدند که از این عده ۱۱ نفر در بابلسر، ۲ نفر در نوشهر، ۳ نفر در میاندرود، ٤ نفر در ساری و ۲ نفر در آب‌های ساحلی عباس آباد غرق شدند.

وی افزود: غرق شدگان در میاندرود سید علی بهروش عضو شورای شهر ساری و دو پسر ۲۵ و ۳۱ ساله‌اش به نام‌های بهمن و بنیامین بودند که در منطقه ساحلی گهرباران در شهرستان میاندرود غرق شدند.

زنده گیری یک قلاده گربه وحشی

چناران ـ خبرنگار اطلاعات: یک قلاده گربه وحشی در چناران از توابع خراسان رضوی زنده‌گیری شد.

رئیس اداره حفاظت محیط زیست چناران گفت: برابر گزارش ارسالی از سوی مردم طبیعت دوست روستای «بارو» از توابع بخش مرکزی شهرستان چناران مبنی بر گرفتار شدن یک قلاده گربه وحشی درون استخر ذخیره آب پلاستیکی و با هماهنگی با آتش نشانی چناران و تهیه تجهیزات به محل اعزام شدیم.

حسین رشید آبادی افزود: پس از رسیدن به محل و ارزیابی موقعیت و با تلاش کارشناس محیط زیست گربه وحشی، گرفته شد و پس از نمونه برداری برای آزمایش‌های ژنتیکی، در طبیعت روستای بارو رها سازی شد.

خط ارتباطی اطلاعات با مردم

۲۲۲۲٦۰۹۰

۲ تا ۷ بعدازظهر بجز پنجشنبه و تعطیلات

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیامهای تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوعات پیامها جنبه خصوصی، حقوقی و قضایی نداشته باشد.
* از تکرار یك پیام روی پیامگیر اکیداً خودداری بفرمایید.
* پیامها مختصر و مفید، شمرده و دقیق باشد.
* چاپ پیامها بر اساس نوبت است

باتشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

انتقاد از عدم چاپ تصاویر قهرمانان المپیک

از این که تصاویر قهرمانان مدال‌آور کشورمان در المپیک لندن در صفحه اول روزنامه اطلاعات چاپ نشده است گلایه داریم و امیدواریم این روزنامه که همواره به ورزش و ورزشکاران عنایت خاصی داشته است، پاسخی برای عدم چاپ عکس‌های قهرمانان کشورمان داشته باشد.

تلفن‌هایی به خط ارتباطی

خط ارتباطی: با همه احترام و ارادتی که روزنامه اطلاعات به قهرمانان عزیزمان دارد، چون اغلب مسابقات پایانی ورزشکاران ایرانی در ساعات آخر شب برگزار شده و در آن زمان روزنامه به چاپ رسیده است تا روز بعد توزیع شود، از نظر فنی چاپ عکس‌های مدال‌آوران قهرمان ایران در صفحه اول امکان‌پذیر نبوده است اما روز بعد از آن، اخبار و تصاویر منتشر شده است.

بهره‌مندی از ارز دولتی

خواننده‌ای پیام داده بود که چون زائران حج تمتع تمکّن مالی دارند، نباید از ارز دولتی استفاده کنند، لابد کسانی که به اروپا و آمریکا سفر می‌کنند، افراد فقیری هستند که باید مشمول دریافت ارز دولتی باشند!

خانم شهروند

صدای بلندگوها آزاردهنده است

فروشندگان دوره گرد با وانت بارهایشان از حوالی ساعت ۱۱ صبح تا ٤ بعدازظهر که موقع استراحت بیماران و سالمندان است، با صدای گوشخراش بلندگوهایشان، خواب و آسایش را بر مردم حرام می‌کنند که نمونه واقعی آلودگی‌های صوتی است و ضرورت دارد نیروی انتظامی از فعالیت آنان جلوگیری کند.

کرج ـ از اهالی

خودرو در بازار آزاد ارزانتر است

یکدستگاه خودرو را از شرکت سازنده به مبلغ ۹ میلیون و ٦۰۰ هزار تومان خریدم که قیمت آن در بازار آزاد ۹ میلیون تومان است، حال آن که شرکت‌های سازنده باید خودروها را ارزانتر از بازار آزاد به مشتریانشان واگذارکنند.

خانم حسینی سرشت

به اوضاع اقتصادی خودمان هم نگاه کنند

آقایانی که بیکاری و گرانی در کشورهای غربی را مطرح می‌کنند، بد نیست نگاهی هم به اوضاع اقتصادی خودمان داشته باشند. ضمن آن که کشور ما دارای منابع و ثروت‌های عظیم خدادادی مانند نفت و گاز است که اغلب کشورهای اروپایی، از این نعمت‌ها محرومند.

خانم خانه‌دار

واریز مطالبات معوقه بازنشستگان

با این که سازمان بازنشستگی کشوری اعلام کرده بود معوقه‌های ۳ ماهه ناشی از افزایش ۱۵ درصدی حقوق بازنشستگان در تاریخ ۱٤ مردادماه در سراسر کشور به حساب‌هایشان واریز شده است ۱۸ مردادماه که به بانک مراجعه کردم، از واریز مطالباتم خبری نبود. این مطالبات به کدام حساب‌هایمان ریخته شده است که خبر نداریم؟

بازنشسته کشوری

حق‌الزحمه آموزش شنای دانش‌آموزان

طرح آموزش شنای دانش‌آموزان کلاس سوم ابتدایی امسال در ۱۲ جلسه برگزار شد و در حالی که تمامی مسئولیت اجرای این طرح از سازماندهی تا رفت و آمد دانش‌آموزان بر عهده مربیان پرورشی بود، به آنان ۹۰ هزار تومان و به مدیران مدارس که در اجرای طرح یاد شده مسئولیت چندانی نداشتند ۱۵۰ هزار تومان حق‌الزحمه پرداخت شد، که آیا می‌توان گفت در این مورد عدالت رعایت شده است؟

مربی پرورشی مدارس تهران

حق‌مان را می گیریم، ولو به زور باشد!

علیرغم وعده‌های مسئولان، مطالبات بازنشستگان هنوز به طور کامل پرداخت نشده است، اما بدانند که بالاخره ما حق‌مان را خواهیم گرفت، ولو آن که به زور باشد!

رشت ـ بازنشسته کشوری

ناموفق‌ها کنار بکشند!

به نظر من، آن گروه از مسئولان وزارت اقتصاد و بانک مرکزی که اغلب طرح‌هایشان تا به امروز بی‌نتیجه و حتی زیان‌آور بوده است، بهتر است استعفا دهند و جایشان را به کارشناسان باتجربه و کارآمدتری بسپارند و حتی اگر افرادی اصرار کردند که آنان همچنان مسئولیت‌هایشان را حفظ کنند، نپذیرند و برای حفظ منابع ملت و کشور، از کارها کنار بکشند!

تلفن به خط ارتباطی

قدردانی از قهرمان دلاور قائم‌شهری

با تبریک قهرمانی بهداد سلیمی وزنه‌بردار غیور ایرانی و قائم‌شهری در المپیک لندن، از استانداری مازندران و فرمانداری، شورای شهر و شهرداری قائم‌شهر انتظار می‌رود به نحو مقتضی از این قهرمان ارزنده کشورمان قدردانی به عمل آورند.

قائم شهر ـ برزگر، فرهنگی بازنشسته

پاسخ مسئولان

پاسخ سازمان بازنشستگی کشوری درباره سبد کالای رمضان

با سلام و احترام، روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۰ مرداد ماه سال ۹۱ در شماره ۲۵۳۷٤ و در صفحه ۱۳ در ستون خط ارتباطی با مردم به نقل از یک بازنشسته به چاپ رسانده که در آن آمده بود «چرا سبد کالای ماه رمضان به فرهنگیان بازنشسته تعلق نمی‌گیرد؟ از پرداخت مطالبات سالهای ۸٦ و ۸۷ و همچنین افزایش ۱۵ درصدی حقوق بازنشستگان در سه ماه اول سال هم خبری نیست» و نیز در همان تاریخ و شماره در صفحه ۱۰ در ستون خط ارتباطی آمده «عدم پرداخت افزایش ۱۵ درصدی بازنشستگان کشوری مربوط به سه ماهه اول امسال دل و دماغ ما را حسابی سوزاند و چیزی از آن همه جار و جنجال تبلیغاتی دست ما را نگرفت و ...»

برای اطلاع این بازنشسته و دیگر خوانندگان آن روزنامه به اطلاع می‌رساند: هرگونه واگذاری سبد کالا و ... از طریق دستگاه اجرایی محل زمان اشتغال صورت می‌گیرد ـ با پرداخت دومین مرحله از مطالبات بازنشستگان کشوری ناشی از اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری در تاریخ ۹۱/٤/۱ تاکنون ٤۲۰ هزار تومان طی ۹۰ روز به حساب آنان واریز شده که در مرحله اول ۲۵۰ هزار تومان برای ۸۳۰ هزار بازنشسته و مرحله دوم ۱۷۰ هزار تومان برای ۷۹۰ هزار بازنشسته واریز شده و این روند تا وصول تمامی مطالبات از سازمان خصوصی‌سازی ادامه خواهد داشت ـ درخصوص افزایش ۱۵ درصدی حقوق اعلام می‌دارد: افزایش ۱۵ درصدی حقوق بازنشستگان، در حقوق تیر ماه محاسبه شده و افزایش معوقه سه ماهه آن نیز به زودی پرداخت می‌گردد.

درخصوص حق عائله‌مندی بازنشستگان

روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱٦ مرداد ماه سال ۹۱ در شماره ۲۵۳۷۹ و در صفحه ۱۳ در ستون خط ارتباطی با مردم به نقل از یک بازنشسته به چاپ رسانده که در آن آمده «مدیرعامل سازمان بازنشستگی کشوری اعلام کند که چرا علاوه بر عدم واریز افزایش حقوق بازنشستگان حق عائله‌مندی ماهانه آنان را نیز واریز نکرده‌اند؟»

برای اطلاع این بازنشسته و دیگر خوانندگان آن روزنامه به اطلاع می‌رساند: معوقات سه ماهه بازنشستگان کشوری ناشی از افزایش ۱۵ درصدی حقوق بازنشستگان مربوط به سه‌ماهه اول سال جاری در تاریخ ۹۱/۵/۱٤ در سراسر کشور به حساب بانکی آنان واریز شده و درخصوص پرداخت کمک‌هزینه عائله‌مندی نیز پرداخت از طریق دستگاه‌های اجرایی صورت می‌پذیرد.

محمدرضا افشار
مدیر کل دفتر روابط عمومی و امور بین‌الملل

بقیه در صفحه ۹

هفتادوپنجمین شهرآورد بزرگ پایتخت؛ پس فردا

هفتادوپنجمین شهرآورد بزرگ تهران،بین تیم‌های استقلال و پرسپولیس از ساعت ۱۸ پس فردا در چارچوب دیدارهای هفته ششم لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور در ورزشگاه آزادی تهران برگزار خواهد شد.

محسن ترکی، علیرضا فغانی، محسن قهرمانی، احمد صالحی و تورج حق‌وردی از گزینه‌های مدنظر کمیته داوران فدراسیون فوتبال برای قضاوت، این بازی هستند.از بین این پنج داور، فقط محسن ترکی و علیرضا فغانی سابقه قضاوت در شهرآورد تهران را دارند.

حسین عسگری با تاکید براینکه کمیته داوران برای انتخاب داورشهرآورد ۷۵ هیچ ملاحظاتی را مدنظر قرار نمی‌دهد، گفت: اصلا به این توجه نمی‌کنیم که داوری چند بار در شهرآورد قضاوت کرده و داور دیگر فرصت سوت زدن در این مسابقه را پیدا نکرده است. ما هر داوری که آماده‌تر بوده و از نظر روحی و روانی، شرایط قضاوت شهرآورد را داشته باشد، برای داوری این مسابقه انتخاب خواهیم کرد.

نهمین جدال تابستانی

تیم‌های فوتبال استقلال و پرسپولیس تهران، پس فردا (جمعه) نهمین جدال تاریخ خود را در فصل تابستان برگزار می‌کنند.

این دو تیم تاکنون هفتاد و چهار بار در رقابت‌های مختلف به مصاف هم رفته‌اند که هشت مسابقه آنها در فصل تابستان برگزار شده است که هر دو تیم صاحب سه پیروزی و دو تساوی شده اند.

آمار نشان می‌دهد، این دو تیم، سه بار در شهریور مقابل همدیگر صف آرایی کرده‌اند که پرسپولیس در دیدار دوازدهم با درخشش همایون بهزادی با شش گل رقیب دیرینه خود را پشت سر گذاشت.

سرخابی‌های پایتخت، هجدهم شهریور سال ۱۳٦۷ دومین دیدار خود را در تابستان برگزار کردند که در پایان ۹۰ دقیقه تلاش به تساوی یک بر یک رسیدند.

هفتاد و یکمین دیدار دو تیم ۲۵ شهریور سال گذشته برگزار شد که استقلال با درخشش فرهاد مجیدی و مجتبی جباری مقابل سرخپوشان پایتخت به پیروزی رسید.

درمجموع ۷٤ دیدار گذشته، ۲٤ پیروزی برای استقلال، ۱۹ برد برای پرسپولیس و ۳۱ تساوی ثبت شده است.

تغییر زمان آغاز شهرآورد

براساس درخواست یگان ویژه ناجا و شرکت واحد و موافقت کمیسیون ورزشی شورای تامین استان تهران، زمان بازی استقلال ـ پرسپولیس از ساعت ۱۹:۱۰ به ۱۸ تغییر کرد. همچنین به دلیل برگزاری اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد دیدار استقلال و پیکان لغو شد و زمان و مکان جدید آن متعاقبا اعلام می‌شود.

سرپرست سازمان لیگ با بیان این مطلب، درباره جنجالی که بر سر تغییر مکان دیدار داماش و پرسپولیس ایجاد شد، گفت :سازمان لیگ برتر، ورزشگاه عضدی رشت را به عنوان میزبان بازیهای داماش تعیین کرده بود، ولی به درخواست باشگاه پرسپولیس و موافقت شورای تامین بازی به ورزشگاه سردار جنگل رفت و البته خودم از ورزشگاه بازدید کردم و به هیچ وجه نمی تواند میزبان بازیهای لیگ برتر باشد. جاده منتهی به این ورزشگاه، یک جاده روستایی است که مطمئنا باید با همکاری وزارت راه تعریض شود، اگر این اتفاق نیفتد، شاهد تصادف‌های مرگباری خواهیم بود.

بهروان گفت: سازمان لیگ، شهرآورد پایتخت را مثل همیشه با تمهیدات لازم و با همکاری نهادهای ذیربط برگزار خواهد کرد و امیدواریم که این بازی زیبا و دیدنی از کار درآید.

تمرین پرسپولیس

پرسپولیس، امروز تمرین خود را در حضور خبرنگاران و تصویربرداران انجام خواهد داد .به گزارش سایت باشگاه پرسپولیس، سرخپوشان، تمرین امروز خود را در حضور خبرنگاران و تصویربرداران انجام خواهند داد. این تمرین از ساعت ۹:۳۰ آغاز خواهد شد. آخرین تمرین پرسپولیس، بعدازظهر فردا پشت درهای بسته انجام خواهد شد.

تمرینات استقلال

تیم فوتبال استقلال برای دیدار هفتاد و پنجم مقابل پرسپولیس در دو روز منتهی به این دیدار، پشت درهای بسته تمرین خواهد کرد.

میرشاد ماجدی، سرپرست تیم فوتبال استقلال با تایید این خبر، افزود: تمرین امروز و فردای آبی‌پوشان پایتخت به دلیل تصمیم کادر فنی و کارهای تاکتیکی، پشت درب‌های بسته و بدون تماشاگر و اصحاب رسانه، برگزار خواهد شد.دیدار تیم‌های فوتبال استقلال و پرسپولیس در هفته ششم دوازدهمین دوره لیگ برتر، ساعت ۱۸ پس فردا در ورزشگاه آزادی تهران برگزار خواهد شد.

وضع ۳ بازیکن پرسپولیس

پزشک تیم فوتبال پرسپولیس گفت: اقدامات لازم برای رفع آسیب دیدگی نوروزی و آقازمانی آغاز شده است، ولی اعلام نظر درباره آنها، روزهای آینده انجام می‌شود.

دکتر چشمه سری درباره مصدومان پرسپولیس در آستانه دیدار با استقلال، گفت:هادی نوروزی به دلیل ضربه مستقیم و شدیدی که به عضله چهار سر و ناحیه داخلی زانویش برخورد کرد، دچار کوفتگی شدیدی شد. او نتوانست بازی را ادامه بدهد و خونمردگی باعث کبودی زیادی شده است. ما اقدامات لازم را انجام دادیم. در تمرین دیروز هم اقدامات فیزیوتراپی و بانداژ با دارو انجام شد.

وی درباره شرایط سامان آقازمانی، تصریح کرد: او هم به دلیل ضربه‌ای که روی مچ پایش خورد، از ناحیه رباط‌های داخلی و خارجی مچ پا دچار کشیدگی شده است. امروز معاینه می‌شود و امیدواریم، شرایط او برای شهرآورد مشخص شود.

پزشک پرسپولیس درباره شرایط روبرتو سوسا، افزود: او، تمرین‌ها را زیر نظر مربی بدنساز تیم، دنبال می‌کند و همزمان به فیزیوتراپی نیاز دارد. همه چیز بستگی به پیشرفت کار او با بدنساز دارد تا معلوم شود که به بازی شهرآورد می‌رسد یا خیر.

کنترل نامحسوس سکوها

رئیس کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال از برنامه‌های ویژه این کمیته برای شهرآورد ۷۵ خبر داد و گفت: درشهرآورد هفتاد و پنجم، ماموران را به طور نامحسوس بین تماشاگران پرسپولیس و استقلال و محوطه ورزشگاه آزادی، مستقر خواهیم کرد.

اسماعیل حسن‌زاده، از برخورد شدید کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال با فحاشی بعضی از تماشاگران تیم داماش خبر داد و تصریح کرد: خودم در ورزشگاه شهید عضدی رشت حضور داشتم و مواردی را یادداشت کردم. منتظر گزارش ناظر مسابقه و داوری هستم تا با جمع‌بندی موارد، رای مناسبی را صادر کنیم.

وی از کنترل نامحسوس و ویژه تماشاگران شهرآورد هفتاد و پنجم، از سوی ماموران کمیته انضباطی خبر داد و گفت: برنامه ویژه‌ای برای کنترل تماشاگران داریم. خودم در ورزشگاه خواهم بود و مامورانی را انتخاب کرده‌ایم که به طور نامحسوس در بین تماشاگران پرسپولیس و استقلال حضور یابند و رفتارشان را ثبت کنند.

کمیته انضباطی، برخورد جدی را با هرگونه رفتار خلاف اصول اخلاقی و قانونی خواهد داشت. ما حتی در محوطه ورزشگاه، پارکینگ‌ها و... هم مامورانی را به کار می‌گماریم.

حسن‌زاده، گفت: در صورتی که لازم باشد، کسر امتیاز را برای تیم‌هایی که هوادارانشان، فضای ورزشگاه‌ها را آلوده می‌کنند در نظر گرفته‌ایم و به شدت با هواداران، بازیکنان و کسانی که فحاشی کنند، برخورد خواهیم کرد.

پیوستن قویترین مرد جهان به پرسپولیس با قرارداد ٦۰ میلیونی

قویترین مرد جهان گفت: همه تلاش خود را به کار خواهم بست که در مدت قراردادم با پرسپولیس، رکورد جهانی وزنه برداری را بشکنم.

بهدادسلیمی درباره حضور خود در باشگاه پرسپولیس، گفت: امیدوارم در زمانی که عضو باشگاه پرسپولیس هستم، رکورد جهانی را بشکنم و همه تلاش خود را به کار خواهم بست. از اینکه چنین قراردادی منعقد شده است، بسیار خوشحالم. همچنین خوشحال هستم یک نفر پیدا شد که در عمل و نه در حرف، بهای لازم را به وزنه‌برداری بدهد. این مساله به من انگیزه داده است که در مدت قراردادم، برای رکورد شکنی تلاش کنم و امیدوارم، اتفاقات خوبی رقم بخورد.

قهرمان المپیک لندن با اشاره به لیگ برتر وزنه برداری، تصریح کرد: ظاهرا تا اینجا سه هفته از لیگ گذشته است و من در ادامه مسابقات با نام پرسپولیس وزنه خواهم زد. البته باشگاه تصمیم دارد در سال ۹۲ با تیم کاملتری در لیگ شرکت کند. همچنین با باشگاه پرسپولیس توافق کرده‌ایم که در رقابت‌های قهرمانی آسیا و قهرمانی جهان هم تحت قرارداد با پرسپولیس باشم.قویترین مرد جهان که با سایت باشگاه پرسپولیس گفت‌وگو می‌کرد، افزود: قصد دارم در فرصتی مناسب در تمرین‌ها و بازی‌های تیم فوتبال پرسپولیس حضور یابم. البته قبل از این در یکی از بازی‌های پرسپولیس حاضر شده‌ام. واقعیت این است که من از طرفداران پر و پا قرص نساجی قائم شهر هستم، ولی برای تیم فوتبال پرسپولیس آرزوی موفقیت دارم. الان بازیکنان بزرگی در تیم هستند که هر یک از آنها افتخار آفرین بوده‌اند. امیدوارم آنها و هواداران پرسپولیس را در مسابقات خودم ببینم.

اعلام اسامی تیم ملی فوتبال نوجوانان

اسامی بازیکنان تیم ملی فوتبال نوجوانان کشورمان برای حضور در اردوی آماده‌سازی تهران و ترکیه اعلام شد.

علی دوستی‌مهر، سرمربی تیم فوتبال نوجوانان با اشاره به اینکه پیش از سفر تیم نوجوانان به ترکیه، این تیم از سوم تا ششم شهریور اردویی را در کمپ تیم‌های ملی برگزار خواهد کرد، اسامی دعوت شدگان را به این شرح معرفی کرد: مجتبی مقتدایی، علی هزامی، ساسان جعفری کیا، عرفان وجدانی، کمیل حق زاده، رضا کرملاچعب، دانیال کاظم نیا، محمد خسروی، علی ریگی، سید سجاد سید، سید مجید حسینی، سید محمد خرم الحسینی، امیرمحمد مظلوم، علی شجاعی، امید نورافکن، محمد بازاج، میلاد داعی، امیرنصر آزادانی، کیوان‌هاشمی، شروین کاظم، سعید عزت اللهی، صادق محرمی، پارسا سلیمی، عبدالرضا زارعی و عرفان اسطخری.

تجلیل رئیس جمهوری از المپیکی‌ها؛ شنبه

آیین تجلیل از مدال آوران ایران در بازی‌های المپیک لندن، شنبه هفته آینده با حضور رئیس‌جمهوری در تالار وزارت کشور، برگزار می‌شود.

آیین تجلیل از مدال آوران بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن که قرار بود، امروز با حضور دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری، محمد عباسی وزیر ورزش و جوانان، محمد علی آبادی رئیس کمیته ملی المپیک، مدال آوران و ورزشکاران اعزامی به بازی‌های المپیک و روسای فدراسیون‌های ورزشی برگزار شود، به شنبه(چهارم شهریور) ساعت ۸ شب تغییر کرد.

در این آیین که در تالار وزارت کشور برگزار خواهد شد، هدایای ورزشکاران ایران در بازی‌های المپیک لندن و مربیان آنها اهدا خواهد شد.

قرار است به مدال آوران طلایی بازی‌های المپیک ۲۰۰ سکه طلا، مدال نقره ۱۵۰ سکه طلا و مدال برنز ۱۰۰ سکه طلا از سوی وزارت ورزش و جوانان، اهدا شود.

تیم ملی فوتبال ۱۰ شهریور عازم اردن می‌شود

تیم ملی فوتبال ایران، دهم شهریور به اردوی تدارکاتی اردن – که متصل به بازی با لبنان خواهد بود– اعزام می‌شود.

خسرو والی‌زاده، مدیر رسانه‌ای تیم ملی فوتبال با اعلام این خبر، گفت: طبق برنامه‌ریزی‌های انجام شده قرار است، تیم ملی فوتبال دهم شهریور به امان پایتخت اردن اعزام شود. تمرینات تیم ملی تا بازی تدارکاتی چهاردهم شهریور مقابل تیم ملی این کشور ادامه خواهد داشت. پس از مسابقه قرار است، تمرینات در امان ادامه داشته باشد و هجدهم یا نوزدهم همین ماه، عازم لبنان شویم تا برای مسابقه ۲۱ شهریور مقابل تیم ملی فوتبال لبنان آماده شویم.

وی در پاسخ به این سوال که آیا پیش از دهم شهریور، تیم ملی فوتبال تمرین خواهد داشت، گفت: فعلا که چنین برنامه‌ای ندارد. اصلا یکی از دلایل برگزاری اردوی تیم ملی در اردن بخاطر برگزاری اجلاس سران غیرمتعهدها و درگیر بودن هتل‌ها بود، بنابراین بلافاصله پس از حضور ملی‌پوشان در اردو به اردن می‌رویم. کارلوس کی‌روش هم در این مدت، علاوه بر بررسی‌های بیشتر بازی با تونس، صرفا لیگ برتر فوتبال باشگاه‌های کشور را پیگیری می‌کند.

مدیر رسانه‌ای تیم ملی فوتبال درباره حل مشکل رضا قوچان‌نژاد، گفت: مدارک قوچان‌نژاد ناقص بود و او در اردوی مجارستان با ارایه مدارکی اضافه‌تر به مسئولان تیم ملی آن را کامل کرد تا برای فیفا بفرستیم تا ایرانی بودن او ثابت شود .قوچان‌نژاد، مساله خدمت سربازی هم دارد، ولی این مشکل فقط برای داخل ایران است و در خارج از کشور مساله‌ای ندارد.

او، درباره حضور احتمالی مسعود شجاعی در تیم ملی فوتبال، برای بازی با لبنان، افزود: شجاعی برای اردوی مجارستان هم درفهرست کی‌روش قرار داشت که بنابر درخواست باشگاه اوساسونا بخاطر مسایل پزشکی و احتیاط بیشتر برای سلامتی این بازیکن، به اردو دعوت نشد. اما به احتمال فراوان در صورت بهبود وضع جسمانی‌اش، ممکن است برای اردوی اردن و بازی با لبنان دعوت شود.

برگزاری اردوی تیم ملی فوتسال با ۱۰ روز تاخیر

تیم ملی فوتسال به دلیل برگزاری اجلاس سران غیر متعهدها در تهران، یک هفته دیرتر وارد اردوی آمادگی جام جهانی ۲۰۱۲ خواهد شد.

عباس ترابیان، رئیس کمیته فوتسال و علی صانعی، سرمربی تیم ملی فوتسال، صبح دیروز،جلسه‌ای را برگزار کردند و درباره برنامه‌های تیم ملی فوتسال تصمیم گیری شد. برنامه‌ریزی اردوی تیم ملی، یکی از مواردی بود که در این جلسه بررسی شد و به دلیل این که هتل‌های مربوط به اسکان ملی‌پوشان در کمپ تیم ملی به مهمانان اجلاس سران غیر متعهدها اختصاص یافته است، اردوی تیم ملی با ۱۰ روز تاخیر آغاز خواهد شد.

بنابراین ملی‌پوشان فوتسال باید از یازدهم شهریور در تمرینات حاضرشوند. همچنین اسامی تیم ملی فوتسال که قرار بود، دیروز اعلام شود با یک هفته تاخیر اعلام خواهد شد و کادر فنی تیم ملی فوتسال، پس از دیدن بازی تیم‌های صبا، ارژن، میثاق و فرش آرا ۱۸ بازیکن را به اردو فرا می‌خواند.

وحید شمسایی در فهرست علی صانعی جایی ندارد و سرمربی تیم ملی نیز دیروز ، این خبر را تایید کرد.

صانعی در پاسخ به این سوال که آیا درباره تمدید قراردادخود با تیم ملی صحبت کرده است؟ گفت: آنقدر سرمان در فدراسیون شلوغ بود که یادم رفت در این باره، صحبت کنم. به هر حال قراردادم با فدراسیون به پایان رسیده است و احتمالا برای یکسال دیگر، تمدید خواهم کرد.

کاروان پارالمپیک، فردا به لندن می‌رود

ملی پوشان جانباز و معلول کشورمان برای حضور در بازی‌های پارالمپیک، بامداد فردا، عازم لندن خواهند شد.

کاروان ورزشی پارالمپیک ایران با ۷۹ ورزشکار جانباز و معلول در ۱۳ رشته ورزشی دو و میدانی (مشترک بین فدراسیون جانبازان و معلولین و نابینایان و کم بینایان)، وزنه‌برداری، تیراندازی، فوتبال هفت نفره، شنا، تنیس روی میز، تنیس با ویلچر، تیر اندازی با کمان، والیبال نشسته، دوچرخه سواری و رشته‌های جودو، فوتبال پنج نفره و گلبال(ویژه نابینایان و کم بینایان) در چهاردهمین دوره بازی‌های پارالمپیک حضور می‌یابد.

جمهوری اسلامی ایران، هفتمین حضور خود در بازی‌های پارالمپیک را تجربه می‌کند و در دور پیشین این رقابتها که سال ۲۰۰۸ در کشور چین برگزار شد، با کسب ۵ مدال طلا، ٦ نقره و ۳ برنز در بین ۱٤۷ کشور در جایگاه ۲۲ ایستاد.

در پارالمپیک چهاردهم، کاروان ایران با شعار «توکل، تلاش، میثاق با شهدا» در بازی‌های پارالمپیک حضور می‌یابد و پرچمدار آن عبدالرضا جوکار، ملی پوش جانباز تیم دو و میدانی است.

بازی‌های پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن از ۸ تا ۱۹ شهریور برپاست.

اسامی کاروان اعزامی پس از افتخارآفرینی ورزشکاران ایران در بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن،اکنون نوبت به پارالمپیکی رسیده است که در چهاردهمین دوره این بازی‌ها، پرچم پر افتخار ایران را به اهتزاز درآورند.

چهاردهمین دوره بازی‌های پارالمپیک از ۸ تا ۱۹ شهریور در لندن برگزار خواهد شد. بیش از ٤ هزار ورزشکار از ۱٤۰ کشور جهان در این بازی‌ها شرکت خواهند داشت و ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای پیشرو در این دوره از بازی‌ها، حضور خواهد یافت.

کاروان ایران در دوره قبلی این بازیها با نام «مهر علوی» با ۵ مدال طلا، ٦ نقره، ۳ برنز و کسب عنوان بیست و دومی به کار خود پایان داد. مسئولان کمیته ملی پارالمپیک ایران، پیش‌تر عنوان کرده‌اند که با رویکرد به حفظ جایگاه قبلی و نیم‌نگاه به ارتقای آن، در این دوره از بازی‌های پارالمپیک، حضور خواهند یافت.

کاروان ایران با نام «دلوار» که به نام «رئیسعلی دلواری»، مبارز دلیر تنگستانی علیه هجوم بریتانیایی‌ها به ایران، اشاره دارد دربازی‌های پارالمپیک لندن، شرکت خواهد کرد. پرچمدار کاروان ایران در چهاردهمین دوره بازی‌ها «عبدالرضا جوکار» خواهد بود.

کاروان پارالمپیک ایران، فردا با ۷۹ ورزشکار عازم لندن خواهد شد. پس از درخشش المپیکی‌ها در لندن، اکنون پارالمپیکی‌ها امیدوارند که این درخشش را تکرار کنند و ایران را در جایگاه مناسبی در جدول رده بندی رقابت‌های قرار دهند.

دوومیدانی: عبدالرضا جوکار ماده پرتاب نیزه کلاس F53، جواد حردانی ماده پرتاب وزنه و دیسک کلاس F38، جلال خاکزادیه ماده پرتاب دیسک کلاس F34، مرضیه صدقی ماده پرتاب وزنه کلاس F54، جلیل باقری ماده پرتاب وزنه کلاس F55، علی محمد یاری ماده پرتاب دیسک کلاس F56، سلمان آب باریکی ماده پرتاب وزنه کلاس F34، محسن کائیدی ماده پرتاب وزنه و نیزه کلاس F34، کامران شکری ماده پرتاب نیزه کلاس F42، فرزاد سپهوند پرتاب دیسک کلاس F44 ، مهرداد کرم زاده ماده پرتاب دیسک کلاس F42، پیمان نصیری ماده دو ۱۵۰۰ متر کلاس T20، محمد خالوندی ماده پرتاب نیزه کلاس F58، سید عرفان حسینی لیراوی کلاس 2B، سجاد نیک پرست 3B وهاجر تکتاز

والیبال نشسته: جلیل ایمری، احمد ایری، ناصر حسن پور، داود علیپوریان، صادق بیگدلی، محمد خالقی، عیسی زیراهی، مجید لشگری صنمی، رمضان صالحی حاجی کلایی، سید سعید ابراهیمی بالادزایی، رضا پیدایش

فوتبال هفت نفره: احسان غلامحسین پور بوشهری، مسلم اکبری، رسول آتش افروز، صادق حسنی باغی، مهران نیکویی مجد، جاسم بخشی،هاشم رستگاری مبین، فرزاد مهری، مرتضی حیدری، عبدالرضا کریمی زاده، بهمن انصاری، مسلم خزایی پیرسرابی

فوتبال پنج نفره نابینایان: عبدالحمید شلهاوی زاده، بهزاد زاد علی اصغر، مقصود قلی زاده، امیر پور رضوی، محمد کشتکار، احمد شاه حسینی، حسین رجب پور، محمد حیدری، مرتضی معبودی، میثم شجاعیان.

تیراندازی با کمان: ابراهیم رنجبر کیوج، رهام شهابی پور، امین علیخانی نژاد، زهرا جوانمرد سیستانی، زهرا نعمتی، راضیه شیرمحمدی

وزنه برداری: امیر جعفری دسته ٥٦ کیلوگرم، نادر مرادی دسته ٦۰ کیلوگرم، روح الله رستمی دسته ٦۷/٥ کیلوگرم، علی حسینی دسته ۷۵ کیلوگرم، مجید فرزین دسته ۸۲/۵ کیلوگرم، حامد صلحی پور دسته ۹۰ کیلوگرم، علی صادق زاده دسته ۱۰۰ کیلوگرم، سیامند رحمان دسته فوق سنگین

گلبال: حسن جعفری، سید مهدی سیاحی، جواد شیردل، مصطفی شهبازی یاجلو

جودو:سعید رحمتی، محمدعلی شنانی، حمزه ندری، حامد علیزاده، سید امیر میرحسن نتاج،هانی عساکره

تیراندازی: ساره جوانمردی دودمانی، عالیه محمودی کرد خیلی

دوچرخه سواری: بهمن گلبارنژاد

تنیس روی میز: حسن جانفشان

تنیس با ویلچر: حسین ممی پور

شنا:شاهین ایزدیار

اهتزاز پرچم پارالمپیک

پرچم چهاردهمین دوره بازی‌های پارالمپیک در خیابان داونینگ لندن به اهتزاز در آمد.

پرچم رسمی بازی‌های پارالمپیک ۲۰۱۲ لندن، پریروز جایگزین پرچم المپیک در خیابان داونینگ در وست‌مینستر لندن شد. پرچم پارالمپیک متشکل از سه رنگ قرمز، آبی و سبز در پس زمینه‌ای سفید است که به آرم «نایکی» شباهت دارد.

چهاردهمین دوره بازی‌های پارالمپیک از ۸ تا ۱۹ شهریور در لندن برگزار خواهد شد. بیش از ٤ هزار ورزشکار از ۱٤۰ کشور جهان در این بازی‌ها شرکت خواهند داشت و ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای پیشرو با ۷۹ ورزشکار در این بازی‌ها،حضور خواهد یافت.

دکتر لاریجانی درگذشت خواهر شهید رجایی را تسلیت گفت

علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی با صدور پیامی، درگذشت خواهر شهید رجایی را تسلیت گفت.

به گزارش فارس در پیام لاریجانی آمده است:

انالله و انا الیه راجعون

درگذشت خواهر گرامی شهید بزرگوار آقای «محمدعلی رجایی» مرحومه خانم «حاجیه رجایی» را به خاندان شهید رجایی تسلیت گفته، برای روح آن فقیده، رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی از درگاه خداوند متعال مسئلت می کنم.

هواپیمای بدون سرنشین در ایلام رونمایی می‌شود

سرویس شهرستانها: مسئول دبیرخانه کانون فرهنگی؛ هنری مساجد ایلام از رونمایی هواپیمای بدون سرنشین در نمایشگاه دستاوردها و توانمندی‌های کانون‌های فرهنگی و هنری به مساجد استان خبر داد.

حجت‌الاسلام علی چراغی‌پور به ایرنا گفت: این هواپیما به همت و تلاش جوانان نخبه کانون فرهنگی و هنری مهدیه شهر ایلام طراحی و ساخته شده است.وی ادامه داد: علی هواسی و یزدان کرمی دانشجویان رشته برق و الکترونیک به عنوان سازندگان این هواپیما از اعضای کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان هستند.او اضافه کرد:این هواپیما در آیین گشایش نمایشگاه دستاوردهای کانون‌های مساجد استان ایلام؛ به پرواز درخواهد آمد.

مکان نگهداری زائرین ربوده شده ایرانی در سوریه شناسایی شد

سفیر ایران در دمشق تاکید کرد: پیگیری‌ها در مورد وضع زائران ایرانی که در حومه دمشق توسط گروه‌های مسلح در سوریه ربوده شده‌اند، همچنان ادامه دارد.

محمدرضا رئوف شیبانی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار داشت: طبق پیگیری‌هایی که تاکنون شده است با حضور مسئولان و مقام‌های دستگاه‌های مربوط در سوریه، کمیته‌ای سیاسی ـ امنیتی تشکیل شد که این موضوع به صورت میدانی پی گیری شود. بر اساس اطلاعاتی که در اختیار است، عملا مکان اختفاء و نگهداری این ٤۸ زائر ایرانی شناسایی شده و در حال مذاکره با مسئولان و جریان‌های ذیربط هستیم.

وی ادامه داد: ایران همزمان رصد یک سری تحولات منطقه و بین‌المللی را هم در دستور کار خود قرار داده است و در سفر وزیر امور خارجه به ترکیه و تماس تلفنی با وزیر خارجه و نخست وزیر قطر و هم‌چنین با ارسال پیام به بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل موضوع ربایش شهروندان ایرانی در سوریه پیگیری شد.

وی درمورد تلاش‌های ترکیه برای پیگیری وضع ٤۸ زائر ایرانی که چندی پیش در سوریه ربوده شده‌اند، گفت: ترکیه در موارد قبلی تلاش‌های خوبی انجام داده و در حوزه رسمی و غیررسمی پیگیری‌های خوبی از جانب این کشور برای بازگشت سالم اتباع کشورمان صورت گرفته است. همان‌طور که در مورد مهندسین ایرانی، نقش ترکیه در آزادسازی این افراد قابل توجه و تقدیر است.

وی با تکذیب ادعای سفیر آمریکا در آنکارا مبنی بر ارسال سلاح از طریق ایران به سوریه و در اختیار گروهک پ.ک.ک قرار دادن این سلاح‌ها در ترکیه گفت: قطعاً اگر آمریکایی‌ها تجهیزات و دستگاه‌های مراقبت دارند قطعاً ارسال سلاح‌های آمریکایی و صهیونیستی به داخل سوریه را باید پیش از اینها گزارش می‌دادند. آن سلاحی که از خاک ترکیه وارد سوریه می‌شود سلاح‌های آمریکایی و اسراییلی است.

این دیپلمات کشورمان همچنین درباره اظهارات وزیر خارجه آمریکا مبنی بر این که هدف از تحریم‌ها علیه سوریه قطع ارتباط میان ایران، حزب‌الله و سوریه است گفت: هدف آمریکا از تحریم‌ها تسویه حساب کردن و زیر فشار قرار دادن مردم سوریه و ایران است. تحریمی که آمریکا علیه سوریه اعمال کرده است پیش از این که دولت سوریه را تحت فشار قرار دهد مردم این کشور را با فشار روبه‌رو می‌کند.

بزرگراه طبقاتی یادگار امام (ره) به بهره‌برداری رسید

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: پروژه بزرگراه طبقاتی یادگار امام (ره) حدفاصل خیابان آزادی تا پادگان جی به طول دو کیلومتر دیروز با حضور شهردار تهران به بهره‌برداری رسید.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، دکتر محمدباقر قالیباف در این مراسم اعلام کرد: طراحی این پروژه منحصر به فرد است، زیرا تا پیش از این با اجرای فعالیت‌های عمرانی بزرگ در مناطق گسست فرهنگی و اجتماعی رخ می‌داد و مردم در دو طرف بزرگراه‌ها منفک می‌شدند که در این پروژه این مشکل رخ نداده است.

او ادامه داد: به زودی آخرین روگذر شرقی غربی یادگار امام (ره) (دستغیب) تکمیل و در روزهای آینده پادگان جی هم باز می‌شود؛ اکنون ساخت بزرگراه یادگار امام (ره) به انتهای کار رسیده است و ما هم آن را از طریق بزرگراه ٤۵ و ۳۵ متری که از شرق به میدان ۹ دی و از غرب به بزرگراه فتح می‌پیوندند ادامه می‌دهیم.

به گفته شهردار پایتخت، با ادامه این پروژه در مناطق ۹ و ۱۰ گره‌گشایی ترافیکی و تسهیل دسترسی صورت می‌گیرد.

دکتر قالیباف درباره تسهیلات تشویقی برای نوسازی بافت‌های فرسوده در مناطق ۹ و ۱۰ هم توضیح داد: بیش از دو سوم املاک در این مناطق ریزدانه هستند و بافت ناپایدار دارند که بر این اساس برای صدور پروانه ساخت و نوسازی از مالکان هزینه‌ای دریافت نمی‌کنیم و اکنون دو سال از برنامه دهساله در زمینه نوسازی بافت‌های فرسوده پیش رفته است.

او همچنین تاکید کرد: از دیگر فعالیت‌های مهم ما در این مناطق کوچه‌ها یا به عبارت بهتر کوچه‌های آشتی کنان است که عرض کم آنها همواره از معضلات ساکنان به شمار می‌رود و امیدواریم بر اساس طرح تفضیلی مشکل شهروندان را حل کنیم.

شهردار تهران به بازدیدهای مستمر خود از مناطق ۹ و ۱۰ اشاره کرد و افزود: همیشه گله‌مندی مردم از وضع ترافیکی را شاهد بودم و حال با بهره‌برداری از این مسیر بزرگراه به صورت طبقاتی، از شهرداران این مناطق درخواست می‌کنم که آرامش را به زندگی روزمره ساکنان برگردانند.

کانال قُلقُلی

در ادامه مسیر مازیار حسینی معاون فنی و عمرانی شهرداری تهران به مشکل اصلی اجرای پروژه اشاره کرد و توضیح داد: وجود یک کانال با قدمت ۵۰ سال به نام کانال قلقلی مهم‌ترین بخش کار ما را به خود اختصاص داد، زیرا اگر طغیان و به زیر خانه‌های فرسوده نفوذ می‌کرد خسارات جبران‌ناپذیری به همراه داشت که این معضل را با تعبیه سه‌لوله نسل جدید به جای کانال رفع کردیم و با اجرای روش کندن و پوشش (cut and cover) پروژه را به پیش بردیم.

او تاکید کرد: این مسیر به ظاهر دو کیلومتر بود، اما به اندازه ۲۰۰ کیلومتر سختی پروژه، هزینه‌بری و زمان‌بری داشت و از سه سال پیش، از اولویت‌های فعالیت‌های معاونت فنی و عمرانی به شمار می‌رفت.

در ادامه این مراسم علی امام مدیرعامل سازمان فنی و مهندسی به تشریح جزئیات بهره‌برداری از پروژه طبقاتی بزرگراه یادگار امام (ره) پرداخت و توضیح داد: ساخت بزرگراه در سطح و به همان شکل فازهای پیشین، نیازمند آزادسازی معارضان ملکی بسیار بود که توجیه اقتصادی پروژه را متاثر می‌کرد.

او ادامه داد: برای رفع مشکل کانال قلقلی از روش گالری روباز استفاده کردیم که هزینه کمتر داشت و بخشی از روشنایی بزرگراه هم تامین می‌کرد.

چهره ممتاز تهران

در حاشیه این مراسم، دکتر قالیباف در پاسخ به پرسش «اطلاعات» مبنی بر آماده‌سازی پایتخت برای برگزاری اجلاس سران عدم تعهد تاکید کرد: تلاش می‌کنیم شهر تهران را همیشه آباد و تمیز نگهداریم و کار خاصی در این ایام انجام نداده‌ایم، اما وقتی از ۱۰۰ کشور خارجی مهمان داریم توقع مردم ما هم این است که فعالیت‌های ویژه صورت بگیرد تا چهره ممتاز پایتخت به عنوان ام‌القرای جنوب غرب آسیا برای مهمانان مشخص باشد.

او ادامه داد: طبیعتاً توجه ویژه‌ای برای برگزاری اجلاس در تهران داشته‌ایم، به بزرگراه‌ها، فضای سبز و وضع ترافیک رسیدگی کرده‌ایم مانند گذشته؛ من پایتخت‌های زیادی را دیده‌ام و تلاش می‌کنیم چهره واقعی تهران را به عنوان شهری تمیز و آباد به مهمانان معرفی کنیم و آنان هم چنین برداشتی داشته باشند مانند گذشته که همواره از سیمای شهر و فعالیت‌های عمرانی و فرهنگی آن ابراز رضایت داشتند.

انتصاب رئیس و اعضای هیات عامل صندوق نوآوری و شکوفایی

رئیس جمهوری در احکام جداگانه‌ای رئیس و اعضای هیأت عامل صندوق نوآوری و شکوفایی را به مدت سه سال منصوب کرد.

حکم رئیس هیات عامل صندوق نوآوری و شکوفایی به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر حمیدرضا رازقی

سلام علیکم

به استناد ماده ۱۰ و ۱۲ اساسنامه صندوق نوآوری و شکوفایی و با توجه به مصوبه مورخه ۹۱/۵/۲ هیات امنا و با عنایت به تعهد و توانمندی و تجربیات ارزشمند، به موجب این حکم جنابعالی به مدت سه سال به عنوان عضو و رئیس هیات عامل صندوق نوآوری و شکوفایی منصوب می‌شوید.

امیدوارم با راه‌اندازی صندوق، در جهت توسعه اقتصاد دانش بنیان و تکمیل زنجیره ایده تا بازار و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و نتایج حاصل از تحقیقات و اختراعات از طریق ارائه کمک، خدمات مالی، تسهیلاتی و سرمایه‌گذاری و سایر موارد پیش‌بینی شده در اساسنامه به فعالیت‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات دانش بنیان تلاش نمایید.

از خداوند متعال توفیق روزافزون جنابعالی را تحت عنایات امام عصر(ع) مسألت دارم.

محمود احمدی‌نژاد

رئیس جمهوری و رئیس هیات امنای صندوق نوآوری و شکوفایی

همچنین رئیس جمهوری در احکام جداگانه‌ای سیدمیعاد صالحی، دکتر آریا الستی، دکتر علی عبدالعالی و دکتر عباس صاحب‌قدم لطفی را به مدت سه سال به عنوان اعضای اصلی هیات عامل صندوق نوآوری و شکوفایی منصوب کرد.

پیام جدید مسکو به تهران درباره قرارداد موشکی

روزنامه الشرق الاوسط در گزارشی اعلام کرد: مقامات مسکو از تهران خواسته‌اند که در برابر حمایت از موضوع هسته‌ای ایران از تصمیم خود درباره دریافت غرامت قرارداد موشکهای اس ۳۰۰ خودداری کنند.

به گزارش مهر، این روزنامه افزود: مسکو به تهران درباره پیگیری دعوای قضایی ٤ میلیارد دلاری علیه «روس آپورن اکسپورت» که مسئول تحویل موشک‌های اس ۳۰۰ به ایران بوده، هشدار داده است.

الشرق الاوسط در ادامه به مطالب منتشرشده در روزنامه کامرسانت اشاره کرده و اعلام می‌کند: منابع بلندپایه در کرملین می‌گویند دستوراتی به دیپلماتهای روس داده شده است تا در مذاکره با طرف‌های ایرانی موضعی بگیرند که احتمال عدم حمایت مسکو از ایران در مذاکرات هسته‌ای با گروه ۵+۱ را ایجاد کند. بر این اساس، دیپلمات‌ها باید طوری رفتار کنند که تداوم حمایت مسکو از موضع ایران در مذاکرات هسته‌ای را منوط به صرف نظر تهران از دریافت غرامت قرارداد موشکهای اس ۳۰۰ کنند.

بنابر این گزارش، یک منبع بلندپایه در کرملین به روزنامه کامرسانت گفته است: مسکو معتقد است دعاوی قضایی به توسعه روابط ایران و روسیه کمک نمی‌کند، اما تهران تاکنون پاسخ مثبتی به خواست مسکو درباره لغو این دعوای قضایی نداده است. این مسئله باعث می‌شود مسکو تصمیمات واکنشی اتخاذ کند و از حمایت از تهران در مذاکرات هسته‌ای دست بکشد.

مسکو در اواخر سال ۲۰۰۷ قرارداد تحویل سیستم موشکی اس ۳۰۰ را با تهران به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار امضا کرد. بر مبنای این قرارداد باید ۵ سیستم موشکی اس ۳۰۰ به ایران تحویل داده می‌شد اما «دیمیتری مدودف» رئیس جمهوری روسیه در جولای ۲۰۱۰ پس از اجرایی شدن تحریم شورای امنیت از تعلیق این قرارداد خبر داد.

این در حالی است که ایران معتقد است تحریمهای شورای امنیت شامل برخی انواع تسلیحات موشکی می‌شود که موشکهای اس ۳۰۰ جزو آنها نیست.

پرداخت غرامت به یک هزار زلزله زده توسط بیمه ایران

یک هزار پرونده خسارتی مناطق زلزله زده آذربایجان شرقی در بیمه ایران تشکیل و غرامت این حادثه در کمتر از ۲٤ ساعت به ذینفعان پرداخت شد.

به گزارش روابط عمومی بیمه ایران، گروه‌های کارشناسی و ارزیابان خسارت بیمه ایران پس از این حادثه در منطقه زلزله زده آذربایجان شرقی حاضر و به ارزیابی خسارت واحدهای مسکونی، اداری، تجاری و صنعتی پرداختند.

ترحیم

بازگشت همه به سوی اوست

با اندوه فراوان درگذشت جراح عالیقدر **دکتر جهانگیر قطبی** راکه خدمات ارزنده پزشکی وی در ایران و آلمان هرگز فراموش نمی‌شود را به اطلاع دوستان، آشنایان، همکاران و بستگان می‌رساند.
مراسم یادبود آن عزیز از دست رفته در تهران در منزل آن مرحوم در روز پنج‌شنبه ۲ شهریور ماه ۹۱ از ساعت ۱۷ تا ۱۹ برگزار می‌شود.
خانواده‌های: قطبی، الرت (ELERT)، نجم‌آبادی، نفیسی، حیدری و سایر وابستگان.

آتش عشق پس از مرگ نگردد خاموش
این چراغی است کزین خانه به آن خانه برند
«بانو گوهرتاج ملکپور بهبهانی»

همسر مرحوم محمدصادق ملکپور، گوهری یکتا و مادری مهربان دیده از جهان فرو بست.
این فقدان جانسوز را به اطلاع کلیه اقوام و آشنایان می‌رساند و بهمین منظور مراسم بزرگداشت آن گوهر نازنین در روز جمعه سوم شهریورماه سال جاری در سالن لمون واقع در ساختمان سامان خیابان شیراز جنوبی از ساعت ۱۷ الی ۱۹ برگزار خواهد شد.
تشریف‌فرمایی شما سروران گرامی موجب شادی روح آن عزیز از دست رفته و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
فرزندان: هما ـ مریم و مسعود ملکپور بهبهانی
داماد: دکتر محمدصادق امتیاز
خواهرها: رخشنده بهبهانی و پریچهر بهبهانی اکبر
نوه‌ها: دکتر شهرام امتیاز ـ شهره اخوان امتیاز ـ ریچی مشیر فاطمی ـ تینا مشیر فاطمی و لیلی امتیاز
خانواده‌های عزادار:
بهبهانی ـ ملکپور ـ امتیاز ـ بلورفروشان ـ مشیرفاطمی ـ اکبر ـ فرخ‌نیا ـ اخوان زنجانی ـ اصانلو ـ هنرمند ـ وین ـ راضی و کلیه خانواده‌های وابسته

بازگشت همه به سوی اوست

با قلبی آکنده از درد و اندوه درگذشت خواهر نازنینم **بانو گوهر تاج ملکپور بهبهانی** را به اطلاع کلیه اقوام، دوستان و آشنایان می‌رساند.
مراسم بزرگداشت آن مرحومه در روز جمعه سوم شهریور در رستوران لمون واقع در ساختمان سامان خیابان شیراز جنوبی از ساعت ۱۷ الی ۱۹ برگزار خواهد شد.
تشریف فرمایی سروران گرامی و عزیزان موجب شادی روح آن عزیز از دست رفته و تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
پریچهره بهبهانی اکبر.

آنکه نمرده است و نمیرد خداست

با کمال تأسف درگذشت دائی عزیزمان **آقای علی (هوشنگ) فرزان** را در خارج از ایران به اطلاع بستگان و دوستان می‌رسانیم. مراسم سوگواری طبق وصیت آن مرحوم انجام خواهد شد. روحش شاد باد
دکتر گیتی بیرشک ـ دکتر بهروز بیرشک ـ دکتر مهشید بیرشک

با اندوه فراوان درگذشت آقای **دکتر علی یوسف خانی** استاد دانشگاه تهران را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان می‌رساند. مجلس ختم آن مرحوم، روز پنج‌شنبه ۹۱/۶/۲ از ساعت ۱۰ الی ۱۱/۳۰ صبح در مسجدالنبی (ص) واقع در انتهای خیابان کارگر شمالی، جنب خیابان ۱۷ برگزار می‌گردد.
از طرف خانواده‌های: یوسف‌خانی، صادقی، صدقی و منسوبین

جناب آقای دکتر محمود نجفی
ریاست محترم سندیکای صنایع داروهای انسانی ایران

درگذشت ابوی همسر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از ایزد منان برای آن مرحوم غفران و علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارد.
ضمناً برای شادی روح آن مرحوم و تسلیت به بازماندگان در مجلس یادبودی که در روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۰۲ ساعت ۱۴ لغایت ۱۵/۳۰ در مسجد جامع شهرک قدس(غرب) تشکیل می‌شود شرکت خواهیم نمود.
سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران

یادبود

ای طبل رحیل از طرف چرخ شنیده
وی رخت از این جای بدان جای کشیده
ای نرگس چشم و رخ چون لاله کجایی
از گور تو آن نرگس و آن لاله دمیده
اندر لحد بی‌در و بی‌بام، مقیمی
ای بردرو بربام به صدناز دویده
کو شیوه‌ی ابروی تو کو غمزه‌ی چشمت
ای چشم بد مرگ بدان هر دو رسیده

اول شهریور، دیگر بار فرا رسید و با همه زیبایی، یادآور تلخی ابدی چهارمین سالگشت آخرین سفر همسر و پدر عزیزمان زنده یاد **«دکتر محمداسماعیل نظرنیا»**، معاون [اسبق] بهداشت دانشگاه علوم پزشکی زنجان، است.
یادش را همراه با بستگان، دوستان و همشهریان گرامی برمزارش زنده تر می‌کنیم.
مهتاب نظری، دکتر کوروش نظرنیا، آناهیتا نظرنیا

به یاد آن اسطوره عشق و مهربانی

سی و یکم مردادماه مصادف با هفتمین سالگرد پرواز ملکوتی مادر عزیزمان **خانم افسر رمضانی فلاح** را گرامی می‌داریم روحش شاد و دعایش فرا راه زندگیمان باد
مهوش و زهره رمضانی فلاح

هوالباقی

هر شب که انتظار تو را می‌برم به روز
شرمنده‌ام که بی‌تو نفس می کشم هنوز

اول شهریور یازدهمین سالگرد درگذشت همسر و مادری مهربان و با تقوا **مرحومه حاجیه خانم افسر منصور آذر** می‌باشد. همواره به یاد خوبی‌ها و محبت‌های بیکرانش بوده و یادش را گرامی می‌داریم.
از خداوند متعال برای آنمرحومه رحمت واسعه و علو درجات را آرزومندیم.
همسر و فرزندانش: احمد، مهتاب و مسعود دوستی

تسلیت

خانواده محترم مرحوم آقای کریم رئیس‌نیا

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت همکار پر تلاشمان **جناب آقای کریم رئیس‌نیا** را به شما و کلیه همکاران آن‌مرحوم تسلیت می گوئیم. برای آن زنده‌یاد از درگاه الهی طلب علوّ درجات و برای بازماندگان و مصیبت‌دیدگان آرزوی صبر و اجر داریم.
دفتر فنی ـ سفارشات ـ کامپیوتر ـ تصحیح ـ گرافیک ـ طراحی ـ ایمیج‌ستر ـ اسکنر ـ عکاسی رتوش ـ مونتاژ ـ کپی افست ـ افست رتاتیو ـ افست ورق ـ کماندر ـ کمپکتا ـ صحافی ـ مکانیکی ـ انبارفنی ـ برق ـ تأسیسات

همکار عزیز جناب آقای محمد امانی

باکمال تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را صمیمانه تسلیت می گوییم.
هژبری ـ رهبری ـ رمضانی ـ مومن‌زاده

همکار محترم
جناب آقای دکتر شاهرخ کردبچه

با کمال تأسف و تأثر درگذشت والده گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نمایم و خود را در غم شما شریک می‌دانم.
دکتر فرزین برزویه

تیمسار معزز فرهنگ معمار نهاوندی

بااندوه فراوان درگذشت پدر گرامیتان را حضور جنابعالی وخانواده محترم تسلیت عرض نموده، بقای عمر و سلامت و عزت بازماندگان و علو درجات آن مرحوم را از درگاه احدیت خواستاریم.
محمد صادق و عبدالرسول معمار نهاوندی

هوالباقی
جناب آقای مهندس اسدالله صفاوردی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان را به‌شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و بردباری مسئلت می‌نمائیم.
مدیر و کلیه اعضاء کارکنان
شرکت نوین بالابر

همکار ارجمند جناب آقای دکتر محمد صادق امتیاز

با اندوه فراوان درگذشت مادر همسر بزرگوارتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از پیشگاه ایزد متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای حضرتعالی و بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم.
گروه پزشکان بیهوشی و پرسنل
اتاق عمل بیمارستان سجاد

جناب آقای دکتر محمدرضا مسجدی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت عموی بزرگوارتان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال شکیبایی و صبر جمیل برای بازماندگان و علو درجات الهی برای آن مرحوم مسألت می‌نماییم.
شرکت بی‌انام
محمدحسن مرادی

«به لطف خویش خدایا روانش خوش دار»

همکار خوش خلق و زیباسیرت ما **مرحوم سید موسی شهابی** از دنیای فانی رخت بربست و به دیار باقی شتافت. کمتر کسی است که او را شناخته و خاطره‌ای خوش از او به یاد نداشته باشد. پیری دل‌زنده که جوانی و شادابی همیشه او را همراه بود.
گرچه یعقوب‌وار سالها در فراق اسماعیل خود چشم انتظار بود و صبوری می‌کرد ولیکن این انتظار با مرگ او به آخر رسید. ضمن طلب آمرزش و مغفرت؛ برای کلیه بازماندگان بویژه همسر و فرزندانش صبر و شکیبایی آرزومندیم و یاد و خاطراتش را گرامی می‌داریم.
همکاران آن مرحوم: بیژن آینه‌افروز ـ مسلم آژ ـ محمود میرترابی

دوست عزیز جناب آقای محمد امانی

تسلیت واژه کوچکی است برای غم بزرگ شما ما را نیز در غم خود شریک بدان.
غفاریان ـ دولت‌آبادی

همکار گرامی جناب آقای محمدعلی امانی

مرا در این غم بزرگ شریک بدانید.
ناصر اپیکچی

جناب آقای دکتر کدخدائی

درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نماییم.
پزشکان بخش جراحی بیمارستان
حضرت رسول اکرم(ص)

استاد گرامی جناب آقای دکتر کلانی

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.
هیئت مدیره بیمارستان مهر

استاد گرامی جناب آقای دکتر کلانی

مصیبت وارده را تسلیت می گوییم.
دکتر احد عاطف و بانو

خانواده محترم فارسیان

با نهایت تأسف و تألم درگذشت **آقای حبیب فارسیان** را تسلیت گفته و برای آن مرحوم مغفرت و برای بازماندگان محترم صبر و سلامت از درگاه خداوند خواستار است.
شرکت صنعتی الکتریک خراسان

همکار ارجمند، جناب آقای دکتر عبدالله پناهی پور

با اندوه فراوان مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نماییم.
هیئت مدیره، مدیریت و کارکنان بیمارستان بهمن

برادر ارجمند، جناب آقای دکتر عبدالله پناهی پور

با نهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال صبر و بردباری برای کلیه بازماندگان آرزومندم.
دکتر محور ـ رئیس بیمارستان بهمن

استاد ارجمند جناب آقای دکتر حسین کلاتی

با نهایت تأسف درگذشت همشیره گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از درگاه ذات مقدس باریتعالی برای جنابعالی و خانواده محترم سلامت و سعادت و برای آن عزیز از دست رفته شادی روح مسئلت می‌نمائیم.
دکتر فاطمه سلطان‌زاده
دکتر سهراب بنی‌سلیمان شیبانی

همکار گرامی
جناب آقای دکتر شاهرخ کردبچه

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت والده گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از خداوندمنان علو درجات برای آن مرحومه و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواهانیم.
پزشکان و کارکنان بیمارستان ایرانمهر

جناب آقای دکتر فاطمی

درگذشت ناگهانی همکار عزیزتان **دکتر ملک محمدی** را حضور جنابعالی و سایر همکاران تسلیت عرض می‌نماییم.
آزمایشگاه بیمارستان مهر
دکتر نورموسوی نسب

سرکار خانم فتانه فاطمی
جناب آقای دکتر رضا صفوی نائینی
«مدیرعامل محترم شرکت صنایع ارتباطی ایران»

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم «فاطمی» تسلیت گفته، بقای عمر خانواده محترم را از درگاه ایزدمنان مسئلت دارد.
هیئت مدیره و کارکنان
شرکت صنایع ارتباطی ایران
هیئت مدیره و کارکنان
شرکت تولید صنایع ارتباطی ایران
هیئت مدیره و کارکنان
شرکت شبکه ارتباط رهگشا فرازان
هیئت مدیره و کارکنان
شرکت پاسارگاد اندازه‌گیری مصرف انرژی

همکار محترم جناب آقای محمدعلی امانی

با نهایت تأسف درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت گفته و برای جنابعالی و سایر بازماندگان از درگاه خداوند متعال صبر و شکیبایی آرزومندیم.
سازمان آگهی‌ها

همکار گرامی جناب آقای محمدعلی امانی

با نهایت تاسف و تاثر درگذشت والده گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند منان علو درجات برای آن مرحومه و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواهانیم.
خانم‌ها: احمدی ـ اقبالی ـ اسکندری ـ بازخو ـ بیگی ـ بینام ـ پورمسگری ـ توکلی ـ جعفری ـ حسینی ـ حسین مردی ـ حافظی ـ درویش‌پور ـ رجبی ـ سرافراز ـ سعیدی ـ سیری ـ شجاعی ـ صمدپور ـ عباسی ـ عودباشی ـ عبدی ـ علیپور ـ غفاری ـ فرج‌پور ـ قربانی ـ گیتی‌بین ـ لطفی ـ محمدی ـ محسنی ـ مشکانی ـ محمدیان ـ معماری ـ نباتی ـ نقبایی ـ ورودی ـ همایونی ـ یوسفی.
آقایان: الله‌یار ـ اختری ـ اپیکچی ـ احمدی نیا ـ بابویی ـ باطبی ـ بنی‌حسینی ـ بی وند ـ پاشایی ـ حجازی ـ حسینی ـ دولت‌آبادی ـ شهریار راد ـ رهبری ـ رمضانی ـ رحیمی ـ روحی ـ رزاقی ـ شاهمرادی ـ صومعه‌نشین ـ صفایی ـ صالحی ـ ظریفی ـ علیزاده ـ غفاریان ـ فشمی ـ فرجی ـ قاسمی ـ قزاقی ـ قیصری ـ قراخانلو ـ قنبرنیا ـ سیدمجیدی ـ مجاوری ـ منصوری پارسا ـ میرمیری ـ محمدی ـ مؤمن‌زاده ـ محسنی ـ معصومی ـ نوری ـ نریمانی ـ نصیری ـ هژبری ـ هراتی ـ هاشمی ـ یگانگی

دوست و همکار گرامی
جناب آقای محمدعلی امانی زنوز

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر مهربان و دلسوزتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت می‌نمائیم.
غلامحسین علیزاده ـ منوچهر پاشایی ـ علی بابویی ـ علیرضا درویش ـ امیرباطبی ـ حسن مدنی ـ بهنام بنی‌الحسینی ـ عارف درویش ـ سعید جعفرآبادی ـ ایمان ذاکری ـ مرتضی هاشمی

همکار محترم جناب آقای دکتر محمدصادق امتیاز

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر همسر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان صمیمانه تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد متعال برای آن مرحومه آمرزش الهی و برای شما و بازماندگان صبر و سلامتی آرزومندیم.
دکتر سید مجید جلالی ـ دکتر سیدعلی شریف‌نیا

جناب آقای حسینی
ذیحساب و مدیرکل محترم امور مالی
شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نماییم، ما را در غم خود شریک بدانید.
شرکت فرگسن
عزیزاله علیمحمدی

جناب آقای دکتر وحید عابدین‌زاده
مدیرعامل محترم بیمارستان کیان

ضمن عرض تسلیت به شما و خانواده محترمتان، در غم شما شریک هستیم.
گروه بیهوشی بیمارستان کیان

خانواده‌های محترم زرینه
جناب آقای دکتر عدل

درگذشت غم‌انگیز روانشاد دکتر نازلی زرینه را به خانواده‌های محترم تسلیت می‌گوئیم. برای آن بهشتی روان غفران و رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی خواستاریم.
ناهید میلانی ـ دکتر دلناز کاسمی ـ دکتر شبنم میلانی ـ دکتر رضا میلانی ـ احسان میلانی ـ دکتر حسین میلانی

جناب آقای دکتر محمدصادق امتیاز

مصیبت وارده را به حضر تعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، بقای عمر بازماندگان را آرزومندم.
بیمارستان سجاد ـ دکتر مسعود هرمزی

حضور محترم سرور گرامی و استاد ارجمند
جناب آقای دکتر شهرام علیزادگان
«جراح ـ دندانپزشک»

مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال آرزومندم.
بیمارستان سجاد ـ دکتر مسعود هرمزی

جناب آقای دکتر طهماسبی
رئیس محترم هیئت مدیره و مدیرعامل
شرکت آب منطقه‌ای مازندران

با نهایت تأسف و تاثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، ضمن طلب غفران الهی برای آن مرحوم برای کلیه بازماندگان محترم صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت می‌نماییم.
شرکت مهندسی منابع آب و خاک

جناب آقای مهندس احمد طاهریان
مدیرعامل محترم شرکت کارتن ایران

با نهایت تأثر و تألم مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر جزیل مسئلت داریم.
هیأت مدیره شرکت کارتن ایران

همکار محترم و گرامی
جناب آقای حمیدرضا محمودزاده

با کمال تأثر و تأسف درگذشت ناگهانی برادر گرامیتان را به شما و خانواده محترمتان از صمیم قلب تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای شما صبر و جهت آن درگذشته غفران الهی مسئلت داریم.
سید علی محمد هاشمی ـ حمیدرضا بهرام‌بیگی ـ احمد برزگر ـ محمدرضا مرتضی‌زاده ـ مجتبی مرسی ـ اسماعیل عودباشی ـ رضا ایمانی ـ رضا دلخوش ـ حسن عظیمی ـ احمد عودباشی ـ مسعود زهیری ـ سیدحسام‌الدین محمدیان ـ احمد سلیمانی ـ احمد عابدی ـ غلامرضا رحمت‌اله ـ محسن دینی ـ سیدسعید سرفرازامینی ـ محمدرضا عطائی ـ قیاس مشهدی ـ محمد خامنه‌ای ـ محمدتقی اسماعیلی ـ حسن پرتوی ـ ابراهیم یزدانی ـ سیدحامد موسوی ـ سیدحیدر تقوی ـ علیرضا فرج‌الهی ـ مصطفی بشیری ـ جواد مقدسی ـ میلاد حاج ملک ـ امید بذلی ـ مهدی سلیمانی ـ علی اصغری نژاد ـ حمید شریفی ـ جعفر غفاری ـ جعفر سیدی ـ احسان احمدپور ـ محمدرضا پورموسی ـ داود رمضانی ـ سید میثم کوچک‌میر
خانم‌ها: حلوائی ـ جهانشاهی ـ شیخ علی ـ نعمت‌پور ـ مکرمی ـ شعبانی ـ حیدرزاده ـ زکالوند ـ حیدری

همکاران محترم و گرامی آقای حمیدرضا محمودزاده و آقای حبیب‌اله صانعی‌مهر

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را از صمیم قلب به شما و آن خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن مرحومان غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.
امور توزیع و فروش ـ سازمان شهرستانها ـ تهران و حومه ـ امور مشترکین ـ آبونمان ـ شبکه اطلاع‌رسانی ـ امور توزیع و فروش کتاب ـ ساعت کنترل ـ انبار کتاب ـ انتظامات ـ آتش‌نشانی ـ حمل‌ونقل ـ تعمیرگاه ـ سازمان پخش ـ انبار برگشتی

جناب آقای مهندس اکبر
معاون محترم مدیرعامل

باکمال تأسف مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده برای آن مرحومه طلب مغفرت و علو درجات، و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی و طول عمر از درگاه خداوند منان خواستاریم.
هیأت مدیره و کارکنان مهندسین مشاور فربر

جناب آقای علی علی‌محمدی
مدیریت محترم ندامتگاه کرج

درگذشت پدرگرامیتان را خدمت شما و خانواده گرامی تسلیت عرض می‌نماییم.
مرادعلی غریب‌زاده و خانواده

سرکار خانم فریبا رفیعی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر مهربان و دلسوز را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسألت می‌نماییم.
از طرف دختر خاله‌هایت: لیلا و الناز امامی

جناب آقای دکتر محمدصادق امتیاز

درگذشت مادر همسرتان **بانو گوهر تاج ملک‌پور بهبهانی** را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم.
هیأت مدیره و مدیرعامل بیمارستان سجاد

سپاسگزاری

تقدیر و تشکر

وظیفه خود می‌دانیم بدینوسیله از کلیه سروران عالیقدر، اقوام، دوستان و آشنایان محترم که در مراسم تشییع جنازه، تدفین و ختم عزیز از دست رفته‌مان شرکت نمودند و یا با مکالمات تلفنی، درج آگهی و ارسال تاج گل ابراز محبت فرموده و باعث تسلی خاطر آزرده ما شده‌اند تشکر فراوان نماییم.
سیدریحان میردامادی و خانواده

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال هشتاد و هفتم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه یکم شهریور ۱۳۹۱
۴ شوال ۱۴۳۳ - ۲۲ آگوست ۲۰۱۲

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۷ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۴۵ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۰۴ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۲۲ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۰۰ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۳۰ دقیقه

روسیه: سازمان ملل تنها تصمیم گیرنده درباره سوریه است

سرویس خارجی: وزیر خارجه روسیه، سازمان ملل متحد را تنها مرجع قانونی برای اتخاذ تصمیم در حوزه سوریه دانست.

به گزارش خبرگزاری مهر، سرگئی لاوروف گفت: این تنها بر عهده شورای امنیت سازمان ملل است تا درباره استفاده از زور در قبال سوریه تصمیم بگیرد.

لاوروف نسبت به دخالت در امور داخلی سوریه و همچنین تحمیل دموکراسی با بمب بر سوریه هشدار داد.

لاوروف از آمریکا و دیگر قدرت‌ها خواست مانع از ادامه خشونت‌ها و خونریزی بیشتر در سوریه شوند.

از سویی یک هیأت بلندپایه دولت سوریه به سرپرستی معاون نخست‌وزیر این کشور به منظور رایزنی با مقامات مسکو در خصوص بحران کنونی در این کشور وارد روسیه شد.

یک هیأت سوری به سرپرستی «قدری جمیل» معاون نخست‌وزیر سوریه در مسائل اقتصادی به مسکو سفر کرد تا در دیدار با مقامات روسی بحران این کشور که همچنان ادامه دارد را مورد بررسی قرار دهد.

در این حال سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در واکنش به انتقاد مقامات مسکو از غرب در مورد ارسال سلاح برای شورشیان در سوریه مدعی شد این روسیه است که نمی خواهد از مکانیزم‌های شورای امنیت برای حل بحران سوریه استفاده شود.

«ویکتوریا نولاند» اعلام کرد مقامات روسی با اظهارات خود در مورد ارسال سلاح برای مخالفان در سوریه، از روی عمد مکانیزم‌های شورای امنیت سازمان ملل برای حل و فصل اوضاع این کشور را نادیده می گیرند.

این در حالی است که دستگاه قضایی سوریه قصد دارد حکم تعقیب برخی مسئولان لبنانی را به اتهام حمایت تسلیحاتی از تروریست‌ها در سوریه صادر کند.

اظهارات ابراهیمی

اخضر ابراهیمی، نماینده جدید سازمان ملل در امور سوریه، انتقادات گروه‌های مختلف دولت بشار اسد مبنی بر این که چرا از رئیس جمهوری این کشور نمی خواهد، استعفا دهد را رد کرد.

ابراهیمی به بی‌بی‌سی گفته است هنوز در موقعیتی نیست که در این باره چیزی بگوید، اما در عین حال به یافتن راه‌حلی در این مورد پایبند است.

خبر دیگر این که رئیس جمهوری فرانسه در دیدار با فرستاده جدید سازمان ملل در امور سوریه اعلام کرد بدون کناره‌گیری بشار اسد از قدرت، راه‌حل سیاسی در سوریه وجود ندارد.

«فرانسوا اولاند» در جریان دیدار و گفت‌وگو با اخضر ابراهیمی اعلام کرد: بدون کناره‌گیری رئیس جمهوری سوریه از قدرت، راه‌حل سیاسی در این کشور وجود ندارد.

از سویی دولت سوریه با انتقاد از اظهارات نماینده جدید سازمان ملل در امور سوریه تأکید کرد وجود جنگ داخلی در سوریه با واقعیت در تضاد است.

وزارت امور خارجه سوریه تأکید کرد: اگر نماینده بین‌المللی خواستار موفقیت ماموریتش بوده و همچنین انتظار همکاری از دولت سوریه را دارد، باید به چارچوبی که مورد توافق سوریه است پایبند باشد.

در این حال وزیر خارجه ترکیه ادعا کرد بحران سوریه یک بحران منطقه‌ای نیست بلکه بین‌المللی تلقی می شود.

احمد داود اوغلو اظهار داشت: ترکیه در انتظار دخالت سازمان ملل و موضع مثبت روسیه برای توقف خشونت‌ها در سوریه است.

این در حالی است که یک روزنامه آمریکایی در گزارشی مدعی شد ایران در حال تلاش برای تشکیل و کمک به قوای شبه‌نظامی در سوریه است تا از طریق این قوای شبه نظامی، امنیت نظام اسد را تأمین کند.

به گزارش فارس، روزنامه ورلد تریبیون در گزارشی اختصاصی مدعی شد ایران در حال آموزش قوای شبه‌نظامی از نوع سپاه پاسداران جمهوری اسلامی است تا امنیت نظام بشار اسد را تأمین کند.

هشدار اوباما

رئیس جمهوری آمریکا گفت استفاده سوریه از سلاح‌های شیمیایی خط قرمز واشنگتن به شمار می آید.

به گزارش فارس، باراک اوباما گفت از دیدگاه آمریکا انتقال یا استفاده از سلاح‌های شیمیایی در سوریه خط قرمز به شمار می آید و پیامدهای وحشتناکی به همراه خواهد داشت.

وی که در کنفرانس خبری صحبت می کرد، افزود: تاکنون دستور دخالت نظامی در سوریه را ندادم اما اگر انتقال یا استفاده از مواد شیمیایی را ببینیم آنگاه محاسبات و معادلات تغییر خواهد کرد.

در تحولی دیگر نماینده ویژه رئیس جمهوری سوریه و مشاور سیاسی و رسانه‌ای سیاسی وی اعلام کرد، پیشنهاد کشورهای غربی در خصوص ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز سوریه به معنای تعرض به خاک این کشور است.

«بثینه شعبان» گفت: سوریه کشوری است که نمی تواند چنین موردی را قبول کند و بنابراین از خود دفاع خواهد کرد.

ورود کشتی جاسوسی

ارتش آلمان برای کسب اطلاعات محرمانه دولت سوریه با هدف افزایش فعالیت‌های نظامی و اطلاعاتی اردوگاه غربی - عربی ضدسوری، برنامه گسترده جاسوسی را اجرا می کند.

بر اساس گزارش انتشار یافته، یک فروند کشتی جاسوسی نیروی دریایی آلمان با استقرار در آب‌های سوریه، مکالمات نیروهای دولتی این کشور را شنود می کند.

به گزارش شبکه تلویزیونی یورونیوز، این کشتی مجهز به فناوری اطلاعاتی و جاسوسی سازمان اطلاعات آلمان است تا تحرکات نیروهای سوری را رصد کند.

مرگ خبرنگار ژاپنی

یک خبرنگار زن ژاپنی در جریان پوشش اخبار درگیری‌های سوریه کشته شد.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، فعالان حقوق‌بشری سوریه می گویند، این خبرنگار در شرق حلب کشته شد و سه گزارشگر دیگر نیز مفقود شده‌اند.

دو تن از این سه گزارشگر، عرب و نفر سوم ترکیه‌ای معرفی شده‌اند.

رسانه‌های ترکیه نیز از مفقود شدن یک خبرنگار این کشور در پی تهاجم نیروهای سوریه برای بیرون کردن معارضان سوری در حلب خبر دادند.

خبر دیگر اینکه دهها تن از طرفداران بشار اسد با برگزاری تظاهرات مقابل سفارت سوریه در پایتخت اردن حمایت خود را از نظام سوریه اعلام کردند.

وضعیت زائران ایرانی

سفیر ایران در دمشق تأکید کرد: پیگیری‌ها در مورد وضعیت زائران ایرانی که در حومه دمشق توسط گروه‌های مسلح در سوریه ربوده شده‌اند، همچنان ادامه دارد.

محمدرضا رئوف شیبانی اظهار کرد: طبق پیگیری‌هایی که تاکنون شده است با حضور مسئولان و مقامات دستگاه‌های مربوط در سوریه، کمیته‌ای سیاسی - امنیتی تشکیل شده که این موضوع به صورت میدانی پیگیری شود. بر اساس اطلاعاتی که در اختیار است، عملاً مکان اختفا و نگهداری این ۴۸ زائر ایرانی شناسایی شده و در حال مذاکره با مسئولان و جریان‌های ذی‌ربط هستیم

پاکسازی حلب توسط ارتش سوریه

ارتش سوریه با همکاری نیروهای مردمی برخی محله‌های دیگر شهر حلب را از افراد مسلح پاکسازی کرد و شماری از آنها را کشت. به گزارش فارس، نیروهای ارتش توانستند برخی مناطق و محله‌های شهر حلب را از گروه‌های تروریستی مسلح پاکسازی کرده و تلفات و خسارات سنگینی به آنها وارد کنند. در همین حال، یک منبع در استان حلب به خبرگزاری رسمی سوریه گفت: نیروهای مسلح به پاکسازی محله سیف‌الدوله از تروریست‌های مزدور ادامه داده و تلفات سنگینی به آنها وارد کردند. وی افزود: با همکاری اهالی محله‌های میسلون، قسطل الحرامی و السید علی، یک یگان از نیروهای مسلح ما با گروهی تروریستی درگیر شده و شماری از اعضای آن را کشته یا زخمی کردند. یگانی از ارتش سوریه نیز در میدان الحطب در منطقه الجدیده شهر حلب با تروریست‌ها درگیر شد و شماری از آن‌ها را کشت. از سویی مخالفان سوریه موسوم به ارتش آزاد این کشور برای نخستین بار از افراد مسلح خواستند به جای شکنجه و کشتار در سوریه وقت خود را صرف امور سیاسی کنند. ارتش آزاد سوریه برای نخستین بار به شکنجه و کشتار نیروهای دولتی این کشور اعتراف کرد.

یادداشت

اولین نمایش قدرت «مرسی» در مصر جدید

نادر مازوجی

این شایعات که اقدام اخیر «محمد مرسی» رئیس جمهوری مصر در برکناری ژنرال‌های ارشد بازمانده از نظام سابق از جمله «محمدحسین طنطاوی» وزیر دفاع، کودتای وی با هماهنگی آمریکا بود، یا اینکه آمریکا با نشان دادن چراغ سبز به اخوان‌المسلمین برای حکومت آینده سوریه از کودتای مرسی حمایت کرد، یا این موضوع که کمک اخیر میلیاردی امیر قطر به مصر و همچنین سفر مرسی به عربستان در برکناری ژنرال‌های ارشد بی‌تأثیر نبود، همه اینها موضوعات فرعی است. واقعیت این است که اقدام مرسی حاوی یک پیام بسیار مهم بود و آن این که جایی برای بازماندگان دوران مبارک و ژنرال‌های آن حکومت در نظام جدید نیست. این پیام با توجه به احساسات ضدنظام سابق که در مصر جاری است، فرصت به چالش کشیدن اقدام مرسی را از نظامیان گرفته است. مرسی با نظامیان کاری کرد که ممکن بود اگر در آن تأخیر می کرد، آن‌ها به سر او بیاورند. مرسی از روزی که رئیس جمهوری مصر شد به دنبال فرصتی بود تا قدرتی را که مردم با رأی خود به او دادند، نشان دهد. این فرصت حدود دو هفته قبل در جریان حمله به یگان مرزبانی مصر در صحرای سینا به او داده شد. در این حمله ۱۶ نیروی نظامی مصر به دست مهاجمان ناشناس کشته شدند. مرسی از فرصت به وجود آمده نهایت استفاده را کرد و بلافاصله وزیر دفاع و رئیس ستاد ارتش را برکنار و متمم قانون اساسی را که به نظامیان اختیار بیشتر و به رئیس جمهوری اختیار کمتری می‌داد، لغو کرد. اقدام مرسی بسیار زیرکانه و هوشمندانه بود زیرا با هماهنگی با نظامیان صورت گرفت تا از واکنش احتمالی ارتش جلوگیری کند و این اقدام به شکل کودتا تفسیر نشود. واقعیت این است که انقلاب مصر پس از سقوط مبارک، کامل نشد و شورای نظامی که متشکل از ژنرال‌های همان حکومت بود، قدرت را در دست گرفت. اعتمادی که مردم قبل از سقوط مبارک به ارتش داشتند و آن را ارتش ملی می خواندند، پس از سرنگونی وی و عهده‌دار شدن قدرت توسط نظامیان از بین رفت. شورای نظامی امانت‌دار و معتمد خوبی برای انقلاب مصر نبود. مرسی با کنار زدن سران این شورا در حقیقت یک مرحله مهم از انقلاب را پیش برد. مرسی در نخستین روزهای ریاست جمهوری‌اش مورد تردید قرار داشت و به عنوان فردی ضعیف و بی‌اراده شناخته می شد. اما ماجرای صحرای سینا و اقدام انقلابی وی برای برکناری نظامیان ارشد، نمایش ضعف او را به نمایش قدرت تبدیل کرد. اگرچه این امر به مذاق بسیاری از افسران ارتش که همچنان هواخواه مبارک هستند تلخ بود اما از آنجایی که مرسی میلیون‌ها طرفدار در مصر دارد، احتمال کودتای نظامی توسط ارتش دور از ذهن خواهد بود. درباره احزاب مصر نیز باید گفت هیچ یک از این احزاب در موقعیتی نیستند که بتوانند سرنوشت‌ساز باشند یا واکنشی علیه اقدام مرسی داشته باشند.

اما اقدامات مرسی نیز از این پس تعیین کننده و سرنوشت‌ساز خواهد بود. وی تنها در شرایطی می تواند به شایعات پایان دهد و ثابت کند برکناری نظامیان با هماهنگی و کمک آمریکا و برخی رژیم‌های عربی نبوده که از این به بعد با جدیت به تجهیز و تقویت ارتش بپردازد و اجازه ندهد ارتش مصر در مقابل فشارهای داخلی و خارجی تضعیف شود و همان ارتش ملی را بار دیگر در اذهان مردم کشورش تداعی کند.

حمله به هواپیمای رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در افغانستان

سرویس خارجی: یک راکت شلیک شده به سمت پایگاه «بگرام» افغانستان، به هواپیمای «مارتین دمپسی»، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا آسیب وارد کرد.

به گزارش فارس به نقل از خبرگزاری فرانسه، دو فروند راکت از سوی شورشیان افغان به سوی پایگاه بگرام شلیک شد که یکی از آن‌ها به هواپیمای «سی-۱۷» مورد استفاده ژنرال دمپسی آسیب وارد کرد.

گزارش ها حاکی از آن است که دمپسی پایگاه بگرام را با هواپیمایی دیگر به مقصد عراق ترک کرد.

انفجار ناشی از این راکت به در هواپیمای دمپسی آسیب وارد کرده است. این هواپیما در باند فرودگاه پارک شده بود. دو تن از خدمه تعمیرات و نگهداری دچار جراحت‌های سطحی شدند. این حمله به شخص دمپسی یا همراهانش آسیبی وارد نکرد. وی و همراهانش در زمان حمله خواب بودند.

از طرفی خبرگزاری فرانسه در گزارشی از کابل نوشت: ژنرال مارتین دمپسی رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا پس از دیدار با مقامات افغانستان در کابل گفت، به نظر می رسد مقامات افغان آماده‌اند تا برای جلوگیری از «حملات خودی» یا حملات بی‌سابقه نیروهای افغان علیه نیروهای ناتو که کشته شدن ۴۰ نیروی ناتو را طی امسال در پی داشته است، اقدامی جدی انجام دهند. وی افزود: برای نخستین بار متوجه شدم که همتاهای افغان من مانند مقامات آمریکایی نگران چنین حملاتی هستند.

دمپسی در مصاحبه با فرانس‌پرس تصریح کرد: در گذشته، این ما بودیم که آن‌ها (مقامات افغان) را تحت فشار قرار می‌دادیم تا برای مقابله با این مسأله اقدام کنند. این ژنرال چهارستاره آمریکایی در حالی با فرماندهان نیروی تحت فرماندهی ناتو و همچنین مقامات نظامی بلندپایه افغان دیدار کرد که نگرانی ها در مورد حملات نیروهای امنیتی افغان به همقطاران بین‌المللی خودشان رو به افزایش است.

واکنش اوباما

این در حالی است که به دنبال افزایش حملات نیروهای افغان به نظامیان آمریکایی، باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا از این حملات ابراز نگرانی کرد.

به گزارش فارس، افزایش حملات نیروهای افغان به نظامیان خارجی خشم و سردرگمی مقامات آمریکایی را به دنبال داشته و آن‌ها را وادار به انجام واکنش‌هایی کرده است.

باراک اوباما در یک کنفرانس خبری با اظهار نگرانی در مورد افزایش حملات نیروهای افغان به نظامیان خارجی گفت: در این مورد با فرماندهان آمریکایی مستقر در افغانستان گفت‌وگو کرده تا برای توقف این حملات با دولت افغانستان همکاری کنند.

در همین راستا لئون پانتا در تماس تلفنی با حامد کرزی، خواهان بررسی جدی در خصوص استخدام نیروهای افغان شده است.

وزیر دفاع آمریکا مسأله افزایش حملات نظامیان افغان به نیروهای بین‌المللی را نگران‌کننده توصیف کرد و از کرزی خواست در این رابطه همکاری بیشتری داشته باشد.

«جرج لیتل» سخنگوی وزارت دفاع آمریکا که در حضور خبرنگاران در واشنگتن سخن می گفت، بیان داشت: کرزی و پانتا در زمینه همکاری مشترک و برخورد جدی با این موضوع، به توافق رسیده‌اند.

رئیس جمهوری یمن از سوء قصد جان به در برد

سرویس خارجی: یک پایگاه خبری یمنی از سوء قصد نافرجام به جان رئیس جمهوری این کشور در روز عید فطر خبر داد.

«مارب پرس» نوشت، صبح روز عید فطر در یمن، خودروی «عبدربه منصور هادی»، رئیس جمهوری این کشور در صنعاء، از سوی افراد مسلح ناشناس مورد حمله قرار گرفت.

یکی از شاهدان عینی اعلام کرد: یک شخص سوار بر خودروی مرسدس بنز به سوی خودروی هادی در منطقه «کنتاکی» در جاده منتهی به کاخ ریاست جمهوری تیراندازی کرد. این در حالی بود که هادی برای ادای نماز عید فطر به سوی کاخ ریاست جمهوری در حرکت بود. وی افزود که یکی از محافظان بلافاصله به سوی فرد مهاجم تیراندازی کرد، به همین دلیل این فرد نتوانست به درستی نشانه‌گیری کند و خودروی رئیس جمهوری یمن چند ثانیه پیش از این تیراندازی محل را ترک کرده بود. با این حال نیروهای امنیتی به سوی این مهاجم تیراندازی کردند، ولی وی به سرعت از محل فرار کرد.

از سویی، مرکز امنیت سیاسی شهر عدن (سازمان اطلاعات) بار دیگر از سوی افراد مسلح مورد حمله قرار گرفت.

افراد مسلح نقابدار ۴۸ ساعت پس از انفجار در مقابل مرکز امنیت سیاسی یمن در عدن بار دیگر به این ساختمان حمله کردند.

براساس این گزارش، افراد مسلح ناشناس از کوه «التواهی» واقع در نزدیکی ساختمان این مرکز، حمله خود را آغاز کردند و نیروهای امنیتی مستقر در این مرکز نیز با آتشباری سنگین واکنش نشان دادند. از سوی دیگر، صدای چندین انفجار در این شهر به گوش رسید.

*** بحرین**

شهروندان بحرینی به مناسبت اولین سالگرد شهدای قیام این کشور، راهپیمایی مسالمت‌آمیزی در مناطق «ستره» و «الدراز» برگزار کردند که نیروهای رژیم آل خلیفه آن را سرکوب کردند. این سرکوب منجر به مجروح شدن شمار زیادی از بحرینی ها شد. شهروندان بحرینی در پاسخ به دعوت انقلابیون، مغازه‌های خود را تعطیل و در این تظاهرات مسالمت‌آمیز شرکت کردند.

از طرفی، وزارت کشور بحرین از بازداشت ۱۱ نفر از معترضان در برخی از مناطق شیعه‌نشین این کشور خبر داد. در ادامه سرکوب شیعیان در بحرین، سرلشکر «طارق الحسن» رئیس امنیت ملی این کشور گفت: نیروهای امنیتی ۱۱ نفر از معترضان را دستگیر و با اتخاذ تدابیر قانونی لازم پرونده آنها را به دادستانی کل ارجاع دادند.

در تحولی دیگر فیلم جدیدی از شلیک گازهای سمی توسط نیروهای امنیتی آل خلیفه به داخل منازل مسکونی مردم بحرین منتشر شد.

*** عربستان**

برخی منابع در شهر ریاض، پایتخت عربستان از نشانه‌های بروز شکاف در گارد ملی عربستان و سرپیچی گروهی از این نیروها از سرکوب نمازگزاران خبر دادند. برخی منابع آگاه در گفتگو با هفته‌نامه «المنار» چاپ فلسطین اظهار داشتند: نشانه‌های شکاف و چند دستگی در دستگاه گارد ملی سعودی از انفجار اوضاع در درون صفوف این نهاد امنیتی خبر می دهند.

این منابع افزودند: تنش شدیدی بر گارد ملی عربستان بویژه در برخی پایگاه‌های نظامی در منطقه الشرقیه این کشور سایه افکنده است. وی تصریح کرد: این تنش در پی خودداری یک تیپ از گارد ملی عربستان از سرکوب شماری از نمازگزاران که جمعه گذشته علیه رژیم آل سعود شعار می دادند، بروز کرد.

به گفته منابع آگاه، خودداری تیپ گارد ملی عربستان در حالی صورت گرفت که هفته گذشته همین تیپ در راستای اجرای فرامین نظامی در عملیات سرکوب شرکت کرده بود و این خودداری باعث شد تا مسئولان پایگاه نظامی، تیپ یاد شده را براساس بند سرپیچی و عدم اجرای دستورات مورد پیگرد و بازخواست قرار دهند.

این منابع در ادامه گفت‌وگوی خود با المنار تصریح کردند: هفت افسر تیپ یاد شده که از اجرای دستورات برای سرکوب معترضان خودداری کردند، بازداشت شدند و آنها هم اکنون تحت بازجویی و شکنجه قرار دارند.

طالبان محلی به ارتش پاکستان هشدار داد

سرویس خارجی: طالبان محلی پاکستان با انتشار اخبار مربوط به آغاز عملیات قریب‌الوقوع ارتش این کشور در مناطق قبیله‌ای درباره این عملیات به نیروهای ارتش هشدار داد.

به گزارش فارس، «تحریک طالبان» پاکستان با ارسال پیامی به رسانه‌ها از تشکیل گروهی موسوم به «جوخه بمب‌گذاران انتحاری» برای مقابله با حمله احتمالی ارتش به مناطق قبیله‌ای پاکستان در نزدیکی مرز افغانستان خبر داد.

در این پیام آمده است که این گروه از طریق منابع خود در ارتش پاکستان، گزارشات اطلاعاتی درباره برنامه حمله به وزیرستان شمالی دریافت کرده است.

به گزارش آسوشیتدپرس، «احسان‌الله احسان» سخنگوی تحریک طالبان جزئیاتی را درباره این عملیات که قرار است از ۲۶ اگوست (۵ شهریور) آغاز و تا یک ماه ادامه داشته باشد افشا کرد. وی گفت: تحریک طالبان پاکستان خود را برای دفاع آماده کرد و برای استقبال از ارتش، یک جوخه از بمب‌گذاران انتحاری تشکیل داده است. مقامات ارتش هنوز در این باره اظهارنظری نکرده‌اند.

حدود ۲ هفته پیش، روزنامه «وال‌استریت ژورنال» از توافق پاکستان و آمریکا برای انجام عملیات مشترک بر ضد شبه‌نظامیان طالبان و شبکه «حقانی» در منطقه قبیله‌ای «وزیرستان» پاکستان خبر داد. در همین حال انفجار در شهر کویته پاکستان ۸ کشته و مجروح بر جا گذاشت. به گزارش واحد مرکزی خبر از اسلام‌آباد، بمبی در منطقه «سریاب» شهر کویته هنگام عبور کاروان نیروهای شبه‌نظامی ارتش پاکستان منفجر شد. بر اثر این انفجار به چند خودروی غیرنظامی خسارت وارد شد و یکی از سرنشینان آن کشته شد و ۷ نفر مجروح شدند. منابع خبری پاکستان اعلام کردند آسیبی به نیروهای نظامی نرسیده است.

کوتاه از سراسر جهان

نخست وزیر اتیوپی درگذشت

ایرنا: «ملس زیناوی»، نخست وزیر اتیوپی بر اثر بیماری در یکی از بیمارستان‌های این کشور درگذشت. نخست وزیر شصت و هفت ساله اتیوپی بر اثر تشدید بیماری‌اش پریروز در بیمارستان بستری شده بود. گفته می شود «هاله ماریام دسالن»، معاون نخست وزیر اتیوپی وظایف زیناوی را برعهده گرفته است. در همین حال، ژاکوب زوما رئیس جمهوری آفریقای جنوبی پیام تسلیتی را برای دولت و مردم اتیوپی به مناسبت درگذشت زیناوی ارسال کرد.

لغو قانون سانسور مطبوعات در میانمار پس از ۵۰ سال

سرویس خارجی: دولت میانمار رسماً سانسور مطبوعات در این کشور را که از ۵۰ سال پیش برقرار شده بود ملغی اعلام کرد و خبر داد که از این پس روزنامه‌نگاران مجبور به گرفتن تاییدیه اداره سانسور دولتی برای انتشار گزارش‌های خود نیستند. این تصمیم جدید دولت میانمار گام بزرگی در جهت آزادی مطبوعاتی در این کشور به شمار می آید اما آزادی رسانه‌ای در این کشور همچنان با دشواری‌هایی روبه‌رو است. غرب از انجام این اصلاحات استقبال کرده و ماه گذشته نیز هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا، در دیدار با رئیس جمهوری میانمار از سرمایه گذاری‌های گسترده ایالات متحده در آن کشور خبر داد.

«ژاکوب زوما» خواستار پایان اعتصاب معدنچیان شد

ایرنا: ژاکوب زوما، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی از شرکت «لونمین» خواست به ضرب‌الاجل تعیین شده برای ادامه اعتصاب پایان دهد و کارگران معدن به سر کار خود بازگردند. مدیریت شرکت لونمین که بهره‌برداری از معدن ماریکانا را در اختیار دارد به ۳۰۰۰ کارگر این معدن تا امروز فرصت داده تا به سر کار خود بازگردند. معدن ماریکانا اواخر هفته گذشته شاهد کشته شدن ۳۴ معدنچی اعتصابی توسط پلیس بود.

دستگیری ۳ سرکرده القاعده در الجزایر

فارس: ارتش الجزایر از دستگیری چند تن از رهبران القاعده خبر داد که قصد داشتند به شمال مالی که در دست برخی از عناصر این گروه قرار دارد، بروند. ارتش الجزایر که این افراد را سه روز پیش دستگیر کرده یادآور شد، «الطیب نسیب»، ملقب به «ابی عبدالرحمان ابی اسحاق»، رئیس کمیته قضایی و عضو شورای القاعده و دو تن از معاونین وی دستگیر شده‌اند. ابواسحاق یکی از سرکردگان القاعده است که به کشتن شمار زیادی از غیر نظامیان در دهه نود در الجزایر متهم شده است.

برکناری وزیر امور خارجه بلاروس

ایرنا: «الکساندر لوکاشنکو»، رئیس جمهوری بلاروس وزیر امور خارجه این کشور را از کار برکنار کرد.

دفتر لوکاشنکو از جایگزینی «ولادیمیر میکی»، رئیس اداره ریاست جمهوری بلاروس به جای «سرگئی مارتینف، وزیر امور خارجه خبر داد.

میکی که متولد سال ۱۹۵۸ است، از سال ۲۰۰۰ مشاور ریاست جمهوری بلاروس بود.

تشکیل دولت وحدت ملی در مالی

ایرنا: «دیونکوندا ترائوره»، رئیس دولت انتقالی مالی، دولت وحدت ملی این کشور را تشکیل داد. ترائوره دولت وحدت ملی مورد درخواست جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا را تشکیل داد. بر پایه فرمان تشکیل دولت جدید که از رسانه‌های دولتی مالی منتشر شد، «تیمان کولیبالی»، به عنوان وزیر جدید امور خارجه معرفی شد و به این ترتیب فردی از حزب جبهه دمکراسی و جمهوری وارد ترکیب دولت شد. «برونو مایگا» نیز که در ترکیب دولت قبلی حضور داشت، در دولت جدید به عنوان وزیر ارتباطات معرفی شده است.

کاسپاروف و اتهام گاز گرفتن یک پلیس روس

ایرنا: «گری کاسپاروف»، یکی از مخالفان ولادیمیر پوتین و قهرمان سابق شطرنج جهان توسط پلیس روسیه مورد بازجویی قرار گرفت.

مقامات روسیه اعلام کردند که کاسپاروف متهم است ضمن یورش به سوی یک مامور پلیس وی را گاز گرفته است. کاسپاروف در جمع خبرنگاران گفت: من توضیحات لازم را دادم و یک فیلم ویدئویی را در این خصوص به آنها ارائه کردم.

خودسوزی مرد ایتالیایی در برابر پارلمان

فارس: یک ایتالیایی که در اعتراض به شرایط بد اقتصادی و بیکاری در این کشور در برابر پارلمان خودسوزی کرده بود، جان باخت. پلیس با اعلام این خبر افزود: «آنجلو دی کارلو» که در مرکز رم در برابر پارلمان خودسوزی کرد، دچار سوختگی ۸۵ درصد شده بود و تلاش‌های نیروهای پلیس برای نجات وی سودی نداشت. گفته می شود که دی کارلو در اعتراض به بیکاری و اشتغال به مشاغل پاره وقتی که درآمد کمی دارند، به این اقدام دست زده بود.

تجمع هواداران «آسانژ» مقابل کنسولگری انگلیس در نیویورک

سرویس خارجی: شماری از هواداران «جولیان آسانژ»: بنیانگذار وبسایت افشاگر «ویکی لیکس» که در سفارت اکوادور در لندن بسر می‌برد، در مقابل کنسولگری انگلیس در نیویورک تجمع کردند. هواداران آسانژ با تجمع در برابر کنسولگری انگلیس در نیویورک خواهان این بودند که به بنیانگذار ویکی لیکس اجازه ترک خاک انگلیس داده شود. همچنین تظاهرات ضدآمریکایی و انگلیسی در پایتخت اکوادور به نشانه حمایت از تصمیم دولت «رافائل کوره‌آ» رئیس جمهوری این کشور برای اعطای پناهندگی به جولیان آسانژ ناشر اینترنتی اطلاعات محرمانه دیپلماتیک برگزار شد. این در حالی است که رئیس جمهوری اکوادور اقدام احتمالی دولت انگلیس برای ورود غیرقانونی به سفارت این کشور در لندن را «خودکشی سیاسی» دانست.

درخواست برای آزادی تیموشنکو

ایرنا: طرفداران «یولیا تیموشنکو»، نخست وزیر زندانی اوکراین و اعضای احزاب و گروه‌های مخالف دولت این کشور در تظاهراتی در کیف خواستار آزادی وی از زندان شدند.

در این تظاهرات صدها نفر شرکت و پس از اجتماع در برابر ساختمان دفتر ریاست جمهوری اوکراین و راهپیمایی در چند خیابان کیف مقابل دادگاه عالی مدنی این کشور اجتماع کردند.

تظاهرات مخالفان حمله به ایران مقابل منزل وزیر جنگ رژیم صهیونیستی

سرویس خارجی: جمعی از فعالان سیاسی مخالف هرگونه اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، مقابل منزل وزیر جنگ رژیم صهیونیستی تظاهرات و اعلام کردند افکار عمومی آمادگی چنین جنگی را ندارد.

به گزارش فارس، حدود ۵۰ تن از فعالان سیاسی با تظاهرات مقابل منزل ایهود باراک اعتراض خود را به اقدام نظامی علیه ایران اعلام کردند.

تظاهرکنندگان با کوبیدن به ظروف فلزی و طبل‌هایی که در دست داشتند، نمادهایی حمل می‌کردند که روی آن نوشته شده بود: افکار عمومی آماده نیست.

در این حال ارسال نامه‌ای از سوی رئیس حزب کادیما درباره عواقب پیچیده و خطرناک اقدام نظامی علیه ایران، با واکنش منفی نزدیکان بنیامین نتانیاهو روبرو شده است.

«شائول موفاز» رئیس حزب کادیما که اخیراً از ائتلاف با کابینه رژیم صهیونیستی خارج شده طی نامه‌ای به نتانیاهو تأکید کرد: هرگونه حمله به ایران خسارات فراوانی به اسرائیل و وضعیت سیاسی این کشور وارد می کند.

وی در این نامه که نسخه‌ای از آن برای ایهود باراک نیز ارسال شده تقاضا کرده در نشستی اضطراری میان سران تل‌آویو موضوع اقدام احتمالی اسرائیل علیه ایران بررسی شود.

وی همچنین تقاضا کرده که در جریان آخرین آمادگی‌های اسرائیل برای حمله احتمالی به ایران و موضع ایالات متحده آمریکا در این باره قرار بگیرد.

اما «عوفر آکونیس» از اعضای حزب لیکود در پارلمان رژیم صهیونیستی، ارسال نامه از سوی موفاز به نتانیاهو را به باد تمسخر گرفت.

وی تأکید کرد: نامه اضطراری که از سوی موفاز به نتانیاهو درباره موضوع هسته‌ای ایران ارسال شد تمسخرآمیز است و رئیس حزب کادیما در تعامل با موضوعی که مسئولیت ملی می طلبد غیر مسئولانه رفتار می کند.

گلوله‌باران غزه

نظامیان رژیم صهیونیستی جنوب نوار غزه را به شدت گلوله‌باران کردند. منابع فلسطینی و شاهدان گفتند نظامیان اشغالگر مستقر در مرزهای شرقی خان یونس به سوی خانه‌های فلسطینی‌ها در شهرک خزاعه در جنوب غزه تیراندازی کردند.

از سویی شبکه الجزیره اعلام کرد صهیونیست‌های افراطی یک خانواده فلسطینی را مجروح کردند. به گزارش ایرنا، یک خانواده فلسطینی از روستای نحالین از توابع شهر بیت‌لحم واقع در کرانه غربی رود اردن مورد حمله شهرک‌نشینان صهیونیست قرار گرفتند.

در این حال نیروهای پلیس رژیم صهیونیستی هفت سرباز ارتش این رژیم را به خاطر ضرب و شتم یک فلسطینی در بیت‌المقدس دستگیر کردند.

سخنگوی پلیس رژیم صهیونیستی اعلام کرد جوان فلسطینی به شدت زخمی و در اثر شدت مشت وارده به سینه‌اش توسط این هفت تن، دچار سکته قلبی شده و در حال حاضر در بیمارستان «هداسا» بستری است.

مصر جنگنده و تانک به منطقه سینا می‌فرستد

سرویس خارجی: منابع خبری اعلام کردند که برای اولین بار از سال ۱۹۷۳ تاکنون مصر قصد دارد، به شبه جزیره سینا تانک و هواپیماهای جنگی ارسال کند. منابع امنیتی مصری امروز اعلام کردند که ارتش این کشور خود را آماده می کند، برای اولین بار از سال ۱۹۷۳ و جنگ با اسرائیل تانک و هواپیمای جنگی به شبه جزیره سینا ارسال کند. این منابع تاکید کردند که ارسال این تجهیزات با هدف مبارزه با گروه‌های مسلح و شبه نظامیان فعال در این منطقه صورت می گیرد. همچنین منابع مذکور گفتند که عبدالفتاح السیسی، وزیر دفاع مصر نقشه نهایی حمله به این شبه نظامیان در شبه جزیره سینا را برنامه‌ریزی کرده و درصدد اجرای آن است. از طرفی، رادیو رژیم صهیونیستی اعلام کرد: ارتش مصر برای اولین بار از سال ۱۹۶۷ اقدام به استقرار سامانه دفاع موشکی ناشناخته‌ای در صحرای سینا کرده است. رادیو رژیم صهیونیستی این امر را بزرگترین تهدید برای رژیم اسرائیل دانست و مفسر امور عربی این رادیو اعلام کرد که مصر تلاش می کند واقعیت در صحرای سینا را تغییر دهد. یک منبع صهیونیستی نیز به روزنامه «ورلد تریبون» چاپ آمریکا گفته است: مصر این اقدام را بدون اطلاع اسرائیل انجام داده است، وی با اظهار تعجب از اقدام قاهره افزود که گروه‌های مسلح از هواپیما استفاده نمی کنند.

دیدار با شیوخ

به گزارش روزنامه الیوم السابع، «عبدالفتاح السیسی»، وزیر جدید دفاع مصر، با سران قبایل و شیوخ شبه جزیره سینا نشستی را برگزار کرد.

در این نشست سرلشکر «صدقی صبحی»، رئیس جدید ستاد مشترک ارتش مصر و شمار دیگری از فرماندهان ارشد ارتش نیز حضور داشتند.

وزیر دفاع مصر در دیدار با سران قبایل و شیوخ شبه جزیره سینا بر ادامه عملیات پاکسازی این شبه جزیره از وجود شبه نظامیان و گروه‌های مسلح تاکید کرد. السیسی در این ارتباط از شیوخ و سران قبایل سینا خواست با ارتش سوریه همکاری داشته باشند و اطلاعات لازم درباره این گروه‌های مسلح و شبه نظامیان را در اختیار ارتش مصر قرار دهند. در این حال وزیر دفاع مصر گفت که تا چند روز دیگر اسامی افرادی را اعلام خواهد کرد که در حمله تروریستی به نظامیان مصری در رفح در پنجم اوت دست داشتند. در چنین شرایطی نماینده سابق آمریکا در خاورمیانه از دولت اوباما خواست کمک‌های خود به مصر را به حفظ معاهده صلح با اسرائیل منوط کند. به نوشته روزنامه «واشنگتن پست»، «دنیس راس» از دولت آمریکا خواست اگر قاهره به نقض پیمان صلح خود با اسرائیل ادامه داد، حمایت مالی خود از مصر را مورد بازبینی قرار دهد.

حمله تروریستی به خودرو حامل دیپلمات مصری در لیبی

سرویس خارجی: وزیر خارجه لیبی اعلام کرد به دنبال سوءقصد به جان دبیر اول کنسولگری مصر در شهر بنغازی لیبی این کشور همه اقدامات و تدابیر لازم برای حفظ جان دیپلمات‌های مصری را اتخاذ کرده است.

«محمد کامل عمرو» وزیر خارجه مصر در تماس تلفنی با «عاشور بن خیال» همتای لیبیایی خود خواستار تحقیق درباره حادثه انفجار ناشی از بمب دستی در خودرو یک دیپلمات مصری در شهر بنغازی لیبی شد. خودرو یک دیپلمات مصری نزدیک منزلش در شهر بنغازی در شرق لیبی منفجر شد. این در حالی است که یکشنبه گذشته نیز دو خودرو بمب‌گذاری شده در طرابلس پایتخت لیبی منفجر و به کشته شدن دو نفر منجر شد. مقامات امنیتی گفتند یک بمب دست‌ساز زیر خودرو «عبدالحمید رفاعی» دبیر اول کنسولگری مصر در بنغازی جاسازی شده بود که منفجر شد، اما به کسی آسیبی نرسید.

یک منبع امنیتی دیگر تصریح کرد افراد ناشناس سوار بر خودرویی از مقابل منزل دبیر اول کنسولگری مصر در بنغازی عبور کردند و نارنجکی را به داخل خودرو پارک شده مقابل منزلش پرتاب کردند. در این حال وزارت کشور لیبی از بازداشت ۳۲ مظنون در ارتباط با بمب‌گذاری‌های طرابلس خبر داد.

از سویی نخست وزیر لیبی گفت زخم‌خوردگان انتفاضه لیبی و اعضای کینه‌توز رژیم معمر قذافی مسئول حملات تروریستی اخیر در این کشور هستند.

«عبدالرحیم الکیب»، طی نطقی تلویزیونی اعلام کرد کینه‌توزان رژیم سابق این کشور درصدد متوقف کردن حرکت ملت لیبی و سنگ‌اندازی در مسیر پیشرفت و ساختن کشوری جدید هستند. وی افزود: این اقدامات بزدلانه حرکت انقلابی لیبی را متوقف نمی کند و اراده آن را تضعیف نخواهد کرد و بالعکس تلاش ما را برای سازندگی، پیشرفت و تحقق اهداف و ارزش‌های انقلاب بیشتر می کند. نخست‌وزیر لیبی از اعضای منتخب کنگره ملی و دولت موقت آتی در این کشور خواست منافع کشور را در رأس امور قرار دهند و در برقراری عدالت در این مرحله حساس از تاریخ لیبی با جدیت تلاش کنند.

انفجار یک بمب قوی در شهر «غازی آنتپ» ترکیه ۹ کشته و ٦٤ زخمی به جا گذاشت

سرویس خارجی: انفجار یک بمب قوی در شهر «غازی آنتپ» در جنوب ترکیه ۹ کشته و ٦٤ زخمی به جا گذاشت.

به گزارش ایرنا به نقل از منابع خبری ترکیه، این انفجار در نزدیکی مرکز پلیس این شهر رخ داد. گزارشات اولیه حاکیست که انفجار در داخل یک خودرو که در نزدیکی مرکز یادشده پارک شده بود از طریق کنترل از راه دور صورت گرفت. شبکه خبری تلویزیون دولتی ترکیه گزارش داد که در این انفجار دو دستگاه اتوبوس شهری، یک دستگاه مینی‌بوس و خودروی سواری دچار آتش‌سوزی شده و ۹ تن از شهروندان کشته و ٦٤ تن نیز زخمی شدند که به بیمارستان منتقل گردیدند.

به دنبال انفجار و انتقال زخمی‌ها به بیمارستان‌ها، از طریق بلندگوها و رسانه‌ها از مردم خواسته شد برای اهدای خون فوراً به بیمارستان‌ها مراجعه کنند.

بنابراین گزارش نیروهای امنیتی به دنبال این انفجار عملیات گسترده‌ای را در سطح شهر برای یافتن عاملان بمب‌گذاری آغاز کردند. در همین رابطه (پ.ک.ک) هرگونه ارتباط خود با حادثه انفجار خودروی بمب‌گذاری شده در شهر غازی آنتپ را رد کرد. پایگاه خبری «دوغان» و پایگاه اینترنتی «فرات نیوز» به نقل از منابع «پ.ک.ک» اعلام کردند که نیروهای این گروه هیچ ارتباطی با این انفجار ندارند. در همین حال «بشیر آتالای» معاون امنیتی نخست‌وزیر ترکیه آمار تلفات بمب‌گذاری در شهر غازی آنتپ در جنوب‌شرقی این کشور را ۹ تن و تعداد زخمی‌هایی که در بیمارستان بستری هستند را ۱۷ نفر اعلام کرد و گفت: حال چهار تن از مصدومان بسیار وخیم است. وی در گفت‌وگو با خبرنگاران با اعلام این مطلب گفت: بررسی‌های اولیه نشان می دهد بمب در یک خودروی به سرقت‌رفته جاسازی شده بود.

در پی انفجار بمب و اعلام کشته و زخمی شدن شماری شهروندان ترکیه‌ای، صدها تن از مردم این شهر با در دست داشتن پرچم‌های ترکیه به ساختمان حزب «صلح و دمکراسی» که گفته می شود هوادار «پ.ک.ک» است حمله کرده و این ساختمان را تخریب کردند.

این حزب که ۳۰ نماینده در مجلس ملی ترکیه دارد، ارتباط نزدیک خود با «پ.ک.ک» را کتمان نکرده و این سازمان را برخلاف دولت آنکارا یک سازمان تروریستی قلمداد نمی کند.

آتالای گفت: قرار است رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه نیز در مراسم تشییع جنازه کشته‌شدگان بمب‌گذاری غازی آنتپ شرکت کند.

در این میان رهبران سیاسی ترکیه نیز هر کدام با دادن پیامی ضمن محکوم کردن این حمله تروریستی در ایام تعطیلات عید فطر، مردم را به خویشتنداری دعوت کردند.

سیاستمداران ترکیه بیم آن دارند که تحریک عملیات تروریستی و ترغیب ملی‌گرایان تندرو حرکتی علیه شهروندان کرد مخالف در شهرهای مختلف ترکیه راه‌اندازی شده و امنیت این کشور به خطر بیفتد.

همچنین بر اثر انفجار مین در مسیر عبور یک خودروی زرهی ترکیه در منطقه «حاتای» در جنوب‌شرق این کشور دو سرباز کشته شدند.

قتل ۱۱ نظامی ترک

در چنین شرایطی (پ.ک.ک) از حمله به نظامیان ترکیه در نزدیکی مرزهای عراق و کشتن ۱۱ نظامی ترک خبر داد. به گزارش فارس به نقل از پایگاه خبری «السوریه نیوز» حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک)، از کشته شدن ۱۱ سرباز و پلیس ترکیه در نزدیکی مرزهای عراق خبر داد.

پ.ک.ک با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد؛ طی دو روز گذشته، نیروهای این حزب چند حمله به مراکز ارتش ترکیه در «ویلایهٔ شرناخ» واقع در نزدیکی مرزهای عراق انجام داد که طی آن ۸ سرباز و ۳ نیروی پلیس ترکیه کشته شدند و برخی از مناطق و برج‌های دیده‌بانی در منطقه «شمزینان» مورد هدف قرار گرفتند و به سوی چند ساختمان نظامی ترکیه در همین منطقه تیزاندازی شد.

در این بیانیه آمده است: با این وجود ارتش ترکیه همچنان به حملات زمینی و بمباران مناطقی در شمزینان ادامه می‌دهد.

در همین حال رسانه‌های خبری ترکیه از اقدام غیرمترقبه رجب طیب اردوغان نخست وزیر این کشور در گفت‌وگوی تلفنی و ارسال پیام‌های تبریک به روسای جمهوری و نخست‌وزیران سابق این کشور خبر دادند.

آمریکا ۱۵۰ میلیون دلار از دارایی‌های حزب‌الله لبنان را بلوکه کرد

سرویس خارجی: آمریکا ۱۵۰ میلیون دلار از دارایی‌های حزب‌الله لبنان را به اتهام آنچه پولشویی خوانده شد، مسدود کرد.

به گزارش فارس به نقل شبکه سی‌ان‌ان، مقامات فدرال آمریکا اعلام کردند، ۱۵۰ میلیون دلار از دارایی‌های حزب‌الله لبنان را به اتهام دست داشتن در عملیات پولشویی مسدود کردند. گفته می شود این اقدام به دنبال شکایت از بانک لبنانی - کانادایی صورت گرفت که متهم به پولشویی برای حزب‌الله لبنان در سراسر جهان است.

طبق گزارش سی‌ان‌ان، مقامات آمریکایی مدعی هستند، بانک لبنانی - کانادایی و سایر نهادهای مالی بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱، از فروش موادمخدر و انجام سایر فعالیت‌های جناحی در آمریکا، ۳۲۹ میلیون دلار عایدی داشته‌اند که با این پول‌ها خودروهای دست‌دوم خریداری می کنند و در آفریقای غربی به فروش می‌رسانند.

وزارت مبارزه با موادمخدر آمریکا در بیانیه‌ای مدعی شد: عواید این بانک‌ها از طریق کانال‌های تحت کنترل حزب‌الله به لبنان باز می گردد.

در گزارش سی‌ان‌ان آمده است سپتامبر سال گذشته، بانک لبنانی «سوشیت جنرال» بیشتر دارایی‌های بانک لبنانی - کانادایی را خریداری کرد. حداقل ۱۵۰ میلیون دلار از فروش دارایی‌های این بانک در حساب سپرده یک بانک لبنانی - فرانسوی قرار داشت بنابراین مقامات آمریکایی این مبلغ را در بانک لبنانی - فرانسوی که طرف معامله با آمریکاست، مسدود کردند. در این حال حزب‌الله اتهام جدید آمریکا علیه مقاومت لبنان را با هدف تخریب وجهه حزب‌الله و سرپوش گذاشتن بر دستاوردهای ملی این حزب دانست.

حزب‌الله تأکید کرد این اتهامات تلاشی جدید از سوی آمریکا برای هدف قرار دادن روحیه مقاومت در لبنان و تخریب وجهه آن و سرپوش گذاشتن بر دستاوردهای ملی این حزب است.

تشدید درگیری‌ها

به دنبال انتقال بحران اخیر سوریه به لبنان، درگیری‌ها در شمال این کشور بین علویان منطقه جبل محسن (حامیان نظام سوریه) و افراد منطقه باب‌التبانه (مخالفان سوریه) مجدداً بالا گرفت و منجر به کشته و زخمی شدن بیش از ۳۰ نفر شد.

در پی ربودن اتباع لبنانی از سوی معارضان سوریه و اخیراً ربودن چندین تبعه سوری در لبنان درگیری‌های مسلحانه پس از وقفه‌ای یک ماهه، بار دیگر میان مناطق باب‌التبانه و جبل محسن در طرابلس از سر گرفته شد. در این درگیری‌ها از انواع سلاح سنگین، متوسط و سبک استفاده شد و دامنه این درگیری‌ها به دیگر مناطق طرابلس نیز کشیده شد. این درگیری‌ها با پرتاب خمپاره به مناطق زاهریه و دیگر مناطق طرابلس ادامه داشت و هفت خانه در باب‌التبانه به آتش کشیده شد و پنج تن کشته و ۲۵ تن نیز زخمی شدند.

چالش‌های سالخوردگی جمعیت جهان

* جمعیت جهان در حال پیر شدن است. افزایش سن جمعیت در جوامع انسانی تبعاتی همچون افزایش هزینه‌های درمانی و کاهش تعداد نیروی کار مولد را در پی دارد. این تبعات، هشدارهایی جدی برای بخش‌های اقتصادی و صنعتی کشورها به شمار می‌روند

* بر اساس پیش بینی‌های سازمان ملل، تعداد افراد بالای ۶۰ سال جهان از ۸۰۰ میلیون نفر فعلی به بیش از ۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید همچنین پیش بینی شده که جمعیت جهان در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۵۰، معادل ۳٫۷ برابر شود، اما تعداد افراد ۶۰ سال به بالا در این مدت حدود ۱۰ برابر خواهد شد

* در سال ۲۰۱۱ ژاپن در میان کشورهای جهان بالاترین درصد افراد بالای ۶۰ سال را دارا بوده است. پس از این کشور ایتالیا با ۲۷ درصد، آلمان با ۲۶ درصد، فنلاند با ۲۵ درصد، سوئد با ۲۵ درصد، بلغارستان با ۲۵ درصد، یونان با ۲۵ درصد، پرتغال با ۲۴ درصد، بلژیک با ۲۴ درصد و کرواسی با ۲۴ درصد به‌ترتیب رتبه‌های دوم تا دهم را از این نظر به خود اختصاص داده‌اند

سازمان ملل پیش بینی کرد جمعیت بالای ۶۰ سال ایران در سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۵۰ با رشد ۲۶ درصدی به ۳۳ درصد کل جمعیت این کشور برسد و ایران از نظر سرعت پیر شدن جمعیت رتبه سوم جهان را به خود اختصاص دهد.

به گزارش فارس، «موسسه ابتکارات‌هاروارد برای بهداشت جهانی» با انتشار گزارشی به بررسی روند پیر شدن جمعیت جهان پرداخته و ایران را از نظر سرعت حرکت به سمت پیری جمعیت در رتبه سوم جهان قرار داده است.

جمعیت جهان در حال پیر شدن است. افزایش سن جمعیت در جوامع انسانی تبعاتی همچون افزایش هزینه‌های درمانی و کاهش تعداد نیروی کار مولد را در پی دارد. این تبعات، هشدارهایی جدی برای بخش‌های اقتصادی و صنعتی کشورها به شمار می‌روند. اما تاثیرات پیری جمعیت همگی قابل پیش بینی نیستند. بالا رفتن سن جوامع چالش‌های جدی و ریشه‌ای غیر قابل پیش بینی را به وجود می‌آورند، زیرا افرادی که در جامعه از سن بیشتری برخوردارند، علاوه بر نبود برخورداری از پتانسیل افراد جوان جامعه برای کار و تلاش، نیازهای متفاوتی هم دارند.

پیری جمعیت پروسه‌ای است که در تمامی کشورهای جهان اتفاق می‌افتد. سه عامل اساسی در این روند به ایفای نقش می‌پردازند:

ـ افزایش طول عمر: در بیشتر نقاط جهان، مردم اکنون بیش از دهه‌های پیش زندگی می‌کنند. اگر جهان را به عنوان مجموعه‌ای واحد در نظر بگیریم، امید به زندگی از دهه ۱۹۵۰ به این سو حدود ۲۰ سال افزایش یافته است (از ۴۸ سال در ۵۵-۱۹۵۰ به ۶۸ سال در ۱۰-۲۰۰۵ رسیده است.) سازمان ملل قصد دارد در طول نیمه اول قرن ۲۱ با اجرای برنامه‌های جمعیتی، امید به زندگی را در جهان به ۷۶ سال افزایش دهد.

– کاهش باروری: امروزه نرخ باروری در جهان از ۵ کودک برای هر زن در سال ۱۹۵۰ به حدود ۲٫۵ کودک کاهش یافته و پیش بینی شده که این نرخ در سال ۲۰۵۰ میلادی به ۲٫۲ کودک برای هر زن برسد و طبیعتا با کاهش میزان زاد و ولد در میان خانواده‌ها، سهم سالخوردگان از جمعیت هم افزایش می‌یابد.

ـ افزایش سن افراد متولد شده در دوره رشد سریع جمعیت: افزایش سن گروه‌های بزرگ کودکانی که پس از جنگ جهانی دوم در آمریکا و دیگر نقاط دنیا متولد شده‌اند موجب افزایش سهم سالخوردگان در جوامع امروزی شده است.

بر اساس پیش بینی‌های بخش جمعیت سازمان ملل، تعداد افراد بالای ۶۰ سال جهان از ۸۰۰ میلیون نفر فعلی(که ۱۱ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند) به بیش از ۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۵۰ خواهد رسید (یعنی ۲۲ درصد جمعیت جهان). همچنین پیش بینی شده که جمعیت جهان در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۵۰، معادل ۳٫۷ برابر شود، اما تعداد افراد ۶۰ سال به بالا در این مدت حدود ۱۰ برابر خواهد شد. در این میان ضریب افزایش جمعیت افراد خیلی سالخورده، یعنی افراد ۸۰ سال به بالا، ۲۶ خواهد بود.

اما در کنار این افزایش درصد سالخوردگان از جمعیت جهان، روند برجسته دیگری را هم می‌توان مشاهده کرد: «کاهش بیماری‌ها». پیشرفت علم پزشکی در مبارزه با مشکلات ناشی از سالخوردگی و شیوه زندگی سالم‌تر، نه تنها موجب افزایش طول عمر شده، بلکه شاخص‌های سلامت را در میان افراد پیر جامعه بهبود بخشیده است. در نتیجه، طول سال‌های ناخوشی در چرخه زندگی افراد کوتاه‌تر شده است. بنابراین، علاوه بر اینکه طول عمر افراد بیشتر شده، مدت زمانی که افراد می‌توانند در جامعه به کار و تلاش بپردازند هم طولانی‌تر شده است.

هرچند افزایش سن جمعیت هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای مشترک بوده است، اما آمارها نشان می‌دهد که ۱۰ کشوری که در سال ۲۰۱۱ بیشترین درصد سالخوردگان بالای ۶۰ سال را در ترکیب جمعیتی خود داشته‌اند، کشورهای توسعه یافته (یا کشورهای در حال گذار نظیر بلغارستان و کرواسی) بوده‌اند. اما این روند تا سال ۲۰۵۰ تغییر خواهد کرد، به طوری که احتمالا کشورهایی چون کوبا هم به این لیست اضافه خواهند شد و کشورهایی چون فنلاند و سوئد دیگر در زمره این کشورها قرار نخواهند داشت.

بر اساس گزارش سازمان ملل، در سال ۲۰۱۱ ژاپن در میان کشورهای جهان بالاترین درصد افراد بالای ۶۰ سال را دارا بوده است. ۳۱ درصد جمعیت این کشور در سال ۲۰۱۱ بالای ۶۰ سال سن داشته‌اند. پس از این کشور ایتالیا با ۲۷ درصد، آلمان با ۲۶ درصد، فنلاند با ۲۵ درصد، سوئد با ۲۵ درصد، بلغارستان با ۲۵ درصد، یونان با ۲۵ درصد، پرتغال با ۲۴ درصد، بلژیک با ۲۴ درصد و کرواسی با ۲۴ درصد به‌ترتیب رتبه‌های دوم تا دهم را از این نظر به خود اختصاص داده‌اند.

بر اساس پیش بینی سازمان ملل، این رده‌بندی تا سال ۲۰۵۰ دچار تغییراتی می‌شود. ژاپن رتبه خود را حفظ می‌کند و درصد افراد بالای ۶۰ سال در این کشور به ۴۲ درصد می‌رسد. پرتغال با ۴۰ درصد در رتبه دوم و بوسنی با ۴۰ درصد در رتبه سوم قرار خواهد گرفت. کشورهای کوبا ۳۹ درصد، کره جنوبی با ۳۹ درصد، ایتالیا با ۳۸ درصد، اسپانیا با ۳۸ درصد، سنگاپور با ۳۸ درصد، آلمان با ۳۸ درصد و سوئیس با ۳۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار خواهند گرفت. سازمان ملل همچنین ۱۰ کشوری را معرفی کرده است که تا سال ۲۰۵۰ بیشترین سرعت حرکت به سمت پیر شدن را خواهند داشت که همه کشورهای درحال توسعه هستند. جمعیت افراد بالای ۶۰ سال در امارات با رشد ۳۵ درصدی نسبت سال ۲۰۱۱ مواجه می‌شود و درصد افراد بالای ۶۰ سال در این کشور به ۳۶ درصد می‌رسد. امارات از نظر سرعت پیر شدن در جهان رتبه نخست جهان را به خود اختصاص خواهد داد. پس از این کشور، بحرین با رشد ۲۹ درصدی جمعیت بالای ۶۰ سال خود رتبه دوم را به خود اختصاص خواهد داد و ایران هم در رتبه سوم جهان از نظر سرعت پیر شدن جمعیت پیش بینی شده است. میزان افزایش جمعیت بالای ۶۰ سال ایران از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۵۰ بالغ بر ۲۶ درصد پیش بینی شده است و انتظار می‌رود در سال ۲۰۵۰ حدود ۳۳ درصد جمعیت ایران بالای ۶۰ سال باشد.

کشورهای عمان، سنگاپور، کره جنوبی، ویتنام، کوبا، چین و ترینیداد و توباگو هم از نظر سرعت پیر شدن در رتبه‌های چهارم تا دهم قرار گرفته‌اند.

بقیه در صفحه ۱۸

اپراتورهای تلفن همراه در یک نگاه

در هجدهمین سال ورود تلفن همراه به ایران، اپراتور اول ۵۷ میلیون سیم‌کارت به ۷۵ میلیون جمعیت ایران فروخته، اپراتور دوم همچنان خدمات ارزش افزوده جدید ارائه می‌کند و اپراتور سوم هم به ۴ شهر وارد شده است.

به گزارش فارس، هیات وزیران در جلسه ۸۳/۵/۱۴ به پیشنهاد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و به استناد قانون برنامه سوم توسعه و مصوبه ۸۲/۴/۲۴ شورای عالی اداری در اجرای ماده یک این قانون، با تجدید سازمان و تغییر نام و اصلاح اساسنامه مرکز سنجش از دور ایران به شرکت ارتباطات سیار ایران موافقت کرد.

بهره برداری از اولین فاز شبکه تلفن همراه کشور، در مرداد سال ۱۳۷۳ در شهر تهران با استفاده از ۱۷۶ فرستنده و گیرنده در ۲۴ ایستگاه رادیویی و با ظرفیت ۹۲۰۰ شماره آغاز شد.به دنبال استقبال غیرمنتظره و بی‌نظیر مردم، شرکت مخابرات ایران درصدد گسترش پوشش آن از تهران به کل کشور بر آمد، به طوری که در سال ۱۳۷۴ تعداد تلفن‌های دایری به ۱۵۹۰۷ شماره افزایش یافت و شهرهای مشهد، اهواز، تبریز، اصفهان و شیراز زیر پوشش شبکه تلفن همراه قرار گرفتند.پس از آن در سال ۱۳۷۵، تعداد ۲۸ شهر دیگر هم به این شبکه پیوست و تعداد تلفن‌های دایر شده در سال ۱۳۷۵ به ۵۹ هزار و ۹۶۷ شماره و در پایان سال ۱۳۸۲ به ۳ میلیون و ۴۴۹ هزار و ۸۷۸ شماره رسید.در ادامه در خصوص سیاست برخورداری ساکنان شهرهای کوچک و بزرگ از امکانات ارتباطی، تعداد شهرهای تحت پوشش تلفن همراه در پایان سال ۸۲ به ۶۶۷ شهر و در اواسط سال ۹۱ به ۱۱۶۷ شهر رسید.

هم اکنون شرکت ارتباطات سیار ایران حدود ۵۷ میلیون سیم کارت فروخته که ۵۲ میلیون آن فعال شده و ۱۱۶۷ شهر و ۶۷هزار کیلومتر از جاده‌های کشور را تحت پوشش قرار داده است.

ارتباط رومینگ بین‌الملل همراه اول با ۲۶۹ اپراتور در ۱۱۱ کشور جهان برقرار است و این اپراتور ضریب نفوذ خود را حدود ۷۰درصد اعلام می‌کند.

اپراتور دوم

اپراتور دوم تلفن همراه ایران در سال ۸۵ وارد بازار تلفن همراه کشور شد.

این اپراتور به صورت رسمی از روز ۲۹مهر ۱۳۸۵ با واگذاری و توزیع ۳۵۰ هزار سیم‌کارت ۱۵۰ هزار تومانی در سه شهر تهران، تبریز و مشهد کار خود را آغاز کرد.

این اپراتور هم اکنون به سیم‌کارت‌های اعتباری‌اش معروف است و ۹۰ درصد سیم‌کارت‌های فعال آن، اعتباری است.

این اپراتور هم‌اکنون ۱۸۷۴ شهر، ۲۲ هزار روستا و ۲۰ هزار کیلومتر از جاده‌های اصلی و فرعی کشور را تحت پوشش دارد

همچنین با ۲۸۷ اپراتور، رومینگ سیم‌کارت دائمی، با ۸۶ اپراتور، رومینگ سیم‌کارت اعتباری و با ۱۳۹ اپراتور رومینگ دیتا دارد.

اپراتور دوم، در کنار برنامه‌های بهبود شبکه و کیفیت آنتن‌دهی، همچنان ارائه طرح‌ها و خدمات ارزش افزوده را در دستور کار جدی دارد.

این اپراتور با حدود ۲۱ میلیون مشترک فعال، معتقد است سهم ۴۵ درصدی از بازار تلفن همراه ایران دارد.

اپراتور سوم

سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی، پروانه اپراتور سوم تلفن همراه، را در اردیبهشت ۱۳۸۹ به شرکت تأمین تله‌کام وابسته به شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) اعطاء کرد.

در آن زمان اپراتور سوم موظف به آغاز عرضه تجاری سیم‌کارت‌های نسل سوم از اسفند ۱۳۹۰ شد که هر چند با تاخیر، اما هم اکنون این اپراتور شهرهای تهران، کرج، مشهد و شیراز را تحت پوشش دارد.

به دلیل عقب بودن از برنامه، هنوز نمی‌توان در خصوص سهم بازار، تعداد مشترکان و پوشش رایتل اظهار نظری داشت.

۳ اپراتور منطقه‌ای تلفن همراه

علاوه بر ۳ اپراتور کشوری تلفن همراه ایران، شرکت‌های تالیا، مشارکتی سیار اصفهان در استان اصفهان و موبایل کیش در جزیره کیش پروانه ارایه خدمات تلفن همراه را در کشور دارند که این اپراتورها، مجموعا حدود یک میلیون مشترک دارند.

چالش‌های سالخوردگی جمعیت جهان

بقیه از صفحه ۱۷

چالش‌ها

پیری جمعیت، چالش‌های زیادی را فراروی جوامع انسانی قرار می‌دهد و نگرانی‌های بسیاری را در مورد حرکت به سوی رشد اقتصادی، هزینه‌های سیستم‌های بهداشت و درمان و همچنین سیستم‌های پرداخت حقوق بازنشستگی و تامین رفاه سالخوردگان به همراه دارد.

توسعه اقتصادی هر کشور به میزان زیادی به کمیت و کیفیت نیروی کار آن کشور وابسته است. زمانی که افراد پنجمین دهه از زندگی خود را پشت سر می‌گذارند، احتمال مشارکت آنها در کار و فعالیت اجتماعی کاهش می‌یابد. همچنین با توجه به اینکه افراد سالخورده به میزان زیادی از پس اندازها و اندوخته‌های خود برای گذران بقیه سال‌های زندگی شان استفاده می‌کنند، این مسئله می‌تواند موجب کاهش ذخیره دارایی‌ها در بین افراد یک جامعه شود. دو عامل کاهش نیروی کار و کم شدن میزان تمایل افراد به پس‌انداز، منجر به بروز نگرانی‌هایی می‌شود که کشورهای دارای جمعیت سالخورده اکنون با آن مواجه‌اند. مهمترین تبعات این موضوع را می‌توان در تنزل و کاهش رشد اقتصادی مشاهده کرد.

پیری جمعیت، زنگ خطر را برای ظهور یک چالش خطرناک دیگر به صدا در می‌آورد: گسترش موج بیماری‌های غیر واگیردار. در حال حاضر، بیماری‌های غیر واگیردار عامل ۶۰ درصد از مرگ و میرها و حدود نیمی از کاهش طول عمرها را تشکیل می‌دهند.

این بیماری‌ها دلیل اصلی مرگ و میر افراد سالخورده و غیرسالخورده در کشورهای فقیر و غنی جهان محسوب می‌شوند. مهمترین بیماری‌های غیر واگیردار عبارتند از بیماری‌های قلبی و عروقی، سرطان، دیابت و بیماری‌های مزمن تنفسی. ٤ عامل استفاده از تنباکو، نداشتن تحرک بدنی، رژیم‌های غذایی نادرست و استفاده از الکل، در به وجود آمدن این بیماری‌ها موثرند. اما تمامی این ٤ عامل قابل پیش‌بینی و اجتناب اند. ولی عامل غیرقابل اجتناب دیگری که در بروز این بیماری‌ها دخیل است، افزایش سن است. با توجه به اینکه بیماری اکثر مبتلایان به این مشکلات به موقع تشخیص داده نمی‌شوند، اغلب تشخیص دیرهنگام این بیماری‌ها موجب افزایش هزینه‌های درمانی می‌شود. در حقیقت، هزینه‌های مراقبت و درمان برای بیماری‌های غیر واگیردار در حال افزایش است.

به منظور مقابله با افزایش هزینه‌های اینچنینی، باید در زمینه پیشگیری این بیماری‌ها اقداماتی صورت گیرد که از جمله این اقدامات می‌توان به گسترش برنامه‌های ارتقای سلامت محیط کار اشاره کرد.

مسائل مالی

در دهه‌های اخیر، بیشترین توجهات معطوف تاثیر احتمالی پیری جمعیت بر قیمت دارایی‌ها بوده است. به خصوص این نگرانی وجود داشته است که قیمت دارایی‌ها با توجه به اینکه سالخوردگان اقدام به فروش دارایی‌های خود می‌کنند، کاهش یابد.

برخی تحلیلگران پیش‌بینی کرده‌اند با توجه به کاهش تقاضا در بین سالخوردگان متولد پس از جنگ جهانی دوم، بازار ساخت مسکن شاهد رکود خواهد بود. خوشبختانه، پیش‌بینی‌های اینچنینی بیش از حد بد بینانه بوده‌اند و عوامل دیگری نظیر تغییر سیاست، موجب تعدیل تاثیرگذاری این عوامل بر بهای دارایی‌ها شده‌اند.

پیری جمعیت تاثیرات گوناگونی بر انواع مختلف سیستم‌های پرداخت مستمری دارد. سیستم‌هایی که مالیات پرداختی توسط دولت به نظام تامین اجتماعی در هر سال به بازنشستگان در همان سال پرداخت می‌شود، با چالش‌های جدی مواجه شده‌اند، زیرا تعداد ذینفعان افزوده می‌شود، در حالی که تعداد مشارکت کنندگان کاهش می‌یابد.سیستم‌هایی که پول برای مدت طولانی‌تری در آنها اندوخته می‌شود، لزوما علاج این درد نیستند، زیرا در این سیستم‌ها زمان بیشتری طول می‌کشد تا مقرری به بازنشسته پرداخت شود، بنابراین برای کسانی که در یک نسل پر زایش قرار دارند و مقدار زیادی پول نیاندوخته‌اند، اندوختن پول کافی، نیاز به زمان زیادی دارد.

برخی کشورها نظیر آلمان و سوئد، مشکلات پرداخت حقوق بازنشستگی خود را از طریق تبدیل سیستم‌های سود تعریف شده به نوع خاصی از سیستم‌های مشارکتی حل کرده‌اند، بدین صورت که مقرری واقعی بستگی به نسبت کارکنان به بازنشستگان دارد. سیستم پرداخت حقوق بازنشستگی در سوئد بطور واضح بر حساب‌های مشارکت تعریف شده ملی وابسته است.

ادامه دارد

انرژی‌های جایگزین، موثرترین راهکار بهینه‌سازی مصرف

شتاب دادن به تولید انرژی‌های جایگزین می‌تواند یکی از موثرترین راه‌های مدیریت بهینه انرژی در کشور باشد.

انرژی‌های نو در سراسر جهان به سرعت در حال گسترش هستند، پاک بودن، فقدان آلودگی و ارزانی را می‌توان دو شاخص اصلی تولید انرژی‌های نو برشمرد. این انرژی‌ها به دلیل بهره‌وری بالا به خوبی توانسته‌اند جای سایر انرژی‌های موجود مانند انرژی فسیلی را پر کنند.

در دو دهه گذشته افزایش جمعیت و کاهش منابع سوخت‌های فسیلی سبب شده است تا سرمایه‌گذاری برای استفاده از انرژی‌های نو روند صعودی خود را با شتاب مناسبی همچنان ادامه دهد و همگام بارشد فناوری‌های نوین، انرژی‌های جدیدی مانند انرژی هیبریدی به عنوان یک سوخت پاک مطرح شود. به‌طوری که سازندگان خودرو از علاقمندان پروپا قرص آن شده و مردم هم استقبال خوبی از آن کرده‌اند.

کارشناسان انرژی براین اعتقادند که انرژی‌های نو در قرن بیست و یکم باید جایگزین انرژی‌های کنونی مانند نفت و گاز شوند تا از مصرف بی رویه فرآورده‌های هیدروکربوری کاسته شده و استفاده از انرژی در آینده متکی به ساختاری باشد که در آن منابع انرژی بدون کربن نظیر انرژی خورشید یا باد مورد استفاده قرار گیرند.

کشورهای اروپایی در راه توسعه فن‌آوری‌های نوین انرژی به سرعت در حال تغییر الگوی مصرف خود هستند و سوخت‌ها و روش‌های جدیدی را برای استفاده مورد توجه قرار می‌دهند و سالهاست که از انرژی باد بیشترین استفاده را می‌برند و نیروگاه‌های بادی در سراسر این کشورها پراکنده بوده و مورد استفاده قرار می‌گیرند یا انرژی خورشیدی که بزرگترین منبع تجدیدپذیر زمین به شمار می‌رود، هر روز در حال استفاده بیشتر است.

در ایران هم گام‌های خوبی در زمینه استفاده از انرژی‌های جایگزین برداشته شده و همزمان با استفاده از انرژی باد در مناطق کوهستانی، در صورت سرمایه‌گذاری در استان‌های جنوبی کشور به طور یقین افزایش تولید برق و کاهش نیاز به شبکه سراسری برق و گاز را با استفاده از انرژی خورشیدی شاهد خواهیم بود.

استان‌های جنوبی و شرقی کشور به دلیل داشتن روزهای آفتابی و تابش نور خورشید در بیشتر ایام سال این قابلیت را دارند که حتی خودکفا بوده و انرژی مورد نیازشان را از منابع خود استان‌ها تامین کنند و با یک برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بلندمدت می‌توان اثرات مثبت آن را شاهد بود و در صورت استفاده از این انرژی پاک بدون تردید استفاده از گاز و دیگر فرآورده‌های نفتی در این مناطق کاهش یافته و علاوه بر حفظ محیط زیست ظرفیت‌های موجود گاز زمینه صدور به خارج را یافته و بهره وری بالاتری کسب کرد.

ایران برای بهره برداری از انرژی باد قابلیت‌های فراوانی دارد، کشورمان به علت کوهستانی بودن دارای استعداد خوبی برای بهره‌برداری از این زمینه تولید انرژی است ودر سال‌های اخیر از سوی کارشناسان، ۳۰ منطقه برای استفاده از توربین‌های بادی مناسب تشخیص داده شده است و حتی جزایر خلیج فارس هم می‌توانند از باد برای تامین انرژی خود استفاده کنند.

انرژی‌های نو و پاک علاوه بر توسعه اقتصادی و بهره‌وری بالا نقش مهمی در حفظ محیط زیست ایفا می‌کنند و به دلیل نداشتن آلودگی‌های زیست‌محیطی می‌توان آینده را متعلق به این انرژی‌ها دانست و به همین دلیل وزارت نیرو در کنار وزارت نفت و دیگر متولیان می‌توانند با گسترش استفاده از این انرژی‌ها اصلاح الگوی مصرف را به بهترین شکل امکان پذیر کرد.

تجربه کشورهای دیگر هم می‌تواند در این راه مورد استفاده قرار گیرد، کشوری مانند ترکیه که دراستفاده از انرژی خورشیدی در زمره کشورهای پیشرو است یا آلمان و اتریش که از پیشگامان استفاده از انرژی باد هستند، می‌توانند الگوی مناسبی برای توسعه انرژی‌های پاک در ایران باشند.

در حالی که در چند سال گذشته بحث هدفمندکردن یارانه‌ها توجه‌ها را نسبت به چالش‌های تولید و مصرف انرژی کشور جلب کرده است، شتاب دادن به تولید انرژی‌های جایگزین می‌تواند یکی از موثرترین راه‌های مدیریت بهینه انرژی در کشور باشد.

تحولات بازار نفت به امری عادی تبدیل شده و در چند سال اخیر نوسان قیمت جهانی نفت در بازارهای بین‌المللی سبب نگرانی‌های زیادی شده است، اما اکنون بازار محصولات و مشتقات نفتی، رقیب‌های جدیدی را در کنار خود می‌بیند که در عرصه تولید انرژی بیش از گذشته خودنمایی می‌کنند.

به طور مثال افزایش روزافزون قیمت پلاستیک‌های کهنه، شرکت‌های بازیافت زباله در سراسر جهان را تشویق به استفاده بیشتر از این منابع ثروت کرده است و در حال حاضر گورستان‌های زباله به معدن‌های کسب درآمد تبدیل شده و ذخایرشان ثروت زیادی را در خود نهفته دارند.

اکنون بسیاری از کشورها با بازیافت پلاستیک از مراکز تفکیک زباله در حال استفاده بهینه از مواد پلیمری و شیمیایی از زباله‌ها با بالاترین استانداردهای جهانی هستند.

کارشناسان صنعت بازیافت اعتقاد دارند که افزایش زباله‌ها نگرانی‌هایی را هم به دنبال دارد و پیش‌بینی می‌کنند که با توجه به این که تا سال ۲۰۲۰ میلادی بیش از ۹ میلیارد نفر در سراسر جهان زندگی کنند، با این حساب میلیون‌ها خودرو وجود خواهند داشت که همه نیازمند سوخت برای حرکت هستند لذا جهان با کمبود منابع برای تامین سوخت مواجه خواهد شد که در این میان در مقایسه با بهای سوخت‌های فسیلی، زباله‌ها و سایر سوخت‌های غیرفسیلی طرفداران زیادی پیدا خواهند کرد و هر روز شاهد کشف یا استفاده از یک فناوری نوین در این راه هستیم.

کشورهای توسعه‌یافته از سال‌ها قبل به برنامه‌ریزی در این زمینه پرداخته و به عبارتی زباله‌ها را به‌عنوان ذخایر استراتژیک سوخت تلقی می‌کنند.

به‌طور مثال ذخایر زباله‌های سوئد در دهه ٦٠ بیشتر پس‌مانده‌های ساختمانی بود که نشان دهنده روند شهرسازی در آن سال‌هاست و در بعضی از این منابع زباله‌هایی مانند قطعات سنگین آلومینیومی، مس و آهن به چشم می‌خورد که بازیافت می‌شوند و چین به‌عنوان مشتری همیشگی مایعات فلزی همه ساله میلیون‌ها دلار به سوئد می‌پردازد.

بریتانیا ازجمله کشورهایی است که بیش از ۲۰۰ میلیون تن پلاستیک در گورستان‌های زباله جمع کرده واین مقدار، با نرخ کنونی پلاستیک در بازارهای جهانی ارزشی حدود ٦٠ میلیارد پوند دارد که از این زباله‌ها در آینده برای بازپرداخت بازیافت یا تبدیل شدن به سوخت مایع استفاده می‌شود.

کارشناسان صنعت زباله بر این باورند که در سال ۲۰۳۰ دورریز زباله‌های خانگی به بیش از ۳ میلیارد تن خواهد رسید. در حال حاضر بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نیمی از زباله‌های خود را به گورستان‌های زباله ارسال می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ این رقم حدود ٤٠ درصد کاهش یابد چراکه دولت‌ها در حال ارتقای سیستم‌های بازیافت هستند و بدین‌ترتیب موادی مانند فلزها، شیشه و کاغذ دیگر جز دورریختنی‌ها محسوب نمی‌شوند.

کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که در سال‌های آتی از سوزاندن زباله‌ها بتوان برای جریان الکتریسیته یا گرما به بهترین شکل ممکن استفاده کرد.

هم‌اکنون در دنیا بیش از ٦٠٠ نیروگاه زباله‌سوز در ۳۵ کشور جهان ساخته شده و در حال بهره‌برداری است که مجموع ظرفیت زباله‌سوزی آنها بالغ بر ۱۳۰ میلیون تن زباله جامد شهری در سال است. در مدیریت مواد زائد شهری، زباله‌سوزی یکی از راه‌های دفع مواد زائد است که امروزه با گسترش علم با استفاده از حرارت تولید شده در این فناوری برای تولید بخار و در پی آن تولید برق استفاده می‌شود.

به این ترتیب زباله به معنی یک منبع تولید انرژی قابل استفاده مجدد است، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر به سرعت در حال گسترش است و انرژی تولید شده توسط بازیافت زباله، فضولات حیوانی و برخی از محصولات کشاورزی را می‌توان از جدیدترین و به‌صرفه‌ترین فناوری‌های روز جهان به شمار آورد.

در برخی از کشورهای صاحب فناوری با روش‌های کاملا علمی توانسته‌اند با سوزاندن زباله، برق تولید کنند و ضمن رعایت اصول اولیه محیط زیست به تولید برق بپردازند یا با استفاده از فضولات حیوانی در یک فرآیند خاص برق را به مشترکان خود بدهند. به‌طور مثال در ایالت پنجاب هند استفاده از فضولات گاوها که مقدس تلقی می‌شوند،به یکی از راه‌های تامین انرژی تبدیل شده است.

آمارهای اعلام شده حاکی از آن است که به‌طور روزانه در این ایالت ۲۰ هزار کیلوگرم فضولات گاو در راه تولید برق مورد استفاده قرار می‌گیرد و از آن حدود ۱٦ مگاوات برق تولید می‌شود که می‌تواند برق صد خانه را تامین کند.

یکی دیگر از روش‌هایی که به تازگی برای تولید برق مورد استفاده قرار می‌گیرد تولید برق از پیاز است که شاید کمی عجیب به نظر برسد اما یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های تولید مواد غذایی در آمریکا از ضایعات پوست پیاز و بخش‌های غیرقابل استفاده پیاز برای تولید برق استفاده می‌کند، این ضایعات در مخازن ویژه‌ای به گازهایی تبدیل می‌شوند که از آن برق تولید می‌شود و کارشناسان اعلام کرده‌اند که این میزان برق تولیدی می‌تواند نیاز بیش از ٤٠٠ خانوار را تامین کند.

بر پایه گزارش‌های منتشر شده پس از سال ۲۰۰۰ میلادی کشورهای پیشرفته و صنعتی در استفاده از فناوری بازیافت زباله به عنوان یک سوخت جدید سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای را انجام داده‌اند ازجمله این کشورها می‌توان به آمریکا و کانادا، ژاپن و بسیاری از کشورهای اروپایی اشاره کرد.

از سوی دیگر قانونی در اروپا به تصویب رسیده است که طبق آن دفن هرگونه زباله‌ای که امکان بازیافت آن وجود داشته باشد، ممنوع شده و بر همین اساس میزان تولید برق در کشورهای اروپایی از زباله‌های شهری بیش از ۱۰ هزار مگاوات در سال است.

بزرگ‌ترین نیروگاه با سوخت حاصل از زباله جهان در کره‌جنوبی قرار دارد، این نیروگاه ۵۰ مگاواتی بر روی یک محل عظیم دفن زباله در شهر اینچئون در غرب سئول، پایتخت کره‌جنوبی، ساخته شده است.

این کارخانه برای سوخت تنها از گاز متان استفاده می‌کند که به‌طور طبیعی از زباله‌ها تولید می‌شود، نکته جالب در مورد این نیروگاه این است که واردات نفت سنگین کره‌جنوبی را ۵۰۰ هزار بشکه در سال کاهش داده و هر سال از ورود ۱/۳۷ میلیون تن گاز گلخانه‌ای به جو جلوگیری می‌کند.کره‌جنوبی ۱۲ نیروگاه دیگر با سوخت گاز ناشی از تجزیه زباله‌ها هم دارد که یا هم اکنون در حال فعالیت هستند یا دارند ساخته می‌شوند و اغلب نیروگاه‌هایی کوچک با یک تا شش مگاوات تولید برق هستند.

امروزه استفاده از زباله برای تولید انرژی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه برای کشورها است و باید در نظر داشت که نیروگاه‌های زباله‌سوز در انهدام زباله، تولید انرژی برق، حرارت یا تولید همزمان برق و حرارت بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است.

از سوی دیگر باید در نظر داشت که جهان به سوی استفاده از سوخت‌های جایگزین پیش می‌رود و استفاده از نفت و حتی انرژی هسته‌ای در آینده با کاهش مواجه خواهند شد و سوخت‌های پاک و ارزان در سراسر جهان گسترش خواهد یافت.

ایران هم با دارا بودن تمامی شرایط لازم وبهره مندی از آب، باد و نیروی خورشید با یک برنامه ریزی کلان و بلندمدت می‌تواند استفاده از نفت و گاز را کاهش داده و از ذخایر هیدروکربوری خود بهترین بهره وری را کسب کرده و مسیر توسعه و رشد کشور را بیش از پیش با استفاده از درآمدهای نفتی هموار کند.

براساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، تا پایان برنامه ششم توسعه، شدت مصرف انرژی در کشور باید به یک‌دوم برسد و صنعت نفت در این مسیر پیشگام باشد.

در این میان قانون جدید نفت و اصلاح الگوی مصرف، از دیگر مواردی است که وزارت نفت را به بهینه‌سازی مصرف انرژی و به‌کارگیری فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر مکلف می‌کند، به طوری که در قانون جدید نفت، برخی از بندها به حوزه بهینه‌سازی انرژی اختصاص یافته است.

کارشناسان اعتقاد دارند که اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در کشور برای بهینه‌سازی مصرف انرژی و ارتقای فناوری‌های این حوزه به تنهایی کافی نیست، و اگر کاهش مصرف انرژی با ارتقا و نفوذ فناوری‌های جدید در این حوزه همراه نباشد، قطعا به مصرف‌کننده فشار زیادی وارد می‌شود، از این‌رو به‌کارگیری فناوری‌های جدید برای استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، علاوه بر حمایت از مصرف‌کننده به رشد اقتصادی قابل توجه برای کشورمان هم می‌انجامد.

سید فواد نبوی
شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی (شانا)

بررسی آمار نرخ بیکاری در ۴۳ کشور

جدول نرخ بیکاری در ۴۳ کشور جهان را براساس تازه‌ترین گزارش‌های بین‌المللی منتشر کرد.

به گزارش مهر، بررسی جدیدترین آمار مربوط به نرخ بیکاری در ۴۳ کشور جهان از قاره‌های مختلف دنیا نشان می‌دهد که سایه بحران اقتصادی در سالهای اخیر همچنان بر سر بخش‌های مختلف اقتصادی کشورهای قاره اروپا وجود دارد و باعث از دست رفتن فرصت‌های شغلی بی‌شماری شده است. بر پایه این گزارش، نرخ بیکاری در یونان به تازگی و همزمان با بحران شدید اقتصادی در این کشور و وجود بدهی‌های فراوان یونان به ۲۱/۹ درصد بالغ شده است.

اسپانیا دیگر کشور اروپایی است که در سال‌های گذشته نتوانسته است از وضع نابسامان بیکاری خارج شود و بررسی گزارش‌های مختلف بین‌المللی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که این کشور با معضل بیکاری بالا دست و پنجه نرم می‌کند به نحوی که آخرین گزارش از نرخ بیکاری این کشور حاکی از وجود نرخ بیکاری ۲۴/۳ درصدی است.

با اینکه برخی دیگر از کشورهای اروپایی نیز دارای نرخ‌های بیکاری دورقمی و بالای ۱۰ درصد هستند اما این نرخ هم اکنون در لهستان به میزان ۱۲/۶ درصد و در مجارستان ۱۱/۵ درصد است.

کشور مصر به عنوان یکی از کشورهای واقع در منطقه آفریقا که در یکی دو سال اخیر درگیر موضوعات سیاسی شده است، هم اکنون دارای نرخ بیکاری ۱۲/۶ درصدی است. آفریقای جنوبی در سالهای اخیر همواره از نرخ بیکاری بالا رنج برده و تاکنون موفق به بهبود این وضع نشده به نحوی که نرخ بیکاری در این کشور به ۲۵/۲ درصد بالغ شده است.

کشورهای واقع در منطقه آسیا مانند تایلند با ۷ دهم درصد و کره جنوبی با ۳/۱ درصد دارای وضع مناسبی از نظر آمار بیکاری هستند. این نرخ در کشور مالزی به میزان ۲/۹ درصد و در هنگ کنگ ۳/۳ درصد است.

برخی کشورهای اروپایی مانند سوئیس با نرخ بیکاری ۳/۲ درصدی و نروژ با نرخ بیکاری ۳ درصدی هم اوضاع مناسبی از نظر بازار کار و اشتغال دارند، ضمن اینکه هم‌اکنون این نرخ در اتریش به میزان ۳/۹ درصد است.

این گزارش حاکی از آن است که نرخ بیکاری در آمریکا به ۸/۲ درصد، چین به ۴/۱ درصد و ژاپن به ۴/۶ درصد رسیده است. این نرخ در بریتانیا به میزان ۸/۲ و در کانادا ۷/۳ درصد است.

با توجه به هشدارهایی که اخیرا سازمان جهانی کار در مورد احتمال افزایش تعداد بیکاران در منطقه یورو داده، نرخ بیکاری در این منطقه به ۱۱ درصد رسیده است. با این حال، بلژیک نرخ بیکاری ۷/۴ درصدی را تجربه می‌کند.

فرانسه دارای نرخ بیکاری ۱۰/۲ درصدی و آلمان ۶/۷ درصدی است. ایتالیا هم اکنون در وضع نرخ بیکاری ۱۰/۲ درصدی و هلند در وضع ۶/۲ درصدی به سر می‌برند.

جمهوری چک در اروپا نرخ بیکاری ۸/۲ درصدی را تجربه می‌کند و نرخ بیکاری در دانمارک هم ۶/۲ درصد است. در روسیه نرخ بیکاری ۵/۸ درصد و در سوئد ۷/۸ درصد است.

ترکیه به عنوان یک کشور آسیایی - اروپایی نرخ بیکاری ۱۰/۴ درصدی دارد و این نرخ در استرالیا به عنوان یک کشور مهاجر پذیر به میزان ۵/۱ درصد است. هم اکنون هندوستان دارای نرخ بیکاری به میزان ۹/۸ درصد است.

کشور اندونزی در آسیا دارای نرخ بیکاری ۶/۳ درصدی و پاکستان دارای نرخ ۶ درصدی است. همچنین نرخ بیکاری کشور سنگاپور هم اکنون ۲/۱ درصد و نرخ بیکاری تایوان ۴/۲ درصد ثبت شد.

آرژانتین در آمریکای لاتین ۷/۱ درصد بیکاری و برزیل در همین منطقه ۶ درصد بیکاری دارد. شیلی نرخ بیکاری ۶/۵ درصدی و کلمبیا ۱۰/۹ درصد بیکاری دارند.

برای مکزیک نرخ بیکاری ۵ درصدی و برای ونزوئلا بیکاری ۸/۶ درصدی به ثبت رسیده است. برای عربستان به عنوان کشوری که کمتر تمایل به انتشار آمارهای مختلف اقتصادی دارد، نرخ بیکاری ۵/۴ درصدی برآورد شد.

با اینکه به تازگی نرخ بیکاری در ایران از سوی مرکز آمار ایران ۱۲/۹ درصد برای بهار سال جاری اعلام شده است، اما برآوردهای بین‌المللی حاکی از افزایش این نرخ به ۱۹ درصد است که نشان دهنده ادامه نرخ بیکاری بالا در ایران است.

کنترل واردات راهکار مقابله با تحریم است

رئیس شورای رقابت کنترل واردات را راهکار مقابله با تحریم دانست و گفت: نمی‌توان با اقتصاد بازی کرد؛ توجه نکردن به مبانی علمی و تصمیم‌گیری تحت تأثیر دیدگاه‌های سیاسی از موانع اقتصاد مقاومتی هستند.

جمشید پژویان استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی و رئیس شورای رقابت در گفت‌وگو با فارس با اشاره به اینکه باید چارچوب الزامات اقتصاد مقاومتی در روند واردات کشور رعایت شود، اظهار داشت: با توجه به شرایط و فضای اقتصادی ایران که واردات در آن نقش اساسی ایفا می‌کند به اهداف اقتصاد مقاومتی در این زمینه توجه کافی را داشته باشیم.

وی راهکار عملی مبارزه با تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را کنترل واردات دانست و ادامه داد: برای اینکه با تحریم‌ها مبارزه کنیم راهی جز کاهش واردات به کشور نداریم.

پژویان با اشاره به الزامات کاهش واردات کشور، خاطرنشان کرد: حرکت به سوی تولید کالا در داخل کشور به جای کالای مشابه خارجی آن کشور را به اهداف از پیش تعیین شده اقتصاد مقاومتی نزدیک‌تر خواهد کرد به طوریکه در این بخش شاهد موفقیت‌هایی هم خواهیم بود.

رئیس شورای رقابت تصریح کرد: عزم مسئولین نظام باید در جهت توجه به تقویت صنایع و افزایش تولیدات داخلی باشد؛ حرکت به سمت خودکفایی در تولیدات ملی هزینه و زمان‌بر خواهد بود.

وی همچنین با تأکید بر اینکه باید بر اساس چارچوب کلی اقتصاد مقاومتی و طبق شرایط فعلی کشور منابع تخصیص داده شوند، یادآور شد: متأسفانه هم‌اکنون به لحاظ توافقات بین قوا دچار مشکلاتی هستیم.

پژویان استفاده از تخصص در قوای سه‌گانه را در شرایط فعلی بسیار کم‌رنگ ارزیابی و عنوان کرد: فقدان تخصص‌گرایی در قوای سه‌گانه در استفاده مناسب از منابع تأثیر گذاشته است.

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تصریح کرد: اگر خواهان تحقق اقتصاد مقاومتی هستیم می‌بایست در چارچوب مبانی علمی حرکت کنیم و تحت تأثیر دیدگاه‌های سیاسی اقدامی نکنیم.

وی ضمن اشاره به اینکه با اقتصاد نمی‌توان بازی کرد، گفت: اشتباه است اگر بخواهیم دیدگاه‌های سیاسی را از طریق اقتصاد به مردم گوشزد کنیم چراکه در این برهه از زمان هم آن دیدگاه موفق نخواهد شد و هم مجموعه جامعه صدمه خواهد دید.

پژویان در خاتمه گفت: جایگزینی تولیدات و صنایع داخلی نیازمند مطالعه، تحقیقات و نظرات کارشناسان اقتصادی است تا زمینه و زیرساخت‌های لازم برای رسیدن به اهداف اقتصادی مقاومتی فراهم شده تا در جریان تخصیص منابع هم موفق عمل کنیم.

یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس هم به لزوم فرهنگ سازی اقتصادی بین مردم در راستای تحقق شعار اقتصاد مقاومتی اشاره کرد و گفت: باید با برنامه‌ریزی از اسراف و تبذیر جلوگیری کرد.

حسین طلا با اشاره به اینکه



باید بپذیریم که در جنگ اقتصادی با دشمنان هستیم، اظهار داشت: هم‌اکنون جمهوری اسلامی ایران با سه جنگ اقتصادی، فرهنگی و اطلاعاتی دست و پنجه نرم کند.

وی افزود: در جنگ فرهنگی که قرار داریم ایجاد شبهات در انقلاب اسلامی و اصل دین اسلام، هدف‌گیری شده است که در این زمینه جداسازی نهادهای مردمی انقلاب متشکل از مردم در دستور کار آن‌ها است.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با اشاره به اقدامات رادیو آزادی در دیکته کردن روش زندگی بلوک غرب و شرق، ادامه داد: نگاه بلوک غرب و شرق توسط رادیو آزادی دیکته می‌شد.

وی با تاکید بر اینکه هم اکنون ۱۲۰ شبکه ماهواره‌ای تصویری بر روی مردم آتش می‌ریزند، تأکید کرد: جنگ اطلاعاتی تیم‌های مختلفی که با اهداف تروریستی طراحی شده برای ضربه‌زدن به دانشمندان هسته‌ای است و دشمنان در این راه هم بودجه‌های میلیاردی هزینه می‌کنند.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در ادامه سخنان خود بر موانعی که جنگ اقتصادی پیش روی نظام قرار داده است، اشاره و عنوان کرد: امروزه دشمن همه توان و هر آن چیزی که در چنته دارند را خرج ملت ایران کرده است و از این راه درصدد ضربه زدن به اقتصاد کشور هستند.

وی در خصوص سخنان امام(ره) درباره مقاومت ملت ایران در مقابل فشارها، تهدیدها و تحریم‌ها به ذکر نکاتی پرداخت و یادآور شد: نور نگاه امام خمینی(ره) در قلوب این ملت تزریق شده است که می‌تواند این تحریم‌ها را کنار بزند؛ ملت و مردم ما رمضانی‌اند و در مقابله با این تهدیدها ایستادگی می‌کنند.

طلا با ابراز خرسندی از اینکه دستاوردهای حوزه اقتصاد کشور در بخش صنعت حاصل فشارها و تحریم‌های بلوک غرب است، گفت: زمانی که در تحریم بودیم، خوشبختانه توفیقات خوبی در بخش صنعت کشور حاصل شد.

وی افزود: ملت ما باید پویایی لازم را در گستره جبهه‌های فرهنگی اطلاعاتی و مخصوصاً اقتصادی داشته باشد بنابراین درباره فرهنگ‌سازی اقتصادی در کشور باید برنامه‌ریزی‌های خوبی از جمله دوری از اسراف و تبذیر صورت گیرد.

نماینده مردم تهران با تاکید بر اینکه باید زمان جنگ را با شرایط جنگ مقایسه کنند و نه شرایط صلح، خاطرنشان کرد: باید بدانیم دشمن به دنبال انحراف‌سازی با سناریوهای خود است و این نشان‌دهنده لزوم مقابله و ایستادگی در برابر این تهاجم‌ها است.

وی در خاتمه با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر طرح شعارهای سالانه، خاطرنشان کرد: نوع عملکرد ما در حوزه‌های تصمیم‌گیری چه در ستاد و چه در صف؛ باید اصلاح شود.

از سوی دیگر استاد اقتصاد دانشگاه تهران با بیان این که تحریم یک سال اخیر ایران با تحریم‌های ۳۴ سال گذشته بسیار تفاوت دارد، گفت: با توجه به بازار گسترده داخلی، باید با کاهش مصرف کالاهای خارجی، تشویق مصرف کالاهای داخلی و توسعه تولیدات ملی با تحریم‌ها مقابله کنیم.

آلبرت بغزیان ضمن اشاره به تأثیرات نام‌گذاری سال‌های اخیر با عنوان‌های «اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف ـ کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ایرانی» بر روند اقتصاد کشور، اظهار داشت: در سال اصلاح الگوی مصرف بیشترین تأکید بر روی صرفه‌جویی مردم متمرکز شده بود تا در این تولیدکنندگان با عنایت به شعار سال در بهینه‌سازی تولیدات خود تلاش کنند.

وی ادامه داد: کاهش هزینه تمام شده کالا و جلوگیری از هدر رفت نهاده‌های تولید در سال اصلاح الگوی مصرف بیشتر توجه شد که در این بین مردم با صرفه‌جویی بیشتر نقش مؤثرتری در تحقق اصلاح الگوی مصرف داشتند.

این استاد اقتصاد دانشگاه تهران با اشاره به اقداماتی که باید در سال همت مضاعف و کار مضاعف صورت می‌پذیرفت، تصریح کرد: نام‌گذاری سال همت مضاعف و کار مضاعف به این جهت بود که تولیدکنندگان با همان نهاده‌های تولید و منابع در ادامه سال اصلاح‌الگوی مصرف با هدف افزایش تولیدات داخلی تلاش کنند.

وی افزود: متأسفانه در این سال برنامه اجرایی مدون و اقدامات مناسبی در خصوص ارتقاء بخش تولید کشور نداشتیم، در حالی که بسیاری از تولیدکنندگان اذعان می‌کردند که در زمینه شعار سال اقداماتی مثمرثمری انجام داده‌اند که حقیقتاً این طور نشد.

بغزیان درباره ارتباط سال جهاد اقتصادی با شعارهای سال‌های قبل آن، گفت: کاملا مشخص شد که در این سال باید تولیدات داخلی را با استفاده از توانایی‌های ملی با یک جدیت و همت‌والاتری پیگیری و انجام می‌شد.

وی تحقق شعار جهاد اقتصادی را در گرو داشتن برنامه‌ریزی صحیح و انسجام دانست و تصریح کرد: جهاد اقتصادی باید بر پایه اطلاعات دقیق و شفاف در سایه نظارت عالیه به انجام برسد بنابراین تلاش مضاعف از سوی تولیدکنندگان و نظارت از سوی دولت در این مهم راهگشا است.

این استاد اقتصاد دانشگاه تهران ادامه داد: در سال جهاد اقتصادی که به برخی از وزارتخانه‌ها از جمله؛ اقتصاد، جهاد کشاورزی، نفت و یا صنعت مراجعه می‌کردیم، بیشتر برنامه‌های روتین خود را به‌عنوان جهاد اقتصادی معرفی می‌کردند و این درحالی بود که اقدام اثربخشی در زمینه تحقق شعار سال نداشتند.

وی تأکید کرد: اگر قرار بود برنامه‌های این وزارتخانه‌ها بدون هیچ تلاش مضاعف و نظارت عالیه‌ای انجام پذیرد دیگر نمی‌توان از آن به‌عنوان حرکت جهادی یاد کرد.

بغزیان حرکت دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها در تحقق شعارهای سالانه را راضی کننده ندانست و گفت: انتظارات رهبر معظم انقلاب مبنی بر علمی ساختن شعارها و رسیدن به دستاوردهای از پیش تعیین شده برآورده نشده است.

وی افزود: به نظر من مدت زمان یک‌ساله برای ارائه برنامه‌ها و عملی کردن و ارزیابی عملکرد آن کافی است.

بغزیان درباره سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی به ذکر نکاتی مبنی بر لزوم حضور جهادگونه در عرصه اقتصادی به عنوان یک چالش، اشاره و اضافه کرد: تدابیر هوشمندانه برای مقابله با تحریم‌ها و ضرورت استفاده از این تدابیر نشانگر لزوم حضور جهادگونه در این عرصه است.

وی با اشاره به اینکه باید در روند سال‌جاری تولید ملی ارتقا یابد، ادامه داد: افزایش اشتغال و رفاه عمومی با توجه به تولیدملی محقق خواهد شد.این استاد اقتصاد در ادامه خاطرنشان کرد: ممکن است برخی از تولیدات داخلی با نهاده‌های داخلی هم تأمین نشوند اما کار و سرمایه‌ای که در این جریان می‌تواند به‌کار گرفته شود باید از داخل کشور فراهم شود بنابراین باید از کار و سرمایه‌ایرانی به خاطر تولیدملی حمایت کنیم.

وی با اشاره به اینکه در این میان نباید نقش مؤثر مردم را فراموش کنیم، گفت: پس از انجام حمایت‌های لازم برای افزایش تولیدات داخلی نوبت به مردم می‌رسد که با حمایت‌های خود در صدد تأمین کالاهای مصرفی خود از طریق منابع و تولیدات داخلی باشند.

بغزیان افزود: بخش صادرات کشور هنوز به حدی نرسیده که بتواند این افزایش تولید را پوشش دهد بنابراین فرهنگ‌سازی برای استفاده مردم از تولیدات داخلی یکی از بهترین راهکارها برای ارتقای بخش تولید است.

استاد اقتصاد دانشگاه تهران با اشاره به چگونگی برخورد اقتصاد در جریان فشارها و تحریم‌هایی که از سوی مخالفین نظام جمهوری اسلامی اعلام می‌شود، یادآور شد: «اقتصاد مقاومتی» با توجه به فشارهای اقتصادی از سوی دشمنان باید مورد توجه قرار گیرد به عبارت دیگر زمانی که در جنگ اقتصادی هستیم باید مقاومت کنیم و زمانی که در جنگ نظامی هستیم هم باید مقاومت نظامی را در پیش بگیریم.

وی ادامه داد: تحریم‌ها و فشار دشمنان به دلیل این مطرح شد که توانایی ایران را در دستیابی به منابع و امکانات را تحت‌الشعاع قرار دهند.

بغزیان با بیان این که این تحریم با تحریم‌های ۳۴ ساله گذشته بسیار تفاوت دارد، گفت: با توجه به بازار گسترده داخلی، باید با کاهش مصرف کالاهای خارجی، تشویق برای مصرف کالاهای داخلی و توسعه تولیدات ملی کشور با تحریم‌ها مقابله کنیم.وی ادامه داد: باید اقدامات علمی اقتصاد مقاومتی در بلند مدت مد نظر قرار گرفته و انجام اقدامات کوتاه مدت بپرهیزیم.

این استاد اقتصاد با تأکید بر اینکه در جریان رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی چالش‌هایی هم وجود دارد، گفت: ابتدا باید نگرش مسئولین اقتصادی تغییر یابد که برنامه‌های پژوهشی در دستگاه‌ها و برنامه‌ریزی‌های راهبردی در تصمیم‌گیری‌ها گنجانده شود.

بغزیان نبود همت در فرهنگ‌سازی استفاده از کالاهای داخلی توسط مسئولان اقتصادی را از دیگر چالش‌های اقتصاد مقاومتی دانست و تصریح کرد: نیاز به استفاده از فناوری‌های نوین و بومی‌سازی فناوری در داخل کشور هم‌اکنون بیش از پیش احساس می‌شود.

وی با اشاره به اینکه تبلیغ کالاهای خارجی تأثیر زیادی بر روند فرهنگ‌سازی مصرف در کشور دارد، گفت: کاهش تبلیغات کالاهای خارجی از دیگر مواردی است که باید در روند اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گیرد.

ترکیه و کره جنوبی در مسیر تجارت آزاد



ترکیه در تکاپوی تلافی کاهش شدید حجم تجارت خود با منطقه یورو، سیاست همگرایی اقتصادی با اقتصاد خاور دور را دنبال می‌کند و در این خصوص بزودی قرارداد تجارت آزاد کالا بین ترکیه و کره جنوبی را امضا می‌کند. به گزارش ایرنا، ظفر چاغلایان وزیر اقتصاد ترکیه در آنکارا اعلام کرد، فرآیند تجارت آزاد با کره جنوبی از اول ماه اوت (۱۱ مرداد) شروع شده است.

کاهش سهم صادرات ترکیه به منطقه یورو از حدود ۶۰ درصد به ۴۰ درصد کل صادرات این کشور در سالهای اخیر و همسو با فرایند رو به تعمیق بحران در اتحادیه اروپا، ترکیه را به حرکت واداشت و این کشور رویکرد جدی به بازارهای جدید و توسعه بازارهای خود در منطقه را در دستور کار قرار داده است.

در این رابطه بازاریابی در کشورهای خاور دور، آفریقا و آمریکای لاتین مطرح است و مذاکرات برای انعقاد قرارداد تجارت آزاد با ژاپن، چین و سنگاپور و دیگر کشورهای منطقه خاور دور ادامه دارد.

چاغلایان می گوید: با اجرایی شدن قرار داد تجارت آزاد بین ترکیه و کره جنوبی، شرایط نامساعد رقابتی در بازار کره جنوبی برای کالاهای صادراتی کشورش از میان برداشته می‌شود و توازنی معقول در تجارت بین دو کشور ایجاد خواهد شد.

به گفته چاغلایان، دو طرف براساس قرارداد تجارت آزاد در یک دوره ۱۰ ساله مالیات گمرکی حدود ۹۰ درصد کالاهای مشمول تجارت آزاد بین دو کشور را به صفر خواهند رساند.

ترکیه و کره جنوبی به عنوان دو کشور عضو سازمان تجارت جهانی در چارچوب پیمان ژنو، قرارداد تجارت آزاد بین دو کشور را به امضا رسانده‌اند و در این زمینه قرار است قرارداد تجارت آزاد کالا بین دوکشور در اول اوت در آنکارا بین مقامات اقتصادی دو کشور امضا شود.

چاغلایان در ادامه گفت: با تایید این قرارداد در چارچوب پروسه حقوق داخلی ترکیه و کره جنوبی، ۹۳ درصد کالاهای صادراتی ترکیه به کره جنوبی با حذف مالیات گمرکی صادر خواهد شد و قدرت رقابت کالاهای ترکیه در مقابل کالاهای کره جنوبی بهبود خواهد یافت.

قرارداد تجارت آزاد بین دو کشور در سفر ماه مارس گذشته «رجب طیب اردوغان» نخست وزیر ترکیه به کره جنوبی برای شرکت در نشست عالی امنیت هسته ای، بین مقامات بلندپایه دو کشور به امضا رسید.

وزیر اقتصاد ترکیه گفته است: کشورش در یک دوره هفت ساله این امتیاز را برای کالاهای صادراتی کره‌ای به ترکیه قائل خواهد شد.

چاغلایان با اشاره به اینکه کره جنوبی با واردات ۵۲۴ میلیارد دلار بازار وسیعی برای ترکیه است، گفت: با انعقاد این قرارداد، کالاهای صادراتی ترکیه با امتیاز ویژه‌ای امکان عرضه به این کشور را بدست خواهند آورد.

وی گفت: با اجرایی شدن قرارداد، کسری تراز تجاری ترکیه با کره جنوبی که در حال حاضر یک بر ۱۲ است، بهبود یافته و به نسبت معقولی خواهد رسید.

کره جنوبی در سال گذشته افزون بر ۵/۵ میلیارد دلار کالا به ترکیه صادرات کرد که این رقم در پنج ماه نخست سالجاری میلادی با نزدیک به ۱۰ درصد کاهش نسبت به دوره مشابه پارسال به ۱/۸ میلیارد دلار رسید.

ارائه راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی

نماینده مردم اصفهان در مجلس از بررسی راهکارهای تحقق «اقتصاد مقاومتی» در کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی خبر داد.

حمیدرضا فولادگر نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی در گفتگو با فارس اظهار داشت: کمیسیون ویژه‌ای تحت عنوان کمیسیون حمایت از تولید ملی و نظارت بر اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ در مجلس شکل گرفته است.

وی با اشاره به تاکید رهبر انقلاب به بحث اقتصاد مقاومتی افزود: رهبر انقلاب در سخنان خود مصداق‌های اقتصادی مقاومتی مطرح فرمودند که حمایت از تولید ملی و مردمی کردن اقتصاد و به میدان آوردن بخش خصوصی جزء شاخص‌های اقتصاد مقاومتی از سوی ایشان مطرح شد.

فولادگر اضافه کرد: امیدواریم که بتوانیم با فعالیت این کمیسیون ویژه، مجلس نقش ویژه خود را در بخش اقتصاد مقاومتی ایفا کند.

راهکار افزایش معاملات سهام در بورس

کسب بازده مورد انتظار مهمترین هدف سرمایه گذاران بورسی بوده و استفاده از ابزارهای مدیریت ریسک در رسیدن به این هدف بسیار مؤثر است.

براساس گزارش بورس نیوز ابزار اختیار فروش سهام که چند روزی است نقل محافل بورسی شده، یکی از این ابزارها است که طبق اعلام معاون بازار بورس، اوراق اختیار فروش تبعی سهام از این هفته مورد استفاده قرار می‌گیرد.این میان اسامی برخی شرکت‌های بزرگ و اثرگذار بر روند بازار برای استفاده از این ابزار در میان سرمایه گذاران و سهامداران عنوان می‌شود و دوقلوهای سنگ آهنی از این مقوله مستثنی نیستند.علی محصصی، مدیر پرتفوی شرکت سرمایه گذاری امید درباره این مطلب گفت: آیین نامه نحوه استفاده از این اوراق در هفته جاری به شرکت اعلام شده و باید موارد و شرایط مندرج در این آیین‌نامه مورد بررسی قرار گیرد.

وی افزود: با توجه به اینکه از ابلاغ دستورالعمل اجرایی آیین نامه اوراق اختیار فروش سهام مدت زیادی نمی‌گذرد، در حال حاضر «وامید» تصمیم خاصی درباره استفاده از این ابزار برای مدیریت ریسک و بیمه کردن سهام تحت مالکیت خود در «کچاد» و «کگل» نگرفته است.

این مقام مسئول با بیان اینکه «وامید» تا کنون طبق برنامه‌های زمان بندی شده برای سال مالی جاری به اهداف خود دست یافته، خاطر نشان کرد: در حال حاضر برنامه جدیدی در شرکت مطرح نبوده و چنانچه تغییری در پیش بینی‌های قبلی صورت گیرد، مراتب از طریق سازمان بورس و اوراق بهادار به اطلاع سهامداران خواهد رسید.

محصصی در پاسخ به سوال بورس نیوز در مورد افزایش قیمت فولاد در بازار و آثار این موضوع بر سودآوری زیر مجموعه‌ها اظهار داشت: با توجه به اینکه قیمت فولاد با رشد بهای ارز افزایش می‌یابد، شرکت‌های سنگ آهنی می‌توانند از این روند مثبت متنفع شوند. چرا که نرخ فروش آنها به نرخ بیلت فولاد وابسته است و هر چه این قیمت بالاتر رود، می‌تواند منجر به افزایش سودآوری شرکت‌های سنگ آهنی شود.وی معامله بیش از ٦٦ میلیون سهام «وامید» در معاملات بورس توسط شرکت صندوق بازنشستگی کارکنان بانک‌ها به عنوان خریدار را ناشی از تصمیم این سهامدار عمده برای ورود به هیأت مدیره دانست و اضافه کرد: به نظر می‌رسد با فروش این تعداد سهام از سوی شرکت‌های حقوقی فعال در بورس، این سهامدار عمده در نظر دارد نماینده‌ای در هیأت مدیره داشته باشد.

محصصی در خاتمه سخنان خود در بیان وضع کلی بورس اظهار داشت: قیمت سهام در بورس طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر افت چشمگیری داشته که بخشی از آن مربوط به ماه مبارک رمضان است و بخشی دیگر را می‌توان ناشی از ریسک‌های سیاسی دانست. اما چنانچه این ریسک‌ها مرتفع شود، می‌توان انتظار جهش چشمگیری را در معاملات داشت.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	٢٤٢٧٩/١	٢٤٢٧٩/١	٢٤١٦٥/٥	١٣٤/٤	٠/٥٦
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	١٣٦٢	١٣٦٢	١٣٥٢/٩	١٠/٣	٠/٧٦
شاخص آزادشناور	٣٠١٤١/٢	٣٠١٤١/٢	٢٩٩٧٨/٤	١٩٠/٩	٠/٦٤
شاخص بازاراول	٢٠٠٣٩/٦	٢٠٠٣٩/٦	١٩٩٤١/٧	١١٨/٣	٠/٥٩
شاخص بازاردوم	٣٣٩٩٣/٧	٣٣٩٩٣/٧	٣٣٨٦٣	١٣٧	٠/٤
شاخص صنعت	١٩٢٨٨/٩	١٩٢٨٨/٩	١٩١٨٨/٧	١٢٦	٠/٦٦

آمار آخرین روز معاملاتی(سه شنبه ٩١/٥/٣١)

مجموع حجم معاملات	۷۰ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	٣١٠/٦٢٣ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۸۳۸۸ معامله
ارزش بازار	١/٠٩٤/٥٠١ میلیارد ریال

عرضه محموله‌های کوچک در رینگ فلزات

با توجه به تخصیص نیافتن ارز مرجع به فلزات و کاهش واردات، رینگ فلزات بورس کالا، برخی اقدامات از جمله کوچک شدن حجم محموله‌های مقاطع فولادی برای کنترل عرضه و تقاضا را در دستور کار قرار داده است.

به گزارش فارس، با توجه به کاهش واردات باید عرضه‌ها در بورس به نوعی مدیریت شود که مشکلی ایجاد نشود و شرایط بازار به هم نریزد. یکی از اقداماتی که در این زمینه انجام شده است، عرضه سبدهای مقاطع فولادی در اندازه‌های ۱۱۰ و ۲۲۰ تنی است تا تقاضاهای بیشتری را پاسخگو باشد.

پیش از این محموله‌های ۱۱۰۰و حتی ٤ هزار تنی عرضه می‌شد، ولی برای کنترل بازار این محموله‌ها کوچک شده است.همچنین با توجه به اینکه ارز دولتی به بخش فولاد تعلق نمی‌گیرد، باید واردات با ارز آزاد انجام شود تا به ایجاد تعادل در عرضه و تقاضای بازار کمک کند. شاید تصور این باشد که با رشد قیمت دلار شرایط برای واردات مناسب نیست، ولی برخی معتقدند واردات با دلار ۲۲۰۰ تومانی برای واردکننده سود خواهد داشت.همچنین، فولاد مبارکه در صورت امکان می‌تواند بخشی از تولید اسلب خود را به گونه‌ای انجام دهد که مصرف‌کنندگان بیلت بتوانند با برش اسلب و تبدیل آن به بیلت، میلگرد تولید کنند، بنابراین بخشی از کسری بیلت بازار جبران می‌شود.

بازار سرمایه با ابزار جدید فعال‌تر خواهد شد

یک کارشناس بازار سرمایه اعلام کرد: اوراق اختیار فروش تبعی ابزاری برای تأمین مالی سهامداران عمده بوده که ریسک سرمایه‌گذاران را کاهش داده و را می‌دهد که نرخ بازدهی آن با نرخ بازدهی بازار برابری می‌کند بنابراین این ابزار می‌تواند به بازار کمک کند.

به گفته این کارشناس بازار این ابزار باید شرکت‌هایی انتخاب شوند که پشتوانه آنها دارایی مولد قابل توجه باشد و ارزش سهام شرکت برابر یا کوچک‌تر از ارزش برآورده از روش‌های



منجر به جلوگیری احتمالی خروج منابع از بازار سرمایه به بازار پول می‌شود.

علی اسلامی کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با ایسنا استفاده از ابزار اختیار فروش تبعی را مورد توجه قرار داد و گفت: یکی از شیوه‌های متداولی که در دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد، اوراقی است که برای دارایی منتشر می‌شود که در کشور ما استفاده از این اوراق در سه سال گذشته و برای شرکت غدیر تجربه شد که چندان موفق نبود.

وی افزود: اما روش فعلی می‌تواند موفق باشد زیرا دستورالعمل مشخصی برای آن تدوین شده و تجربه گذشته مورد استفاده قرار می‌گیرد که در شرایط موجود بازار می‌تواند مؤثر باشد.

این فعال بازار سرمایه یادآور شد: از دلایل خارج شدن وجوه از بازار سرمایه، بالابودن نرخ اوراق مشارکت و نرخ سود بانکی است که در این شرایط اوراق اختیار فروش تبعی این اطمینان سرمایه اوراق اختیار فروش تبعی می‌تواند ابزاری برای تأمین مالی سهامداران عمده باشد، زیرا قدرت آنها را افزایش می‌دهد تا در سایر شرکت‌ها سرمایه‌گذاری کنند.

وی اضافه کرد: دلایلی که این روزها بازار سرمایه با رونق کمتری مواجه است، بی‌پولی سهامداران حقوقی است و این ابزار کمک می‌کند که تا سهامداران عمده تأمین مالی کنند.

اسلامی مزیت‌های این ابزار را مورد توجه قرار داد و اعلام کرد: این ابزار ریسک سرمایه‌گذاران را کاهش داده و منجر به جلوگیری احتمالی خروج منابع از بازار سرمایه به بازار پول می‌شود. علاوه بر این کمک می‌کند که سهامداران حقوقی و عمده تأمین مالی کرده و منابع مالی جدید را به بازار تزریق کنند.

اسلامی تاکید کرد: ایجاد این ابزار نقطه ضعف بازار سرمایه را در برابر بازار پول برطرف می‌کند.

وی توصیه کرد: نکته قابل توجه این است که در استفاده از بنیادی باشد. وی با بیان این‌که این نوع اوراق در دنیا متداول است، اظهار کرد: شرکت‌های بزرگی هم‌چون شرکت‌های خودرویی و شرکت‌های معدنی و شرکت‌هایی که دارای ارزش ذاتی هستند، با توجه به این‌که قیمت سهام آنها افت کرده است، می‌توانند از این ابزار استفاده کنند.

این کارشناس بازار سرمایه اظهار کرد: این ابزار می‌تواند ریسک نقدشوندگی و کسب بازدهی پایین‌تر از بازدهی بازار را تضمین کند، لذا اوراق اختیار فروش تبعی می‌تواند به کاهش ریسک بازار و افزایش P/E بازار کمک کند.

اسلامی با بیان این‌که درحال حاضر شاخص بورس در محدوده مقاومتی قرار دارد، خاطر نشان کرد: در صورتی که این ابزار درست اجرا شود و شرکت‌های مناسبی با قیمت‌های درستی انتخاب شوند، می‌توانند به بازار کمک کرده و ریسک بازار را کاهش دهند.

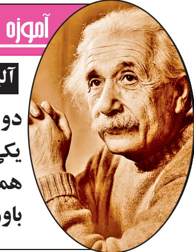
آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
مخابرات ایران	۲,۱۵۲	(۴۲)	سیمان‌غرب	۲,۸۳۰	۶۸	سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳,۰۷۸	۱۱۸
کابل البرز	۱,۰۳۸	۲۰	سیمان سفیدنی‌ریز	۴,۳۶۸	(۱۸۲)	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۴,۱۴۰	(۴۸)
ایران ترانسفو	۱,۷۸۶	۶۸	سیمان‌هگمتان	۱,۹۳۰	(۴۴)	بانک انصار	۲,۳۰۷	۲
پارس‌سویچ	۲,۲۶۰	(۹۴)	سیمان کارون	۲,۲۸۵	(۹۵)	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲,۷۴۵	(۱۱۴)
لامپ پارس شهاب	۲,۵۲۵	۹۷	سیمان کردستان	۶,۰۳۰	۴۷	توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۱,۷۲۴	(۷۱)
موتوژن	۲,۶۴۶	(۲)	پتروشیمی شازند	۵,۵۸۵	۱۶۲	بانک ملت	۱,۳۱۸	۲
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۴۵۰	۵۵	معدنی املاح ایران	۸,۹۶۴	۳۴۴	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۶۶۰	(۸)
گسترش نفت و گاز پارسیان	۵,۵۸۰	۷۰	نفت بهران	۷,۰۰۱	(۲۹۱)	سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۱۴۷	(۴۷)
بیمه پارسیان	۱,۹۹۰	(۵۱)	پاکسان	۲,۴۱۵	(۲۷)	بانک‌پارسیان	۱,۹۱۵	۲۲
ایران‌یاساتایرورابر	۳,۸۲۵	۱۷	پتروشیمی آبادان	۵,۱۷۴	(۵۷)	بانک پاسارگاد	۱,۴۴۰	۳۰
سرمایه گذاری پردیس	۱,۰۱۹	۰	پتروشیمی پردیس	۳۰,۴۰۰	۱,۱۵۳	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۶۴۷	۵
صنایع لاستیکی سهند	۱,۶۷۹	۶۴	پتروشیمی خارک	۱۲,۶۷۵	(۵۲۸)	داروپخش (هلدینگ	۷,۱۷۷	۷
گروه صنعتی بارز	۱,۸۴۱	(۷۶)	تولید سموم علف کش	۲,۲۰۰	(۵)	بانک تجارت	۱,۳۵۲	(۵۶)
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۹۴۴	(۳۱)	پتروشیمی‌فارابی	۶,۳۸۰	۱۹۳	سرمایه گذاری پارس توشه	۱,۵۶۶	۱۵
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۳۰۰	(۴۹)	صنایع شیمیایی فارس	۲,۴۶۹	(۱۰۲)	توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۳۰۰	۰
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۲,۴۸۴	۹	پتروشیمی فناوران	۸,۴۰۳	(۳۴۳)	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۲,۰۰۰	۳۴
سخت آژند	۱,۰۸۵	(۲۵)	لعابیران	۳,۷۰۱	۷۴	سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۹۰۰	۱۳
سامان گستراصفهان	۱,۳۵۸	۳۲	تولیدمواداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۱,۱۶۲	(۹۴)	سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۰۱۱	۳۲
سرمایه گذاری شاهد	۱,۶۹۴	(۷۰)	نفت پارس	۴,۴۴۶	(۱۸۵)	سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۱,۵۱۸	۲۳
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۶۳۲	(۵۳)	صنایع‌شیمیایی‌ایران	۲۵,۰۵۲	۹۶۳	سرمایه‌گذاری سپه	۱,۲۴۰	۳۷
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۳,۱۵۰	(۱۳۱)	کربن ایران	۶۸۸	(۱۱)	بانک سینا	۱,۴۱۴	(۵۸)
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۳,۹۰۶	(۶۵)	نیروکلر	۷,۹۹۹	۲۶۹	گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۵۲۳	(۵۶)
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۱,۷۰۳	(۷۰)	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۷۴۱	۱۴۲	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۱,۵۸۰	۳۰
تایدواترخاورمیانه	۲,۳۱۶	۳۹	لبنیات‌کالبر	۱,۷۵۲	۶۷	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۸۷۵	(۳)
حمل‌ونقل‌توکا	۳,۷۶۱	(۱۲۲)	خوراک دام پارس	۶,۵۵۹	۲۴۷	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۳,۳۱۲	۶۵
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۰۰۸	(۱۳۳)	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۱,۸۲۰	(۵)	لیزینگ رایان سایپا	۱,۷۶۰	۳۶
حفاری شمال	۱,۷۶۹	(۴۶)	بیسکویت گرجی	۲,۲۶۳	۲۸	لیزینگ‌خودروغدیر	۴۸۰	۶
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۱,۰۴۰	(۴۳)	صنایع آذرآب	۱,۸۳۵	۴۱	لیزینگ‌ایران	۱,۷۷۴	۶۸
سایپاآذین	۴۷۵	۹	ماشین سازی اراک	۱,۱۵۹	۸	توسعه‌معادن‌وفلزات	۲,۷۵۸	۱۰۶
گروه‌بهمن	۱,۱۴۷	(۳)	کالسیمین	۴,۰۱۲	۱۱۸	سرمایه‌گذاری‌ملت	۳۳۶	۵
پارس خودرو	۶۱۶	(۲۵)	صنعتی آما	۲,۸۱۲	۱۰۸	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۲۱۶	(۲۸)
رینگ‌سازی‌مشهد	۸۹۰	۳۳	مس شهیدباهنر	۸۴۰	۹	بانک‌اقتصادنوین	۲,۷۵۲	(۱۱۴)
زامیاد	۶۴۹	۱۴	سپنتا	۳,۰۹۲	۰	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۱۵۵	۵
سایپا	۱,۰۵۸	۲۱	فولاد امیرکبیرکاشان	۱,۵۰۵	(۳۶)	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۲۴۰	(۵۱)
الکتریک خودرو شرق	۵۴۲	(۱۹)	فولاد خراسان	۵,۳۳۰	(۱۶)	بانک کارآفرین	۱,۳۱۹	۳۴
لنت ترمزایران	۲,۸۲۱	(۱۱۷)	فولاد خوزستان	۱۵,۷۸۹	۶۰۷	آبگینه	۴۱۶	(۱۷)
نیرو محرکه	۱,۰۴۷	(۴۳)	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۵,۰۰۰	۴	فرآورده‌های‌نسوزآذر	۹۳۰	(۲۱)
ایران خودرو	۱,۲۲۰	(۵۰)	فروسیلیس ایران	۳,۵۰۰	۶۱	کاشی اصفهان	۱,۸۴۸	(۷۷)
محورسازان‌ایران‌خودرو	۵۱۹	(۲۱)	ملی سرب‌وروی ایران	۲,۴۴۹	۵۷	باما	۶,۱۰۷	۷
سایپا دیزل	۴۹۷	(۷)	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۲,۰۹۹	۶۶	معادن بافق	۹,۲۰۰	۱۵۳
داروسازی جابرابن‌حیان	۲,۶۰۹	۴۹	ملی صنایع مس ایران	۳,۷۸۶	۱۴۵	پشم‌شیشه‌ایران	۱,۲۱۵	(۲۷)
دارویی رازک	۸,۹۴۰	(۱۸۱)	فولاد مبارکه اصفهان	۲,۱۲۱	۸۱	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۵,۸۲۸	۲۲۴
داروسازی اکسیر	۶,۸۶۴	(۲۸۵)	فولاد آلیاژی ایران	۳,۲۶۹	۱۲۵	چینی ایران	۲,۳۴۹	(۹۷)
داروسازی کوثر	۱,۴۵۵	(۵۲)	فولادکاویان	۱,۸۴۱	۱۷	صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۰,۵۸۴	(۴۴۰)
کیمیدارو	۱,۴۷۴	(۶۱)	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۸,۳۰۶	(۳۴۶)	معدنی دماوند	۷,۰۱۴	(۲۹۲)
خدمات‌انفورماتیک	۱۰,۹۵۴	(۳۷۱)	قند ثابت خراسان	۴,۲۷۶	(۱۷۸)	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۴,۲۳۱	۵۷
تجارت الکترونیک پارسیان	۷,۹۸۰	۱۰	کارخانجات قند قزوین	۶,۱۶۷	۲۳۷	توسعه معادن روی ایران	۱,۹۳۵	۴۲
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۲,۱۸۹	(۵)	قند شیرین خراسان	۳,۶۵۶	(۱۵۲)	صنایع کاشی و سرامیک سینا	۲,۸۲۱	(۱۱۷)
مدیریت‌پروژه‌های‌نیروگاهی	۱,۶۰۰	(۹)	شهد	۱۳,۸۵۱	(۱۱۱)	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۸,۵۴۹	۰
کارت اعتباری ایران کیش	۱۱,۲۲۵	(۴۶۳)	قنداصفهان	۲۲,۳۷۸	۸۶۰	کاشی سعدی	۱,۶۵۵	(۶۸)
کشاورزی ودامپروی مگسال	۹,۹۵۴	۳۸۲	قند لرستان	۱۹,۱۴۲	۷۳۶	ذغال‌سنگ نگین طبس	۲,۶۸۵	۱۰۳
سیمان تهران	۲,۱۴۴	(۸۹)	قندنقش‌جهان	۱۱,۴۲۴	(۴۷۵)	فراورده های نسوزایران	۲,۶۳۴	۹۳
سیمان‌خاش	۲,۲۸۶	(۹۵)	قندهکمتان	۱۵,۸۷۱	(۶۶۱)	معدنی و صنعتی گل گهر	۶,۰۳۲	۲۳۲
سیمان خزر	۱,۸۰۸	۶۹	آبسال	۶۸۵	۱۷	معادن‌منگنزایران	۱۸,۳۰۴	(۵۷۹)
سیمان دورود	۳,۳۸۵	۲۳	داده‌پردازی‌ایران	۱,۸۰۱	(۵۹)	کاشی نیلو	۱,۳۶۰	۵۲
سیمان‌شاهرود	۱,۹۹۸	۳۴	ایران‌ارقام	۲,۳۰۱	(۹۵)	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۸۵۴	(۹)
سیمان شرق	۹۲۵	(۳۸)	بیمه ملت	۱,۱۰۱	(۱۹)	شیشه همدان	۱,۵۷۰	(۷)
سیمان شمال	۸۷۹	(۳۶)	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۰۲۰	(۶)			
سیمان صوفیان	۱,۱۵۲	(۴۷)	سرمایه گذاری آتیه دماوند	۱,۰۷۴	(۲)			

فرهنگی ۹٦

• چهارشنبه یکم شهریور ۱۳۹۱
• شماره ۲۵۳۹۰ـ ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
• ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن اسلام و ایران

آموزه



آلبرت انیشتین:
دو راه برای زندگی وجود دارد: یکی آنکه آن را معجزه ندانیم یا آنکه همه را معجزه بپنداریم. من به دومی باور دارم.

سرسخن

کریم فیضی

ساعت پدربزرگ

فرض کنید که ۷۰ یا ۱۰۰ سال پیش فلان کارگر یا کشاورز در فلان روستا، می‌خواسته برود به ملاقات نامزد خودش در روستای همجوار یا دو روستا آن طرف‌تر. (در اینجا کاری نداریم که آنها برای نامزد شدن و برپایی مجلس و مراسم این امر خیر و دعوت از زید و عمر و علی و ولی و حسن و حسین چه شرایطی را پشت سر گذاشته‌اند و با چه دشواریهایی موفق به این کار شده‌اند و اشخاص با چه دشواریهایی مطلع شده‌اند و با چه فلاکت‌هایی توانسته‌اند زمان و مکان را پیدا کنند و بیایند و کلثوم و ذوالفقار بشوند زن و شوهر). شما فکر می کنید که این کارگر یا کشاورز چگونه باید اطلاع می‌داده که می خواهد از روستای متبوع خودش حرکت کند و به روستای مطلوب خودش برود تا جمال عیالِ آینده خودش را زیارت کند؟

آیا گیرنده و فرستنده‌ای در کار بوده است؟ آیا تلفنی وجود داشته؟ موبایلی بوده و پیامکی؟ اینترنتی بوده تا سایتی باشد و وبلاگی؟ آیا ماشینی بوده و پستی؟ در شرایطی مشروط به مناسب و مساعد بودن اوضاع جوی و غیر جوی از نوع فراغت داشتن از کار فلاحت برای رفع گرسنگی و داشتن چارپایی به نام اسب یا الاغ، ذوالفقار می توانست مبدأ را ترک کند و راه مقصد را در پیش بگیرد، بدون اینکه بداند الآن ساعت دقیقاً چند است، کجای راه قرار دارد، چقدر دیگر راه در پیش دارد و کی خواهد رسید و معشوقه خودش را ملاقات خواهد کرد. شبیه این حالت و شرایط برای معشوقه بانو هم متصور بوده چون او نه می‌دانست چند سال دارد، کی به عقد غلامعباس درآمده است، خانه غلامعباس چقدر از خانه خودشان فاصله دارد و آخرین بار که غلامعباس را دید، کی بود: کدام ماه و کدام روز از کدامین سال و غلامعباس دیگر کی خواهد آمد و کی او را به سر خانه و زندگی خودش خواهد برد و زندگی مشترک آنها با هم شروع خواهد شد. این حرف ممکن است اغراق‌آمیز جلوه کند، اگر بگوییم که تنها علم یا یکی از تنها علم‌های زمانی گذشتگان ما، این بوده است که بچه بعد از انعقاد نطفه ـ که طبیعتاً بلافاصله بعد از ازدواج بود ـ بعد از چند ی به دنیا می‌آید: نه ماه و نه روز و نه ساعت و نه دقیقه. اشکالی که در اینجا مطرح است، این است که به قرینه ساعت و دقیقه ـ که از علوم جدیده و معلومات متاخر و بعد از شیوع ساعت است ـ می توان حدس زد که این «علم» سابقه زیادی ندارد و از کشفیات انسانهای نیم قرن اخیر است، چرا که طبق توضیحاتی که دادیم، قبل از آن یعنی قدر مسلم تا همین ۱۰۰ سال پیش ساعت ـ همین ساعت‌های مچی و در و دیواری که عین نقل و نبات همه جا ریخته و کسی صاحبش نیست ـ وجود نداشته و بعد از پیدایش چنان موجود ارزشمندی بوده که تا مدتها فقط در دربارها و محاضر شاه و شاهزاده‌ها یافت می‌شد و بعد از آن تا مدتها فقط اعیان و اشراف و مالکان می توانستند آن را داشته باشند ـ به دلیل تمکن مالی و اجازه‌های اجتماعی ـ و بعد از مدتهای مدید، کم‌کم ساعت عمومی شد و من می‌دانم که پدربزرگ مادری من که نماینده ارباب در فلان منطقه بود، ساعتی داشت که آن را بسیار گرامی می‌داشت و بسیار برایش ارزشمند مادی و معنوی بود و مثل ارباب آن را با زنجیری به چاک جلیقه‌اش بسته بود تا خدای نکرده گم و گور نشود تا پیرمرد زمان را از دست ندهد.

از دور دست تا مکه

بی‌آنکه نیازی به خیال و تخیل داشته باشیم و بی‌آنکه کارمان به تخیل های قوی بکشد و بی‌آنکه رویاپردازی کنیم و مهمتر از همه بی‌آنکه به اندازه سر سوزنی وارد وادیِ اغراق و بزرگ‌نمایی های غیرمجاز بشویم ـ که امری است ناروا ـ به سهولت آب خوردن، می توانیم در پشت سرمان روزهایی را تصور کنیم و به یاد بیاوریم که زمان گمشده بود و معلوم نبود چیست و کجاست. به این معنا که: کسانی که پدران و مادران ما بودند، بنا به دلایلی مشخص نمی دانستند سال چیست و ماه کدام؟ روز چیست و هفته چه؟ ساعت چگونه چیزی است و دقیقه چه پدیده‌ای! باور این حرف‌ها دشوار می‌نماید، اما دشوارتر از آن، روزهایی بوده که مردان و زنان ٤ نسل پیشِ همین سرزمین؛ یعنی ایران اسلامی ـ یا به قول جماعتی که «انحرافی» خوانده می‌شوند «اسلام ایرانی» ـ پشت سر نهاده‌اند و با تمام دشواریهایی که رد پیش بوده، با وقت‌نشناسی و بی‌ساعتی مشعل زندگی را از سرو دست بر زمین ننهاده‌اند تا آن را به نسل های بعدی تحویل دهند. از همین جاست که عده ای به آینده اعتقادی ژرف دارند و برای زندگی آینده و زندگی نسل آینده حکمتی قائلند که کم‌کم در حال ظاهر شدن و آشکار گشتن است. باری، با استناد به برخی از مستندهای جهانی که شبکه‌های بزرگ از زندگی پرندگان و حیوانات وحشی و اهلی ساخته‌اند، نهایت حرفی که ما درباره گذشتگان خودمان و مقوله زمان می توانیم بر زبان بیاوریم و بر خامه جاری کنیم. زمان عزیزی است، به این معنا که گذشتگان ـ نه گذشتگان به معنای انسان‌های هزار و ۱۰ هزار سال قبل بلکه همین انسان‌هایی که در اواخر دوره مبارک اثر قاجار افتخار زندگی در شهرها و روستاهای ایران را داشتند ـ در فقد آنچه که کوچکترین و بی‌اهمیت‌ترین پدیده جهان امروز و زندگی امروز یعنی «ساعت» و گم کردن زمان در اثر نداشتن یک ساعت مچی در یک شهر، به ناگریز زمان را با غرایز خودشان یعنی به غریزه تنظیم می کردند و ادامه حیات می دادند.

پدر به روایت دختر
پدرم دکتر مصاحب

ترانه مصاحب: هرگاه از من می‌خواهند مطلبی درباره پدرم بنویسم دچار عذاب وجدان می‌شوم، زیرا احساس می‌کنم نمی‌توانم حق مطلب را به درستی درباره ایشان ادا کنم. زمینه‌های تخصصی و جنبه‌های شخصیتی پدرم به قدری زیاد و متنوع است که نوشتن درباره آنها متخصصان مختلفی را طلب می‌کند. عشق و علاقه پدرم به خانواده، نقش او در سرپرستی اثر جاودانه «دایره‌المعارف فارسی»، عشق زیاد او به ریاضیات و ایجاد تغییرات بنیادی در نظام آموزشی ریاضیات کشور از طریق «تأسیس مؤسسه ریاضیات» در دانش‌سرای عالی (دانشگاه تربیت معلم فعلی)، تربیت ریاضی‌دانان جوان و آشنا کردن آنها با ریاضیات جدید، تألیف کتب برجسته ریاضی و شخصیت استثنایی و کمال‌طلب ایشان هر یک داستان‌های جداگانه و زیادی دارد. وارد شدن به دنیای دکتر مصاحب کار بسیار دشواری است و نمی‌توان به اختصار درباره او و دنیایش نوشت.

پدرم در نامه‌ای برای فرزندش نامدار مصاحب که در ادینبرو (بریتانیا) در رشته ریاضیات تحصیل می‌کرد، چنین می‌نویسد: «به علاوه من از فشرده‌نویسی و انداختن سر و ته و وسط مطلب در کتابی که برای محصلین ایرانی نوشته می‌شود احتراز دارم. مخصوصاً در مطالب علمی. این سخن (Horace) را که ترجمه انگلیسی آن چنین است:

It is when I am struggling to be brief that I become Unintel ligible

گویا در مقدمه کتاب تئوری اعداد نقل کرده‌ام.» به رغم این باور پدرم ـ که من نیز به آن معتقدم ـ ناگزیر به اختصار سعی می‌کنم با نقل خاطراتی که خود از پدرم دارم و یا از اقوام نزدیکم شنیده‌ام به جنبه‌هایی از زندگی و خصوصیات اخلاقی ایشان اشاره کنم.

پدرم در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی در تهران در خانواده‌ای اهل فضل و ادب به دنیا آمد و در سال ۱۳۵۸ در سن ٦۹ سالگی درگذشت. پدربزرگ او حاج میرزا غلامعلی خوشنویس خط خوشی داشت و روی تخمه خط می‌نگاشت. وی از لحاظ معلومات فارسی و عربی زبانزد بود. معروف‌ترین آثار او «الفیه» اوست که در آن کلیه قواعد صرف و نحو عربی را در هزار بیت آورده است.

پدر ایشان طبیب و مادرشان شاعر بود. پدرم در خانواده‌ای روشنفکر به دنیا آمد که از زمان خود جلوتر بودند و فرزندان خود را به تحصیل و مطالعه تشویق می‌کردند و برای آنها کتاب می‌خریدند. او از کودکی اهل مطالعه بود و به دلیل هوش و استعداد خارق‌العاده‌ای که داشت مورد احترام پدر و مادر، برادر و خواهرانش بود؛ وی را در خانه «غلامحسین خان» خطاب می‌کردند و برادر و خواهرانش به طیب خاطر از او اطاعت می‌کردند. ایشان از زمانی که در کلاس پنجم و ششم ابتدایی درس می‌خواند به ریاضیات علاقه داشت و به تدریج که به کلاس‌های بالاتر رفت علاقه‌اش به ریاضیات بیشتر شد. او اهمیت زیادی برای ریاضیات قائل بود به طوری که یک بار پدر وی به شوخی به او گفت: «غلامحسین خان شما از این X و Y خسته نمی‌شوید. این X و Y به چه درد می‌خورد؟» و پدرم در جواب ایشان گفت: «آقاجان آینده دنیا به همین X و Y بستگی دارد و روی X و Y بنا می‌شود.»

پدرم تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدرسه «شرف مظفری و دارالمعلمین مرکزی» به پایان رساند و به علت هوش و استعداد خارق‌العاده‌ای که داشت در حدود سن ۱٦ سالگی دوره دوم متوسطه را با معدلی نزدیک ۲۰ تمام کرد و در روز جشن سالانه که نطقی درباره «اعتماد به نفس» ایراد کرد از طرف وزیر معارف وقت (مرحوم تدین) به عنوان شاگرد اول کل ایران معرفی شد و به اخذ مدال درجه اول علمی نایل گردید. ایشان تحصیلات عالیه خود را نخست در ایران (دارالمعلمین عالی) و سپس در فرانسه و انگلستان انجام داد و در سال ۱۳۲۷ هجری شمسی به اخذ درجه دکترا در ریاضیات از دانشگاه کمبریج نایل شد

ادامه در صفحه ۲

گراهام گرین؛ روح سرکش زمانه

گراهام گرین (۱۹۰٤ - ۱۹۹۱) مردیِ پرتناقض بود و خودش هم این موضوع را قبول داشت: «من خودم را نمی‌شناسم، و نمی‌خواهم که بشناسم. من آدمی هستم که تغییر می‌کند، افکار و عقایدم سال به سال متفاوت است.»

جالب و بلکه عجیب اینکه او خودش را دوست نداشت: «مگر چند نفر پیدا می‌شوند که وقتی بی‌هوا ازشان بپرسید خودشان را دوست دارند بله بگویند؟ من با خودم راحت نیستم، این درست - اما به نظرم این عیب نیست، به علاوه آدم چطور می‌تواند با خودش راحت باشد؟»

گرین، نویسنده پرنویس و پرخواننده‌ای بود که کتاب‌های او در جامعه‌ای مانند ایران همه نوع خواننده‌ای را جلب کرده است؛ هم کتاب‌خوان عوام او را دوست دارد، هم خوانندگان آثار جدی از مشتری‌های پروپاقرص آثار او هستند. همه عمرش بین کفر و ایمان در نوسان بود. است. او هم مارکسیست و هم کاتولیک است؛ گفت‌وگوی فلسفی شهردار سابق مارکسیست عالی جناب گراهام گرین که خود را از اعقاب صحیح‌النسبِ دن کیشوت می‌داند، در کتاب «عالی جناب دن‌کیشوت» گویای همین نوسان است.

گرین بر خیانت‌کار بودن خود باور دارد. او در مصاحبه‌ای گفته است: «در طول زندگی‌ام بـه خیلی از چیزها و خیلی از آدم‌ها خیانت کرده‌ام و احتمالاً همین خواب راحت را از من گرفته. من ظالم و بی‌انصاف بوده‌ام.» خودش ریشه این رفتار را در دوران مدرسه‌اش می‌داند. او در مدرسه‌ای که پدرش رئیس آن بود، درس خواند. دوستانی دارد اما پسر پدرش هم هست و هم‌کلاسی‌هایش پدر را دوست ندارند: «به هیچ کدام از دو جناح تعلق نداشتم. نمی‌توانستم بدون خیانت کردن به پدر، طرف پسرها را بگیرم، و پسرها هم به چشم یک همکار دشمن و منطقه اشغالی به من نگاه می‌کردند! من دوپاره شده بودم و همین دوپارگی یکی از اجزای دایمی کار و زندگی‌ام شد». رمان «پایان یک نامشروع»، که فیلمی هم بر اساس آن ساخته شد، تضادهای اخلاقی نویسنده‌ای را نشان می‌دهد که با دوستی رابطه دارد. این رمان آیینه‌ای است از تضادهای اخلاقی خود او و صد البته آدمی‌زاده.

ادامه در صفحه٦

دکتر محمد مصدق‌السلطنه به قلم مصدق؛ نوشتن در سلول انفرادی

پس از خاتمه تحصیلات

کشور سوئیس دارای ۲٤ استان است که ۲۳ دولت در ۲۳ استان و در یک استان هم ۲ دولت تشکیل شده که مجموعاً مرکب از ۲۵ دولت می‌باشد و به‌سه زبان رسمی صحبت می‌کنند. آن قسمتی را که به زبان فرانسه حرف می‌زنند سوئیس فرانسه و دو قسمت دیگر را که به زبان آلمانی و ایتالیایی صحبت می‌کنند سوئیس آلمانی و ایتالیایی گویند.

یکی از بهترین شهرهای سوئیس فرانسه برای تحصیل، شهر نوشاتل بود که وسایل تفریح و تفنن در آنجا فراهم نبود و از ساعت ۹ شب هرکس در خانهٔ خودبه کار مشغول بود.

برای ثبت نام می‌بایست در دانشگاه مدرک تحصیل ارائه دهم که چون از مدارس ایران مدرکی نداشتم؛ یعنی آن‌وقت که من می‌بایست تحصیل کنم، ایران مدرسه نداشت از تصدیقنامهٔ مدرسهٔ سیاسی پاریس برای امتحاناتی که سال اول داده بودم، استفاده کردم و به نام یک محصل رسمی در دانشکدهٔ حقوق ـ که یک موسسه دولتی است ـ ثبت نام نمودم.


دکتر محمد مصدق

نظر به اینکه سه ماه از سال دوم مدرسه سیاسی را به دروس استادان حاضر شده بودم، در ژوئیه ۱۹۱۱ (مرداد ۱۲۹۰) برای دادن امتحان به پاریس رفتم و چند امتحان دادم که در تمام موفق شدم، ولی چون کار دانشکده حقوق برای کسی مثل من ضعیف مشکل و تحصیل زبان لاتین نیز برایم یک کار اضافی شده بود، از رفتم به پاریس و توقف چندماه برای ادامه‌ی تحصیل در آنجا صرفنظر کردم و از آن به بعد جداً به کار دانشکده حقوق پرداختم و در ژوئیه ۱۹۱۲ داوطلب امتحان دو ساله‌ی لیسانس شدم که به واسطه پیش‌آمدی تصور نمی‌کردم توفیق حاصل کنم و آن پیش‌آمد این بود:

یکی از خویشانم که تحصیل می‌کرد و با من در یک جا سکنا داشت، از من اجازه گرفت که در جشن مدارس ۱٤ ژوئیه شرکت کند که رفت و من به انتظار او ماندم که نیامد و هرچه می‌گذشت برنگرانیم افزوده می‌گشت، تا از نصف شب سه ساعت گذشت و هر پیش‌آمدی برای او در مخیله‌ام خطور می‌کرد.

بقیه در صفحات ٤و۵

علم

بقیه از صفحه اول

و رساله پایان تحصیل او در جلد چهل و ششم مجله انجمن فلسفی کمبریج (در سال ۱۹۵۰) به چاپ رسید.

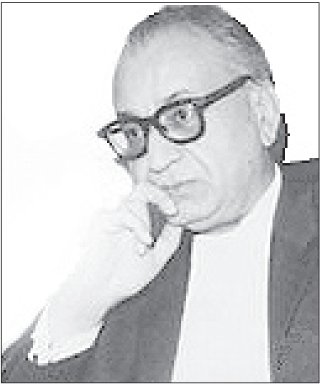
پدرم هنگام تحصیل شاگرد استادانی چون فاضل تونی و غلامحسین رهنما بود و به علت استعداد خارق‌العاده‌ای که داشت مورد تشویق آن دو استاد بزرگ قرار گرفت. زمانی که پدرم برای گذراندن دوره دکترا به شهر کمبریج در انگلستان رفت علاقه‌مند بود که زیر نظر پروفسور «بسیکوویچ» این دوره را بگذراند. پروفسور بسیکوویچ به سختی و به ندرت دانشجویان خارجی را می‌پذیرفت. ایشان در ضمن مصاحبه‌ای که با پدرم انجام داد از او سؤال کرد که آیا او آن آقای غلامحسین مصاحب را که تحقیقاتی درباره خیام انجام داده است می‌شناسد و پدرم در جواب ایشان گفت: «من خودم هستم» و پروفسور بسیکوویچ بعد از این جواب پدرم را برای دوره دکترا پذیرفت. پدرم در حین تحصیل در کمبریج از کلاس‌های درس برتراند راسل، فیلسوف و ریاضیدان مشهور انگلیسی، بهره می‌جست.

با وجود آنکه رشته مخصوص تحصیل و تحقیق پدرم ریاضیات بود ولی وسعت اطلاعات ایشان در علوم قدیم و جدید کم‌نظیر بود. او زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه را در حد کمال می‌دانست و با زبان‌های آلمانی و روسی در حد استفاده کردن از کتاب‌های علمی آشنا بود. در رشته‌های فرهنگ فارسی مطالعه جدی داشت و در علوم معقول و منقول و علوم عربی تبحر و تحصیلات عمیقی داشت. او یکی از برجسته‌ترین و نامدارترین دانشمندان علوم ریاضی معاصر در ایران است. پدرم محقق، مدرس و نویسنده‌ای توانا و دقیق بود و در سمت‌های مشاور و بازرس فنی، ریاست تعلیمات متوسطه، ریاست تعلیمات عالیه، مدیریت کل و معاونت آموزش و پرورش، استادی دانشگاه، بنیان‌گذار و رئیس مؤسسه ریاضیات دانشگاه تربیت معلم، بنیان‌گذار و اولین سرپرست دایره‌المعارف فارسی به روش علمی به خدمت علمی و فرهنگی اشتغال داشته است. وی تمام زندگی خود را صرف آموختن و آموزش می‌کرد، حتی لحظه‌ای که از دنیا رفت مداد در دستش بود و در کنار نوشته‌ها و کتاب‌هایش جان به جان آفرین تسلیم کرد.

پدرم در سال ۱۳۱۷ با مادرم ازدواج کرد و حاصل این ازدواج ۵ فرزند است که همگی دارای تحصیلات عالی هستند. مادرم نقش مهمی در زندگی و کارهای علمی پدرم داشت و پدرم فوق‌العاده به ایشان علاقمند بود. او یک همسر و مادر نمونه و فداکار بود و محیط خانه را طوری با تدبیر و سیاست اداره می‌کرد که پدرم می‌توانست با آرامش کامل به کارهای علمی و فرهنگی خود بپردازد. دوستان و همکاران پدرم که به منزل ما می‌آمدند همیشه با روی خوش و پذیرایی گرم مادرم روبه‌رو می‌شدند. مادرم همیشه می‌گفت که در طول زندگی با پدرم هرگز دروغی از ایشان نشنیده است. برنامه زندگی پدرم بسیار مرتب بود. او حدود ساعت ۳ صبح از خواب بیدار می‌شد و حدود ساعت ۱۰ شب می‌خوابید. بعد از بیدار شدن و صرف یک فنجان قهوه کارهای علمی خود را آغاز می‌کرد. قهوه را خود ایشان درست می‌کرد. ولی چون بلد نبود چراغ گاز را خاموش و روشن کند، مادرم قبل از خواب (حدود ساعت ۱۱) چراغ گاز را روشن می‌کرد و روشن می‌گذاشت تا هر وقت پدرم از خواب بیدار می‌شود، بتواند آب قهوه را جوش بیاورد. بعد از درست کردن قهوه، چراغ گاز تا صبح روشن می‌ماند تا مادرم

پدر به روایت دختر

پدرم دکتر مصاحب



از خواب بیدار شود و آن را خاموش کند. شاید باورکردنی نباشد که دانشمندی با آن مقام عالی در علم نتواند چراغ گاز را روشن و خاموش کند. پدرم حدود ساعت ۵/۳۰ صبح حمام می‌کرد، صبحانه می‌خورد و به دانش‌سرای عالی (تربیت معلم فعلی) می‌رفت و زودتر از تمام دانشجویان خود در مؤسسه ریاضیات حاضر می‌شد. حدود ساعت ۱۲ برای صرف ناهار به منزل برمی‌گشت. مادرم که ساعت برگشتن ایشان به خانه را می‌دانست، غذایشان را در بشقاب می‌کشید تا وقتی پدرم به خانه می‌آید غذا داغ نباشد. پس از صرف ناهار و استراحتی کوتاه، تا هنگام شام به مطالعه و تحقیق می‌پرداخت و پس از صرف شام تا هنگام خواب به کار خود ادامه می‌داد. سراسر زندگی پدرم به جز مواقعی که برای تدریس به دانشگاه می‌رفت و یا برای کارهای علمی و فرهنگی از خانه خارج می‌شد در کتابخانه مجهزش می‌گذشت، حتی در آن کتابخانه می‌خوابید. وی در همان کتابخانه دوستان و همکاران خود را می‌پذیرفت و مادرم همیشه به این کار اعتراض می‌کرد. پدرم در جواب ایشان می‌گفت دوستان و همکاران من که به خانه ما می‌آیند برای این است که مرا ببینند نه میز و صندلی و فرش میهمان‌خانه را. ایشان به مال دنیا و ظواهر زندگی بی‌اعتنا بود. اگر کسی به میز تحریرش دست می‌زد و کتاب‌ها و کاغذهایش را جابه‌جا می‌کرد ناراحت و عصبانی می‌شد. پدرم و کتاب، دو یارِ جدانشدنی بودند. همیشه پدرم، کتاب را و کتاب، پدرم را در ذهن ما تداعی می‌کرد. پدرم در سال‌هایی که سرپرستی دایرةالمعارف را برعهده داشت، وقت زیادی را صرف دایرةالمعارف و کارهای مربوط به آن می‌کرد. مادرم می‌گفت: «دایرةالمعارف فارسی برای پدرم حکم فرزند او را داشت. او به همان اندازه که در تربیت فرزندان خود زحمت کشید برای دایرةالمعارف فارسی و به ثمررساندن آن تلاش فراوان کرد، وقت صرف کرد و خون دل خورد.» بعد از آنکه پدرم از سرپرستی دایرةالمعارف فارسی استعفا داد، بیشتر اوقات خود را صرف مؤسسه‌ی ریاضیات، دانشجویان آن و تألیف کتب ریاضی می‌کرد. ایشان به ریاضیات عشق می‌ورزید و معتقد بود که زبانِ دقیق و قابل فهم و اصولی که دنیا بر آن متکی است زبان ریاضی است. وی در مقاله‌ای که درباره‌ی «اهمیت ریاضیات در دنیای کنونی» نوشته است، چنین می‌گوید: «هیچ مقاله‌ای در باب ریاضیات مکفی نخواهد بود مگر اینکه متضمن اشاره‌ای به زیبایی این علم باشد. هماهنگی، که پایه‌ی ترانه‌های روان‌بخش موسیقی است، در ریاضیات به اعلی درجه وجود دارد، و در تاریخ علوم بسیار کسان را می‌بینیم که مفتونِ هماهنگی ریاضیات و نغمات آن ـ که به گوش جان باید آنها را شنید ـ بوده‌اند. گویند افلاطون ـ فیلسوف شهیر ـ ساعات متمادی رابطه ۶۳=۵۳+۴۳+۳۳ را با نظر تحسین و اعجاب می‌نگریسته است! خلاصه من مفتون ریاضیات هستم، زیرا به عنوان علم، دقت و قدرت آن و به عنوانِ هنر، زیبایی آن در حد کمال است و به علاوه فواید و موارد استعمالش از شمار بیرون است.»

سال‌ها بود که هفته‌ای یک بار جمعی از دوستان فاضل و دانشمند ایشان برای وضع لغات و ساختن اصطلاحات جدید به منزل ما می‌آمدند. در آن بعدازظهر از اتاق پدرم صدای خنده، جنگ و جدال به گوش می‌رسید تا بالاخره پدرم همه را مغلوب می‌کرد، حرف خود را به کُرسی می‌نشاند و آن وقت سکوت برقرار می‌شد. این محفل را به شوخی، ضرابخانه و اصطلاحاتی را که می‌ساختند مضروبات می‌نامیدند و حاصل کار آن‌ها یک جزوه «فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی»(۱) است که در سال ۱۳۳۸ هجری شمسی به چاپ رسید. هفته‌ای یک روز آقای دکتر هوشنگ دولت‌آبادی برای دیدن پدرم و بازی شطرنج به منزل ما می‌آمد. پدرم علاقه‌ی زیادی به ایشان داشت و وقتی بازی تمام می‌شد، برای آن که دکتر بیشتر در منزل ما بماند به ایشان می‌گفت: «آقای دکتر بازی ماقبل آخر هنوز مانده.» پدرم در روابط خود با دیگران بسیار صادق بود. علاقه و رنجش خود را به دوست و غریبه صریح و بی‌پرده نشان می‌داد و همه تکلیف‌شان با ایشان روشن بود. جمعه‌ها، خواهر و برادربزرگم با همسران و فرزندان‌شان و عمه‌هایم به خانه ما می‌آمدند. ما بچه‌ها به اتفاق پدر و مادر و عمه‌هایم، در اتاق مادرم دور میز می‌نشستیم، عمه‌ها و پدر و مادرم از هر دَری سخن می‌گفتند و خاطراتی برای ما تعریف می‌کردند؛ پدرم سر به سر عمه‌هایم می‌گذاشتند و ما می‌خندیدیم و بعدازظهر خوشی را می‌گذراندیم. قبل از رفتن، عمه‌ام خانم شمس‌الملوک در مورد کارهای اداری خود با پدرم مشورت می‌کرد و ما بچه‌ها خوشحال و خندان، چشم به راه جمعه‌ی آینده می‌ماندیم پدرم علاقه‌ی زیادی به خانواده‌ی خود داشت.

پدرم یک شخصیت استثنایی بود. بعد از فوت ایشان چند نفر از دوستان وی به ما گفتند: «با فوت دکتر مصاحب نه‌تنها شما پدر خوبی را از دست دادید بلکه ما نیز تکیه‌گاه خود را از دست دادیم.» ایشان برای اهل علم، حُکم مرجع قابل اعتمادی را داشت. فرزندان، دوستان و دانشجویان وی همچنان که یک مرید از مرشد خود سخن می‌گوید، از ایشان سخن گفته و می‌گویند و چه بسیار کسانی که از او به نام «نابغه‌ی گمنام» یاد می‌کنند.

ادامه دارد

عالم و آدم به روایت یغمایی / دکتر محمد مصدق

مرحوم یغمایی

بی‌هیچ تردید وطن‌پرست‌ترین مردی از رجال کشور بود. این دعوی نفی بزرگان دیگر را در وطن‌دوستی نمی‌کند، زیرا این بزرگان را هر یک روش و سلیقه‌ای دیگر بود و من که با غالب این رجال شد آمد و دوستی و حشر داشتم هیچ یک را ناشایسته و دشمن مملکت و ملت نمی‌دانم. منتها هر یک را راهی بود و گرچه با هم خوب نبودند. سیدضیاءالدین طباطبایی مردی با فضل و با کفایت و جاه‌طلب بود، امانت هم داشت ولی معتقد بود که دوستی و مساعدت انگلستان در اصلاح امور ایران واجب است. مصدق‌السلطنه درست برخلاف عقیدهٔ او بود و او را خائن می‌شمرد. شاید در ضمن این یادداشت‌ها اخلاق رجال ایران را در این عصر چنان که دریافته‌ام جای به جای بگویم، عجالهٔ سخن دربارهٔ اعضاء جبههٔ ملی است.

دکتر مصدق به من بنده لطفی خاص داشت. در محضر او که به‌طور خودمانی و خصوصی بودم بعد از تحقیقات از اوضاع وزارت فرهنگ، سخن از مظالم انگلستان بود. او مردی قوی و باهوش و عالم و با استعداد بود. در سالهای مملکت‌داری خطایی از او دیده نشد و شرح جریان کارهای او را در تاریخ باید خواند. عکس خود را هم به مجله یغما مرحمت فرموده است که در یکی از شماره‌ها چاپ شده.

من در قطعه‌ای این بیت سعدی را دربارهٔ او تضمین کرده‌ام:

برخاست در این دوران یک مرد فقط یک مرد/ می‌گویم و بعد از من گویند به دوران‌ها

زندگی

آرش تبریزی

پرده آخر

چشمتان روز بد نبیند! من رسماً و به زیبایی مردود شده بودم!

به محض اینکه این اتفاق افتاد و کارنامه کاهی زرد رنگی را به دستم دادند که رویش مهری قرمز کوبیده شده بود، زندگی بر من حرام شد. حالا باید جایی را پیدا می‌کردم تا پنهان شوم ولی کجا؟ جا کجا بود؟ جایی نداشتم بروم. می‌دانستم که پدرم تمام ضربات فنی و مردافکنی را که از ۳سال قبل ـ از بیماری‌اش ـ تا امروز را در بازو و دست و پنجه ذخیره کرده است، یکجا ارزانی‌ام خواهد داشت. غریزه‌ام این را به من گفت. به غریزه می‌فهمیدم که با فجیع‌ترین و خشن‌ترین کتکی که یک انسان می‌تواند بخورد، تنها یک قدم فاصله دارم. احساسات درونی‌ام به من می‌گفت: سیلی‌ای در انتظارم است که حتی فکرش را نکرده‌ام. مشت و لگدی را باید به جان بخرم که می‌تواند پلنگی را ناکار و ناقص کند، از بس که پدرم در زدن استاد بود، آن هم در چنین شرایطی. من با گذشت زمان به جایی رسیده بودم که با هیچ راه و تدبیر و نقشه و علاجی قابل چشم‌پوشی نبود. هیچ چیزی نمی‌توانست آنچه را که در انتظارم بود، از من برگرداند. اتابکی و دوستان، مجوزی را به دست پدرم داده بودند که یک سر آن مرگ بود و من از لحظه دریافت آن کارنامه با آن مهر ناامید کننده، درست روی مرز مرگ و زندگی قدم می‌زدم و روی گسل شهادت و جانبازی راه می‌رفتم. اغراق نمی‌کنم. پدرم دستی داشت که می‌توانست با درست نواختن آن در زیر گوشم، یکی از گوشهایم را برای همیشه از کار بیندازد. او اگر آن دست را به صورت مشت در می‌آورد و آنگونه که فکر می‌کرد حقم است بر صورتم می‌کوبید، حتم دارم نصف صورتم را از دست می‌دادم و اقلش این بود که یکی از چشم‌هایم را از دست می‌دادم و بینی‌ام کج می‌شد! وقتی به آنچه در راه بود می‌اندیشیدم و فکر و تصور آنچه که بر ذهنم می‌گذشت از جلوی چشمم عبور می‌کرد، درجا خشک می‌شدم! یخ می‌زدم! الحق و الانصاف جا داشت خودم را خیس کنم ولی چون هنوز در مدرسه بودم، رسم ادب را بجا آوردم و خودم را کنترل کردم. آن روز اصلاً پای بیرون آمدن از مدرسه را نداشتم. چند دقیقه بی‌حرکت ماندم. نه توان حرکت داشتم، نه توان حرف زدن و نه توان بیرون آمدن.

> **فکر نمی‌کردم که دانش‌آموزی را بتوان براساس قیافه و ریخت و شکل مردود اعلام کرد! مدیر گفت: می‌شناسمش ولی یقین دارم مرا نمی‌شناخت**

کسی که کارنامه را به دستم داده بود، مرا می‌شناخت. وقتی دید نه می‌روم، نه نمی‌روم. نه راه پس دارم، نه راه پیش، کارنامه را از دستم گرفت و نگاهی به آن انداخت. از اینکه می‌دید با چه چیزی دارم دارفانی را وداع می‌گویم، شوکه شد. بی‌اختیار گفت: یعنی چه؟ آخر مگر می‌شود؟ بعد در حالی که کارنامه به دست داشت می‌رفت بیرون، گفت: تو همین‌جا بمان تا برگردم. او رفت و چند لحظه بعد من هم به دنبالش رفتم. داشت با مدیر مدرسه حرف می‌زد: آقای الماسی! این درست نیست: آقای الماسی کارنامه را گرفت دستش! پرسید: یعنی تجدید دیگری ندارد؟ گفتم: نه! من نباید آنجا می‌بودم و نباید حرفی می‌زدم. الماسی تا صدای مرا شنید، گفت: مردودی اینه؟ آن شخص که دفتردار بود، گفت: بله، اون بدبخت همین روسیاهه. الماسی گفت: می‌شناسمش، حقشه. در هر حال مردوده. گریه‌ام آمد. اشک چشمهایم را پر کرد، تا شاید الماسی از خر شیطان پیاده شود. دفتردار گفت: جناب مدیر! شما که می‌دانید آقای اتابکی چقدر... مدیر انگشت سبابه‌اش را برد به طرف دهانش! گفت: نفرمایید آقای غیاثی. قباحت دارد به خدا. درست نیست والله، درست نیست بالله! بعد هم کارنامه را داد دستم و همانگونه که مرغ و خروس را از جایی کیش کیش می‌کنند، مرا از اتاقش بیرون کرد.

حالا عالم روی سرم خراب شده بود. درد مردودی به یک طرف، این پردهٔ آخری که با چشم خودم دیده بودم به یک طرف. هیچ وقت فکر نمی‌کردم که دانش‌آموزی را بتوان براساس قیافه و ریخت و شکل مردود اعلام کرد! مدیر گفت: می‌شناسمش ولی یقین دارم مرا نمی‌شناخت. او یا دروغ می‌گفت یا مرا با شخصی دیگر اشتباهی گرفته بود. ناظم مدرسه همین مدیر، فردی بود به نام داداشی که همیشه خدا مرا با شخصی دیگر عوضی می‌گرفت و عوض او مرا می‌زد. او هرگاه مرا می‌دید، چوبش را بلند می‌کرد و من از ترس فرار می‌کردم. برایم عجیب بود که هربار مرا می‌دید، حالش عوض می‌شد و طوری می‌شد که انگار قاتل پدرش را دیده است. بعدها یک روز رفته بودم از دفتر گچ بیاورم، دیدم شخصی را زیر مشت و لگد گرفته است. وقتی مرا دید و سرش را بلند کرد، گیج و منگ شد. گفت: شما دو تا داداشید؟ بعد چشم دوخت به کسی که زیر کتک‌هایش داشت نفس‌نفس می‌زد، بعد در حالی که مشتی را حوالهٔ سرش می‌کرد، گفت: پدرسوخته! چقدر شبیه این آشغال هستی و من تا امروز ۵۰بار او را عوض تو کتک زده‌ام! کتک خور مزبور، شخصی بود که مانند من در کلاس هفتم مشغول به تحصیل و تعلیم و تربیت بود. او بسیار شلوغ و به شدت درس نخوان بود و از بخت بد من، شباهتی نیز به من داشت. با این حال فاصلهٔ درسی و اخلاقی و انضباطی ما از زمین تا آسمان بود. هرچه او شر و شیطان بود، من فرشته خصال بودم ولی حالا با این پیشامد معلوم می‌شد که من تا امروز بارها و بارها جور او را کشیده‌ام و به نیابت از او ادب شده‌ام و عجیب بود که خود ناظم به این موضوع اعتراف می‌کرد. او بعد از آنکه اقرار کرد که چقدر یکی دیگر را به جای شخص دیگر زده است و به اصطلاح سوتی داد، رو کرد به من و گفت: گچت را برداشتی، برو گم‌شو!

پرده‌داران

احمد یاوری

مردان سینمای ایران/۷
عنایت‌الله فمین

عنایت‌الله فمین متولد عشق‌آباد بود. دورهٔ ابتدایی را در مدرسهٔ ایرانی‌های عشق‌آباد و دورهٔ متوسطه را در مدرسه‌ای روسی گذراند. در ایامی که سفارت ایران در مسکو برای تحصیل در دانش‌گاه‌های روسیه دانش‌جو می‌پذیرفت با کسب اجازه از وزارت معارف و صنایع مستظرفه در دانش‌کدهٔ عالی سینماتوگرافی به تحصیل پرداخت، و پس از پایان دورهٔ شش سالهٔ آن به اخذ لیسانس درجهٔ یک در رشتهٔ فیلم‌برداری سینما نایل شد. از کلاس دوم دانش‌کده هم‌زمان با تحصیل در کلاس‌های نظری، برای فراگرفتن جزییات عملی در «مُسفیلم» نخست با عنوان کمک فیلم‌بردار و بعد فیلم‌بردار دوم و فیلم‌بردار اول مشغول شد. با یکی از هم‌کاران خود همهٔ آموخته‌های تکنیکی‌اش را در فیلم گاوروش (۱۹۳۷)، که پایان‌نامهٔ تحصیلی او در مدرسهٔ سینماتوگرافی بود، براساس بخشی از رمان بی‌نوایانِ ویکتورهوگو به کار برد. این فیلم در جشنوارهٔ بین‌المللی پاریس به نمایش درآمد، و کنسول‌گری ایران تقدیرنامه‌ای به نام او صادر کرد. پشتوانهٔ موفقیت فمین در این دانش‌کده حرفهٔ عکاسی بود که در زمان تحصیل دورهٔ متوسطه آموخته بود.

فمین در اواسط سال ۱۳۱۸ به ایران آمد و با «سازمان پرورش افکار» هم‌کاری کرد. فمین با موافقت ریس شعبهٔ سینمایی «ادارهٔ سازمان پرورش افکار» در صدد فعال‌کردن این بخش و تهیهٔ فیلم مستند بود که با آغازشدن جنگ جهان دوم امکان نیافت و به کار عکاسی پرداخت و عکاس‌خانه‌ای به‌نام «مدرن» تأسیس کرد. در سال‌های جنگ با مجلهٔ سینمایی هولیوود هم‌کاری کرد و دربارهٔ موقعیت مناسب جغرافیایی ایران برای تأسیس استودیوی سینمایی قلمفرسایی کرد.

فمین از سال ۱۳۲۵، پس از تأسیس ادارهٔ اطلاعات و روابط فرهنگی در سفارت امریکا، به واسطهٔ فعالان سابق «ادارهٔ پرورش افکار» با گروهی که از امریکا به پایتخت آمده بودند هم‌کاری کرد و مقدار زیادی فیلم مستند گرفت.

در آذرماه ۱۳۳۰ نصرت‌الله محتشم از فمین دعوت کرد که به «پارس‌فیلم» برود و فیلم نادرشاه را برای او فیلم‌برداری کند. فیلم‌بردار استودیو، بوریس ماتوی‌یف، بیمار بود و فمین تا فراهم‌شدن مقدمات فیلم نادرشاه فیلم مادر را برای کوشان فیلم‌برداری کرد.

پس از مدتی، زندگی حرفه‌ای فمین وارد مرحلهٔ تازه‌ای شد، با ماهی ۷۵ تومان به استخدام «پارس‌فیلم» درآمد، و پس از مادر فیلم‌های دیگری چون: دزد عشق (اسماعیل کوشان، ۱۳۳۱)، افسونگر (اسماعیل کوشان، ۱۳۳۱)، گرداب (حسن خردمند، ۱۳۳۲)، شب‌های تهران (سیامک یاسمی، ۱۳۳۲) و دسیسه (علی کسمایی، ۱۳۳۳) را فیلم‌برداری کرد. گرداب نخستین فیلم رنگی سینمای ایران بود.

فمین گفته که او نخستین کسی است که «حقهٔ تروک» را در سینمای ایران انجام داد. در فیلم دزد عشق بازیگر در یک صحنه با خودش ملاقات می‌کرد که این «تروکاژ» سینمایی در آن زمان و با قابلیت‌های دوربین «آری‌فلکس» از محالات بود.

فمین نادرشاه (۱۳۳۳) و آغامحمدخان قاجار (۱۳۳۳) را، که هر دو از ساخته‌های محتشم بود، در فضای باشکوه کاخ گلستان فیلم‌برداری کرد؛ اما تنها کپی فیلم نادرشاه در آتش‌سوزی «پارس‌فیلم» نابود، و قسمتی از فیلم آغامحمدخان قاجار از محاصرهٔ شعله‌های آتش بیرون آورده شد و با مانده‌ها و اضافه‌کردن صحنه‌های هوای آزاد به نمایش عمومی درآمد.

فمین پس از فیلم‌برداری آغامحمدخان قاجار، به پیشنهاد دکتر کوشان، به ایتالیا رفت تا در یکی از استودیوهای فیلم‌برداری رُم فوت‌وفن فیلم‌برداری رنگی را بیاموزد. در این سال‌ها در ایران هنوز چیزی به اسم «تکنیک سینما» معنی نداشت. فمین در این باره گفته است: «تمام ابزار و وسایل کار ما عبارت بود از یک دوربین آری‌فلکس و حلبی‌های شفافی که برای تاباندن نور استفاده می‌کردیم، و البته مقدار زیادی ذوق و شوق برای کارکردن.»

در راه هندوستان

مهاتما گاندی به روایت گاندی/۱۵

در پرتوریا


گاندی

بلیت درجه یک و دو هرگز به هندی‌ها نمی‌فروشند.»

ـبنظرم تاکنون فعالیت و کوششی در این مورد مبذول نداشته‌اید.

ـنماینده برای مذاکره اعزام داشته‌ایم؛ اما حالا که خودمانیم، بیشتر هندی‌ها هم دلشان نمی‌خواهد با درجه یک سفر کنند.»

همان روز فرستادم جزوه مقررات راه‌آهن را تهیه کنند و خواندم. یک راه گریز در آن دیده می‌شد. زبان ترانسئوال قدیم که قوانین و مقررات در آن به رشته تحریر درآمده بود آن قدرها روشن و واضح نبود. تازه مقررات راه‌آهن را به زبانی نامفهوم‌تر از آن نوشته بودند. به آقا عبدالغنی گفتم «مایلم با درجه یک سفر کنم. اگر نگذاشتند، ترجیح می‌دهم با درشکه بروم. راه طولانی نیست و فقط سی‌وهفت میل است.»

آقا عبدالغنی توجه مرا به پول و وقت اضافی که بانجام چنین کاری باید صرف می‌شد جلب کرد. ولی به مسافرت با درجه یک موافقت کرد که در نتیجه یادداشتی برای رئیس ایستگاه ارسال داشتیم. در نامه تذکر دادم شغلم مشاوره حقوقی است و همیشه با درجه یک سفر می‌کنم، ضمناً متذکر شدم چون کار واجبی دارم ناچارم در اسرع وقت به پرتوریا برسم: و از آنجایی که به حرکت چیزی نمانده تا مدیر ایستگاه پاسخم راکتباً ارسال دارد خودم سر وقت نزدش خواهم رفت تا بلیت ابتیاع کنم: و انتظار دارم بلیت درجه‌یک در اختیارم گذارده شود. البته برای دریافت جواب حضوری منظور خاصی داشتم. فکر کردم اگر مدیر ایستگاه کتبی جواب میداد بعید نبود یک «نه» بنویسد. زیرا او نیز به نوبه خود نسبت به یک مشاور حقوقی «عمله» دارای افکار و نظراتی بود.

در صورتی که اگر خودم نزدش می‌رفتم به انگلیسی کاملاً صحیح به‌مذاکره میپرداختم، امکان زیاد داشت با دیدن چنین وضعی بلیت درجه یک برایم صادر کند. لذا با کت و شلوار مرتب و کراوات به ایستگاه رفتم. یک سکه یک لیره‌ئی جلوی فروشنده در باجه گذاشتم و تقاضای بلیت درجه یک کردم که پرسید «شما فرستنده همان یادداشت هستید؟»

اگر سلامت به پرتورها بروی خیلی خشنود خواهم شد. می‌ترسم محافظین قطار در درجه یک دست از سرتان برندارند. تازه اگر پلیس چیزی نگوید مگر مسافران راحت می‌گیرند؟

–بلی آقا، چطور مگر؟ خیلی خوشوقت میشوم بلیت درجه یک لطف فرمائید. باید امروز به پرتوریا برسم. لبخندی زد، دلش رحم آمد و جواب‌داد «من اهل ترانسئوال نیستم. هلندی هستم. احساسات شما را تقدیر و نسبت به شما ابراز همدردی می‌کنم. بلیت درجه یک خواهم داد. مشروط برآن که اگر پلیس قطار شما را به زور از درجه یک به درجه سه منتقل کرد نامی از من نبرید. یعنی راجع به این تصادف احتمالی علیه کمپانی راه‌آهن شکایتی به عمل نیاورید. امیدوارم سفرتان به سلامت پایان پذیرد. خوب می‌بینم و می‌فهمم که جناب‌عالی یک جنتلمن تمام عیار هستید.»

او به دنبال این جملات بلیت درجه یک داد که تشکر کردم و قول دادم در صورت بروز حادثه از او نام نبرم. آقا عبدالغنی برای بدرقه‌ام به ایستگاه آمد. از این جریان خیلی تعجب مطبوع کرد. روش کارم را ستود اما در عین حال مستحضرم ساخت که: «اگر سلامت به پرتورها روی خیلی خشنود خواهم شد. می ترسم محافظین قطار در درجه یک دست از سرتان برندارند. تازه اگر پلیس چیزی نگوید مگر مسافران راحت می گیرند؟»

در کوپه درجه یک‌جا گرفتم و ترن راه افتاد. پلیس راه‌آهن در ناحیه «گرمیستون» برای بازدید بلیت آمد. از مشاهده من در آن کوپه عصبانی شد و با انگشت اشاره کرد به قطار درجه سه روم. بلیتم را نشان دادم ولی اظهار داشت «این چیزها فایده ندارد زود برو به واگن درجه سه.»

در این کوپه فقط یک مسافر انگلیسی بود که رو به پلیس کرد و از او پرسید: «مقصود از مزاحمت این آقا چیست؟ مگر نمی‌بینی که بلیت درجه یک دارد؟ من که از همسفری ایشان بدم نمیآید و ناراحت نیستم» و بعد خطاب بمن گفت «آقا همین‌جا که هستید راحت بمانید.»

پلیس که از این حرف خجلت زده شده بود غرغرکنان اظهار داشت «اگر خودت دلت می خواهد که با یک عمله سفر کنی، به من چه کاسه گرمتر از آن شوم.» بعد پی کار خود رفت.

در حدود ساعت هشت بعد از ظهر بود که قطار به پرتوریا رسید.

نخستین روز در پرتوریا

انتظار داشتم وکیل داداعبدالله کسی را به استقبالم بفرستد. ولی چون قول داده بودم در این شهر نزد هیچ یک از هندی‌ها نمانم توقع نداشتم که حتی یک هندی به استقبالم آید. اما وکیل هم کسی را اعزام نداشته بود. بعدها فهمیدم که چون روز یکشنبه وارد شده بودم اعزام شخصی به ایستگاه به راحتی امکان نداشت. هاج و واج در ایستگاه ماندم. نمی‌دانستم چه کنم و کجا روم زیرا می ترسیدم هیچ هتلی قبولم نکند.

ادامه دارد

دیویدلندز



اشاره: آنچه در پی می آید حاصل تحقیقات یک استاد غربی است. چاپ این مطالب به معنای تایید یا همسویی با آن نیست.

مسلمین و اقتصاد، به روایت یک محقق غربی

سقوط شهر بزرگ

انگلیسی‌ها همه چیز را در هند تغییر دادند. آنها تجربیات اداری و تکنولوژی برتر خود را به کار گرفتند و توانستند با یک نیروی کوچک بر مردمانی هزاران برابر خود حکومت کنند. به استثنای شورش مشهور به طغیان سپاهی (۵۸–۱۸۵۷) که با خشونت زیاد درهم شکسته شد و بعضی آشوب‌های مذهبی، نه مسلمانان و نه هندوها هیچ کدام مقاومت قابل ملاحظه‌ای به خرج ندادند. انگلیسی ها با مزایای تجارتی قاطعی سررسیده بودند. مانند پرتغالی ها و هلندی‌ها پیش از آنها، انگلیسی‌ها هم از عوامل فعال این اتحاد شرق و غرب بودند. این کشتی‌های آنها بود که می‌رفت و برمی گشت، این سوداگران انگلیسی بودند که به‌سوی آب‌های آسیا پیش می‌رفتند. (در تضاد با این پدیده الگوی همزمان مبادلات و رقابت‌ها درشمال اقیانوس اطلس را داریم.) شبکه‌های تجارتی قدیمی در آسیا، به‌دلیل تجربیات و ثروت های نهفته در آنها، دادوستدهای چرب و پرباری را به‌نمایندگی های مؤسسات خارجی نوید می‌دادند، و توسعهٔ اقتصادی هند از اواخر قرن هجدهم بیشتر تحت تأثیر سیاست‌های امپراتوری بریتانیا شکل می گرفت تا تحت تأثیر ابتکارهای بومی.

فرمانروایی انگلیسی‌ها مکتبی برای القای خفت و خواری بود. صاحب‌ها (اربابان سفید پوست) و مم صاحب‌ها (همسران اربابان) خودرابی نهایت متمدن‌تر از هندیان می دانستند –تمیزتر، زیرک‌تر، زیباتر و باسوادتر. هندی‌ها این تحقیرها را به‌طرز دیگری باز می گرداندند، و از جمله در اسطوره‌های بنگالی آمده بود که انگلیسی ها از پیوند ابلیس و میمون ماده به‌وجود آمده‌اند. هندی‌های متشخص‌تر از این گونه تبارشناسی‌های مضحک دوری می جستند، ولی خاطرنشان می‌ساختند که نیاکان آنها، هنگامی که انگلیسی‌ها هنوز در جنگل ها پرسه می زدند، شعر می‌نوشتند و عدد صفر را هم می‌شناختند سِر هنری مین، متخصص انسان‌شناسی اجتماعی در اواخر قرن نوزدهم، اظهار تأسف می کرد از این غم غربتی که هر دو طرف را در خود گرفته است: «مردم بومی هند از اروپایی ها یاد گرفته‌اند که به کمک تخیلات و تصورات کنونی خویش گذشته‌ای ساختگی برای خود فراهم سازند...» یا در جای دیگر: «فشار گذشته بر هندی‌های تحصیل کرده و فرزانه چنان نیرومند و هولناک است که به آنها اجازه نمی‌دهد کوچکترین شک و تردیدی دربارهٔ آن به مغز خود راه دهند.»

البته، امروز همهٔ ما همین کار را انجام می‌دهیم، و اسم آن را هم گذاشته‌ایم «چند فرهنگی» یا «کثرت فرهنگی».

امپراتوری عثمانی درازمدت‌تر از آب درآمد. این امر در ذات خود اسرارآمیز است، زیرا پس از تقریباً دویست و پنجاه سال توسعه طلبی (۱۵۵۰ – ۱۳۰۰)، سیر انحطاطی این امپراتوری قاعدتاً می‌بایست در ظرف چند دهه به پراکندگی و انحلال منتهی گردد. در قرن نوزدهم ترکیه را «مرد بیمار اروپا» می‌نامیدند، ولی احتضار این بیمار در واقع سیصد سال پیش‌تر شروع شده بود. احتضار یک جنازهٔ نیمه‌جان از هر تکهٔ آن بوی فساد و گندیدگی به مشام می‌رسید چگونه این همه وقت به درازا کشید؟

امپراتوری عثمانی در اواخر قرن سیزدهم هنگامی پایه‌گذاری شد که یکی از طایفه‌های ترک به‌نام عثمان لیس به نحوی در شمال‌غربی آناتولی استقرار یافت، جایی که بسیار دور از دشت‌ها و چراگاه‌های آبا و اجدادی‌شان واقع شده بود، یعنی بسیار نزدیک به مرکز قدرت بیزانس (روم‌شرقی). این قوم جنگجو که درحرکت چابک و سریع و در غارت و چپاول کم‌نظیر بود بسیار خطرناک به نظر می‌رسید. یونانیان که با این قوم سروکار پیدا کرده‌بودند، آنها را دشمنان بالقوه و اجتناب‌ناپذیر خود می‌دانستند. با این حال، از آنجا که خود را آدم‌های باهوشی می‌دانستند تصمیم گرفتند که به جای جنگ و زد و خورد با عثمانی‌ها آنها را به صورت آلت دست و متحدان خود مورد استفاده قرار دهند.

بنابراین، هنگامی که در میانهٔ قرن چهاردهم امپراتوری بیزانس دچار جنگ داخلی شده بود، هر دو طرف این جنگ داخلی شروع کردند به یاری خواستن از ترک‌ها و صرب‌ها (که اینها هم از اقوام مهاجم بودند). این الگو چند قرن سابقه داشت: همجوشی با بربرها [بیگانگان غیر یونانی] و، به جای جنگیدن با آنها، متقاعد کردن آنها به این که برای شما بجنگند– استراتژی خطرناکی که پای دشمن را به خانهٔ شما باز می کند، و شاید دشمن شما هم از این جریان چندان بدش نیاید! زمانی که صرب‌ها به طمع افتادند و تصمیم گرفتند که دودمان سلطنتی یونانیان را به نفع یک فرمانروای صرب از میان بردارند، یونانیان



یک بار دیگر از ترک‌های عثمانی کمک خواستند، و ترک‌ها هم به آنها کمک کردند. اما چرا باید در همین حد متوقف شوند؟ بدین ترتیب، ترک‌ها پس از شکست دادن صرب‌ها در گالی پولی مستقر شدند (۱۳۵٤)، بعد تراس [تراکیه]، و پس از آن در سال ۱۳٦٥ آدریانوپل را متصرف شدند (شهربزرگ امپراتور روم، آدرین) و آنجا را پایتخت جدید خود اعلام کردند، جایی که فقط یک روز راه تا قسطنطنیه فاصله داشت. حالا، ترک‌های عثمانی یک پا در اروپا داشتند و یک پا در آسیای صغیر. «امپراتوری» بیزانس [روم شرقی] منحصر شده بود به چند جزیره کوچک در دریایی از مسلمانان، و عثمانی‌ها، مانند دیگر مهاجمان آسیایی، شروع کردند به تقلید زرق و برق و تشریفات دربار یونان، هرچند با راه و روش‌های خاص خودشان.

در سال ۱٤٥۳، هنگامی که عثمانی‌ها قسطنطنیه را فتح کردند و به عمر امپراتوری روم پایان دادند، ناقوس‌ها در کلیساهای هزاران کیلومتر دورتر به صدا در آمدند و نیایش کنندگان عزا گرفتند. در آن زمان، عثمانی‌ها همان‌قدر در اروپا زمین داشتند که در آسیا و، به عنوان شمشیر زنان اسلام بر ضد مسیحیت، موجب هراس سرزمین‌های مسیحی شده بودند، «ترک» به صورت غول یا لولوی جدید در آمده بود ونام او مترادف با «خشونت» و «سفاکانه» به کار می‌رفت. در بازارهای مکارهٔ اروپا، تصویر «کلّه ترک»، با عمامه و سبیل‌های کلفت، به عنوان آماج تیراندازی‌ها انتخاب می‌شد. بچه مدرسه‌ای‌ها مسئله‌هایی را حل می‌کردند که در آنها می‌بایست موثرترین راه تشخیص مسافران ترک یک کشتی در حال غرق شدن را پیدا کنند.

سقوط شهر بزرگ، شهری که امروز نام استانبول را برخود دارد، یکی از سرنوشت‌سازترین رویدادهای تمام دوران‌ها بود

این استنباط‌های خصمانه (ترس آلود) وتهاجم‌های گاه و بی‌گاه، از ویژگی‌های مرزهایی ناآرام و تغییر یابنده بود. سقوط شهر بزرگ–شهری که امروز نام استانبول را برخود دارد– یکی از سرنوشت‌سازترین رویدادهای تمام دوران‌ها بود، رویدادی که تاریخ را چنان تغییر داد که آثار آن را هنوز، هم پس از گذشت پانصد سال، احساس می‌کنیم. شاهد امر، خونریزی‌ها و جنایت‌هایی که در پاکسازی‌های قومی بوسنی امروز به چشم می‌خورد.

امپراتوری عثمانی نمونه مشخصی از استبدادگرایی آمیخته به جنگ طلبی است. فرمانروایان این امپراتوری مازاد تولیدات و محصولات سرزمین های فتح شده را به خود تخصیص می‌دادند، گو اینکه در آغاز کار مردم این سرزمین‌ها را زیاد نمی چلاندند، یا دست کم از مغولهای هند کمتر می چلاندند.

(البته همه با این استنباط موافق نیستند. اریک جونز، نویسنده اعجاز اروپا، به عنوان مثال، معتقد است که هند مغولی آسان‌گیرتر بوده است، و برای اثبات این نظریه از سوابق و مدارک مربوط به جمعیت بازماندگان کمک می گیرد. ولی این گونه مدارک به هیچ‌وجه کافی و کامل نیست و، به عنوان مثال، می‌توان گفت که رعایای امپراتوری عثمانی احتمالاً نافرمان‌تر و کم تحمل‌تر از هندیان بوده‌اند. به هر تقدیر، تمایز قایل شدن بین دو نوع استبدادکار آسانی نیست. من فکر می‌کنم که مغول‌ها بدتر بوده‌اند؛ ولی این امکان هم هست که عثمانی‌ها بدتر بوده باشند.)

شاید هم علت کمتر بودن فشارها و بیدادگری‌های ترکان عثمانی آن بوده است که اینها بیشتر از مغولان هند درگیر جنگ های خارجی بوده‌اند. هر سال از فرمانروایی عثمانی‌ها لشکرکشی خاص خود را داشت. تا هنگامی که این شبیخون زدن به سرزمین های همسایه منافع خاص خود را به بار می‌آورد، می‌شد «رعایا»ی امپراتوری را همچون گله‌های آرام تحت فشار کمتری قرار داد. گذشته از این، ترک ها بسیار علاقه‌مند بودند که اقلیت‌های موجود درجامعه بزرگ عثمانی را به کارهای تجارتی و صنعتی وادارند–مسیحی‌ها (یونانی‌ها و ارمنی‌ها، و همچنین شمار فزاینده‌ای از مردم کرانه‌های شرقی مدیترانه) و نیز یهودیان. در واقع، عثمانی‌ها جامعه خود را براساس نوعی تقسیم کار نژادی، سازمان داده بودند–چیزی که نشانهٔ تنفر آنها از فعالیت‌هایی مانند بازرگانی و تولید صنعتی بود و اصولاً این گونه فعالیت‌ها را دون شأن خود می‌دانستند. این تقسیم کار به شمار اندکی از مردم امکان می‌داد که مؤسسات خاص خود را به وجود بیاورند، ولی مانع توسعهٔ آنها می‌شد. درحکومت‌های استبدادی ثروتمندبودن بدون قدرت خطرناک است. به همین دلیل در ترکیه عثمانی تراکم سرمایه موجب جذب مزاحمت‌های گوناگون می‌شد، و در صورت تداوم آزمندی‌های مقامات قدرتمند را بر می‌انگیخت و سرانجام به ضبط و مصادره اموال می‌انجامید.

با گذشت زمان، ابعاد امپراتوری عثمانی به چنان وسعتی رسیدکه سرتاسر خاورمیانه مسلمان (ازجمله سوریه و عراق)، تمام افریقای شمالی (از جمله مصر، تونس والجزایر) و بخش وسیعی از جنوب شرقی اروپا به اضافه سرزمین‌هایی در اطراف دریای سیاه را در بر می گرفت. این مجموعه ناهمرنگ از متصرفات فرصت طلبانه را نمی‌شد به طرزی یکسان اداره کرد. بعضی از سرزمین‌هایی که از نزدیک زیر نظر حکومت بودند مالیات می‌پرداختند. بعضی دیگر از سرزمین‌ها، به سبب جنگ و ستیزها و دادو ستدهای دیپلماتیک، گاه تحت سلطهٔ عثمانی‌ها بودند و گاه از حوزه اقتدار آنها خارج می‌شدند. حاکمیت اغلب به صورت دست نشاندگی بود، و اختیارات دست نشاندگان نیز گاه واقعی بود و گاه مجازی. بدین معنا که دربار عثمانی گاه در حد توان عملیاتی‌اش در برابر مبارزطلبی‌ها اقتدار نشان می‌داد و گاه در حدی که از عهده‌اش بر می آمد.

در آغاز کار، جهش‌های توسعه طلبانه عثمانی‌ها می‌توانست پرتوان و مقاومت‌ناپذیر باشد، زیرا امپراتوری عثمانی دارای تعدادی رهبران توانا و کارآمد بود، ولی باگذشت زمان حکومت‌های خودکامه، مانند تمام سلطنت‌های موروثی، از دو ضعف ذاتی رنج می‌برند: حوادث ناشی از وراثت و مسئله جانشینی؛ و این دو به یکدیگر مربوط‌اند. نخستین ضعف اجتناب ناپذیر است: حتی یک خاندان درخشان و برجسته هم به تدریج به سوی میانمایگی می‌رود، و به طور معمول افراد خاندان پیرامون حد متوسط نوسان دارند. از سوی دیگر، جانشین تابع قراردادهای سیاسی و اجتماعی است. در سرزمین‌های اسلامی، جانشینی اغلب معطوف به سالمندترین عضو مذکر خاندان یا طایفه است، و معمولاً یک عم، یک عموزاده، یا فرزند ارشد. الگوی ترکی جانشینی در آغاز امپراتوری «کار آمدترین»، و بعدها «سالمندترین» پسرسلطان بود. دراین هر دو نظام، زیاد شدن تدریجی همسران رسمی و صیغه‌ها، و همچنین فراوانی فرزندان، مسئله مشروعیت را مطرح می‌کرد (خاصه آنکه یک فرمانروای بیکاره چگونه می‌توانست جز از طریق ازدیاد زنان و فرزندان قدرت و توانمندی خود را نشان دهد؟) روش مخصوص عثمانی‌ها برای حل مسئله مشروعیت عبارت بود از خفه کردن تمام رقیبان بالقوه، البته با ظرافت، مثلاً با یک ریسمان ابریشمی.

ادامه دارد

طنز در پند سعدی

دکتر معصومی همدانی/۱۲



بداندیش خلق از حق آگاه نیست
ز غوغای خلقش به حق راه نیست
از آن ره به‌جایی نیاورده‌اند
که اول قدم پی غلط کرده‌اند

در این بند سعدی از توصیه به‌زاهدان به تحلیل احوال بدگویان ایشان می‌پردازد. این گروه به این دلیل به عیب‌گویی مردم می‌پردازند که از خدا غافل‌اند و گرنه کسی که به خدا مشغول باشد به خلق، و طبعاً به بدگویی ایشان، اعتنا ندارند. این بند در عین حال، هشداری است به کسانی که مخاطب بند پیشین‌اند: ایشان هم اگر راه خطا کنند و حتی یک‌بار به سخن مردم اعتنا کنند یکی از مردم می‌شوند و به کار بدگویی از دیگران می‌پردازند. با این حال این نتیجه‌ای است که ما از سخن سعدی می گیریم و گرنه او به این نکته تصریح نمی کند. چرا نمی کند؟ زیرا اگر می کرد همدلی خواننده را از دست می‌داد. خواننده تمایل دارد که خود را با زاهدان مخاطب سعدی، که در معرض بدگویی و زخم زبان مردم‌اند، یکی بداند و میان این گروه و بدگویان ایشان مرزی روشن ببیند. تصریح سعدی باعث می‌شد که این مرز مخدوش شود و همدلی از میان برود. خواننده خود را نیز آماج طعن سعدی می‌دید و آن چنان که طبیعت بشر است، به دفاع از خود و توجیه کار خود می‌پرداخت. هنر طنزپردازی چون سعدی یا سویفت این است که خوانندهٔ خود را از آغاز در این حالت تدافعی قرار نمی‌دهد.

دو کس بر حدیثی گمارند گوش
از این تا بدان ز اهرمن تا سروش
یکی پند گیرد دگر ناپسند
نپردازد از حرف گیری به پند

ابواسحق پادشاه شیراز در برابر او گوش به دست نشسته بود و چنان که گفته‌ایم این علامت نهایت ادب و احترام در میان آنان است و مردم فقط در برابر پادشاه این عمل را می‌کنند.

باردیگر که به دیدار قاضی رفتم در مدرسه بسته بود معلوم شد مادر و خواهر سلطان برسر یک موضوع ارثی نزاعی دارند و به امر وی برای رفع اختلاف به محضر قاضی آمده‌اند.

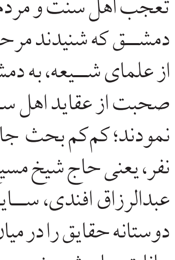
قاضی در این دعوی بر طبق حکم شرع رأی داده موضوع را قطع و فصل کرد. مردم شیراز مجدالدین را به‌عنوان قاضی خطاب نمی‌کنند بلکه او را «مولانای اعظم» می‌خوانند و در سجلات و عقدنامه‌ها هم که نام او را می‌آورند همین عنوان ذکر می‌شود. آخرین باری که به زیارت قاضی رفتم و از برکات انفاس او مستفید شدم ربیع‌الثانی سال ۷٤۸ بود.

پایان

گفتگو

در باب حاج حسین آقا ملک
ورود به مدینه

در بخشی از خاطرات حاج حسین ملک آمده است:
«با قافله به دمشق رسیدیم. در اینجا اسب‌های ما را، که قیمت چندانی نداشت، به قیمت مضاعف خریدند. ما در جنب مسجد جامع اموی در «ملک‌الظاهر» به منزل حاج علی‌آقا و حاج خلیل آقا حمله‌دار ورود کردیم. یک سال قبل از ورود ما به دمشق «سوق حمیدیه» که بازار زیبایی در شام است، آتش گرفته بود و به مسجد اموی سرایت کرده که سنگ‌های مرمر «مقام زکریا» به واسطهٔ شدت حریق، غالباً آب شده و حال مذابی و میعان پیدا کرده بود و آتش تدریجاً تمام مسجد را فراگرفته بود، غیر از مقام رأس‌الحسین ـ علیه‌السلام ـ و این امر مورد تعجب اهل سنت و مردم دمشق قرار گرفته بود. علمای دمشق که شنیدند مرحوم شیخ مسیح طالقانی، یکی از علمای شیعه، به دمشق وارد شده، دیدن کردند. صحبت از عقاید اهل سنت و جماعت و عقاید شیعه نمودند؛ کم‌کم بحث جاهای باریک کشید و هر سه نفر، یعنی حاج شیخ مسیح طالقانی و شیخ بکری و شیخ عبدالرزاق افندی، سایرین را از حجره خارج کرده تا دوستانه حقایق را در میان گذارند و بالاخره آنها مغلوب بیانات حاج شیخ مسیح طالقانی شده و اظهار داشتند، راست است که حق با شماست.»


حاج حسین ملک

ورود به مدینه

پس از چند روز اقامت در دمشق به سوی مدینه حرکت کردیم. در آن تاریخ که سال ۱۳۱۹ هجری قمری باشد، از طرف سلطان عثمانی، شروع به کشیدن راه‌آهن از دمشق به مکه شده بود. ما که از قافلهٔ حجاج، برای مکه جا ماندیم با راه‌آهن بین دمشق و مدینه، خود را در عین‌الزرقاء به قافله رسانیدیم و از آنجا عازم مکه شدیم. البته حجاج که جمعی کثیر و جمعی فقیر بودند، در شب‌ها با شتر حرکت می‌کردند. در عین‌الزرقاء دو نفر از عساکر عثمانی که عازم مراجعت به دمشق بودند، دو اسب داشتند که می‌فروختند؛ من هر دو را برای سواری خود و نایب اکبر، که همراه من بود، خریدم. جمعیت ما قریب بیست‌وچهار نفر بود. مرحومه عمه و کسانش و یک نفر آبدار، به نام پاشا، داشتیم و من و مرحوم برادرم و مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی، که برای اعمال حج حسب‌الامر پدرم، همراه ما بود و بیشتر افراد قافلهٔ حاج با کجاوه روی شتر سفر می‌کردند و کسانی که اعیان بودند با سکدف، که دو برابر کجاوه جا داشت، حرکت می‌نمودند و وسعت سکدف به‌قدری بود که مسافر در داخل آن می‌توانست به راحتی بخوابد.

من و نایب اکبر سواره حرکت می‌کردیم. قافلهٔ حاج، که شترها دنبال یکدیگر بودند، یک مسافت طولانی را تشکیل می‌داد که، از اول تا آخر قافله، بیش از یک ساعت وقت می‌خواست که کسی اول و آخر آن را ببیند. در جلوی قافله، دو عراده توپ و جمعی عسکر به ریاست عبدالرحمن پاشا از طرف سلطان عثمانی، برای حفاظت قافله، حرکت می‌کردند و نیم فرسنگ بعد از قافله، عده‌ای جمازه‌سوار، به ریاست یک نفر صاحب منصب از طرف عثمانی، همیشه قافله را بدرقه می‌کرد تا اگر کسی از حجاج غفلت کرده و در خواب مانده و قافله رفته باشد، او را سوار کرده به قافله برساند و آن عده را، که جمازه‌سوارها باشند، «آکسی» می‌نامیدند. رئیس آنها با من دوست شده بود؛ یک زین عربی، که از نمد و قلاب‌دوزی و اطراف آن تماماً منگوله و بالای آن یک حلقهٔ حلبی داشت، به من نیاز کرد؛ من نیز یک نمد کوچک آبداری نازک داشتم، که سابقاً معمول بود در روی زین اسب، برای راحت بودن سوار می‌بستند که سوار به راحتی سفر کند، همراه بود، با یک زیرگوشی به او دادم. اگر از پایین قافله تا به توپ‌ها، که سر قافله بود، می‌خواستیم برویم، یک ساعت تا یک ساعت و نیم وقت داشتیم.

من هرجا خسته می‌شدم پیاده شده، نمد را انداخته و زیرگوشی را زیر سر گذاشته و می‌خوابیدیم، تا وقتی که قافله رد می‌شد و آکسی که نیم ساعت تقریباً بعد از قافله می‌رسید، در حدود دو ساعت خواب راحت کرده بودم. عسکری، که اسب را به من فروخت، بسیار سفارش کرد که قدر این اسب را بدانید که بسیار نجیب است و اصیل. او از پدر و مادر نجیبی است؛ تا در ضمن راه به مدائن صالح رسیدیم و...

ادامه دارد

آینه
زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

مصدق به قلم مصدق؛ نوشتن در سلول انفرادی
تحصیلات در پاریس

بقیه از صفحه اول

نظر به اینکه غذای خود را در پانسیونی زیر طبقهٔ محل سکونت ما صرف می‌نمود، زنگ آن را زدم که خانم مدیره با یک حال نگرانی آمد و قبل از اینکه در را باز کند، از هویت من سؤال کرد و گفت: بعد از صرف شام دیگر به اینجا نیامده است و احتمال می‌دادم که سوار قایقی شده و غرق گردیده است! چونکه در آن شهر شب‌های تابستان قایقی اجاره می‌کنند و روی دریاچه گردش می‌نمایند.

دوچرخه‌ای که داشتم، سوار شدم و تا آفتاب طلوع نکرده بود در کنار دریاچه گشتم که چون چیزی نیافتم با حال ناامیدی و یأس به محلی که در خط سیرم بود و احمد پسرم در آنجا منزل داشت، برای تحقیق رفتم. صاحبخانه گفت: بعد از خاتمهٔ جشن به اینجا آمد و اظهار نمود که چون جشن دیر تمام شد، به خانه نرفتم و آمده‌ام شب در اینجا بمانم. ما هم رختخواب نداشتیم، اکنون در اطاق احمد روی زمین خوابیده است.

حال باید دید در آن‌وقت که ساعت شش صبح بود و دو ساعت دیگر من می‌بایست امتحان بدهم، چه حالی داشتم و چقدر مشکل بود از عهده برآیم. ولی از این نظر که «شانس» کمترین اثری نداشت، برای دادن امتحان حاضر شدم و در تمام موفق گردیدم و فقط شانس در یکی از آنها مساعدت کرد و این بود که کار زیاد فرصت نمی‌داد روزهای قبل از امتحان «انستیتو دوژوستی نین» را از ابتدا تا انتها بخوانم و معنای هر کلمه‌ای را که از نظرم رفته بود به فرهنگ مراجعه کرده به خاطر بسپارم. چون‌که من مثل سایر دانشجویان زبان لاتین را در دبیرستان تحصیل نکرده بودم که موقع امتحان دچار این مشکل نباشم. در هر جلسه استاد به ترتیب فصلی از آن کتاب را مطرح می‌نمود و هر یک از دانشجویان را به نوبت صدا می‌کرد تا قسمتی از آن را ترجمه کند و من قبل از رفتن به دانشکده آن فصل را با معلم خود حاضر می‌نمودم و از سایرین بهتر ترجمه می‌کردم، ولی در روز امتحان که معلوم نبود کدامیک از فصول موضوع ترجمه قرار خواهد گرفت، مشکل بود از عهده برآیم. برای این کار خیالم راحت نبود و همیشه به خود می‌گفتم چه کاری بکنم که از عهدهٔ این امتحان نیز برآیم؟ این‌طور به نظرم رسید که کتاب ضخیمی را که مرکب بود از «دیژست»، «انستیتو دوژوستی نین»، «نوول» و «کد» یعنی چهار کتاب امپراطور ژوستی نین ـ که همیشه روی میز در جلوی استاد بود ـ چند بار باز کنم و ببینم کدامیک از فصول «انستیتو دوژوستی نین» بیشتر احتمال دارد که باز بشود به آنها مراجعه نمایم که فصل ٤ و ٥ و ٦ بیش از همه باز شد و من نیز همین سه فصل را برای امتحان حاضر کردم که برحسب اتفاق یکی از این فصول مورد ترجمه قرار گرفت و از عهده برآمدم.

تز دکترا و کارآموزی در دادگستری نوشاتل

بعد از خاتمه‌ی امتحانات و گرفتن لیسانس، به لوزان رفتم تا با بعضی از هموطنانم معاشرت کنم و رفع خستگی بنمایم، ولی بیش از یک شب نتوانستم بمانم و برای تهیه‌ی مقدمات تز دکترا به نوشاتل مراجعت کردم که به علت خستگی نتیجه نداشت و معلوم شد اگر چندی تعطیل نکنم، نخواهم توانست کار مؤثری بنمایم.

موضوع تز را هم که دانشکده‌ی حقوق تصویب کرده بود، راجع به وصیّت در حقوق اسلامی بود که در طهران بهتر می‌توانستم کار کنم، یعنی اول به فارسی تهیه کنم و متخصصین اظهارنظر کنند، سپس آن را ترجمه کرده به دانشکده پیشنهاد نمایم. این بود که تصمیم گرفتم اشرف و احمد دختر و پسر بزرگم را در خانواده‌ای که دو سال آنجا بودند بگذارم با خانم و پسر کوچکم غلامحسین حرکت نمایم. ایام مسافرت و روزهای دید و بازدید در طهران موجب تعطیل کار شد و پس از رفع خستگی، توانستم خوب کار کنم و از عهده برآیم.

پرستاری که سه سال قبل با من از پاریس آمده و در طهران مانده بود، نزدیک خانه‌ی ما اطاقی اجاره کرده بود که شب‌ها شام را با ما صرف می‌نمود. سه‌شب گذشت که نیامد. خبری هم از او به ما نرسید و بعد معلوم شد که آن سه‌شب در خانه‌ی خود هم نبوده است و تحقیقات شهربانی به این نتیجه رسید که برای تدریس به باغ «پروتیوا» ـ ضلع جنوب شرقی جاده‌ی شمیران و خیابان شاهرضا ـ رفته و شب هنگام که به واسطهٔ بارندگی جاده را آب گرفته و از کنار آن عبور می‌کرده در یک چاهی افتاده است! جسد او را درآوردند و در قبرستان نزدیک دولاب آن را به خاک سپردند. این واقعه بسیار دلخراش بود و ما را مغموم کرد.

با تأثری که از فوت این زن با صفت داشتم، باز به کار ادامه می‌دادم و نمی‌دانم چه پیش آمده بود که نتوانستم آن را با کمک استاد خود، شادروان شیخ محمدعلی کاشانی تهیه کنم. با شادروان شمس‌العلماء قریب مشورت کردم. علی‌اصغر ماجدی را در نظر گرفت و من نه فقط از معلومات بلکه از صحت عمل او هم در کاری که مادرم در عدلیه داشت استفاده نمودم و بعد مقدمه‌ی آن را هم ـ که مربوط به مدارک حقوق اسلامی است ـ با نظر استاد خود شیخ محمدعلی تهیه کردم که دیگر کاری نداشت جز اینکه ترجمه شود و آن را در سوئیس بهتر می‌توانستم به انجام رسانم.

توقفم در طهران بیش از سه ماه طول نکشید که خانواده را طهران گذاشته و باز همان شهر نوشاتل را محل اقامت قرار دادم و در ضمن ترجمهٔ تز در دارالوکاله‌ی یکی از وکلا موسوم به «ژان روله» کارآموزی کردم. ابتدا به اموری که مربوط به مقدمات کار و تهیه پرونده بود می‌رسیدم. سپس از طرف او از دعاوی کوچکی که کمتر احتمال برد داشت، دفاع می‌کردم و علت این بود که صاحبان دعاوی بزرگ نمی‌خواستند کارآموزی که معلوم نبود دارای چه معلوماتی است، از آنها دفاع کند.

موضوع یکی از محاکماتی که به من رجوع شده بود و از نظر اهمیتی که در امور اجتماعی داشت و نقل می‌کنم این بود زنی از اتباع فرانسه ساکن شهر نوشاتل و شغل او بقال از تجارتخانه‌ای در ایتالیا مقداری قرمه خریده بود و به این عنوان که کالا فاسد بوده وجه آن را نمی‌پرداخت و می‌خواست شاهدی به دست آورد تا از شهادت دروغ استفاده کند. برای این کار به یک کلفتی که از دکان او برای ارباب خود آذوقه می‌خرید وجهی داد که بلافاصله علیه بقال اعلام جرم نمود و چون زمینه را سخت دید، فرار اختیار کرد. این بود علاقمندی یک کلفت به امور اجتماعی که تنها نه از پول گذشت، بلکه مدتی از کار بیکار شد و مبلغی هم خرج نمود تا درسی بشود و دیگران پیرامون شهادت دروغ نگردند.


مصدق در دادگاه نظامی

من در تمام مدت اقامتم، همه روزه تا ظهر به کارآموزی مشغول بودم و عصرها هم با یکی از دانشجویان همدوره‌ی خود به ترجمه‌ی تز اشتغال داشتم که بعد از طی مراحل و تصویب شورای دانشکده، چند روز قبل از حرکتم به ایران در پاریس به طبع رسید و منتشر گردید.

مدت کارآموزی شش ماه بود و من نه ماه در آن دارالوکاله کار کردم و در عالی‌ترین دادگاه نوشاتل در محاکمه‌ای شرکت نمودم و تصدیقنامه وکالت خود را به شرط تحصیل تابعیت سوئیس از آن دادگاه گرفتم.

نظر به اینکه تحصیل تابعیت سوئیس مستلزم ترک تابعیت اصلی نیست و هر واجد شرطی بدون از دست دادن تابعیّت اصلی می‌تواند آن را تحصیل کند و شرط تحصیل تابعیت هم این بود که درخواست کننده مدت سه سال در سوئیس اقامت کرده و در محل اقامت سابقه‌ی بد نداشته باشد، از شهربانی نوشاتل تصدیق گرفتم و آن را به ضمیمهٔ درخواست خود به دولت مرکزی سوئیس فرستادم که مورد قبول واقع شد. نظر به اینکه ایّام تعطیل شروع شده بود و عده‌ای از فرزندان خویشان و دوستانم که آنجا تحصیل می‌کردند می‌خواستند با من به ایران بیایند، انجام کار را به بعد موکول نمودم و همه با هم حرکت کردیم و یکروز قبل از اعلان جنگ اول جهانی وارد طهران شدیم. به واسطهٔ پیش آمد جنگ و اشتغال به امور، اقامتم در ایران به طول کشید و گاه می‌شد که چند ماه از فرزندانم خبر نداشتم ولی

کسانی که به حفظ قول معتقدند هرگز نقض قول نمی‌کنند، اعم از اینکه قسم یاد کنند و یا نکنند.

نظر به اینکه آنها در خانواده‌ای بودند که رئیس آن پرنو نمایندهٔ شرکت بیمه در نوشاتل مردی با وجدان و درستکار و در آن شهر متصّف به این اوصاف و خانم او هم ـ که در قید حیات است ـ مورد اعتماد بود، به هر طریق که امکان داشت مخارج آنها را می‌فرستادم و مدت پنج سال آنها را ندیدم و نگران هم نبودم.

... پس از خاتمه تحصیل

تصمیم گرفته بودم بعد از ختام تحصیل، باز مدتی از عمر خود را صرف مطالعه کنم و پاره‌ای از ابواب حقوقی را که در دانشکده مقدماتشان دیده شده بود، در ایران تکمیل نمایم که بعد از ورود به طهران شادروان دکتر ولی الله خان نصر ـ مدیر مدرسهٔ سیاسی ـ به‌دیدنم آمد و مرا برای تدریس در آن مدرسه دعوت نمود. این دعوت که موضوع مطالعاتم را معلوم نمود، خوشوقتیم را نیز فراهم کرد، چه وقتی آرزو داشتم مثل یک شاگرد در آن مدرسه تحصیل کنم وضعیتم اجازه نمی‌داد و آن روز مدیر مدرسه به خانه من آمد و مرا به‌جای یک استاد دعوت نمود.

برای انجام این کار، کتبی را که در ایام تحصیل به‌ایران فرستاده بودم، شماره نمودم و کتابخانه کوچکی که از لوازم کار بود، ترتیب دادم و چون تا بیستم شهریور که می‌بایست شروع کنم، بیش از پنجاه روز نبود، خانواده را در شمیران نزد مادر گذاشتم و خود در هوای گرم شهر ولی فارغ از هر گونه مزاحمت، شب و روز، غیر از چند ساعت که برای استراحت تخصیص داده شده بود، به‌کار پرداختم تا آنچه برای تدریس یک‌سال لازم بود، حاضر کنم.

اولین روز ورودم به مدرسه که مدیر کیف مرا دید، پرسید: محتویات آن چیست که آنقدر ضخیم شده؟ گفتم کاری است که برای تدریس یک‌سال تهیه نموده‌ام: از این که توانسته بودم در آن مدت قلیل کتب خارجی را مطالعه نموده و قانون موقت اصول محاکمات حقوقی را توضیح و تشریح کنم و آن صفحات را که از یک هزار تجاوز می‌کرد، به رشته تحریر درآورم، تعجب نمود و این همان کتابی است که بعد به‌نام «دستور در محاکم حقوقی» طبع و منتشر گردید.

نظر به‌این‌که در مدرسهٔ سیاسی بیش از دو ساعت در هفته درس نداشتم، در این فکر بودم که باز برای مطالعه موضوعی را انتخاب کنم که خبر الغای «کاپیتولاسیون» در ترکیه منتشر گردید و این واژه خارجی که تازه به‌گوش مردم می‌رسید سبب شده بود هر کس سؤال کند موضوع چیست و چرا ترکیه آن را الغاء کرده است.

چنانچه این رژیم در ترکیه روی عهدنامه‌ها استوار شده بود، بین دولت ایران با هیچ دولتی عهدنامه نبود و کاپیتولاسیون در ایران عملاً اجراء می‌گردید که باز چندی اوقاتم به‌مطالعه قراردادهای بین‌المللی که بین دولت ترکیه و دول اروپا منعقد شده بود گذشت و از این نظر که ایران هم آن را الغاء کند، رساله‌ای تحت عنوان «کاپیتولاسیون و ایران» منتشر کردم.

از انتشار آن چیزی نگذشت که اردشیر جی نماینده زردشتیان هند در ایران، با چند نفر از تجار به دیدنم آمد و اظهار نمود که در ایران کتابی راجع به شرکت‌های تجارتی منتشر نشده. خوب است در این باب هم رساله‌ای منتشر کنم که باز مدتی اوقاتم صرف این کار شد و با مطالعه قوانین مختلفه کشورهای اروپایی رساله‌ای به‌نام «شرکت سهامی در اروپا» منتشر نمودم.

خلاصه اینکه اوقاتم تمام به‌مطالعه می‌گذشت و از کارم بسیار راضی بودم تا یکی از روزها که شادروان حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی به دیدنم آمد و به‌دنبال مطالبی که با من، وقتی در سوئیس صحبت کرده بود، مذاکراتی کرد و به این نتیجه رسید اگر یک عده از کسانی که در خارج تحصیلاتی کرده‌اند. جمعیتی تشکیل دهند، می‌توانند کارهای مفیدی به نفع مملکت بکنند که روی این نظر هیئتی از این اشخاص: دولت‌آبادی، فیروز نصرت الدوله، غفاری ذکاء الدوله، محمدعلی نظام مافی سالار معظم (اکنون سناتور نظام السلطنه)، موسی شیبانی ذکاء السلطنه و این جانب تشکیل گردید و تصمیم گرفتیم نشریه‌ای به‌نام «مجلهٔ علمی» منتشر کنیم و در شماره اول آن برحسب ذوق و معلومات خود، مطالبی درج نمائیم.

نظر من این بود که سازمان ثبت املاک را در سوئیس که بعد از آلمان بهتر از همه جا تأسیس شده و روی آن مطالعاتی کرده بودم، موضوع مقاله قرار دهم. ولی از این جهت که تأسیس چنین سازمانی نه آن‌وقت بلکه تنظیم دفاتری هم که بعد در ایران تأسیس گردید آنوقت عملی نبود از آن صرفنظر کردم و چون هر کس می‌توانست با یک سند اصیل یا مجهول نسبت به ملکی که یک قرن در تصرف دیگری بود، دعوی مالکیت کند و یا برعلیه اشخاص ادعای طلب نماید و محکمه هم دعوای او را بپذیرد، قاعدهٔ مرور زمان را که در همه جا غیر از ایران معمول بود و احتیاج به هیچ مقدماتی نداشت، مگر اینکه مجلس شورای ملی قانونی وضع کند، موضوع مقاله قرار دادم که بعد از انتشار باب مراوده بین بعضی از علماء و من باز گردید و هر کدام نسبت به آن ایرادی گرفتند که کار از ایراد هم گذشت و آن را برخلاف شرع تشخیص دادند که موجب یأس و ناامیدی من شد و طول هم نکشید که اجتماع ما متزلزل گردید و مجله نیز از بین رفت. چون‌که علت موجده اجتماع که تحصیل اشخاص بود، نمی‌توانست علت مبقیه هم بشود.

در این فکر بودم و به خود می‌گفتم: اگر از زحماتی که در راه تحصیل کشیده‌ام راجع به یکی از اصول حقوقی نتوانم اظهار عقیده کنم و دچار انتقادات بیجا و ناروای اشخاص بشوم، در راه خدمت به مملکت چه طور می‌توانم از معلومات خود استفاده نمایم که اعتبارنامه یکی از نمایندگان به عنوان تطمیع در انتخابات در یکی از شعبات مجلس مورد اعتراض قرار گرفت و مطلعی هم که برای گواهی دعوت شده بود، اظهار نمود لیست دوازده نفر کاندید نمایندگی طهران را که آن نماینده به من داد، نام دکتر مصدق در آن نوشته شده بود، در صورتی که چند سال بود ایران نبودم. دهنده آن لیست را هم ندیده بودم و مغرضی خواسته بود مرا با کسی که انتخابش به عنوان تطمیع مورد اعتراض قرار گرفته بود، همکار قرار دهد. از این پیش‌آمد آنقدر متأثر شده بودم که به‌من حال تب دست داد و مادرم که از من عیادت نمود، علت را سؤال کرد و بعد از اینکه گفته‌های مرا شنید اظهار نمود: ای کاش به جای حقوق در اروپا طب تحصیل کرده بودی؛ مگر تو نمی‌دانی که هر کس تحصیل حقوق نمود و در سیاست وارد شد، باید خود را برای هر گونه افترا و ناسزا حاضر کند و هر ناگواری که پیش آید تحمل نماید؟ چون می‌دانم که تو غیر از خیر مردم نظری نداری، باید بدانی که وزن اشخاص در جامعه، به قدر شدائدی است که در راه مردم تحمل می‌کنند.

این بیانات آن هم از زبان مادری که مرا بسیار دوست داشت و غیر از خیر جامعه نظری نداشت، آنقدر در من تأثیر نمود که آن را برنامه زندگی قرار دادم و از آن به بعد هر فحش و ناسزا که شنیدم، خود را برای خدمت به مملکت بیشتر

...در ایران کتابی راجع به شرکت‌های تجارتی منتشر نشده. خوب است در این باب هم رساله‌ای منتشر کنم

آماده و مجهز دیدم.

عضویت در حزب اعتدال

مجلس سوم به شادروان حسن پیرنیا مشیرالدوله نماینده طهران اظهار تمایل نمود و انتخابات طهران برای آن عده نمایندگانی که قبل از افتتاح مجلس متصدی بعضی از امور شده و از کار دست نکشیدند و همچنین آنهایی که از مجلس خارج شدند و در تشکیل دولت شرکت نمودند تجدید شد و انجمن مرکزی انتخابات مرا به عضویت یکی از انجمن‌های فرعی که در مسجد سراج‌الملک واقع در خیابان برق تشکیل می‌شد انتخاب نمود.

در این انجمن با شادروان علامه دهخدا که در اوایل مشروطه از دور آشنا بودم، همکار شدم و همکاری صمیمانه‌ای که بین ما پدید آمده بود، سبب شد یکی از روزها که می‌خواستیم با هم از مسجد خارج بشویم مرا به خانهٔ حاج میرزا علیمحمد دولت‌آبادی مقابل مسجد دعوت کند و از من بخواهد که عضویت حزب اعتدال را بپذیرم و چون سکوت کردم، قرآن بیاورند سوگند یاد نمایم.

از حلف وحشت داشتم، چونکه پدرم میرزا یوسف، مستوفی‌الممالک صدراعظم ناصرالدین شاه و پسرعموی خود را در خصوص یک ملک موروثی موسوم به «اک» واقع در قزوین در محضر شادروان حاج شیخ‌هادی نجم‌آبادی قسم داد که طول نکشید صدراعظم از دنیا رفت و این واقعه در جامعه آنقدر ایجاد رُعب نمود که کمتر کسی برای سوگند حاضر می‌شد. از جریان حزب اعتدال هم که تشکیل آن مصادف با دوره دوم تقنینیه بود و من آنوقت در ایران نبودم اطلاعی نداشتم و فقط می‌دانستم دو حزب در مملکت تشکیل شده که یکی حزب اعتدال بود و دیگری حزب دموکرات و بعد هم که به طهران آمدم می‌شنیدم که عده‌ای از افراد حزب اعتدال به رهبری مرحوم آقا سیدحسن مدرس و حاج آقا شیرازی و عدهٔ دیگر به رهبری حاج میرزا علیمحمد دولت‌آبادی و میرزا محمدصادق طباطبایی سناتور فعلی اداره می‌شوند، ولی از اینکه این دو دسته از چه اشخاص تشکیل شده و هدف معنوی آنها چیست، اطلاعات کافی نداشتم و سکوتم نیز از این جهت بود که به شادروان دهخدا عقیده داشتم و نمی‌خواستم دعوت او را قبول نکنم.

در قانون شرع قسم وقتی جایز است که مدعی نتواند برای اثبات ادعای خود دلایل کافی اقامه کند و حاکم برای فصل خصومت به مدعی علیه تکلیف قسم نماید. در صورتی که تقلید ما از ممالک غرب که هر کس را برای تأمین رفتار آینده‌اش قسم بدهند و قسم یاد کنندگان وفا به عهد نکنند، سبب شده است که رعب سوگند از دلها برود و این حربه که در زندگی ما بسیار مؤثر بود بی اثر شود.

بهترین مثال اینکه نمایندگان دورهٔ پنجم تقنینیه طبق اصل ۱۱ قانون اساسی در بدو ورود به مجلس قسم یاد کرده بودند: «به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت نکنند» ولی به عهد خود وفا ننمودند. به این معنا، شاه را که می‌بایست مجلس مؤسسان خلع کند نه مجلس شورای ملی که یک مجلس عادی است و از طرف ملت برای این کار مأذون نشده از مقام خود برداشتند و قانون اساسی را نقض نمودند. از خلف عهد و کار خلاف قانونی هم که مرتکب شده بودند، به زعم خود نتیجه گرفتند و همگی بدون استثناء بعنوان نمایندگی مردم در مجلس ششم وارد شدند. حال کسی است که از قسم باک کند و از ترس عقوبت الهی از اتیان بحلف پرهیز نماید. کسانی که به حفظ قول معتقدند هرگز نقض قول نمی‌کنند، اعم از اینکه قسم یاد کنند و یا نکنند.

خلاصه اینکه از خانه دولت‌آبادی که خارج شدم، خود را یکی از اعضای باوفای حزب اعتدال می‌دانستم و روی همین وظیفه جلساتی از رهبران این دو دسته در خانهٔ خود تشکیل دادم که انشعاب از بین برود و هر دو دسته وظایفی را که داشتند متفقاً انجام دهند. ولی مساعیم به نتیجه نرسید. سپس بعضی از اعضای مؤثر حزب من جمله دهخدا از عضویت استعفا نمود و یکی از روزها که هیأت مدیرهٔ «شرکت خیریه پرورش» مرکب از رجال و دوستان فرهنگ جلسه خود را تحت ریاست شادروان حسن پیرنیا مشیرالدوله در دارالفنون تشکیل داده بود علامه و من هم در آن عضویت داشتیم، دهخدا از من گله نمود و گفت: ما انتظار نداشتیم که بعد از استعفای ما شما از عضویت حزب استعفا ندهید و باز در حزب بمانید...

ادامه دارد

ایران
زهیر رضوی ۱۳

آموختن برای آینده
مرگ سپهسالار

اعتمادالسلطنه نکتهٔ دیگری دارد: «معاندین» سپهسالار که قرعهٔ مأموریت آذربایجان را به نام او آوردند به دو خیال بودند.

یکی اینکه «مبادا در این سختی» اوضاع، شاه او را به پایتخت فرا خواند و چارهٔ اصلاح کار را از وی بخواهد. به علاوه «یقین داشتند کار شیخ عبیدالله به جاهای بد منجر خواهد شد.» خواستند این مأموریت را به گردن او اندازند، تا فرجام شوم آن میرزا حسین‌خان را «یکباره مغضوب درگاه و راندهٔ بارگاه نماید.»

استنباط ما این است که شاه صرافت طبع خویش وی را به انجام آن مهم گماشت، چنانکه پیش از عزیمت سپهسالار به قزوین هم مقرر داشت او به شورای دولت بیاید ـ رأی او را هم بکار بستند.

گفتهٔ اعتمادالسلطنه به هر صورت گواهی می‌دهد که انگیزهٔ بزرگان دولت به هر کاری سود شخصی محض بود. و در پی آن بودند که سپهسالار دیگر به دربار راه نیابد.

سپهسالار به شتاب و با اختیارات کامل روانهٔ تبریز گشت. چون فتنهٔ شیخ برافتاد و آذربایجان امن و امان گردید (ذیحجهٔ ۱۲۹۷) او و ولیعهد به پایتخت آمدند. همان اوان الکساندر دوم تزار روس کشته شد. میرزا حسین‌خان برای تبلیغ پیام شاه به روسیه رفت. باید به خاطر بیاوریم سه ماه پیش که دورهٔ وزارت سپهسالار بسرآمد، شاه گفت اسم سفر فرنگستان را نبرد و زیارت عتبات را هم اجازه نداد. اکنون وی را به سفارت فوق‌العاده روانهٔ دبار پطرزبورگ کرد. حتی به قراری که نوشته اند شاه در باطن وعده داد که در بازگشت صدارت خواهد یافت.

اما چون برگشت، خبری از آن وعده نشد؛ کی می‌گذاشت او از نو به وزارت برسد. به علاوه چه ثمری بر آن وزارت مترتب بود. آخر کار به فرمانفرمایی خراسان و سیستان و تولیت آستانهٔ رضوی معین گردید. اول شعبان ۱۲۹۸ حضور شاه بار یافت، و عازم مشهد گردید.

آن آخرین دیدار بود. کم یا بیش چهارماهی در خراسان گذراند. شاه برای او خلعت فرستاد مسرور میرزا از پیشخدمت‌های خاص که حامل خلعت بود در هجدهم ذیحجه به مشهد رسید. خلعت را سپهسالار پوشید. و شب ۲۱ ذیحجهٔ ۱۲۹۸ ناگهانی در مشهد مرد. در مقبره‌ای که به ورود به مشهد برای خود ساخته بود، به خاکش سپردند.

مرگ سپهسالار هیچگاه به صورت امر طبیعی تلقی نگردید؛ از همان اوان مرگ سیاسی مرموزی شناختند

مرگ سپهسالار هیچگاه به صورت امر طبیعی تلقی نگردید؛ از همان اوان مرگ سیاسی مرموزی شناختند. در روزنامه‌های فرنگ هم آن مطلب منعکس شد. ولی حکم قطعی آسان نیست. شاید مجموع اطلاع ما، ما را به مرز حقیقت نزدیک گرداند. تردید نیست که تحریکات علیه میرزا حسین‌خان دنباله یافت. اینکه اعتمادالسلطنه او را در والیگری به خراسان هم متهم به «افساد» و «دشمنی با سلطنت» می‌کند ـ دلیل بر ادامهٔ نیرنگ سازی درباریان است. نمونه‌ای از تلقین‌های مسموم‌کننده‌ای که ملک‌آرا شنیده، نقل کرده است: عریضه‌ای خطاب به شاه نوشتند به مضمون اینکه: «سپهسالار شخص پلوطیک دانی را که با تمام فرنگی‌ها راه دارد، و شما اینطور او را دل شکسته کرده‌اید ـ به کدام اطمینان به ایالت خراسان می‌فرستید... چنین عملی جایز نیست، چگونه است که اولیای دولت ملتفت این معنی نشده‌اند.»

اگر آن داستان راست باشد، هرکس چنان افسونی خوانده روحیهٔ شاه را می‌شناخته و می‌دانسته چگونه بدگمانی او را برانگیزانند. از سوی دیگر می‌دانیم میرزا حسین‌خان ناراحتی قلبی داشت، گرچه از کیفیت آن دقیقاً آگاهی نداریم. یکجا خود می‌نویسد: «از بابت شدت طپش قلب» رگ زده بود. از سوی دیگر عکس‌العمل شاه نسبت به قضیهٔ مرگ سپهسالار شایستهٔ دقت است. اعتمادالسلطنه نکته‌هایی را آورده. البته او از دشمنان میرزا حسین‌خان بود؛ از ناسزاگویی هم دریغ نداشته. به هرحال از خلوت‌نشینان دربار و از خبررسانان بود و از آنچه در اندرون و بیرون دربار می‌گذشت، بی‌خبر نبود. خلاصهٔ یادداشت‌های او این است:

روز بعد از مرگ سپهسالار که خبرش به تهران رسید، می‌نویسد: «شاه در اندرون بود. در بیرونی، صاحب‌جمع پسر امین‌السلطان را دیدم که با نهایت شعف به من برخورد، گفت: مژدهٔ مرا بده، سپهسالار در خراسان فوت شد. حرف این جوان طوری به من اثر کرد که زیاده از حد پریشان شدم... راست است سپهسالار مرحوم به من صدمهٔ زیاد زده بود... راضی به مرگ او نبودم.» به دنبال آن حرف شاه را دربارهٔ میرزا حسین‌خان می‌آورد: «امروز شاه می‌فرمود نسبت به من (=شاه) جسارت زیاد می‌کرد... اظهار تأسف ظاهری کردند، در باطن چندان متألم نبودند ـ زیرا که می‌فرمودند:

این مرد به حالتی رسیده بود که جز مرگ برای او چاره نبود و ما را همیشه در زحمت داشت ـ بلکه یک نوع حالت مدحت پاشا را داشت. مقصود خیانت به ولینعمت بود. خلاصه جمعی را دیدم بسیار مشعوف بودند، و جمعی بی‌دماغ بودند.»

از جمله حسام‌السلطنه و معتمدالدوله و پسر علاءالدوله «خوشحال» بودند سه هفته بعد هم گوید: شاه «از مردن سپهسالار کمال خوشحالی و شعف را دارند.» در رسالهٔ «خوابنامه» تصریح دارد به اینکه سپهسالار را «به قول معروف» زهر خوراندند.

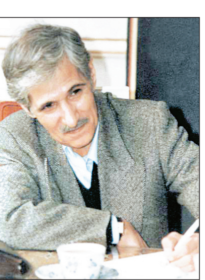
آنچه به نظر می‌آید این است که گویا شاه از مرگ سپهسالار خشنود گشت و خود را آسوده یافت. با آن همه دشمنان دولتی که سپهسالار داشت ـ و هراسی که آنان از او داشتند ـ و سوءظن فراوانی که در دل شاه نسبت به او تولید کرده بودند ـ شگفت نخواهد بود که تصریح اعتمادالسلطنه درست باشد که به زهر کارش را بساختند.

عبارت خود شاه نیز مبنی بر اینکه سپهسالار «ما را همیشه در زحمت داشت» و «جز مرگ برای او چاره نبود» ـ ظاهراً تأیید تلویحی است در مسموم کردن او. از کسان معدودی که شاید حقیقت امر را می‌دانستند، حاجی میرزا عباسقلی از رفیقان دیرین میرزا حسین‌خان است که با او به مشهد رفته بود.

باز به گفتهٔ اعتمادالسلطنه: پس از مرگ سپهسالار، حاجی میرزا عباسقلی به تهران آمد.

ادبستان

شعر و زبان فارسی
نشستی با استاد مهرداد اوستا



ویژگیهای یک شعر خوب در زمانهٔما کدام است؟

فیلسوف معروف: «هگل» ـ که در روزگار خودش او را به حق، سلطان عالم فلسفه می‌دانستند ـ گفته بود: «من می‌خواهم ببینم زبان آلمانی در بیان مسائل دقیق فلسفی، چقدر توانایی و کشش دارد.» چرا که پیش از آن، زبان فلیسوفان، بیشتر زبان لاتین بود و آنها می‌بایست در اوّل آن زبان را یاد می‌گرفتند و به آن شکل، مطالب و اغراض خودشان را بیان می‌کردند. بنده نیز درباره شعر، ـ این هنر ظریف و به قولی آسمانی ـ باید بگویم زبان فارسی در طی یک ارزیابی تاریخی نسبت به تواناییهای خویش به این نتیجه رسید که توانایی ادبی زبانی که به نام «زبان پهلوی ـ اوستایی» از روزگاران هخامنشی موجود بوده به علت درشتی آهنگی و سختی ادای کلمات، بسیار محدود می‌باشد. این زبان، کم‌کم تغییراتی پیدا کرد و در اواخر حکومت هخامنشی، بسیاری از کلماتش متروک شد، و به جای آنها «کلمات یونانی» و غیره رایج گردید. در روزگار اشکانیان که نزدیک به پانصدسال ادامه یافت، این زبان ـ که به زبان دری (یعنی، زبان مردم خراسان به معنی قدیم شامل: افغانستان، خوارزم وشهرهای بخارا، بلخ، خیوه، سمرقند و...) معروف بود ـ به صورت یک فرهنگ، یک زبان، دامنه وسیعی پیداکرد و ریشه زبانی شد که آمادگی داشت مسائل اسلامی، بخصوص، فرهنگ و معارف اسلامی را بیان کند، و از آن پس زبان «دری»، زبان رودکی، زبان فردوسی، زبان ناصرخسرو، زبان خاقانی، زبان نظامی وزبان دیگر شاعران بلند پایه فارسی از جمله: سنایی، مولوی، ظهیر، سعدی و حافظ شد. می‌بینید این زبان توانسته است در تمام شئون و مسائل مختلف، هرگونه اندیشه‌ای را بیان کند.

وقتی اسلام آمد، در سراسر عالم اسلام آن روز، بسیاری از کشورها، مثل: مردم مصر، مردم بین‌النهرین، مردم سوریه، مردم روم شرقی، زبانی نداشتند که بتوانند با آن اغراض و احکام اسلامی، حکمت اسلامی، و از همه مهمتر زبان قرآن را تفسیر و تعبیر کنند. تنها زبانی که یارایی داشت و توانست با زبان قرآن آشنایی پیدا کند و تفاسیری، از جمله: تفسیر «سورآبادی» از ابوبکر عتیق، و تفسیر «نسفی» و تفاسیر دیگر در خود بپروراند، زبان قدیم «دری» بود. دلیل آن هم نیاز مسلمانانی بود که تازه اسلام آورده بودند. آنها نیاز داشتند که با معانی و مفاهیم اسلامی آشنایی پیدا کنند و «زبان پهلوی»، زبانی نبود که بتواند پاسخگوی زبان قرآن باشد. در واقع وجود قرآن و وجود اسلام بود که زبان دری ما را غنا بخشید، آنچنان غنایی که تفسیری مثل تفسیر رشیدالدین میبدی، که درحد یک شاهکارادبی ـ عرفانی است نوشته شود. این تفاسیر، از طرفی سبب بقای زبان فارسی شدند و بدین ترتیب زبان فارسی مورد توجه عالم اسلام قرار گرفت. ما دقیقترین معانی را در زبان بزرگترین شاعران عرفانیمان مثل: حکیم سنائی، فریدالدین عطّار و مولانا می‌بینیم. مثلاً این قطعه از حکیم سنایی را ببینید که با چه روانی و زیبایی بیان شده است:

مَثَلت هست در سرای غرور / مثل یخ‌فروش نیشابور
هر چه زر داشت او به یخ پرداخت / آفتاب تموز یخ بگداخت
این همی دید و زار می‌نالید / که بسی‌ام نماند و کس نخرید

درست همین معنی را شیخ سعدی در اوائل کتاب عزیز گلستان چنین بیان کرده است:

عمر، برف است و آفتاب تموز / اندکی ماند و خواجه غَرّه هنوز

واقعیت یک زبان این است که بتواند یک غرض علمی، عرفانی، دینی و اخلاقی را به زیباترین صورت بیان کند و می‌دانیم که هیچ زبانی نتوانسته است مانند زبان فارسی در بیان مسائل عاطفی و فطری تا این اندازه پیشروی کرده باشد. کلام سعدی در این مورد، نمونه است. کتاب «ویس و رامین» فخرالدین اسعدگرگانی، «لیلی و مجنون»، «خسرو و شیرین»، «هفت گنبد»، «بهرام‌نامهٔ» نظامی گنجه‌ای شاهکار و اوج کلام افسانه‌ای هستند. در قصاید انوری و امیر معزّی و قصاید و قطعات زیبای «ظهیر فاریابی»، عالیترین تمثیلات و تشبیهات را می‌بینیم. گویندگان دیگری که پس از این شاعران آمده‌اند و افکار و سخنان تازه‌ای را بیان کرده‌اند، پشتوانهٔ سخنانشان، گفتار این بزرگان بوده است. با این مقدّمه، برمی گردیم به پرسش شما دربارهٔ شعر خوب. در عامل شاعری، دو نوع شعر داریم. شعری داریم که اصطلاحاً به آن «شعر روزنامه‌ای» می گوییم. و آن شعری است که از زبان عامّهٔ کوی و برزن و سخنان ساده رایج میان مردم اقتباس شده باشد. مثل شعر «ایرج میرزا». ایرج میرزا توانسته است خیلی از مطالب را به زیباترین شکل، به همان زبانی که نیاز داشته بیان کند. نوع دیگر، شعری است که ما به آن «شعر فاخر» می گوییم. این نوع شعر، دارای تشریف خاصّی است: مثل شعر حافظ، شعر سعدی، شعر انوری، شعر فردوسی، شعر سنائی و ... سخنان این گویندگان خاصّه از نظر زیبایی و تالیف موسیقی کلمات و ترکیب هندسی آنها، بسیار شیوا و فاخر است. این زیبایی را در بیان خواجهٔ بزرگ شیراز هم می‌توان دید. زبان حافظ، از نظر معانی بسیاربسیار دقیق و زیباست. شعر او به حدّ اعجاز رسیده و لقب «لسان الغیب» یافته است، همین که می گوید:

تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک
باور مکن که دست ز دامن بدارمت

ببینید با کلمهٔ «دامن» چقدر زیبا یک مطلب را بیان کرده است. مطلبی که اگر نثربود، می‌شد: «تا وقتی که بمیرم دست از دامن تو بر نمی‌دارم». ولی در این کلام که به شعر تبدیل شده، خیال‌انگیزی و تالیف موسیقی کلام وجود دارد. کاری که حافظ کرده، از عهدهٔ شاعر دیگری بر نمی‌آید. یا مثلاً در شعر سعدی و غزلیات شیوا و دل‌انگیزش، می‌توان گفت که هیچ شاعری، در بیان فطریات و حالات عاطفی انسان، نتوانسته است از سعدی پیشی بگیرد. به زیبایی و لطافتی که در این شعر شیخ است توجه کنید:

اتفاقم به سر کوی کسی افتاده است
کاندر آن کوی چو من کشته بسی افتاده است
خبر من برسانید به مرغان چمن
که هم آواز شما در قفسی افتاده است
به دل آرام بگو ای نفس پاک سحر
کار من همچو سحر با نفسی افتاده است

یا از این شعر، زیباتر، خوبتر و دل آرامتر، بیانی را نمی‌توان یافت:

ای یار جفا کرده و پیوند بریده
این بود وفاداری و عهد تو ندیده
در کوی تو معروفم و از روی تو محروم
گرگ دهن‌آلودهٔ یوسف ندریده
بس در طلبت کوشش بی‌فایده کردیم
چون طفل دوان در پی گنجشک پریده

گفتگو

در باب حاج حسین آقا ملک

ورود به مدینه

در بخشی از خاطرات حاج حسین ملک آمده است:

«با قافله به دمشق رسیدیم. در اینجا اسب‌های ما را، که قیمت چندانی نداشت، به قیمت مضاعف خریدند. ما در جنب مسجد جامع اموی در «ملک‌الظاهر» به منزل حاج علی‌آقا و حاج خلیل آقا حمله‌دار ورود کردیم. یک سال قبل از ورود ما به دمشق «سوق حمیدیه» که بازار زیبایی در شام است، آتش گرفته بود و به مسجد اموی سرایت کرده که سنگ‌های مرمر «مقام زکریا» به واسطهٔ شدت حریق، غالباً آب شده و حال مذابی و میعان پیدا کرده بود و آتش تدریجاً تمام مسجد را فراگرفته بود، غیر از مقام رأس‌الحسین ـ علیه‌السلام ـ و این امر مورد تعجب اهل سنت و مردم دمشق قرار گرفته بود. علمای دمشق که شنیدند مرحوم شیخ مسیح طالقانی، یکی از علمای شیعه، به دمشق وارد شده، دیدن کردند. صحبت از عقاید اهل سنت و جماعت و عقاید شیعه نمودند؛ کم‌کم بحث جاهای باریک کشید و هر سه نفر، یعنی حاج شیخ مسیح طالقانی و شیخ بکری و شیخ عبدالرزاق افندی، سایرین را از حجره خارج کرده تا دوستانه حقایق را در میان گذارند و بالاخره آنها مغلوب بیانات حاج شیخ مسیح طالقانی شده و اظهار داشتند، راست است که حق با شماست.»

حاج حسین ملک

ورود به مدینه

پس از چند روز اقامت در دمشق به سوی مدینه حرکت کردیم. در آن تاریخ که سال ۱۳۱۹ هجری قمری باشد، از طرف سلطان عثمانی، شروع به کشیدن راه‌آهن از دمشق به مکه شده بود. ما که از قافلهٔ حجاج، برای مکه جاماندیم با راه‌آهن بین دمشق و مدینه، خود را در عین‌الزرقاء به قافله رسانیدیم و از آنجا عازم مکه شدیم. البته حجاج که جمعی کثیر و جمعی فقیر بودند، در شب‌ها با شتر حرکت می‌کردند. در عین‌الزرقاء دو نفر از عساکر عثمانی که عازم مراجعت به دمشق بودند، دو اسب داشتند که می‌فروختند؛ من هر دو را برای سواری خود و نایب اکبر، که همراه من بود، خریدم. جمعیت ما قریب بیست‌وچهار نفر بود. مرحومه عمه و کسانش و یک نفر آبدار، به نام پاشا، داشتیم و من و مرحوم برادرم و مرحوم حاج شیخ مسیح طالقانی، که برای اعمال حج حسب‌الامر پدرم، همراه ما بود و بیشتر افراد قافلهٔ حاج با کجاوه روی شتر سفر می‌کردند و کسانی که اعیان بودند با سکدف، که دو برابر کجاوه جا داشت، حرکت می‌نمودند و وسعت سکدف به‌قدری بود که مسافر در داخل آن می‌توانست به راحتی بخوابد.

من و نایب اکبر سواره حرکت می‌کردیم. قافلهٔ حاج، که شترها دنبال یکدیگر بودند، یک مسافت طولانی را تشکیل می‌داد که، از اول تا آخر قافله، بیش از یک ساعت وقت می‌خواست که کسی اول و آخر آن را ببیند. در جلوی قافله، دو عراده توپ و جمعی عسکر به ریاست عبدالرحمن پاشا از طرف سلطان عثمانی، برای حفاظت قافله، حرکت می‌کردند و نیم فرسنگ بعد از قافله، عده‌ای جمازه‌سوار، به ریاست یک نفر صاحب منصب از طرف عثمانی، همیشه قافله را بدرقه می‌کرد تا اگر کسی از حجاج غفلت کرده و در خواب مانده و قافله رفته باشد، او را سوار کرده به قافله برساند و آن عده را، که جمازه‌سوارها باشند، «آکسی» می‌نامیدند. رئیس آنها با من دوست شده بود؛ یک زین عربی، که از نمد و قلاب‌دوزی و اطراف آن تماماً منگوله و بالای آن یک حلقهٔ حلبی داشت، به من نیاز کرد؛ من نیز یک نمد کوچک آبداری نازک داشتم، که سابقاً معمول بود در روی زین اسب، برای راحت بودن سوار می‌بستند که سوار به راحتی سفر کند، همراه بود، با یک زیرگوشی به او دادم. اگر از پایین قافله تا به توپ‌ها، که سر قافله بود، می‌خواستیم برویم، یک ساعت تا یک ساعت و نیم وقت داشتیم.

من هرجا خسته می‌شدم پیاده شده، نمد را انداخته و زیرگوشی را زیر سر گذاشته و می‌خوابیدیم، تا وقتی که قافله رد می‌شد و آکسی که نیم ساعت تقریباً بعد از قافله می‌رسید، در حدود دو ساعت خواب راحت کرده بودم. عسکری، که اسب را به من فروخت، بسیار سفارش کرد که قدر این اسب را بدانید که بسیار نجیب است و اصیل. او از پدر و مادر نجیبی است؛ تا در ضمن راه به مدائن صالح رسیدیم و...

ادامه دارد

بقیه از صفحه اول

نظر به اینکه غذای خود را در پانسیونی زیر طبقهٔ محل سکونت ما صرف می‌نمود، زنگ آن را زدم که خانم مدیره با یک حال نگرانی آمد و قبل از اینکه در را باز کند، از هویت من سؤال کرد و گفت: بعد از صرف شام دیگر به اینجا نیامده است و احتمال می‌دادم که سوار قایقی شده و و غرق گردیده است! چونکه در آن شهر شب‌های تابستان قایقی اجاره می‌کنند و روی دریاچه گردش می‌نمایند.

دوچرخه‌ای که داشتم، سوار شدم و تا آفتاب طلوع نکرده بود در کنار دریاچه گشتم که چون چیزی نیافتم با حال ناامیدی و یأس به محلی که در خط سیرم بود و احمد پسرم در آنجا منزل داشت، برای تحقیق رفتم. صاحبخانه گفت: بعد از خاتمهٔ جشن به اینجا آمد و اظهار نمود که چون جشن دیر تمام شد، به خانه نرفتم و آمده‌ام شب در اینجا بمانم. ما هم رختخواب نداشتیم، اکنون در اطاق احمد روی زمین خوابیده است.

حال باید دید در آن‌وقت که ساعت شش صبح بود و دو ساعت دیگر من می‌بایست امتحان بدهم، چه حالی داشتم و چقدر مشکل بود از عهده برآیم. ولی از این نظر که «شانس» کمترین اثری نداشت، برای دادن امتحان حاضر شدم و در تمام موفق گردیدم و فقط شانس در یکی از آنها مساعدت کرد و این بود که کار زیاد فرصت نمی‌داد روزهای قبل از امتحان «انستیتو دوژوستی نین» را از ابتدا تا انتها بخوانم و معنای هر کلمه‌ای را که از نظرم رفته بود به فرهنگ مراجعه کرده به خاطر بسپارم. چون‌که من مثل سایر دانشجویان زبان لاتین را در دبیرستان تحصیل نکرده بودم که موقع امتحان دچار این مشکل نباشم. در هر جلسه استاد به ترتیب فصلی از آن کتاب را مطرح می‌نمود و هر یک از دانشجویان را به نوبت صدا می‌کرد تا قسمتی از آن را ترجمه کند و من قبل از رفتن به دانشکده آن فصل را با معلم خود حاضر می‌نمودم و از سایرین بهتر ترجمه می‌کردم، ولی در روز امتحان که معلوم نبود کدامیک از فصول موضوع ترجمه قرار خواهد گرفت، مشکل بود از عهده برآیم. برای این کار خیالم راحت نبود و همیشه به خود می‌گفتم چه کاری بکنم که از عهدهٔ این امتحان نیز برآیم؟ این‌طور به نظرم رسید که کتاب ضخیمی را که مرکب بود از «دیژست»، «انستیتو دوژوستی نین»، «نوول» و «کد» یعنی چهار کتاب امپراطور ژوستی نین ـ که همیشه روی میز در جلوی استاد بود ـ چند بار باز کنم و ببینم کدامیک از فصول «انستیتو دوژوستی نین» بیشتر احتمال دارد که باز بشود به آنها مراجعه نمایم که فصل ٤ و ٥ و ٦ بیش از همه باز شد و من نیز همین سه فصل را برای امتحان حاضر کردم که برحسب اتفاق یکی از این فصول مورد ترجمه قرار گرفت و از عهده برآمدم.

تز دکترا و کارآموزی در دادگستری نوشاتل

بعد از خاتمه‌ی امتحانات و گرفتن لیسانس، به لوزان رفتم تا با بعضی از هموطنانم معاشرت کنم و رفع خستگی بنمایم، ولی بیش از یک شب نتوانستم بمانم و برای تهیه‌ی مقدمات تز دکترا به نوشاتل مراجعت کردم که به علت خستگی نتیجه نداشت و معلوم شد اگر چندی تعطیل نکنم، نخواهم توانست کار مؤثری بنمایم.

موضوع تز را هم که دانشکده‌ی حقوق تصویب کرده بود، راجع به وصیّت در حقوق اسلامی بود که در طهران بهتر می‌توانستم کار کنم، یعنی اول به فارسی تهیه کنم و متخصصین اظهارنظر کنند، سپس آن را ترجمه کرده به دانشکده پیشنهاد نمایم. این بود که تصمیم گرفتم اشرف و احمد دختر و پسر بزرگم را در خانواده‌ای که دو سال آنجا بودند بگذارم با خانم و پسر کوچکم غلامحسین حرکت نمایم. ایام مسافرت و روزهای دید و بازدید در طهران موجب تعطیل کار شد و پس از رفع خستگی، توانستم خوب کار کنم و از عهده برآیم.

پرستاری که سه سال قبل با من از پاریس آمده و در طهران مانده بود، نزدیک خانه‌ی ما اطاقی اجاره کرده بود که شب‌ها شام را با ما صرف می‌نمود. سه‌شب گذشت که نیامد. خبری هم از او به ما نرسید و بعد معلوم شد که آن سه‌شب در خانه‌ی خود هم نبوده است و تحقیقات شهربانی به این نتیجه رسید که برای تدریس به باغ «پروتیوا» ـ ضلع جنوب شرقی جاده‌ی شمیران و خیابان شاهرضا ـ رفته و شب هنگام که به واسطهٔ بارندگی جاده را آب گرفته و از کنار آن عبور می‌کرده در یک چاهی افتاده است! جسد او را درآوردند و در قبرستان نزدیک دولاب آن را به خاک سپردند. این واقعه بسیار دلخراش بود و ما را مغموم کرد.

با تأثری که از فوت این زن با صفت داشتم، باز به کار ادامه می‌دادم و نمی‌دانم چه پیش آمده بود که نتوانستم آن را با کمک استاد خود، شادروان شیخ محمدعلی کاشانی تهیه کنم. با شادروان شمس‌العلماء قریب مشورت کردم. علی‌اصغر ماجدی را در نظر گرفت و من نه فقط از معلومات بلکه از صحت عمل او هم در کاری که مادرم در عدلیه داشت استفاده نمودم و بعد مقدمه‌ی آن را هم ـ که مربوط به مدارک حقوق اسلامی است ـ با نظر استاد خود شیخ محمدعلی تهیه کردم که دیگر کاری نداشت جز اینکه ترجمه شود و آن را در سوئیس بهتر می‌توانستم به انجام رسانم.

توقفم در طهران بیش از سه ماه طول نکشید که خانواده را طهران گذاشته و باز همان شهر نوشاتل را محل اقامت قرار دادم و در ضمن ترجمهٔ تز در دارالوکاله‌ی یکی از وکلا موسوم به «ژان روله» کارآموزی کردم. ابتدا به اموری که مربوط به مقدمات کار و تهیه پرونده بود می‌رسیدم. سپس از طرف او از دعاوی کوچکی که کمتر احتمال برد داشت، دفاع می‌کردم و علت این بود که صاحبان دعاوی بزرگ نمی‌خواستند کارآموزی که معلوم نبود دارای چه معلوماتی است، از آنها دفاع کند.

موضوع یکی از محاکماتی که به من رجوع شده بود و از نظر اهمیتی که در امور اجتماعی داشت و نقل می‌کنم این بود زنی از اتباع فرانسه ساکن شهر نوشاتل و شغل او بقال از تجارتخانه‌ای در ایتالیا مقداری قرمه خریده بود و به این عنوان که کالا فاسد بوده وجه آن را نمی‌پرداخت و می‌خواست شاهدی به دست آورد تا از شهادت دروغ استفاده کند. برای این کار به یک کلفتی که از دکان او برای ارباب خود آذوقه می‌خرید وجهی داد که بلافاصله علیه بقال اعلام جرم نمود و چون زمینه را سخت دید، فرار اختیار کرد. این بود علاقمندی یک کلفت به امور اجتماعی که تنها نه از پول گذشت، بلکه مدتی از کار بیکار شد و مبلغی هم خرج نمود تا درسی بشود و دیگران پیرامون شهادت دروغ نگردند.

من در تمام مدت اقامتم، همه روزه تا ظهر به کارآموزی مشغول بودم و عصرها هم با یکی از دانشجویان همدوره‌ی خود به ترجمه‌ی تز اشتغال داشتم که بعد از طی مراحل و تصویب شورای دانشکده، چند روز قبل از حرکتم به ایران در پاریس به طبع رسید و منتشر گردید.

مدت کارآموزی شش ماه بود و من نه ماه در آن دارالوکاله کار کردم و در عالی‌ترین دادگاه نوشاتل در محاکمه‌ای شرکت نمودم و تصدیقنامه وکالت خود را به شرط تحصیل تابعیت سوئیس از آن دادگاه گرفتم.

نظر به‌اینکه تحصیل تابعیت سوئیس مستلزم ترک تابعیت اصلی نیست و هر واجد شرطی بدون از دست دادن تابعیّت اصلی می‌تواند آن را تحصیل کند و شرط تحصیل تابعیت هم این بود که درخواست کننده مدت سه سال در سوئیس اقامت کرده و در محل اقامت سابقه‌ی بد نداشته باشد، از شهربانی نوشاتل تصدیق گرفتم و آن را به ضمیمهٔ درخواست خود به دولت مرکزی سوئیس فرستادم که مورد قبول واقع شد. نظر به اینکه ایّام تعطیل شروع شده بود و عده‌ای از فرزندان خویشان و دوستانم که آنجا تحصیل می‌کردند می‌خواستند با من به ایران بیایند، انجام کار را به بعد موکول نمودم و همه با هم حرکت کردیم و یکروز قبل از اعلان جنگ اول جهانی وارد طهران شدیم. به واسطهٔ پیش‌آمد جنگ و اشتغال به امور، اقامتم در ایران به طول کشید و گاه می‌شد که چند ماه از فرزندانم خبر نداشتم ولی نظر به اینکه آنها در خانواده‌ای بودند که رئیس آن پرنو نمایندهٔ شرکت بیمه در نوشاتل مردی با وجدان و درستکار و در آن شهر متصّف به این اوصاف و خانم او هم ـ که در قید حیات است ـ مورد اعتماد بود، به هر طریق که امکان داشت مخارج آنها را می‌فرستادم و مدت پنج سال آنها را ندیدم و نگران هم نبودم.

> **کسانی که به حفظ قول معتقدند هرگز نقض قول نمی‌کنند، اعم از اینکه قسم یاد کنند و یا نکنند.**

... پس از خاتمه تحصیل

تصمیم گرفته بودم بعد از ختام تحصیل، باز مدتی از عمر خود را صرف مطالعه کنم و پاره‌ای از ابواب حقوقی را که در دانشکده مقدماتشان دیده شده بود، در ایران تکمیل نمایم که بعد از ورود به طهران شادروان دکتر ولی الله خان‌نصر ـ مدیر مدرسهٔ سیاسی ـ به‌دیدنم آمد و مرا برای تدریس در آن مدرسه دعوت نمود. این دعوت

زیر نظر: دکتر محمدکاظم حسینیان

آیینه

مصدق به قلم مصدق؛ نوشتن در سلول انفرادی

تحصیلات در پاریس



مصدق در دادگاه نظامی

که موضوع مطالعاتم را معلوم نمود، خوشوقتیم را نیز فراهم کرد، چه وقتی آرزو داشتم مثل یک شاگرد در آن مدرسه تحصیل کنم وضعیتم اجازه نمی‌داد و آن روز مدیر مدرسه به خانه من آمد و مرا به‌جای یک استاد دعوت نمود.

برای انجام این کار، کتبی را که در ایام تحصیل به‌ایران فرستاده بودم، شماره نمودم و کتابخانه کوچکی که از لوازم کار بود، ترتیب دادم و چون تا بیستم شهریور که می‌بایست شروع کنم، بیش از پنجاه روز نبود، خانواده را در شمیران نزد مادر گذاشتم و خود در هوای گرم شهر ولی فارغ از هر گونه مزاحمت، شب و روز، غیر از چند ساعت که برای استراحت تخصیص داده شده بود، به‌کار پرداختم تا آنچه برای تدریس یک‌سال لازم بود، حاضر کنم.

اولین روز ورودم به مدرسه که مدیر کیف مرا دید، پرسید: محتویات آن چیست که آنقدر ضخیم شده؟ گفتم کاری است که برای تدریس یک‌سال تهیه نموده‌ام: از این که توانسته بودم در آن مدت قلیل کتب خارجی را مطالعه نموده و قانون موقت اصول محاکمات حقوقی را توضیح و تشریح کنم و آن صفحات را که از یک هزار تجاوز می‌کرد، به رشته تحریر درآورم، تعجب نمود و این همان کتابی است که بعد به‌نام «دستور در محاکم حقوقی» طبع و منتشر گردید.

نظر به‌این‌که در مدرسهٔ سیاسی بیش از دو ساعت در هفته درس نداشتم، در این فکر بودم که باز برای مطالعه موضوعی را انتخاب کنم که خبر الغای «کاپیتولاسیون» در ترکیه منتشر گردید و این واژه خارجی که تازه به گوش مردم می‌رسید سبب شده بود هر کس سؤال کند موضوع چیست و چرا ترکیه آن را الغاء کرده است.

چنانچه این رژیم در ترکیه روی عهدنامه‌ها استوار شده بود، بین دولت ایران با هیچ دولتی عهدنامه نبود و کاپیتولاسیون در ایران عملاً اجراء می‌گردید که باز چندی اوقاتم به‌مطالعه قراردادهای بین‌المللی که بین دولت ترکیه و دول اروپا منعقد شده بود گذشت و از این نظر که ایران هم آن را الغاء کند، رساله‌ای تحت عنوان «کاپیتولاسیون و ایران» منتشر کردم.

از انتشار آن چیزی نگذشت که اردشیر جی نماینده زردشتیان هند در ایران، با چند نفر از تجار به دیدنم آمد و اظهار نمود که در ایران کتابی راجع به شرکت‌های تجارتی منتشر نشده. خوب است در این باب هم رساله‌ای منتشر کنم که باز مدتی اوقاتم صرف این کار شد و با مطالعه قوانین مختلفه کشورهای اروپایی رساله‌ای به‌نام «شرکت سهامی در اروپا» منتشر نمودم.

خلاصه اینکه اوقاتم تمام به‌مطالعه می‌گذشت و از کارم بسیار راضی بودم تا یکی از روزها که شادروان حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی به دیدنم آمد و به‌دنبال مطالبی که با من، وقتی در سوئیس صحبت کرده بود، مذاکراتی کرد و به این نتیجه رسید اگر یک عده از کسانی که در خارج تحصیلاتی کرده‌اند. جمعیتی تشکیل دهند، می‌توانند کارهای مفیدی به نفع مملکت بکنند که روی این نظر هیئتی از این اشخاص: دولت‌آبادی، فیروز نصرت الدوله، غفاری ذکاء الدوله، محمدعلی نظام مافی سالار معظم (اکنون سناتور نظام‌السلطنه)، موسی شیبانی ذکاءالسلطنه و این جانب تشکیل گردید و تصمیم گرفتیم نشریه‌ای به‌نام «مجلهٔ علمی» منتشر کنیم و در شماره اول آن برحسب ذوق و معلومات خود، مطالبی درج نمائیم.

نظر من این بود که سازمان ثبت املاک را در سوئیس که بعد از آلمان بهتر از همه جا تأسیس شده و روی آن مطالعاتی کرده بودم، موضوع مقاله قرار دهم. ولی از این جهت که تأسیس چنین سازمانی نه آن‌وقت بلکه تنظیم دفاتری هم که بعد در ایران تأسیس گردید آنوقت عملی نبود از آن صرف‌نظر کردم و چون هر کس می‌توانست با یک سند اصیل یا مجهول نسبت به ملکی که یک قرن در تصرف دیگری بود، دعوی مالکیت کند و یا برعلیه اشخاص ادعای طلب نماید و محکمه هم دعوای او را بپذیرد، قاعدهٔ مرور زمان را که در همه جا غیر از ایران معمول بود و احتیاج به هیچ مقدماتی نداشت، مگر اینکه مجلس شورای ملی قانونی وضع کند، موضوع مقاله قرار دادم که بعد از انتشار باب مراوده بین بعضی از علماء و من باز گردید و هر کدام نسبت به آن ایرادی گرفتند که کار از ایراد هم گذشت و آن را برخلاف شرع تشخیص دادند که موجب یأس و ناامیدی من شد و طول هم نکشید که اجتماع ما متزلزل گردید و مجله نیز از بین رفت. چون‌که علت موجده اجتماع که تحصیل اشخاص بود، نمی‌توانست علت مبقیه هم بشود.

در این فکر بودم و به خود می‌گفتم: اگر از زحماتی که در راه تحصیل کشیده‌ام راجع به یکی از اصول حقوقی نتوانم اظهار عقیده کنم و دچار انتقادات بیجا و ناروای اشخاص بشوم، در راه خدمت به مملکت چه طور می‌توانم از معلومات خود استفاده نمایم که اعتبارنامه یکی از نمایندگان به عنوان تطمیع در انتخابات در یکی از شعبات مجلس مورد اعتراض قرار گرفت و مطلعی هم که برای گواهی دعوت شده بود، اظهار نمود لیست دوازده نفر کاندید نمایندگی طهران را که آن نماینده به من داد، نام دکتر مصدق در آن نوشته شده بود، در صورتی که چند سال بود ایران نبودم. دهنده آن لیست را هم ندیده بودم و مغرضی خواسته بود مرا با کسی که انتخابش به عنوان تطمیع مورد اعتراض قرار گرفته بود، همکار قرار دهد. از این پیش‌آمد آنقدر متأثر شده بودم که به من حال تب دست داد و مادرم که از من عیادت نمود، علت را سؤال کرد و بعد از اینکه گفته‌های مرا شنید اظهار نمود: ای کاش به جای حقوق در اروپا طب تحصیل کرده بودی؛ مگر تو نمی‌دانی که هر کس تحصیل حقوق نموده و در سیاست وارد شد، باید خود را برای هر گونه افترا و ناسزا حاضر کند و هر ناگواری که پیش آید تحمل نماید؟ چون می‌دانم که تو غیر از خیر مردم نظری نداری، باید بدانی که وزن اشخاص در جامعه، به قدر شدائدی است که در راه مردم تحمل می‌کنند.

این بیانات آن هم از زبان مادری که مرا بسیار دوست داشت و غیر از خیر جامعه نظری نداشت، آنقدر در من تأثیر نمود که آن را برنامه زندگی قرار دادم و از آن به بعد هر فحش و ناسزا که شنیدم، خود را برای خدمت به مملکت بیشتر آماده و مجهز دیدم.

> **...در ایران کتابی راجع به شرکت‌های تجارتی منتشر نشده. خوب است در این باب هم رساله‌ای منتشر کنم**

عضویت در حزب اعتدال

مجلس سوم به شادروان حسن پیرنیا مشیرالدوله نماینده طهران اظهار تمایل نمود و انتخابات طهران برای آن عده نمایندگانی که قبل از افتتاح مجلس متصدی بعضی از امور شده و از کار دست نکشیدند و همچنین آنهایی که از مجلس خارج شدند و در تشکیل دولت شرکت نمودند تجدید شد و انجمن مرکزی انتخابات مرا به عضویت یکی از انجمن‌های فرعی که در مسجد سراج‌الملک واقع در خیابان برق تشکیل می‌شد انتخاب نمود.

در این انجمن با شادروان علامه دهخدا که در اوایل مشروطه از دور آشنا بودم، همکار شدم و همکاری صمیمانه‌ای که بین ما پدید آمده بود، سبب شد یکی از روزها که می‌خواستیم با هم از مسجد خارج بشویم مرا به خانهٔ حاج میرزا علیمحمد دولت‌آبادی مقابل مسجد دعوت کند و از من بخواهد که عضویت حزب اعتدال را بپذیرم و چون سکوت کردم، قرآن بیاورند سوگند یاد نمایم.

از حلف وحشت داشتم، چونکه پدرم میرزا یوسف، مستوفی‌الممالک صدراعظم ناصرالدین شاه و پسرعموی خود را در خصوص یک ملک موروثی موسوم به «اک» واقع در قزوین در محضر شادروان حاج شیخ‌هادی نجم‌آبادی قسم داد که طول نکشید صدراعظم از دنیا رفت و این واقعه در جامعه آنقدر ایجاد رُعب نمود که کمتر کسی برای سوگند حاضر می‌شد. از جریان حزب اعتدال هم که تشکیل آن مصادف با دوره دوم تقنینیه بود و من آنوقت در ایران نبودم اطلاعی نداشتم و فقط می‌دانستم دو حزب در مملکت تشکیل شده که یکی حزب اعتدال بود و دیگری حزب دموکرات و بعد هم که به طهران آمدم می‌شنیدم که عده‌ای از افراد حزب اعتدال به رهبری مرحوم آقا سیدحسن مدرس و حاج آقا شیرازی و عدهٔ دیگر به رهبری حاج میرزا علیمحمد دولت‌آبادی و میرزا محمدصادق طباطبایی سناتور فعلی اداره می‌شوند، ولی از اینکه این دو دسته از چه اشخاص تشکیل شده و هدف معنوی آنها چیست، اطلاعات کافی نداشتم و سکوتم نیز از این جهت بود که به شادروان دهخدا عقیده داشتم و نمی‌خواستم دعوت او را قبول نکنم.

در قانون شرع قسم وقتی جایز است که مدعی نتواند برای اثبات ادعای خود دلایل کافی اقامه کند و حاکم برای فصل خصومت به مدعی علیه تکلیف قسم نماید. در صورتی که تقلید ما از ممالک غرب که هر کس را برای تأمین رفتار آینده‌اش قسم بدهند و قسم یاد کنندگان وفا به عهد نکنند، سبب شده است که رعب سوگند از دلها برود و این حربه که در زندگی ما بسیار مؤثر بود بی اثر شود.

بهترین مثال اینکه نمایندگان دورهٔ پنجم تقنینیه طبق اصل ۱۱ قانون اساسی در بدو ورود به مجلس قسم یاد کرده بودند: «به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت نکنند» ولی به عهد خود وفا ننمودند. به این معنا، شاه را که می‌بایست مجلس مؤسسان خلع کند نه مجلس شورای ملی که یک مجلس عادی است و از طرف ملت برای این کار مأذون نشده از مقام خود برداشتند و قانون اساسی را نقض نمودند. از خلف عهد و کار خلاف قانونی هم که مرتکب شده بودند، به زعم خود نتیجه گرفتند و همگی بدون استثناء بعنوان نمایندگی مردم در مجلس ششم وارد شدند. حال کسی است که از قسم باک کند و از ترس عقوبت الهی از اتیان بحلف پرهیز نماید. کسانی که به حفظ قول معتقدند هرگز نقض قول نمی‌کنند، اعم از اینکه قسم یاد کنند و یا نکنند.

خلاصه اینکه از خانه دولت‌آبادی که خارج شدم، خود را یکی از اعضای باوفای حزب اعتدال می‌دانستم و روی همین وظیفه جلساتی از رهبران این دو دسته در خانهٔ خود تشکیل دادم که انشعاب از بین برود و هر دو دسته وظایفی را که داشتند متفقاً انجام دهند. ولی مساعیم به نتیجه نرسید. سپس بعضی از اعضای مؤثر حزب من جمله دهخدا از عضویت استعفا نمود و یکی از روزها که هیأت مدیرهٔ «شرکت خیریه پرورش» مرکب از رجال و دوستان فرهنگ جلسه خود را تحت ریاست شادروان حسن پیرنیا مشیرالدوله در دارالفنون تشکیل داده بود علامه و من هم در آن عضویت داشتیم، دهخدا از من گله نمود و گفت: ما انتظار نداشتیم که بعد از استعفای ما شما از عضویت حزب استعفا ندهید و باز در حزب بمانید...

ادامه دارد

ایران

زهیر رضوی ۱۳

آموختن برای آینده

مرگ سپهسالار

اعتمادالسلطنه نکتهٔ دیگری دارد: «معاندین» سپهسالار که قرعهٔ مأموریت آذربایجان را به نام او آوردند به دو خیال بودند.

یکی اینکه «مبادا در این سختی» اوضاع، شاه او را به پایتخت فرا خواند و چارهٔ اصلاح کار را از وی بخواهد. به علاوه «یقین داشتند کار شیخ عبیدالله به جاهای بد منجر خواهد شد.» خواستند این مأموریت را به گردن او اندازند، تا فرجام شوم آن میرزا حسین خان را «یکباره مغضوب درگاه و راندهٔ بارگاه نماید.»

استنباط ما این است که شاه صرافت طبع خویش وی را به انجام آن مهم گماشت، چنانکه پیش از عزیمت سپهسالار به قزوین هم مقرر داشت او به شورای دولت بیاید ـ رأی او را هم بکار بستند.

گفتهٔ اعتمادالسلطنه به هر صورت گواهی می‌دهد که انگیزهٔ بزرگان دولت به هر کاری سود شخصی محض بود. و در پی آن بودند که سپهسالار دیگر به دربار راه نیابد.

سپهسالار به شتاب و با اختیارات کامل روانهٔ تبریز گشت. چون فتنهٔ شیخ برافتاد و آذربایجان امن و امان گردید (ذیحجهٔ ۱۲۹۷) او و ولیعهد به پایتخت آمدند. همان اوان الکساندر دوم تزار روس کشته شد. میرزا حسین‌خان برای تبلیغ پیام شاه به روسیه رفت. باید به خاطر بیاوریم سه ماه پیش که دورهٔ وزارت سپهسالار بسر آمد، شاه گفت اسم سفر فرنگستان را نبرد و زیارت عتبات را هم اجازه نداد. اکنون وی را به سفارت فوق‌العاده روانهٔ دبار پطرزبورگ کرد. حتی به قراری که نوشته اند شاه در باطن وعده داد که در بازگشت صدارت خواهد یافت.

اما چون برگشت، خبری از آن وعده نشد؛ کی می‌گذاشت او از نو به وزارت برسد. به علاوه چه ثمری بر آن وزارت مترتب بود. آخر کار به فرمانفرمایی خراسان و سیستان و تولیت آستانهٔ رضوی معین گردید. اول شعبان ۱۲۹۸ حضور شاه بار یافت، و عازم مشهد گردید.

آن آخرین دیدار بود. کم یا بیش چهارماهی در خراسان گذراند. شاه برای او خلعت فرستاد مسرور میرزا از پیشخدمت‌های خاص که حامل خلعت بود در هجدهم ذیحجه به مشهد رسید. خلعت را سپهسالار پوشید. و شب ۲۱ ذیحجهٔ ۱۲۹۸ ناگهانی در مشهد مرد. در مقبره‌ای که به ورود به مشهد برای خود ساخته بود، به خاکش سپردند.

> **مرگ سپهسالار هیچگاه به صورت امر طبیعی تلقی نگردید؛ از همان اوان مرگ سیاسی مرموزی شناختند**

مرگ سپهسالار هیچگاه به صورت امر طبیعی تلقی نگردید؛ از همان اوان مرگ سیاسی مرموزی شناختند. در روزنامه‌های فرنگ هم آن مطلب منعکس شد. ولی حکم قطعی آسان نیست. شاید مجموع اطلاع ما، ما را به مرز حقیقت نزدیک گرداند. تردید نیست که تحریکات علیه میرزا حسین‌خان دنباله یافت. اینکه اعتمادالسلطنه او را در والیگری به خراسان هم متهم به «افساد» و «دشمنی با سلطنت» می‌کند ـ دلیل بر ادامهٔ نیرنگ سازی درباریان است. نمونه‌ای از تلقین‌های مسموم کننده‌ای که ملک‌آرا شنیده، نقل کرده است: عریضه‌ای خطاب به شاه نوشتند به مضمون اینکه: «سپهسالار شخص پلوطیک دانی را که با تمام فرنگی‌ها راه دارد، و شما اینطور او را دل شکسته کرده‌اید ـ به کدام اطمینان به ایالت خراسان می‌فرستید... چنین عملی جایز نیست، چگونه است که اولیای دولت ملتفت این معنی نشده‌اند.»

اگر آن داستان راست باشد، هرکس چنان افسونی خوانده روحیهٔ شاه را می‌شناخته و می‌دانسته چگونه بدگمانی او را برانگیزاند. از سوی دیگر می‌دانیم میرزا حسین‌خان ناراحتی قلبی داشت، گرچه از کیفیت آن دقیقاً آگاهی نداریم. یکجا خود می‌نویسد: «از بابت شدت طپش قلب» رگ زده بود. از سوی دیگر عکس‌العمل شاه نسبت به قضیهٔ مرگ سپهسالار شایستهٔ دقت است. اعتمادالسلطنه نکته‌هایی را آورده. البته او از دشمنان میرزا حسین‌خان بود؛ از ناسزاگویی هم دریغ نداشته. به هرحال از خلوت‌نشینان دربار و از خبررسانان بود و از آنچه در اندرون و بیرون دربار می‌گذشت، بی‌خبر نبود. خلاصهٔ یادداشت‌های او این است:

روز بعد از مرگ سپهسالار که خبرش به تهران رسید، می‌نویسد: «شاه در اندرون بود. در بیرونی، صاحب‌جمع پسر امین‌السلطان را دیدم که با نهایت شعف به من برخورد، گفت: مژدهٔ مرا بده، سپهسالار در خراسان فوت شد. حرف این جوان طوری به من اثر کرد که زیاده از حد پریشان شدم... راست است سپهسالار مرحوم به من صدمهٔ زیاد زده بود... راضی به مرگ او نبودم.» به دنبال آن حرف شاه را دربارهٔ میرزا حسین‌خان می‌آورد: «امروز شاه می‌فرمود نسبت به من (=شاه) جسارت زیاد می‌کرد... اظهار تأسف ظاهری کردند، در باطن چندان متألم نبودند ـ زیرا که می‌فرمودند: این مرد به حالتی رسیده بود که جز مرگ برای او چاره نبود و ما را همیشه در زحمت داشت ـ بلکه یک نوع حالت مدحت پاشا را داشت. مقصود خیانت به ولینعمت بود. خلاصه جمعی را دیدم بسیار مشعوف بودند، و جمعی بی‌دماغ بودند.»

از جمله حسام‌السلطنه و معتمدالدوله و پسر علاءالدوله «خوشحال» بودند سه هفته بعد هم گوید: شاه «از مردن سپهسالار کمال خوشحالی و شعف را دارند.» در رسالهٔ «خوابنامه» تصریح دارد به اینکه سپهسالار را «به قول معروف» زهر خوراندند.

آنچه به نظر می‌آید این است که گویا شاه از مرگ سپهسالار خشنود گشت و خود را آسوده یافت. با آن همه دشمنان دولتی که سپهسالار داشت ـ و هراسی که آنان از او داشتند ـ و سوءظن فراوانی که در دل شاه نسبت به او تولید کرده بودند ـ شگفت نخواهد بود که تصریح اعتمادالسلطنه درست باشد که به زهر کارش را بساختند.

عبارت خود شاه نیز مبنی بر اینکه سپهسالار «ما را همیشه در زحمت داشت» و «جز مرگ برای او چاره نبود» ـ ظاهراً تأیید تلویحی است در مسموم کردن او. از کسان معدودی که شاید حقیقت امر را می‌دانستند، حاجی میرزا عباسقلی از رفیقان دیرین میرزا حسین‌خان است که با او به مشهد رفته بود.

باز به گفتهٔ اعتمادالسلطنه: پس از مرگ سپهسالار، حاجی میرزا عباسقلی به تهران آمد.

ادبستان

شعر و زبان فارسی

نشستی با استاد مهرداد اوستا

ویژگیهای یک شعر خوب در زمانهٔما کدام است؟

فیلسوف معروف: «هگل» ـ که در روزگار خودش او را به حق، سلطان عالم فلسفه می‌دانستند ـ گفته بود: «من می‌خواهم ببینم زبان آلمانی در بیان مسائل دقیق فلسفی، چقدر توانایی و کشش دارد.» چرا که پیش از آن، زبان فلیسوفان، بیشتر زبان لاتین بود و آنها می‌بایست در اوّل آن زبان را یاد می‌گرفتند و به آن شکل، مطالب و اغراض خودشان را بیان می‌کردند. بنده نیز درباره شعر، ـ این هنر ظریف و به قولی آسمانی ـ باید بگویم زبان فارسی در طی یک ارزیابی تاریخی نسبت به تواناییهای خویش به این نتیجه رسید که توانایی ادبی زبانی که به نام «زبان پهلوی ـ اوستایی» از روزگاران هخامنشی موجود بوده به علت درشتی آهنگی و سختی ادای کلمات، بسیار محدود می‌باشد. این زبان، کم‌کم تغییراتی پیدا کرد و در اواخر حکومت هخامنشی، بسیاری از کلماتش متروک شد، و به جای آنها «کلمات یونانی» و غیره رایج گردید. در روزگار اشکانیان که نزدیک به پانصدسال ادامه یافت، این زبان ـ که به زبان دری (یعنی، زبان مردم خراسان به معنی قدیم شامل: افغانستان، خوارزم وشهرهای بخارا، بلخ، خیوه، سمرقند و...) معروف بود ـ به صورت یک فرهنگ، یک زبان، دامنه وسیعی پیداکرد و ریشه زبانی شدکه آمادگی داشت مسائل اسلامی، بخصوص، فرهنگ و معارف اسلامی را بیان کند، و از آن پس زبان «دری»، زبان رودکی، زبان فردوسی، زبان ناصرخسرو، زبان خاقانی، زبان نظامی وزبان دیگر شاعران بلند پایه فارسی از جمله: سنایی، مولوی، ظهیر، سعدی و حافظ شد. می‌بینید این زبان توانسته است در تمام شئون و مسائل مختلف، هرگونه اندیشه‌ای را بیان کند.

وقتی اسلام آمد، در سراسر عالم اسلام آن روز، بسیاری از کشورها، مثل: مردم مصر، مردم بین‌النهرین، مردم سوریه، مردم روم شرقی، زبانی نداشتند که بتوانند با آن اغراض و احکام اسلامی، حکمت اسلامی، و از همه مهمتر زبان قرآن را تفسیر و تعبیر کنند. تنها زبانی که یارایی داشت و توانست با زبان قرآن آشنایی پیدا کند و تفاسیری، از جمله: تفسیر «سورآبادی» از ابوبکر عتیق، و تفسیر «نسفی» و تفاسیر دیگر در خود بپروراند، زبان قدیم «دری» بود. دلیل آن هم نیاز مسلمانانی بود که تازه اسلام آورده بودند. آنها نیاز داشتند که با معانی و مفاهیم اسلامی آشنایی پیدا کنند و «زبان پهلوی»، زبانی نبود که بتواند پاسخگوی زبان قرآن باشد. در واقع وجود قرآن و وجود اسلام بود که زبان دری ما را غنا بخشید، آنچنان غنایی که تفسیری مثل تفسیر رشیدالدین میبدی، که درحد یک شاهکارادبی ـ عرفانی است نوشته شود. این تفاسیر، از طرفی سبب بقای زبان فارسی شدند و بدین ترتیب زبان فارسی مورد توجه عالم اسلام قرار گرفت. ما دقیقترین معانی را در زبان بزرگترین شاعران عرفانیمان مثل: حکیم سنائی، فریدالدین عطّار و مولانا می‌بینیم. مثلاً این قطعه از حکیم سنایی را ببینید که با چه روانی و زیبایی بیان شده است:

مثَلت هست در سرای غرور / مثل یخ‌فروش نیشابور
هر چه زر داشت او به یخ پرداخت / آفتاب تموز یخ بگداخت
این همی دید و زار می‌نالید / که بسی‌ام نماند و کس نخرید

درست همین معنی را شیخ سعدی در اوائل کتاب عزیز گلستان چنین بیان کرده است:

عمر، برف است و آفتاب تموز / اندکی ماند و خواجه غَرّه هنوز

واقعیت یک زبان این است که بتواند یک غرض علمی، عرفانی، دینی و اخلاقی را به زیباترین صورت بیان کند و می‌دانیم که هیچ زبانی نتوانسته است مانند زبان فارسی در بیان مسائل عاطفی و فطری تا این اندازه پیشروی کرده باشد. کلام سعدی در این مورد، نمونه است. کتاب «ویس و رامین» فخرالدین اسعدگرگانی، «لیلی و مجنون»، «خسرو و شیرین»، «هفت گنبد»، «بهرام‌نامهٔ» نظامی گنجه‌ای شاهکار و اوج کلام افسانه‌ای هستند. در قصاید انوری و امیر معزّی و قصاید و قطعات زیبای «ظهیر فاریابی»، عالیترین تمثیلات و تشبیهات را می‌بینیم. گویندگان دیگری که پس از این شاعران آمده‌اند و افکار و سخنان تازه‌ای را بیان کرده‌اند، پشتوانهٔ سخنانشان، گفتار این بزرگان بوده است. با این مقدّمه، برمی گردیم به پرسش شما دربارهٔ شعر خوب. در عامل شاعری، دو نوع شعر داریم. شعری داریم که اصطلاحاً به آن «شعر روزنامه‌ای» می گوییم. و آن شعری است که از زبان عامّهٔ کوی و برزن و سخنان ساده رایج میان مردم اقتباس شده باشد. مثل شعر «ایرج میرزا». ایرج میرزا توانسته است خیلی از مطالب را به زیباترین شکل، به همان زبانی که نیاز داشته بیان کند. نوع دیگر، شعری است که ما به آن «شعر فاخر» می گوییم. این نوع شعر، دارای تشریف خاصّی است: مثل شعر حافظ، شعر سعدی، شعر انوری، شعر فردوسی، شعر سنائی و ... سخنان این گویندگان خاصّه از نظر زیبایی و تالیف موسیقی کلمات و ترکیب هندسی آنها، بسیار شیوا و فاخر است. این زیبایی را در بیان خواجهٔ بزرگ شیراز هم می‌توان دید. زبان حافظ، از نظر معانی بسیاربسیار دقیق و زیباست. شعر او به حدّ اعجاز رسیده و لقب «لسان الغیب» یافته است، همین که می گوید:

تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک
باور مکن که دست ز دامن بدارمت

ببینید با کلمهٔ «دامن» چقدر زیبا یک مطلب را بیان کرده است. مطلبی که اگر نثربود، می‌شد: «تا وقتی که بمیرم دست از دامن تو بر نمی‌دارم». ولی در این کلام که به شعر تبدیل شده، خیال‌انگیزی و تالیف موسیقی کلام وجود دارد. کاری که حافظ کرده، از عهدهٔ شاعر دیگری بر نمی‌آید. یا مثلاً در شعر سعدی و غزلیات شیوا و دل‌انگیزش، می‌توان گفت که هیچ شاعری، در بیان فطریات و حالات عاطفی انسان، نتوانسته است از سعدی پیشی بگیرد. به زیبایی و لطافتی که در این شعر شیخ است توجه کنید:

اتفاقم به سر کوی کسی افتاده است
کاندر آن کوی چو من کشته بسی افتاده است
خبر من برسانید به مرغان چمن
که هم آواز شما در قفسی افتاده است
به دل آرام بگو ای نفس پاک سحر
کار من همچو سحر با نفسی افتاده است

یا از این شعر، زیباتر، خوبتر و دل آرامتر، بیانی را نمی‌توان یافت:

ای یار جفا کرده و پیوند بریده
این بود وفاداری و عهد تو ندیده
در کوی تو معروفم و از روی تو محروم
گرگ دهن‌آلودهٔ یوسف ندریده
بس در طلبت کوشش بی‌فایده کردیم
چون طفل دوان در پی گنجشک پریده

نما

ایرج آدیگوزلی

خاطرات یک مترجم؛ محمد قاضی

برفی!

پیش از اینکه به ترجمهٔ کتاب سومی بپردازم دوران دانشکدهٔ حقوق به پایان رسید و به خدمت نظام رفتم.

خدمت در شرکت موتوردار نیز تا پایان تحصیلم در دانشکدهٔ حقوق و تا حین رفتنم به نظام وظیفه ادامه داشت.

دوران تحصیل در دانشکدهٔ حقوق بسیار یکنواخت بر من گذشت و خاطرهٔ جالب توجهی از آنجا به یاد ندارم که نقل کنم. یادم رفت بگویم که در چند سال آخر دورهٔ دبیرستان و طی سال‌های دانشکدهٔ حقوق، عمو هر سال در فصل تابستان باغی در شمیران، در زیر باغ فردوس، اجاره می‌کرد و ما سه چهار ماه از سال را در آنجا می‌گذراندیم و آب خنک می‌خوردیم. بیشتر اوقات. در این فصل، نوکر یا کلفت نداشتیم و معلوم بود که من طبق معمول می‌بایست خریدهای بیرون و کارهای فرعی خانه را انجام بدهم. نوکرهای در و همسایه که اغلب مرا زنبیل به دست در راه کوچه و بازار می‌دیدند. مرا هم یکی نظیر خود و همقطار خود می‌دانستند و با من طرح دوستی می‌ریختند، ولی من هیچ‌گاه ایشان را از اشتباه درنمی‌آوردم و هویت واقعی خود را بر ایشان فاش نمی‌کرد. گاه نیز به قول خودشان زیر پایم می‌نشستند که مرا با حقوق و مزایای بیشتری به خانهٔ ارباب بهتری ببرند، ولی من از خانم و آقای خود اظهار رضایت می‌کردم و عذر می‌خواستم.

از این دوران خاطرهٔ شیرینی دارم که هر وقت از آن یاد می‌کنم دلم پر می‌شود. از باغی که منزل ما بود تا دکان نانوایی کوچهٔ آب مقصود بیگ، کوچه باغ باریک و پرنشیبی بود که در دو طرف آن درختان گشن سر به آسمان کشیده بودند، به طوری که آفتاب فقط به صورت لکه‌های ریز و نورانی، آن‌هم از لای شاخ و برگ‌های انبوه، بر آن می‌تابید. در زیر درختان کوچه نهر سرد و زلالی همیشه جاری بود و صدای زمزمهٔ آب توأم با صدای مرغان نشسته بر شاخساران موسیقی دلپذیری در آن کوچه باغ راه انداخته بود که آدم را به وجد و نشاط می‌آورد. من به حکم ضرورت، روزی دو سه بار برای خرید از آن کوچه باغ رد می‌شدم و دلم می‌خواست اگر کار هم نداشته باشم باز برای کیف دل خودم از آنجا بروم و بیایم.

در وسط‌های آن کوچه خانه‌ای بود با حیاطی باغچه مانند و شبه روستایی که همیشه دَرِ آن باز بود. در ته حیاط، نزدیک ساختمان، سگ سفید کوچک و پشمالویی به زنجیر بسته بود، و من هر وقت از آنجا می‌گذشتم چند دقیقه‌ای به تماشای آن حیوان ملوس می‌ایستادم و از دور سر به‌سرش می‌گذاشتم. روزهای اول، سگ بی‌تابانه پارس می‌کرد و می‌خواست زنجیر پاره کند و به من حمله ور شود. حیوان در حفظ و حراست خانه و مایملک صاحبش چندان سمج و غیرتی بود که من هر چه از در دوستی در می‌آمدم و با ایما و اشاره ناز و نوازشش می‌کردم او خشمگین‌تر می‌شد و بیشتر پارس می‌کرد. آن‌قدر خوشگل و دوست داشتنی بود که امکان نداشت من از آنجا بگذرم و خشم و عتابش را تحمل نکنم. آخر، در این رفت و آمدها آن قدر با قیافهٔ من و ابراز احساساتم خو گرفت که دست از عناد و دشمنی برداشت و از در صلح و صفا در آمد و آخر با من دوست شد. کم کم پارس‌های خشم آلودش تبدیل به زوزه‌های محبت آمیز و دم جنبانی‌های دوستانه شد. به طوری که به محض دیدن من می‌خواست زنجیر پاره کند، خود را به دامنم بیندازد و با من معانقه کند. من بی‌آنکه اسم واقعی او را بدانم خودم اسمش را «برفی» گذاشته بودم. زیارت «برفی» در آن کوچه باغ با صفا یکی از تفریح‌های شیرین و دلنشین من بود و خوشبختانه چون تقریباً همیشه در خانه باز بود این لذت بی‌دریغ نصیبم می‌شد. از آنجا که هیچ چیز در این جهان پایدار نیست، دوران این لذت نیز روزی به سر آمد. روزی که به حسب معمول برای خرید نان می‌رفتم و خوشحال بودم که «برفی» را نیز خواهم دید. بر خلاف انتظار در را بسته یافتم. از پشت در برفی را صدا زدم و حیوان با زوزه‌های سرشار از اشتیاقش به ندای من پاسخ داد. روزهای بعد نیز در همچنان بسته ماند و من نفهمیدم این تغییر وضع از چه ناشی شده بود.

ادامه دارد

دیروز

عبدالرحیم قنوات

روح سرکش زمانه

بقیه از صفحه اول

گرین وقتی در کالج بالیول آکسفورد درس می‌خواند، اولین کتاب شعرش را منتشر کرد اما شاعر نماند. چهار سال معاون سردبیر روزنامه تایمز شد. مقارن با انتشار رمان چهارمش – قطار استانبول – شهرت زیادی کسب کرد در ردیف نویسندگان عامه‌پسند قرار گرفت.

گراهام گرین در ۱۹۳۵ از این سر تا به آن سر «لیبری» را زیر پا گذاشت و حاصل سفرش کتاب «سَفر بدون نقشه» است که به آوازه‌اش بسی افزود و اضافه کرد؛ کتاب شرح ماجراهای سیاحی است که می‌تواند ناملایمات را تا بی نهایت تحمل کند.



گرین او از ۱۹ سالگی عاشق بازی «رولت روسی» بود. خودش می‌گوید: «روولور را در کشوی برادرم پیدا کرده بودم. خزانه شش گلوله می‌خورد و من فقط یک گلوله در آن می‌گذاشتم. در هر شلیک بخت زنده ماندن پنج به شش بود.» این کشش به خطر، مدام گراهام گرین را به جبهه مقدم می‌کشاند. از هندوچین به لیبری و ازهاییتی به مالایا اما گراهام گرین ماجراجو گراهام گرین نویسنده را خلع سلاح نمی‌کند: «عمل فقط تا آن‌جا مهم است که در نوشتن بروز پیدا کند.»

برای گرین نوشتن شکلی از عمل بود: «وقتی پای نوشتن در میان باشد خیلی وسواسی می‌شوم چون مسئله مرگ و زندگی است. مسیر نوشتن را خودِ نوشته تعیین می‌کند. وقتی با جدیت به کارِ کتابی مشغولم از کله سحر، و قبل از حمام یا تراشیدن ریش و یا حتی قبل از دیدن نامه‌ها یا هر کارِ دیگری، کارم را شروع می‌کنم. اگر قرار باشد آدم برای نوشتن منتظرِ چیزی بشود که مردم اسمش را الهام می‌گذارند یک کلمه هم نمی‌تواند بنویسد.»

گرین مادرش را خیلی دوست داشت: «عدم تمایل مادرم به تملک همیشه مورد تحسینم بوده، او را خیلی دوست داشتم. وقتی بچه بودیم بعدازظهر به اتاق نشیمن می‌رفتیم و مادرم تا ساعت هفت برای‌مان کتاب می‌خواند.»

به عکس احساس زیادی به پدرش نداشت: «او زیادی مقتدر بود و مدام سوالات ناراحت‌کننده از من می‌کرد.» ولی بعدها کم‌کم از پدر خوشش آمد: «یواش‌یواش کشف کردم که پدر خیلی لیبرال است، نه به این دلیل که عضو حزب لیبرال بود، بلکه به معنای واقعی لیبرال بود، درست نقطه مقابل من که به افراط تمایل دارم.» گرین به مدت چهار هفته عضو حزب کمونیست می‌شود و دیگر سراغ آن حزب نمی‌رود: «از نظر من یک شوخی بود و بس.»

سرجمع او کودکی شاد و آرامی را پشت سر می‌گذارد؛ لااقل تا سیزده سالگی: «سیزده ساله بودم که مرا به مدرسه شبانه‌روزی گذاشتند که پدرم رئیس آن بود. همیشه پدر را در فضای شاد خانوادگی دیده بودم و دیدن او در مدرسه روحم را دچار تضاد کرد اما خاطره شادی و رضایت خاطری را که در خانه داشتم از ذهنم پاک نکرد گرچه وحشت از سیزده سالگی و وحشت از جهان مدرسه تا همیشه با من ماند.»

گرین گرایش رمانتیکی به کمونیسم داشت ولی بعد از سقوط آلنده و دوبچک این گرایش عاطفی و اخلاقی دوران جوانی‌اش به سرخوردگی می‌انجامد. در سال ۱۹۲۶ مذهب آبا و اجدادی انگلیکان را رها می‌کند و کاتولیک می‌شود. او کاتولیک می‌شود اما همیشه با ارباب کلیسا سر ناسازگاری دارد؛ ژان پل دوم را به خاطر مخالفت با قرص‌های ضد بارداری، کوته نظر می‌خواند و می‌گوید: «پاپ یک خصلت لازم را ندارد، آن هم شک است.»

در ادامه، گرین به استخدام وزارت امور خارجه انگلستان درآمد و در سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۳ به سیرالئون اعزام شد و در همین سال‌ها بود که برای سرویس جاسوسی خارجی «ام – آی– سیکس» کار کرد. گرین در رمان «واقعیت چیست» که در غرب آفریقا می‌گذرد تناقضات درونی جاسوسی را که کاتولیک هم هست به خوبی نشان می‌دهد؛ یعنی خودش را. گفته می‌شود خواهرش –الیزابت – او را جذب ام–ای – سیکس کرد و سفرهای گراهام گرین به عنوان جاسوس در جانِ آدم‌های داستانیِ بعد از جَنگ دوم جهانیَ آثار او دیده می‌شود.

گرین زمانی که رمان «انسان درون» را چاپ کرد، برای همیشه از کار در روزنامه تایمز کناره‌گیری کرد تا خود را تمام وقت وقف نوشتن رمان کند. بعد از آن دو رمان چاپ کرد به نام‌های «نام عمل» و «شایعه در شب»، اما این رمان‌های اولیه چندان مایه سربلندی‌اش نشدند و به قول خودش: «این رمان‌ها کاملاً مایه شرمندگی منند، کتاب‌های درجه ۳ هستند و اجازه نمی‌دهم تجدید چاپ بشوند.»

ماجرای شهرت گرین زمانی آغاز شد که اقبال سینمای هالیوود به کتاب «قطار استانبول» منجر به ساخت فیلمی بر اساس آن در ۱۹۳۴ شد. گراهام گرین که پرآوازه شده بود، نقدی بر فیلم «وی ویلی ویکی» (wee willie winkie) نوشت که نامش را در تاریخ نقد فیلم ثبت کرد. گراهام گرین در فیلم «روز برای شب» ساخته فرانسوا تروفو، مانند هیچکاک، برای لحظه‌ای ظاهر شد. گفته‌اند تروفو او را، که برای لحظاتی در نقش نماینده شرکت بیمه ظاهر شده است، به جا نمی‌آورد.

برخی از آثار گرین جنبه طنز هم دارد، «سفرهای من با عمه‌ام» و «بازنده همه را می‌برد» از این دسته‌اند. از نظر منتقدین، گراهام گرین در آثار خود به راز و گره‌گشایی در پایان و به خصوص تعلیق اهمیت زیادی می‌دهد و به همین دلیل پی‌رنگ یا همان پلات در آثارش نقش مهمی دارند، اما در کتابی مانند «وزارت ترس» که ظاهراً پلات‌محور و سرگرم‌کننده هم است جنبه‌های فلسفی و ادبی کتاب بر جنبه سرگرم‌کنندگی آن می‌چربد.

در پی مقالاتی که در سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۵ درباره هندوچین نوشت، رمان «آمریکایی آرام» سر بر آورد. این کتاب درباره جنگ ویتنام است و فیلم برجسته‌ای هم از آن ساخته شد. بشنوید از خودش: «قطعاً دشمنی من با سیاست‌های آمریکا در ویتنام حال و هوای اصلی این کتاب را ایجاد کرده ولی من نمی‌خواهم از ادبیات برای اهداف سیاسی یا مذهبی استفاده کنم. من تنها می‌خواهم حسی را بیان کنم. هدف من تغییر چیزها نیست بیان آن‌هاست، جای‌گاه رمان‌نویس در مرز مبهم عادلانه و غیرعادلانه و میان شک و یقین است.» گراهام گرین به تأسیَ از تام پین معتقد است که باید حتی دشمنان را هم از بی‌عدالتی مصون بداریم.

رمان‌های «آدم ما درهاوانا»، «پرونده سوخته»، «کمدین‌ها» و «مرد سوم» ازکارهای گراهام گرین با همکاری خودش درهالیوود ساخته شدند. فیلم مرد سوم، که داستانی است ماهرانه از قاچاق مواد مخدر و فیلم‌نامه آن با همکاری کارول رید نوشته شده، در سال ۱۹۴۹ جایزه اول جشنواره کن را از آن خود کرد. فیلم تصویری تکان دهنده از روزهای حکومت وحشت و آشفتگی بر وین پس از جنگ را ارائه می‌دهد. جانِ‌مایه فیلم خیانت به مفهوم رفاقت است، خیانتی به خاطر هدفی ظاهراً بهتر.

گرین رمان «کنسول افتخاری» اش را خیلی دوست داشت. او گفته است: «در این رمان همه آدم‌ها متحول می‌شوند و این کار ساده‌ای برایم نبود. این کتاب محبوبِ من است». در این کتاب کشیش، چریک، پلیس، زن و شوهر وفادار همهَ خلاف‌آمد عمل می‌کنند.

یک جنبه دیگر گرین داستان‌کوتاه نوشتن اوست. در داستان «خراب‌کارها» گروهی بچه، بعد از بمباران لندن، تصمیم می‌گیرند خانه نیمه خرابی را کاملاً خراب کنند. جان‌مایه داستان پرداختن به این موضوع است که چرا آن‌ها به خراب‌کاری روی می‌آورند و آیا در خراب‌کاری خلاقیت هم هست؟ آدم‌های داستانی گرین هم خوب هستند و هم بد؛ انسان‌هایی در تضاد با خود و امیال خود. «خراب‌کارها» در سال ۱۹۵۴ منتشر شد. از نظر بسیاری از منتقدین، این داستان تمثیلی است از شکست چرچیل در ۱۹۴۵، بعد از پایان جنگ دوم جهانی. بچه‌ها در جامعه‌ای که بزرگ‌تر آن را نابود کرده‌اند از راهِ خراب‌کاری خلاقیت خود را نشان می‌دهند. کتاب «عامل انسانی» برای دو طبقه بسیار آموزنده است: سیاست‌مداران و جاسوس‌های بین‌المللی. در عین حال، به مردم عادی هم کمک می‌کند تا بفهمند در ذهن یک جاسوس چه می‌گذرد. گراهام گرین، کاتولیک، مارکسیست، جاسوس و شهروند عادی، به گفته خودش، معتادَ تضاد است. او فرزند چهارم از شش فرزند پدرش بود که در کالج تاریخ خواند اما روزنامه‌نگار شد. او در زندگی‌نامه‌اش می‌نویسد: «مرز باریک میان وفاداری و خیانت، وفای به عهد و نقض عهد، تضادهای ذهن و تناقضی که آدمی در درون خود دارد – آدم‌ها از همین‌ها ساخته شده‌اند.»

گرین عاشق این شعر رابرت براونینگ بود که می‌گوید:

ما به لبه خطرناک مسائل دلبسته‌ایم /دزد شریف، جنایتکار رقیق‌القلب/ملحد خرافاتی، فواحش نجیب/ که عشق می‌ورزند و در کتاب‌های جدید رستگار می‌شوند نظاره می‌کنیم این‌ها را، که بر خط لرزان میانه به حال تعادل ایستاده‌اند!

عده‌ای از منتقدین معتقدند: گرین شباهت تامی به کشیشِ می‌خواره کتاب خودش «قدرت و جلال» داشت چرا که سرسپرده ضدیَن بود: «من هیچ‌وقت این کشیش را ندیده‌ام، او از بخشی از وجودم–از اعماق–آمده است.» عجیب این که این کتاب از سوی واتیکان رد شد و مورد تحقیر واقع شد. تناقضات گرین در آدم‌های داستانی او جلوه‌گری می‌کنند؛ کشیشی که با آن وقار به مقدسات توهین می‌کند، جاسوسی که خیانت می‌کند و نویسنده‌ای که بی دقت است. شاید گرین روح سرکش زمانه ما باشد که از یک چیز به طور حتم مطمئن است: «من به خاطرِ کاپیتالیسم یا کمونیسم یا سوسیال دموکراسی و یا دولت‌های رفاهی آدم نخواهم کشت.» گرین لبه خطرناکی را که در آن ایمان سست می‌شود می‌شناسد. خود گفته است: «نویسنده باید در یک جامعه کاتولیک پروتستان و در یک جامعه پروتستان کاتولیک باشد. او باید در یک جامعه کمونیستی فضایل سرمایه‌داری و در یک جامعه سرمایه‌داری فضایل کمونیسم را ببیند.» او نوشتن را امری شخصی می‌دانست و معتقد بود که تنها خودِ نویسنده می‌فهمد که نقایص اصلی کارش کجا است.

گرین دستی هم در نمایش و تئاتر داشت. از این رو در کارش نمایش‌نامه‌هایی دیده می‌شود. از نظر گرین: « تئاتر آسودگی است؛ برای فرار، از تنهایی رمان‌نویس بودن، لازم است.» از میان نمایش‌نامه‌هایی که نوشت، خودش «اتاق نشیمن» و «عاشق مهربان» را دوست داشت.

در ۱۹۸۲ کتاب شیرین «عالی جناب دن کیشوت» از گرین چاپ شد. زمان داستان، اسپانیای بعد از مرگ فرانکو است. کشیشی عنوان «عالی جنابی» دریافت می‌کند و در پی این ارتقاء مقام ناخواسته که رشک همکارانش را برانگیخته آواره کوه و بیابان می‌شود. همسفر او سانچو نامی است که در انتخابات شغل شهرداری را از دست داده و هم پای عالی جناب دن کیشوت شده است. یکی از این دو تبلور آموزه‌های بی غش مسیحی است و دیگری مادی گرایی شکست خورده‌ای که هم‌چنان پای‌بند باورهای مسلکی خودش است. گفت‌وگوهای پر از نیش و نوش این دونفر، اساس و بنیاد کتاب را تشکیل می‌دهد.

آخرین کتابِ قبل از مرگ گرین، مجموعه داستانی کوتاهی به نام «آخرین کلام» بودَ که در ۱۹۹۰ منتشر شد و در ۲۰۰۳، بعد از مرگ، کتاب «سرزمین بی‌صاحب» از او به بازار آمد. گراهام گرین، که دو بار خواسته بود خود را معدوم کند و موفق نشده بود، با هشتادوهفت سال سن به مرگی طبیعی از دنیا رفت تا گفته شود: روح سرکش زمانه ما، آرام گرفت.

پایان

پایان یک رمان: «قصر»

گرستکر که خشمناکانه سر و دستش را تکان می‌داد، گویی که می‌کوشید از دور خانم مهماندار را ـ که مزاحم او بود ـ ساکت کند، از «ک» خواست که با او برود. ابتدا حاضر نبود توضیح بیشتری بدهد. او هیچ اعتنایی به اعتراض «ک» نکرد که می‌گفت می‌بایست به مدرسه برگردد. فقط وقتی «ک» به کشان‌کشان بردنش زبان به اعتراض گشود، گرستکر به او گفت که جای هیچ نگرانی نیست، «ک» هرچه لازم داشت در خانه خود او به دست می‌آورد، می‌توانست از فراشی مدرسه دست بکشد، منتها می‌بایست بدون تأخیر بیشتر بیاید. گرستکر همه روز انتظارش را کشیده بود. مادرش هیچ خبر نداشت که او کجاست. «ک» کم‌کم به او تسلیم می‌شد. پرسید: چرا می‌خواهد به او منزل و غذا بدهد؟ گرستکر به طور مبهم جواب داد که «ک» را لازم دارد تا از بابت اسب‌ها یاری‌اش دهد زیرا خود او کار دیگری دارد ولی حالا «ک» می‌بایست از چنین مقاومتی دست بردارد و دشواری‌های غیرضروری برایش پیش نیاورد. اگر مزد می‌خواست، بهش مزد هم می‌داد، ولی اکنون «ک» با وجود همه کشیدن‌ها وا ایستاد. گفت که از اسب هیچ سررشته‌ای ندارد. گرستکر بی‌شکیب گفت: لازم هم نکرده که سررشته‌ای داشته باشد و به حال غیظ دست‌هایش را به یکدیگر پیوست تا «ک» را به آمدن وادارد. سرانجام «ک» گفت: می‌دانم چرا می‌خواهی مرا با خودت ببری گرستکر نمی‌دانست که «ک» چه می‌داند: چون به گمانت می‌توانم پیش ارلانگر کاری برایت بکنم... اتاق توی آلونک گرستکر را آتش بخاری دیواری و ته‌شمعی نیمه‌روشن می‌کردند. در نور ته شمع، کسی قوز کرده در تونشستگی دیوار زیر لنگه خرپاهای اریب بالاسر کتاب می‌خواند. مادر گرستکر بود. دست لرزانش را به طرف «ک» دراز کرد و او را کنار خود نشاند. با زحمت حرف می‌زد. فهمیدن سخنش دشوار بود ولی چیزی که می‌گفت،... متن دستنوشته رمان «قصر» همین جا و به همین صورت ناتمام پایان می‌یابد.

«قصر» فرانتس کامکا، ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم، چاپ سوم ۱۳۸۱، انتشارات نیلوفر / ۳۹۵ و ۳۹۶.

شرح

من؛ چارلی چاپلین/۵

جدایی پدر و مادر



چاپلین در جوانی

قضاوت درباره اخلاق خانواده ما از روی الگوهای متداول، به همان اندازه خطاست که کسی بخواهد گرماسنجی را در آب جوش فرو کند. با چنین اصل و نسبی، دو دختر زیبای کفاش خیلی زود خانه پدری را ترک گفتند و به تئاتر کشیده شدند.

خاله «کیت»، کوچکترین خواهر مادرم، در نقش وردست بازیگران نیز بازی می‌کرد ولی ما چیز زیادی درباره او نمی‌دانستیم چون خیلی کم پیش ما می‌آمد. خوشگل بود و تندخو و هیچ وقت با مادرم نمی‌ساخت. دیدارهایی هم که گاه‌گاه از ما می‌کرد عموماً و ناگهان با بگومگوهای ناخوشایندی درباره چیزی که مادرم گفته یا کرده بود، ختم می‌شد.

مادرم در هیجده سالگی با مردی که سنی از او گذشته بود به آفریقا رفت.

او اغلب از زندگی خود در آنجا چیزهایی می‌گفت. زندگی پرتجملی در وسط باغ‌ها و خدمتکاران و اسب‌های سواری داشته است.

برادرم سیدنی را وقتی به دنیا آورد که هیجده سالش بود. به من می‌گفتند که مادرم سیدنی را از یک لرد انگلیسی دارد، و وقتی به سن بیست و یک سالگی برسد یک ثروت دو میلیون لیره‌ای به ارث خواهد برد. من از این موضوع هم خوشحال بودم، هم لجم می‌گرفت.

مادرم زیاد در آفریقا نماند و به انگلستان بازگشت، و آنجا با پدرم ازدواج کرد. نمی‌دانستم چه چیز باعث شده بود که دوران خوش زندگی مادرم در آفریقا به پایان برسد، لیکن در آن فقر و پریشانی بی‌اندازه‌ای که ما بسر می‌بردیم ملامتش می‌کردم که چرا از آن زندگی باشکوه چشم پوشیده است؟ مادرم می‌خندید و می‌گفت آن وقت خیلی جوان بوده و عقلش نمی‌رسیده است که چه باید بکند.

من هرگز نفهمیدم که میزان علاقه مادرم به پدرم تا چه حد بوده ولی هر بار که او از پدرم حرف می‌زد، لحن صحبتش تند و زننده نبود، و از آنجا حدس می‌زدم که مادرم در عشق ورزیدن خود بسیار واقع بین بود. گاهی با مهر و دلسوزی از پدرم یاد می‌کرد و گاه نیز از می‌خوارگی مدام و تندخویی او سخن می‌گفت. بعدها، هر بار که از دست من خشمگین می‌شد با غم و حسرت می‌گفت: «آخر تو هم مثل پدرت در فساد و تباهی خواهی مرد!»

او با پدرم پیش از رفتن به آفریقا آشنا شده بود. هر دو عاشق یکدیگر شده بودند و با هم در اجرای یک نمایشنامه موزیکال ایرلندی به نام «کارآگاه اوبراین» شرکت کرده بودند. در شانزده سالگی نقش اول نمایشنامه‌های عشقی به او محول می‌شد. در یکی از گشتهای شبانه با همان لردی که سنی از او می‌گذشت آشنا شد و همراه او به آفریقا رفت. وقتی به انگلستان بازگشت، پدرم پیوند گسسته خود را با او به‌هم بست و هر دو با هم ازدواج کردند. من سه‌سال بعد از این ازدواج به‌دنیا آمدم.

نمی‌دانم چه عوامل دیگری به جز میخوارگی دست‌اندرکار بود، ولی یک سال بعد از تولد من، پدر و مادرم از هم جدا شدند. مادرم ادعای خرجی نکرد. چون خودش بازیگر تماشاخانه بود و هفته‌ای بیست و پنج لیره مزد می‌گرفت و بسیار خوب می‌توانست زندگی خود و بچه‌هایش را تأمین کند. فقط وقتی که روزگار از او برگشت و به فقر و تنگدستی افتاد درصدد برآمد که از پدرم کمک خرج بگیرد. اگر چنین نبود هرگز چنین دعوایی را در دادگستری طرح نمی‌کرد.

از نظر صدا نیز همیشه ناراحتیهایی برای مادرم پیش می‌آمد. صدای او هیچوقت قوی نبود و با کمترین سرمایی که می‌خورد، دچار بیماری «لارنژیت» می‌شد و هفته‌ها طول می‌کشید تا خوب شود. با این وصف مجبور بود به کارش ادامه دهد، تا جایی که سرانجام صدایش کم‌کم خراب شد. هیچ نمی‌توانست به‌صدای خود اعتماد کند.

ادامه دارد

هنر

شترنبرگ: کشاکش میان انسان‌ها یعنی فی‌المثل تمام برخوردهائی که از عشق یک مرد به یک شخص دیگر ناشی می‌شود. و این کشاکش‌ها ابدی نیستند، و یقین ما در این مورد به همان اندازه است که می‌دانیم روابط مرد و زن در فلان دوره فرهنگی یا به همان دوره فرهنگی کاملا فرق می‌کرده. کشاکش‌های دسته دوم، کشاکش‌های میان انسان‌هاست در روابطشان با نهادها، مثلا با حکومت. اما این کشاکش‌ها هم ابدی نیستند،بلکه بستگی دارند به میدان عملی که انسان، به عنوان فرد، دارد و میدان عملی که قدرت حاکم دارد. به این ترتیب، مناسبات حکومت با انسان‌ها، و در نتیجه روابط انسانها با یکدیگر هم، در دوره‌های فرهنگی مختلف با هم کاملا فرق می‌کنند. این روابط در دوران باستان، که اقتصادش برپایه بردگی استوار بود از نوعی خاص است ـ و به همین سبب هم آثار نمایشی این دوره از این حیث برای ما ابدی نیستند ـ، و در نظام اقتصادی جدید، یعنی در نظام سرمایه‌داری، از نوعی دیگر است، و البته در دوره آتی هم که در آن، طبقات و اختلافات طبقاتی وجود نخواهد داشت، از نوع دیگری خواهد بود. این است که زمان ما، یعنی عصری که نقطه تحویل دو دوره تاریخی را تشکیل می‌دهد، درست زمانی است که صحبت از ارزش ابدی را بی‌مورد می‌کند.

برینگ: می‌توانید این مطلب خیلی کلی را به طور خاص در مورد شکسپیر توضیح بدهید؟

شترنبرگ: آثار نمایشی اروپائی حتی یک قدم هم از آثار شکسپیر پیشتر نرفته است. شکسپیر در نقطه تحویل دو دوره تاریخی زندگی می‌کرد. او از چیزی که مشمول تسمیه «قرون وسطی» می‌شود متأثر بود ولی در همین زمان، انسان قرون وسطائی، بر اثر پویائی عصر، از بسیاری بستگیها آزاد شده بود. انسان این عصر، به عنوان فرد زاده شده بود، به عنوان موجودی تقسیم‌ناپذیر و تعویض ناشدنی. به همین علت هم نمایشنامه‌های شکسپیر از یک طرف نمایشنامه انسان قرون وسطائی است و از طرف دیگر، نمایشنامه انسانی است که هرچه بیشتر خود را به عنوان فرد بازمی‌شناسد، و به عنوان فرد نیز، در برخورد با امثال خود و قدرت‌های مافوق، درگیر موقعیت‌های دراماتیک می‌شود. چیزی که در این میان اهمیت دارد، موضوعاتی است که شکسپیر برای نمایشنامه‌های بزرگ رومی خود انتخاب کرده است. او درباره دوره جمهوری روم که در آن، یک نام تنها، هنوز معنائی نداشت و خواست جمع به طور کلی مطرح بود هیچ اثری ننوشته، بلکه دوره‌های قبل و بعد از آن را انتخاب کرده است: دوران اساطیری را که فرد هنوز به مقاومت در برابر توده می‌ایستاد، مثلا در «کوریولانوس»، و زمان از هم پاشیده شدن قلمرو حکومت روم را که گسترشش آبستن زوال بود (و در این جریان، فردهای بزرگ را به ظهور می‌رساند)، مثلا در «یولیوس سزار» و «آنتونیوس و کلئوپاترا».

برشت: بله، فردهای بزرگ! فرد بزرگ، موضوع نمایشنامه‌های شکسپیر بود و این موضوع، قالب آثار نمایشی او را هم تعیین می‌کرد، قالبی که اصطلاحاً «دراماتیک» خوانده می‌شود. و «دراماتیک» در اینجا یعنی: پرتحرک، پرشور، پرتعارض، پویا. ولی این قالب دراماتیک چه بود؟ هدفش چه بود؟ جواب دقیق را در آثار شکسپیر می‌توان یافت. شکسپیر در جریان چهار پرده نمایشنامه، تمامی بستگیهای بشری را با خانواده و حکومت، از فرد بزرگ خود، از لیر و اتللو و مکبث، می‌گیرد و او را به دشت و به تنهایی محض می‌کشاند تا این فرد بتواند به هنگام سقوط، بزرگ بنماید. نتیجه این روش، قالبی است شبیه آسیاب. وجود جمله اول تراژدی برای جمله دوم است و همه جمله‌ها برای جمله آخر. چیزی که حرکت این دستگاه را تضمین می‌کند شور است، و هدف این حرکت، تجربه عاطفی و فردی بزرگ. ادوار آینده، این نمایشنامه‌ها را نمایشنامه‌های آدم‌خوران خواهند خواند و خواهند گفت که انسان این دوره، در آغاز مانند ریچارد سوم با آسایش خورده می‌شد و در پایان مانند هنشل گاری‌چی با ترحم، ولی در هر حال خورده می‌شد.

شترنبرگ: ولی شکسپیر، هنوز نماینده دوره قهرمانی آثار نمایشی هم بود، و در نتیجه نماینده دوره تجربه عاطفی قهرمان‌وار. پس از او قهرمان و قهرمانی از بین رفت اما شهوت کسب تجربه عاطفی باقی ماند. هرچه به قرن نوزدهم، و در این قرن به نیمه دومش می‌رسیم، می‌بینیم که آثار نمایشی بورژوائی، یک شکل‌تر می‌شوند؛ مرکز میدان تجربه عاطفی بورژوا را ـ در نمایشنامه! ـ به طور عمده روابط مرد با زن، و زن با مرد، تشکیل می‌داده. تمامی امکاناتی که از این مسأله منتج می‌شد، دست‌کم یک بار موضوع یکی از آثار نمایشی بورژوائی شده است: اینکه آیا زن پیش شوهرش می‌رود یا پیش یک نفر سوم، یا

برشت و تئاتر

شکسپیر و کارهایش



پیش هر دو یا پیش هیچ کدام؛ اینکه آیا شوهرها باید همدیگر را هدف گلوله قرار بدهند یا کدام کدام را بکشد. قسمت اعظم نمایشنامه‌های قرن نوزدهم در همین جدول مسخره خلاصه می‌شود. سؤالی که در اینجا به میان می‌آید این است که از این به بعد، یعنی حالا که خواه و ناخواه واقعیت به ما نشان می‌دهد که فرد، به عنوان فرد، به عنوان فردیت، به عنوان موجود تقسیم‌ناپذیر، رفته رفته دارد از بین می‌رود، حالا که دوره سرمایه‌داری دارد بسر می‌رسد و جمع دارد مجدداً قاطعیت پیدا می‌کند ـ حالا چه اتفاقی خواهد افتاد.

برینگ: در چنین وضعی چاره کار تنها این است که تمامی فن نمایشنامه‌نویسی متعارف را کنار بگذاریم. البته منتقدان و اهل تئاتر مدعی خواهند بود که برای رسیدن به یک نمایشنامه‌نویسی درست، کافی است به مکتب نمایشنامه‌نویسی پاریسی برویم، کافی است گفتگوها را هموار، ساختمان صحنه را اصلاح و فن نمایشنامه‌نویسی را تلطیف کنیم. ولی اینها در اشتباه‌اند، چون نحوه کار ایبس و فرانسویها مدتهاست که به بن‌بست رسیده و بعد از آن هم هیچ تحولی صورت نگرفته. خیر، مسأله‌ای که مطرح است مسأله تلطیف یکی از فنون موجود، یا اصلاح، یا مکتب پاریسی و غیرپاریسی نیست. این همان اشتباهی است که فی‌المثل هازن کلور با کمدی «عقدها را در آسمان می‌بندند» مرتکب شده است. خیر، مسأله‌ای که مطرح است یافتن نمایشنامه‌ای است که با آثار نمایشی موجود یکسره متفاوت باشد.

برشت: بله، همین نمایشنامه داستانی.

برینگ: بله، آقای برشت. شما در این مورد نظریه کاملاً مشخصی بدست داده‌اید. نظریه نمایشنامه داستانی‌تان را.

برشت: نظریه نمایشنامه داستانی البته از ماست؛ سعی هم کرده‌ایم چند نمایشنامه داستانی بنویسیم، مثلاً من «آدم آدم است» را مطابق فنون داستانی نوشتم، برونن «لشکرکشی به قطب شرق» را و خانم فلایسر نمایشنامه‌های اینگولشتاتی خود را. ولی کوشش برای نوشتن نمایشنامه‌های داستانی خیلی پیشتر از این صورت گرفته؛ شروعش را باید در زمانی دید که علم آغاز شد، در قرن پیش. سالهای اول نهضت طبیعی‌گرایی آغاز نمایشنامه‌های داستانی بود، البته در اروپا. در حیطه‌های فرهنگی دیگر، نظیر چین و هند، این قالب پیشرفته را از دو هزار سال پیش داشته‌اند.

نمایشنامه طبیعی‌گرا ثمره رمان بورژوایی نویسندگانی بود نظیر زولا و داستایوسکی، که این هم به نوبت خود، تأثیر علم را در قلمروهای هنری نشان می‌دهد. سعی طبیعی‌گرایان (ایبس و هاوپتمان) بر این بود که موضوعهای جدید رمانهای جدید را به روی صحنه بیاورند و برای این کار هیچ قالبی جز قالب همین رمانها، یعنی قالب داستانی را پیدا نمی‌کردند. ولی وقتی بلافاصله پس از عرضه این آثار به آنها ایراد گرفته شد که کارشان غیرنمایشی است، قالب را کنار گذاشتند و همراه قالب، موضوعها را. و این، وقفه‌ای بود در پیشرفتی که در ظاهر به سمت موضوع، ولی در واقع به سمت قالب داستانی صورت گرفته بود.

برینگ: پس به نظر شما نمایشنامه داستانی سنتی دارد که اکثر مردم از آن بی‌خبرند و تمامی تحولات ادبی پنجاه سال اخیر در جهت نمایشنامه داستانی پیش می‌رفته است. آخرین نماینده این تحول به نظر شما کیست؟

گئورک کایزر برینگ: درست نمی‌فهمم. اتفاقاً گئورگ کایزر به نظر من نماینده آخرین مرحله نمایشنامه فردگراست، یعنی نمایشنامه‌ای که درست قطب مخالف نمایشنامه داستانی است. کایزر نمایشنامه نویسی است که هیچ وسعت دید ندارد. او با سبکی که بکار می‌برد موضوع نمایشنامه‌های خود را زایل می‌کند، با این سبک به واقعیت پشت می‌کند. شما کجای این سبک را قابل استفاده می‌بینید؟ سبک کایزر یک سبک خصوصی است، یک دستخط شخصی است.

برشت: بله، کایزر فردگرا هم هست، با اینهمه در فن او چیزی هست که با فردگرائی‌اش نمی‌سازد، این است که با کارما می‌سازد. اینکه چیزی در هیچ مورد پیشرفت نداشته باشد ولی از نظر فنی، پیشرفته باشد، تنها در نمایشنامه‌نویسی نیست که مصداق دارد. کارخانه فورد فی‌المثل، از دیدگاه صنعت که نگاه کنیم، سازمانی است بلشکویکی که بیشتر با جامعه بلشویکی سازگار است تا با فرد بورژوا. کایزر به خاطر فن خود واقعاً هم از مهمترین فن شکسپیر، یعنی از تأثیر القائی چشم می‌پوشد، از این تاثیری که می‌شود به صرع تشبیهش کرد: مصروع، تمام کسانی را که استعداد دچار شدن به صرع را دارند گرفتار صرع می‌کند. کایزر واقعاً به عقل متوسل می‌شود.

یرینگ: درست است، به عقل، ولی با محتوائی فردگرایانه، و حتی در قالبی کاملا نمایشی، مثلا در «از بامداد تا نیمه شب»، به این ترتیب شما چطور می‌خواهید فاصلهٔ دراز میان این نوع نمایشنامه و نمایشنامه داستانی را به این سادگی طی کنید؟

شترنبرگ: فاصله کایزر تا برشت کوتاه است. کار برشت ادامهٔ کار کایزر نیست، بلکه یک تطور جدلی است. عقلی که در نمایشنامه‌های کایزر بکار می‌رفت تا میدانهای تجربهٔ عاطفی سرنوشت فردها، در قالبی نمایشی با یکدیگر برخورد کنند - این عقل را برشت آگاهانه بکار می‌گیرد تا فرد را از تخت حاکمیت پائین بکشد.

برشت: البته شکی نیست که نمایشنامهٔ داستانی، به علت محتوای جمعی خود، برای واداشتن تماشاگر به مباحثه مناسبتر است.

یرینگ: چطور؟ الان در برلین نمایشنامه‌ای نمایشی (و نه داستانی) را اجرا می‌کنند: «طغیان در دارالتأدیب» از پ.م.لامپل را. با اینهمه اجرای این نمایشنامهٔ نمایشی، همان تأثیری را بر تماشاگران دارد که نمایشنامهٔ داستانی. مردم راجع به موضوع این نمایشنامه بحث می‌کنند نه راجع به ارزشهای زیبائی شناختی آن.

از نگاه استاد محقق / با یاد استاد مطهّری

این اقامت که حدود یک سال و نیم انجامید خاصه در کنار روحانی همشهری خود، آرامشی را برای او به وجود آورد که بتواند طرح تحقیقات و پژوهش‌ها، و اندیشه‌های اصلاحی خود، و روش جامع تذکیر و تدریس برای نسل جوان را به سرانجام برساند.

در طی سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۵۷ ارتباط من با مرحوم مطهری در برخی از جلسه‌های علمی و مشورتی دانشگاه تهران بود که در بیشتر آن‌ها ایشان نماینده دانشکده الهیات و من نماینده دانشکده ادبیات بودم. از این گونه نشست‌ها جلسه‌ای بود که در دفتر وزیر علوم و آموزش عالی تشکیل شد که در آن تعدادی از فضلای کشور و استادان دانشگاه حضور داشتند و مسأله مورد بحث این بود که چه تدبیری باید اندیشیده شود تا نسل جوان و دانشجو بتواند الگو و نمونه‌ای از میان معاریف و مشاهیر کشور برای خود برگزیند. مرحوم مطهری بی‌پروا اظهار داشتند که جوان ایرانی از بزرگان این کشور مایوس شده و می‌کوشد الگو و نمونه خود را در خارج از کشور جستجو کند، زیرا برخی از رجال کشور آن‌چنان به تملق و چاپلوسی و خواری تن داده و دانش و آزادگی و دین و مروت را بنده درم ساخته‌اند که نسل جوان اگر شرح احوال آنان را بخواند به قصد آن می‌خواند که چه تدبیری بیندیشد تا مانند آنان نشود.

قلم

حمید مجتهدی

زندگی و سرگذشت ژول‌ورن به قلمِ نواده‌اش

ابوالهول



ژول ورن

«از انقباض عضله مچ دست راستم خیلی رنج می‌برم، ولی این درد مانع از آن نمی‌شود که مثل همیشه با جدیت به کار ادامه دهم. تقریباً هیچوقت از خانه بیرون نمی‌روم، همچنانکه تا چندی پیش به عنوان ادمی که نمی‌تواند در خانه بند شود شناخته می‌شدم اکنون به صورت آدمی درآمده‌ام که کمتر از خانه پا بیرون می‌گذارد. بالا رفتن سن، بیماری و دلشوره به همدیگر دست داده‌اند تا مرا به صورت آدمی در آورند که پشتش هیچگاه از صندلی دور نمی‌شود.

در اول سپتامبر سال ۱۸۹۶ بخش اول داستان ابوالهول قطب جنوب را برای هتزل پسر فرستاد و این اثر سرانجام تحت عنوان ابوالهول کوههای یخ در سال ۱۷۹۷ به چاپ رسید و این اثر در سال بعد تحت عنوان راز قطب جنوب به انگلیسی برگردانده و منتشر گشت.

ژول‌ورن ضمن نامه‌ای که همراه بخش اول داستان برای هتزل پسر فرستاد شرحی دربارهٔ مضمون داستان تازه‌اش از این قرار می‌نویسد:

«این اثر، چیزی برابر داستان ناخدا هاتراس است؛ گرچه در این دو داستان، نه از نظر مضمون اصلی و نه از جهت شخصیتهای داستان، نکاتی نیست که آن دو را به یکدیگر شبیه سازد. این داستان در زمان مناسبی منتشر می‌شود؛ زیرا مردم در این روزها با شوق و کنجکاوی دربارهٔ سفرهای اکتشافی به قطب جنوب صحبت می‌کنند. شروع داستان من، براساس مضمون یکی از عجیبترین داستانهای ادگار آلن پو به نام روایتهای آرتور گوردون پیم است؛ ولی به هیچ روی لازم نیست که شخص داستان پو را خوانده باشد تا از داستان من سر در بیاورد. من همهٔ آن نکته‌هایی را که پو در اثرش به صورت معلق و مبهم باقی گذارده است مورد استفاده قرار داده‌ام و هالهٔ اسراری که برخی از شخصیتهای داستان پو را در خود پوشانیده است بر کنار زده‌ام. به خصوص از یک حسن تصادف خوب و بدیع بهره برده‌ام: یکی از شخصیتهای داستان من که نظیر دیگران، گمان می‌برد داستان پو صرفاً جنبهٔ افسانه و تخیل صرف دارد ناگهان خود را با واقعیتی روبرو می‌یابد. لازم به گفتن نیست که من در پروراندن داستان خود بسیار پیشتر می‌روم. خواهش می‌کنم نظر خود را دربارهٔ این داستان برایم بنویسی. امیدوارم خوانندگان از خواندن این داستان جدید خیلی خوششان بیاید.

«من به اندازه‌ای مجذوب جنبهٔ فوق‌العادهٔ این داستان تازه شده‌ام که میل دارم آن را به خاطرهٔ ادگار آلن‌پو و به دوستانمان در امریکا اهدا کنم. از اندیشهٔ نگارش این داستان و به پایان رساندن آن دستخوش هیجان شده‌ام، حال باید ببینیم آیا خوانندگان نیز از خواندن این داستان به هیجان خواهند آمد یا خیر... به عقیدهٔ خودم، قهرمان این داستان نیز گوردون پیمِ دیگری است؛ ولی جنبهٔ واقعیت و ملموس بودن وی بسی بیشتر است و اصولاً شخصیتی جالبتر و گیراتر از آب درآمده. فردا در نظر دارم برای سیری بر روی دریا با قایق بروم و با این کار اندکی از رخوت خود بکاهم.»

در ژانویهٔ سال بعد، فرمهای چاپخانهٔ این اثر را تصحیح کرد. در این زمان دوار و سرگیجه با شدت و تکرار بیشتری او را آزار می‌داد و پزشکان با وسائل و داروهای خود چندبار معدهٔ او را شستشو دادند (در این موقع ژول‌ورن می‌گفت آیا می‌شود روزی بیاید که جراحان در تکنیک مخصوص برداشتن قسمتی از معدهٔ آدمی پیشرفت کافی حاصل کنند؟) دست راستش که با آن می‌نوشت روز به روز بیشتر درد می‌کرد و آزارش می‌داد. در این موقع، بیماری برونشیت نیز بر روماتیسم وی افزوده شد و در نتیجه تا بدان حد رنجور شده بود که نمی‌توانست حتی دور اطاق خوابش خود را چند قدمی بکشاند. از همهٔ اینها بدتر و آزاردهنده‌تر در این زمان رسیدن خبر سکتهٔ قلبی برادرش بود و چندی بعد خبر وحشتناک مرگ این برادر در تاریخ ۲۷ اوت ۱۸۹۷، بر سر ژول‌ورن چون ضربه‌ای مرگبار فرود آمد. ژول‌ورن چنان خرد شد. و دردمند شده بود که نتوانست در مراسم تشییع جنازه و تدفین برادر عزیزش حضور یابد.

در همهٔ این احوال اشتغال فکری ژول‌ورن دربارهٔ پسرش همچنان ادامه یافت. ژول‌ورن از هتزل پسر خواسته بود در حق وی لطف بزرگی مبذول دارد و به گفتهٔ خودش در این کار «برابر تو زانو می‌زنم و استدعا می‌کنم» بدین ترتیب که هتزل از نفوذ خود استفاده کند و برای میشل کاری بجوید و از قرار معلوم این کار نیز قرار بود در سازمان راه‌آهن برای میشل درست شود.

ادامه دارد

زبانزد

«چ»

چهارشنبه‌ها هم غش می‌کند!

* چون سیاهی شد ز مو هشیار می باید شدن.
* چون شد ز گلو فرو چه حلوا و چه زهر!
* چون شکم سیر باشد غم گرسنگی مخور.
* چون شناور نیستی پیرامُن جیحون مگرد.
* چون شیر به خود سپه شکن باش.
* چون صدقه دهی باید که دست چپ تو از آنچه دست راستت می‌کند مطلع نشود.
* چون عروِسی گذشت صد کاشه به نانی.
* چون عَلَم شد سرنگون لشکر پریشان می‌شود.
* چون عمر به سر رسد چه بغداد و چه بلخ.
* چون عود نبود چوب بید آوردم.
* چون غرض آمد هنر پوشیده شد.
* چون غله سپید گشت اگر ندروند خود بریزد.
* چون قافیه تنگ آید شاعر به جفنگ آید!
* چون قصد حرم باشد سهل است بیابانها.
* چون قضا آید چه سود از احتیاط.
* چون قضا آید طبیب ابله شود.
* چون قضا بیاید عاقل غافل گردد.
* چون کافر درویش نه دنیا و نه دین!
* چون کالَا خواهی خرید نخست مایه نگر و چون زن خواهی خواست دایه نگر و چون خانه خواهی خرید همسایه نگر.
* چون کسی قدر احسان نداند سزاوار بد کردن است.
* چون که آید سال نو گویم دریغ از پارسال.
* چون که با کودک سر و کارت فتاد/ پس زبان کودکی باید گشاد
* چون که پای غرض آمد مرض آمد به وجود.
* چون که جِدّ آید روَد هزل و مزاح.
* چون که دستت در میان روغن است/دست چربی بر سرِ درویش مال!
* چون که زورت نمی‌رسد بر خر/ گِرد پالان چرا همی گردی؟
* چون که صد آید نود هم پیش ماست.
* چون گِل بر دیوار زنی اگر در نگیرد نقش آن لامحاله بماند.
* چون گوسپند را بکشند از مُثله کردن و پوست باز کردن دردش نیاید.
* چون گوش روزه‌دار بر الله اکبر است.(باز آ که در فراق تو چشم امیدوار ...)
* چون مادر در آب غرقه شود فرزند خویش در زیر پای می‌گیرد.
* چون مرغ از دام جست دشوار باز آید.
* چون معانی جمع گردد شاعری آسان بود.
* چون نجس تَر شود نجستر شود.
* چون نداری مایه از لاف سخن خاموش باش!
* چون ندیدند حقیقت رهِ افسانه زدند.
* چون نیک بنگری همه تَزویر می‌کنند.
* چو نیکی کنی نیکی آید بَرت.
* چو وقت جو آید بکن در جوال.
* چو وقت مرگ مار آید به گِرد رهگذر گردد.
* چو یار ناز نماید شما نیاز کنید.
* چَهْ آن جا زن کز آن آبی برآید.
* چهارپا را چهار روز می‌آزمایند و دوپا را دو روز.
* چهارشنبه‌ها هم غش می‌کند!

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۱شهریور ۱۳۵۱(برابر با ۱۳رجب ۱۳۹۲، ۲۳اوت ۱۹۷۲) نقل شده است.

هزینه خانوارهای شهری و روستایی افزایش یافت

هزینه مصرف خانوارهای شهری و روستایی درنیمه اول سال گذشته افزایش داشته است. این افزایش برای خانوارهای شهری ۱۰/۸ درصد و برای خانوارهای روستایی ۱۷/۵ درصد بوده است.

براساس آمار جالبی که در اینباره توسط مرکز آمار ایران تهیه شده است هر خانوار شهری در طی ۳۰ روز در شش‌ماهه اول سال ۵۰ بطور متوسط مبلغ ۹۵۲۲ریال و هرخانواده روستایی در همین مدت ۴۹۱۲ ریال هزینه داشته است.

از متوسط هزینه یک خانوار شهری که جمعاً ۹۵۲۲ریال است، ۴۷/۵ درصد «۴۵۴۲ ریال» خوراک، ۵۲/۵درصد به هزینه‌های غیرخوراکی اختصاص دارد.

این ارقام در مقایسه با مدت مشابه سال ۴۹ نشان می‌دهد که هزینه‌های خوراکی به نسبتی معادل هشت دهم درصد افزایش یافته است، ولی در مقابل سهم هزینه‌های غیر خوراکی بهمین میزان کاهش نشان میدهد.

برای ترکیب هزینه‌های خوراکی نشان میدهد که بیشترین سهم از کل هزینه‌های خوراکی یعنی ۲۶/۶ درصد، صرف خرید آرد و غلات و نان می‌شود و بعد به ترتیب گوشت، میوه‌جات، لبنیات و تخم مرغ، سبزیجات، قند و شکر، روغن حیوانی و نباتی، چای و قهوه و دخانیات هزینه‌های خوراکی خانوارهای شهری را تشکیل می‌دهد.

سیگار اشنو فیلتردار بازار می‌آید

سیگار وینستون و کنت ساخت ایران اول دیماه آینده به بازار عرضه خواهد شد. ماشین آلات مربوط به ساخت این نوع سیگارها بتدریج وارد میشود و تا آخر آذرماه سال جاری در محل کارخانجات دخانیات ایران در تهران نصب خواهد شد.

از روز شنبه سیگار اشنو فیلتردار نیز وارد بازار مصرف خواهد شد.

دخانیات ایران برای بهبود کیفیت توتون سیگار طرحهای تازه‌ای را بمورد اجرا خواهد گذاشت درآمد امسال دخانیات از محل فروش محصولات دخانیات به ده میلیارد و ۲۲۹ میلیون ریال خواهد رسید این مطلب را آقای مهندس دیلمقانی مدیرعامل دخانیات ایران در جلسه هفتگی کلوپ روتاری شمال تهران که ظهر دیروز در هتل اینترکنتینانتال تشکیل شد بیان داشت.

برای تجهیز و جور کردن توتون سیگار یک کارخانه مانیپولاسیون (تخمیر مصنوعی) در رضائیه ایجاد شده که ظرف چند روز آینده رسماً افتتاح خواهد شد و با بهره‌برداری از این کارخانه در کیفیت توتون سیگار دگرگونی مطلوبی پدید خواهد آمد.

برای کمک موثر به بهبود هرچه بیشتر کیفیت توتون سیگار قسمتی از کارخانجات دخانیات نوسازی شده و بقیه تأسیسات نیز ظرف یکی دو سال آینده نوسازی خواهد شد.

کارخانه تهیه توتون چپق در سقز و تهیه تنباکو در اصفهان ظرف سال آینده مکانیزه خواهد شد.

دستور العمل اجرای مرحله دوم قانون استخدام ابلاغ شد

مقدمات اجرای طرح عمومی طبقه‌بندی مشاغل و کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون استخدام کشوری فراهم شد.

سازمان امور اداری و استخدامی کشور امروز طی بخشنامه‌ای از کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول قانون استخدام خواست که وظایف هر یک از پستهای مصوب را طی فرم (تعیین وظایف پست ثابت سازمانی) که قبلاً برای کلیه سازمان‌های مشمول قانون استخدام فرستاده شده است، با درنظر گرفتن آخرین تغییرات تشکیلاتی تکمیل و به مستخدمین خود ابلاغ کند تا بهنگام پیاده کردن مرحله دوم قانون استخدام کشوری وضع مشاغل مورد تصدی از لحاظ تخصیص به گروه‌های دوازده گانه مشخص شود.

دستور تشکیل صندوق بازنشستگی

بدنبال اطلاع ابلاغ قانون آئین نامه بازنشستگی کارمندان بخش خصوصی، بانکها و دیگر مؤسسات به وزارت کار و اموراجتماعی، شورای عالی تأمین اجتماعی نحوه و تاریخ تشکیل صندوقهای بازنشستگی این کارمندان را اعلام داشت.

به موجب ماده یک آئین‌نامه مذکور مؤسسات مشمول قانون حمایت کارمندان مکلفند هنگام پرداخت حقوق کارمندان خود ۷درصد از حقوق هر یک از آنان را بابت حق بیمه سهم کارمند کسر کرده و پس از افزایش چهارده درصد از بابت حق بیمه سهم کارفرما ـ مجموع آن را به صندوق مربوط پرداخت کنند.

خبرنگار ما گزارش میدهد:

صبح امروز هفتمین جلسه شورای عالی تأمین اجتماعی به ریاست دکتر مجیدی وزیر کار و اموراجتماعی و اعضای شورای تشکیل گردید.

دراین جلسه مقرر شد که در اجرای ماده ۴ قانون حمایت کارمندان در برابر اثرات ناشی از پیری و کارافتادگی و فوت و ماده یک آئین نامه وظایف شورای عالی تأمین اجتماعی صندوق‌های حمایت کارمندان ـ موسسات تشکیل شود.

قاب امروز



یک حس خوب پس از المپیک / منبع: msnbc

امروز با حافظ

آن پیک نامور که رسید از دیار دوست
آورد حرز جان ز خط مشکبار دوست

خوش می‌دهد نشان جلال و جمال یار
خوش می کند حکایت عز و وقار دوست

دل دادمش به مژده و خجلت همی‌برم
زین نقد قلب خویش که کردم نثار دوست

شکر خدا که از مدد بخت کارساز
بر حسب آرزوست همه کار و بار دوست

سیر سپهر و دور قمر را چه اختیار
در گردشند بر حسب اختیار دوست

گر باد فتنه هر دو جهان را به هم زند
ما و چراغ چشم و ره انتظار دوست

کحل الجواهری به من آر ای نسیم صبح
زان خاک نیکبخت که شد رهگذار دوست

ماییم و آستانه عشق و سر نیاز
تا خواب خوش که را برد اندر کنار دوست

دشمن به قصد حافظ اگر دم زند چه باک
منت خدای را که نیم شرمسار دوست

سخنان بزرگان

- **بیشتر بدبختی‌های ما قابل تحمل‌تر از تفسیرهایی است که دوستانمان درباره آن‌ها می‌کنند.**

کولتون

- **نمی‌توان امید داشت، آدم‌های کوچک رازهای بزرگ را نگاه دارند.**

حکیم ارد بزرگ

- **داشتن یا به دست آوردن کسی آنقدرها مهم نیست آنچه مهم است که عاشقانه یکدیگر را دوست داشته باشند.**

اوآ سی‌دبرگ

چگونه می‌توانیم موفق شویم

مثبت باوری و مثبت اندیشی

فرق بین مثبت اندیشی و مثبت باوری چیست؟ چنانچه شما صرفاً به افکار خود گوش فرا دهید چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آیا افکار شما مثبت است یا منفی؟ آیا شما برای موفقیت برنامه‌ریزی می‌کنید یا برای شکست؟

نوع و نحوه تفکر شما در انجام کار و برنامه‌ای که در پیش دارید عمیقاً موثر است.

داشتن موضعی مثبت هم چنین برخورداری از انگیزه در انجام امور باید انتخاب هر روزه ما باشد. مثبت زندگی کردن نسبتاً مشکل است لکن منفی زندگی کردن مشکل‌تر از آن است. ما هنگام انتخاب بین این دو طبیعی است که باید موضع مثبت را برگزینیم. تفکر مثبت برای به کارگیری توانایی کامل به ما کمک کننده است.

مثبت باوری چیزی فراتر از مثبت اندیشی است و آن آگاهی و کنترل نسبت به بکارگیری افکار مثبت در انجام امور است. مثبت باوری همان اطمینان به نفس است که لازمه آن آمادگی برای انجام کار است.

داشتن روح مثبت باوری بدون تلاشگری برای انجام کارها چیزی غیر از رؤیاپروری نیست و به تنهایی کاری از پیش نمی‌برد. داستان ذیل موضوع مثبت باوری را به خوبی تصویر می‌کند:

چند سال پیش کارخانه لاکهید هواپیمای سه ستاره ۱/۱۱ را معرفی کرد. برای حصول اطمینان از ایمنی و قدرتمندی این هواپیمای جت شرکت لاکهید یک آزمایش پر هزینه بالغ بر ۱/۵ میلیارد دلار را بر روی آن انجام داد.

هواپیما توسط جک‌های هیدرولیک و حسگرهای الکترونیک به تعداد ۳۶... ساعت پرواز مشابه سازی شد و (برابر با یکصد سال خدمات هوائی) هیچ گونه ایرادی باقی نماند. سرانجام پس از انجام هزاران بار آزمایش مختلف به هواپیما اجازه‌پرواز داده شد.

آیا پس از انجام این پروسه‌ها لاکهید دلایل خود را برای مثبت باوری دارد؟

مطمئناً بلی!

برای پرواز این هواپیما همه موانع برطرف و همه عوامل فراهم آمده است تا این هواپیما پرواز کند.

نوشته: شیو خرا
مترجم: عبدالله مولیانی

امروز در تاریخ

سالروز جنگ چالدران

۲۳آگوست سال ۱۵۱۴ میلادی، دشت چالدران در نزدیکی خوی صحنه نخستین و در عین حال معروفترین جنگ عثمانی (ترکیه) و ایران بود. هدف های سلیم اول سلطان عثمانی از لشکر کشی به ایران عبارت بود از: جلوگیری از گسترش مذهب شیعه اثنی عشری که مذهب رسمی ایرانیان اعلام شده بود به متصرفات عثمانی و پیوستن شیعیان قلمرو عثمانی (معروف به علویان) به قلمرو دولت تازه تاسیس صفوی ایران؛ ضمیمه کردن مناطق کردنشین شمال غربی و محل سکونت ترکمانان (در شرق ترکیه امروز و شمال شرقی عراق که از آق قویونلوها و قره قویونلوها و بقایای سلجوقیان بوده اند) به قلمرو خود، مانع شدن از گسترش و رشد «ایرانیسم» که با روی کار آمدن شاه اسماعیل صفوی دوباره سربلند کرده بود.

در جنگ چالدران که در آن شاه اسماعیل به دلیل نداشتن اسلحه آتشین (توپ و تفنگ) و یک ارتش ملی (غیر عشایری) شکست خورد، سلطان سلیم تنها به یک هدف خود که ضمیمه ساختن قسمتی از مناطق کردنشین و ترکمان نشین به قلمرو عثمانی بود رسید.

سلطان سلیم یکم پس از پیروزی در نبرد چالدران به سوی تبریز پیش راند و چهارم سپتامبر (۱۴ شهریور) وارد این شهر شد، اما بر اثر مقاومت مردم و جنگ و گریز نیروهای محلی وفادار به شاه اسماعیل مجبور به بازگشت شد.

شاه اسماعیل تا زمان جنگ چالدران، مخالف اسلحه آتشین بود، توپ را سلاح کشتار جمعی و بکاربردنش را خلاف آیین جوانمردی می پنداشت. جنگ چالدران بزرگترین جنگ شمشیر با تفنگ در طول تاریخ است.

غفلت و سهل انگاری

رضا شاه پهلوی ۲۳ آگوست ۱۹۴۱ بالاخره دستور داد آن دسته از اتباع آلمان که در ایران به وجودشان نیاز نیست از این کشور خارج شوند. شاید او هنوز متوجه نشده بود که اخطارهای پی در پی لندن و مسکو دایر بر اخراج آلمانی ها، فریب او و خرید وقت برای اشغال نظامی ایران بود. رادیو دولتی لندن که در کنترل ماشین جنگی انگلستان بود پنج روز پیش از آن، شمار آلمانی هارا در ایران ۲۷۰۰ تن اعلام کرده و گفته بود که وجود این آلمانی ها در ایران امنیت همسایگان این کشور را تهدید می کند.رضاشاه که در سال های آخر سلطنت خود تلاش کرد از حلقه نفوذ انگلیسی ها خارج شود به احتمال زیاد تفسیر درستی از تحولات بین المللی تیر و مرداد ۱۳۲۰ نداشت با این که رضاشاه با تایید و حمایت انگلیسی ها روی کار آمده و به طور منطقی باید عوامل داخلی آنان در ایران را می شناخت و روش انگلیسی ها را در تطمیع مقامات می‌دانست، در ماه های منتهی به سوم شهریور ۱۳۲۰ موفق به مقابله با شگرد و حیله های آنان نشد. و در نتیجه خود مجبور به ترک ایران شد و کشور اشغال نظامی شد، و سه سال بعد (۴ مرداد ۱۳۲۳) در تبعید در ژوهانسبورگ افریقای جنوبی درگذشت، در مصر جسدش را مومیائی کردند و سال‌ها بعد به ایران بازگرداندند!

تشکیل کابینه کودتا

یکم شهریور ۱۳۳۲ سرلشکر زاهدی کابینه خودرا که در آن علی امینی (که شهرت داشت مورد حمایت دولت واشنگتن است) وزیر دارایی بود و بسیاری آن را کابینه کودتا می خوانند تشکیل داد و به بسیاری از کسانی که به او در رسیدن به قدرت یاری رسانده بودند مقام و منصب و امتیازهای متعدد داد. در همین روز، کِرمیت روزولت مامور ارشد «سیا» که از او به عنوان یکی از مجریَان اصلی طرح براندازی حکومت دکتر مصدق نام می برند، با شاه ملاقات کرد.



زاهدی یکم شهریور ماه ۱۳۳۲ کابینه خودرا تشکیل داد که وزیرانش عبارت بودند از: دکتر علی امینی، دکتر جهانشاه صالح، دکتر علی اصغر پورهمایون، علی اصغر حکمت، جمال اخوی، احمدحسین عدل، مهندس میکده، سرلشکر احمد وثوق، سرتیپ محمد حسین جهانبانی، سرتیپ عباس فرزانگان و ....

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول سودوکو

سودوکو (Sudoku) یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است وامروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون های حل جدول سودو کو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد ۱ تا ۹ نوشته شود بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد ۱ تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

آسان ۱۲۵۷

۳				۴	۷			
		۵	۳	۹	۶	۷		
۱	۶				۵			۹
				۸	۲	۶	۷	
				۵	۱	۲	۴	۳
۲		۶	۷					
۴	۸				۳			
	۲		۴	۷			۵	
	۵	۹		۱	۸	۳		

حل جدول شماره ۱۲۵۶

۲	۵	۱	۷	۸	۹	۴	۳	۶
۳	۶	۷	۱	۲	۴	۸	۵	۹
۸	۹	۴	۵	۳	۶	۱	۷	۲
۷	۳	۸	۲	۶	۱	۹	۴	۵
۴	۱	۵	۹	۷	۸	۶	۲	۳
۶	۲	۹	۳	۴	۵	۷	۸	۱
۵	۴	۶	۸	۹	۲	۳	۱	۷
۱	۸	۳	۶	۵	۷	۲	۹	۴
۹	۷	۲	۴	۱	۳	۵	۶	۸

دشوار ۵۸۰

۴				۵				۱
۶					۸			
		۲		۹		۴		۶
			۱			۷		
	۳						۴	
	۲			۸	۶			
		۶	۸			۳	۹	
۱	۴				۲		۶	۷
	۷				۵			

حل جدول شماره ۵۷۹

۱	۶	۸	۳	۹	۲	۴	۷	۵
۳	۲	۴	۱	۷	۵	۶	۸	۹
۵	۹	۷	۸	۶	۴	۳	۲	۱
۹	۴	۲	۷	۳	۱	۵	۶	۸
۷	۵	۳	۲	۸	۶	۱	۹	۴
۸	۱	۶	۵	۴	۹	۲	۳	۷
۶	۳	۵	۹	۱	۷	۸	۴	۲
۴	۷	۱	۶	۲	۸	۹	۵	۳
۲	۸	۹	۴	۵	۳	۷	۱	۶